



فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی (شاپا: ۳۲۷۹-۲۳۸۳)

سال شانزدهم شماره دو زمستان ۱۴۰۴

شماره پیاپی ۶۲

صاحب امتیاز: انجمن معارف اسلامی

مدیر مسئول: دکتر رضا حاجی ابراهیم

سردبیر: دکتر محمود قیوم زاده

اعضای هیئت تحریریه:

محسن جوادی، احمد دیلمی، جعفر شانظری، امیر عباس عزیزمانی، محمود قیوم زاده،

عبدالله نصری، علی احمد ناصح، محمدرسول آهنگران، ویلیام گراوند،

محمد محمدرضائی، رضا برنجکار، عین الله خادمی، محمدحسن قدردان قراملکی،

عبدالحسین خسرو پناه، سید ساجد علی پوری، مارتین براون.

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: مصطفی قیوم زاده

مترجم: محمد احسانی

صفحه آرا: حمید رضا علیزاده

ویرایش: خدمات احسان

یادآوری: فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی در زمینه‌های فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، اخلاق

کاربردی، اخلاق تطبیقی، چالش‌های اخلاقی دنیای جدید و تربیت اخلاقی مقاله می‌پذیرد.

مسئولیت مطالب هر مقاله از هر نظر بر عهده نویسنده است.

نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

فصلنامه در ویرایش، اختصار و اصلاح مقاله‌ها آزاد است.

آدرس پستی: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه، دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

تلفن: ۳۲۱۰۳۳۶۰، آدرس الکترونیک: Akhlagh_1393@yahoo.com

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی (ISC) و ایران ژورنال و همچنین در پایگاه اطلاعات علمی

جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود. نویسندگان محترم می‌توانند از طریق این پایگاه به نشانی

(www.SID.ir) مقالات خود را به صورت الکترونیکی (on-line) جهت بررسی به این نشریه ارسال کرده و

آن را رهگیری (Tracing) کنند و یا به ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال دارند.

بر اساس مجوز شماره ۳/۱۱/۳۶۵۲ مورخه ۱۳۸۹/۳/۳ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، درجه علمی به فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی اعطا شد.

پژوهش‌های اخلاقی - سال شانزدهم - شماره دو - زمستان ۱۴۰۴

شماره پیاپی ۶۲

(فصلنامه باخیز صاحبان اندیشه، قلم و مقالات مستشرمی شود.)

راهنمای شرایط تنظیم و ارسال مقالات

از نویسندگان درخواست می‌شود:

۱. مقاله ارسالی از ۲۰ صفحه (هر صفحه ۳۰۰ کلمه) بیشتر نشود.
۲. مقاله ارسالی، باید در محیط word با دقت تایپ و اصلاح شده (با طول سطر ۱۲ سانتیمتر، قطع وزیری) و بر یک روی صفحه A4 همراه با فایل آن به وب سایت یا ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال شود.
۳. مقاله ارسالی حتماً باید تألیفی باشد و مقالات ترجمه‌ای در صورتی قابل چاپ خواهند بود که همراه نقد و بررسی باشند.
۴. مقاله ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشد:
 - الف. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و در حد امکان چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
 - ب. مقدمه و نتیجه‌گیری.
 - ج. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آن (حداکثر ۵ واژه).
 - د. تعیین رتبه علمی نویسنده و مترجم و ایمیل نویسنده / نویسندگان
- هـ. درج اسامی و اصطلاحات مهجور، در پایین هر صفحه ضروری است.
۵. منابع و ارجاعات مقاله باید کامل و دقیق باشد، از ارسال مقالات با منابع ناقص جداً خودداری فرمایید.
۶. در صورتی که توضیحات پانویس‌ها فراوان باشد به پی‌نویس منتقل کنید.
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۹. منابع مورد استفاده در پایان مقاله به شکل زیر نوشته شود:

الف) کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.

ب) مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره مجله.

پژوهش‌های اخلاقی

فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی

زیر نظر هیأت تحریریه

سال شانزدهم، شماره دو، زمستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۶۲

۵ / رویکرد عدم تعهد دکتر مصدق به کشورهای خارجی و حمایت از تولید داخلی

عباسعلی امنی رثوف / منیژه صدری / رحیم شهرتی فر / منیره کاظمی راشد

۳۱ / خوانش نمایشی معراج پیامبر (ص) در الهی‌نامه عطار نیشابوری

حبیب آقائی / کامران پاشایی فخری / پروانه عادل‌زاده

۵۹ / جایگاه اخلاقی خالد بن ولید در تاریخ صدر اسلام

کمال الدین طباطبائی / سهیلا پایان

۷۱ / بررسی تطبیقی آموزه‌های اخلاقی دماپادا با مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین

فیروز فاضلی / اصغر عیسی پور کهلبونی

۹۷ / ارائه مدل پیشگیری از تخلفات اخلاقی در حسابداری با استفاده از تکنولوژی های مدرن

رامین فتح اله زاده دیزجی / حیدر محمدزاده سالطه / مهدی زینالی

۱۲۷ / ارائه چارچوب خط مشی رفتاری در مبارزه با فساد اداری، مبتنی بر مضامین نهج البلاغه

رحمت اله قلی پور / مهدی عبدالحمید / محمدرضا اسمعیلی گیوی / امیر دورانی

۱۵۳ / نقش روزمرگی بر شکل گیری رویداد در ساختمان درام (مطالعه: نمایشنامه - روز از نو - اثر:

داریوفو)

محمد حسین کودری / محمد شکری / مینو خانی

۱۶۹ / عدالت زیست محیطی و چگونگی دسترسی به آن در مقارنه‌ی اسناد بین المللی و حقوق ایران

رزیتا کهریزی / مهدی پیری / محسن عبداللهی

۱۹۳ / ویژگی‌های اخلاقی محمد علی شاه با توجه به توصیفات و نوشته های معاصرینش

منصور مومنی / فیاض زاهد / مجید رضا رجبی

۲۰۹ / امر به معروف و نهی از منکر؛ اهداف، شرایط فردی، اولویت و پیامدها (مطالعه موردی حجاب)

سید حاتم مهدوی نور

۲۳۷ / بهبود امنیت اجتماعی با الگوی سلسه مراتبی حمایت کیفری از آزادی های اساسی

مهدی مهری / نسرین مهرا / علی محمد مهدوی ثابت / قاسم قاسمی

۲۶۷ / مسئولیت پذیری معلمان: نقش پیش بینی کنندگی فرهنگ مدرسه و اخلاق حرفه ای در

مدارس ابتدایی

اعظم نیکوکار

۲۹۳ / کد اخلاقی برای سیستم‌های هوشمند

سید علی هاشمی / عباس ابراهیمی

۳۱۷ / گزاره‌های اخلاقی در آثار اطباء تمدن اسلامی: تحلیل تطبیقی با تمرکز بر رازی، ابن سینا

و سید اسماعیل جرجانی

آمنه باقری

۳۴۱ / ارکان تحمیل مسئولیت مدنی به واسطه سوانح ریلی و نهادها و اشخاص مسئول در قبال آن

اسماعیل کمالی / اکبر بشیری / اباست پورمحمد

۳۶۳ / الگوی تخیل جامعه شناختی در ادبیات با تحلیل آثار کامران پارسی نژاد و آتوسا صالحی

ناهید کهن / فاطمه آگاه / ثمنه بهادری جهرمی

1-16 / چکیده مقالات به لاتین (Abstracts)

رویکرد عدم تعهد دکتر مصدق به کشورهای خارجی و حمایت از تولید داخلی

عباسعلی امنی رئوف^۱

منیژه صدری^۲

رحیم شهری فر^۳

منیره کاظمی راشد^۴

چکیده

هدف از این تحقیق رویکرد سیاست عدم تعهد و بیطرفی مصدق در زمان ملی شدن صنعت نفت و پیامدهای آن می باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و برپایه مطالعات کتابخانه ای استوار است. مصدق بر منافع انگلیسی ها آسیب های جدی وارد کرده و آن ها در صدد ازمیان برداشتن وی بودند. وی بر مخالفت سرسختانه با قدرت های استعماری و تلاش در قطع هر نوع نفوذ خارجی بر همکاری همه جانبه با ملت های استعمار زده خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب آسیا، بویژه با مسلمانان جداً تاکید می ورزید و تا شرکت نفت انگلیس و ایران و قدرت بلا منازع انگلستان در ایران فعال هستند، نمی توان از استقلال سخن راند. دولت مصدق برای آزادی و استقلال کشور تلاش می کند و اگر احساس کند که نمی تواند به این هدف برسد می بایست کنار رود. اگر مصدق پس از سالها مبارزه با دولت انگلستان بر سر مهمترین مسأله سیاسی و اقتصادی کشور با آن ها مصالحه می کرد ضرورتی به نهضت ملی نبود. یافته های این پژوهش نشان می دهد که سیاست عدم تعهد در تلاش برای بهره گیری از رقابت کشورهای بزرگ در جهت تأمین حداکثر منافع ایران بود. پس از آنکه توانست در مرحله همراهی تا انسجام موفق به خلع ید از قدرت استعماری انگلستان گردد، به اقداماتی در جهت ایجاد تعادل میان دو ابر قدرت نوظهور ایالات متحد آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی دست زد. از نظر مصدق برای دست یابی به تعادل در درجه اول باید جلوی رقابت آشکار قدرتها در ایران را گرفت و در صورت لزوم با به جان هم انداختن آن دو، منافع ایران را تأمین نمود بی آنکه ایران با هیچ یک از آنها متحد شود

واژگان کلیدی

ملی شدن صنعت نفت، سیاست عدم تعهد، محمد مصدق.

۱. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. Email: 1377827445@iau.ir

۲. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: 5059891429@iau.ir

۳. گروه تاریخ، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران. Email: 1370569769@iau.ir

۴. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. Email: mkazemirashed@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۶ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۶/۳

طرح مسأله

مصدق از یک خانواده برجسته طبقه بالا با استقلال اخلاقی و روشنفکری بود. هدفش مبارزه با شرکت نفت انگلیس در ایران و استقلال و آزادی ایران و برقراری حکومت مشروطه بود. محبوبیت و حیثیت خود را مدیون اهدافی می‌دانست که به نفع افراد ملت به خصوص طبقات متوسط و پایین است چون ویژگی‌های شخصیتی وی را از بخش نخبگان حکومتی متمایز می‌ساخت. نخست وزیری مشارالیه تعادل باندهای سیاسی و عناصر طرفدار انگلستان را به وحشت انداخت. دولت انگلستان انتظار داشت تعدادی از شخصیت‌هایی که به وطن خویش خیانت کرده اند برای حفظ خودشان هم که شده اوضاع سابق را مجدداً برقرار کنند و آن دولت بتواند با حمایت شدگان خود مسأله نفت را به طور دلخواه حل نماید. عوامل دیگری که مانع حل بحران نفت می‌گردید، منافی بود که بعضی از شرکت‌های نفتی در منطقه خاورمیانه دنبال می‌کردند و می‌ترسیدند که در صورت حل مشکل نفت بر اساسی که دولت ایران پیشنهاد می‌کند، منافع آنها دچار مخاطره گردد. با ملی شدن صنعت نفت ایران، امپراتوری انگلستان از صحنه سیاسی و اقتصادی ایران خارج می‌شد و امکان نفوذ و حضور ایالات متحده آمریکا در صحنه سیاسی و اقتصادی فراهم می‌گردید. همچنین با از دست رفتن منافع بریتانیا در ایران و احتمال فعال شدن دیپلماسی شوروی در ایران آمریکا با رقیبی سرسخت که دارای ایدئولوژی کمونیستی و معارض با جهان غرب مواجه می‌شد. به همین سبب آمریکا به اجرای سیاست دوگانه و فرصت طلبانه ترغیب و با به آشتی کشاندن انگلیسی‌ها، مصدق را هم به نوعی سازش راضی کنند.

رهبران سیاسی آمریکا تلاش می‌کردند از فشار اقتصادی بیشتر بر ایران و حملات احتمالی نظامی انگلیسی‌ها جلوگیری کنند. تا موازات آن با اعمال سیاست هویج و چماق مصدق را به سازش سوق دهند و همه این سیاست‌ها عمدتاً به این دلیل بود که بهانه به دست شورویها برای مداخله ندهند. این سیاست در برابر آمریکا و سیاست‌های ترومن سیاست موازنه منفی، حفظ روابط دوستانه و مدارا و تساهل بود. با اعمال چنین سیاستی مصدق فکر می‌کرد، می‌تواند احتمالاً از کمک‌های مالی و اقتصادی آمریکایی‌ها که در شرایط محاصره اقتصادی سخت به آنها نیاز داشت استفاده و از وحدت سیاسی بین آمریکاییها و انگلیسی‌ها جلوگیری کند.

پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که عمدتاً تاریخی هستند در این زمینه تالیف شده اند و به صورت کلی در بحث روابط خارجی ایران به سیاست عدم تعهد و توازن منفی مصدق در دوره نخست وزیری اشاراتی کرده اند. که می‌توان به عنوان مثال کتاب عبدالرضا هوشنگ مهدوی تحت عنوان تاریخ روابط

خارجی ایران که به صورت کلی به روابط خارجی ایران پرداخته اما در زمینه سیاست عدم تعهد مطلب خاصی ندارد، علیرضا ازغندی در کتابی تحت عنوان روابط خارجی ایران از سال ۱۳۲۰-۱۳۵۷ به تاریخ روابط خارجی پرداخته و سیاست عدم تعهد مصدق را یکی از اصول سیاست های خارجی ایران دانسته که به بحران اقتصادی انجامید. ایرج ذوقی در کتاب تاریخ روابط ایران و قدرت های بزرگ و محمد جواد شیخ الاسلامی در کتاب تاریخ روابط خارجی دوره پهلوی به روابط خارجی ایران با کشورها پرداخته شده اما در مورد اصل عدم تعهد و موازنه منفی و ویژگی های آن در سیاست خارجی مطلبی ارائه نشده است و تنها به روابط خارجی ایران با کشورهای مختلف در دوره پهلوی پرداخته اند. اثر دیگر ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران نگارش جواد اطاعت است. نویسنده نظرش به ویژگی های ژئوپلیتیک ایران در تأثیرگذاری بر حفظ یا تغییر قدرت و ساختار نظام بین الملل که سبب تلاش دائمی قدرت های بزرگ برای تأثیر بر جهت گیری ایران شده است. تحت تأثیر این مؤلفه ایران سه الگوی بی طرفی، انطباق رضایت آمیز و اعتراضی را در پیش گرفته است. او جهت گیری های ایران را نتیجه رویارویی و برخورد با قدرت های خارجی می داند. همایون کاتوزیان در کتاب اقتصاد سیاسی ایران به وضعیت اقتصادی ایران در دوره ملی شدن صنعت نفت و اقتصاد بدون نفتی پرداخت می کند. کتاب قبله عالم ژئوپلیتیک ایران تألیف گراهام فولر، سیاست ایران را با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، همسایگان، محورهای ارتباطی، امکانات و توانایی هایش بررسی می کند. البته ژئوپلیتیک را از دیدگاهی گسترده تر می نگرد و به عوامل فرهنگی و تاریخی نظر دارد. نویسنده کتاب تحلیلگر عالیرتبه سازمان جاسوسی سیاه بوده و نزدیک بیست سال در منطقه خاورمیانه زندگی کرده است. قصد ارائه اطلاعات و تحلیل برای هدایت سیاست خارجی آمریکا در منطقه را داشته است. میرترابی، سید سعید در مقاله «تحلیل رابطه تعاملی ناسیونالیسم نفتی در ایران و تحولات ساختاری بازار نفت جهان»^۱ در رویکردی بین رشته ای تلاش می کند از منظر اقتصاد سیاسی بین المللی بازار نفت، رابطه تعاملی میان حرکت های ناسیونالیستی نفتی در کشور و تحولات در قوای تولید و فروش نفت در بازار جهانی نفت را تحلیل کند. صوفی علیرضا در مقاله «سیاست خارجی و بحران های داخلی حکومت محمدرضا پهلوی»^۲ به پیوستگی تحولات ایران با رویدادهای جهانی و بازیگران اصلی صحنه بین المللی در تاریخ معاصر و بی توجهی و شناخت دقیق و درک صحیح از اتفاقات گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را غیرممکن می سازد. در این پژوهش به

۱. میرترابی، سید سعید (۱۳۹۶): «تحلیل رابطه تعاملی ناسیونالیسم نفتی در ایران و تحولات ساختاری بازار نفت جهان»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شماره سی و سوم

۲. صوفی علیرضا (۱۳۸۸): در مقاله «سیاست خارجی و بحران های داخلی حکومت محمدرضا پهلوی»، پیک نور، دوره هفتم، شماره دوم

سیاست موازنه منفی یا عدم تعهد و ویژگی‌های آن در روابط بین الملل که توسط مصدق به درستی در دوره بحران ملی شدن نفت استفاده شد می‌پردازیم اگر چه این سیاست در کوتاه مدت و به سبب مداخله کشورهای خارجی به بحران اقتصادی انجامید اما می‌توانست با حمایت از تولیدات داخلی از تبدیل کشور ایران به یک کشور تک محصولی نفت جلوگیری کند.

مخالفت‌های مصدق با رضاشاه

نخستین درخشش دکتر مصدق در مجلس پنجم و جلسه نهم آبان ماه ۱۳۰۴ بود. در این جلسه باشجاعت، درایت و مهارت با تفویض پادشاهی به سردار سپه مخالفت کرد. بعد از آن که اقدامات مثبت سردار سپه را در زمینه امنیت و ثبات برشمرد گفت: وجود سردار سپه در مقام نخست وزیری برای کشور سودمند است اما اگر قرار است که به یک شاه مستبد تبدیل شود در این صورت اگر سرم را ببرند و اندام‌های بدنم را قطعه قطعه از هم جدا کنند هرگز با چنان امری موافقت نخواهم کرد آیا شما قبول می‌کنید که یک نفر هم شاه باشد، هم نخست وزیر و هم فرمانروا چنین حکومتی در زنگبار هم وجود ندارد. (عاقلی، ۱۳۷۴: ۷۲) در مجلس ششم ۱۳۰۴-۶ باز مصدق به نمایندگی انتخاب و تنها کسی بود که سوگند وفاداری نسبت به شاه و قانون اساسی یاد نکرد. در این مجلس با چند لایحه نیز مخالفت نمود که از آن جمله لایحه اصلاح نظام قضایی و لایحه تاسیس راه آهن سراسری بود. بعدها منتقدان ایرانی و غربی مصدق این عمل او را نشانه نوعی محافظه کاری اجتماعی و حتی سنت گرایی قلمداد کردند. (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۵۶۲/۲ و عاقلی، ۱۳۷۴: ۷۱۷) در مجلس هفتم مصدق رای نیلور و رضاشاه از او برای وزارت و صدارت دعوت به عمل آورد اما مصدق رنپذیرفت و بعدها در این مورد چنین گفت قبول کار هم از یک دیکتاتور مستلزم استعفا از شخصیت و آزادی عقیده بود. به همین جهت معذرت طلبیم. (رضاقلی، ۱۳۷۷: ۲۱۷) مشارالیه در ۱۳۱۹ به بیرجند تبعید شد و سرانجام به وساطت ارنست پرون تبعه سوئیس دوست محمد رضا که به دست غلامحسین مصدق بهبود یافته بود تحت نظر به احمد آباد منتقل شد. طولی نکشید که رضاشاه تاج و تخت را رها و محدودیت‌های مصدق هم برطرف و زندگی سیاسی جدیدی را شروع کرد. مصدق از معدود سیاستمدارانی بود که آنچه را می‌گفت انجام می‌داد. در زندگی این رجل سیاسی مواردی به چشم می‌خورد که در نوعی تضاد و یا تفاوت بین گفتار و کردار مشاهده می‌شود. مخالفانش دوست دارند چنین نتیجه بگیرند که وجود او نوعی تناقض به چشم می‌خورد ولی شاید این دو گانگی ناشی از قرار گرفتن در دو دنیای متفاوت باشد. در هر حال پاره‌ای تناقض در زندگی او وجود دارد از جمله این که در نزد او آزادی، دموکراسی و حقوق سیاسی فرد رب النوع جهان سیاستند و بالاترین و والاترین نعمت به حساب می‌آیند، این اصول به هیچ عنوان قابل خرید و فروش نیستند لیکن در موارد زیر خلاف آن را می‌توان مشاهده نمود. برقراری حکومت نظامی و تدوین لایحه امنیت اجتماعی، این لایحه

نه ماده ای قرار بود برای سه ماه به طور آزمایشی به اجرا گذاشته شود. هدف قانون جدید که در اول آبان ۱۳۳۱ به امضای مصدق رسید، افزایش امنیت و کاهش امکان تحریک و اغتشاش و دیگر فعالیت های مخل نظم عمومی بود. بقایای تا جایی پیش رفت که آن را بدتر از یاسای چنگیز خان نامید و آیت الله کاشانی هم آن را به کلی ناقض قانون اساسی و برخلاف مصالح کشور نامید. (عظیمی، ۱۳۷۲: ۴۲۶) این رفتار دوگانه را می توان در برخورد با انگلستان مشاهده نمود. او با آن که هرگز از انگلیسی ها خوشش نمی آمد ولی فرزنداناش را برای تحصیل به آن جا فرستاد. این مساله را ورتون والترز از قول هریمن که برای غلبه منطق بر احساس در مسئله نفت به تهران آمده بود نقل می کند. وقتی هریمن از او می پرسد نوه اش در کجا درس می خواند مصدق با خنده بلند و بریده گفت: معلوم است در انگلستان... می خواستید کجا برود؟ (مک گی والترز، بی تا: ۱۲۶) مخالفت دیگر او با بعضی از اصلاحات از جمله راه آهن بود مصدق با کشیدن راه آهن سراسری مخالف بود و عقیده داشت رضاشاه راه آهن سراسری را برای کمک رساندن به انگلیسی ها در جنگ جهانی دوم ساخته است. گویی انگلیسی ها به مدد علم غیب پیشاپیش از روی دادن جنگ جهانی دوم و نقشی که ایران به سبب موقعیت ژئواستراتژیک خود بایست بازی کند خبر داشتند. (شایگان، ۱۳۷۴: ۳۹) مخالفت با لایحه پیشنهادی علی اکبر داور وزیر دادگستری رضاشاه برای نوسازی نظام قضایی بدون هیچ دلیل موجهی او همچنین با نحوه تعریض خیابان ها و نوسازی شهرها نیز مخالفت کرد. بیشتر این مخالفت ها که بدون هیچ معیاری صورت می گرفت ناشی از شخصیت مخالف خوان او بود. از دیدگاه بعضی اندیشمندان کسی که قدم به عرصه سیاست نظری و عملی می گذارد بایستی در درونش نیرویی وجود داشته باشد که پیوسته در غوغا باشد و اهدافی نا آرام که پیوسته سرکشی کند این ویژگی سبب می شود که او دردهای جامعه را بهتر بشناسد و در درمان آنها نیز بکوشد. فرانتس نویمان می نویسد: هدف علم سیاست این است که ملکوت آزادی را بر روی زمین برپا و برقرار کند و چون تاکنون هیچ و هیچ رژیمی نتوانسته به این مقصود به طور کامل نایل آید از این روی عالم علم سیاست باید اصولاً ناراضی باشد. (نویمان، ۱۳۷۳: ۱۴)

سیاست عدم تعهد به کشورهای خارجی

استراتژی عدم تعهد به نوعی از سمت گیری سیاست خارجی اشاره دارد که بر اساس آن یک حکومت توانایی های نظامی و فرهنگی و سیاسی خود را در جهت مقاصد و منافع حکومت های دیگر به کار نمی گیرد. در واقع شکل متداول عدم تعهد در میان حکومت هایی مشاهده می شود که به ابتکار خود و بدون برخورداری از حمایت دیگران از قبول تعهدات نظامی و تامین مقاصد و خواسته های قدرتهای دیگر امتناع می ورزند بدین خاطر خواسته ها و اهداف

آنها در بسیاری از اصول و سیاست‌ها با منافع و خواسته‌های قدرتهای بزرگ در تعارض قرار دارد. بر اساس استراتژی عدم تعهد یک دولت غیر متعهد عضویت در سازمانهای بین‌المللی را ضروری میدانند ولی تنها به عضویت در این سازمانها بسنده نمی‌کند بلکه سعی می‌کند با اتخاذ سیاست‌های فعال و به کارگیری ابزارهای موثر تصمیم‌گیری آنها را در جهت منافع کشورهای بی طرف و غیر متعهد سوق دهد و بالاخره استراتژی عدم تعهد متمایل به تعقیب سیاستی تجدید نظر طلبانه در جهت دگرگونی در وضع موجود است. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۳۰) بر حسب سنت، استراتژی بی طرفی سبب برقراری موازنه قدرت در منطقه می‌شود در حالی که جهت‌گیری عدم تعهد در جهت موازنه منفی عمل می‌کند و در صدد برهم زدن توازن دلخواهی است که قدرتهای بزرگ خواهان حفظ آن می‌باشند. موازنه منفی در سطح تحلیل خرد، چیزی جز سیاست عدم تعهد که دکتر مصدق در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ به اجرا گذارده نمی‌باشد. مصدق در رابطه با ضرورت اتخاذ سیاست عدم تعهد در روابط خارجی می‌گوید که چه از نظر تاریخی و چه از نظر جغرافیایی مصلحت و منافع مردم ایران ایجاب می‌کند هم در دوران صلح و هم در شرایط جنگی سیاست عدم تعهد اتخاذ نمائیم چراکه بلوک شرق و غرب به منافع و مصلحت ملل کوچک توجهی ندارند. قدرتهای بزرگ برای تامین منافع خود، حاضر به استفاده از هر نوع سیاست و ابزار غیر دموکراتیک هستند و تا به مقصود خود نرسند، دست از جنگ و خونریزی بر نخواهند داشت. (بزرگمهر، ۱۳۶۳: ۷۷۷/۲) به نوشته سپهر ذبیح نظریه موازنه منفی به عنوان پیشگام و راهگشای احقاق حقوق مردم کشورهای جهان سوم در دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ زائیده ملاحظات ذیل بوده است. رقابت صد ساله روسیه شوروی و انگلیس در ایران به ندرت توانسته است منافع واقعی کشور را تامین کند. قطع روابط سیاسی با بریتانیا سبب گردید که موضع‌گیری بین‌المللی ایران از محتوای تازه‌ای برخوردار شود. ۳بعید به نظر میرسد که ایالات متحد، بتواند به عنوان یک قدرت بزرگ جانشین بریتانیا در ایران شود چرا که از لحاظ جغرافیایی فاصله زیادی با ایران دارد و فاقد هدف‌های استعماری قدیمی در ایران می‌باشد. ایران باید یک سیاست واقعی عدم تعهد را در قبال دولتهای بزرگ در پیش گرفته و از رقابتهای شرق و غرب برای توسعه منافع ملی ایران به طرز منطقی و کمال مطلوب استفاده نماید. (ذبیح، ۱۳۷۰: ۱۲۴) می‌بایست سیاست خارجی امنیت ایران را در برابر هر گونه تهاجم خارجی تامین نماید به سطره اقتصادی و سیاسی بیگانگان خاتمه دهد. دوستی‌های کشورهایی که نسبت به سیاست استقلال طلبی ایران برخورد مثبتی نشان می‌دهند جلب نماید و بالاخره از تضاد قدرتهای بزرگ به نفع منافع مردم ایران بیشترین استفاده را ببرد.

جنبش ملی ایران با ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور یک بازی قدرت سیاسی، اقتصادی بسیار قدرتمند را به جریان انداخت. در این جریان نیروهای سیاسی، اجتماعی متعددی

در ایران و سایر کشورها خصوصاً انگلستان و آمریکا کمپانی‌های نفتی و رسانه‌های جمعی به گونه‌های متفاوت نفوذ خود را اعمال می‌کردند. مصدق، تصدی پست نخست وزیری را مشروط به تصویب قانون نحوه اجرای قانون ملی شدن نفت توسط مجلس نمود. لذا شاه چاره ای نداشت که فرمان نخست وزیری مصدق و هم قانون مذکور را به طور یک جا بپذیرد. (فری یر، ۱۳۷۲: ۲۵۹) از نکات اساسی قانون نحوه اجرای قانون ملی شدن که برای بیست و هشت ماه آینده مشغله اساسی دولت‌های ایران انگلیس و حتی آمریکا و مؤسسات بزرگ نفتی دنیا را تشکیل می‌داد، این بود که دولت ایران موظف است بلافاصله تحت نظارت کمیته مشترک از شرکت نفت ایران و انگلیس خلع ید کند. دولت مصدق سوار بر افکار عمومی جامعه ایران موظف به پیشبرد نهضتی بود که هدفش اخراج شرکت نفت از ایران برقراری حاکمیتی مستقل از قدرت‌های خارجی و اجرای دموکراسی مبتنی بر مشروطیت بود. ولی از سوی دیگر دولت انگلستان و شرکت نفت که سالیان دراز سلطه خود را بر دربار و دولتمردان و مجلس ایران گسترده بودند اکنون با یک مبارزه طلبی جدی در مهمترین جبهه از اقتصاد خارجی (نفت) و پرستیژ سیاسی اش مواجه شده چند دستگی و فرقه گرایی و تشتت آرا در بین نیروهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی نهضت و مشی متغیر آنها در قبال دولت مصدق و اختلاف وی با آیت الله کاشانی و فروپاشی جبهه ملی نقش نیروهای محافظه کار و استبدادی وابسته به خارج شاه ارتش و محافظه کاران وابسته به انگلیس. ملاحظه کاری و مماشات دکتر مصدق با هیأت حاکمه وابسته ایران. سردرگمی مصدق در اتخاذ تصمیمات قاطع در روزهای سرنوشت ساز و در مقابله با جنبش ملی شدن صنعت نفت مصدق و کودتا قابل تأمل است. برای مصدق ملی کردن صنعت نفت در درجه اول یک مسئله سیاسی بود تا اقتصادی. (همان) برای مصدق در درجه نخست اصل ملی شدن به عنوان حق حاکمیت هر ملت مستقل بر منابع خود می‌بایست از طرف دولت انگلستان به رسمیت شناخته شود. با هرگونه پیشنهاد حل اختلاف که صراحتاً و یا به طور ضمنی و یا در عمل می‌توانست به اصل ملی شدن خدشه وارد سازد مخالفت می‌کرد. مصدق به نقش اقتصادی نفت در برنامه‌های اصلاح طلبانه خود نیز واقف بود آماده گفتگو در مورد هرگونه پیشنهادی از جانب انگلیسی‌ها بود و امید زیادی نیز به میانجی گری آمریکایی‌ها داشت. سیاست موازنه منفی به معنی استقلال از هر گونه قدرت خارجی است، یعنی قدرتی که بخواهد با ایجاد رابطه ای سلطه گرانه و نابرابر از تحول و تکامل سیاسی فرهنگی و اقتصادی جامعه جلوگیری به عمل آورد. مصدق می گوید ملت ایران با توجه به تجارب تاریخی علاقمند جدی کسب استقلال است و آن را به هیچ قیمتی از دست نمی دهد. ملت می خواهد که خارجی از این مملکت برود و در امور ما مطلقاً دخالت نکند و انتظار دارد که لفظاً و معنأ استقلال او را محترم شمارند. (کی استوان، ۱۳۵۵: ۲۵۱) به نوشته جورج مک گی سیاستمدار و محقق آمریکایی موازنه منفی و دکتر مصدق مجری جدی

آن نه تنها رهایی ایران از قید سلطه انگلستان که عامل اصلی عقب ماندگی ایران بود بلکه هم چنین جلوگیری از نفوذ شوروی و آمریکا را دنبال می کرد. چرا که پدیده مصدق بیانگر جنبش های مردمی بود که در خاورمیانه و به طور کلی در جهان سوم قد برافراشته و دستاوردهای آمریکا در جنگ سرد را در معرض خطر قرار داده بود. از نظر شخص مصدق مبارزه با انگلستان در جهت قطع نفوذ این کشور در ایران برای ریشه کن کردن استبداد کفایت نمی کرد بلکه لازم بود سیاستی در ایران دنبال شود که بر اساس آن نفوذ ناخواسته تمام قدرتهای خارجی در ایران خاتمه یابد. این باور رکن اساسی سیاستی را تشکیل میداد که بعدها مصدق تحت عنوان موازنه منفی و عدم تعهد برای تعیین سیاست خارجی ایران مطرح کرد. (بیل وراجرلويس، ۱۳۶۸: ۸۱)

سیاست انگلستان در قبال ملی شدن صنعت نفت

دولت انگلستان که بیش از پنجاه سهام شرکت نفت را در مالکیت خود داشت معتقد بود که هرگونه ترتیباتی که با ایرانی ها توافق شود نایبستی موجب تضعیف کنترل موثر انگلستان بر نفت ایران شود. برای آنها اصل حفظ کنترل مؤثر بر نفت ایران چه قبل از ملی شدن و چه بعد از آن بر مذاکرات سایه افکنده بود. برای دولت انگلستان بعد از جنگ جهانی دوم شرکت نفت نماد یک سرمایه گذاری خارجی موفق و پرسود و مایه غرور ملی به شمار می رفت شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۵۰ نودوسه میلیون دلار سود عمدتاً از عملیات خود در ایران برده بود. دولت بریتانیا نیز به نوبه خود در همان سال صدوچهل و دو میلیون دلار مالیات بر درآمد از آن شرکت وصول کرده بود. پس از استقلال هندوستان، از دست دادن شرکت نفت و تسلیم آنان به خواسته های ایرانیان یک مسئله حیثیتی به شمار می رفت که موجی از احساسات امپریالیستی و ملی گرایانه را در محافل سیاسی انگلستان برانگیخته بود. اکثریت سیاستمداران انگلیس و مشاورین سیاسی دولت انگلستان حاضر به پذیرش حق حاکمیت ایران نبودند و دکتر مصدق را به عنوان مظهر آرمانهای ملی ایرانیان به رسمیت نمی شناختند. دولت انگلستان تا اواخر تیرماه ۱۳۳۰ از پذیرش اصل ملی شدن نفت خودداری کرد. آن دولت به تهیه طرح های نظامی برای اشغال نظامی آبادان دست زد و تدارکات برای انجام یک تعرض نظامی انجام گرفت که اگر بنا به دلایلی با مخالفت آمریکایی ها روبرو نمی شد، احتمالاً عملی می گردید. امانوئل شنبول وزیر دفاع دولت انگلیس به شدت از اشغال و حفظ و نگهداری آبادان پشتیبانی می کرد به نظر او اقدام نظامی ضرورت داشت و لو آنکه فقط به منظور حفظ حیثیت انگلیس در خاورمیانه صورت پذیرد. اگر اجازه دهیم ایران قضیه ملی شدن نفت را پیش ببرد، دیگران هم تشویق می شوند و اقدام بعدی ممکن است ملی کردن کانال سوئز باشد. ما باید آماده باشیم تا نشان دهیم نمی توان دم مان را به طور مداوم به بازی گرفت. (نجاتی، ۱۳۷۶: ۴۰) شرکت نفت ایران و انگلیس طی پنجاه

سال استثمار اقتصادی و سوء استفاده های سیاسی به نماد عظمت و پرستیژ انگلستان در خاورمیانه و خلیج فارس مبدل شده بود تأسیسات نفتی جنوب نشانه حضور انگلستان در منطقه به شمار می رفت و بنابراین برای انگلیسی ها تخلیه خوزستان بدترین نوع شکست بعد از استقلال هند بود و برای موقعیت انگلیس در خاورمیانه می توانست فاجعه آمیز باشد. (راجرلويس، ۳۶۵-۳۶۷) به عقیده دولتمردان و مشاورین سیاسی انگلیس فقط یک نفر مسئول این وضع بود و آن هم مصدق بود. پس مصدق و ایرانیانی که مسئول این وضع بودند می بایست به خاطر جسارتشان در ملی کردن و مصادره اموال یک شرکت انگلیسی تنبیه شوند. (همان) خانم آن لمبتون اصرار می ورزید تا جایی که امکان دارد مصدق را می بایست بایکوت کرد و تنها در موارد بسیار ضروری با او وارد مذاکره شد او معتقد بود که مذاکره با مصدق امکان پذیر نیست زیرا موضع او به طور کلی بر احساسات ضد انگلیسی مبتنی است. پذیرفتن هرگونه توافقی با مصدق بی فایده است چون او بلافاصله دیه در خواهد آورد. آن لمبتون اصرار داشت که با تمام وسایل می بایست موضع مصدق را با وسایل پنهانی تخریب و تضعیف کرد و به دست ایرانیان طرفدار انگلیس محیط مناسبی را برای سرنگونی مصدق فراهم ساخت (راجرلويس، ۳۷۳) توصیه های خانم لمبتون برای خرابکاری و عملیات پنهانی در ایران و فراهم نمودن زمینه های داخلی سقوط دولت مصدق صرفاً یک ماه و نیم پس از روی کار آمدن مصدق نوشته شده است. انگلیسی ها برای تیشه زدن به ریشه قانون ملی شدن نفت پس از مخالفت همه جانبه با آن سعی کردند با ارائه پیشنهادات مشابه به گونه ای اصل ملی شدن را دور بزنند و کنترل خود را بر نفت ایران تداوم بخشند. توسل آنان به سازمانهای بین المللی برای غیر قانونی شناختن اقدام ایران و محاصره اقتصادی ایران این فرضیه را قوت می بخشد که دولت انگلستان اصولاً با معامله کردن با مصدق بر سر نفت مخالف بود. (هوشنگ مهدوی، ۱۹۰-۱۹۳) تلاش انگلیسی ها سرنگون کردن مصدق و جایگزین نمودن وی با یک فرد میانه رو و دوستدار انگلیس متمرکز بود. تا مسئله نفت را به دلخواه خود حل و فصل نمایند.

تاثیر سیاست ملی شدن نفت در ایران

دولت مصدق دارای برنامه ای مثبت بود از آنجا که طبقه جوان و متخصص از مصدق حمایت می کردند دولت او نیروهای متخصص و مجرب در اختیار داشت که با شور و شوق به برنامه ریزی می پرداختند. در بخش سیاسی آزادی بیان و قلم و مطبوعات و احزاب به طرز چشمگیری وجود داشت. در بخش اقتصادی برنامه هایی در مورد اصلاحات ارضی داشت و چون به تبعات خطرناک اصلاحات ارضی واقف بود کمتر آن را به زبان می آورد البته همان مقداری که مطرح شد، موجب اضطراب بخش هایی از روحانیت و جناح راست جنبش شد. مسئله ای که یک دهه بعد شاه به

تقلید از مصدق در صدد اجرای آن درآمد و سرانجام فروپاشی خود را تسریع کرد. (کدی، ۱۳۶۹: ۲۰۷) در تابستان ۱۳۳۱ مصدق فرمانی را امضا کرد که به موجب آن کلیه مالکین بزرگ باید از بیست درصد از سهم محصول خود صرفنظر نمایند. از این رقم ده درصد به کشاورزان تعلق در عرصه اقتصاد مهمترین توفیق مصدق اقتصاد بدون نفت بود. پس از آنکه خواست مصدق که اگر قرار است نفت به همین قیمت به فروش برسد بهتر است برای نسلهای بعد در زیرزمین بماند، عملی شد، او برای به چرخش در آوردن اقتصاد کشور در آذرماه ۱۳۳۰ اوراق قرضه ملی را منتشر کرد. اما ثروتمندان از آن چندان استقبال نکردند مذاکره با بانک جهانی نیز به شکست جنبش ملی شدن صنعت نفت مصدق و کودتا انجامید. به دنبال آن مصدق سیاست اقتصاد بدون نفت را به اجرا درآورد. (عظیمی، ۱۳۷۲: ۳۸۲) با وجود اینکه شوروی طلای ایران را آزاد نکرد و آمریکا هم با درخواست کمک مصدق موافقت ننمود لیکن مصدق به اتکای همان مشروعیت مردمی خودش توانست اقتصاد مملکت را اداره کند. (فوران، ۲۲۹) رمز موفقیت اقتصاد بدون نفت در تعدیل و دم ساز کردن تجارت خارجی و گسترش میزان تولید داخلی بود. در سال ۱۳۳۱ تنها سال کامل زمامداری مصدق صادرات نفت ایران به سطح بسیار ناچیزی رسید اما بودجه متعادل بود. در هر حال مصدق بر آن بود که تمام پایگاه‌های مشهور و علنی سیاست انگلستان را در ایران جمع کند. مجلس سنا را تعطیل کند و درباره ارتش و نیروهای انتظامی را زیر نظر و تصفیه بگیرد. از لحاظ اقتصادی جامعه را رو به بی نیازی هر چه بیشتر از درآمد نفت پیش ببرد. دستگاه بوروکراسی قوه قضائیه و مجریه را اصلاح بنیادی نماید. قوانین اصولی و بنیادی اجتماعی را به نفع طبقات مولد و زحمتکش کشور تصویب و به اجرا گذارد. ریشه‌های حاکمیت فئودال‌های محلی و اجتماعی را در قوه مقننه از طریق قانون انتخابات و بهره مالکانه بخشکند. در عین حال از هرگونه حرکت‌های تند و چپ نمایانه داخلی و خارجی که همیشه عمر کوتاه و اثری بسیار کوتاه تر دارند، پرهیز کند و... و مهم تر از همه آنکه نظام دموکراسی را از پارلمانتاریسم به سوی دموکراسی اجتماعی تحول دهد تا هر چه وسیع تر اقشار و طبقات بیشتری از توده مردم در درون مجموعه حضور یافته و در تعیین سرنوشت جنبش مقاومت فعال تر شوند. حکومت در این سیاست پیشرفت یافت و اگر عمر حکومتش چند سالی دیگر به طول می‌انجامید آرمان دیرینه ایران و ایرانی یعنی استقلال و جامعه ای سالم و راقی تحقق می‌یافت. (همان) یکی از مهمترین فرصت‌ها برای دکتر مصدق ارائه پیشنهاد میانجیگری توسط بانک جهانی برای از سرگیری صادرات مجدد نفت ایران تا توافق نهایی بود. این پیشنهاد از جانب مصدق رد شد. مصدق با رد این پیشنهاد بزرگترین خطای دوران زمامداریش را مرتکب شد اشتباهی که نهضت ملی ایران را با شکست روبرو ساخت و ضربه سنگینی بر استقلال و جنبش مردم ایران وارد آورد. مصدق می‌دانست که از پیشنهاد بانک می‌توان به عنوان سرآغازی برای دست یافتن به یک توافق

شرافتمندانه از موضع قدرت استفاده کرد و در صورت حمایت پیگیر همکارانش آن را می‌پذیرفت و در واقع نیز تقریباً آن را پذیرفت اما برخی از مشاورانش می‌گفتند که حزب توده از چنین توافقی به عنوان سند خیانت مصدق استفاده خواهد کرد و به غلط نتیجه‌گیری کردند که این مسئله به از دست رفتن حمایت توده مردم از دولت خواهد انجامید. آمیزه این نظرات نادرست توجیه مصدق در مورد از دست دادن محبوبیتش در میان مردم علت شکست مأموریت هیأت بانک جهانی بود و نه جزئیاتی که رسماً به عنوان دلایل عدم توافق ارائه شد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۲۰) البته پیشنهاد بانک جهانی هم دارای نقیصه‌هایی بود که سایر پیشنهادات انگلیسی و آمریکایی در برداشت. یعنی نادیده گرفتن اصل ملی شدن نفت زیرا بانک جهانی می‌خواست صرفاً به عنوان یک میانجی بین ایران و دولت انگلیس اداره صنعت نفت را به عهده بگیرد و راه را برای ورود مجدد کارشناسان انگلیسی باز کند. در حالی که دکتر مصدق اصرار داشت که بانک جهانی از جانب دولت ایران که حاکم بر منابع نفت خود می‌باشد، می‌بایست به اداره نفت بپردازد. (علم، ۳۱۲) ترکیب نیروهای موجود در داخل ایران و موضع خود مصدق قدرت کنار آمدن با انگلیسی‌ها را از وی سلب کرده بود. در جریان نهضت نیروهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی متعددی آزاد شده بودند که آزادی عمل مصدق را به شدت محدود می‌کردند. نهضت به گونه‌ای متحول شده بود که مصدق دیگر قادر به هدایت و کنترل آن نبود بلکه خود بخشی از محصول این نهضت به شمار می‌رفت. تا جایی می‌توانست با انگلیسی‌ها همراه باشد که تخطی از اصل ملی شدن تعبیر نشود. زیرا در ایران وارد کردن اتهام خیانت و سازش مقوله‌ای است که در جو سیاسی مناقشه آمیز به آسانی می‌توانست از طرف مخالفین و جناح‌های مخالف عنوان شود و این موضع مصدق را به خطر می‌انداخت. (عظیمی، ۸۸) دکتر مصدق دستگاه قدرتمندی برای پیشبرد اهداف نهضت در دست نداشت و حکومتش از ضعف‌های درونی رنج می‌برد که خود از بافت قدرت در ایران مانند وجود شاه و دربار و تشتت و گروه‌گرایی در مجلس ناشی می‌شد. از نظر ایدئولوژیک نخبگان حزب ایران که اکثرأ مهره‌های اصلی حکومت را تشکیل می‌دادند دارای تفکر لیبرال - دموکراتیک بودند ولی اکثریت نخبگان جناح‌های راست و چپ جبهه ملی حزب زحمتکشان بقایی و خلیل ملکی و حزب پان ایرانیست داریوش فروهر چندان اعتقادی به راه حل‌های دموکراتیک نداشتند. همچنین رهبران جامعه مسلمانان مجاهد دارای دیدگاه دینی بودند که با جهت‌گیری دنیایی دکتر مصدق کاملاً متفاوت بود. (کاتوزیان ۲۱۵) ابزار قدرت مانند ارتش پلیس، سازمان‌های اطلاعاتی و دستگاه قضایی نیز عملاً در دست مصدق نبودند. (عظیمی، ۸۹) نفوذ آیت الله کاشانی به عنوان یک عامل مهم در نهضت ملی تاثیر مهمی در مناقشه نفت برجای گذاشت. شور مذهبی ایجاد شده توسط آیت الله کاشانی عامل قوی بود و کنار آمدن مصدق با هر راه حل معقول با انگلستان را دشوار می‌ساخت. اگرچه آیت الله کاشانی در خطابه‌هایش حمایت

بی دریغ خود را از مصدق اعلام می‌داشت ولی بارها اعلام کرده بود که با پرداخت هرگونه غرامت به انگلیس در مقابل ملی کردن صنعت نفت مخالف است. (مدنی، ۱۳۶۹: ۴۸۳-۴۸۲/۱) او اعلام می‌داشت که غرامت را دولت ایران می‌بایست از شرکت نفت سابق مطالبه نماید نه شرکت سابق از ایران او یک بار تهدید کرد، اگر مصدق هم به نحوی در صدد سازش به غیر از آنچه در قانون اجرای اصل ملی شدن نفت تصریح شده برآید، به سرنوشت رزم آرا دچار خواهد شد. (هوشنگ مهدوی، ۲۱۱) به همین سبب تلاش‌های فراوان برای یافتن راه حل منصفانه و شرافتمندانه مسئله نفت موضوع لا ینحل باقی بماند. در طول مذاکراتش با انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها او هیچ گاه یک قدم از این اصل عقب نشینی نکرد. اگر او اعلام داشت که حاضر به مذاکره جهت یافتن راه حل شرافتمندانه می‌باشد به خاطر این بود که اصل ملی شدن را بقبولاند و اجرا نماید. در طول سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ سیاست خارجی ایران بر اساس بی طرفی و موازنه بود. تا آغاز سلطنت نظامی محمدرضا شاه در مرداد ماه سال ۱۳۳۲ قدرت در بین پنج قطب جداگانه دست به دست می‌شد. (آبرهامیان، ۱۳۷۷: ۲۰) دربار، مجلس، کابینه، سفارت خانه‌های خارجی و مردم به طور طبیعی در این شرایط موضع گیری درباره مسائل نفت، به یکی از گسل‌های عمده تعیین کننده جبهه بندی‌های قدرت در کشور تبدیل گردید (روحانی، ۱۳۵۳: ۵۸) در چنین شرایطی بود که دکتر مصدق، نماینده مردم تهران در آذرماه ۱۳۲۳، طی نطقی در مجلس خواستار استخراج معادن نفت کشور توسط دولت ایران شد. وی پیشنهاد پیگیری سیاست موازنه منفی در قرضیه نفت را مطرح کرد و گفت به جای آنکه دولت، برای برقراری موازنه به همه پیشنهادهای کسب امتیاز پاسخ مثبت دهد باید به هیچ یک از خواستاران امتیاز، نه همسایه شمالی، نه همسایه جنوبی و نه دولت آمریکا امتیاز جدیدی داده نشود. (راسخی لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۷) گفته است دکتر مصدق خزانه دولت را خالی کرد. شاه خطاب به نمایندگان مجلس به تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۳۳ گفته است آیا در آن مدت یک بندر که هیچ حتی یک پل ساخته شد؟! در مریضخانه‌های ایران حتی پنبه و باند و دوا برای بیمارها پیدا نبود!!! تایمر لندن می‌نوشت دکتر مصدق با غش و گریه و نقشه‌های بی سروته خود نخواهد توانست اوضاع اقتصادی فلاکت بار ایران را اصلاح کند. او با اقداماتی از قبیل چاپ اسکناس و تقلیل بودجه جزگرانی زندگی و افزایش نارضایتی عمومی نتیجه ای نخواهد گرفت. مصطفی فاتح رئیس ایرانی سابق شرکت نفت می‌گفت: در سالهای مزبور تمام کارهای عمرانی متوقف گشت اتومبیل و کامیون و وسایل حمل و نقل دیگر وارد نشد راه آهن به وضع مفلوکی دچار شد سرمایه‌های داخلی متوجه سفته بازی و افزایش بهای زمین گشت بیکاری رو به فزونی رفت از میزان کارهای تولیدی کاسته شد و اگر مدت بیشتری دوام کرده بود، هزینه زندگی به طرز سرسام آوری بالا می‌رفت و عواقب بسیار وخیمی برای کشور ایجاد می‌گشت. حسن ارسنجانی می‌نوشت بی پولی دولت و خوردن

کفگیر به ته دیک که برای پرداخت حقوق خرداد ماه اعضای دولت در ولایات وزارت دارایی معطل مانده است، تزلزل مصدق را بیشتر می کند هر چه حکومت مصدق بماند وضع اقتصادی مملکت بدتر خواهد شد. (به نقل از خامه ای، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۱)

حمایت از تولیدات داخلی

حکومت ملی مصدق در انجام اصلاحات عمیق و ژرف سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی خود که تغییر بنیادی ساختار جامعه ملی را در مد نظر داشت برای مقابله با بحرانهای اقتصادی سیاستهای موثری اتخاذ نمود. مواجه شدن با تحریم خرید نفت ایران و اثر منفی گذاشتن بر درآمد مالی و ارزی دولت مصدق را بر آن داشت که سیاست موسوم به اقتصاد بدون نفت یا به تعبیر امروزی استراتژی توسعه صادرات را در دستور کار حکومت خود قرار دهد. بنابراین طرح اقتصاد بدون نفت توسط دکتر حسین فاطمی سخنگوی دولت و وزیر امور خارجه این چنین اعلام شد سیاست اقتصاد بدون نفت به این منظور طرح ریزی شده است، تا در صورت حل نشدن دعوای نفت ایران بتواند یک دوره طولانی صرفه جویی اقتصادی و پایداری در برابر مشکلات را پشت سر بگذارد در اجرای این هدف هزینه های غیر ضروری حذف می شود سیستم جدید مالیاتی بر حسب در آمد اصلاح می گردد و دستگاه دولت به نحوی اصلاح خواهد شد که با کمترین هزینه بیشترین بازده را داشته باشد. (نصر الله، ۱۳۶۴: ۲۸۸) مجلس شورای ملی در جلسه هفتم مرداد ۱۳۳۱ و سرانجام مجلس سنا با تصویب لایحه ای به مدت شش ماه به مصدق اختیار داد لوابجی را که برای اجرای مواد نه گانه برنامه دولت لازم می داند تهیه کند و به مورد اجرا بگذارد. لوابج نه گانه برای تغییر بنیادی ساختار جامعه ملی در جهت بنیاد گذاری نهادهای مردمسالاری، نشان دهنده انتخاب سیاست استراتژی رشد مستقل جامعه ملی می باشد. مواد نه گانه برنامه حکومت ملی مصدق از این قرار است. اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها. اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه بوسیله تقلیل در مخارج و برقراری مالیاتهای مستقیم و در صورت لزوم مالیاتهای غیر مستقیم. اصلاح امور اقتصادی بوسیله افزایش تولید و ایجاد کار و اصلاح قوانین پولی و بانکی. بهر برداری از معادن نفت کشور با رعایت قوانین نه ماده ای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و تهیه و تدوین اساسنامه شرکت ملی نفت. اصلاح سازمانهای اداری و قوانین استخدام کشوری و قضائی و لشکری. ایجاد شوراهای محلی در دهات بمنظور اصلاحات اجتماعی بوسیله وضع عوارض. اصلاح قوانین دادگستری. اصلاح قانون مطبوعات. اصلاحات امور فرهنگی و بهداشتی و وسایل ارتباط. (بیل و راجرز لویس، ۱۳۷۲: ۱۲۱-۱۲۲) برای بار دوم در ۲۹ دی ۱۳۳۱ مجلس با تقاضای مصدق برای تمدید اختیاراتش با ۵۹ رأی موافق در برابر ۷ رأی مخالف موافقت کرد. (همان، ۱۲۶) وقتی مصدق سیاست اقتصاد بدون نفت را طرح و

اجرا کرد گروهی از روی غرض و جمعی بسبب بی اطلاعی سیاست او را تخطئه و چنین تبلیغ می‌کردند. این سیاست یعنی محروم کردن کشور از عواید نفت و از آنجا که کشور از عواید نفت بی نیاز نیست حاصل سیاست اقتصاد بدون نفت جز ورشکستگی کشور چیزی نمی‌تواند باشد اینان توجه نداشتند که در اقتصاد ایران درآمد نفت هیچ نقشی را در توسعه اقتصادی کشور ایفا نمی‌کرد. بعکس خود موجب متلاشی شدن بنای اقتصاد ملی می‌گشت این همان سیاستی بود که پیش از زمان دکتر مصدق اجرا شد و بعد از کودتای ۲۸ مرداد هم اجرا می‌شود. از ابتدا تا ملی شدن صنعت نفت جمع در آمد ایران از نفت فقط ۱۱۰ میلیون لیبره بود. در تمامی دوران دیکتاتوری بیست ساله این پول در حساب مخصوصی ریخته می‌شد و یکجا صرف خرید اسلحه می‌گشت. (نطق‌های دکتر مصدق، ۱۳۴۶: ۱۱-۱۶) همچنین اثر محاصره اقتصادی این شد که ارزش برابری پول ایران تنزل کرد و لیبره و دلار بسرعت ترقی کردند اگر این تنزل ارزش برابری با ترقی قیمت‌های داخلی مصادف می‌شد کار ساخته بود و دیگر نیاز به کودتای ۲۸ مرداد و تن دادن به اینهمه ننگ نبود معمولاً توسل به کودتا مرحله سوم است. اما قیمت‌های داخلی نه تنها بالا نرفتند بلکه با وجود انتشار اسکناس قیمت‌ها تا سطح قیمت‌های سال ۲۵ پائین آمدند.

تنزل ارزش برابری ریال نه تنها زبانی وارد نکرد بلکه از آنجا که مایه رونق صادرات شد بسیار مفید افتاد. شرط پیروزی محاصره اقتصادی آن است که جریان صادرات و واردات بخصوص نوع کالاها همان که بود باقی ماند. اما دولت دکتر مصدق کشورهای مبدا و مقصد صادرات و واردات را تغییر داد تا آن زمان مبادلات ایران مانند هر کشور زیر سلطه دیگر با یک جند کشور غربی بود. تعدد کشورهای مبدا و مقصد از سوئی توجه به صادرات کالاهایی که در بازار داخلی ارزش اقتصادی نداشت پوست و تخم خشخاش سم گاو و... و قرار دادهای بازرگانی پایاپای از سوی دگر موجب شد محاصره عقیم بماند سرمایه دارانی که پول خود را بصورت ارز از مملکت خارج کرده بودند وقتی دیدند با فروش ارز، گاه سه برابر ریال بدست می‌آورند و می‌توانند آن را در بازار برای تهیه و تولید کالاهای صادراتی که مصرف داخلی نداشتند بکار اندازند ارزشهای خود را فروختند و سرمایه‌ها شروع به بازگشت به کشور کردند و مضیقه ارزی را تخفیف دادند. قیمت کالاهای مصرفی ترقی نکرد و تنزل کرد برای اینکه خریده‌ها، عمده متوجه کالاهایی بود که مصرف داخلی نداشتند و چون خریده‌ها متوجه کالاهای مصرفی داخله نمی‌شدند لاجرم بجای آنکه مطابق پیش بینی طراحان محاصره اقتصادی قیمت‌ها ترقی عمودی کنند و دولت را وادار به تسلیم نمایند، بعثت نبودن تقاضا پائین آمدند. ترکیب واردات بلکه مهمتر از آن موازنه پرداخت ارزی بر قرار شد و تولید چنان رونق گرفت که اقتصاد کشور توانست بدون بروز کمترین نشانه‌ای از تورم، زیرا قیمت‌ها بالا نرفتند بلکه پائین آمدند سیصد میلیون اسکناس منتشر را جذب کند. معجزه‌ای که محتمل نمی‌نمود جامه حقیقت پوشید و دولت ملی موفق شد صادرات و واردات و

پول و اقتصاد کشور را بالمره از وابستگی نجات دهد. اما نتایج مفیدتر این کار بزرگ و این پیروزی درخشان و حیرت انگیز اقتصادی در گرو تغییر ترکیب و ساختمان سازمان اداری و قرار دادن آن در خدمت توسعه اقتصادی و اجتماعی بود. (همان، مقدمه، ۱۷-۱۸) حکومت ملی دکتر مصدق بدنبال ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور بانی ملی کردن شرکت شیلات بانک شاهی جنگلهای سراسر کشور، شرکت تلفن در سراسر کشور اتوبوسرانی تهران و شرکت برق تهران گشت. .. هدف مصدق از مبارزات و این ملی کردنها همانست که خود می گوید: ما نباید تمرکز سرمایه کنیم. یک اشخاصی را بی جهت متمول کنیم و یک عدم تساوی بی جهتی در جامعه درست نکنیم یک اشخاصی از سیری خفه شوند..... هدف مصدق این بود که مجموع اقتصاد در خدمت ملت، ملتی مستقل قرار گیرد. (همان - مقدمه، ۲۰)

داخلی کردن بودجه ای که خارجی شده بود، دکتر مصدق در خاطراتش می نویسد: ماهها قبل از تصدی من هر ماه دو میلیون لیره از عایدات نفت بسازمان برنامه می رسید که بعد از تشکیل دولت این جانب قطع شد. (مصدق، ۱۳۶۵: ۴۳) اولین روز تشکیل دولت این جانب یعنی روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ موجودی نقد خزانه داری کل در حدود پنجاه و دو میلیون ریال و موجودی نقد سازمان برنامه معادل ۲۸۰۰ ریال بود که چند روز بعد از ملی شدن صنعت نفت یکی از مدیران ایرانی و مؤثر شرکت نفت انگلیس و ایران بمن گفت اگر دولت توانست یک ماه مملکت را بدون عایدات نفت اداره کند و بکار ادامه دهد آن وقت باید قبول کنیم که صنعت نفت را ملی کرده است. با این حال دولت توانست متجاوز از دو سال بدون کمک خارجی و عواید نفت و پرداخت بودجه شرکت ملی نفت که آن هم سربار بودجه دولت شده بود مملکت را اداره کند و سازمان برنامه هم تمام وظائف خود را انجام دهد و روزی هم که دولت سقوط نمود (همان، ۴۵). ۲۸ مرداد وجهی معادل هشتصد میلیون ریال نقد و در حدود هزار و دویست میلیون ریال مطالبات و جنس موجود داشت که از آن دولت بعد استفاده نمود و آنچه در عرض این مدت خارج از عوائد جاری بخزانه رسید مبلغی در حدود ۵۵۳ میلیون تومان بشرح ذیل بوده است: دریافتی از بانک ملی از بابت قیمت ۱۴ میلیون لیره طبق قانون ۲۱ مرداد ۱۳۳۰ ۱۲۶,۴۲۰,۰۰۰ از بابت ۰۰۰, ۷۵۰, ۸ دلار استقراض از صندوق بین المللی پول ۶۵,۰۰۰,۰۰۰ از بابت قرضه ملی ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ دریافتی از نشر اسکناس بر طبق قانون اختیارات ۳۱۲,۰۰۰,۰۰۰ در مجموع ۵۵۳,۴۲۰,۰۰۰ تومان. از این مبلغ ۲۴۹,۴۵۳,۰۷۲ تومان برای کسر بودجه شرکت ملی نفت به آبادان فرستاده شد و بقیه برای کسر بودجه دولت و سرمایه بانک رهنی و کشاورزی و شرکت تلفن و بانک توسعه صادرات و بانک ساختمانی و اضافه وام شهرداریها برای عمران و آبادی شهرها و لوله کشی و برق و شهرداری طهران، کمک به کارخانجاتی که بدون مساعدت دولت نمی توانستند بکار ادامه دهند، مساعدت اضافی برای کشت توتون و پنبه و چغندر و ساختمان انبار

دخانیات بکار رفته است.

چنانچه وجوهی که اضافه از عوائد جاری بدولت رسید هر ماه در حدود بیست میلیون تومان بدولت رسیده است که ده میلیون تومان برای شرکت ملی نفت فرستاده شده و ده میلیون تومان دیگر برای کسر بودجه مملکتی و امور عمرانی بکار رفته است. همه دیدند که موقع تصدی این جانب شرکت‌های عمومی بواسطه ی سوء سیاست اقتصادی نمی توانستند بکار ادامه دهند و از دولت در خواست کمک می نمودند ولی چیزی نگذشت که در نتیجه سیاست اقتصادی دولت از هر گونه کمک مستغنی شدند و سال ۱۳۳۱ برای اولین بار رقم صادرات بدون نفت از رقم واردات تجاوز نمود. ولی بعد که دولت سقوط نمود واردات از حد متعارف و معمول گذشت و این توازن از دست رفت بطوریکه میزان واردات در ۱۳۳۳ به ۱۹۰۰ میلیون تومان ترقی نمود، در صورتی که میزان صادرات به ۱۲۰۰ میلیون تومان تنزل کرد. (مصدق، ۱۳۶۵: ۲۳۷) در سال ۱۳۲۹ یعنی یک سال پیش از آنکه ملی شدن نفت عملی شده باشد لایحه بودجه کل کشور رسماً از تصویب مجلسین نگذشته و مراحل قانونی خود را طی نکرده بود با وجود این بطور کلی به اجرا گذاشته شد و در سپتامبر ۱۹۵۱/ شهریور ۱۳۳۰ به صورت عطف به ماسبق به تصویب مجلس رسید. در همین حال مجلس تصمیم گرفت همین بودجه بر اساس هزینه‌های ماهانه به صورت یک دوازدهم کل هزینه‌های سال گذشته و بدون قانون بودجه رسمی در سال ۱۳۳۱ نیز اجرا شود. با توجه به انعطاف پذیری که مجلس در برابر دولت نشان می‌داد، دولت قادر بود به عنوان بخشی از تلاشهای خود در جبران کسر بودجه، حتی الامکان هزینه‌های را کاهش بدهد. در نتیجه در سال ۱۳۳۰ کل هزینه‌ها از ۱۱۲ میلیارد ریال مندرج در بودجه سال قبل به ۷۰۹ میلیارد ریال کاهش یافت. در اثر این اقدام شدید ۱۰۵ میلیارد ریال از هزینه‌ها کاسته شد اما در عمل معلوم شد این کار بر آورد بیش از واقعیت بوده زیرا هنر پیشه‌های واقعی سال ۱۳۲۹ کمتر از رقم ۲۰۱۱ میلیارد ریال منظور شده در بودجه آن سال بوده است.....، در هر دو سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ در آمد دولت ۷۰۸ میلیارد ریال بوده است. با وجود این، این رقم در ۱۳۳۱ شامل در حدود ۸۰۰ میلیون ریال از درآمدهای مستقیم و غیر مستقیم از نفت در آن سال می‌باشد. بنابراین درآمدهای داخلی غیر نفتی در حدود ۷ میلیارد ریال بوده است. در سال بعد ۱۳۳۱ دیگر عملاً هیچ گونه در آمدی از نفت وجود نداشت اما تلاش برای افزایش درآمدهای غیر نفتی کسری هشت میلیارد ریالی سال قبل را جبران کرد و بنابراین بین ارقام در آمد ۳۳۳۰ و ۱۳۳۲ تساوی بوجود آمد. در قانون بودجه رسمی ۱۳۳۲ بر آورد درآمدها به نحوی قابل ملاحظه ۵۰۹ میلیارد ریال، افزایش یافت این امر اطمینان دولت را به رونق اقتصادی و مالی سال بعد نشان می‌دهد. (راجرز لویس، ۱۳۷۲: ۳۴۸)

انور خامه ای می‌نویسد بودجه سال ۱۳۳۰ که بر اساس ارقام تفصیلی بودجه سال ۱۳۲۹

تدوین و به مجلس ارائه شده بود به علت مخالفت‌هایی که در مجلس بود هیچ گاه به تصویب نرسید و در این سال هر ماه به صورت یک دوازدهم بر اساس بودجه سال ۱۳۲۹ که آن‌هم فقط در کمیسیون بودجه مجلس تصویب شده بود، به تصویب می‌رسید. سال ۱۳۳۱ نیز عینا به همین صورت یعنی بدون بودجه رسمی تصویب شده گذشت اما بودجه سال ۱۳۳۲ در اواسط سال ۱۳۳۱ با توجه به شرایط جدید تدوین و در ۱۴ دی همان سال به مجلس ارائه گشت. در این بودجه درآمدها حدود ۹ میلیارد و ۴۴۴ میلیون و هزینه‌ها ۹ میلیارد و ۹۵۶ میلیون ریال تخمین زده شده بود که ۵۱۱ میلیون ریال کسری نشان می‌داد که دولت باید آن را از محل‌های جدید تامین میکرد در مقدمه این لایحه دو اصل زیر مبنای تدوین آن ذکر شده بود اول - تا آنجا که ممکن است در آمد دولت از طریق مالیات‌های مستقیم که تحمیل بر طبقات متمکن می‌شود و موجبات تشویق تولید کنندگان اجناس صادرات به وسایل ممکنه فراهم گردد..... تا آنجا که مقدور باشد در کسر هزینه‌های غیر ضروری و افزایش بر میزان مصارف عام المنفعه از قبیل امور بهداشتی و فرهنگی و کشاورزی کوشش به عمل آید. به این منظور بیش از ۱۲۴ میلیون ریال از بودجه چند وزارتخانه و مؤسسه دولتی حذف و نزدیک به ۱۷۴ میلیون ریال بر درآمدهای پیش بینی شده افزوده گردیده بود. بدین سان کلاً ۲۹۸ میلیون ریال نسبت به بودجه سال‌های پیش صرفه جوئی شده و به ۱۲ مورد مصارف، بهداشتی، کشاورزی، فرهنگی و عمرانی تخصیص یافته بود. البته این بودجه به علت کودتای ۲۸ مرداد به بوته فراموشی سپرده و حتی عکس آن اجرا شد. این از بودجه رسمی اما از بودجه واقعی دوسری آمار در دسترس من است که هر دو را نقل میکنم سری اول از مجموعه ای که از طرف مرکز آمار ایران در ۱۳۵۵ منتشر شده گرفته ام. خود این آمار از دو منبع مختلف اخذ و جدا از هم ذکر شده است یکی از منبع وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیگری از ۶ منبع مختلف که با منابع دیگر مغایر بوده اند. در سری اول در یافته‌ها و پرداخت‌های عمرانی منظور نگشته است. مطابق حسابی که آقای همایون کاتوزیان کرده است جمع کسری بودجه دولت در سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ برابر ۴۰۴ میلیارد ریال می‌شده که از این مبلغ دو میلیارد آن برای تامین کسر بودجه شرکت ملی نفت صرف شده است این مبلغ در حقیقت حدود ۵۰۵ میلیارد ریال بوده است) بنابراین کسر بودجه واقعی دولت ۲۰۴ میلیارد ریال در دو سال بوده است در واقع ۱۰۹ میلیارد ریال است و این مبلغ را از محل‌های زیر تامین کرده است ۱۰۳ میلیارد از محل فروش ۱۴ میلیون لیتر ۰۰۶ میلیارد ریال از محل گرفتن ۸۰۵۷ میلیون دلار وام از بانک جهانی که در حقیقت این مبلغ برداشت از صندوق بین المللی پول بوده است نه وام و از پنجاه میلیون ریال از محل انتشار اوراق قرضه ملی، بنابراین مطابق این حساب حکومت مصدق برای تامین کسر بودجه عادی خود هیچ نیازی به گرفتن وام از بانک ملی ایران یا به عبارت دیگر انتشار اسکناس نداشته است و در حقیقت این وام را شرکت ملی نفت به مبلغ ۱۰۲

میلیارد ریال از بانک ملی گرفته بوده و هشت میلیارد دیگر کسر بودجه شرکت ملی نفت را دولت تامین کرده بوده است. آنچه مسلم است این است که دولت مصدق نهایت کوشش خود را کرد تا درآمدهای دولت را افزایش دهد و از هزینه‌ها بکاهد. (خامه ای، ۱۳۷۵: ۱۷۶-۱۷۷) از جلیات و دروغی که رژیم کودتا و مخالفین سیاست حکومت دکتر مصدق تبلیغ می‌کردند و هنوز طرفداران رژیم سابق پهلوی طلبها و سرسپردگان به اجانب می‌گویند اینست که قیمت خوراکی‌های اساسی ترقی فاحشی کرده بود و هزینه زندگی به طرز سرسام آوری بالا می‌رفت و تورم تشدید شده بود! و اما آمار خلاف گفته آنها را می‌گوید از اردیبهشت ۱۳۳۰ که دکتر مصدق نخست وزیر شد تا مرداد ۱۳۳۲ شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در شهرهای ایران هزینه زندگی از ۴۴۰۱ به ۵۰۰۶ رسیده یعنی ۱۴۰۷ درصد افزایش یافته است که اگر نسبت به ۲۸ ماه زمامداری دکتر مصدق سنجیده شود. به طور میانگین ماهی ۰۰۵۲ و سالی ۶۰۲ می‌شود. در مجموعه آمار پیش گفته سال ۱۳۴۸ به عنوان مبداء یعنی برابر ۱۰۰ برگزیده شده است لذا شاخص‌های مربوط به سالهای پیش از آن همه کمتر از ۱۰۰ می‌باشد در حالی که در سالهای دهه ۲۰ و ۳۰ آمارگران بانک ملی مبداء را سال ۱۳۱۵ می‌گرفتند و شاخص‌های همه بالای ۱۰۰ بوده است. ولی آمار مجموعه بر اساس همان آمار بانک ملی و بانک مرکزی حساب شده است و فقط مبداء را تغییر داده اند. اگر فرض کنیم که تمام کالاها و خدمات هر کدام ۲، ۶ درصد در سال افزایش یافته باشند، باز هم چنین افزایشی چیز مهمی نیست که آن همه سروصدا برای آن راه بیاندازند در دنیای کنونی علمای علم اقتصاد نرخ تورمی در حدود ۷ را عادی و طبیعی تلقی می‌کنند. در خود ایران نیز در سالهای پیش از حکومت مصدق نرخ تورم همیشه بیش از این اندازه بوده است. مثلاً از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۸ میانگین سالی ۳۶۰۲۵ افزایش یافته است. اگر سالهای بعد از پایان جنگ و اشغال را در نظر گیریم در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی به طور میانگین سالی هفت افزایش نشان می‌دهد. نکته مهمتر اینکه همین افزایش ۲۰۶ نیز بیشتر مربوط به ۵ ماه آخر حکومت مصدق یعنی ماههایی که فشارهای سیاسی و تبلیغاتی وجو سازهایی خارجی و داخلی مقدمات کودتای ۲۸ مرداد را فراهم می‌آوردند بوده نه ۲۳ ماه پیش از آن از اردیبهشت ۳۰ تا اسفند ۳۱ شاخص مزبور از ۱، ۴۴ به ۴۸ رسیده یعنی ۱۰ افزایش نشان می‌دهد که به طور میانگین ۰۰۳۸ در صد در ماه و ۴۰۵ در سال می‌شود در حالی که در ۵ ماه آخر شاخص از ۴۸ به ۵۰۰۶ رسیده یعنی ۵۰۴ درصد افزایش یافته که به طور میانگین ماهی ۱۰۰۸ و سالی ۹، ۱۲ می‌گردد. (همان، ۱۱۲-۱۱۳) افزایش قیمتها متوجه کالاهای وارداتی مورد مصرف قشرهای صاحب درآمد بود. وگرنه، قیمتهای کالاهای مورد مصرف عموم مردم یا ثابت ماندند و یا کاهش پذیرفتند. اما تراز بازرگانی خارجی کشور بدون نفت تراز بازرگانی خارجی کشور بدون صادرات نفت از سال ۱۳۰۹ بجز سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۳۱ الی ۱۳۳۳ همواره منفی بوده است.

اگر سال ۱۳۲۰ را بدلیل شرایط اشغال ایران از سوی متفقین استثنایی بدانیم می‌توان سالهای پیروزی جنبش ملی کردن صنعت نفت را در چند دهه گذشته از نظر اداره کشور بدون درآمد نفت و برخورداری از تراز مثبت در بازرگانی خارجی بی‌مانند دانست. البته این نتیجه را باید علاوه بر اتخاذ سیاست‌های درست بازرگانی کاهش واردات غیر ضروری و تشویق صادرات حاصل عدم گسترش الگوی مصرف برون‌زا در آن دوره دانست ضمن اینکه پشتیبانی مردم از جنبش کمبودها را تحمل پذیر می‌کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به سرعت مزاد تراز بازرگانی به کسری تبدیل شد و مقدار آن نیز افزایش یافت بطوری که سهم صادرات غیر نفتی به مبادلات از ۵۴۴ در صد در سال ۱۳۳۲ به ۱۶۰۹ در صد در سال ۱۳۴۰ رسید. (رزاقی، ۱۳۷۶: ۲۵۰)

حکومت مصدق با اتخاذ سیاست افزایش بهای گواهینامه‌های ارزی و کاهش واردات و همچنین گسترش سیاست قراردادهای پایاپای موفق شد کمبود ارز خود را جبران کند در آذرماه همان سال تحصیل گواهینامه‌های ارزی آزاد محول شد و در حقیقت با این سیاست برای اولین بار در طول تاریخ کشور واردات تابع صادرات شد که این حمایت شدید و اصولی از صادرات در مقابل واردات تا اوائل سال ۱۳۳۲ ادامه یافت. (اکبری، ۱۳۶۷-۱۳۶۸: رشد اقتصادی و تجارت خارجی در ایران اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۶۸ - ۶۷) تا سال ۱۳۳۰ واردات کشور بر صادرات واقعی یعنی بی‌نفت فزونی چشمگیری داشته ولی کسر صادرات از واردات رو به کاهش بوده تا اینکه در سال ۱۳۳۱ صادرات بر واردات فزونی یافته و در سال ۱۳۳۲ این فزونی به حد اعلای خود یعنی دو میلیارد و ۶۶۶ میلیون ریال رسیده سپس فزونی صادرات بر واردات رو به کاهش نهاده و در سال ۱۳۳۴ به فزونی واردات بر صادرات مبدل گردیده و این کسر بازرگانی خارجی در سال بعد به ۱۸ میلیارد و ۲۷۳ میلیون ریال رسیده که تا آن تاریخ سابق نداشته است. تعمق در این آمار نشان می‌دهد که حکومت دکتر مصدق یک بازرگانی خارجی بدهکار را در مدت کوتاهی و با وجود محدودیتها و کارشکنیهای انگلستان و هندوستان به یک بستانکار مبدل ساخته است. ولی رژیم کودتای ۲۸ مرداد در مدت کوتاهی نه تنها تمام آن برتری را بر باد داده بلکه بازرگانی خارجی ایران را از نو گرفتار کسری هنگفت و بی‌سابقه‌ای کرده است. (خامه‌ای، ۱۳۷۵: ۱۲۴)

دولت ایران با اتخاذ تدابیری که به سیاست اقتصاد بدون نفت شهرت داشت از لحاظ اقتصادی توانست پایداری کند و سرانجام نه بحران مالی و ورشکستگی اقتصادی که آشکارا به دروغ تبلیغ می‌کردند، بلکه کودتای سیاسی - نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آن را ساقط کرد تدابیری اقتصادی در آن زمان محدود کردن واردات و تشویق صادرات، تثبیت بهای مایحتاج عمومی، تثبیت سطح قیمتها، برقراری مالیاتهای جدید بر دخانیات و اتومبیل‌های وارداتی، انتشار اوراق قرضه ملی استقراض داخلی، تقلیل میزان پشتوانه اسکناس برای تامین هزینه‌های دولت، تقلیل هزینه‌های جاری دولت، تقلیل هزینه‌های جاری دولت، مهار و تورم، افزایش تولیدات کشاورزی و

صنعتی بوده که کارآمدی دولت ملی مصدق را در آن مدت کوتاه به اثبات می‌رساند. (حق جو، ۱۳۸۲: رویارویی مصدق با چالش‌های اقتصادی) آمریکا شکست کودتا را قطعی می‌داند اما کاشانی و بهبهانی در تدارک کودتای ۲۸ مردادند. گرچه وضعیت اقتصادی و مالی ایران کماکان رو به وخامت و نابسامانی می‌رود اما چند راه در برابر آن قرار دارد که ممکن است دولت را قادر سازند وضعیت را در کوتاه مدت بهبود بخشد. دولت تاکنون از بکارگیری ذخائر طلای کشور عمدتاً از ترس آنکه به دست مخالفان سلاح مؤثری بیفتد و سبب پدید آمدن اثرات روانی منفی در مردم کشور بگردد خودداری کرده است. با توانمند شدن موضع سیاسی نخست وزیر بر اثر انجام فراندوم این ترسها و ملاحظات کاهش یافتند. با وجود این دولت تمایل دارد از ذخایر طلا تنها بعنوان آخرین علاج در پرهیز از بحران مالی شدید، استفاده کند. درخشان‌ترین نقطه در وضعیت کنونی چشم اندازهای صادرات بویژه صادرات فرش و برنج و جو است. دولت برآورد می‌کند که صادرات ممکن است تا حدود پنجاه درصد از نظر حجم در مقایسه با سال گذشته افزایش یابد و بدین ترتیب ارزش مورد نیاز برای واردات فراهم آید.

عامل سوم که ممکن است موجب بهبود وضعیت کنونی گردد تمایل آشکار شوروی‌ها به گسترش بازرگانی تهاتری با ایران و دادن امتیازاتی در مورد مطالبات مالی ایران از شوروی است. هرگاه اتحاد شوروی مقداری طلا و دلار مورد مطالبه را در اختیار ایران قرار دهد بعقیده سفارت دولت ایران هیچ تردیدی در استفاده از این تسهیلات پولی در هزینه‌های جاری نمی‌کند... اگر دولت کاملاً از امکانات بهره‌گیری از ذخائر طلا و افزایش صادرات و گسترش بازرگانی با اتحاد شوروی استفاده کند ممکن است از بروز بحران شدید مالی برای مدت نا مشخص اجتناب شود.

دولت مصدق با چالش‌هایی در آینده که بالقوه وجود دارند و دو سرچشمه دارند سرچشمه‌ای که پیدایش شکاف وجدائی در داخل دولتیان بر سر مسائل آینده غیر قابل پیش بینی و سرچشمه‌ای که نیروهای مسلح و موضعی غیر قابل پیش بینی که اتخاذ خواهند کرد همانطور که در برآورد وابسته نظامی کنترل نیروهای مسلح ایران عنوان کد وابسته نظامی آمریکا به شماره ۱۷۵ - ام مورخ ۱۰ اوت بیان شده است. در حالی که سفارت عقیده دارد در آینده نزدیک عوامل تفرقه انداز و شکاف افکن در داخل رژیم ممکن است فاقد توانائی کافی برای ابراز وجود باشند. به عمل در آوردن هر تاکتیک بالقوه مخالفان بمنظور نفوذ و پاگرفتن در داخل رژیم مدتی طول می‌کشد. با وجود این بایستی تأکید شود که حزب توده بطور منظم این تاکتیک را با موفقیت روز افزونی در میان نزدیکان مصدق دنبال کرده است. مصدق کوشیده است از طریق سرکوب مخالفان این امر را نزد غرب یک امر واقع بنمایاند آنها می‌بایستی میان او و حزب توده یکی را برگزینند. این عقیده وجود دارد که به موازات خرابی وضع کشور و افزایش نارضائی در تمام سطوح جامعه حزب توده در سازمان دولتی گسترش می‌یابد پس این استدلال غیر قابل دفاع است. به نظر سفارت در

شرائط، جاری تا هنگامی که نیروهای مسلح هنوز بطور قابل توجهی تحت نفوذ حزب توده قرار نگرفته اند، علی رغم برنامه این حزب که بمنظور در دست گرفتن اقتدار بر کشور طراحی شده است. این نیروها با همراهی عناصر غیر کمونیست در ایران هنوز می‌توانند گزینه دیگری را مقابل مصدق به جز حزب توده عرضه کنند. (سفری، ۱۳۷۹: ۱۱۷۴ - ۱۱۷۷ به نقل از سند شماره ۳۴۱، تلگراف ۷۸۸، ۸/۱۰-۱۲۵۳ ازسوی ماتیسن کاردار سفارت امریکا در ایران به وزارت امور خارجه، تهران، ۱۲/۱۰/۱۹۵۳، یک بعد از ظهر، سری فوری)

از نظر سیاسی در برابر مصدق و نهضت ملی ایران، جز نیروهای مسلح نیروئی وجود ندارد. از نظر اقتصادی ایران می‌تواند از بحران اجتناب کند و از پا در نیاید. راهی که می‌ماند شکاف انداختن در رهبری نهضت ملی و کودتا است. (سند شماره ۳۴۱، تلگراف ۷۸۸، ۸/۱۰-۱۲۵۳ ازسوی ماتیسن کاردار سفارت امریکا در ایران به وزارت امور خارجه، تهران، ۱۶/۱۰/۱۹۵۳) نتیجه گیری‌های وزارت خارجه آمریکا عبارت بوده اند: از تا آینده قابل پیش بینی ایران توسط مصدق یا جانشین او که همان سیاست‌ها را در پیش بگیرد، اداره خواهد شد. این طور می‌نماید که چرخ ایران بدون درآمد نفت از نظر اقتصادی و مالی می‌چرخد. تا آینده ای که قابل پیش بینی است حکومت انگلستان خواستار حل مشکل نفت به تریبی که سبب انتقاد شدید در انگلستان بگردد و یا سبب به خطر افتادن امتیازهای نفتی موجود بشود که دولتهای خاورمیانه داده اند، نیست. (سند شماره ۳۴۱، تلگراف ۷۸۸، ۸/۱۰-۱۲۵۳ ازسوی ماتیسن کاردار سفارت امریکا در ایران به وزارت امور خارجه، تهران، ۱۰/۱۰/۱۹۵۳) تا آینده قابل پیش بینی ایالات متحده می‌باید موضع استوار و دوستانه خود را هم با ایران و هم با انگلستان حفظ کند. با این هدف که با توجه به وضعیت بین المللی متغیر و وضعیت در ایران دو طرف را به حل و فصل مشکل نفت بر انگیزد. در این وضعیت سنجی تصریح می‌شود که حزب توده ایران توانائی قبضه دولت را ندارد و تهدیدی برای حکومت مصدق نیست حزب توده یک تهدیدی جدی بشمار نیست. هر دو سند، اعتراف دارند مصدق از حمایت مردم برخوردار و به اداره اقتصاد کشور توانا است و نیروهای سیاسی وابسته در برابر او ناتوان گشته اند. (همان) تبلیغ گسترده بقصد القای این دروغ که ملی کردن نفت اقتصاد ایران را گرفتار ورشکستگی کرد. علی رغم اینکه هر دو سند برای آمریکا و انگلیس روشن می‌کند که چرخ اقتصاد کشور در گردش است ولی دو حکومت در حال اجرای نقشه کودتا هستند. از این رو برای آماده کردن افکار عمومی برای کودتا برضد حکومت ملی دکتر مصدق رسانه‌های گروهی سلطه گران و همچنین جراید و نشریات سر سپردگان داخلی آنها به دروغ می‌گفتند حکومت دکتر مصدق کشور را در در آستانه ورشکستگی، اقتصادی خالی بودن خزانه دولت، در نتیجه گرانی زندگی و افزایش قیمت‌ها و فزونی بیکاری و کاهش تولیدات داخلی و نارضایتی عمومی قرار داده است. پیش از کودتا در بعضی از اسناد نظیر سند ۳۲۵ \ ۸ مه ۱۹۵۳

از روند رو به وخامت اقتصادی ایران و سند ۳۳۴ ۱۷۸ ژوئیه ۱۹۵۳ از وضعیت تقریباً مأیوس کننده مالی و اقتصادی و فقدان چشم انداز محسوس برای حل مسائل کشور گزارش می‌شود بعد از کودتا در سند شماره ۳۵۷، ۲۷ اوت ۱۹۵۳ در اولین ملاقاتی که بین زاهدی با هندرسن انجام می‌پذیرد، زاهدی به هندرسن می‌گوید: دولت وی نه تنها ورشکسته است بلکه مقروض نیز می‌باشد. مصدق وجوهی را که مردم به بانک‌ها و شرکت‌های بیمه سپرده بودند خرج می‌کرده است. وی نمی‌توانست درک کند که در سر مصدق چه می‌گذشت. نامبرده می‌بایستی تشخیص می‌داده است که وی دارد کشور را به سوی یک بن بست مالی هدایت می‌نمود. علت آن تبلیغات گسترده که قدرتهای بزرگ استعمارگر و بلندگوهای جهانی آنها و عمال و جیره خواران داخلیشان در زمان حکومت مصدق راه انداخته بودند این بود که زمینه را برای شکست سیاسی او فراهم آورند. پس از کودتای انگلیسی، آمریکایی ۲۸ مرداد هم همین قدرتها و همان عمال نیاز داشتند که این کودتا را در انظار جهانیان یک قیام ملی جلوه گر سازند تا بر جنایت تاریخی خود پرده بپفکنند از این رو، بعد از کودتا، همان تبلیغات ادامه یافت بلکه وسعت گرفت بنیاد این تبلیغات بر این بود که گویا در زمان حکومت مصدق چرخ اقتصاد و تولید کشور بکلی از کار افتاده بوده، بیکاری و تنگدستی بیداد می‌کرده کالاهای ضروری نایاب و بهای آنها بگونه ای سرسام آور افزایش یافته و خلاصه جان مردم قحطی زده به لب رسیده بوده است، از این رو علیه دکتر مصدق شوریده و او را سرنگون ساخته اند. بهمین جهت نیویورک تایمز به تاریخ سوم مرداد ۱۳۳۱ تبلیغ کرده است: طریقی را که دکتر مصدق برای متشکل ساختن احساسات ملی اختیار کرده موجب ورشکستگی کشورش شده است و.... هر روز بر عده گرسنگان ایران می‌افزاید. (سر آنتونی ایدن وزیر خارجه انگلستان در مجلس عوام به تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۳۳) دکتر مصدق در خاطرات خود دلایل رد طرح‌های پیشنهادی را مطرح می‌کند و راجع به مهمترین پیشنهاد یعنی پیشنهاد بانک جهانی که برخی از مورخان رسمی که از ترس جان و فکر نان برای خوش آمد نظام‌های سیاسی قلم می‌زنند و دکتر مصدق را به دلیل نپذیرفتن این طرح بسیار سودمند مورد نکوهش قرار می‌دهند می‌نویسد چون شرط اصلی حل مسأله نفت از طرف بانک جهانی یکی اداره نمودن معادن از طرف دولت ایران و شرکت نفت مشترکاً بود و شرط دیگر این بود که کارشناسان انگلیسی که به خلع ید از ایران رفته بودند به ایران برگردند، بدین خاطر پیشنهاد بانک جهانی نمی‌توانست مورد تأیید قرار گیرد. بانک جهانی می‌خواست همان وضعیت سابق را در آبادان برقرار کند و تمام فدار کاریهای ملت ایران را بی اثر نماید و هر دولتی که روی کار باشد هیچ کاری نتواند بکند و بعد از انقضای مدت دو سال باز هم شرکت همان حرفه‌ایی را که میزد بزند در واقع پیشنهاد بانک جهانی به معنی لغو قانون ملی کردن صنعت نفت و تداوم بهره‌برداری معادن نفتی توسط شرکت نفت انگلیس و ایران بود. (همان) راجع به پیشنهاد هندرسن

سفیر آمریکا هر چند از جنبه مالی امتیازاتی داشته و از این لحاظ مورد موافقت دولت قرار گرفت ولی پذیرش آن پیامدهای زیان باری داشت از جمله اینکه دولت ایران مجبور بود به صلاحیت دیوان داوری بین المللی لاهه که انگلیس برای آن قائل شده بود تن دهد. اگر با صلاحیت دیوان موافقت می شد و دیوان هم ایران را به پرداخت حداقل غرامت محکوم می کرد در آن صورت به نوشته دکتر مصدق معلوم نبود که عمال بیگانه چگونه و چگونه و چگونه به دامن امضا کنندگان قرارداد بزنند و آنها را تا ابد دچار طعن و لعن کنند. (همان، ۲۸۶) دکتر مصدق در مذاکرات نفت بیش از هر چیز به استقلال سیاسی ایران توجه داشته است. هر پیشنهادی را که مغایر با منافع و مصالح مردم ایران بود و در جهت نادیده گرفتن قانون ملی کردن صنعت نفت بود رد می کرد که اگر این کار را نمی کرد در مشروطه طلبی و دمکرات بودن او باید شک کرد.

نتیجه گیری

سیاست خارجی دکتر مصدق از فرازهای بسیار مهم تاریخ دیپلماسی ایران است و هر چند که از لحاظ تاریخی بسیار کوتاه است ولی به لحاظ داشتن مبانی نظری و کارکرد پرارزش تاریخی نقطه عطفی در پویش سیاست و روابط خارجی ایران به شمار می‌آید. مساله مهمی که باید به رغم وجود انبوهی از تحقیقات به آن توجه خاص شود، جغرافیای زمان مورد بررسی است برای ارزیابی و شناخت هر جریان فکری یا شخصیت سیاسی ابتدا باید به شرایط زمانی و مکانی آن عنایت داشت، چرا که هر تفکری محصول زمان خویش است و می‌خواهد به بحران و یا پرسشی که در همان مقطع زمانی وجود دارد، پاسخ دهد. مصدق هم به عنوان یک بازیگر سیاسی و تصمیم گیرنده اصلی با توجه به ویژگی‌های دهه ۱۳۳۰ فرزند زمان خویش است. فرض بر این است که تصمیم گیرنده سیاسی به دلیل دسترسی به کانالهای اطلاعاتی لازم و برخورداری از اقتدار کافی و نبوغ و استعداد می‌تواند تصمیماتی در جهت حفظ منافع ملی و تأمین هدف‌ها اتخاذ کند. تصمیم گیرنده تلاش خواهد کرد با توجه به محدودیت‌های موجود و با عنایت به مطلوبیت تصمیم از میان یک رشته راه حل‌ها واقع بینانه ترین و مناسب ترین گزینش را انجام دهد. تصمیم به ملی کردن صنایع نفت نسبت به سایر راه حل‌های مختلف بحران نفت، فی نفسه تصمیمی عقلایی و ناشی از همین طرز تفکر مصدق است عقلایی رفتار کردن وی نه تنها در ملی کردن صنعت نفت نمود می‌باید بلکه در اصرار وی بر حاکمیت قانون و آزادی فعالیت نهادهای مشارکت قانونی و مشارکت دادن مردم در پویش تصمیم گیری مشاهده می‌شود. بی تردید موفقیت سیاست خارجی در گرو برخورد عقلایی با مسائل اقتصادی و اجتماعی یعنی اجرای موفقیت آمیز سیاست داخلی است.

فهرست منابع

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸): ایران بین دو انقلاب ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، ج چهارم، تهران، نشر نی
۲. آوری، پیترو گارین همبلی و چارلز ملویل (۱۳۷۱): سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر تهران انتشارات طرح نو
۳. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴): روابط خارجی ایران، تهران، نشر قومس
۴. احمد راسخی لنگرودی (۱۳۸۶): موج نفت: تاریخ نفت ایران از امتیاز تا قرارداد، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۴۷
۵. اسناد نفت (۱۳۳۰): انتشارات دولت مصدق، تهران، پویان
۶. افشار، ایرج و مصدق، محمد و غلامحسین (۱۳۶۵): خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق، تهران، انتشارات علمی
۷. اکبری، محمد رضا (۱۳۷۲): رشد اقتصادی و تجارت خارجی در ایران، اطلاعات سیاسی، اقتصادی ۶۸ - ۶۷ فروردین و اردیبهشت
۸. بزرگمهر، جلیل (۱۳۶۳): مصدق در محکمه نظامی، تهران، نشر تاریخ ایران، ج دوم
۹. بیل، جیمز و راجرز لويس، ویلیام (۱۳۷۲): مصدق، نفت ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات نشر گفتار، تهران
۱۰. پوپر، کارل (۱۳۷۶): درس این قرن ترجمه علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو
۱۱. حق جو، ناصر (۱۳۸۲): رویارویی مصدق با چالش های اقتصادی، نشریه نامه، مورخ ۲۵ مرداد
۱۲. خامه ای، أنور (۱۳۷۵): اقتصاد بدون نفت ابتکار بزرگ دکتر مصدق، تهران، انتشارات ناهید
۱۳. راجر لويس، ویلیام (بی تا): مصدق و دوراهی امپریالیسم بریتانیا، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی،
۱۴. رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۶): آشنایی با اقتصاد ایران، تهران، نشر نی
۱۵. رضاقلی، علی (۱۳۷۷): جامعه شناسی نخبه کشی، تهران، نشر نی
۱۶. روحانی، فواد (۱۳۵۳): تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، انتشارات فرانکلین، ج دوم
۱۷. ذبیح، سپهر (۱۳۷۰): ایران در دوره دکتر مصدق، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، نشر عطایی،
۱۸. سفری، محمد علی (۱۳۷۹): قلم و سیاست، تهران، نشر نامک، ج دوم
۱۹. شایگان، داریوش (۱۳۷۴): زیر آسمانهای جهان گفتگوی رامین جهاننگلو با شایگان ترجمه نازی عظیما تهران، نشر فرزانه
۲۰. صداقت کیش، جمشید (بی تا): روابط ایران و آمریکا، تهران، دهخدا

۲۱. عاقلی، باقر (۱۳۷۴): نخست وزیران ایران ج ۲ تهران انتشارات جاویدان
۲۲. عظیمی، فخر الدین (۱۳۷۲): بحران دموکراسی در ایران ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، ج ۲، تهران، انتشارات البرز
۲۳. علم، مصطفی (۱۳۷۱): نفت، قدرت و اصول ملی شدن نفت و پیامدهای آن، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، اطلاعات،
۲۴. فری یر، رونالد (۱۳۷۲): اختلاف ایران و انگلیس بر سر نفت، رابطه سه جانبه، در مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، گردآورنده جیمزبیل و ویلیام راجر لوئیس، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشر گفتار،
۲۵. کاتم، ریچارد (۱۳۷۸): ناسیونالیسم در ایران ترجمه احمد تدین، ج ۲، تهران، انتشارات کویر
۲۶. کاتوزیان، همایون (۱۳۷۱): مصدق و نبرد قدرت ترجمه احمد تدین تهران انتشارات رسا
۲۷. کدی، نیکی آن (۱۳۶۹): ریشه‌های انقلاب ایران ترجمه عبدالرحیم گواهی تهران، قلم
۲۸. کی استوان، حسین (۱۳۵۵): سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم تهران، مصدق، ج اول
۲۹. مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۶۹): تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، انتشارات اسلامی، ج اول،
۳۰. مصدق، محمد (۱۳۶۵): خاطرات و تألمات مصدق، چ دوم، انتشارات علمی
۳۱. مکگی، جرج و ورنون والترز (بی تا): سه گزارش ترجمه غلامرضا نجانی، تهران
۳۲. مورتی، کریشنا (۱۳۷۰): ناراضیتی خلاق ترجمه مرسله لسانی تهران انتشارات به نگار
۳۳. میلانی، جمیل (۱۳۹۳): چرخش در سیاست خارجی ایران در دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (از موازنه منفی تا وابستگی)، فصلنامه سیاست، سال اول، شماره چهارم
۳۴. نجاتی، غلامرضا (۱۳۶۸): جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ پنجم
۳۵. نصر الله، شیفته (۱۳۶۴): زندگی نامه و مبارزات سیاسی دکتر فاطمی، تهران، نشر آفتاب حقیقت
۳۶. نطق‌های دکتر مصدق (۱۳۴۶): ج اول دفتر اول، انتشارات مصدق، اسفندماه
۳۷. نویمان، فرانتس (۱۳۷۳): آزادی و قدرت و قانون ترجمه عزت الله فولادوند تهران انتشارات خوارزمی
۳۸. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵): سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران، نشر البرز.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۵۷ - ۳۱

خوانش نمایشی معراج پیامبر (ص) در الهی‌نامه عطار نیشابوری

حبيب آقائى^۱

کامران پاشایی فخری^۲

پروانه عادل‌زاده^۳

چکیده

الهی‌نامه عطار، منظومه‌ای در قالب مثنوی است. عطار در این منظومه به بازگویی اهداف اهل تصوف از راه تمثیل پرداخته و کوشیده به انسان بفهماند که حقیقت هر آرزو در درون خود اوست و جستجوی آن نیز از درون انسان است. در بررسی جنبه‌های نمایشی الهی‌نامه، علاوه بر دانستن افکار و شیوه نگارش عطار باید بر عناصر جنبه‌های نمایشی نیز آشنایی کامل داشت. توصیف معراج پیامبر اکرم (ص) قابلیت‌های نمایشی بارزی دارد که با بررسی عناصر نمایشی در داستان و تحلیل آن برای به کار بستن آن‌ها در نمایش، می‌تواند به روی صحنه برود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که جنبه‌های نمایشی در کدام قسمت از بدنه داستان واقع است و با تحلیل آن‌ها چگونه می‌توان به خوانش نمایشی دست یابیم؟ با توجه به اهداف پژوهش، روش به کار رفته این گونه است که علاوه بر آثار عطار نیشابوری، در مقالات و کتاب‌هایی با موضوع؛ اصول درام، ویژگی‌های عناصر و عوامل دراماتیک، مطالعه و فیش برداری و با تحلیل داده‌ها نتیجه‌گیری صورت گرفته است. آن چه که از این تحقیق به دست می‌آید تا اندازه‌ای ارزش نمایشی دارد و ضرورت دارد که نمایشنامه‌نویس زمینه را برای داستان‌های دیگر مهیا سازد.

واژگان کلیدی

الهی‌نامه عطار نیشابوری، جنبه‌های نمایشی، نمایشنامه، معراج پیامبر (ص).

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: 1364519038@iaui.ac.ir

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: pashaei@iaui.ac.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران.

Email: adelzadeh@iaui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۳/۱۸

طرح مسأله

ادبیات ایران، سرشار از آثار ارزشمند منظوم و منثور است. عطار نیشابوری به خاطر داشتن افکار عرفانی و بازگویی آن از طریق داستان سرایی، همواره دانشمندان سراسر جهان را به خود جلب کرده است. ادبیات و نمایش، هرچند که دو مقوله‌ای متفاوت هستند؛ ولی از یک ریشه مشترک طبع و قریحه سرچشمه می‌گیرند. از سده چهارم پیش از میلاد، ارسطو نمایشنامه را یکی از سه گونه کلان ادبی یا شعر (نمایشی، حماسی، وصفی و غنایی) شمرده است؛ بنابراین نمایشنامه با گونه‌های ادبی یا شعر تفاوتی آشکار دارد. نمایشنامه برخلاف گونه‌های ادبی، گونه‌ای از ادبیات را در خود دارد که در مقابل چشمان بیننده راه می‌رود و لب به سخن می‌گشاید و هیجان بیشتری از گونه ادبیاتی دارد. نمایشنامه نویسان بزرگی هم‌چون آیسخولوس^۱ (۵۲۵-۴۵۶ پ. م) تا هنریک یوهان آیسن^۲ (۱۸۲۸-۱۹۰۶ م) و حتی در دوران معاصر هم‌چون آرتور اشر میلر^۳ (۱۹۱۵-۲۰۰۵ م) آثار ارزشمندی را به وجود آورده‌اند. آثار منظوم و منثور ادبیات ایران جنبه‌های نمایشی غنی، عناصر و عوامل دراماتیک را در خود دارند؛ بنابراین نمایشنامه نویس بزرگی همانند ویلیام باتلر ییتز^۴ (۱۸۸۵-۱۹۳۹ م) با استفاده از این آثار، نمایشنامه کوهولین را که جزئیات آن مطابق با نبرد رستم و سهراب شاهنامه فردوسی است، نوشته است. در ایران نیز نویسندگانی هم‌چون اکبر رادی (۱۳۱۸-۱۳۸۶ هـ ش) و محمد رحمانیان (۱۳۴۱ هـ. ش، تاکنون) با نمایشنامه‌های خود آثار ماندگاری را خلق کردند.

- ضرورت و اهداف پژوهش

عطار نیشابوری در آثار خود، مفاهیم عرفانی را به صورت عملی بازگو کرده است؛ بدین منظور ضرورت و علت اساسی پژوهش در این است که آثار عطار از جنبه‌های نمایشی، ساخت-مایه‌ها و عوامل دراماتیک هم‌چون طرح داستان، دیالوگ، شخصیت‌پردازی، زمان و مکان، کنش، فضا و حرکت و غیره مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و در قالب نمایشنامه آورده شود. سوالی که مطرح می‌شود این است که جنبه‌های نمایشی در آثار عطار کدامند؟ با تحلیل این جنبه‌ها چگونه می‌توان از آن خوانش نمایشی داشت؟ هدف اصلی پژوهش، خوانش نمایشی است و به موضوعاتی که به کارگردانی و فرآیند بعد از فیلم‌برداری مربوط می‌شود، پرداخته نشده است.

1. Aeschylus
2. Henrick. Johan. Ibsen
3. Artur Asher Miller
4. William Butler Yeats

- روش تحقیق

روش تحقیق به کار رفته، تحلیلی- توصیفی است و مطالعات و جمع‌آوری اطلاعات با روش تحقیق کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

- پیشینه تحقیق

مطالعه پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مقاله‌ای با عنوان «بررسی جنبه‌های نمایشی داستان شیخ صنعان عطار نیشابوری، حبیب‌الله لزگی، کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، ۱۳۸۰» نوشته شده است که تلاش‌هایی برای یافتن جنبه‌های نمایشی داستان شیخ صنعان می‌باشد. در این مسیر، نویسنده با توجه به اهداف این پژوهش در بخش ادبی، آثار عطار نیشابوری به خصوص الهی‌نامه و در بخش نمایشی و تاریخی کتاب‌ها و مقالاتی با موضوع اصول درام، ویژگی‌ها، عناصر و عوامل دراماتیک که نویسندگانی هم‌چون بولتون، شمیسا و هولتن سهم بیشتری داشته‌اند، مطالعه و فیش برداری و با تحلیل داده‌ها و اطلاعات نتیجه‌گیری کرده است.

۱- مبانی نظری پژوهش

نمایشنامه از گونه‌های ادبی (نمایشی، حماسی، وصفی و غنایی) است که توسط نمایشنامه‌نویس از طریق عوامل اجرایی به روی صحنه می‌رود. فرق بین نمایشنامه و داستان در این است که آن‌چه در داستان وصف می‌شود، در نمایشنامه در معرض دید واقع می‌شود.

۱-۱- درام

هر داستان و واقعه‌ای که می‌تواند به یک نمایش تبدیل شود، یک موضوع دراماتیک است. از ویژگی‌های اصلی درام، تلفیق هنرهای دیداری و شنیداری است. درام رفتار تقلیدی است که در زمان حال ظاهر می‌شود و در برابر دیدگان تماشاگر رویدادهای واقعی یا تخیلی را بازآفرینی می‌کند.

«درام ویژگی یگانه‌ای دارد؛ ویژگی‌های شعر روایتی و هنرهای دیداری و شنیداری را درهم می‌آمیزد؛ یعنی هم بعد زمان دارد و هم بعد مکان. درام روایتی است که به صورت دیداری درآمده و تصویری است که توان حرکت در زمان را به دست آورده است.» (اسلین، ۱۳۸۷: ۱۹).

«درام از زبان یونانی باستان و از طریق زبان لاتینی پسین last latin به زبان‌های اروپایی راه یافته است و امروزه نیز به کار می‌رود. واژه‌ی drama از مصدر dram یونانی به معنای به کار برداختن، انجام دادن و کارپرداخت^۱ بر صحنه نمایش یا کارپرداخت بر بازیگاه فراگرفته شده

است. امروزه دراما به چند معنی به کار می‌رود. نگارش یا تصنیفی به نظم یا به نثر که به نحوی ساخته و پرداخته شود که بازیگران به هیئت شخصیت‌های آن درآیند و داستانی را بر بنیاد کار پرداخت و غالباً با کمک گفت و شنود بر بازیگاه یا صحنه برای تماشاگران نمودار سازند. در این معنا drama برابر با نمایشنامه در زبان فارسی است و با این چند اصطلاح انگلیسی playtext, playscript, text, Script نیز مترادف و بر همین بنیاد اصطلاح ادبیات تماشاگانی (ادبیات نمایشی) ساخته شده است. (ناظر زاده، ۱۳۸۳: ۳۱).

۲-۱- ژانر

ژانر به معنای گونه و نوع است و به شاخصه‌های گوناگونی که برای طبقه‌بندی انواع هنر می‌پردازد گفته می‌شود. ژانر برای چستی یا چگونگی محتوای اثر نیز به کار می‌رود؛ مثلاً ژانر رمان یعنی متن‌هایی که کاراکترهای داستان و عوامل رمان را تشکیل می‌دهد. «ژانر در واژه، معنایی نزدیک به قسم، جور، نوع، ریخت و سنخ و شکل دارد؛ اما در گستره ادبیات معنای ویژه‌تری دارد و به پدیده‌هایی ادبی گفته شده که از نظر درون‌مایه، همانند و هم‌دسته‌اند. منظور از ژانر گونه درامی است که نمایش داده شده است. این گونه‌ها بیش‌تر به وسیله واکنشی که در بینندگان به وجود می‌آورند متمایز می‌شوند.» (لتوین - استاکدیل، ۱۳۹۷: ۲۶).

«ادبیات نمایشی می‌تواند به گونه‌ها و انواع یا ژانرهای مشخصی تقسیم و طبقه‌بندی شود. در بوطیقا ارسطو درام را به دو گونه بنیادی تقسیم می‌کند؛ تراژدی و کمدی. می‌توان این‌گونه نیز گفت که ژانرها به دسته‌های ژانر اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. مثلاً کمدی یک ژانر و گونه اصلی و بنیادی است و تعدادی زیرمجموعه‌ها و ژانرهای فرعی نیز دارد.» (ناظرزاده، ۱۳۸۳: ۲۵۸)

۳-۱- تراژدی

تراژدی یکی از شکل‌های نمایشی می‌باشد که حاصل ستیز و کشمکش با خود یا نیروی جدایی‌ناپذیر سرنوشت است؛ نیز تراژدی شکلی از نمایش است که جنگ میان خدا و شاهان را در بر می‌گیرد.

بولتون در مورد خصوصیات و محتوای تراژدی چنین نظری دارد: «نمایشنامه‌ای که پایان غم‌انگیزی دارد و حداقل یک مرگ در آن اتفاق می‌افتد. کنش نمایشی و محتوای اثر تراژیک، جدی است و به شخصیت انسان احترام می‌گذارد. شخصیت محوری تراژدی، همانطور که ارسطو گفت و هنوز این اصل به اعتبار خود باقی است، فردی یا شخصیت تحسین‌برانگیز و موقعیتی مهم است و به خاطر یک اشتباه به تباهی کشانده می‌شود.» (بولتون، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

«در تراژدی، شخصیت به واسطه اعمال خودش آن هم به گونه‌ای ناخواسته و اجتناب‌ناپذیر

داخل ماجرای تراژدی می‌شود. هریک از نیروهای نهفته پرتوان انسان، وقتی به فعلیت می‌رسد، فاجعه می‌کارد و برداشت می‌کند. نمی‌توان برای معنای تراژدی‌های شاعران بزرگ، فرمول ثابتی نوشت. این آثار نماینده رنج و تلاش انسان برای کنار آمدن با دانایی تراژیک خودش هستند. تراژدی خود را در جنگ، در پیروزی و شکست و در گناه نشان می‌دهد. تراژدی معیار سنجش بزرگی انسان هنگام فروپاشی و درماندگی است.» (یاسپرس، ۱۳۹۷: ۴۰)

۴-۱- هامارتیا

هامارتیا در لغت به معنی اشتباه کردن است. در تراژدی، شخصیت یا کاراکتر به خاطر نقص و اشتباه خود که از محیط بیرون بر او وارد نشده و خود در آن نقش نداشته است، به مرگ و سقوط خود منجر می‌شود.

«هامارتیا به این معنی که کاراکتر بر اثر نقصی در خودش بدبخت شود و سبب گردد تا عدالت او را به جزا برساند تعبیر می‌شود. هر کاراکتر باید نتیجه هامارتیای خود را ببیند. دیدگاه دیگر در مورد هامارتیا این است که کاراکتر در سرنوشتی که برایش پیش آمده سهیم است، به این معنی که آن‌چه بر کاراکتر واقع می‌شود، خود او نیز در انتخاب آن سهیم بوده است.» (قادری، ۱۳۸۰: ۱۳۶)

«عده‌ای به درستی استدلال می‌کنند که هامارتیا سهیم بودن قهرمان است در سقوط خود. سقوط قهرمان تراژیک همواره ترحم ما را برمی‌انگیزد و ما را به مرحله‌الایی از همدلی سوق می‌دهد؛ اما در همان حال احساس می‌کنیم که این سقوط صرفاً از بیرون بر او تحمیل نشده و او خود تا اندازه‌ای در این سقوط سهیم است.» (کات، ۱۳۸۸: ۵۸)

۴-۱- کاتارسیس

کاتارسیس در حقیقت تخلیه روانی است و برای توصیف لحظه‌ای که سرشار از احساسات است و به دگرگونی بهتری در زندگی ختم می‌شود، به کار می‌رود. کاتارسیس در اکثر مواقع در تراژدی مطرح می‌شود. در تراژدی مخاطب خود را در موقعیت یکسان قهرمان تراژدی می‌بیند و با وجود این که ترس او را احاطه کرده با او همدردی می‌کند و با آمیختن ترس و همدردی، پالایش روانی پدید می‌آید.

«این واژه از کلمه یونانی کاتارین به معنی پاک کردن مشتق شده است. کاتارسیس (روان‌پالایی) نتیجه عملی دو تجربه و تعارف (بازشناخت) درنمایش است: بازشناخت شخصیت‌های نمایش نسبت به واقعیت و تعارف تماشاگران نسبت به ارتباط زندگی شخصیت‌ها با زندگی آن‌ها.» (دیچز، ۱۳۶۶: ۸۶)

«در فرآیند کاتارسیس، بیننده از تنش‌هایی که احساساتش را در هم آمیخته و سنگین

کرده‌اند رها می‌شود و این الگوی پالایشی تراژدی کلاسیک، با وجود تغییرات تکاملی که در اجتماع رخ داده، هنوز به شکل آشکاری در درام‌های اخیر قابل مشاهده است. بینندگانی که تراژدی را تجربه می‌کنند، هنوز هم یک اوج غیر قابل توضیح و مرموز را احساس می‌کنند - نوعی رضایت - گویی به درکی از حقیقت نظم جهانی دست یافته‌اند نظمی که از تقدیر فردی پیشی می‌گیرد.» (لتوین، ۱۳۹۷: ۱۶۸)

۶-۱- کمدی

کمدی یا شادی‌نامه در ظاهر برای خنده و تفریح است؛ اما در باطن به مسائل جدی می‌پردازد. قهرمانان کمدی بیشتر از قشر متوسط یا پایین جامعه می‌باشند. در فرهنگ معین اثر ادبی یا نمایشی که خنده و تفریح هدف آن باشد یا مسائل تلخ و جدی را در لُف‌اف خنده و شوخی ارائه دهد، کمدی نامیده می‌شود.

«کمدی بیش از هر چیز برای خنداندن مردم است. خنده وسیله‌ای است نه تنها برای غلبه بر بسیاری از ناکامی‌های کوچک و جزئی؛ بلکه بر بزرگ‌ترین آن‌ها یعنی اصول اخلاقی ما. لذا کمدی مقدم بر هر چیز، تجلیل زندگی است. بسیاری از کمدی‌ها درباره موضوع زناشویی، مسائل جنسی و زاد و ولد دور می‌زند و در واقع گمان می‌رود که خاستگاه این شکل از کمدی از آیین‌های مربوط به باروری در یونان باستان باشد. احتمالاً ازدواج و مسائل جنسی قوی‌ترین و زنده‌ترین تصدیقات حیات و لذا محکم‌ترین منکرات مرگ هستند. تراژدی بر مرگ و بدبختی و هلاکت انسان ناآگاه تأکید می‌کند، درحالی که کمدی انسانی را به ما نشان می‌دهد دوست‌دار زندگی قدری سردرگم و حتی علی‌رغم بدبختی‌هایش کمی هم شاد و خوش‌حال.» (هولتن، ۱۳۶۶: ۱۷۰).

«نمایشنامه و نمایش‌های شادیگانی، بیشتر در جامعه‌هایی بالیده‌اند که مردمان آن از آزادی‌هایی که ویژه این گونه نمایشنامه‌هاست برخوردار بوده‌اند؛ زیرا در نمایشنامه‌های شادیگانی، چنانچه گفته شد، پرسمان‌ها، تنگناها و دشواری‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فلسفی نمودار می‌گردیده‌اند و از شخصیت‌های قدرتمند و یا نهادهای اجتماعی چیره‌گر، به زبان طنز، انتقاد می‌شده است. شادی‌نامه نمایشنامه یکسره سرگرم ساز و خنده‌آور نیست بلکه نهادمایه آن بیشتر جدی و سهمگین است.» (ناظرزاده: ۱۳۸۳: ۲۹۱)

۷-۱- کمدی تراژدی

کمدی تراژدی یکی از گونه‌های اصلی نمایش است که علاوه بر فرم و شکل به خاطر مضمون و جهان‌بینی اثر آن را کمدی تراژدی می‌نامند. در هم‌آمیختن کمدی و تراژدی می‌تواند باعث فاجعه شود. درامی که متکی به رئالیسم است و به واقعیت می‌پردازد به تلفیق کمدی و

تراژدی نگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند نتیجه خوب دور از انتظاری داشته باشد.

«کمدی تراژدی [کمدی - تراژیک] شاید با اورپید و یا احتمالاً با رنسانس در ایتالیا شروع شد و بیش‌ازپیش بر نمایش امروزی مسلط شده است. این شکل از نمایش آمیزه تراژدی و کمدی در نمایشی واحد است. شکسپیر صحنه‌های کمدی تسکین‌دهنده‌ای در تراژدی‌های خود می‌گنجاند، چون صحنه مربوط به باربر در مکبث یا گورکن در هملت. ولی کمدی - تراژیک در امتزاج مواد تراژیک و کمدی در نمایشی واحد فراتر از این می‌رود، به‌طوری‌که اختلاف آن دو را آشکارا نمی‌توان دید. ممکن است متوجه شویم که به چیزی می‌خندیم و در آن واحد منجر شده یا بعداً تشخیص دهیم. چیزی که به آن می‌خندیده‌ایم، درواقع هولناک بوده است یا ممکن است شدیداً از خنده به وحشت افتیم. کمدی تراژیک آن‌چنان تراژدی و کمدی را در زندگی واقعی درهم آمیخته می‌بیند که تمایز این دو اغلب محال است. این نوع نمایش ممکن است به منزله یک شکل نمایشی وضعیتی را عرضه بدارد که به نظر کمدی است و سپس چرخش دفعتاً تراژیکی به آن دهد.» (هولتن، ۱۳۶۴: ۱۸۱)

۸-۱- وحدت‌های نمایشی

اصل سه وحدت (وحدت زمان، وحدت مکان و وحدت آکسیون) که به قواعد ارسطویی نمایش نامیده می‌شود تأثیر شگرفی بر رشته نمایش داشته است. محدودیت دیداری تئاتر از محدودیت‌های روایی آن نشأت می‌گیرد و همچنین محدودیت‌های مکانی و زمانی تئاتر ارتباط مستقیمی با جهان ماهوی تراژدی دارد.

«داستان تراژدی باید چنان پرداخته شود که از نگاه زمینی واقع‌گرایانه قابل قبول باشد و یکی از علائم و نشانه‌های بارز واقع‌گرایی، مشخص بودن زمان و مکان است» (فنائیان، ۱۳۸۹: ۶۵)

۹-۱- ملودرام

ملودرام به عنوان یک شکل نمایشی مجزاً همواره در مسیر خطر شر است و کاراکترهای خوب آن معمولاً در معرض خطر تبه‌کاران قرار دارند و این امر تا حدودی قابل حل نیست و شکست شر تا آخرین لحظه‌های نمایش واقع نمی‌شود که موجب یأس و ناامیدی می‌شود. ملودرام در صدد آن نیست که خنده بر لبان تماشاگر بنشاند؛ ولی در عین حال موجب شور و هیجان و احساسات سرشار است.

«درگیر شدن طبقه کارگر به عنوان شخصیت نمایشی و تمرکزش بر تعلیق برای درگیر کردن مخاطب و همچنین ملودرام شامل عناصر صحنه خارجی از جمله کوه‌ها، دره‌ها و رودخانه‌ها بود. ملودرام سهم خود را از همدردی و هراس و دیگر عواطف شدید را به اضافه نشان

دادن موضوعات مشخص اجتماعی ایفا می‌کرد؛ اما ویژگی ملودرام در استفاده‌اش از موسیقی برای اعلام ورود و خروج‌ها و تشدید عاطفه و شدت کنش‌های فیزیکی نهفته است.» (لتوین - استاکدیل، ۱۳۹۷: ۱۷۷).

«ملودرام ممکن است پایانی غم‌انگیز یا خوش داشته باشد. تفاوت ملودرام و تراژدی در این است که در ملودرام، شخصیت‌ها خشن‌تر، خوب‌تر یا بدتر از واقعیت‌اند. ملودرام، فاقد بینش روان‌شناختی است. طرح داستانی ملودراماتیک، حاوی عناصر وحشت‌زا و حسی است که به راحتی می‌توانند تبدیل به عناصر مضحک و خنده‌آور شوند. ملودرام، عواطف عموم را به راحتی تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاهی به نوعی احساس‌گرایی افراطی پهلوی می‌زند.» (بولتون، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

۱۰-۱- روایت

«روایت، اساساً بازگویی اموری است که به لحاظ زمانی و مکانی از ما فاصله دارند: گوینده حاضر و ظاهراً مخاطب (خواننده یا شنونده) و قصه نزدیک است؛ اما رخدادها غایب و دور هستند. از آن‌جا که گوینده حاضر، ابزار دستیابی به رخدادها دور است، بحث دیگری نیز به میان می‌آید و این که روایت می‌تواند امور غایب و دور را به طرز نامتعارف حاضر جلوه دهد.» (تولان، ۱۳۸۳: ۱۷)

«تصویرهایی که روایت را می‌سازند باید نه تنها قابل تصور که متحرک باشند. تصویرهای ثابت معمولاً روایت نمی‌سازند. روایت به شدت با تصویر مرتبط است، تصویری که بتوان آن را تصور کرد.» (علیان، ۱۳۹۸: ۱۹)

«هر روایت زنجیره حوادث در روال مناسبات علت و معلولی در زمان و مکان است. هر روایت که از موقعیتی پایدار آغاز می‌شود، سلسله دگرگونی‌هاست که براساس و زمینه نسبت‌های علت و معلولی تا سرانجام موقعیت پایدار تازه‌ای پدید می‌آید.» (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۵۰)

راویان را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: ۱- راویان برون داستانی که درگیر داستان نیستند و دنیای روایت را از بیرون آن توصیف می‌کنند. ۲- راویان درون داستانی که بخشی از داستان هستند و می‌توانند شخصیت داستان هم باشند. ۳- راویان دیگر گوی که به رخدادها دیگران می‌پردازند و نقشی ندارند ولی برون داستانی هم نیستند. ۴- راویانی که به خودگویی یا همگویی شهرت دارند و در روایتی که نقل می‌کنند، شخصیت اصلی یا قهرمان داستان می‌باشند.

۱۱-۱- طرح یا پیرنگ

طرح یا پیرنگ، روایت رویدادهایی است که بر تصادف تأکید دارد و فرق آن با داستان این است که داستان، روایت رویدادهایی است که با ترتیب زمانی مشخص روی می‌دهد. نصرالله قادری، طرح و پیرنگ را یک مفهوم می‌داند و این‌گونه نظر می‌دهد: «در نمایشنامه،

شعر و داستان طرح عبارت از نقشه، نظم، الگو، شکلی از حوادث، به کلامی دیگر حوادث کاراکترها طوری در اثر شکل می‌یابند که باعث کنجکاو و تعلیق مخاطب می‌شوند. مخاطب در تعقیب حوادث می‌رود و می‌خواهد علت وقوع آن‌ها را بفهمد. از نظر زبانی، طرح دارای سه زمان است؛ چرا آن حادثه اتفاق افتاد؟ چرا این ماجرا در حال اتفاق افتادن است؟ آیا حادثه‌ای اتفاق خواهد افتاد؟» (قادری: ۱۳۸۰: ۲۳)

«به احتمال زیاد هیچ درامی نمی‌تواند شامل همه وقایع باشد که می‌توانند با داستان مرتبط باشند، چون در این صورت داستان می‌تواند روزها و هفته‌ها، سال‌ها یا تا ابد ادامه پیدا کند. یک نویسنده باید از بین گزینه‌های نامحدود، تنها آن رویدادهای ویژه‌ای را انتخاب کند که مفهوم داستان را نشان دهد و واکنش مطلوب را در بیننده ایجاد کند.» (لتوین و استاکدیل، ۱۳۹۷: ۲۵)

۱۲-۱- عناصر دیداری و شنیداری

عناصر دیداری و شنیداری تمامی جلوه‌های دیداری و شنیداری را که بر روی صحنه ظاهر می‌شود، شامل می‌شود که در قالب بازیگری، صحنه‌آرایی، چهره‌پردازی، لباس، نورپردازی، رنگ‌پردازی، دکوراسیون، آکسسوار و موسیقی برای برقراری ارتباط با تماشاگر بر روی صحنه دیده می‌شود.

«ارسطو در بوطیقا، دیدارهای تماشاگانی را به نام اوپسیس^۱ نام می‌برد. در نمایشنامه - که نمایشی بالقوه است - اوپسیس نقش نهادین و کارویژه‌هایی کلان و متمایز دارد؛ زیرا با پدیدآوردن نمایش‌نامه بر صحنه پیوند دارد. شاید صحنه‌آرایی، چهره‌آرایی، جامگان و نورپردازی را بتوان ساخت‌مایه‌های اوپسیس (دیدارهای تماشاگانی) برشمرد. عناصر شنیداری نیز در بوطیقای ارسطو با نام ملوپویا شناخته می‌شود.»

(ناظرزاده، ۱۳۸۳: ۸۳)

«میزانسن اصطلاح فرانسوی به معنی صحنه‌آرایی یا آرایش بصری یک اثر دراماتیک که شامل صحنه‌پردازی، لوازم صحنه، لباس، نورپردازی و حرکت آدم‌هاست. در فیلم‌سازی نیز به معنی آرایش صحنه جلوی دوربین است که از صحنه‌آرایی، نورپردازی، حرکت بازیگران و لباس تشکیل می‌شود و از فیلم‌برداری و حرکت و دوربین متمایز است.» (کادن: ۱۳۸۰، ۲۲۴)

۱۳-۱- حرکت

حرکت رکن اساسی تئاتر است. حرکت عبور بالفعل یک بازیگر از یک نقطه صحنه به نقطه دیگر است. از طریق حرکت و عمل، آن‌چه را که ذهنی است و در درون شخص بازیگر می‌گذرد و قابل رؤیت نیست تجسم می‌بخشیم و در برابر چشم تماشاگران به داوری می‌گذاریم.

«حرکت مهم و حرکات بی اهمیت. به رغم آن که حرکت بر جنبه تصویری و نمایشی یک اثر دراماتیک می‌افزاید و آن را چشمگیرتر می‌کند، مع هذا، باید در نظر داشت که هر حرکتی نیز قادر به انجام چنین امری نیست و چه بسا چنانچه حرکتی نسنجیده و بی‌مناسبت به کار گرفته شود از اثر اولیه نمایش نیز تا حد زیادی بکاهد. از این رو، حرکت را به اعتبار اهمیتی که در مؤثرتر کردن بار عاطفی و تفهیم محتوای مطرح شده در نمایشنامه دارد به حرکات مهم و حرکات بی اهمیت تقسیم می‌کنند.» (مکی، ۱۳۹۰: ۱۱۸)

حرکت عبور بالفعل یک بازیگر از یک نقطه صحنه به نقطه دیگر است. «مفهوم حرکت را خطوط مستمری تصور کنید که نقاط واقع در کف صحنه را به هم متصل می‌کند. وقتی خط به یک نقطه می‌رسد، بازیگر ثابت می‌ایستد و ما به یک ترکیب‌بندی دست می‌یابیم، پس حرکت مابین ترکیب‌بندی‌ها صورت می‌پذیرد.» (هاج، ۱۳۹۷: ۲۴۳)

۱۴-۱- چهره‌آرایی

چهره‌آرایی از قدیمی‌ترین و اساسی‌ترین عوامل فنی تئاتر محسوب می‌شود، نخستین بازیگران دنیا صورت‌شان را با سرب، سفید می‌کردند؛ زیرا رنگ‌ها به خاطر تنوع‌شان به زندگی و شخصیت بازیگران تئاتر گرمی و زیبایی می‌بخشند و عواطف درونی آن‌ها را آشکار می‌سازند.

«چهره‌آرایی در تئاتر از دو کارکرد مهم برخوردار است: ۱- همکاری جهت انتقال شخصیت‌آفرینی بازیگر ۲- موازنه با تأثیرات حاصل از نورپردازی صحنه. چهره‌پردازی صحنه‌ای، استفاده مناسب از رنگ است بر روی پوست بازیگر، آن هم با این هدف که با مبالغه در مشخصه‌های چهره آن را مشخص و مؤکد کنند. چهره‌پردازی می‌تواند درباره میزان هم‌رنگی یا ناهم‌رنگی شخصیت با جامعه، در مورد نخوت او نسبت به دیگران یا آگاهی‌اش از دیگران و در مورد احساس او از سبک شخصی، داده‌های زیادی در اختیار تماشاگر بگذارد.» (همان: ۷۶)

«چهره‌پرداز خلاق و حرفه‌ای، با توجه به متن نمایشنامه و فیلمنامه، برای چهره‌پردازی شخصیت‌ها به جنسیت، خصوصیات روحی و جسمی، سن و نژاد، شغل، دوره و سبک تاریخی، موقعیت طبقاتی، محیط کار و زندگی، موقعیت جغرافیایی و فرهنگی، اعتقادات دینی و جهان بینی شخصیت نیز توجه دارد. وی ابتدا با طراحی و در مواردی با قالب‌گیری از چهره (گریم سه بعدی) و به خدمت گرفتن مواد و ابزار مختلف مانند انواع خمیرهای شکل‌دهنده، کلاه گیس، ریش، ماسک و ایجاد انواع جراحات و زخم سعی می‌کند هرچه بهتر به شخصیت شکل مطلوب بدهد.» (هلمیش، ۱۳۹۳: ۲۶۳).

۱۵-۱- انواع گریم

«اساس همه انواع گریم یکسان است اما در رنگ آمیزی چهره و کاربرد رنگ برای حجم‌ها تفاوت کلی وجود دارد. گریم متأثر با غلظت زیاد برای نمایان بودن از فاصله دور مناسب است، چرا که اغراق موجود در آن از فاصله نزدیک ممکن است ناخوشایند جلوه نماید. در سینما با وجود نورپردازی خاص و بزرگ تر شدن تصویر به میزان شانزده برابر، کوچکترین اشکال در گریم به وضوح دیده می‌شود. در تلویزیون اگرچه با کادری نسبتاً کوچک روبه‌رو هستیم، چون به بازیگر نزدیک‌تر می‌شویم و در تصاویر کلوزآپ (نمای بسته) نیز گریم نمایان‌تر است، اشکالات آن واضح‌تر دیده می‌شود.» (پاپیان، ۱۳۸۴: ۱۰۵)

«چهره‌پردازی در آغاز به این دلیل ضرورت پیدا کرد که چهره بازیگران روی فیلم‌های ابتدایی خوب ثبت نمی‌شد. از آن زمان تا به حال از چهره‌پردازی به طرق مختلف برای برجسته کردن حضور بازیگران در روی پرده، استفاده شده است. در طول تاریخ سینما طیف وسیعی از امکانات چهره‌پردازی به ظهور رسیده است. مصائب ژاندارک در زمان نمایش در ۱۹۲۸ به دلیل اجتناب کامل از چهره‌پردازی معروف بود. این فیلم برای خلق یک درام به شدت مذهبی، متکی بر کلوزآپ‌ها و تغییرات جزئی چهره بود. از طرف دیگر، نیکولای چرکاسوف چندان شبیه آن چیزی که آیزنشتاین از تزار ایران چهارم در نظر داشت نبود، از این رو برای بازی در ایوان مخوف از کلاه گیس و ریش و دماغ و ابروی مصنوعی استفاده کرد. یکی از کارکردهای متداول چهره‌پردازی شبیه کردن بازیگران به شخصیت‌های تاریخی بوده است. ممکن است هدف از چهره‌پردازی رسیدن به رئالیسم کامل باشد. وقتی لارنس اولیویه برای بازی در اوتللو پوست و موی خود را سیاه کرد، می‌خواست تا حد امکان در نقش یک مراکشی قابل باور باشد. چهره‌پردازی عجیب و غریب نقش بزرگی در قراردادهای ژانر وحشت دارد. در غرفه دکتر کالیگاری صورت بازیگرها با رنگ‌های بی‌سایه روشن و تیره رنگ‌آمیزی شده و این با جنبه‌های دیگر میزانشن فیلم همخوانی دارد. در سال‌های اخیر حرفه چهره‌پردازی در پاسخ به مقبولیت عام ژانرهای فانتزی، وحشت، و علمی تخیلی توسعه یافته است. ترکیبات کائوچویی و مومی برای ایجاد باد کردگی، بر آمدگی، اندام‌های اضافی و لایه‌هایی از پوست مصنوعی در فیلم‌هایی مثل مگس ۳۰ دیوید کراننبرگ، و ادوارد دست قیچی ۳۱ از تیم برتون به کار گرفته می‌شوند. در چنین زمینه‌هایی چهره‌پردازی، مثل لباس، در خلق ویژگی‌های کاراکتر و پیش‌برد کنش طرح و توطئه اهمیت می‌یابد.» (بوردول، ۱۳۹۴: ۱۶۳).

۱۶-۱- صحنه‌آرایی

صحنه‌آرایی به ارتباط معماری و نقاشی با تئاتر می‌پردازد و شامل صحنه‌آرایی نقاشی شده و صحنه‌آرایی ساختمانی می‌شود.

«به عنوان سند و مدرک، دکور تاریخ و جغرافیای محل را گزارش می‌کند. به عنوان محیط دکور معرفّ جایی است که آدمی ساخته و بر زندگی آدمی اثر می‌گذارد یا هردو. دکور صحنه، مزیت و فایده‌ای جز این نداشته است که در عالم خیال برازنده نمایش خاص است.» (هولتن، ۱۳۶۴: ۱۰۴).

«صحنه‌پردازی علم به کارگیری سامان یافته و منتظم عناصر معناپرداز سینماست به گونه‌ای که به تولید عاطفه و اندیشه انجامد.» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۶).

۱۷-۱- لباس

لباس شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و نیز جنبه‌های اقلیمی یک محیط را بازتاب داده و نیز همه آیین‌های مربوط شرایط مفروض را بر صحنه آشکار می‌سازد. لباس در حقیقت نوعی صحنه‌آرایی در حال حرکت است.

«اورلی هولتن، کارکردهای لباس را همانند کارکردهای صحنه‌پردازی می‌داند و پنج کارکرد برای لباس قائل است: ۱- زمان و مکان را مستند می‌سازد. ۲- کمک به تصویر شخصیت‌های نمایش می‌کند. ۳- به بازیگر در اجرای نقش خود کمک می‌کند. ۴- به صورت استعاره کمک به القای مضمون نمایش یا حالت آن می‌کند. ۵- رنگ و منظره را شدت می‌بخشد.» (هولتن: ۱۳۶۳: ۱۱۵)

«لباس باید از هرگونه خودخواهی و هرگونه افراط در حُسن نیت چشم‌پوشد، نباید به عنوان یک وجود مستقل خودنمایی کند اما باید وجود داشته باشد. به هر حال بازیگر نمی‌تواند بدون لباس سر صحنه برود. لباس باید در عین حال مادی و شفاف باشد، باید آن را دید، نه به آن نگریست.» (شونه، گونتو، فرهودی، سعید، ۱۳۷۹: ۷۷)

۱۸-۱- نورپردازی

نورپردازی مهم‌ترین قسمت اجراست. نورپردازی صحنه فقط روشن کردن صحنه نیست؛ بلکه نوعی تصویرسازی خاص و ظریف است که می‌تواند به تخیل تماشاگر قوّت بخشد.

«نور طبیعی از خورشید و نور مصنوعی از برق تهیه می‌شود. هریک از این دو نوع نورپردازی می‌تواند به تنهایی یا به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه چگونگی نورپردازی بستگی به حالت صحنه‌ای دارد که مورد نظر فیلم‌ساز است. نورپردازی از بالا به موضوع مورد نظر، حالتی روحانی و فرشته مانند یا فضایی از تازگی و جوانی می‌دهد. نورپردازی از پایین منتقل

کننده عدم آرامش است و به موضوع حالتی شوم و عجیب می‌دهد. نورپردازی از جانب، به صورت آرامش و متانت می‌بخشد.» (شون، ۱۴۰۰: ۶۱)

«در زندگی روزمره، نور می‌تواند احساسات روانی ظریفی را که به شدت بر ما مؤثر واقع می‌شود، برانگیزد؛ پس نتیجه می‌گیریم که در تئاتر نور می‌تواند با شدت بیشتری بر ما تأثیر بگذارد چون انتخاب آن با قصد و نیت انجام می‌گیرد.» (هاج، ۱۳۷: ۴۰۸)

۱۹-۱- موسیقی و صدا در نمایشنامه

اکثر نمایشنامه‌ها با تأکید بر آواز و ساز نوشته شده‌اند که برای اجرا در صحنه ضروری می‌باشند. موسیقی و صدا در نمایشنامه برای برانگیختن تخیلات و احساسات شخصی می‌باشد، در برخی مواقع به جای تقویت آن به پریشانی منجر می‌شود.

«صدا کمک بسیاری به تجسم زمانی و مکانی، ایجاد محیط وضع و حال می‌کند. آثار صوتی شامل هر نوع صدایی از جمله موسیقی که جزئی از خود نمایش و یا پس زمینه آن باشد، هم‌چون صدای عبور و مرور وسایط نقلیه، شلیک تیر، زنگ تلفن، سوت قطار، غرش رعد و سم ضربه اسب، اصواتی را که بی‌درنگ تمیز داده می‌شوند می‌توان برای مستند نشان داده به کار گرفت.» (هولتن، ۱۳۶۴: ۱۲۴).

«موسیقی می‌تواند لحن بیافریند. موسیقی در حالی ادامه می‌یابد که صحنه‌ها به مکان یا زمان تازه‌ای منتقل شود.» (کیسبی یر، ۱۳۸۳: ۷۲)

۲۰-۱- کاراکتر یا شخصیت

شخصیت مجموعه‌ای از ویژگی‌هاست که انسانی را از انسان دیگر مشخص می‌سازد و مجموعه‌ای از عوامل مادی، معنوی، موروثی و اکتسابی است که در اعمال و رفتار و گفتار کاراکتر ظاهر می‌شود. شخصیت در نمایش‌نامه دارای چهار بُعد جسمی، روانی، اجتماعی و اعتقادی است.

«منظور از شخصیت، فقط کسانی نیست که در درام هستند؛ بلکه مهم‌تر از آن، ماهیت حقیقی آن‌هاست، ماهیتی که تنها از طریق کارهایی که آن‌ها در مسیر داستان انجام می‌دهند، می‌تواند آشکار شود. می‌خواهید شخصیت حقیقی کسی را کشف کنید؟ او را در موقعیتی قرار دهید که مجبور به انتخابی مشکل شود و سپس ببیند چه اتفاقی می‌افتد. اهمیت همه چیز، سن، جنسیت، وزن، ملیت، نظام ارزش‌ها و همان ویژگی‌هایی که ما در مجموع خصوصیات فرد می‌نامیم، در مقایسه، کاری که شخص در اوج هیجان انجام می‌دهد، رنگ می‌بازد.» (لتوین، ۱۳۹۷: ۲۵)

«جمله‌بندی، سطح ادبی کلمات، لحن، کمیت کلام و ریتم عوامل ایجاد تناسب شکل و

غنای گفتار شخصیت‌اند با دیگر مشخصات تعیین شده اجتماعی و فرهنگی او. به این معنا که طبقه اجتماعی و فرهنگی هرکس رابطه مستقیم با شکل و غنای گفتار او دارد؛ این گویای میزان برخورداری از مفاهیمی فرهنگی و متعاقباً سطح کیفی ارتباط گفتاری شخصیت است.» (امامی، ۱۳۷۳: ۱۲۰)

۲۱-۱- کنش

کنش نمایشی مختص زمان حال است و عاملی است که کیفیتی زنده به نمایشنامه می‌دهد. «کنش، واقعۀ روحی نمایشنامه است. این واقعه در ذهن تماشاگر به وقوع می‌پیوندد. اگر چنین واقعه‌ای صورت نپذیرد، کنش صورت نگرفته است. فرآیندهای مادی نمایشنامه، بازیگر، صحنه و غیره، همگی واسطه‌هایی برای انتقال واقعۀ روحی (کنش) به تماشاگر است.» (قادری: ۱۳۸۰: ۳۹۴)

«کنش، گذر هدفمند و اختیاری و نه جبری و ناگزیر، از یک موقعیت به موقعیت بعدی. فلذا هر کنش همواره ساختاری سه‌تایی را به نمایش می‌گذارد که مؤلفه‌های مختلف آن عبارتند از: موقعیت موجود، تلاش برای تغییر این موقعیت و موقعیت جدید.» (فیستر: ۱۳۹۹: ۲۶۴)

۲۲-۱- ستیز یا کشمکش

«کشمکش در ظاهر عبارت است از فعالیت دو نیروی مخالف که در مقابل یکدیگر واقع می‌شوند؛ ولی در باطن هریک از دو نیرو محصول اوضاع و حوادث پیچیده است که به ترتیب در طی زمان اتفاق افتاده است. همین حوادث به تدریج شدیدتر شده تا بالاخره به انفجار منتهی گردیده است.» (اگری، ۱۳۸۳: ۲۲۱).

«کیفیت و کمیت دیالوگ بسته به سطح کشمکش‌های به کار رفته در داستان متغیر است. کشمکش نظم زندگی را در یکی از چهار سطح مادی (زمان، مکان و هرچیز موجود در آن)، اجتماعی (نهادها و افراد حاضر در آن‌ها)، شخصی (روابط نزدیک دوستان، خانواده، عشاق) و یا خصوصی (افکار و احساسات خود آگاه و ناخودآگاه) مختل می‌سازد.» (مکی، ۱۳۹۸: ۷۵)

انسان در پاسخ به محرک‌های متفاوت، واکنش‌های مختلفی دارد، با این تعبیر انواع ستیز متفاوت خواهد بود: ستیز آدمی با خویش، ستیز آدمی با آدمی، ستیز آدمی با جامعه و ستیز آدمی با تقدیر.

۲۳-۱- گفتگو یا دیالوگ

دیالوگ، گفتاری است که بین دو یا چند نفر واقع می‌شود و نتیجه آن تأثیر و تعامل است. اگر تأثیر و تعامل واقع نشود، گفتگویی صورت نگرفته است. در گفتگو وحدت زمان و مکان وجود دارد؛ یعنی دو یا چند گوینده در یک زمان و در یک مکان با یکدیگر صحبت می‌کنند.

«گفتگو یا دیالوگ در نمایشنامه، مهم‌ترین وسیله‌ای است که با آن «موضوع» به ثبوت می‌رسد و اشخاص بازی معرفی می‌شوند و کشمکش ادامه می‌یابد. این گفت و شنودها باید خوب باشد زیرا بیش از سایر قسمت‌های نمایشنامه بر تماشاگران آشکار و نمایان است. سه حالت مختلف گفتگو عبارتند از: سخن گفتن با دیگران، سخن گفتن با خویشتن و سخن گفتن با خوانندگان و تماشاگران.» (اگری، ۱۳۸۳: ۳۸۶).

«از منظر ریشه‌شناسی، واژه دیالوگ به دو عبارت یونانی دیا به معنی «از خلال» و لگین به معنای «سخن» تقسیم می‌شود. اگر این دو عبارت در ترکیب با یکدیگر به انگلیسی برگردانده شود واژه مرکب از خلال سخن ساخته می‌شود؛ یعنی کنشی که از گفتار و نه از طریق کردار انجام می‌شود. هر جمله‌ای که شخصیت به زبان می‌آورد، خواه آن را با صدای بلند به دیگران بگوید یا در سکوت در ذهنش طنین‌انداز شود، به بیان جی. ال. استتین کنشی گفتاری است: کلماتی که سبب وقوع امری می‌شوند.» (مک کی، ۱۳۹۸: ۲۳)

«گفتگو یکی از دو عنصر اصلی فیلم‌نامه است که بینندگان توجه زیادی به آن‌ها دارند. آن‌ها به پرده نگاه می‌کنند و به گفتگوها گوش می‌دهند. چهار وظیفه اصلی گفتگو عبارت است از: پیش بردن خط داستان، فاش کردن جنبه‌هایی از شخصیت که جز با گفتگو برملا نمی‌شوند، معرفی و ارائه جزئیات حوادث گذشته و به وجود آوردن لحنی خاص برای فیلم گفتگوها باید ماهرانه باشند، به نحوی که شنونده باور کند شخصیت‌ها در متن کشمکش موجود در فیلم چیزی غیر از این نمی‌توانستند بگویند. اما فیلم یک رسانه دیداری است و به همین دلیل گفتگو را باید در آن به حداقل رساند. اگر سطری از گفتگو یکی از چهار نقش فوق را ندارد، فارغ از این‌که چقدر هوشمندانه، به یاد ماندنی یا شاعرانه است، باید آن را حذف کنید. اولین گفتگو می‌تواند قوت یا ضعف کلی فیلم‌نامه را رقم بزند. (اروین آر بلکر، ۱۳۹۲: ۴۳)

۲۴-۱- ایده و تم (موضوع)

تم که همان اندیشه از نظر ارسطو است، در فرهنگ اصطلاحات مترادف با «مضمون» است. هر نمایشنامه مضمون یا مضامینی دارد که غالباً با بیان یک جمله یا جملاتی می‌توان آن را خلاصه کرد.

«ایده واژه یونانی که ارسطو از آن در پوئتیک بهره گرفته است، DIANIOA است. این کلمه در انگلیسی IDEA و THOUGHT در فرانسه IDEE و PENSEE و در زبان فراسی به فکر، اندیشه، انگاره و پندار ترجمه شده است.» (قادری، ۱۳۸۰: ۲۶۹)

«به نظر اگری، موضوع همان ایده است و در شرح آن بیان می‌کند: موضوع یعنی آن‌چه پیش از اقدام به کار فرض و آزمایش بشود و پایه بحث و استدلال قرار گیرد؛ قراری که مشهود و

امید نتیجه دانش مسلم باشد. در موارد دیگر مخصوصاً بحث درباره هنر نمایش واژه‌های دیگری به جای این کلمه به کار می‌رود، از این قرار: مفهوم، منظور، فکر اصلی، فکر اساسی، هدف، قصد، نیروی محرکه، مطلب، نقشه، خلاصه داستان و مبنای تأثر. (اگری: ۱۳۸۳: ۱۷).

۲- بحث

۲-۱- جنبه‌های نمایشنامه‌ای

ارسطو با اشاره به عناصر تشکیل دهندهٔ درام، اصل را بر کردار و عملی می‌گذارد که در نمایش اتفاق می‌افتد؛ اما خود اذعان می‌دارد که کردار یا اعمالی که در یک تراژدی (یک نمایش) واقع می‌شود، همان اعمال و رفتار اشخاص نمایش است که به دلایل مختلف از جمله اندیشه، خلق و خو و منش آن‌ها سر می‌زند. امروزه نیز این تقسیم‌بندی ساختمان نمایش به اجزای بنیادین و اساسی از سوی درام‌شناسان جهان پذیرفته شده است و آن‌ها نیز ساختمان و شاکلهٔ اصلی نمایش را متشکل از هفت جزء می‌دانند که عبارتند از:

- ۱- نهاد مایه یا موضوع ۲- بن‌اندیشه یا معنی و پیام ۳- نقشهٔ داستانی یا پیرنگ
- ۴- شخصیت ۵- زمان و مکان ۶- فضا و حالت ۷- گفت و شنود

* نهاد مایه (موضوع)

نهاد مایه یا تم دربردارندهٔ موضوع و مضمون کلی است. در الهی‌نامه، نهاد مایه بر پایهٔ نوعی سفر در درون است و آگاهی دادن به انسان که هرچه هست، خود انسان است و در جان و روان او پنهان است.

در قرآن کریم، در سوره النجم در آیات ۱-۱۱، داستان معراج پیامبر(ص) بیان شده است. خداوند از دیدار حضرت رسول (ص) سخن می‌گوید: سوگند به ستاره، زمانی که فرو می‌رود، یار شما نه به بیراهه رفته و نه به باطل گرویده است. یار شما از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید؛ بلکه به واسطه وحیی که به او می‌کنند. و از طریق فرشتهٔ نیرومند که در افق بالاست، آموخته است. او در افق بالا بود، سپس به فاصله دو قوس نزدیک‌تر شد و خداوند به بندهٔ خود وحی کرد و قلب او نیز آن‌چه را مشاهده کرد، تکذیب نکرد. در سورهٔ تکویر، در آیات ۱۹-۲۳ نیز آمده است که این سخن فرشتهٔ گرامی است که قدرت‌مند است. پیش خداوند عرش، منزلت دارد. مطاع است و امین و یاور شما و دیوانه نیست. فرشته را در افق به صورت آشکارا دیده است. در سورهٔ النجم، در آیات ۱۳ به بعد نیز اشاره‌ای به دیدار پیامبر (ص) با فرشتگان در آفاق بالاتر مشاهده می‌شود: بار دیگر فرشته را در نزدیک درخت سدره المنتهی مشاهده کرد که بهشت، اقامت‌گاه نزدیک است. با دیدن آن چشمانش خیره و منحرف نشد و گوشه‌ای از آیات پروردگارش را دید. در سورهٔ اسراء، در آیهٔ ۱، داستان اسراء از مکه به بیت المقدس به صورت مختصر بیان شده است:

پاک و منزّه است خدایی که بنده خود را هنگام شب، از مسجدالحرام تا مسجد الاقصی که اطرف آن را برکت دادیم راه برد تا نشانه‌های خود را به او نشان دهد.

در وصف معراج پیامبر اکرم (ص)، خبر جبرئیل (ع) برای پیامبر (ص) برای سفر به دارالملک ربّانی که کروبیان، انبیاء مرسلین منتظر اویند، دیدن الله توسط پیامبر (ص)، سوار شدن پیامبر (ص) بر بُراق، نثار طبق‌ها توسط ملائک، نمودن جمال پیامبران بر پیامبر اکرم (ص)، عیان کردن اسرار خداوند بر پیامبر اکرم (ص) به عنوان نهادمایه بیان می‌شود.

تویی معشوق خود با خویشتن آی	مشو بیرون ز صحرا با وطن آی
از این تاریک دان خیز و گذر کن	به دارالملک ربّانی سفر کن
ستاده انبیاء و مرسلین‌اند	که تا امشب جمالت را ببینند
در امشب آن‌چه مقصود است از او خواه	که خواهی دید بیش شک امشب الله
نمود آدم از اول کل جمالش	حقیقت خلعتی داد از وصالش
نبی بر وی سوار اندرز زمان شد	مکان بگذاشت سوی لامکان شد
پس آن‌گه سرّ کل با او بیان کرد	سه باره سی هزارش سر عیان کرد
ملائک با طبق‌های نثارش	ستاده جمله از جان دوستدارش

(الهی‌نامه، ۱۲۰-۱۱۹)

* بن اندیشه (معنی و پیام)

بن‌اندیشه مفهوم فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و روانی نمایشنامه یا به عبارتی پیام و نتیجه اخلاقی آن است. عطار در وصف معراج حضرت رسالت (ص) به جنبه فلسفی ماجرا می‌پردازد که معراج در حقیقت سفر از تاریک‌دان انسانی به دارالملک ربّانی است. سفر از مکان به سوی لامکان است. سفری که ارزش و مقام والای پیامبر (ص) در آن نمایان می‌شود؛ چنان‌که کروبیان و انبیاء همه مطیع و فرمان‌بردار منتظر اویند و حتی جبرئیل (ع) توان همسفری با پیامبر (ص) را ندارد. در سفر معراج است که خداوند، پیامبر (ص) را مقصود آفرینش می‌نامد و پیامبر نیز مهربانی بر امتش را نشان داده و از خداوند متعال، رحمت بر امت گناهکارش را خواستار می‌شود.

ازین تاریک‌دان خیز و گذر کن	بدار الملک ربّانی سفر کن
جهانی بهرت امشب در خروشد	همه کروبیان حلقه به گوشند
سؤالی کرد از جبریل آن شاه	چرا ماندی قدم نه اندرین راه
جوابش داد کای سلطان اسرار	اجازت بیش ازینم نیست رفتار
مجالم بیشتر زین نیست یک دم	ترا باید شدن ای شاه عالم

سر مویی اگر برتر با‌علی	پرم سوزد پرم نور تجلی
ترا باید شدن تا حضرت یار	ترا زبید که داری قربت یار
خطاب آمد که ای بود همه تو	امان جمله و سود همه تو
تویی مقصود ما در آفرینش	چه می‌خواهی بخواه‌ای عین بینش
محمد گفت ای دانای بی‌چون	تویی سرّ درون و راز بیرون
تو می‌دانی حقیقت سرّ رازم	که بهر اَمّت خود با نیازم
حقیقت اَمّتی دارم گنه‌کار	ولی از فضل تو جمله خبردار
خبردارند از دریای فضلت	چه باشد گر کنی بر جمله رحمت
خطاب آمد ز حضرت بار دیگر	که بخشیدم سراسر ای مظهر

(همان، ۱۱۷-۱۲۲)

در آیات، احادیث و روایات زیادی نیز به معراج و مشاهدات پیامبر اشاره شده است؛ ولی آن‌چه گفته شده است، عنصر خیال در آن جلوه‌گری می‌کند و افکاری از فلسفه اشراق و عقاید زرتشتی دخیل است.

* نقشه داستانی (پیرنگ)

از نظر ارسطو نقشه داستانی عبارت از ترتیب و تنظیم حوادث است. در توصیف معراج پیامبر اکرم (ص) ساختار اوجگاهی (ارسطویی) دیده می‌شود. داستان از سفر تاریکدان دنیا شروع شده و با غلغله در عرش اعظم، نثار طبق‌ها توسط ملائک، سوار شدن بر براق و تافتن به سوی سدره المنتهی و در نهایت رسیدن به قرب پادشاهی، آشنایی پیامبران با حضرت محمد و فاش شدن اسرار الهی بر پیامبر، گفتگوی خدا با پیامبر و رحمت خداوند بر بندگان گنه‌کارش ادامه می‌یابد و سپس با رجعت به دنیا پایان می‌پذیرد.

بسوی لامکان امشب قدم زن	بگیر آن حلقه را و بر حرم زن
فتاده غلغلی در عرش اعظم	که آمد صدر و بدر هر دو عالم
ملایک با طبق‌های نثارش	ستاده جمله از جان دوستدارش
براقی بود چون برق آوریده	که حق از نور پاکش آفریده
نبی بر وی سوار اندر زمان شد	مکان بگذاشت سوی لامکان شد
چو سوی سدره بیرون تاخت احمد	ز ذات دوست سر افراخت احمد
محمد خود ندید و جان جان دید	لقای خالق کون و مکان دید

تمام انبیا را دیده در راه	مر او را کرده از اسرار آگاه
نمود آدم ز اول کل جمالش	حقیقت خلعتی داد از وصالش
خطاب آمد که ای بود همه تو	امان جمله و سود همه تو
حقیقت امتی دارم گنه کار	ولی از فضل تو جمله خبردار
خطاب آمد ز حضرت بار دیگر	که بخشیدم سراسر ای مظهر
مخور غم از برای امت خویش	که هست از جرم ایشان فضل مابیش
چو باز آمد ازان حضرة با شتاب	هنوزش گرم بود آن جامه خواب

(همان، ۱۲۳-۱۱۷)

* شخصیت و شخصیت‌پردازی

شخصیت در نمایشنامه دارای چهار بُعد جسمی، روانی، اجتماعی و اعتقادی است. از نظر ارسطو، شخصیت باید دارای چهار اصل مهم باشد: ۱- شخصیت پسندیده باشد تا بتواند حسن همدردی تماشاگر را به خود جلب کند. ۲- شخصیت باید به اوصافی موصوف گردد که با او تناسب و برازندگی داشته باشد. ۳- سیرت اشخاص نمایش باید با آن چه که در زندگی واقعی هستند، مشابهت داشته باشد. ۴- شخصیت، ثبات داشته باشد.

در معراج حضرت رسالت (ص)، شخصیت‌ها از بعد اعتقادی منظور است، نه از بعد جسمانی. جبرئیل (ع) در سفر معراج، به عنوان رفیق، نقش ایفا می‌کند که تا حدی همراهی محدودی دارد.

سؤالی کرد از جبریل آن شاه	چرا ماندی قدم نه اندرین راه
جوابش داد کای سلطان اسرار	اجازت بیش ازینم نیست رفتار

(همان، ۱۲۱)

براق که پیامبر سوار آن شد و به معراج رفت از نور خداوندی آفریده شده بود. ملائک و پیامبران هم به عنوان استقبال کننده، پیامبر را در این سفر عرفانی یاری کردند و تمامی اسرار را به اذن خدا به پیامبر فاش کردند.

براقی بود چون برق آوریده	که حق از نور پاکش آفریده
سرا پایش ز نور حق بُد آباد	ز تیزی خود سبق می‌بردی از باد
ملایک با طبق‌های نثارش	ستاده جمله از جان دوستدارش
تمام انبیا را دیده در راه	مر او را کرده از اسرار آگاه

(همان ۱۲۰)

* زمان و مکان

زمان و مکان در آثار عطار در بیشتر موارد جنبه‌های عرفانی دارد؛ مثلاً عطار در داستان‌ها و حکایات خود از شب یا سحرگاه، همچنین خرابات، مسجد، میخانه و خانقاه استفاده می‌کند که تداعی کننده راز و نیاز و کشف و شهود عارفان است. در ابتدای سفر به معراج، زمان و مکان قابل درک است و عطار با عبارات «تاریک‌دان» و «شب» به کار می‌برد؛ ولی بعدها تبدیل به «دارالملک ربّانی»، «لامکان»، «بهشت»، «عرش اعظم»، «قربت کل»، «قربت ذات» و «سدره» می‌شود.

شبی آمد برش جبریل خرّم	که هان آگاه باش ای صدرِ اکرم
ازین تاریک‌دان خیز و گذر کن	بدار الملک ربّانی سفر کن
بسوی لامکان امشب قدم زن	بگیر آن حلقه را و بر حرم زن
بهشت و آسمان در برگشادست	بسی دل‌ها ز دیدار تو شادست
فتاده غلغلی در عرش اعظم	که آمد صدر و بدر هر دو عالم
ز ابراهیم دید او خلّت کل	که تا بر وی عیان شد قربت کل
چو سوی سدره بیرون تاخت احمد	ز ذات دوست سر افراخت احمد
در آنجا باز ماند و مصطفی شد	به سوی قرب ذات پادشا شد

(همان، ۱۲۰ - ۱۲۱)

خرابات: خرابات در لغت به معنای میخانه و اعم از آن به معنای محل فسق و فجور آمده است (دبیر سیاقی، ۱۳۶۳، ذیل واژه) داعی السلام این لفظ را از واژه خراب عربی دانسته است (داعی السلام، ۱۳۱۶، ذیل واژه). شفیع کدکنی اشتقاق واژه خرابات از زبان عربی نادرست می‌داند (برگرفته از مجموع مقالات دکتر شفیع کدکنی درباره حافظ، جلد ۱، ص ۲۱۳).

خانقاه: خانقاه یا خانگاه از ریشه واژه خُنگ (خُنَج) به محل زندگی، آموزش و گردهم‌آیی و فعالیت صوفیان گفته می‌شود. درگاه و آستانه بیشتر به خانقاه‌هایی گفته می‌شود که محل زندگی پیر یا مدفن وی بوده است. (الجُر، ۱۳۸۱: ۸۸۶).

اهل حدیث که در اصول و فروع دین به ظاهر قرآن و سنت عمل می‌کنند در این‌که سفر، روحانی یا جسمانی بود و نیز در مکانی که سفر آغاز شده است، اختلاف نظر دارند؛ همچنین در زمان معراج نیز نظرات متفاوتی است که آیا قبل از وحی بوده است یا بعد از آن. بعضی آن را از خانه امّ هانی، خواهر حضرت علی (ع) و بعضی دیگر از کعبه گفته‌اند و در بعضی نقل‌ها این سفر بی مکان بوده است. در قرآن کریم، زمان معراج پس از واقعه غلبه روم یاد شده است؛ ولی

گروهی بعد از نزول وحی و در حدود ۱۲ سال قبل از هجرت بیان کرده‌اند. شاعران، توصیف معراج پیامبر (ص) را سنت ادبی دانسته و همگی به وصف آن پرداخته‌اند. در مخزن الاسرار نظامی نیز به شب معراج اشاره شده است.

نیم شبی کان ملک نیمروز	کرد روان مشعل گیتی فروز
نه فلک از دیده عماریش کرد	زهره و مه مشعله‌داریش کرد
کرد رها در حرم کاینات	هفت خط و چار حد و شش جهات
روز شده با قدمش در وداع	ز آمدنش آمده شب در سماع
در شب تاریک بدان اتفاق	برق شده پویه پای براق
کبک‌وش آن باز کبوتر نمای	فاخته‌رو گشت به فر همای
همسفرانش سپر انداختند	بال شکستند و پر انداختند
هر که جز او بر در آن راز ماند	او هم از آمیزش خود باز ماند
بر سر هستی قدمش تاج بود	عرش بدان مائده محتاج بود
تا تن هستی دم جان می‌شمرد	خواجه جان راه به تن می‌سپرد
چون بنه عرش به پایان رسید	کار دل و جان به دل و جان رسید
تن به گهرخانه اصلی شتافت	دیده چنان شد که خیالش نیافت
دیده که نور ازلی بایدهش	سربه خیالات فرو نایدهش
رفت، ولی زحمت پایی نداشت	جست، ولی رخصت جایی نداشت
چون سخن از خود به در آمد تمام	تا سخنش یافت قبول سلام
آیت نوری که زوالش نبود	دید به چشمی که خیالش نبود
دیدن او بی عرض و جوهر است	کز عرض و جوهر از آن سوتر است

چنین استنباط می‌شود که نظامی، معراج را روحانی درک کرده است.

* فضا و حالت

فضاسازی همواره متناسب با محتوای دراماتیک نمایش می‌باشد. حالت به فضا و عوالم و حالات درونی شخصیت‌های نمایش نیز گفته می‌شود. علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان در مورد فضا و حالت معراج پیامبر می‌گوید: «از ظاهر سوره اسراء و روایات برمی‌آید که پیامبر (ص) تا مسجد الاقصی با روح و جسم سیر کرده است و ظاهر آیات سوره نجم و روایات صریح نشان می‌دهند که آن حضرت به آسمان‌ها عروج کرده است. ممکن است که عروج به آسمان‌ها با روح

بوده باشد؛ ولی نه به صورت رؤیای صادقه و در حال خواب، زیرا در این صورت شایسته نبود قرآن تا بدین پایه به معراج اهمیت دهد و آن را کرامتی والا برای پیامبر بشمارد و از معجزات محسوب کند؛ نیز اگر معراج به صورت رؤیا می‌بود، چنین محل بحث و انکار قرار نمی‌گرفت و با آن چه پیامبر (ص) از راه مکه و بیت المقدس باز گفته است، سازگار نمی‌افتاد.» (طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۱۳، ص ۳۰)

نهی بر وی سوار اندر زمان شد	مکان بگذاشت سوی لامکان شد
ملایک با طبق‌های ثلثارش	ستاده جمله از جان دوستدارش
نه جان دید و جهت نه عقل و ادراک	نه عرش و فرش و نه هم کرّه خاک
عیان لامکان بی جسم و جان دید	در آن جا خویشان را او نهان دید

(همان، ۱۲۱)

* گفت و شنود

توصیف معراج پیامبر اکرم (ص) به صورت دیالوگ و پلی‌لوگ می‌باشد. ابتدا جبرئیل (ع) سر سخن را باز کرده و با پیامبر (ص) در مورد معراج حرف می‌زند که کروّبیان و پیامبران منتظر اویند. پیامبر اکرم (ص) وقتی پای در رکاب براق می‌گذارد و با تیزی بر لامکان قدم می‌گذارد، غلغله در عرش اعظم می‌افتد که صدر و بدر هر دو عالم آمد. پیامبران هریک به پیشواز پیامبر (ص) می‌آیند و کل اسرار را بر ایشان فاش می‌کنند. در نهایت خداوند متعال، پیامبر (ص) را مخاطب قرار داده و به ایشان می‌گوید که ای پیامبر، جسم و جان را رها کن و بدون آن پیش بیا. پیامبر (ص) با شنیدن ندای غیبی و دیدن جان جان، به لقای خالق کون و مکان می‌رسد و به پیامبر خطاب می‌آید که ای پیامبر، تو مقصود ما در آفرینش هستی و تو سرّ درون و راز بیرون هستی، هرچه می‌خواهی در میان بگذار. پیامبر (ص) نیز خداوند را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: خدایا، امتی گناه کار دارم و می‌خواهم از دریای فضلّت بر همه آن‌ها رحمت بفرستی.

بسوی لامکان امشب قدم زن	بگیر آن حلقه را و بر حرم زن
فتاده غلغلی در عرش اعظم	که آمد صدر و بدر هر دو عالم
سؤالی کرد از جبریل آن شاه	چرا ماندی قدم نه اندرین راه
جوابش داد کای سلطان اسرار	اجازت بیش ازینم نیست رفتار
ندا آمد ز ذات کل که فان آی	رهاکن جسم و جان بی جسم و جان آی
خطابش کرد کای صدر دو عالم	تو چونی گفت بی چونم درین دم
تو بی چونی من این جا خود که باشم	چو تو هستی حقیقه من چه باشم

خطاب آمد که ای بود همه تو	امان جمله و سود همه تو
محمد گفت ای دانای بی‌چون	تویی سرّ درون و راز بیرون
حقیقت امتی دارم گنه کار	ولی از فضل تو جمله خبردار
مخور غم از برای امت خویش	که هست از جرم ایشان فضل ما بیش
تویی یکتا میان آفرینش	تویی مر جمله را چون چشم بینش

(همان، ۱۲۲-۱۱۹)

۲-۳- ساخت مایه‌های نمایش

ساخت مایه‌های نمایش شامل بازیگری، کارگردانی، صحنه‌پردازی و دکور و آواز و موسیقی است. هدف عطار در توصیف معراج، بیان معجزه پیامبر اکرم (ص) از طریق داستان پردازی است. در این توصیف از لوازم صحنه، لباس، رنگ و غیره به صورت مادی سخنی به میان نیامده است؛ ولی تمامی این موارد در قالب و معنایی متفاوت هم‌چون تاریک دان، دارالملک، لامکان، بهشت و آسمان، غلغله، سدره‌المنتهی و قرب ذات خداوند به کار رفته است.

ازین تاریکدان خیز و گذر کن	به دار الملک ربّانی سفر کن
بسوی لامکان امشب قدم زن	بگیر آن حلقه را و بر حرم زن
بهشت و آسمان در برگشادست	بسی دل‌ها ز دیدار تو شادست
فتاده غلغلی در عرش اعظم	که آمد صدر و بدر هر دو عالم
چو سوی سدره بیرون تاخت احمد	ز ذات دوست سرّ افراخت احمد
در آن جا باز ماند و مصطفی شد	به سوی قرب ذات پادشا شد

(همان، ۱۲۱-۱۲۰)

۳-۳- ساخت مایهٔ ریختاری (گونه و سبک نمایشی)

گونه‌های نمایشی به پنج دسته تقسیم می‌شوند: ۱- تراژدی ۲- کمدی ۳- ملودرام ۴- فارس (لوده بازی) ۵- تراژدی-کمدی، علاوه بر پنج مورد می‌توان «درام» را در این دسته‌بندی وارد کرد. سبک‌های نمایشی هم به ده دسته تقسیم می‌شوند: ۱- کلاسیسیسم (سنت‌گرایی) ۲- رمانتیسم (عاطفی - احساسی) ۳- رئالیسم (واقع گرایی) ۴- ناتورالیسم (طبیعت گرایی) ۵- سمبولیسم (نمادگرایی) ۶- فوتوریسم (آینده گرایی) ۷- اکسپرسیونیسم (گزاره گرایی) ۸- سوررئالیسم (ماورای واقعیت) ۹- اگزیستانسیالیسم (اصالت وجود) ۱۰- تئاتر ابزورد (پوچی)

عطار در توصیف معراج، اشاره به سفر پیامبر اکرم (ص) به دارالملک ربّانی، گشادن در بهشت و آسمان به سوی پیامبر اکرم (ص)، سوار شدن به براق توسط رسول اکرم (ص)، فاش کردن رازها توسط پیامبر اشاره می‌کند که همگی از نظر گونه‌نمایی، درام مذهبی است و از آن‌جا که این سفر با روح و جسم صورت گرفته است و به صورت رویای صادقانه و در حال خواب نبوده است، از نظر سبک نمایی، رئالیسم به شمار می‌رود.

ازین تاریکدان خیز و گذر کن	بدار الملک ربّانی سفر کن
بهشت و آسمان در برگشادست	بسی دل‌ها ز دیدار تو شادست
نبی بر وی سوار اندر زمان شد	مکان بگذاشت سوی لامکان شد
چو سوی سدره بیرون تاخت احمد	ز ذات دوست سرّ افراخت احمد
عیان لامکان بی جسم و جان دید	در آن‌جا خویشان را او نهان دید
محمد خود ندید و جان جان دید	لقای خالق کون و مکان دید

(همان، ۱۲۱-۱۱۹)

نتیجه‌گیری

عطار در الهی‌نامه به سفر در درون می‌پردازد و به انسان می‌فهماند که آن‌چه هست، اوست و هرچه هست در جان و روان او نهفته است و انسان است که مرکز همه کائنات توصیف می‌شود. عطار در الهی‌نامه از روش «داستان در داستان» که مختص ادبیات فارسی قرن ششم و هفتم هجری است، استفاده کرده است. الهی‌نامه بر پایه زهد است؛ به همین خاطر روایات و قصه‌های دینی در آن گنجانده شده و با آوردن آیات و احادیث مهر تأیید بر آن‌ها زده شده است. این پژوهش با هدف بررسی جنبه‌های نمایشی توصیف معراج پیامبر اکرم (ص) ترتیب یافته است و در این مسیر برای شناخت عناصر و عوامل درام از نظریه‌ها و منابع معتبر ایران و جهان استفاده شده است و از طریق جستجوی عناصر نمایشی در این داستان و تحلیل انواع روش‌های کاربرد آن در نمایش، سوال اساسی پژوهش پاسخ داده می‌شود. هرچند توصیف معراج پیامبر برای اجرا در صحنه بیان نشده است؛ ولی با تطبیق اصول و فنون نمایشنامه‌نویسی و همچنین عناصر جنبه‌های نمایشی می‌تواند برای نمایشنامه به کار گرفته شود و بر روی صحنه رود.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، بابک، (۱۳۷۱)، از نشانه‌های تصویری تا متن، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مرکز.
- ۲- اسلین، مارتین (۱۳۸۷)، دنیای درام. ترجمه: محمد شهباز، تهران، انتشارات هرمس.
- ۳- اگری، لاجوس (۱۳۸۳)، فن نمایشنامه نویسی. ترجمه: مهدی فروغ، تهران، انتشارات نگاه.
- ۴- الجرجی، خلیل، (۱۳۸۱)، فرهنگ لاروس عربی به فارسی، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران، نشر افرا.
- ۵- امامی، مجید (۱۳۷۳)، شخصیت پردازی در سینما، چاپ اول، تهران، انتشارات برگ.
- ۶- بلکر، آروین (۱۳۹۲)، عناصر فیلم‌نامه‌نویسی، ترجمه محمد گذرآبادی، چاپ پنجم، نشر هرمس.
- ۷- داوسن، س. و (۱۳۷۷)، درام، ترجمه: مهاجر، فیروزه، تهران، نشر مرکز.
- ۸- دیچز، دیوید، (۱۳۶۶)، شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه: غلامحسین یوسفی و دیگران. تهران، انتشارات علمی.
- ۹- بوردول، دیوید، (۱۳۹۴)، هنر سینما، ترجمه: فتاح محمدی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- بولتون، مارجوری (۱۳۸۳)، کالبدشناسی درام. ترجمه: رضا شیرمرز، تهران، انتشارات قطره.
- ۱۱- پایپان، ناهید، (۱۳۸۴)، فرهنگ مصورسازی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- تولان، مایکل جی، (۱۳۸۳)، درآمدی نقادانه - زبان شناختی بر روایت، ترجمه، ابوالفضل حری، تهران، انتشارات بنیاد سینمایی فارابی.
- ۱۳- حقیری، عبدالرضا، (۱۳۹۳)، فیلم‌نامه کلاسیک، چاپ چهارم، تهران، نشر توتیا.
- ۱۴- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، انواع ادبی. چاپ چهارم، تهران، انتشارات میترا.
- ۱۵- شون، ویلیام، (۱۴۰۰)، راهنمای نورپردازی. ترجمه: شهرام نجاریان، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی.
- ۱۶- عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۳۶)، تذکره الاولیا. به تصحیح رینولد نیکلسون، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مرکزی.
- ۱۷- علیان، کوروش، (۱۳۹۸)، روایت و ذهن نویسا، تهران، نشر علمی فرهنگی
- ۱۸- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- ۱۹- فنائیان، تاج بخش، (۱۳۸۹)، تراژدی و تعزیه، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰- فیستر، مانفرد (۱۳۹۹)، نظریه و تحلیل درام، ترجمه مهرازان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مینو.
- ۲۱- قادری، نصرالله (۱۳۸۰)، آناطومی ساختار درام. تهران، انتشارات نیستان.

- ۲۲- کات، میان (۱۳۸۸)، تفسیری بر تراژدی‌های یونان باستان، ترجمه داود دانشور تهران، انتشارات سمت.
- ۲۳- کادن، جی‌ای (۱۳۸۰)، فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد. ترجمه: کاظم فیروزوند، تهران، انتشارات شادگان.
- ۲۴- کیسبی، یر، الن (۱۳۸۳)، درک فیلم، ترجمه طاهری، بهمن، تهران، انتشارات سرچشمه.
- ۲۵- لتوین، دیوید و استاکدیل جو (۱۳۹۷)، معماری درام. ترجمه: امیر راکعی، چاپ دوم، تهران، انتشارات ساقی.
- ۲۶- معین، محمد، (۱۳۹۴)، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۷- مکی، ابراهیم (۱۳۹۰)، شناخت عوامل نمایش، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سروش.
- ۲۸- ناظرزاده کرمانی، فرهاد (۱۳۸۳)، درآمدی به نمایشنامه نویسی، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۹- حاج، فرانسیس (۱۳۹۷)، کارگردانی - نمایشنامه. ترجمه: منصور براهیمی، علی اکبر علیزاده، تهران، انتشارات سمت.
- ۳۰- هاشمی، سید محسن، (۱۳۹۰)، فردوسی و هنر سینما، تهران، انتشارات علمی.
- ۳۱- هولتن، اورلی (۱۳۶۴)، مقدمه بر تئاتر. ترجمه: محبوبه مهاجر، تهران، انتشارات سروش.
- ۳۲- یاسپرس، کارل، (۱۳۹۷)، تراژدی کافی نیست، ترجمه: البرز حیدرپور، تهران، نشر مرکز.
- ۳۳- شونه، گونتر، فرهودی، سعید (۱۳۷۹)، صحنه کلاسیک (تصویر صحنه و لباس). هنر و معماری نمایش، شماره ۲۶.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۷۰ - ۵۹

جایگاه اخلاقی خالد بن ولید در تاریخ صدر اسلام

کمال الدین طباطبائی^۱سهیلا پایان^۲

چکیده

یکی از سرداران معروف تاریخ صدر اسلام خالد بن ولید است. او قبل از پذیرش اسلام، در جنگ‌های مشرکان مکه علیه پیامبر اسلام (ص) شرکت فعال داشت. حضور او در جنگ‌های احد و موتة بسیار تاثیرگذار بود. از خالد به دلیل سرکوبی مخالفان حکومت ابوبکر و شکست دادن سپاهیان ساسانی و روم، به عنوان برجسته‌ترین سردار دوره فتوحات اسلامی یاد می‌شود. اقدامات خالد مورد حمایت و تایید ابوبکر بود. در این دوره او مرتکب کارهای ناشایستی شد که در تضاد با مبانی اسلام بود. او قصد ترور امام علی (ع) را نمود و عده‌ای از مسلمانان و اسیران بی‌گناه را کشت. خالد در دوره خلافت عمر بن خطاب از فرماندهی کل سپاهیان خلافت برکنار شد. مسئله‌ای که این پژوهش به آن پرداخته است بررسی اقدامات ضد اخلاقی و ضد اسلامی خالد بن ولید در دوره حیات سیاسی - نظامی اوست. این مقاله از نوع توصیفی و با روش کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی

جنگ احد، ابوبکر، جنگ‌های رده، عمر بن خطاب.

۱. استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان.

Email: tabataba.kamaleadin@cfu.ac.ir

۲. گروه دروس عمومی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: 2282782607@iaui.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۰

طرح مسأله

خالد بن ولید یکی از سردارانی است که در منابع و کتاب‌های تاریخ صدر اسلام به خاطر فتوحات متعدد نظامی، دارای شهرت زیاد و جایگاهی رفیع و بی‌همتا می‌باشد. به طوری که از نقش چشمگیر وی در تحولات سیاسی و نظامی آن دوره سخن گفته‌اند. با این حال در این پژوهش جزئیات اقدامات و جنگ‌ها و پیروزی‌های خالد بررسی نشده است بلکه تلاش شده تا عملکرد اخلاقی خالد مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین مسئله‌ی مورد پژوهش این مقاله انطباق یا عدم انطباق اقدامات خالد با ارزش‌های اخلاقی اسلام نبوی می‌باشد.

در ذیل این مسئله می‌توان این سوالات را مد نظر گرفت: ۱- خالد به چه علت اسلام را پذیرفت؟ ۲- آیا اقدامات خالد مورد تایید پیامبر اسلام (ص) بود؟ ۳- آیا در فتوحات نظامی خالد در دوره خلافت ابوبکر، ارزشهای دینی و اخلاقی رعایت گردید؟ ۴- خالد چه رفتاری با امام علی(ع) داشت؟ این مقاله از نوع توصیفی و با روش کتابخانه‌ای می‌باشد.

۱- خالد بن ولید قبل از پذیرش اسلام

خالد بن ولید بن مُعِیره یکی از اشراف تیره‌های بزرگ و مهم قریش به نام «قبیله بنی مخزوم» بود. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲/۱۹۹۲، ۲/۴۲۷؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹/۱۹۸۹، ۱/۵۸۶) او از سوارکاران دلیر قریش، و مسئولیت فرماندهی سواران قریش را در جنگ‌ها برعهده داشت و نسبت به مسلمانان بسیار سخت بود. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۷/۴۰۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲/۱۹۹۲، ۲/۴۲۷) پدرش از اشراف و شیوخ برجسته قریش و از دشمنان سرسخت پیامبر اسلام (ص) محسوب می‌شد (آیتی، ۱۳۷۸، ۱۱۰) و بدین علت آیات ۱۱ تا ۱۷ سوره مدثر در نكوهش وی نازل گردید. (ابن اسحاق، ۱۴۱۰، ۱۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۵/۲۲۳)

در شبی که پیامبر(ص) به مدینه هجرت نمود و علی(ع) در بستر او خوابید، فرماندهی گروه مشرکان مهاجم به خانه پیامبر(ص) بر عهده خالد بود. (هاشم معروف الحسنى، ۱۴۱۲، ۱/۲۹۷) آنگاه در جنگ‌های بدر، احد و خندق شرکت نمود. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۷/۴۰۳) در نبرد احد خالد نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و نقشه او موجب شکست سخت مسلمانان گردید و حتی پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) پس از تحمل زخم‌های متعدد با زحمت فراوان از دست مشرکان گریخته و نجات یافتند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲/۱۱۰؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ۱/۴۰۷)

در سال ششم هجری، هنگامی که پیامبر اسلام(ص) به همراه ۱۴۰۰ نفر از سپاهیان اسلام جهت انجام مناسک حج عمره عازم مکه شد مشرکان برای جلوگیری از ورود پیامبر به مکه، خالد را در راس دویست سواره نظام به مقابله او فرستادند که نهایتاً این رویارویی به صلح حدیبیه منجر گردید. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲/۲۰۷؛ واقدی، ۱۳۶۹، ۴۴۱) هرچند بنا به گفته ابن سعد پیامبر

اسلام (ص) بسیار علاقمند بود خالد به جرگه مسلمانان وارد شود، اما همانطور که در این منبع هم تلویحا آمده این رویداد خالد را متوجه ساخت که عصر سلطه اسلام فرا رسیده است. از این رو به جهت تامین منافع خود در سال هفتم هجری به مدینه و نزد پیامبر اسلام (ص) رفت و دین اسلام را پذیرفت. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۷/۴۰۳؛ حسینی، ۱۳۷۷، ۱۳۱)

۲- خالد بن ولید بعد از پذیرش اسلام

۲-۱- جنگ های خالد در دوره حکومت پیامبر اسلام (ص)

با توجه به توانایی و پیشینه ی نظامی خالد، پیامبر اسلام (ص) در چندین سریه، او را به عنوان فرمانده سپاهیان اسلام منصوب کرد. خالد در سال هشتم هجری در جنگ موته با مصاف رومیان رفت و پس از شهادت سه تن از سران سپاه اسلام، فرماندهی مسلمانان را برعهده گرفت و باقی مانده سپاه را به مدینه بازگرداند. (واقعی، ۱۳۶۹، ۵۸۳؛ طبری، ۱۳۷۵، ۳/۱۱۷۱) از نظر منابع اهل سنت پس از نبرد موته، پیامبر (ص) خالد را به سیف الله ملقب نمود و فرمود «خالد را میازارید که او از بهترین بندگان خدا و شمشیری از شمشیرهای خداست.» (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲/۱۴۱۲، ۲/۴۳۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶، ۷/۱۱۳؛ ابن حجر، ۱۹۹۵/۱۴۱۵، ۲/۲۱۷) بنا به نقل از ابو عبیده جراح هم «رسول خدا گفته بود خالد شمشیری از شمشیرهای خداست.» (ابن کثیر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶، ۷/۱۱۴)

خالد در فتح مکه هم حضور داشت و برخی از مشرکان قریش را کشت. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۷/۴۰۵) (عربی، ۱۳۸۳، ۴/۱۸۸) آنگاه پس از فتح مکه مامور تخریب بتکده بت غزی گردید. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲/۲۲۸؛ آیتی، ۱۳۷۸، ۵۷۴) سپس به هنگام غزوه تبوک پیامبر (ص) خالد را به سوی اُکَیْدِر بن عبدالملک، حاکم مسیحی دومه الجندل فرستاد و خالد وی را اسیر کرد و نزد پیامبر (ص) آورد و با او به شرط پرداخت جزیه مصالحه شد. (ابن حجر، ۱۹۹۵/۱۴۱۵، ۲/۲۱۶؛ مسعودی، ۱۳۶۵، ۲۵۰؛ مقدسی، ۱۳۷۴، ۲/۷۱۴؛ سبحانی، ۱۳۸۵، ۸۷۶)

۲-۲- بیزاری رسول خدا از جنایت خالد بن ولید

پس از فتح مکه، پیامبر اکرم (ص) گروه هایی را به اطراف مکه فرستاد تا دیگر قبایل مشرک را به دین اسلام دعوت نمایند. پیامبر (ص) تاکید داشت «هرگز زن و کودک شیر خوار و پیر فرتوت را مکشید، درخت خرما و هیچ گونه درختی را ریشه کن نسازید و هیچ خانه ای را خراب نکنید.» (واقعی، ۱۳۶۹، ۵۷۸) خالد بن ولید هم به سوی قبیله بنی جذیمه اعزام شد. اما او برخلاف دستور رسول خدا (ص) و به خاطر کینه ای که از دوره ی جاهلیت از این قبیله داشت و با اینکه آنها مسلمان بودند، دستور داد مردان آنها را بکشند. رسول خدا (ص) پس از اطلاع از این ماجرا، دست های خود را بالا برد و سه بار فرمود: «خدایا من به سوی تو از آنچه خالد بن ولید

انجام داد بیزاری می جویم.» (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۷/۳۰۳؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲/۲۸۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲، ۳/۳۳۱) سپس امام علی(ع) را به نزد قبیله بنی جذیمه فرستاد و دیه و خسارت آنها را به طور کامل پرداخت کرد. (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۱/۴۲۲؛ شیخ مفید، ۴۱۳ق.، ۱/۴۸؛ عطار دی، ۱۳۹۰، ق.، ۱۶۶) در جنگ حنین هم چون خالد زنی را کشت، پیامبر مجدداً وی را نکوهش کرد و از قتل کودکان، زنان و بردگان منع نمود. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲/۴۵۸؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۷/۳۱۷) می‌توان گفت هرچند خالد چندین بار مورد توبیخ و نکوهش پیامبر اسلام(ص) قرار گرفت، با این حال در هنگام وفات پیامبر اکرم(ص) به عنوان یکی از شیوخ و فرماندهان سرشناس، شجاع و مجرب مسلمان جایگاه و اعتبار بالایی داشت و هر یک از صحابه، جانشین پیامبر اسلام(ص) می‌شد نمی‌توانست به راحتی از او صرف نظر نماید.

۳- دوره ی خلافت ابوبکر

۳-۱- چگونگی انتصاب خالد بن ولید به فرماندهی سپاهیان اسلام

پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) و با آغاز خلافت ابوبکر، خالد در شمار یاران و حامیان او قرار گرفت. خلافت ابوبکر با مخالفت عده ای از صحابه از جمله اهل بیت رسول خدا(ص) مواجه شد و امام علی(ع) که خود را جانشین پیامبر اکرم(ص) تلقی می کرد حاضر نشد با حاکمان جدید حکومت اسلامی همکاری نماید. (واقعی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰، ۴۶؛ مقدسی، ۱۳۷۴، ۲/۸۳۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳/۱۹۹۳، ۳/۶) از طرف دیگر پس از آن که ابوبکر به خلافت رسید بسیاری از قبایل عرب از اسلام برگشتند و یا ابوبکر را به عنوان جانشین پیامبر اسلام(ص) نپذیرفتند. (ابن اعثم، ۱۳۷۲، ۹؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵/۱۹۹۵، ۵۰)

خلیفه و هوادارانش کوشیدند به موضوع مخالفت با حکومت ابوبکر، ماهیتی اعتقادی دهند و همه ی عصیان ها و مخالفت ها را به نام دشمنی با دین معرفی نمایند. متعاقب آن خلیفه سپاهانی تشکیل داد و به سرکوبی مخالفان خود پرداخت. در این جنگ ها که به نام «جنگ‌های رده» معروف شد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲/۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳/۱۹۹۳، ۳/۲۷) خلیفه به فرماندهان شجاع و دلاوری نیاز داشت تا دشمنان حکومتش را از میان بردارند. در این شرایط و در حالی که امام علی(ع) حاضر نبود با سیاست های خلیفه همراهی نماید، خالد به واسطه ی سابقه جنگاوری خود، به عنوان جایگزین امام علی(ع) و فرمانده سپاه خلافت، نامش مطرح گردید. (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲/۵)

بدین ترتیب مهم‌ترین دوره ی زندگی خالد آغاز گردید و او توانست در راستای سیاست‌های سران حکومت خلفا و به عنوان برجسته‌ترین سردار خلیفه، موفقیت‌های نظامی چشمگیری کسب کند و در استحکام قدرت خلیفه، نقش بی‌بدیلی ارائه نماید. به طوری که ابوبکر در پشتیبانی از

اقدامات او می گفت «زنان از آوردن مردی چون خالد عاجزند». (طبری، ۱۳۷۵، ۴/۱۴۹۵) خالد بن ولید در سرکوبی مخالفان حکومت ابوبکر به جای رعایت اصول اسلام نبوی، از همان روش های جاهلی عرب بهره برد. این مسئله از نخستین انحراف ها و بدعت ها در دوره ی خلافت ابوبکر بود و راه را برای ارتکاب جنایات مکرر قبایل تازه مسلمان عرب در جنگ های مختلف به خصوص در دوره ی بنی امیه آن هم به نام اسلام باز نمود.

۳-۲- نقش خالد بن ولید در جنگ های رده

با عصیان قبایل عرب علیه حکومت ابوبکر، وی برخلاف فرامین پیامبر (ص)، به خالد دستور داد «خانه های مرتدان و دشمنان خلافتش را خراب کند و آنها را بکشد و زنان و فرزندان شان را برده گیرد و اموال و مواشی آنها را تصرف نماید». (طبری، ۱۳۷۵، ۴/۱۳۷۹؛ حسینی، ۱۳۷۷، ۷۸۴) علاوه بر آن در نامه ای برای خالد نوشت: «هر کس از کتله مسلمانان را به دست آوری بکش که مایه عبرت دیگران شود، و هر کس از آنها را که از دین بگشته و مخالفت خدا کرده، و مایل باشی و صلاح دانی بکش». (طبری، ۱۳۷۵، ۴/۱۳۹۲)

مطابق دستور خلیفه، خالد ابتدا قبایل اسد، غطفان، طی، و فزاره را که از طَلْحَه بن خُوَیْلِد اسدی حمایت می کردند سرکوب کرد. سپس در نبردی سخت طلیحه و یارانش را که مدعی پیامبری بود، با خشونت و کشتار فراوان شکست داد. (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۱/۴۸۱) بعد از آن گروهی از بنی سلیم را «در انبارهای خرما جمع کرد و آنان را به آتش کشید و سوزاند». (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۷/۴۰۵) بنا به نقل از طبری، «خالد تسلیم مردم اسد و غطفان و هوازن و سلیم و طی را نپذیرفت تا همه کسانی را که در ایام ارتداد، مسلمانان را سوخته یا مثله کرده بودند بیاورند، و چون بیاوردند ... کسانی را که به مسلمانان تاخته بودند اعضاء برید و به آتش سوخت و سنگسار کرد و از کوه بینداخت و به چاه افکند و تیرباران کرد». (طبری، ۱۳۷۵، ۴/۱۳۹۲) رفتار خالد چنان هولناک بود که عمر نزد ابوبکر رفت و گفت «این مرد را که مردم را با آتش عذاب کرده است از فرماندهی بر کنار کن. ابوبکر گفت نه به خدا سوگند شمشیری را که خداوند آن را بر کافران کشیده است در نیام قرار نمی دهم». (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۷/۴۰۵)

در پی این پیروزی ها خالد به سوی مسیلمه کذاب رفت و در کارزاری دشوار که مسلمانان کشته های بسیاری دادند، توانست ضمن کشتن مسیلمه، بر قبيله بنی حنیفه فائق آید. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۸/۶۶؛ ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۱/۴۸۶) سرانجام خالد در آخرین مرحله از جنگ های رده، اعراب بحرین را به اطاعت واداشت و سرکوب قبایل شمالی حجاز را با موفقیت به پایان رساند. (بلاذری، ۱۳۳۷، ۱۳۵-۱۴۴؛ مسعودی، ۱۳۶۵، ۲۶۲)

۳-۳- جنگ‌ها و فتوحات خالد در مصاف با مرزداران حکومت ساسانی

پس از این پیروزی‌ها خالد را مأموریت یافت تا با همراهی «مثنی بن حارثه شیبانی» به فتوحات خود در مرزهای ایران ساسانی ادامه دهد. (دینوری، ۱۳۷۱، ۱۴۲؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲، ۴۸) خالد در محرم سال ۱۲ هجری از یمامه راهی عراق شد و بر اثر ضعف مرزبانان ساسانی توانست چندین روستا و شهر کوچک و بزرگ به نام‌های اُبُلّه، بانقیّا، مَذار، وَلَجّه، اَلْیَس (نَهر الدّم)، اَمَغیشیا، حیره، انبار، و عین التمر را تصرف نماید. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۱۰۰-۱۲۲/۸) از انتقاداتی که در این جنگ‌ها نسبت به خالد شده است مسئله ی خشونت و کشتار او نسبت مخالفان خلافت و ایرانیان تابع حکومت ساسانی است. او پس از پیروزی در جنگ الیس طبق سوگندی که یاد کرده بود در یک اقدام غیر انسانی و جنایتکارانه و برخلاف سیره پیامبر اسلام (ص)، اسیران فراوانی را به قتل رساند به طوری که زمین از خون آنان رنگین شد. به همین مناسبت این نبرد را «نهرالدم یا رود خون» نامیدند. (طبری، ۱۳۷۵، ۴/۱۴۹۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲، ۴/۱۰۳؛ ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۱/۴۹۳) مجدداً پس از فتح «عین التمر» بدون آن که به مردم شهر امان دهد، مردان را گردن زد و زنان و کودکان را به بردگی گرفت. (دینوری، ۱۳۷۱، ۱۴۳) و همچنان اینگونه کشتار را در نواحی جنوب عراق ادامه داد. (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۴۹۵-۱/۴۹۷) در حالی که پیامبر (ص) در پیروزی‌های متعدد خود مانند غزوه بنی مصطلق، فتح مکه، جنگ حنین، ... مغلوبان را می بخشید و از اسارت زنان و کودکان خوداری می کرد.

۳-۴- جنگ‌ها و فتوحات خالد در شام و در مصاف با امپراطوری روم شرقی

در سال ۱۲ هجری خالد به منظور مقابله با رومیان ناچار شد عازم سرزمین شام گردد. هرچند از نظر خالد دلیل این تصمیم خلیفه «حسادت عمر بن خطاب بود که نمی خواست فتح عراق به دست خالد باشد.» (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۷/۴۰۶) او پیش از ملحق شدن به سپاهیان مسلمان در برخی مناطق مانند «مضیح و مرج الراهط» مطابق با روش جنگی خود، هر جا «جماعتی را یافتند همه را کشتند و برهنه کردند ... و زنان و کودکان را به اسارت برد.» (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۱/۵۰۰) خالد در شام پیروزی‌های درخشانی کسب کرد. از جمله در سال ۱۳ در نبرد مشهور «یرموک» با تفرندهای نظامی خود، رومیان را مغلوب ساخت. (مسکویه، ۱۳۶۹، ۱/۲۵۸) اما در همین زمان از بد اقبالی خالد، ابوبکر درگذشت و عمر بن خطاب جای او را گرفت و موقعیت خالد تغییر یافت.

۳-۵- اقدامات ناپسند خالد در دوره ابوبکر

۳-۵-۱- سوء رفتار خالد با اهل بیت پیامبر اکرم(ص)

از اقدامات زشت و شنیع خالد، حمله به خانه حضرت زهرا(س) و سوء قصد به جان امام علی(ع) بود. کسی که در دوره زندگانی پیامبر(ص) رشادت‌ها و فداکاری‌های زیادی از خود نشان داد و طبق آیه مباحله(آل عمران/۶۷) و آیه تطهیر(احزاب/۳۳) عضوی از اهل بیت رسول خدا(ص) به شمار می‌رفت. در منابع شیعی آمده است که به هنگام گرفتن بیعت اجباری از حضرت علی(ع) و در هجوم به خانه حضرت زهرا(س)، خالد هم عمر بن خطاب را همراهی می‌کرد. وقتی که امام علی(ع) را به زور به نزد ابوبکر در مسجد بردند حضرت زهرا(س) در حالی که از اندوه مرگ پدر بزرگوار خود بیمار بود و حسن(ع) و حسین(ع) به دنبال او می‌دویدند، از خانه خارج شد. «خالد ولید هر چند خواست فاطمه(س) را باز گرداند، نتوانست و فاطمه بر خالد نفرین کرد و از عمر به خدا نالید.» (استرآبادی، ۱۳۷۴، ۳۹۳)

وقتی هم امام علی(ع) به مسجد و نزد ابوبکر بردند، عمر با شمشیر بالای سر ابوبکر ایستاد و همراه او «خالد بن ولید» و ابوعبیده جراح و سالم و مغیره بن شعبه و اسید بن حسین و بشیر بن سعد در اطراف ابوبکر مسلح شده نشسته بودند. (سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۱۶ ق، ۲۲۸-۲۲۹؛ طبرسی، ۱۳۸۱ ش، ۱/۱۹۵)

علاوه بر آن خالد اجرای طرح ترور امام علی(ع) را بر عهده گرفت. با اینکه منابع اهل سنت در این باره سکوت کرده‌اند اما در برخی از منابع شیعه آمده است که ابوبکر و عمر بن خطاب و دیگر همفکرانشان تصمیم گرفتند امام علی(ع) را در حین نماز صبح توسط خالد بن ولید به قتل برسانند. اما او نتوانست در این عملیات موفق گردد و هیاهویی در مسجد برپا شد. خالد به امام علی(ع) گفت طبق دستور ابوبکر قصد داشت او را به قتل برساند. از این رو امام علی(ع) خالد را به زمین زد و خواست بکشد. ولی با اصرار مسلمانان او را رها ساخت. (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ۱/۶۲۵؛ قمی، ۱۳۶۳، ۱۵۸-۱۵۹؛ طبرسی، ۱۳۸۱ ش، ۱/۲۱۱)

۳-۵-۲- کشتن مالک بن نویره و سعد بن عباد

از دیگر کارهای نامشروعی که خالد مرتکب شد و در تمام منابع تاریخ اسلام بدان اشاره شده کشتن مالک بن نویره به بهانه‌ی ارتداد بود. با آنکه مالک بن نویره و قبیله او مسلمان بودند، خالد آنان را اسیر کرد و بعد دستور داد مالک بن نویره را کشتند و همسر او را تصرف نمود. (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵/۱۹۹۵، ۵۳؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۶۱-۶۴/۸؛ سبحانی، ۱۳۸۵، ۸۲۷؛ امینی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۲/۱۴۴؛ واقدی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰، ۱۰۷) آمده است چون خالد، مالک بن نویره را همراه همسر زیبایش دید، گفت: «قسم به خدا به آنچه در دست توست نمی‌رسم مگر آنکه تو را

بکشم.» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲/۱۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۵/۱۹۹۵، ۲/۲۱۸) سپس علیرغم اینکه مالک اقرار کرد مسلمان است دستور داد او را گردن زدند. آنگاه سر او را به عنوان پایه دیگ در کنار اجاقی نهاد و همان شب با همسر او همبستر شد. (واقدی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰، ۱۰۷؛ طبری، ۱۳۷۵، ۴/۱۴۰۹)

وقتی خبر این ماجرا به مدینه رسید عمر از ابوبکر خواست که خالد را به دلیل زنا کردن سنگسار کند. اما او نپذیرفت. عمر بن خطاب به ابوبکر گفت: «کسی را فرستادی که مسلمانان را می‌کشد و با آتش عذاب می‌دهد. (بلاذری، ۱۳۳۷، ۱۴۲) پس او را قصاص کن.» اما خلیفه نپذیرفت و پاسخ داد «او اجتهاد کرده و اجتهاد اشتباه کرده است.» مجدداً عمر گفت حداقل او را از کار بر کنار کن. اما ابوبکر پاسخ داد «من شمشیری را که خداوند بر علیه ایشان کشیده است در نیام نخواهم گذاشت.» (طبری، ۱۳۷۵، ۱۴۰۸-۱۴۰۹/۴؛ ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۱/۴۸۵)

یکی دیگر از کارهای ناروای خالد کشتن سعد بن عباد، یکی از صحابه بزرگ رسول خدا(ص) به جرم عدم بیعت با ابوبکر بود. در منابع تاریخ اسلام سبب مرگ سعد بن عباد را تیری دانسته‌اند که شبانه به او اصابت کرد. محمد بن مسلمه انصاری، مغیره بن شعبه و خالد بن ولید متهم به قتل او شدند. (طبرسی، ۱۳۸۱، ۱/۱۶۳)

نقل شده است که خلیفه دوم روزی به خالد گفت «ای خالد، تو مالک بن نویره را کشته‌ای. خالد گفت: ای امیرمؤمنان! من اگر مالک بن نویره کشتم، ولی به عوض آن سعد بن عباد را نیز به جهت اختلاف نظرهایش با شما ترور کرده‌ام.» عمر پس از این کلام، خالد را در آغوش گرفت و به او گفت: «تو شمشیر خدا و شمشیر رسول خدا هستی.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق. ۳۰/۴۹۴)

از دیگر اعمال ناشایست خالد، هنگامی است که به جنگ بنی حنیفه رفت و پس از غلبه بر این طایفه، به اجبار دختر «مجاعه بن مراره» یکی از روسای بنی حنیفه را به ازدواج خود در آورد. چون این خبر به ابوبکر رسید در نامه ای بسیار عتاب آمیز به خالد نوشت: «هنوز پیرامون خیمه‌ات به خون یک هزار و دویست مرد مسلمانان رنگین است و تو با زنان عروسی می‌کنی.» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲/۸) وقتی خالد به نامه نگاه کرد گفت: «به خدا این کار چپ دست است و منظورش عمر ابن خطاب بود.» (طبری، ۱۳۷۵، ۱۴۳۵/۴)

۴- عملکرد خالد بن ولید در دوره ی خلافت عمر بن خطاب

در سال ۱۳ هجری و با آغاز خلافت پسررایی خالد یعنی عمر، خالد بن ولید از فرماندهی کل سپاهیان شام عزل، و ابو عبیده جراح به جای او انتخاب شد. (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲/۲۱؛ ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۱/۵۰۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳/۱۹۹۳، ۳/۸۷) عمر در اعلامیه ای درباره دلیل عزل خالد بن ولید نوشت: «... مردمان فریفته او گشته بودند و من بیم داشتم که مردم کارهای خود را به او واگذارند

و گرفتار آیند. بدین سبب دوست داشتم که مردم بدانند این خداست که سازنده و پدید آورنده است، نه دیگری.» (حسینی، ۱۳۷۷، ۵۲۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶، ۷/۱۱۵؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵/۱۹۹۵، ۶۵) سپس در نامه ای به خالد نوشت: «شما خاندان مغیره گرفتار درشت گفتاری، پستی و بخل شده‌اید.» (حسینی، ۱۳۷۷، ۵۸۰)

هنگامی که خالد از خبر برکناری خود مطلع گردید گفت «خدای تعالی ابو بکر را بیمارزد. اگر او زنده بود، هرگز مرا معزول نمی کرد.» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲/۲۱؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲، ۸۲) از دیگر دلایل عمر جهت برکناری خالد آن بود که «از دست او عصبانی و ناراحت بود. زیرا مالش را برای افراد ثروتمند خرج می کرد.» (ابن کثیر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶، ۷/۱۱۷)

با این حال خالد همچنان در فتح شهرها و مناطق شام و فلسطین مشاور نزدیک ابوعبیده بود و نقشی فعال و تاثیرگذار داشت. در مورد چگونگی پایان حیات سیاسی - نظامی خالد آمده است که عمر از بخشش غنائم فتوحات به اشعث بن قیس توسط خالد مطلع شد و خشمگین گردید و به ابوعبیده دستور داد خالد را عزل کند. سپس عمر نیمی از دارایی خالد را ضبط کرد. (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲/۲۱) بعد از آن او به کاری مشغول نشد تا اینکه سرانجام در سال ۲۱ و یا ۲۲ در سن شصت سالگی درگذشت و در شهر حمص به خاک سپرده شد. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۷/۴۰۶)

نتیجه‌گیری

۱- خالد بن ولید از فرماندهان بزرگ و فرصت طلبانی بود که پس از سال‌ها مخالفت و دشمنی با اسلام، هنگامی که احساس نمود اسلام در حال استیلا بر حجاز است این دین را پذیرفت.

۲- هرچند خالد در منابع تاریخ اسلام به عنوان مجاهدی مومن، مورد تمجید و ستایش پیامبر(ص) قرار گرفته است، اما جنایاتی که خالد مرتکب گردید این روایات را مخدوش می‌سازد.

۳- یکی از دلایل مهمی که موجب گردید عمر بن خطاب، خالد را عزل نماید جنایاتی بود که در دوره خلافت ابوبکر مرتکب گردید.

۴- خالد یک فرمانده باهوش و شجاع بود که در گسترش قلمرو اسلامی در دوره خلافت ابوبکر و عمر بن خطاب تاثیر شگرف و شایانی داشت. اما روش‌ها و اقدامات ناپسند او نقد و ایراد جدی به فتوحات اسلامی وارد می‌کند. به طوری که اقدامات ضد اسلامی و انسانی خالد، بهانه‌ی لازم را جهت تخریب این دین برای دشمنان اسلام فراهم آورده است.

فهرست منابع

۱. آيتی، محمد ابراهيم، (۱۳۷۱ ش.)، تاريخ پيامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
۲. ابن اثير، عزالدین علی بن اثير، (۱۳۷۱ ش.)، الكامل فی التاريخ، ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خليلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ج ۷.
۳. _____، (۱۹۸۹/۱۴۰۹)، اسد الغابة فی معرفة الصحاب، بيروت، دار الفكر.
۴. ابن اسحاق، محمد بن اسحاق بن يسار، (۱۴۱۰ ق.)، سيره ابن اسحاق (كتاب السير و المغازی)، قم، دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامی، چاپ اول.
۵. ابن جوزی، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد، (۱۹۹۲/۱۴۱۲)، المنتظم فی تاريخ الأمم و الملوك، محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، ج ۳.
۶. ابن خلدون، عبد الرحمن بن خلدون، (۱۳۶۳ ش.)، العبر (تاريخ ابن خلدون)، ترجمه عبد المحمد آيتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ج ۴.
۷. ابن حجر، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، (۱۹۹۵/۱۴۱۵)، الإصابة فی تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية، ط الأولى.
۸. ابن اعثم، أبو محمد أحمد بن اعثم الكوفي، (۱۳۷۲ ش.)، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی (ق ۶)، تحقيق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۹. ابن سعد، محمد بن سعد كاتب واقدي، (۱۳۷۴ ش.)، الطبقات الكبرى، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ج ۷.
۱۰. ابن عبد البر، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، (۱۹۹۲/۱۴۱۲)، الاستيعاب فی معرفة الأصحاب، تحقيق علی محمد البجاوی، بيروت، دار الجیل، ط الأولى، ج ۲.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، (۱۹۸۶/۱۴۰۷)، البداية و النهاية، بيروت، دار الفكر.
۱۲. ابن هشام، عبد الملك بن هشام الحمیری المعافری، (۱۳۷۵ ش.)، السيرة النبوية (زندگانی محمد (ص) پيامبر اسلام)، ترجمه سيد هاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ پنجم.
۱۳. استرآبادی، احمد بن تاج الدین، (۱۳۷۴ ش.)، آثار احمدی تاريخ زندگانی پيامبر اسلام و ائمه اطهار (ع)، تهران، ميراث مکتوب، چاپ اول.
۱۴. امینی، عبد الحسين، (۱۴۱۶ ه. ق.)، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، بنياد بعثت، ج ۲.
۱۵. بلاذری، احمد بن يحيى بلاذری، (۱۳۳۷ ش.)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.
۱۶. حسینی، سيد محمد، (۱۳۷۷ ش.)، نامه ها و پيمانهای سياسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام، تهران، سروش، چاپ دوم.
۱۷. خلیفه بن خیاط، خلیفه بن خیاط، (۱۹۹۵/۱۴۱۵)، المغازی، تحقيق فواز، بيروت، دار الكتب العلمية.

۱۸. دینوری، احمد بن داود، (۱۳۷۱ ش.)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
۱۹. ذهبی: شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، (۱۹۹۳/۱۴۱۳)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، ط الثانية.
۲۰. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵ ش.)، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب.
۲۱. سلیم بن قیس هلالی، (۱۴۱۶ ق.) کتاب سلیم بن قیس الهلالی (اسرار آل محمد علیهم السلام)، مترجم اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم، نشر الهادی.
۲۲. شیخ صدوق، علل الشرائع، (۱۳۸۰ ش.)، ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، انتشارات مؤمنین، ج ۱.
۲۳. شیخ مفید، ارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، (۱۴۱۳ ق.)، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ج ۱.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی الطبرسی، (۱۳۸۱ ش.)، احتجاج، ترجمه بهراد جعفری، تهران، اسلامیه، ج ۱.
۲۵. طبری، محمد بن جریر طبری، (۱۳۷۵ ش.)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ پنجم، ج ۴.
۲۶. عطارودی، عزیزالله، (۱۳۹۰ ق.)، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، تهران، اسلامیه.
۲۷. عربی، حسین علی، (۱۳۸۳ ش.)، تاریخ تحقیقی اسلام، قم، مؤسسه امام خمینی، ج ۴.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، محقق موسوی، قم، دارالکتاب، ج ۲.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، (۱۴۰۳ ق.)، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۳۰.
۳۰. مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین، (۱۳۶۵ ش.)، التنبيه و الإشراف، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۳۱. مسکویه، ابو علی مسکویه الرازی، (۱۳۶۹ ش.)، تجارب الأمم، مترجم ابو القاسم امامی، تهران، سروش، ج ۱.
۳۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۷۴ ش.)، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، چاپ اول، ج ۲.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش.)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ج ۲۵.
۳۴. هاشم معروف الحسینی، (۱۴۱۲ ق.)، سیره المصطفی، ترجمه حمید ترقی جاه، تهران، حکمت.
۳۵. واقدی، محمد بن عمر الواقدی، (۱۳۶۹ ش.)، کتاب المغازی (تاریخ جنگهای پیامبر(ص))، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.
۳۶. _____، (۱۹۹۰/۱۴۱۰)، کتاب الرده، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۳۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی، (۱۳۷۱ ش.)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ج ۱.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۶ - ۷۱

بررسی تطبیقی آموزه‌های اخلاقی دماپادا با مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین

فیروز فاضلی^۱اصغر عیسی پور کهلیونی^۲

چکیده

انسان به‌طور ذاتی اخلاق محور است، اما مواجهه با چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، او را در معرض تردیدهای اخلاقی قرار می‌دهد و از این رو، نیاز به ابزارهایی برای بازاندیشی در اصول اخلاقی احساس می‌شود. در این مسیر، متون مقدس، به‌ویژه در قالب زبان شعری، ابزارهایی تأثیرگذار برای هدایت انسان به سوی فضایل اخلاقی هستند. این پژوهش، با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، به بررسی آموزه‌های اخلاقی دو اثر برجسته از سنت‌های مختلف دینی می‌پردازد: دماپادا از سنت بودایی و مثنوی معنوی از سنت اسلامی. دماپادا، که در "سه زنبیل" بودایی قرار دارد، در قالب اشعار عرفانی و اخلاقی، به اصولی همچون صداقت، پرهیز از رذایل اخلاقی و تهذیب نفس پرداخته است. زبان شعری این اثر با استفاده از نظم و موسیقی درونی کلمات، نه تنها مفاهیم عمیق اخلاقی را به‌صورت قابل فهم و ملموس به مخاطب منتقل می‌کند، بلکه انسان را به بازگشت به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل فرا می‌خواند. این ساختار شعری، در کنار آموزه‌های معنوی آن، به ابزاری برای انتقال مفاهیم جهانی اخلاقی تبدیل می‌شود. در مقابل، مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین رومی با بهره‌گیری از زبان شعری، استعاره‌ها و تمثیل‌ها، اصول اخلاقی مشابهی را بیان می‌کند. مولانا، همانند دماپادا، بر فضایل اخلاقی همچون صداقت، خودشناسی، تهذیب نفس، و رهایی از تعلقات دنیوی تأکید می‌کند. این اثر، با ساختار شعری خود، در حقیقت "قرآن فارسی" است که نه تنها به تهذیب نفس و معنویت می‌پردازد، بلکه به‌عنوان راهنمایی برای رسیدن به حقیقت و عشق الهی عمل می‌کند. این مطالعه استدلال می‌کند که زبان شعری در هر دو اثر، دماپادا و مثنوی معنوی، نه تنها ابزاری برای انتقال آموزه‌های اخلاقی و معنوی است، بلکه به‌عنوان یک نیروی فعال در تحول روحی و اخلاقی انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود. در شرایطی که انسان‌ها در دنیای مدرن به چالش‌های اخلاقی مختلفی دچار هستند، این دو اثر به‌طور شگرفی پیوندی عمیق و جهانی میان فرهنگ‌ها و دین‌ها برقرار می‌کنند. به انسان‌های امروز یادآوری می‌کنند که اصول اخلاقی بنیادین، همچنان جهانی و فراتر از مرزهای دینی و فرهنگی هستند. به‌ویژه، زبان شعری این دو اثر به‌عنوان ابزاری کارآمد و قدرتمند برای تحریک ذهن و قلب انسان‌ها به بازگشت به فضایل اخلاقی و معنویت، می‌تواند در تحقق یک تحول اخلاقی جهانی نقشی حیاتی ایفا کند.

واژگان کلیدی

آموزه‌های اخلاقی، اسلام، بودیسم، دماپادا، مثنوی معنوی، مقایسه تطبیقی.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: drfiroozfazeli@guilan.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، ادبیات عرفانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: a.esapour.k@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲۰

طرح مسأله

رشد و تکامل انسان در گرو ارزش‌های اخلاقی و نظام‌مند شدن رفتارهای او در چارچوب اصولی است که ریشه در آموزه‌های دینی و تربیتی دارند. اخلاق، به عنوان شالوده روابط انسانی و عامل تعالی بخش جوامع، در متون مقدس همواره محور توجه بوده است. این متون، با هدف هدایت انسان به سوی فضایل و پرهیز از رذایل، نه تنها به جنبه‌های فردی زندگی بلکه به پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی نیز پرداخته‌اند.

«یکی از مباحث اساسی اخلاق و تربیت در هر جامعه، توجه به موضوع مهم و تعالی بخش ارزش‌هاست. ارزش‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی بسیار انسان‌ساز و کارآمد هستند زیرا موجب ایجاد انگیزه درونی در افراد برای دست یافتن به صلاح واقعی و سعادت حقیقی در زندگی دنیا و آخرت می‌شوند. کیفیت زندگی ما و چگونگی رفتار و مناسبات و روابطی که با یکدیگر داریم، مستقیماً متأثر از نظام ارزش‌های دینی، آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی است که بدان پایبندیم.... هدف از تعالیم و آموزه‌های دینی و اخلاقی تربیت انسان برای نیل به کمال است و این که او بتواند با آگاهی از موقعیت حقیقی خویش در هستی، به صفات و اعمال نیک آراسته گردد و بهترین راه را برای خوب زیستن بیابد. در این آموزه‌ها علاوه بر بعد فردی به ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز توجه شده است. توجه به تربیت و اخلاق چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، عنایت به حیاتی‌ترین مقوله وجودی انسان به عنوان عضوی از اجتماع است؛ زیرا تربیت بستر همه سامان‌ها و نابسامانی‌ها، صلاح‌ها و فسادها، خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها می‌باشد.» (حیدرپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۹-۶۸)

انسان متخلق به اخلاق نیک و حسنه همواره مورد قبول تمامی آیین‌ها، مسلک‌ها و ادیان بوده است. در واقع بن‌مایه مشترک تمامی آیین‌ها و ادیان، مباحث اخلاقی و اخلاقیات بوده است. اخلاق راه درست زیستن و کسب سعادت اخروی را نشان می‌دهد و انسان را از مهالک و رذایل اخلاقی نجات خواهد داد.

جستار حاضر بر آن است به بررسی آموزه‌های اخلاقی کتاب دُمآپادا و مثنوی معنوی بپردازد. مباحث اخلاقی در این پژوهش به دو دسته فضایل و رذایل اخلاقی تقسیم بندی شده‌اند و مصداق‌ها و شاهد مثال‌های این دو دسته در کتاب دُمآپادا و مثنوی معنوی مورد بررسی قرار گرفته است.

در حوزه پژوهش‌های تطبیقی میان متون دینی و عرفانی، مقایسه آموزه‌های اخلاقی در دُمآپادا و مثنوی معنوی به طور ویژه از این منظر که به طور جامع و عمیق به فضایل و رذایل اخلاقی پرداخته باشد، تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر در پی پر کردن این

خلاً است. به طور خاص، این مقاله با تمرکز بر مفاهیم بنیادین فضایل و رذایل اخلاقی، به تحلیل تطبیقی آموزه‌های اخلاقی این دو اثر می‌پردازد، نوآوری این تحقیق در پرداختن به ساختار مفهومی اخلاق در دو متن به طور متمرکز و تحلیلی است. مقاله نشان می‌دهد که هر یک از این متون با توجه به بنیان‌های فلسفی و دینی خاص خود، به شیوه‌ای منحصر به فرد به مفاهیم اخلاقی پرداخته‌اند و تلاش دارند تا با پیش کشیدن فضایل اخلاقی (مانند خودشناسی، تهذیب نفس، و رحمت) و پرهیز از رذایل (مانند خشم، حرص و جاه‌طلبی)، راه‌هایی عملی برای نیل به کمال انسانی ارائه دهند. این رویکرد، فارغ از مقایسه‌های معمول، سعی در کشف ابعاد نو و نیکویی در آموزه‌های اخلاقی هر یک از این آثار دارد و تأکید بر بعد عملی و تحول فردی به جای مقابله‌ای میان آموزه‌ها دارد.

فرضیه اصلی این تحقیق بر این اساس استوار است که علی‌رغم تفاوت‌های زمانی و جغرافیایی میان دَماپادا (متنی در بستر بودایی) و مثنوی معنوی (اثری در بستر اسلامی)، هر دو اثر در عرصه آموزه‌های اخلاقی به اصول مشترک و جهانی‌ای پرداخته‌اند که فراتر از مرزهای زمانی و دینی می‌روند. این پژوهش فرض می‌کند که هر دو متن با وجود تعلق به دو سنت مذهبی و فلسفی متفاوت، در محورهای اصلی آموزه‌های اخلاقی مانند تهذیب نفس، خودشناسی، محبت و پرهیز از رذایل اخلاقی همچون خشم، حرص و جاه‌طلبی، دارای شباهت‌های بنیادینی هستند. همچنین بر این نکته متمرکز است که علی‌رغم فاصله زمانی و تفاوت‌های فرهنگی عمیق میان این دو اثر، هر دو متن به گونه‌ای هم‌راستا و مکمل به بیان اصول اخلاقی می‌پردازند که می‌تواند در تمامی دوران‌ها و بسترهای فرهنگی به عنوان راهگشای سعادت فردی و اجتماعی عمل کند. به عبارت دیگر، این تحقیق می‌پرسد که چگونه آموزه‌های اخلاقی در این دو متن، که در بسترهای دینی و فلسفی متفاوت و در زمان‌های مختلف شکل گرفته‌اند، به همان اصول بنیادی اخلاقی اشاره دارند که می‌تواند برای انسان معاصر نیز راهگشا باشد. در این راستا، پژوهش حاضر با تمرکز بر مفاهیم اخلاقی مشترک در این دو اثر، نشان می‌دهد که چگونه این آموزه‌ها در گذر زمان و فراتر از مرزهای دینی، معنای مشترکی برای انسانیت و تکامل اخلاقی دارند.

طبیعتاً بحث در مورد مباحث اخلاقی دو اثر دَماپادا و مثنوی معنوی بسیار گسترده و وسیع است و این پژوهش نمی‌تواند گویای همه موارد مباحث اخلاقی در این دو کتاب باشد. لذا نگارندگان، مطالب ارائه شده را آغازی برای ورود به بحث مبسوط می‌دانند که می‌تواند سر رشته تحقیقات دامنه‌دار باشد.

«اخلاق جمع «خُلُق» است و خُلُق در لغت به معنای خوی، عادت و سجیه آمده است. (معین، ۱۳۸۸: ذیل واژه خُلُق). خواجه نصیر هم آورده است: «خُلُق ملکه‌ای بود نفس را مقتضی سهولت

صدور فعلی از او بی‌احتیاج فکری و رویتی». (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰۱). «اخلاق، خوی و ملکه‌ای است در موجود ذی‌شعور و با اراده که منشأ افعال است، و این افعال برخی فطری و برخی اکتسابی و تحت تأثیر علم و اراده انسان‌هاست. انسان با تقویت اراده به ملکه شدن بایدها و بیزارای از نبایدها می‌پردازد. مفهوم کلیات در «بایدها» و «نبایدها» نزد همه انسان‌ها یکسان است، گرچه از آن با عنوان‌های «خُلُق فعلی و ترکی»، «منجیات و مهلکات»، «بایدها» و «نبایدها» نام برده‌اند». (پناهی، ۱۳۷۸: ۵۸).

«اخلاق علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه‌ها و آثار آن سخن می‌گوید و به تعبیر دیگر، سرچشمه‌های اکتساب این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در خود و جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۴/۱). همچنین علامه طباطبایی در تعریف علم اخلاق آورده است: «فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست، به این غرض بحث می‌کند که فضایل آن‌ها را از ردائیلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست و کدام یک بد و رذیله و مایه نقص اوست، تا آدمی بعد از شناسایی آن‌ها خود را با فضایل بیاراید و از ردائیل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضایل درونی است، انجام دهد. تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را به خود جلب نموده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند». (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۵۵۸/۱)

«اخلاق در اصطلاح، نوعی علم و عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی است که در آن ارزش خوی‌ها و رفتارهای آدمی بحث می‌شود. این علم، نگرشی تاریخی برخوی‌ها و رفتارهای انسان به عنوان اموری واقع یا کوشش برای کشف علل و عوامل طبیعی آنان نیست، بلکه مطالعه آنهاست از این حیث که هر یک در نظام ارزشی معین از چه جایگاهی برخوردارند». (اعوانی، ۱۳۷۷: ۲۰۱/۷)

«بی‌شک بحث‌های اخلاقی از زمانی که انسان گام بر روی زمین گذارد، آغاز شد؛ زیرا ما معتقدیم که حضرت آدم ^(ع) پیامبر خدا بود، نه تنها فرزندان را با دستورهای اخلاقی آشنا ساخت بلکه خداوند از همان زمانی که او را آفرید و ساکن بهشت ساخت مسائل اخلاقی را با اوامر و نواهی‌اش به او آموخت. سایر پیامبران الهی یکی پس از دیگری به تهذیب نفوس و تکمیل اخلاق که خمیر مایه سعادت انسان‌هاست پرداختند، تا نوبت به حضرت مسیح ^(ع) رسید که بخش عظیمی از دستوراتش را مباحث اخلاقی تشکیل می‌دهد و همه پیروان و علاقمندان او، وی را به عنوان معلم بزرگ اخلاق می‌شناسند. اما بزرگ‌ترین معلم اخلاق پیامبر اسلام ^(ص) بود که با شعار «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» مبعوث شد و خداوند درباره او فرموده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ اخلاق تو بسیار عظیم و شایسته است» (قلم/۴). در میان فلاسفه نیز بزرگانی بودند

که به عنوان معلم اخلاق از قدیم‌الایام شمرده می‌شدند، مانند: افلاطون، ارسطو، سقراط و جمعی دیگر از فلاسفه یونان، به هر حال بعد از پیامبر (ص) امامان معصوم (ع) به گواهی روایات اخلاقی گسترده‌ای که از آنان نقل شده، بزرگ‌ترین معلمان اخلاق بودند؛ و در مکتب آن‌ها مردان برجسته‌ای که هر کدام از آن‌ها را می‌توان یکی از معلمان عصر خود شمرد، پرورش یافتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۹/۱)

۱- دَما‌پادا

«ادبیات مقدس بودایی به نام «سه زنبیل» معروف است، که اولی را «زنبیل تربیت» و دومی را «زنبیل سوره‌ها» و سومی را «زنبیل تفاسیر آیین» خوانند. زنبیل دوم محتوی آیین بودایی است و خود دارای قسمت‌های مختلف است که یکی از آن‌ها به نام کودکا- نیکایا شناخته شده است. معروف‌ترین مجموعه این قسمت سلسله اشعاری است به نام دَما‌پادا که از روزگار قدیم در میان بوداییان محبوبیت فراوان داشته و به شخص بودا نسبت داده شده است. آنچه مسلم است آنکه این مجموعه بسیار قدیمی است و در کتاب پرسش میلیندا که متعلق به قرن اول میلادی است نام آن جداگانه برده شده است. بنا به تفسیر این مجموعه که به بوداگوشا، فیلسوف بزرگ بودایی قرن پنجم میلادی، نسبت داده می‌شود، این اشعار شامل اندرزها و احکامی است که بودا در شرایط مختلف به یاران و پیروان خود داده است و دَما‌پادا خلاصه‌ای است جامع از روش جهان‌بینی و جهت تفکر بودایی و مورد قبول کلیه مکاتب آن آیین است.

لغت دَما (سانسکریت: دارما)، مانند لغت «حق» در سنت اسلامی، لفظی بزرگ و گسترده است که هیچ لغت بیگانه گویای معانی مختلف آن نیست. این لغت از ریشه dhar به معنی حمل کردن و بار کشیدن است که با پسوند ma اسم فعل شده و به معنی قانون آمده است. دارما قانونی است که نظام جهان را تعریف می‌کند، از گردش روز و شب تا قانون مرگ و زندگی، تا راه رفتن رستگاری، تا راه داد و ستد بین انسان‌ها، از این رو، دارما حق و عدالت است و حقیقت و طبیعت راستین چیزها و پدیده‌ها. در عین حال این لغت نزدیک‌ترین واژه به مفهوم دین، مذهب و آیین در سنت ما است. دارما همه این مفاهیم را در بر دارد و هیچ یک از آنها به تنهایی نیست. لغت پادا نیز چند معنا دارد. معنی اصلیش راه یا مقام و درجه است و معنی دیگرش لغت و معنی سومش بیت شعر است. (علوی، ۱۳۸۰: ۱-۲)

۲- پیشینه پژوهش

در رابطه با اخلاق و آموزه‌های اخلاقی تحقیقات و پژوهش‌های متعددی انجام شده است که ذکر همه آنها در این مقال نمی‌گنجد اما نمونه‌وار به چند تحقیق و پژوهش که ارتباط بیشتری با بحث حاضر دارند اشاره می‌شود.

- آموزه‌های اخلاقی در مثنوی معنوی، این مقاله توسط آقای علی بورونی در سال ۱۳۸۶ در مجله اخلاق انتشار یافته است.
- مقایسه آموزه‌های اخلاقی شاهنامه فردوسی و مهابهاراتا. نگارندگان این مقاله سیده فاطمه زارع حسینی، مجتبی زروانی و قربان علمی هستند. این مقاله در سال ۱۳۹۱ در مجله ادیان و عرفان منتشر شده است.
- نگاهی به آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی در شعر فروغ فرخزاد و نازک‌الملائکه. این مقاله را فریده سلامت نیا، سعید خیرخواه برزکی و عبدالرضا مدرس زاده در سال ۱۳۹۸ در پژوهش‌های اخلاقی منتشر کرده‌اند.
- مقایسه بیش متنب اشعار ابوالعناهیة با پروین اعتصامی در آموزه‌های اخلاقی قرآن. نویسندگان این مقاله علی نبی‌الهی و محمدجواد کوچک یزدی هستند و این مقاله در سال ۱۳۹۹ در مجله جستارنامه ادبیات تطبیقی منتشر شده است.
- آموزه‌های اخلاقی - تعلیمی خردنامه‌های فیلسوفان یونان در اقبال‌نامه نظامی. این مقاله توسط علی افضلی در سال ۱۳۹۲ در مجله تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی منتشر شده است.
- بررسی و تحلیل ضعف اخلاقی از منظر آگوستین و توماس آکوئیناس با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی. این مقاله توسط مهدی علیزاده در سال ۱۳۹۵ در مجله معرفت ادیان منتشر شده است.
- آموزه‌های اخلاقی در متون روایی و غیرروایی. این مقاله توسط آقای جلیل تجلیل و با همکاری خانم زهرا ایرانمنش نگارش یافته است و در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی (پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی دهقان) در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است.
- اما تاکنون فعالیت مستقلی که به صورت تطبیقی به بررسی آموزه‌های اخلاقی کتاب دماپادا با مثنوی معنوی بپردازد صورت نگرفته است و این تحقیق گام اول در این رابطه می‌باشد.

۳- بحث و بررسی

انسان ذاتاً موجودی اخلاق مدار است و در طول زندگی خود همواره با اخلاق و اخلاقیات سر و کار دارد، می‌توان گفت فعل اخلاقی فقط در مورد انسان‌ها معنا دارد و معنا می‌یابد. اخلاق و اخلاقیات را در انسان می‌توان به دو دسته فضایل و رذایل اخلاقی تقسیم بندی کرد. دسته اول موجب کمال، سعادت و صعود او می‌گردد و دسته دوم عامل ذلت، شقاوت و هبوط اوست. در این پژوهش ابتدا به بررسی فضایل اخلاقی در دو کتاب مثنوی معنوی و دماپادا می‌پردازیم سپس رذایل اخلاقی را در این دو کتاب بررسی خواهیم کرد.

۳-۱- فضایل اخلاقی

- پرهیز از سخن درشت

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا». به بندگانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین [سخن] باشد». چرا که شیطان [به وسیله‌ی سخنان ناروا] میان آن‌ها فتنه و فساد می‌کند؛ زیرا [همیشه] شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است». (اسرا/۵۳)

«به درشتی سخن مگو

تا جواب (بدرشتی) نشنوی

سخن درشت درد است

و پاسخش بر می‌گردد». (دمآپادا: ۶۳)

«زبان نشان دهنده شخصیت و معیاری برای سنجش انسان‌ها است. کنترل نمودن زبان و حفظ آن از آفات، از کارهای مهم و ضروری است و لازمه آن شناختن و آگاهی داشتن از آفاتی است که گوهر ارزشمند زبان را تهدید می‌کنند. تأثیرات سخن گفتن و سکوت کردن در سرنوشت شخصی هر فرد انکارناپذیر است از اینرو در دین مبین اسلام، اولین ملاک ایمان و کفر هر فرد، اقرار به زبان و بیان کلمه شهادتین است به همین جهت نشانه اسلام یا بی‌دینی آدمی گفتن یا نگفتن همین کلمه است. بر این اساس سخن و نحوه ادای آن، در زندگی انسان نقش بزرگی دارد. از جمله مباحث مهم و توجه برانگیز بحث آفت زبان است، زیرا نعمت بیان و زبان بیش از آنکه مفید و ارزشمند باشد آفاتی زیان‌بار و ناپسند دارد، و همان‌گونه که هیچ عبادتی نزد خداوند برتر از سخن حق نیست، هیچ گناهی بالاتر از سخن باطل نیز وجود ندارد». (نبیلی‌پور، ۱۳۷۲: ۳۵۲)

«یکی از آفات زبان، دشنام و ناسزاگویی است و آن، عبارت است از اینکه انسان از امور قبیح و مستهجن، با عبارات و الفاظ صریح تعبیر کند و کلمات ناشایست و دور از شأن آدمی بر زبان جاری نماید. در اصطلاح به آن سب یا فحش می‌گویند». (بصیری و بی‌بی حیاتی، ۱۳۹۵: ۸۴)

«این زبان چون سنگ و هم آهن‌وش است	و آن چه بجهد از زبان چون آتش است
سنگ و آهن را مزین بر هم گزاف	که ز روی نقل و گاه از روی لاف
ز آن که تاریک است و هر سو پنبه زار	در میان پنبه چون باشد شرار
ظالم آن قومی که چشمان دوختند	ز آن سخن‌ها عالمی را سوختند
عالمی را یک سخن ویران کند	روبهمان مرده را شیران کند

«مولانا: دفتر اول/۱۸۴۱-۱۸۳۷»

پرهیز از سخن درشت به‌طور بنیادین در آموزه‌های اخلاقی به معنای کنترل قوه ناطقه است،

که نه تنها در دماپادا بلکه در مثنوی معنوی نیز به‌عنوان عاملی برای حفظ انسجام درونی و روابط اجتماعی سالم معرفی می‌شود. در دماپادا، سخن درشت به عنوان یکی از آلودگی‌های زبانی شناخته می‌شود که به‌طور مستقیم بر روان و آگاهی فرد تأثیر می‌گذارد. در اینجا سخن درشت نه تنها به‌عنوان یک رفتار اجتماعی غیراخلاقی، بلکه به‌عنوان مانعی برای دستیابی به آرامش ذهنی و رهایی از رنج مطرح می‌شود. در مثنوی، مولانا این آموزه را به‌عنوان یک فرآیند پاکسازی روان از اضطراب‌های ناشی از گفتار نادرست می‌داند، چرا که کلام تند در عالم تصوف به‌طور ضمنی به‌عنوان دروازه‌ای به سوی تخریب ارتباطات روحی و معنوی در نظر گرفته می‌شود. از این رو، پرهیز از سخن درشت یک ابزار درونی و اجتماعی است که در راستای تحقق صلح و انسجام درونی فرد عمل می‌کند.

- تهذیب نفس

«مَنْ لَمْ يُهَذِّبْ نَفْسَهُ فَصَحَّهٗ سُوءُ الْعَادَةِ». کسی که به تهذیب و پاک نمودن نفسش نپردازد، عادت زشت رسوایش خواهد ساخت. (غررالحکم/ ۹۱۷۰)

«خویشتن را چراغ راهی کن

جهد بنما

بشتاب

و به خود آی

لکه‌ها پاک کن

و آلودگی‌ها بشوی

و روانهٔ بهشت شو

روانهٔ سرزمین اصیلان». (دماپادا: ۹۸)

«تهذیب نفس به معنای پاکیزه کردن، پاک نگه داشتن، تطهیر، پیراستن، پیراستن، آراستن و پاک سازی نفس از اخلاق ناپسند، پلیدی‌ها و آلودگی‌های اخلاقی با هدف گام برداشتن به سوی فضایل اخلاقی است که در نهایت موجب رشد کمال و سعادت واقعی در دنیا و آخرت می‌شود، از این رو شاه کلید ورود به خط سیر تکامل الهی سلوک روحانی، تهذیب و تزکیه نفس است.» (حسینی، ۱۳۹۶: ۷۶)

«از نظر معنای لغوی، تهذیب مصدر باب تفعیل و به معنای اصلاح و پاکیزه نمودن و زینت دادن است. این کلمه در برخی روایات مربوط به اصلاح نفس آمده است مانند «مَنْ لَمْ يُهَذِّبْ نَفْسَهُ لَمْ يَنْتَفِعْ بِالْعَقْلِ»؛ کسی که به اصلاح و پاک کردن نفسش نپردازد، از عقل سودی نبرده است و «مَنْ لَمْ يُهَذِّبْ نَفْسَهُ فَصَحَّهٗ سُوءُ الْعَادَةِ». کسی که به تهذیب و پاک نمودن نفسش

نپردازد، عادت زشت رسوایش خواهد ساخت». (ریعان، ۱۳۷۹: ۱۰۲)

«پس چو آهن گرچه تیره هیכלی	صیقلی کن صیقلی کن صیقلی
تا دلت آینه گردد پر صور	اندر او هر سو ملیحی سیم بر
آهن ار چه تیره و بی نور بود	صیقلی آن تیرگی از وی زدود
صیقلی دید آهن و خوش کرد رو	تا که صورت‌ها توان دیدن در او
گر تن خاکی غلیظ و تیره است	صیقلی کن زانکه صیقل گیره است»

«مولانا: دفتر چهارم / ۲۶۳۵-۲۶۳۱»

تهذیب نفس، به‌ویژه در دو اثر مورد بحث، به‌عنوان اصلی‌ترین مسیر رسیدن به کمال و رهایی از منیت مطرح می‌شود. در دَماپادا، تهذیب نفس از دیدگاه بودایی به معنای کاهش و سرکوب تمایلات خودخواهانه است، به‌طوری که فرد با رها کردن خواسته‌های دنیوی به‌طور کامل به‌سوی رهایی از رنج و تسلط بر ذهن سوق می‌یابد. این فرآیند خودباوری و کنترل ذهن، مسیر رسیدن به نیروانا را هموار می‌کند. در مثنوی، مولانا تهذیب نفس را از طریق عشق الهی و فنا در خدا تحلیل می‌کند. برای مولانا، تهذیب نفس نه تنها کاهش تمایلات دنیوی بلکه تصفیه کامل روح از زنگارهای خودخواهی است. او این مفهوم را با استفاده از مفاهیم رمزی مانند عشق و فنا به‌گونه‌ای پیچیده به‌عنوان پروسه‌ای بی‌پایان معرفی می‌کند که در آن انسان باید خود را در برابر خداوند فانی کند تا به حقیقت رسید. این دو دیدگاه، یکی از نظر فلسفی بودایی و دیگری از منظر صوفیانه، به طرز شگفت‌انگیزی به یکدیگر نزدیک می‌شوند، زیرا هر دو بر رهایی از خود و تحقق حقیقت به‌عنوان اساس تهذیب نفس تأکید دارند

– عدم تعلق به دنیا

«اعْلَمُوا أَنَّما الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ خُطَّامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَ ما الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ. بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی آنگاه خاشاک شود و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست» (حدید/۲۰)

«پیش آی

و بنگر این جهان را که چون گردونه رنگین شاهان است.

گمراهان در آن محو شوند

فرزانگان به آن دل نبستند». (دمآپادا: ۷۴)

برای دنیا در لغت‌نامهٔ دهخدا دو نوع اشتقاق دانسته شده است.

۱- «مشتق از دِنُو که به معنی قرب است

۲- مشتق از دَنائَت که به معنی ناکسی و زیونی است». (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژهٔ دنیا)

«جهان بینی اسلامی که بارها در قرآن و نهج‌البلاغه آمده است دنیا را یک گذرگاه، یک پل، یک میدان تمرین، یک بازار تجارت و مقدمه‌ای برای آخرت که جایگاه اصلی انسان است معرفی می‌کند و اگر با این دیدگاه به دنیا بنگریم همه چیز در نظر ما رنگ دیگری به خود می‌گیرد و ما را از آلودگی به گناه و ظلم و ستم باز می‌دارد و به سوی نیکی‌ها دعوت می‌کند». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۵/ ۴۴۵)

«مقصود از دنیاگرایی که به عنوان منشأ انحراف و لغزش‌ها و مهم‌ترین آفت معنویت‌گرایی معرفی شده، آن است که انسان با غفلت از این که دنیا تنها یکی از مراحل حیات وی هست نه همهٔ آن، دنیا را منزل، معبود، معشوق و فرماندهٔ زندگی خود قرار دهد و اسیر مرکب و نیروی تحت فرمان دنیا گردد و به گونه‌ای تعلق خاطر و وابستگی به دنیا پیدا کند که ملاک و معیار او در همهٔ صحنه‌های زندگی دنیوی و مادی باشد». (ورمزیار و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۴)

«مال دنیا دام مرغان ضعیف	ملک عقبی دام مرغان شریف
تا بدین ملکی که او دامی است ژرف	در شکار آرند مرغان شگرف
من سلیمان می‌نخواهم ملک‌تان	بلکه من برهانم از هر ملک‌تان
کاین زمان هستید خود مملوک ملک	مالک ملک آن که بجهد او ز هلك
باژگونه ای اسیران این جهان	نام خود کردی امیر این جهان
ای تو بنده‌ی این جهان محبوس جان	چند گویی خویش را خواجه‌ی جهان»

«مولانا: دفتر چهارم/ ۷۱۰-۷۰۵»

عدم تعلق به دنیا یکی از فضایل برجسته‌ای است که در هر دو اثر با تمرکز بر رهایی از شهوات دنیوی و تمرکز بر کمال معنوی مطرح می‌شود. در دمآپادا، تعلق به دنیا به عنوان عامل اصلی رنج و بندگی شناخته می‌شود، چرا که دلبستگی به مادیات و زندگی فانی باعث می‌شود فرد از راه رهایی و نیل به نیروانا منحرف شود. در مثنوی معنوی، مولانا این تعلق به دنیا را در قالب چشم‌های ظاهری و توهّمات مادی بیان می‌کند که انسان را از دیده باطنی و دریافت حقیقت باز می‌دارد. او می‌گوید که انسان باید از دلبستگی به ظواهر و مادیات رهایی یابد تا بتواند در عالم ملکوت سیر کند و به وصال خداوند برسد. در این زمینه، غفلت از حقیقت و وابستگی به دنیا از دیدگاه هر دو اثر به عنوان بزرگ‌ترین مانع در مسیر کمال معنوی شناخته می‌شود.

- کنترل خشم

«الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». همانان که در فراخی و تنگی اتفاق می‌کند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد». (آل عمران / ۱۳۴)

«آن کس را راننده خوانم

که خشم خودش را بهار کرد

چنانکه ارابه بی‌مهار را

دیگران فقط افسار بدستانند». (دماپادا: ۹۱)

«خشم یک واکنش هیجانی نسبتاً قوی است که در انواعی از موقعیت‌ها (حقیقی یا خیالی) همانند به بند کشیده شدن، مداخله بی‌مورد دیگران، ربوده شدن متعلقات و مورد تهدید یا حمله واقع شدن ظاهر می‌گردد و با برانگیختگی فیزیولوژیک و افکار ستیزه‌جویانه همراه است و اغلب رفتارهای پرخاشگرانه به دنبال دارد». (انیل، ۱۳۸۳: ۲۹)

«در روایات اسلامی، علاوه بر بیان برخی از مفاسد و خطرهای مادی و معنوی غضب، از آن خیلی نکوهش شده و پاداش‌های زیادی برای خودداری از آن و فرونشاندن خشم بیان شده است. جنایت و گناه، ذلت و خواری فرد، انحطاط روحی، پشیمانی، افسردگی، مرگ و بیماری از مفاسد و خطرهای غضب به شمار می‌رود». (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۶)

حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «الغضب يردى صاحبه و يبدى معايبه؛ خشم صاحبش را هلاک می‌سازد و زشتی‌ها را آشکار می‌کند». (آمدی، ۱۳۸۵، ۲ / ۳۱)

«صد هزاران شهر را خشم شهان	سرنگون کرده است ای بد گم رهان
خشم مردان خشک گرداند سحاب	خشم دل‌ها کرد عالم‌ها خراب
آن چنان پیلان و شاهان ظلوم	زیر خشم دل همیشه در رجوم
	«مولانا: دفتر سوم / ۳۰۵۱ و ۳۰۵۳ و ۳۰۶۱»

«چون ز خشم آتش تو در دلها زدی	مایه نار جهنم آمدی
خشم تو تخم سعیر دوزخست	هین بکش این دوزخت را کین فح است
	«همان / ۳۷۶۰ و ۳۷۶۸»

«گر نباشد جاه فرعون و سری	از کجا یابد جهنم پروری
فر بهش کن آنگهش کش ای قصاب	ز آنکه بی‌برگ‌اند در دوزخ کلاب
گر نبودی خصم و دشمن در جهان	پس بمردی خشم اندر مردمان
دوزخ آن خشمست خصمی بایدش	تا زید و زنی رحیمی بکشدش
	«مولانا: دفتر چهارم / ۱۱۵۳-۱۱۵۰»

در آموزه‌های دماپادا و مثنوی معنوی، کنترل خشم به عنوان یکی از حیاتی‌ترین ابزارها برای رسیدن به آرامش درونی و رهایی از آلام روانی مورد تأکید قرار دارد. در دماپادا، خشم به عنوان یکی از آلودگی‌های ذهنی شناخته می‌شود که باعث می‌شود فرد از مسیر درست منحرف شده و در نهایت دچار رنج شود. در بودیسم، کنترل خشم نه تنها در کاهش رنج‌های فردی، بلکه در برقراری روابط سالم و ایجاد صلح جهانی نیز تأثیرگذار است. در مثنوی، مولانا خشم را به عنوان یکی از نفرت‌های درونی معرفی می‌کند که فرد را از کمال روحی باز می‌دارد. برای مولانا، صبر و بردباری در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به حکمت الهی و صبر در برابر امتحانات الهی مطرح می‌شود. بنابراین، کنترل خشم در هر دو اثر از ابعاد اخلاقی و روحانی به طور هم‌زمان به عنوان مسیری برای رشد فردی و اجتماعی بررسی می‌شود.

- همنشینی با فرزندانگان

«من جالس العلماء وقر و من خالط الاندال حقر. کسی که با علما همنشین باشد، عظمت و وقار می یابد و کسی که با فرومایگان همنشین گردد، پست و کوچک می شود». (بحارالانوار: ۲۰۵/۱)

«پیوندید به فرزندانگان و اسیلان

به اهل علم و معرفت

به درست پیمانان و شکیبایان

به نیکان و خردمندان و چنین مردمان

همچنانکه ماه به کهکشان و ستارگان». (دماپادا: ۸۶)

«همنشینی: این واژه از دیدگاه اندیشمندان علوم اجتماعی از دو منظر تعریف شده است: از یک منظر آن را مناسبات و روابط مستمر و شخصی میان افراد می‌دانند که محصول مشابهت آنان در علائق، منافع، دیدگاه‌ها و مانند آن است. از چشم انداز دوم این واژه در مورد جمع‌ها یا گروه‌هایی به کار می‌رود که بر اثر شباهت‌ها به هم پیوند خورده‌اند و با هم رابطه و نشست و برخاست و هم‌صحبتی و مراودات دوستانه دارند». (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳)

«در منابع دینی، در اینکه همنشین خوب چه کسی است و با چه کسانی باید همنشین بود و از معاشرت و همنشینی با چه کسانی باید پرهیز کرد، مطالب بسیاری مطرح شده است. معاشران هر کس، مبنای قضاوت دیگران نسبت به اخلاق و شخصیت و افکار اوست. ارتباط قلبی و درونی میان انسان‌ها به پیوندی اجتماعی و بیرونی می‌انجامد و روابط اجتماعی هم در روحيات و اخلاق افراد اثر می‌گذارد. انسان به هر درجه‌ای از علم و تقوا که برسد باز هم تحت تأثیر افکار همنشینان خود قرار می‌گیرد. محیط اجتماعی و مردمانی که با آنان در ارتباط هستیم، بر ما تأثیر

می‌گذارند. از این رو، علاوه بر اینکه لازم است هر شخصی با افراد شایسته و آگاه همنشینی کند، موظف است از مصاحبت با افراد نادان پرهیز نماید و از مفاسد اخلاقی و محدودیت فکری آنان در امان بماند». (متولی زاده نایینی، ۱۳۹۶: ۱۴۷-۱۴۶).

و آن که پوسیده‌ست نبود غیر بانگ	«آن چه شیرین است او شد نار دنگ
و آن چه پوسیده‌ست او رسوا شود	آن چه با معنی است خود پیدا شود
ز آن که معنی بر تن صورت پر است	رو به معنی کوش ای صورت پرست
هم عطا یابی و هم باشی فتی	همنشین اهل معنی باش تا
هست همچون تیغ چوبین در غلاف	جان بی معنی در این تن بی‌خلاف

«مولانا: دفتر اول / ۸۳۵-۸۳۰»

سوی هر ادبار تا کی می‌روی	«گر بیبونی بدان شه شه شوی
چون نظرشان کیمیایی خود کجاست	همنشینی مقبلان چون کیمیاست

«همان / ۳۰۴۰-۳۰۳۹»

همنشینی با فرزندگان به‌طور مداوم در هر دو اثر به‌عنوان یکی از راه‌های دستیابی به حکمت و رشد معنوی معرفی می‌شود. در دُمآپادا، این فضیلت به‌عنوان اتحاد با خردمندان و کسب دانش حقیقی برای رهایی از جهل و رسیدن به آگاهی کامل تأکید می‌شود. در مثنوی، مولانا این موضوع را از منظر عرفانی و معنوی بررسی می‌کند و بر این باور است که همراهی با فرزندگان و صالحان، انسان را به خودشناسی و حقیقت‌جویی می‌رساند. این همنشینی نه تنها باعث پیشرفت فرد در مسیر رشد معنوی می‌شود بلکه آگاهی جمعی و ارتقای روحانی در جامعه را به دنبال خواهد داشت.

- پرهیز از بیهوده‌گویی

«وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ. و چون لغوی بشنوند از آن روی برمی‌تابند و می‌گویند کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شماست سلام بر شما جوای [مصاحبت] نادانان نیستیم». (قصص/ ۵۵)

«یک سخن پرمعنی

به از هزار سخن بی‌معنی

سخنی که هر کس شنید، آرام یافت». (دُمآپادا: ۵۵)

«نگفتن بی‌ضرر است اما گفتن بیجا خسارت بار است، زیرا تا سخن گفته نشده در تملک و مهار انسان است و چون از دهان خارج شد اختیارش به دست گوینده نیست». (مهرآوران، رضایی؛ ۱۳۹۶: ۱۶۷)

«کم‌گویی در برابر زیاده‌گویی، همواره پسندیده است. زیرا هرکس بسیار گوید از غلطی و کذبی و فحشی خالی نباشد». (قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۶۹: ۳۰). هم چنین گفته شده است.

«الکلامُ کالدواءِ انْ أَقَلَّتْ مِنْهُ نَفْعَكَ وَ انْ أَكْثَرَتْ مِنْهُ قَتَلَكَ». (همان: ۳۰)

مولانا در مثنوی معنوی ابیات بسیاری در رابطه با سخن و گفتار دارد اما ابیاتی که دارای مناسبت تمام با مفهوم دوری از بیهوده‌گویی و گفتن سخن پرمغز و مفهوم باشد، در کلیات شمس او آورده شده است.

«سخن به نزد سخن دان بزرگوار بود	ز آسمان سخن آمد، سخن نه خوار بود
سخن چو نیک گویی هزار نیست یکی	سخن چو نیکو گویی یکی هزار بود
سخن ز پرده برون آید آن گهش بینی	که او صفات پروردگار بود
سخن چو روی نماید خدای رشک برد	خنک کسی که به گفتار رازدار بود»

«فروزانفر: ۱۳۷۶: ۳۷۸»

پرهیز از بیهوده‌گویی، که به عنوان راهی برای پاکسازی ذهن و تمرکز بر کلام حکمت‌آمیز مطرح است، در هر دو اثر به عنوان عاملی برای دوری از افکار سطحی و سخنان بی‌فایده دیده می‌شود. در دُمآپادا، ارزش سخن پرمعنی بالاتر از لغوگویی ذکر گردیده است که موجب آرامش می‌گردد. در مثنوی نیز، مولانا به این نکته اشاره دارد که سخن‌دان ارزش سخن درست و نیکو را می‌داند و کلام ارزشمند جایگاه ارزنده‌ای دارد.

- غلبه بر نفس

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ^(ع) : إِنَّ النَّبِيَّ ^(ص) بَعَثَ سَرِيهَ فَلَمَّا رَجَعُوا، قَالَ مَرْحَباً بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ^(ص) مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ. امام صادق (ع) فرمود: پیامبر ^(ص) گروهی از مسلمانان را به جهاد فرستاد. هنگامی که بازگشتند، فرمود: آفرین بر گروهی که جهاد اصغر را انجام دادند. ولی وظیفه جهاد اکبر بر آنها باقی مانده است. عرض کردند: ای رسول خدا جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس». (خَرِّ عاملی، ۱۳۹۶ق: ۱۲۲/۱۱)

«غلبه بر نفس خویش به از غلبه بر دیگران است

آن کس که نفس خویش را مهار کرد

همواره بر خود مسلط است». (دُمآپادا: ۵۶)

«نفس آن طور که از کتاب‌های لغت استفاده می‌شود، عبارت از عین یک چیز است. نفس انسان عبارت از چیزی است که انسان به واسطه آن انسان شده است و آن مجموع روح و جسم وی در این زندگی و روح تنها در زندگی برزخی است». (طباطبایی، ۱۳۷۰، ۴/۲۳۰)

«منظور از نفس در بحث مورد اشاره ما» آن دسته از گرایش‌هایی است که مانع ترقی روح انسان و تقرب به سوی خداست» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۱۱۸/۱). به عبارتی منظور نفس اماره است نفسی که در آن «هواها بر انسان حاکم و غالب است و انسان صد در صد محکوم خواهش-های نفس خویش است. نفس اماره به سوء یعنی نفسی که به انسان فرمان به بدی می‌دهد و انسان هم تابع فرمان دهنده به بدی و شرارت است». (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۸۱)

مادر بت‌ها، بت نفس شماسست	زانکه آن بت مار و این بت اژدهاست
آهن و سنگ است نفس و بت، شرار	آن شرار از آب می‌گیرد قرار
بت سیاه‌به‌ست اندر کوزه‌ای	نفس، مر آب سیه را چشمه‌ای
صد سبو را بشکند، یک پاره سنگ	و آب چشمه، می‌رهاند بی‌درنگ
بت شکستن سهل باشد، نیک سهل	سهل دیدن نفس را، چهل است چهل

«مولانا: دفتر اول/۹۱۱-۹۰۰»

غلبه بر نفس در هر دو اثر به عنوان کلید رسیدن به کمال معنوی و رهایی از شهوات دنیوی شناخته می‌شود. در دینا داباش، این فضیلت به‌طور مستقیم بهتر از غلبه بر دیگران دانسته شده است. در مثنوی، مولانا غلبه بر نفس را به عنوان پروسه‌ای در راستای فنا در خدا و پیوستن به حقیقت بیان می‌کند. این فضیلت از دیدگاه عرفانی و فلسفی هر دو متن به‌طور مشابه، انسان را از بندهای نفس آزاد می‌سازد و به او توانایی اتصال به حقیقت الهی را می‌بخشد.

۳-۲- رذایل اخلاقی

- علم بدون عمل

«مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا الثَّورَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَخْمَلُ أَشْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید». (جمعه/۵)

«الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ: فَمَنْ عَلِمَ عَمِلَ؛ وَ الْعِلْمُ يَهْتِفُ بِالْعَمَلِ: فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ. علم با عمل همراه است و هر کس (به راستی) عالم باشد عمل می‌کند. علم، عمل را فرامی‌خواند اگر اجابت کرد و آمد، علم می‌ماند و آلا کوچ می‌کند». (نهج البلاغه: حکمت ۳۶۶).

«آن کس که بسیار خواند

و به آن عمل نکرد،

کاهل است

چوپانی است که گاوهای گله دیگران را می‌شمرد

او در شمار طالبان راه نیست». (دمآپادا: ۳۱)

«یکی از ویژگی‌های مورد تاکید در قرآن و حدیث انجام دادن عمل بر اساس علم است، خداوند متعال، خود نیز از روی علم عمل می‌کند. کلمه علیم در آیات قرآن کریم دلالت می‌کند بر اینکه فعل او فعلی است که از روی علم ثابت و غیر قابل خطا سر می‌زند». (مهدوی راد، صادقی: ۱۳۹۳: ۲۳۹)

«عمل بی علم گمراهی است، یعنی هرگاه عمل از روی علم نباشد؛ بسیار است که این کس را به گمراهی می‌اندازد یا مراد این است که هر چند موافق صواب کرده باشد، چون بی علم است، گمراهی است و صحیح نیست. البته مراد از علم را در اینجا اعم از یقین و ظن و تقلید دانسته‌اند. در هر جا که ظن کافی باشد مثل فروع دین، و بر هر که تقلید جایز باشد مثل جمعی که رتبه اجتهاد نداشته باشند، زیرا که ظن و تقلید هم بعد از ثبوت جواز آنها به علم منتهی می‌شود». (خوانساری، ۱۳۷۳، ۸/۲)

«پس پیمبر گفت بهر این طریق	با وفاتر از عمل نبود رفیق
گر بود نیکو ابد یارت شود	ور بود بد در لحد مارت شود
این عمل وین کسب در راه سداد	کی توان کرد ای پدر بی‌اوستاد
دون‌تر کسبی که در عالم رود	هیچ بی‌ارشاد استادی بود
اولش علم است آن گاهی عمل	تا دهد بر بعد مهلت یا اجل»

«مولانا: دفتر پنجم/ ۱۱۲۱-۱۱۱۷»

علم بدون عمل از مهم‌ترین رذایل اخلاقی در هر دو اثر دمآپادا و مثنوی معنوی است. در دمآپادا، این موضوع به‌عنوان یکی از موانع اصلی دستیابی به حقیقت مطرح می‌شود که باعث می‌شود فرد از مسیر رهایی و آرامش درونی دور شود. در مثنوی معنوی، مولانا این رذیله را با تأکید بر اهمیت عملگرایی معنوی تحلیل می‌کند و بر این باور است که علم باید در عمل پیاده‌سازی شود تا فرد از فریب خود و از گمراهی‌های ظاهری رهایی یابد. تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که در هر دو اثر، علم به‌طور مستقل نمی‌تواند رشد اخلاقی و پیشرفت معنوی را تضمین کند. بلکه این علم باید در دنیای واقعی و در زندگی فردی به کار گرفته شود تا واقعاً به تحول درونی و رشد روحی منتهی گردد.

- ریا

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ

مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهِ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ. ای اهل ایمان، صدقات خود را به سبب مَنّت و آزار تباه نسازید مانند آن که مال خود را از روی ریا (برای جلب توجه دیگران) انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد؛ مثل این ریاکاران بدان ماند که دانه را (به جای آنکه در زمین قابلی افشانند) بر روی سنگ صاف غبار گرفته‌ای ریزند و تند بارانی غبار آن بشوید و آن سنگ را همان طور صاف و بی‌گیاه به جای گذارد، که نتوانند هیچ حاصلی از آن به دست آورند. و خداوند گروه کافران را راه (سعادت) ننماید». (بقره/۲۶۴)

«بسیارند آنان که قبای زرد^۱ به تن کنند

و به راه نادرست روند و پرهیزگار نباشند

اینان روانه دوزخند

به کردار پلید خویش». (دمآباد: ۲۸)

» ریا [riya = ع. رثاء] ف: ریا

۱- (مص ل.) به نیکوکاری تظاهر کردن، خود را پاکدامن جلوه دادن

۲- (لا مص) دورویی. نفاق

۳- (تص.) ترک اخلاق است در عمل به آن که غیر خدا را لحاظ کند (کشاف: ۱: ۶۰۶؛ فرم،

سج.). (معین: ۱۳۸۸؛ ذیل واژه ریا)

«ریا» از «رَؤیت» مشتق است؛ یعنی: نشان دادن و شخص ریا کننده می‌خواهد با نشان دادن کارهای خویش اعم از عبادات و احسان در دلهای دیگران مقام و منزلتی پیدا کند. ریا نقطه مقابل «اخلاص» است و یکی از گناهان کبیره‌ای است، که مایه هلاکت انسان و شقاوت ابدی اوست. ریا، فضایل اخلاقی را زایل و وسیله حبط اعمال و فرو افتادن در جهنم است و ریشه آن را باید در حب دنیا و جاه طلبی جست؛ نقل به مضمون از: (قمی، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۹۹)

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان ریا را به موارد زیر تقسیم بندی نمود.

» ریا در عقیده، ریا در عمل و اجرای اعمال عبادی، ریا در گفتار، ریا در شکل و قیافه، ریا در

معاشرت». (نقل به مضمون از: (معالی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴)

» در حدیث آمد که تسبیح از ریا	همچو سبزه‌ی گولخن دان ای کیا
پس بدان که صورت خوب و نکو	با خصال بد نیززد تسو
و ر بود صورت حقیر و ناپذیر	چون بود خلقتش نکو درپاش میر
این صدف‌های قوالب در جهان	گرچه جمله زنده‌اند از بحر جان
لیک اندر هر صدف نبود گهر	چشم بگشا در دل هر یک نگر

کان چه دارد وین چه دارد می‌گزین زانکه کمیاب است آن در ثمین»
«مولانا: دفتر دوم/ ۱۱۱۴-۱۱۰۶»

ریا، به‌عنوان پنهان کردن نیت‌های حقیقی پشت ظاهر نیکو، در هر دو اثر به‌شدت محکوم شده است. در دَماپادا، این ردیله به‌عنوان ظاهرسازی معرفی شده که از سوی فرد ریاکار باعث می‌شود تا او از «آرامش درونی» و اتصال با حقیقت فاصله بگیرد. در مثنوی معنوی، مولانا ریا را به‌عنوان نوعی پوشاندن حقیقت با ظاهری فریبنده می‌بیند که در نهایت منجر به اختلال معنوی و افسردگی روحی می‌شود. از دیدگاه علمی و فلسفی، ریا به‌عنوان یک مانع در مسیر خلوص نیت و صدق در زندگی معنوی معرفی می‌شود. در هر دو اثر، تأکید می‌شود که برای رسیدن به کمال معنوی، باید از تظاهر و فریب خود اجتناب کرد و نیت‌های فرد باید با عملش هم‌راستا باشد

- عیب‌جویی

«رسول الله صلی الله علیه و آله : لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ، وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ فَضَحَّهٗ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ». عیب‌های مؤمنان را جستجو نکنید؛ زیرا هر که دنبال عیب‌های مؤمنان بگردد خداوند عیب‌های او را دنبال کند و هر که خداوند متعال عیوبش را جستجو کند، او را رسوا سازد گرچه درون خانه‌اش باشد». (ثواب‌الاعمال: ۲۸۸/۱)

آن کس که عیب دیگران را دید

و به سرزنش گروید

آلودگیش فزونی یافت

که ستردن این لکه‌ها دشوار است». (دَماپادا: ۱۰۱-۱۰۰)

«بدون تردید عیب‌جویی رفتاری زشت و نکوهیده است و نه تنها هنر نیست، بلکه ضد ارزش است. متأسفانه در جامعه امروز به افرادی برمی‌خوریم بیهوده «بیهوده در پوستین خلق می‌افتند» و «انگشت در کرده‌اند» و عیب می‌جویند». (عبداللهی پور، ۱۳۸۶: ۱۷)

«موضوع «عیب‌جویی» به طور قطع از اصل «امر به معروف و نهی از منکر» جداست. زیرا هدف اصلی «عیب‌جویان» رسوا کردن و تخریب مردم است و گرنه آگاهیدن مردم به عیوب خود، به دور از سرزنش و جار زدن بر هر کوی و برزن، بسیار مهم و بالارزش است و به فرموده امام صادق (ع): بهترین دوست من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه کند. در حالی که عیب‌جویان، جنبه‌های منفی رفتار مردم را نقل مجالس می‌کنند و دین مقدس اسلام این عادت زشت را یکی از گناهان بزرگ شمرده است». (امینی، ۱۳۵۹: ۲۹۶)

«هر کسی گر عیب خود دیدی ز پیش کی بدی فارغ خود از اصلاح خویش

غافلند این خلق از خود ای پدر لاجرم گویند عیب همدیگر
 من نبینم روی خود را ای شمن من ببینم روی تو تو روی من
 آن کسی که او ببیند روی خویش نور او از نور خلقان است بیش
 گر بمیرد دید او باقی بود زانکه دیدش دید خلاق بود»

«مولانا: دفتر دوم / ۹۵۵-۹۵۱»

عیب‌جویی به‌عنوان تمرکز بر نقص‌های دیگران، در هر دو اثر به‌عنوان مانعی برای پویایی اخلاقی و رشد فردی بررسی شده است. در دَمَآپادا، این رذیله باعث می‌شود که فرد به جای اصلاح خود، خود را درگیر مقایسه با دیگران کند. این رفتار نادرست نه تنها از خودشناسی جلوگیری می‌کند، بلکه به‌طور مستقیم به افزایش کینه و دشمنی در جامعه منجر می‌شود. در مثنوی معنوی، مولانا به‌طور ضمنی به این نکته اشاره می‌کند که عیب‌جویی به‌عنوان نوعی بیماری روانی، فرد را از نظر درونی ضعیف کرده و باعث انحراف از هدف‌های عالی انسانی می‌شود. در هر دو اثر، این رذیله به‌عنوان نوعی غفلت از خود و فرار از مسئولیت فردی معرفی می‌شود. در دنیای امروز، این تحلیل می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای افراد باشد تا به جای تمرکز بر ایرادات دیگران، به اصلاح درونی خود بپردازند.

- حرص

«مَثَلُ الْخَرِیصِ عَلَى الدُّنْیَا مَثَلُ دُودَةِ الْقَرِّ ؛ كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْقَرِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا. حَرِیصٌ بِر دُنْیَا مَانِدٌ کَرَمِ اِبْرِیْشَمِ اَسْتُ. هَر چِه بَیْشْتَر بِر گَرْدِ خُودِ مِی‌پِیچَد رَاہِ بَیْرُونِ شَدْنِش دُورْتَر وَ بَستَه‌تَر مِی‌شُود تَا از غَصَه بَمِیرَد.» (بحارالانوار: ۲۳/۷۳)

«بالاترین بلا، حرص است

و بالاترین درد

آن کس که این راه، چنانکه باید دانست

(برایش) بالاترین شادکامی نیروانا است.» (دَمَآپادا: ۸۵)

«حرص به معنای آزور شدن، ولع، ولوع، طمع، طماع، شره، آزمند شدن، حریصی کردن، آزور کردن، میل شدید به چیزی، آزوری، آزمندی، زیادت جویی و حریصی (اصطلاح تصوف). نزد سالکان ضد قناعت است و آن خواستار شدن زوال نعمت غیر باشد.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه حرص)

«[حرص] حالت و صفتی نفسانی است که انسان را به جمع‌آوری آنچه نیاز ندارد برمی‌انگیزد، بدون آنکه به حد و مقدار معینی اکتفا کند. و آن نیرومندترین شاخه‌های دوستی دنیا و مشهورترین انواع آن است و شکی نیست که خلق و خوی هلاک‌آور و صفتی گمراه‌کننده است،

بلکه بیابانی است تاریک و بیکران و درّه‌ای بس عمیق که ژرفای آن ناپیداست. هر که در آن گرفتار آمد گمراه و نابود شد و هر که در آن افتاد به هلاکت رسید و بازنگشت». (مجتبوی، ۱۳۸۱، ۱۳۷/۲)

«گر نبودی شب همه خلقتان ز آز
خویشتن را سوختندی ز اهتزاز
از هوس وز حرص سود اندوختن
هر کسی دادی بدن را سوختن
شب پدید آید چو گنج رحمتی
تا رهند از حرص خود یک ساعتی»

«مولانا: دفتر سوم/۴۰۳۶-۴۰۳۴»

حرص به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع رهایی معنوی و آرامش روحی در هر دو اثر به‌طور ویژه مطرح شده است. در دُمآپادا، حرص به عنوان وابستگی به مادیات و افزایش خواسته‌های بی‌پایان، عامل اصلی در ایجاد رنج و ناکامی انسان در دستیابی به نیروانا است. در مثنوی، مولانا حرص را به عنوان عاملی درونی می‌بیند که انسان را از درک حقیقت و نزدیک شدن به خداوند باز می‌دارد. از دیدگاه فلسفی، حرص به عنوان نماینده‌ای از بی‌قراری روانی و نارضایتی دائمی در نظر گرفته می‌شود. هر دو اثر بر این تأکید دارند که فرد باید وابستگی به مادیات را کنار بگذارد تا به رشد معنوی و آرامش حقیقی دست یابد.

- دروغ

«أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَخْصُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ. آگاه باشید آیین پاک از آن خداست و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته اند [به این بهانه که] ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند نمی‌پرستیم البته خدا میان آنان در باره آنچه که بر سر آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد در حقیقت خدا آن کسی را که دروغ‌پرداز ناسپاس است هدایت نمی‌کند». (زمر/۳)

دروغگو به دوزخ می‌رود

و آن کس که کاری کرد و منکر شد

هر دو یکسانند در آن دنیا

و هر دو پست کارند». (دُمآپادا: ۱۱۵)

دروغ همواره امری ناپسند و نکوهیده بوده و به عنوان یکی از بدترین رذایل اخلاقی شناخته شده است.

«ایران زمین، نخستین فرهنگی است که مفهوم دروغ را همچون تهدیدی فراگیر و جهان شمول مورد توجه قرار داد. کهن‌ترین متن‌هایی که کلمه دروغ را همچون کلید واژه‌ای عام و

اخلاقی در زمینه‌ای دینی به کار می‌گیرد، در اوایل هزاره دوم و اواخر هزاره سوم پ.م در ایران شرقی پدید آمدند و نخستین متونی که این کلید واژه را به جایگاهی سیاسی و قدرت مدار برکشیدند، در ایران غربی و عصر زمامداری هخامنشیان نبشته شدند». (وکیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۴)

«دروغ، واژه‌ای است اوستایی که به همین شکل در سایر زبان‌های ایرانی شرقی نیز رواج داشته است. ریشه اصلی آن در زبان هند و اروپایی dhrougho بوده است که از آن اسم dhruh به معنای آسیب، زیان و پیامد زیان با رفتاری ارادی ساخته شده است». (کنت، ۱۳۸۴: ۶۲۲)

این امر در اسلام - والاترین آیین و دین برای انسان‌ها - هم بسیار مورد توجه بوده و دین مقدس اسلام همواره این امر را مورد نکوهش قرار داده و انسان را از انجام این عمل برحذر می‌دارد.

داد سوی راستی می‌خواندت	«گفت غیر راستی نرهاندت
مکر نشاند غبار جنگ من	راست گو تا وارهی از چنگ من
ای خیال اندیش پر اندیشه‌ها	گفت چون دانی دروغ و راست را
قلب و نیکو را محک بنهاده است	گفت پیغمبر نشانی داده است
گفت الصِّدْقُ طُمَأْنِینٌ طَرُوبٌ	گفته است اَلْكَذِبُ رِیْبٌ فِی الْقُلُوبِ
آب و روغن هیچ نفروزد فروغ»	دل نیارامد ز گفتار دروغ

«مولانا: دفتر دوم / ۲۹۸۱-۲۹۷۶»

دروغ به عنوان یکی از بدترین رذایل اخلاقی، در هر دو اثر به طور قوی مورد انتقاد قرار گرفته است. در دژمادابا، دروغ به عنوان آلودگی فکری و دست‌کاری حقیقت شناخته می‌شود که به فساد روابط اجتماعی و معنوی می‌انجامد. در مثنوی، مولانا دروغ را به عنوان سمی برای روح توصیف می‌کند که فرد را از نور حقیقت دور کرده و به دنیای توهّمات و ظواهر می‌برد. این رذیله به طور خاص به عنوان عاملی برای تخریب اعتماد و تضعیف انسجام اجتماعی شناخته می‌شود. در هر دو اثر، تأکید می‌شود که صداقت و راست‌گویی تنها راه برای رسیدن به حقیقت و کمال معنوی است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به مقایسه آموزه‌های اخلاقی دماپادا با اندیشه مولانا جلال‌الدین رومی در رابطه با آموزه‌های اخلاقی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که به رغم تفاوت‌های فرهنگی و دینی، بر اهمیت فضایل اخلاقی و دوری از رذایل تأکید شده است. در دماپادا، آموزه‌های بودا به عنوان راهنمایی برای رسیدن به نیکبختی و رهایی از چرخه مرگ و تولد مطرح شده‌اند. این آموزه‌ها بر آرامش درونی، محبت به دیگران و دوری از خشونت و ناپاکی تأکید دارند در اثر بزرگ مولانا (مثنوی معنوی) و دیگر آثار او نیز، مولانا با استفاده از داستان و حکایات و... به تبیین ارزش‌های اخلاقی می‌پردازد و به انسان توصیه می‌کند با عشق و محبت به خدا و خلق خدا، به سعادت حقیقی دست یابند.

مقایسه تطبیقی این موارد نشان می‌دهد که به رغم تفاوت‌های ظاهری موجود در بین آنها، در هدف نهایی خود که هدایت انسان به سوی کمال و سعادت است، اشتراکات بسیاری وجود دارد و آموزه‌های اخلاقی در هر دو مورد به عنوان ابزاری برای تقویت روح و پرهیز از سقوط اخلاقی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و هر دو به دنبال ایجاد جامعه‌ای انسانی و اخلاق مدار هستند. این بررسی نشان می‌دهد که مطالعه تطبیقی آموزه‌های اخلاقی در متون دینی و ادبی می‌تواند به فهم بهتر ارزش‌های مشترک انسانی و ارتقاء فرهنگ اخلاقی جوامع کمک کند. این پژوهش می‌تواند پایه‌ای برای مطالعات بیشتر در زمینه تطبیق آموزه‌های اخلاقی در ادیان و فرهنگ‌های مختلف باشد و نشان دهد که چگونه می‌توان از تجربیات مشترک برای ارتقاء سطح اخلاقی و معنوی افراد بهره برد.

به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که بررسی آموزه‌های اخلاقی در آثار ادبی و دینی مختلف نه تنها به فهم بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی کمک می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌های اخلاقی جهانی می‌توانند به عنوان پلی برای ارتقاء تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز بین انسان‌ها کمک کنند.

جدول مقایسه‌ای علمی

ویژگی‌ها/ معیارها	دماپادا	مثنوی معنوی
فضایل اخلاقی اصلی	صداقت، تهذیب نفس، پرهیز از خشم و کینه، کنترل ذهن	صداقت، خودشناسی، تهذیب نفس، عشق الهی و رهایی از تعلقات دنیوی
رذایل اخلاقی اصلی	دروغ، خشم، جاه‌طلبی، وابستگی به دنیای مادی	دروغ، خودخواهی، وابستگی به جهان مادی، عدم آگاهی از حقیقت

ویژگی‌ها / معیارها	دین‌آباد	مثنوی معنوی
نقش زبان شعری	تقویت تهذیب نفس، آرامش ذهنی، رهایی از رنج، ترویج فضایل اخلاقی	وسيله‌ای برای تقویت خودشناسی، تحریک به عشق الهی و کمال معنوی
پیام اخلاقی کلی	رهایی از رنج از طریق کنترل ذهن و تهذیب نفس	رشد روحی و معنوی از طریق عشق الهی، تهذیب نفس و دوری از ردایل
شیوه‌های زبان شعری	نظم، آهنگین و ساده با استفاده از تکرار برای یادآوری اصول اخلاقی	استعاره، تمثیل و گاهی اوقات پیچیدگی معنایی در ترسیم مفاهیم اخلاقی و عرفانی
نتیجه اخلاقی	پرهیز از ردایل و تحقق فضایل برای رسیدن به آرامش و رهایی	تحول روحی و اخلاقی از طریق عشق و تهذیب نفس برای رسیدن به کمال معنوی
اثر بر جامعه	تأثیر در پرهیز از خشونت و ارتقای اخلاق فردی و اجتماعی	تأثیر عمیق بر رشد معنوی فردی و اخلاقی در سطوح فردی و اجتماعی

فهرست منابع

کتاب

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه (۱۳۸۹)، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، تهران، انتشارات مبین اندیشه.
- ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۴۶). شرح غررالحکم و دررالکلم، با مقدمه میر جلال‌الدین حسینی ارموی، جزء اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۳). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چاپ چهاردهم، تهران، شمیم کوثر.
- ۵- امینی، ابراهیم (۱۳۵۹). آیین تربیت، تهران، اسلامی.
- ۶- انیل، هلن (۱۳۸۳). کنترل و مهار خشم، ترجمه اکبر فرشیدنژاد و سینا حکیمیان، اصفهان، فرهنگ مردم.
- ۷- پناهی، مهین (۱۳۷۸) اخلاق عارفان، تهران، روزنه، چاپ اول.
- ۸- حر عاملی، محمد بن الحسین (۱۳۹۶ق). وسائل الشیعه. تهران، مکتبه الاسلامیه.
- ۹- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۷۳) شرح غررالحکم و دررالکلم، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، چاپ سوم. تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران.
- ۱۱- ریعان، معصومه (۱۳۷۹) بررسی سیمای قرآن در اندیشه حضرت امام خمینی^(ه)، تهران، انتشارات پیام آزادی.
- ۱۲- سلیمی، علی؛ داوری، محمد؛ ابوترابی، محمود (۱۳۸۸) همنشینی و کج‌روی؛ نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی، تهران، نشر شهر تهران.
- ۱۳- شیرازی، قطب‌الدین (۱۳۶۹) ذه‌ی‌التاج، به اهتمام ماهدخت بانو همایی، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۴- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۹) المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، چاپ پنجم.
- ۱۵- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳). اخلاق ناصری به تنقیح و تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات، خوارزمی، چاپ پنجم.
- ۱۶- علوی، رضا (۱۳۸۰) راه حق: دمایادا: متن بودایی، تهران، نشر و پژوهش فروزان روز.

- ۱۷- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۷۶). کلیات شمس تبریزی، موسسه انتشارات امیرکبیر تهران، چاپ چهاردهم.
- ۱۸- قمی، عباس (۱۳۷۴) سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. دوره نه جلدی، تهران، فراهانی، چاپ اول.
- ۱۹- کنت، رولاند، گ (۱۳۸۴) فارسی باستان، ترجمه سعید عربیان، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- ۲۰- مجتبی، سید جلال الدین (۱۳۸۱). علم اخلاق اسلامی، ترجمه کتاب جامع السعادات، تهران، انتشارات حکمت.
- ۲۱- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴). بحار الانوار، چاپ پنجم، تهران، کتابچی.
- ۲۲- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳) به سوی او، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم.
- ۲۳- معین، محمد (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی، چاپ بیست و ششم، تهران: امیرکبیر.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). پیام امیرالمؤمنین، جلد ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۵- _____ (۱۳۸۹) اخلاق در قرآن، قم، دوره ۳ جلدی، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ ۶.
- ۲۶- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۸۵)، مثنوی معنوی، تصحیح و تشیحه محمد روشن، دوره ۲ جلدی، تهران، دنیای نو.

مجله

- ۱- بصیری، محمدصادق؛ حسینی بی بی حیاتی (۱۳۹۵) آفت زبان از نظر لفظ و معنا در مثنوی مولوی و احیاء علوم الدین غزالی. نشریه ادبیات تطبیقی، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۸، شماره ۱۴.
- ۲- حسینی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۶) عوامل تهذیب نفس در نگاه ملاصدرا، دو فصلنامه علمی و پژوهشی حکمت صدرایی، سال ۶، شماره ۱.
- ۳- حیدر پور، زهرا؛ نصر اصفهانی، زهرا؛ مسجدی، حسین (۱۳۹۶) بررسی آموزه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی، فصلنامه علمی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سال ۹، شماره ۳۱.
- ۴- شکوهی یکتا، محسن؛ فقیهی، علی نقی؛ زمانی، نیره؛ پرند، اکرم (۱۳۸۸) مدیریت خشم براساس آموزه‌های اسلامی و روان‌شناسی نوین، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۳، شماره ۵.

- ۵- عبدالهی پور، جواد (۱۳۸۶) عیب پوشی یا عیب جویی، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند، شماره ۳۲۱.
- ۶- متولی زاده نایینی، نفیسه (۱۳۹۲) نظریه همشینی افتراقی با نگاه به آیات قرآن و روایات، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۳، شماره ۲.
- ۷- معالی، سید بابک؛ فرزاد، عبدالحسین؛ شعبانلو، علیرضا؛ ایشانی، طاهره (۱۳۹۹) تحلیل جنبه‌های ریاضی و ریاستیزی در آثار سنایی و عطار، رساله دکتری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۸- مهدوی راد، محمدعلی؛ صادقی، حسن (۱۳۹۳) تحلیل تعامل علم و عمل در مدیریت اسلامی از دیدگاه قرآن و حدیث، مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۱.
- ۹- مهرآوران، محمود؛ رضایی، احمد (۱۳۹۶) جایگاه زبان و سخن اخلاقی در ادبیات فارسی، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، سال ۱۰، شماره ۳۶.
- ۱۰- ورمزیار، محسن؛ احتشامی، علی حسین؛ خوشخویی، منصور (۱۴۰۰) نقش آسیب‌های دنیاگرایی در تربیت معنوی از دیدگاه نهج‌البلاغه، فصلنامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، سال ۹، شماره ۳۴.
- ۱۱- وکیلی، شروین (۱۳۸۹) مفهوم دروغ در ایران باستان، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۶، شماره ۲۰.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۷ - ۱۲۵

ارائه مدل پیشگیری از تخلفات اخلاقی در حسابداری با استفاده از تکنولوژی های مدرن

رامین فتح اله زاده دیزجی^۱حیدر محمدزاده سالطه^۲مهدی زینالی^۳

چکیده

نقض موازین اخلاقی در حسابداری می‌تواند منجر به فساد اخلاقی منجر شود و اثرات منفی زیادی بر فرآیندهای مالی، شفافیت و اعتبار سازمان‌ها داشته باشد. تخلفات اخلاقی در این زمینه به معنای رفتارهایی است که با اصول و استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی حسابداری مغایرت دارند، مانند دستکاری در گزارش‌های مالی، فرار مالیاتی، فساد در ارائه اطلاعات نادرست به ذینفعان و استفاده از اطلاعات مالی برای منافع شخصی. از اینرو پژوهش حاضر به دنبال ارائه مدلی برای پیشگیری از تخلفات اخلاقی در حسابداری با استفاده از تکنولوژی های مدرن می باشد. روش پژوهش از نوع آمیخته و در دو بخش کمی و کیفی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی خبرگان مالی و روانشناسی و حسابداری می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی و نقطه اشباع نظری ۱۱ نفر انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری بخش کیفی اطلاعات مصاحبه نیمه ساختار یافته برگرفته از مبانی نظری می‌باشد. شیوه تجزیه و تحلیل این بخش با استفاده از روش تحلیل مضمون می‌باشد. در بخش کمی پژوهش با استفاده از ابزار پرسش نامه محقق ساخته برگرفته از الگوی کیفی پژوهش بعد از تایید روایی و پایایی در جامعه آماری که شامل مدیران مالی در شرکت های بورسی می باشد، تعداد نمونه آماری براساس نمونه‌گیری طبقه ای ۲۱۳ نفر برآورد گردید و پرسشنامه توزیع شد. پیشران ها شامل تحولات فناوری، تقاضای اجتماعی، مقررات قانونی، افزایش رقابت، فشار سازمانی و جهانی‌سازی می باشد. راهبردها شامل پیاده‌سازی فناوری بلاکچین، استفاده از تحلیل‌های پیش‌بینانه، آموزش مستمر کارکنان، ایجاد سیستم هشداردهنده، طراحی داشبوردهای نظارتی و تشویق فرهنگ اخلاقی می باشد. راهبردهای مدل شامل فقدان نظارت کافی، ضعف در قوانین داخلی، طمع مالی، فشار زمانی، عدم آموزش کافی و ضعف در فناوری‌های موجود می باشد. پیامدها شامل افزایش اعتماد عمومی، کاهش جرایم مالی، بهبود شهرت سازمان، کاهش هزینه‌های قانونی، ارتقاء کارایی فرآیندها و افزایش شفافیت مالی می باشد. در بخش کمی مسیرها و روابط علی بین سازه‌های بیرونی و داخلی در مدل ساختاری با روش تحلیل عاملی تاییدی مورد تایید قرار گرفت.

واژگان کلیدی

اخلاق حسابداری، تخلفات اخلاقی، هوش مصنوعی، فساد اخلاقی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران.

Email: Raminfatollahzadeh64@gmail.com

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرند، ایران.

Email: Salteh2008@gmail.com

(نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران.

Email: dr.zeynali@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۳۰

طرح مسأله

حسابداری، حرفه‌ای است که برای کمک به افراد در ردیابی اثر معاملات اقتصادی آنها تدوین شده است. هدف اصلی و اساسی آن ارائه اطلاعات درباره امور اقتصادی یک شخص یا سازمان در قالب صورت‌ها و گزارش‌های مالی است. این اطلاعات جهت تصمیم‌گیری مدیران، مالکان، دولت، اتحادیه‌ها، اعتباردهندگان، عرضه‌کنندگان کالا و کارکنان شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این جهت برجستگی متمایز حرفه‌ی حسابداری، پذیرش مسئولیت نسبت به عموم است. از این رو، شاغلین در این حرفه باید در بالاترین سطح ممکن و با رعایت اصول و ضوابطی عمل کنند که تداوم این خدمات را با کیفیت مناسب تضمین کنند (آفه^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). از طرفی استفاده‌کنندگان از خدمات حسابداری به ویژه تصمیم‌گیرندگانی که از صورت‌های مالی استفاده می‌کنند، انتظار دارند که اطلاعات ارائه شده به طور قابل توجهی کارآمد، قابل اتکا، واقعی و بی‌غرضانه باشد. بنابراین، کسانی که در رشته حسابداری فعالیت می‌کنند علاوه بر صلاحیت حرفه‌ای، باید از درجه‌ی بالایی از صداقت و درست‌کاری حرفه‌ای نیز برخوردار باشند (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۹).

جدایی مدیریت از مالکیت حسابداران را در جایگاهی نشانده که تزلزل اخلاقی و یا حتی شبهه نسبت به رفتار آنها نه تنها بازارهای سرمایه را آشفته می‌سازد، بلکه با ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به درست‌کاری مدیران، فعالیت‌های مدیریت را نیز محدود می‌کند (لاتان^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). از این رو طی سنوات اخیر حرفه‌ی حسابداری به سمت وضع مقررات محدود‌کننده‌تر مانند آئین رفتار حرفه‌ای حسابداران رسمی و یا قانون ساربینز اکسلی پیش رفته است، اما گویا آئین رفتار حرفه‌ای به تنهایی نمی‌تواند مشکلات موجود را حل کند و همچنان رسوایی‌های حرفه‌ی حسابداری در گوشه و کنار جهان به وقوع می‌پیوندد و تخطی حسابداران از اخلاق حرفه‌ای بارها به بروز بحران‌های اقتصادی و رسوایی‌های مالی انجامیده است (اکبرلو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱).

توسعه فناوری‌های مدرن در حسابداری می‌تواند به شکل موثری به کاهش تخلفات اخلاقی و افزایش شفافیت کمک کند. فناوری بلاک‌چین، با ارائه یک بستر غیرقابل تغییر و شفاف برای ثبت تراکنش‌ها، امکان دستکاری داده‌ها را به حداقل می‌رساند (پنگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). این ویژگی به ویژه در حمل و نقل زنجیره تأمین و معاملات مالی بزرگ مؤثر است، زیرا هر مرحله از

1. Afe
2. Latan
3. Akbarlou
4. Peng

تراکنش را می‌توان به‌طور دقیق ردیابی و پیگیری کرد (فلوپ^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). هوش مصنوعی و یادگیری ماشین نیز ابزارهای قدرتمندی برای تحلیل حجم وسیعی از داده‌ها هستند و می‌توانند الگوهای مشکوک را شناسایی کرده و رفتار غیرعادی را به سرعت گزارش دهند (ججنیوا^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). این امر به حساب‌رسان کمک می‌کند تا به جای تحلیل دستی اطلاعات، بر تحلیل‌های پیچیده‌تر و عمل‌محور تمرکز کنند و از طرف دیگر، امکان پیش‌بینی مشکلات مالی آینده و شناسایی زود هنگام ریسک‌های بالقوه را فراهم می‌کند (هان^۳ و همکاران، ۲۰۲۳).

سیستم‌های احراز هویت پیشرفته، مانند شناسایی بیومتریک، اطمینان از اینکه تنها افراد مجاز به اطلاعات حساس دسترسی دارند را تقویت می‌کنند. این سیستم‌ها با کاهش احتمال دسترسی غیرمجاز (بیربام^۴، ۲۰۲۳)، بهبود کلی امنیت شبکه‌ها و سیستم‌های مالی (گرینمن^۵ و همکاران، ۲۰۲۴) را به دنبال دارند. علاوه بر این، استفاده از نرم‌افزارهای پیشرفته برای حسابرسی و تحلیل داده‌ها امکان بررسی‌ها و تطابق‌های سریع‌تری را فراهم می‌کند و خطاهای انسانی را کاهش می‌دهد (سوپردادی^۶، ۲۰۲۴). این نرم‌افزارها می‌توانند بر اساس الگوریتم‌های پیچیده، هرگونه تخلف یا اشتباهات عمدی در گزارش‌های مالی را فوراً شناسایی کنند. در عین حال، تربیت نیروی انسانی با تاکید بر اهمیت رعایت اخلاق حرفه‌ای و ایجاد فرهنگ شفافیت در محیط‌های کاری نیز بسیار ضروری است (لهنر^۷ و همکاران، ۲۰۲۲). آموزش‌های مستمر و ایجاد فضایی که در آن کارکنان به گزارش مشکلات و نگرانی‌های خود احساس امنیت بدهند، می‌تواند کمک شایانی در جلوگیری از تخلفات اخلاقی داشته باشد (اودونکور^۸ و همکاران، ۲۰۲۴).

بر این اساس، ارائه مدلی پیشگیرانه که شامل ترکیبی از تکنولوژی، آموزش، نظارت قانونی و فرهنگی سازمانی باشد، بهترین نتایج را در پیشگیری و مدیریت تخلفات اخلاقی در حسابداری به ارمغان می‌آورد. این رهیافت نه تنها به محافظت از منافع ذینفعان کمک می‌کند، بلکه اعتماد عمومی را نیز تقویت کرده و ضمن بهبود اعتبار حرفه‌ای، به توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود.

-
1. Fülöp
 2. Jejenywa
 3. Han
 4. Beerbaum
 5. Greenman
 6. Supriadi
 7. Lehner
 8. Odonkor

۱. مبانی نظری و تجربی پژوهش

۱-۱. تعریف اخلاق

کلمه اخلاق در اصطلاح اخلاق کسب و کار از کلمه ی یونانی اتوس به معنی سیرت و عادت و سجه آمده است. از این رو دانش بررسی و ارزشگذاری برخوردها و رفتارهای آدمی، علم اخلاق نامیده می شود (ایمانی، ۱۳۹۶). اخلاق، مفاهیمی چون: اعتماد، صداقت، درستی، وفای به عهد نسبت به دیگران، عدالت و مساوات و فضائل شهروندی و خدمت به جامعه را در بر می گیرد. اخلاق در معنی، تشخیص درست از نا درست و خوب از بد، همیشه موضوع مورد بحث فلاسفه بوده، آن‌ها به عنوان یکی از شاخه های فلسفه، در مورد آن سخن گفته اند. به علاوه برخی مانند هایک اخلاق را تمدن ساز به شمار می آورند. بیشتر استانداردها و قواعد اخلاقی در یک فرهنگ نسبت به فرهنگ های دیگر و در زمان های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؛ به عبارت دیگر نسبیت گرایی اخلاقی باعث می شود آنچه که در یک جامعه، عملی درست نامیده می شود در فرهنگ یا جامعه ای دیگر نادرست تلقی شود و میزان ابهام و بعضاً تعارض در ارزش‌ها افزایش یابد (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۲). قلمرو اخلاق از جمله مهم ترین و پویاترین حوزه های فلسفی در روزگار معاصر است و این اهمیت بیش از همه، از فراگیری و عمومیت آن ناشی می شود. برخی اخلاق را از مقوله عبادت و پرستش می دانند و تأکید دارند انسان به همان میزان که خدا را ناآگاهانه پرستش می کند، ناآگاهانه هم از یک سلسله قوانین الهی که در فطرت انسانی است، پیروی می کند. لذا رسالت پیامبران الهی تبدیل این عبادت ناآگاهانه به یک امر آگاهانه است. رهاورد این کوشش آن است که تمام کارهای انسان می شود اخلاقی؛ چون تمام کارها بر اساس تکلیف و رضای خدا تنظیم شده است (دوستی و همکاران، ۱۴۰۲).

۱-۲. علم اخلاق

بازکاوی ویژگی های و مؤلفه های موضوع علم اخلاق، یعنی کنش های اختیاری و صفات اکتسابی، نه تنها برای فهم بهتر این دانش ضروری است، بلکه در فهم روش استنباط حکم اخلاقی نیز نقش آفرین است. با روش تحلیلی و عقلی، هفت ویژگی را برای علم اخلاق می توان برشمرد که عبارتند از: جزء فعالیت های انسانی بودن، آگاهانه بودن، ارادی و اختیاری بودن، انتزاعی بودن، هدفدار بودن، پیچیده و چندلایه بودن، وابسته بودن به جهان بینی و انسانشناسی کنشگر. برای کشف حقیقت ارزشهای اخلاقی لازم است از روشهای گوناگون دستیابی به حقیقت، به ویژه وحی و متون دینی، بهره بگیریم و خود را از هیچ یک محروم نکنیم (عبداللهی و عبداللهی، ۱۴۰۲).

دو رویکرد یا دیدگاه عمده درباره موضوع علم اخلاق وجود دارد: یکی دیدگاهی که موضوع

اخلاق را «ملکات نفسانی یا حالات درونی»، می‌داند. در این رویکرد، بر اساس نظام ارسطویی طبقه‌بندی علوم، علم اخلاق در عرض «تدبیر منزل» و «سیاست مدن» و درباره مسائل فردی است و کار ویژه اصلی آن، تحلیل ملکات نفسانی یا صفات راسخ در نفس، از حیث فضیلت یا رذیلت است. این تعریف تا دوران معاصر مقبول بود؛ اما رویکرد دوم که بیشتر نویسندگان معاصر نیز آن را پذیرفته‌اند، موضوع علم اخلاق را افزون بر صفات اکتسابی (راسخ یا غیر راسخ)، شامل کنش‌های اختیاری نیز می‌داند. براین اساس، موضوع علم اخلاق «کنش‌های اختیاری انسان و صفات اکتسابی او (راسخ یا غیر راسخ) است» (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۲).

۱-۳. ضرورت اخلاق و آیین رفتار حرفه ای

موضوع گنجاندن اصول اخلاقی در برنامه های درسی حسابداری بعد از سال ۱۹۸۶ توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. در آن سال کمیته ی برنامه های آتی انجمن حسابداری آمریکا (A. A. A. A) درباره ی محتوا و محدوده ی آموزش حسابداری گزارشی را منتشر کرد که بیان می کرد «آموزش حرفه ای حسابداری نباید تنها بر مهارت های مورد نیاز و دانش مربوطه تأکید کند بلکه همچنین باید به استانداردهای اصول اخلاقی و تعهدات و الزامات حرفه نیز توجه داشته باشد» (ابولحسنی و قبادی، ۱۴۰۰).

نیاز به آموزش اخلاق و آیین رفتار حرفه ای به عنوان بخشی از برنامه های آموزشی برای اعضاء حرفه، واحدهای تجاری و مؤسسات مالی و اعتباری که با مسأله گزارشگری مالی متقلبانه مواجهند، آشکار است و از طرف دیگر، پژوهش های انجام شده نشان می دهند که وجود سه عامل بنیادی زیر در کنار هم موجب تشکیل، رشد و گسترش حرفه‌ها از جمله حرفه ی حسابداری (به معنی عام) می شود که اخلاق و آیین رفتار حسابداری از نقش کلیدی برخوردار می باشد؛ این سه عامل عبارتند از:

(۱) فلسفه، مبانی نظری، اصول و استاندارد های حرفه ای

(۲) تشکل حرفه ای فراگیر

(۳) آیین رفتار حرفه ای

با وجود سه عامل پیش گفته شده در کنار هم حرفه به قدرت لازم برای استمرار فعالیت حرفه ای دست می یابد و اعتبار و ریشه ای عمیق در جامعه خواهد داشت و با تغییرات محیطی دستخوش تغییرات شدید نمی شود و حذف نخواهد شد. برای تشریح و تبیین چیستی و چرایی یک حرفه و برای کسب شناخت و تشریح پدیده های موجود و پیش بینی پدیده های مشابه حرفه‌ای، وجود عامل اول ضروری است؛ بنابراین ایده‌ها و عقاید ظاهراً مستقل و جدا از هم در یک مجموعه ی مرتبط و متصل به هم همچون پیکره ی یک دانش در قالب تئوری ارائه

می‌شود. با مشاهده‌های تجربی آزمون‌های لازم و استدلال منطقی پدیده‌ها با تئوری مطرح شده تطبیق داده می‌شود تا قدرت آن سنجیده شود. جانسون^۱ (۱۹۷۶) و بلس‌تین^۲ (۱۹۷۱) بر این باورند که دستیابی به تئوری، یکی از ویژگی‌های هر فعالیت حرفه‌ای است. هاینز^۳ مدعی است «با ادعای دستیابی به پیکره‌ی چنین دانشی یک حرفه می‌تواند ماندگار شود و توسعه یابد» (تقی زاده و زینلی،^۴ ۲۰۱۷).

صرف نظر از ضرورت وجود دو عامل اول، عامل سوم یا آیین رفتار حرفه‌ای و پابندی به آن عامل بنیادی بسیار با اهمیتی است که دوام و بقا حرفه بسیار به آن وابسته است و جامعه بیشتر به این عامل توجه ویژه دارد.

۱-۴. سطوح اخلاقیات

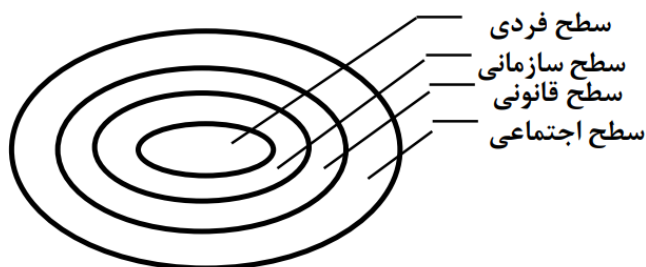
شفریتز^۵ در مقاله‌ی خود بیان کرده در یک دسته بندی، چهار سطح اخلاقیات مطرح شده که عبارت است از:

(۱) **سطح اجتماعی:** بزرگ‌ترین بخش تأثیرگذار بر رفتارهای اخلاقی است که برگرفته از جامعه می‌باشد.

(۲) **سطح قانونی:** بخش عظیمی از هر آنچه که به عنوان اخلاق تفسیر می‌شود برگرفته از قانون است.

(۳) **سطح سازمانی:** هر سازمان با اتکاء به کارکنان می‌تواند دستورالعمل‌های خود را اخلاقی انجام دهد.

(۴) **سطح فردی:** که ناشی از نیازها، اندیشه‌ها و نگرش‌های متفاوت است (شفریتز، ۱۳۸۷).



شکل ۱. سطوح رفتارهای اخلاقی

1. Johnson
2. Belestin
3. Heinz
4. Taghizadeh Khanqah
5. Shafritz

در مدیریت دولتی سلسله مراتبی از سطوح اخلاقیات وجود دارد که هر یک از آنها مجموعه‌ای از مسئولیت های خاص خود را دارند. در این دسته بندی شفریتز سطوح اخلاقیات را در چهار سطح بیان می دارد که عبارتند از:

• **اولین سطح:** اخلاقیات شخصی است که تفکیک درست از غلط بوده و تابعی از گذشته‌ی ماست.

• **دومین سطح:** اخلاق حرفه ای که مجموعه ای از هنجار های حرفه ای است.

• **سومین سطح:** اخلاق سازمانی است که در قالب منشور اخلاقیات بیان می شود و شامل قواعد رفتار اخلاقی رسمی و غیر رسمی سازمانی است.

• **چهارمین سطح:** اخلاق اجتماعی است که در قالب منشور اخلاق قابل بیان است و در برگیرنده ی الزاماتی است که فرد ضمن توجه و حفظ خود به پیشرفتش به پیشرفت جامعه هم توجه دارد. اخلاق اجتماعی تا جایی که جزء قوانین جامعه باشد رسمی و تا جایی که به عنوان بخشی از وجدان اجتماعی افراد باشد غیر رسمی است (فرتوک زاده و جعفری، ۱۴۰۱).

۱-۵. رویکردهای مختلف به اخلاق

انواع نظریات اخلاق هنجاری نظریات مربوط به اخلاق هنجاری در تقسیم اولیه به نظریات ناظر به الزام و ناظر به ارزش تقسیم می‌شود. نظریات ناظر به الزام به دودسته «غایت‌گرایی» و «وظیفه‌گرایی» تقسیم می‌شوند و نظریات ناظر به ارزش، نظریات «فضیلت‌گرا» نامیده می‌شوند. معمولاً در تعاریف رایج، نظریات غایت‌گرا به نظریاتی گفته می‌شود که توجه به غایت و نتایج عمل برای آن‌ها در اولویت قرار دارد و حتی تنها اولویت است. از نظر ایشان، عمل درست، عملی است که موجب بیشترین نتایج خوب نسبت به اعمال جایگزین دیگر باشد؛ اما نظریات وظیفه‌گرا، آنچه برایشان در درجه اول اولویت قرار دارد، انجام وظایف و الزامات خاص اخلاقی است. منبع این الزامات ممکن است منبع الهی و دینی باشد یا عقل انسانی یا چیز دیگر. ما موظف به وظایف و الزاماتی اخلاقی هستیم که نتایج خوب یا بدعمل، یا اصلاً دخالتی در تعیین آن‌ها ندارند و یا فقط یکی از عوامل تعیین‌کننده هستند. یکی از حوزه های مهم و سرنوشت‌ساز حکمی و فکری، حوزه فلسفه اخلاق است. به‌طورمعمول از قدیم، بحث فلسفه اخلاق میان اندیشه‌وران و فیلسوفان مهم، مطرح بوده است (حاتمی حسین آبادی و همکاران، ۱۴۰۲). فلسفه اخلاق شامل دوشاخه و بخش اصلی است:

۱. اخلاق دستوری؛

۲. فرا اخلاق.

– اخلاق دستوری

در این شاخه از اخلاق، ما به طریق عقلانی می‌کوشیم، معیارها و قواعدی را عرضه کنیم که به کمک آنها، اعمال «خوب» و «درست» را از اعمال «بد» و «نادرست» تشخیص دهیم یا به تعبیر دیگر، به طریق عقلانی می‌کوشیم اصولی را کشف کنیم که به ما کمک می‌کند چه کارهایی را باید انجام دهیم و چه کارهایی را نباید انجام دهیم یا چه کارهایی خوب و چه کارهایی بد است؛ بنابراین، آنچه در این حوزه برای فیلسوف اخلاق اهمیت دارد، کشف این نکته است که چرا انسانها بعضی از اعمال را «خوب» و بعضی دیگر را «بد» می‌دانند و چه اعمالی را «باید» و چه اعمالی را «نباید» انجام دهند. بحث در باب صحت و سقم و اتقان این معیارها و قواعد، وظیفه فیلسوف اخلاق است. این شاخه از اخلاق که به آن فلسفه اخلاق نیز گفته می‌شود، سنت اصلی و رایج در حوزه فلسفه اخلاق است که مباحث دوران پیش از سقراط و زمان او و زمان افلاطون و ارسطو و... تا زمان کنونی را در برمی‌گیرد (مرادی و دامغانی، ۱۴۰۲). دیدگاه‌های مربوط به اخلاق دستوری به طور معمول به دو گروه عمده تقسیم می‌شود:

(۱) دیدگاه‌ها و نظریات غایت‌گرایانه^۱

تنها نتایج خوب و بدی که توسط یک عمل ایجاد می‌شود را ملاک درستی و نادرستی آن می‌داند. این نظریه، درستی و نادرستی عمل را مبتنی بر یک ارزش غیراخلاقی (خارج از حوزه اخلاق) که عمل ایجاد می‌کند، می‌داند. نتیجه‌گرایان ابتدا چیزی را به عنوان خوب و ارزش ذاتی در جهان تعیین می‌کند. البته این جنبه اخلاقی نداشته، از منظر غیراخلاقی خوب به حساب می‌آید. سپس عملی را که موجب ایجاد آن خوب می‌گردد به لحاظ اخلاقی درست می‌داند. بنابراین نظریه نتیجه‌گرایی، درست را مبتنی بر خوب می‌سازد. برای مثال، معروفترین شکل نتیجه‌گرایی، سودگرایی اخلاقی جرمی بنتام است که معتقد است تنها خوب بالذات در «لذت جهان» است و عملی درست است که نسبت به هر عمل دیگر بیشترین لذت را ایجاد می‌کند (ایمانی، ۱۳۹۶).

بر اساس نظریه‌های غایت‌گرایانه، ملاک درستی و نادرستی و بایستگی و نبایستگی یک رفتار، همان ارزشهای بیرونی و خارج از حوزه اخلاق است که به وجود می‌آورد؛ بنابراین یک عمل تنها در صورتی صواب است که دست‌کم به اندازه هر بدیل ممکن دیگری، موجب غلبه خیر بر شر شود؛ و یا آنکه مقصود از آن ایجاد غلبه خیر بر شر باشد و تنها در صورتی خطا است که نه موجب غلبه خیر بر شر شود و نه مقصود از آن ایجاد چنین غلبه‌ای باشد. به تعبیر دیگر، غایت‌گرایان برای تشخیص صواب از خطا و درست از نادرست، نتیجه حاصل از کار اختیاری را

مورد لحاظ قرار می دهند. به این صورت که اگر کاری ما را به نتیجه مطلوب برساند و یا دست کم در خدمت وصول به نتیجه و غایت مطلوب باشد خوب است؛ اما اگر ما را از آن نتیجه دور کند، بد دانسته می شود (کحیا و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین باید دانست که غایت گرایان درباره این که باید به دنبال فراهم آوردن خیر چه کسی بود اختلاف نظر دارند و در این رابطه به دودسته کلی تقسیم شده اند: خودگرایان اخلاقی و سودگرایان. بر اساس نظریه خودگرایی اخلاقی، انسان همیشه باید به دنبال انجام کاری باشد که بیشترین خیر را برای خودش به بار آورد. در مقابل، سودگرایی اخلاقی معتقد است که مقصود نهایی عبارت است از بیشترین خیر عمومی. یک عمل تنها در صورتی خوب است که دست کم به اندازه هر بدیل دیگری به غلبه خیر بر شر در کل جهان منجر شود یا احتمالاً منجر شود. البته ممکن است که نظریات غایت گرایانه دیگری نیز وجود داشته باشد که نه خودگرا باشند و نه سودگرا بلکه دیدگاهی بینابین را اتخاذ کنند. مثل نظریاتی که معتقدند کار خوب کاری است که به بیشترین غلبه خیر بر شر برای گروه خاصی مثل ملت، طبقه، خانواده یا نژاد خاصی منجر شود (ایمانی، ۱۳۹۶).

۲) دیدگاه ها و نظریات وظیفه گرایانه^۱

وظیفه گرایی اخلاقی یکی از نظریات عمده در اخلاق هنجاری است که دارای انواع و تقریرهای مختلفی است. عقل گرایی کانت، شهودگرایی دیوید راس، قرارداد گرایی اجتماعی، نظریه امر الهی و اخلاق اگزیستانسیالیستی جزء نظرات وظیفه گرا ذکر می شوند. این تنوع و تکرر در تقریرهای مختلف وظیفه گرایی باعث شده تعریف آن دشوار گردد به طوری که تعریف مورد اتفاقی در مورد آن وجود نداشته باشد. گاه وظیفه گرایی چنان وسیع و گسترده تعریف می شود که شامل برخی نظرات غایت گرا مانند سودگرایی جان استورات میل و جورج مور نیز می شود و گاه چنان مضیق تعریف می گردد که تنها شامل وظیفه گرایی کانت می گردد (بخشی و نمازی اصفهانی، ۱۴۰۲).

نظریات وظیفه گرا نیز در یک تقسیم به دودسته وظیفه گرایی عمل نگر و وظیفه گرایی قاعده نگر تقسیم می شوند. وظیفه گرایان عمل نگر به دنبال این هستند که وظیفه اخلاقی ما را برای هر مورد جزئی و خاص مشخص کنند؛ یعنی می خواهند بدانند که مثلاً آقای زید در فلان موقعیت خاص چه باید بکند یا چه نباید بکند. در مقابل، وظیفه گرایان قاعده نگر بر این باورند که ما قواعدی را برای تشخیص صواب و خطا در اختیار داریم. نظریه امر الهی یا نظریه قائلان به حسن و قبح شرعی و همچنین نظریه اخلاقی کانت از جمله مشهورترین نظریات وظیفه گرای قاعده نگر به حساب می آیند. در این مورد که وظیفه اخلاقی را چه منبعی مشخص می کند،

اختلاف نظر وجود دارد. برخی مانند امیل دورکیم (۱۸۵۸ - ۱۹۱۹ م) عقیده دارند که این وظیفه را جامعه مشخص می‌کند (میری، ۱۴۰۲).

فرا اخلاق -

فرا اخلاق، به تحلیل فلسفی در باب تعابیر اخلاقی، مانند «خوب» و «بد» و «باید» و «نباید» می‌پردازد؛ از این رو، اخلاق، ناظر به اخلاق دستوری و در پی آن است که واژه‌ها و مفاهیمی را که در آن بکار رفته بفهمد. آیا «خوبی» واقعیت خارجی دارد با مفهوم انتزاعی است؟ آیا خوبی چیزی مانند رنگ است که می‌توانیم ببینیم یا چیزی مانند درد است که آن را می‌توانیم احساس کنیم. در سالهای اخیر، به دلیل دلمشغولی فزاینده فلسفه به تحلیل زبان، این شاخه از فلسفه اخلاق، ظهور و بروز بیش‌تری یافته است (ایمانی، ۱۳۹۶). در حوزه فرا اخلاق، نظریات متفاوتی مطرح شده است که این نظریات را می‌توان تحت سه عنوان کلی گنجانند:

(۱) طبیعت‌گرایی اخلاقی^۱

(۲) غیر طبیعت‌گرایی اخلاقی یا شهودگرایی^۲

(۳) غیر شناخت‌گرایی اخلاقی^۳

به نظر می‌رسد بهترین راه برای دسته‌بندی و بررسی نظریات و مکاتب اخلاقی این است که آن‌ها را بر اساس واقع‌گرایی و غیرواقع‌گرایی دسته‌بندی کنیم. به تعبیر دیگر، برخی از مکاتب اخلاقی، احکام و جملات اخلاقی را از سنخ جملات انشائی دانسته و بدین ترتیب آن‌ها را از چرخه احکام و قضایای واقعی که قابلیت صدق و کذب را داشته باشند خارج می‌کنند؛ و برخی دیگر آن‌ها را از سنخ جملات خبری دانسته و آن‌ها را قابل صدق و کذب می‌دانند (جمال پور و مدائن، ۱۴۰۲).

۱-۵. بکارگیری تکنولوژی‌های مدرن برای پیشگیری از تخلفات اخلاقی

حسابداری

برای پیشگیری از تخلفات اخلاقی در حسابداری با استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، می‌توان از ابزارها و روش‌های مختلفی بهره برد که هر کدام با توجه به ویژگی‌های خاص خود نقش مهمی در ارتقاء شفافیت و افزایش امنیت اطلاعات مالی ایفا می‌کنند. در زیر به برخی از این تکنولوژی‌ها و روش‌ها اشاره می‌شود:

1. Ethical Naturalism
2. Ethical non - naturalism or intuitionism
3. Ethical non - cognitivism

۱. بلاک چین

بلاک چین تکنولوژی ای است که می تواند منجر به شفافیت بیشتر در فرآیندهای مالی شود. ویژگی های اصلی بلاک چین شامل ثبات، امنیت و غیرقابل تغییر بودن اطلاعات ثبت شده است. دفتر کل توزیع شده بلاک چین می تواند از تغییر یا حذف اطلاعات مالی جلوگیری کند و فرآیندهای مربوط به تراکنش ها را شفاف تر و ردیابی پذیرتر سازد (بلوسی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

۲. هوش مصنوعی و یادگیری ماشین

هوش مصنوعی و الگوریتم های یادگیری ماشین می توانند برای شناسایی الگوهای رفتاری غیرعادی و کشف تخلفات بالقوه در داده های مالی استفاده شوند. این تکنولوژی ها قادرند حجم زیادی از داده ها را پردازش کرده و ناهنجاری ها و انحراف ها را با سرعت و دقت بیشتری شناسایی کنند. برای مثال، سیستم های پیش بینی تقلب می توانند به تشخیص زودهنگام فعالیت های مشکوک کمک کنند (بیرام، ۲۰۲۳).

۳. نرم افزارهای حسابرسی و تحلیل داده

نرم افزارهای حسابرسی پیشرفته قادرند به صورت خودکار فرآیندهای حسابرسی را انجام داده و نقاط ضعف و خطرات احتمالی را شناسایی کنند. این نرم افزارها با ارائه گزارشات دقیق و زمان بندی شده، می توانند به افزایش دقت و کارایی حسابرسی کمک کنند و خطرات تخلف را کاهش دهند (عزیز^۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

۴. سیستم های امنیت سایبری قوی

استفاده از سیستم های امنیت سایبری قوی می تواند به محافظت از داده های مالی در برابر دسترسی های غیرمجاز و مخرب کمک کند. تکنولوژی های رمزنگاری پیشرفته، فایروال ها، و سیستم های تشخیص و جلوگیری از نفوذ می توانند امنیت اطلاعات حسابداری را تضمین کنند (دمیرکان^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

۵. اتوماسیون فرآیندهای مالی

اتوماسیون فرآیندهای مالی از طریق ربات های نرم افزاری (RPA) می تواند به کاهش خطاهای انسانی و افزایش کارایی فرآیندهای حسابداری منجر شود. این تکنولوژی با اتوماتیک سازی کارهای تکراری و مستعد خطا، کمک می کند که کارکنان حسابداری بتوانند بر

فعالیت‌های استراتژیک و تحلیل‌های سطح بالاتر تمرکز کنند. (پردان^۱ و همکاران، ۲۰۲۳).

پیشینه پژوهش

آذرسعید و رستمی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «هوش مصنوعی و تصمیم‌گیری اخلاقی در حسابداری و حسابرسی: تحلیل چالش‌های مرتبط» اذعان کردند که در کدگذاری موضوعی مقالات انتخاب شده، پنج چالش اخلاقی عمده تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی در حسابداری شناسایی گردید که عبارتند از: بی-طرفی، حریم خصوصی، شفافیت، پاسخگویی و قابل اعتماد بودن. با استفاده از مؤلفه‌های مدل رست برای تصمیم‌گیری اخلاقی به عنوان چارچوبی پایدار برای ساختار مورد بحث، می‌توان چالش‌ها و ارتباط آنها را برای همکاری آینده انسان و ماشین در دفاتر مختلف بین انسان‌ها و هوش مصنوعی، مورد بحث قرار داد.

همتی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر اخلاق و دوره تصدی بر توانایی حسابرس در تشخیص شیوه‌های حساب‌آرایی» اذعان کردند که اخلاق حسابرس بر توانایی حسابرسان در تشخیص شیوه‌های حساب‌آرایی تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد. دوره تصدی حسابرس بر توانایی حسابرسان در تشخیص شیوه‌های حساب‌آرایی تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد و اندازه مؤسسه حسابرسی بر توانایی حسابرسان در تشخیص شیوه‌های حساب‌آرایی تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد.

رضایی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سبک‌های تفکر حسابرسان بر توانایی کشف سوءاستفاده از دارایی‌ها با تبیین نقش میانجی تردید حرفه‌ای» اذعان کردند که سبک‌های تفکر کارکردی (شامل سبک قانونی، قضاوتی و اجرایی)، به‌طور مستقیم بر توانایی کشف سوءاستفاده از دارایی تأثیر مثبت دارد؛ ولی شدت تأثیر سبک تفکر اجرایی (پردازش اطلاعات ساده) ضعیف‌تر از دو سبک تفکر قضائی و قانونی (پردازش اطلاعات پیچیده) است. همچنین تأثیر مثبت سبک‌های تفکر قضاوتی و اجرایی بر توانایی کشف سوءاستفاده از دارایی‌ها با متغیر میانجی تردید -حرفه‌ای معنا-دار است؛ ولی تأثیر مثبت سبک تفکر قانونی بر توانایی کشف سوءاستفاده از دارایی‌ها با متغیر میانجی تردید -حرفه -ای معنا-دار نیست.

رمضان احمدی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مدل‌سازی سازه‌های مؤثر بر اخلاق حرفه‌ای حسابرسی با بکارگیری مدل‌سازی ساختاری - تفسیری از دیدگاه خبرگان حرفه» اذعان کردند که اساسی‌ترین سازه‌های مؤثر بر اخلاق حرفه‌ای حسابرسی سازه رقابت در بازار حسابرسی، نوع و قدرت حاکمیت شرکتی، خصوصی یا غیرخصوصی بودن صاحبکار، اندازه سازمان صاحبکار، عدم مصالحه به دلیل تهدید صاحبکار به برکناری حسابرس، مشکلات مالی

حسابرس و نوسانات اقتصاد از قبیل بالا رفتن نرخ ارز و تورم می باشد. این سازه ها مرتبط با شاخص های محیطی و اقتصادی می باشند.

شوینزر^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان « اخلاق هوش مصنوعی (AI) در حسابداری » اذعان کردند که حسابداران مسئول رعایت استانداردهای اخلاقی و اطمینان از استفاده مسئولانه و اخلاقی از سیستم های هوش مصنوعی هستند. آنها باید از پیامدهای اخلاقی هوش مصنوعی آگاه باشند و دانش و مهارت هایی برای کاهش خطرات اخلاقی داشته باشند. با ایجاد رهنمودهای اخلاقی روشن، ترویج اجرای هوش مصنوعی مسئولانه و توانمندسازی حسابداران با دانش و مهارت های اخلاقی، حرفه حسابداری می تواند ضمن رعایت اصول اخلاقی و حفظ اعتماد عمومی، از پتانسیل هوش مصنوعی بهره ببرد.

احمد^۲ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان « مفاهیم اخلاقی هوش مصنوعی در حسابداری: چارچوبی برای پذیرش مسئولیت پذیر در شرکت های چند ملیتی در اردن » اذعان کردند که نتایج مطالعه کمک قابل توجهی به توسعه یک الگوی زمینه خاص برای اخلاق هوش مصنوعی ارائه می دهد که مفاهیمی مانند شفافیت، انصاف و مسئولیت پذیری را در اولویت قرار می دهد. یافته های این مطالعه برای شرکت های چند ملیتی که در عملیات تجاری در اردن و مناطق مشابه فعالیت می کنند، ارزش قابل توجهی دارد. نتایج، ابزارهای لازم را برای رسیدگی ماهرانه به معضلات اخلاقی که در نتیجه استفاده از هوش مصنوعی در رویه های حسابداری پدید می آیند، در اختیار سازمان ها قرار می دهد.

ژانگ^۳ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان « تاثیر اخلاقی هوش مصنوعی در حسابداری مدیریتی » اذعان کردند که بر اساس ۴۷ مصاحبه انجام شده، امنیت داده ها، حریم خصوصی و سوء استفاده؛ پاسخگویی؛ دسترسی مزایا و چالش ها؛ و شفافیت و اعتماد به هوش مصنوعی یکی از رایج ترین خطرات اخلاقی در توسعه و استفاده از هوش مصنوعی در حسابداری مدیریتی است. تأثیرات اخلاقی منحصربه فرد بر چهار نوع ذینفع شامل توسعه دهندگان، مدیران مسئول پذیرش هوش مصنوعی، حسابداران مدیریتی و تنظیم کننده ها نیز کشف شد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش پژوهش از نوع آمیخته و در دو بخش کمی و کیفی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی ۱۱ نفر از خبرگان دانشگاهی حوزه مالی و حسابداری و روانشناسی و مدیران مالی است که با استفاده از

روش نمونه‌گیری گلوله برفی و نقطه اشباع نظری ۱۱ نفر انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری بخش کیفی اطلاعات مصاحبه نیمه ساختار یافته برگرفته از مبانی نظری است. شیوه تجزیه و تحلیل این بخش با استفاده از تحلیل مضمون و نرم افزار مکس کیودا است. جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی، مدیران مالی شرکت های بورسی می باشد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی در دسترس است که در نهایت ۲۱۳ نفر تعیین شد. در این تحقیق، در مرحله اول از ابزار جمع‌آوری اطلاعات در روش کتابخانه‌ای فیش برداری است. در مرحله بعد که تحقیق وارد مرحله میدانی می‌گردد، از مصاحبه به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده می‌گردد که با توجه به متغیرهای موضوع و رابطه‌ی مؤلفه‌های تحقیق اقدام به جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در تحقیق می‌شود. در مرحله بعد از پرسشنامه به عنوان یکی از متداولترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی، استفاده شد. پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز در خصوص ارزیابی مدل کیفی پژوهش، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته با گویه‌هایی بر مبنای مقوله‌های احصاء شده است. جهت ارزیابی پاسخ های داده شده، گویه‌های این پرسشنامه بر پایه طیف ۵ درجه‌ای لیکرت، از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) طراحی خواهد شد. پرسش‌نامه از دو بخش اصلی تشکیل شده است که بخش اول شامل متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت، سن، مدرک تحصیلی، رشته) و بخش دوم در برگیرنده‌ی گویه‌های مربوط به موضوع اصلی پژوهش است. به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، از روایی صوری با تایید اساتید و خبرگان اطمینان حاصل شد. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه و همسانی درونی سوال‌ها، پرسش‌نامه به صورت تصادفی بر روی نمونه مقدماتی ۲۰ نفر از مدیران اجرا شد. بعد از اجرا و بررسی ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS برای نمونه مقدماتی، میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پژوهش حاضر مساوی ۰.۸۳ می باشد که چون به عدد یک نزدیکتر است می‌توان گفت پرسشنامه از اعتبار بالایی برخوردار است. تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کمی از آمار توصیفی و استنباطی و نرم افزار Amos استفاده شد. برای تجزیه تحلیل بخش کمی از معادلات ساختاری و روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد.

۲. یافته ها

• یافته های بخش کیفی

برای جمع آوری داده برای بخش کیفی با ۱۱ نفر از خبرگان دانشگاهی، متخصصان و مدیران حوزه مالی و حسابداری و... مورد مطالعه مصاحبه شد. مشخصات مصاحبه شوندگان در جدول ۱، ارائه شده است. شایان ذکر است که فرایند مصاحبه در پاییز ۱۴۰۳ انجام شد.

در این قسمت به توصیف مصاحبه شوندگان از لحاظ ویژگی‌های نظیر جنسیت، سن و تحصیلات پرداخته شده است.

جدول ۰۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

خبرگان و اساتید						
تحصیلات		سابقه کار			جنسیت	
دکتری و بالاتر	کارشناسی ارشد	بالای ۲۰	۱۱-۲۰	۵-۱۰	مرد	زن
۱۰	۱	۳	۷	۱	۸	۳
استان تهران						مکان مصاحبه

در این قسمت، مصاحبه شوندگان را بر اساس سطح تحصیلات، سابقه کار و جنسیت طبقه بندی شده اند و فراوانی مربوط به هر دسته به همراه درصد آن نمایش داده می‌شود. بر اساس اطلاعات جدول ۱، بیشتر مصاحبه شوندگان مرد می باشد ۷۳٪ و کمترین زن ۲۷٪ است همچنین به تفکیک سابقه کار افراد ۵-۱۰ سال ۹٪ و ۱۱-۲۰ سال ۶۴٪ و ۲۰ سال به بالا ۲۷٪ را به خود اختصاص داده اند و بر اساس تحصیلات ۹۱٪ دکتری، ۹٪ کارشناسی ارشد را تشکیل می‌دهند.

کدگذاری باز: در این مرحله از پژوهش، مفاهیم و نکات کلیدی بدست آمده در خصوص الگوی متأثر از پیشگیری از تخلفات اخلاقی در حسابداری با استفاده از تکنولوژی های مدرن، از داخل فرآیند مصاحبه فهرست شدند. بدین منظور عبارات، مفاهیم و گویه‌های مستخرج شده از مصاحبه ها، با تحلیل‌های دقیق، یکسان‌سازی (انتخاب واژگان صحیح‌تر، حذف مفاهیم مشترک) انجام و در این بخش ۱۱۵ گویه بدست آمد. مضامین بدست آمده در قالب چک لیستی برای انجام مصاحبه تنظیم و با انجام مصاحبه با خبرگان برخی از گویه‌های بدست آمده حذف و اصلاح شدند.

کدگذاری محوری: پس از تهیه و تنظیم جداول به عنوان بخشی از تحلیل کیفی داده‌های حاصل از انجام مصاحبه، برای تکمیل تحلیل براساس تحلیل مضمون، مفاهیم حاصله در سطح بالاتر و تجربیدی‌تر جهت دستیابی به مقولات، گروه‌بندی شدند. بدین ترتیب پس از مقایسه مداوم پاسخ‌های حاصل از مصاحبه، پاسخ‌های مشابه تنظیم و مفاهیم مشابه از آن‌ها استخراج شد. ضمناً گویه‌های نزدیک بهم ادغام شده و مضامین در ۴ مقوله اصلی دسته بندی شد.

کدگذاری گزینشی: در این بخش برای بررسی اهمیت هر یک از مضامین سازمان دهنده در هر مضمون پایه با استفاده از نظر سنجی خبرگان انجام و مهمترین مقوله‌ها انتخاب و در مدل شبکه مضامین جایگذاری شد.

جدول ۲. ارائه مضامین

مضامین مضامین مضامین	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
مدل پیشگیری از تخلفات اخلاقی در حسابداری با تکیه بر فناوری‌های مدرن	فرآیندها	تحولات فناوری: پیشرفت در حوزه هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی.
		تقاضای اجتماعی: افزایش انتظار عمومی برای شفافیت و مسئولیت‌پذیری.
		مقررات قانونی: تشدید الزامات قانونی در زمینه حسابرسی و گزارش‌دهی.
		افزایش رقابت: رقابت در بازار برای جذب مشتریان از طریق اعتبار بیشتر.
		فشار سازمانی: نیاز به بهبود اعتماد سازمانی و کاهش ریسک‌های اخلاقی.
		جهانی‌سازی: تطابق با استانداردهای بین‌المللی و یکپارچگی سیستم‌ها.
	راهبردها	پیاده‌سازی فناوری بلاکچین: اطمینان از شفافیت و جلوگیری از تغییر داده‌ها.
		استفاده از تحلیل‌های پیش‌بینانه: شناسایی رفتارهای مشکوک پیش از وقوع تخلف.
		آموزش مستمر کارکنان: ارتقاء آگاهی درباره اهمیت اخلاق در حسابداری.
		ایجاد سیستم هشداردهنده: استفاده از الگوریتم‌ها برای تشخیص تخلفات بالقوه.
		طراحی داشبوردهای نظارتی: نظارت بلادرنگ بر فرآیندها و گزارش‌دهی.
		تشویق فرهنگ اخلاقی: تقویت ارزش‌های اخلاقی در سازمان.
	عوامل	فقدان نظارت کافی: نبود سیستم‌های مؤثر برای پایش تخلفات.
		ضعف در قوانین داخلی: عدم اجرای مناسب دستورالعمل‌ها و استانداردها.
		طمع مالی: انگیزه‌های مالی شخصی یا سازمانی برای تخلف.
		فشار زمانی: زمان محدود برای تکمیل گزارش‌ها و تصمیمات.
		عدم آموزش کافی: کمبود دانش تخصصی در حوزه اخلاق حرفه‌ای.
		ضعف در فناوری‌های موجود: استفاده از سیستم‌های قدیمی و غیرقابل اطمینان.
	نتایج	افزایش اعتماد عمومی: تقویت اعتماد سهامداران و مشتریان به شرکت.
		کاهش جرایم مالی: کاهش احتمال تخلفات اخلاقی و فساد.
		بهبود شهرت سازمان: ارتقاء جایگاه شرکت در بازار و میان رقبا.
		کاهش هزینه‌های قانونی: کاهش هزینه‌های مربوط به دعاوی حقوقی و جریمه‌ها.
		ارتقاء کارایی فرآیندها: بهبود کیفیت و دقت در حسابداری.
		افزایش شفافیت مالی: ارائه گزارش‌های مالی شفاف و قابل اطمینان.

در جدول ۲ نحوه تحلیل داده ها و استخراج مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر از داده های خام حاصل از مصاحبه ها نمایش داده شده در جدول فوق، پس از پیاده سازی مصاحبه ها، نقل قول هایی که به صورت آشکار یا ضمنی به سؤالات پژوهش، انتخاب شدند و سپس مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر از آن ها استخراج شدند. شبکه مضامین مشتمل بر ۲۴ مضمون سازمان دهنده است که در قالب چهار مضمون فراگیر اصلی که از ابتدا مشخص بوده اند، دسته بندی گردیده اند.

• یافته های بخش کمی

در این بخش با استفاده از اطلاعات گرد آوری شده از طریق پرسشنامه ای که بر اساس شاخص های شناسایی شده طراحی شد و در بین نمونه آماری از جامعه مورد مطالعه توزیع گردید، شاخص های مربوط به مؤلفه ها از لحاظ کمی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند که نتایج در ادامه آمده است.

در بخش آمار توصیفی پژوهش، ۷۷ درصد از پاسخ دهندگان را مردان و ۲۳ درصد را زنان تشکیل می دهند. ۲۸ درصد از پاسخ دهندگان دارای سن ۳۰ تا ۴۰ سال، ۵۱ درصد دارای سن ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۱ درصد دارای سن بالای ۵۱ سال هستند. بیشترین حجم نمونه را افراد ۴۱-۵۰ سال و کمترین حجم نمونه را افراد ۵۱ سال به بالا تشکیل می دهند. ۶ درصد از پاسخ دهندگان دارای تحصیلات کارشناسی، ۳۳ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۶۱ درصد دارای تحصیلات دکتری می باشند. ۱۲ درصد از پاسخ دهندگان دارای سابقه خدمت ۶ تا ۱۰ سال، ۲۴ درصد دارای سابقه خدمت ۱۱ تا ۱۵ سال و ۲۲ درصد دارای سابقه خدمت ۱۶ تا ۲۰ سال، ۲۴ درصد دارای سابقه خدمت ۲۱ تا ۲۵ سال و ۱۸ درصد دارای سابقه خدمت ۲۶ تا ۳۰ سال می باشند. کمترین حجم نمونه دارای سابقه خدمت ۶ تا ۱۰ سال می باشند.

• تحلیل عاملی تأییدی داده ها

تحلیل عاملی تاییدی پیشران ها

به منظور تعیین اعتبار پیشران ها از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. خروجی نرم افزار ایموس نشان میدهد تمام بارهای عاملی بالاتر از $0/3$ هستند. با توجه به خروجی ایموس مقدار x^2/df محاسبه شده $2/07$ است، وجود x^2/df کوچکتر از ۵ نشان دهنده برازش مناسب مدل می باشد همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) می بایستی کمتر از $0/08$ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر $0/066$ است. میزان شاخص های GFI، AGFI، CFI و NFI نیز باید بیشتر از $0/9$ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش

مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با پیشران‌ها است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش پیشران‌ها

شاخص‌ها	نام شاخص	اختصار	برازش قابل قبول	مقدار شاخص پژوهش
برازش مطلق	درجه آزادی	DF	-	۲۳۴
	سطح معناداری	P	کم‌تر از ۰/۰۵	۰.۰۰۰
	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی	CMIN/DF	بین ۱ تا ۵	۱.۷۳
	سطح تحت پوشش کای دو	Chi-Square	بزرگ‌تر از ۵ درصد	۰.۴
	نیکویی برازش	CFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰.۹۳۴
برازش تطبیقی	نیکویی برازش تحلیل شده	AGFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰.۹۴۰
	برازش هنجار نشده	NNFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰.۹۲
	برازش هنجار شده	NFI	نزدیک به یک	۰.۹۳
	برازش تطبیقی	CFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰.۹۳۴
	برازش نسبی	RFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰.۶۴
برازش مقتصد	برازش فزاینده	IFI	۱-۰	۰.۶
	برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰.۷۵
	برازش تطبیقی مقتصد	PGFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰.۹۱۱
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	کوچک‌تر از ۰/۱	۰.۰۴۵
	کای مربع هنجار شده	CMIN	مقداری بین ۱ تا ۳	۲.۲

تحلیل عاملی تأییدی عوامل علی

به منظور تعیین اعتبار عوامل علی از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند. با توجه به خروجی ایموس در جدول ۴، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۱/۸۰ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۵ نشان دهنده برازش مناسب مدل می باشد همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) می بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۵۷ است. میزان شاخص‌های GFI، AGFI، CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با متغیرهای عوامل علی است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش عوامل علی

شاخص‌ها	نام شاخص	اختصار	برازش قابل قبول	مقدار شاخص پژوهش
برازش مطلق	درجه آزادی	DF	-	۲۵۱
	سطح معناداری	P	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۰۰
	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی	CMIN/DF	بین ۱ تا ۵	۱/۵۸
	سطح تحت پوشش کای دو	Chi-Square	بزرگ‌تر از ۵ درصد	۰/۳۹
	نیکویی برازش	CFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۸۱
برازش تطبیقی	نیکویی برازش تحلیل شده	AGFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۴۱
	برازش هنجار نشده	NNFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹
	برازش هنجار شده	NFI	نزدیک به یک	۰/۹۲
	برازش تطبیقی	CFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۸۱
	برازش نسبی	RFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰/۵۸
برازش مقتصد	برازش فزاینده	IFI	۱-۰	۰/۷۴
	برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰/۹
	برازش تطبیقی مقتصد	PGFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰/۹۴۱
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	کوچک‌تر از ۰/۱	۰/۰۵۵
	کای مربع هنجار شده	CMIN	مقداری بین ۱ تا ۳	۱/۸

تحلیل عاملی تأییدی راهبردها

اعداد روی مسیرها بارهای عاملی هستند تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند. با توجه به خروجی ایموس در جدول ۵، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۱/۵۴ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۵ نشان دهنده برازش مناسب مدل می باشد همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) می بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۴۷ است. میزان شاخص‌های GFI، AGFI، CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با متغیرهای راهبردها است.

جدول ۵. شاخص‌های برازش متغیرهای راهبردها

شاخص‌ها	نام شاخص	اختصار	برازش قابل قبول	مقدار شاخص پژوهش
برازش مطلق	درجه آزادی	DF	-	۵۰
	سطح معناداری	P	کم‌تر از ۰/۰۵	۰.۰۰۰
	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی	CMIN/DF	بین ۱ تا ۵	۲.۹۶
	سطح تحت پوشش کای دو	Chi-Square	بزرگ‌تر از ۵ درصد	۰.۱۴
	نیکویی برازش	CFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰.۹۵۵
برازش تطبیقی	نیکویی برازش تحلیل شده	AGFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰.۹۴۱
	برازش هنجار نشده	NNFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰.۹
	برازش هنجار شده	NFI	نزدیک به یک	۰.۹۹
	برازش تطبیقی	CFI	بزرگ‌تر از ۰/۹	۰.۹۵۵
	برازش نسبی	RFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰.۶۴
برازش مقتصد	برازش فزاینده	IFI	۱-۰	۰.۵۹
	برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰.۹۹
	برازش تطبیقی مقتصد	PGFI	بزرگ‌تر از ۰/۵	۰.۹۰۱
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	کوچک‌تر از ۰/۱	۰.۰۶۹
	کای مربع هنجار شده	CMIN	مقداری بین ۱ تا ۳	۱.۹

تحلیل عاملی تاییدی پیامدها

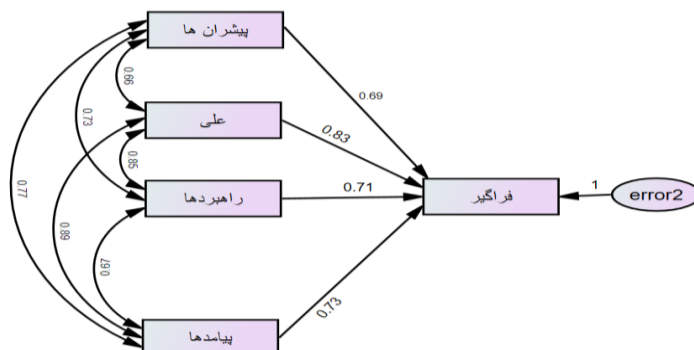
به منظور تعیین اعتبار متغیرهای سطح چهارم از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. اعداد روی مسیرها بارهای عاملی هستند تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند. یافته‌های مربوط به شاخص‌های برازش سطح چهارم در جدول ۶ حاکی از آن است که شاخص CFI، RMR، NFI، GFI و RMSEA از سطح قابل قبولی برخوردار بوده و این مشخصه‌های نکویی برازش نشان می‌دهد داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با سازه پیامدها است

جدول ۶ شاخص های برازش پیامدها

شاخص ها	نام شاخص	اختصار	برازش قابل قبول	مقدار شاخص پژوهش
برازش مطلق	درجه آزادی	DF	-	۲۴
	سطح معناداری	P	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۰۰
	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی	CMIN/DF	بین ۱ تا ۵	۱/۹۱
	سطح تحت پوشش کای دو	Chi-Square	بزرگتر از ۵ درصد	۰/۴۶
	نیکویی برازش	CFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۳۰
برازش تطبیقی	نیکویی برازش تحلیل شده	AGFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۴۷
	برازش هنجار نشده	NNFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۴
	برازش هنجار شده	NFI	نزدیک به یک	۰/۹۳۳
	برازش تطبیقی	CFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۱۸
	برازش نسبی	RFI	بزرگتر از ۰/۵	۰/۷۴
برازش مقتصد	برازش فزاینده	IFI	۱-۰	۰/۶۲
	برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	بزرگتر از ۰/۵	۰/۹۶
	برازش تطبیقی مقتصد	PGFI	بزرگتر از ۰/۵	۰/۹۳۰
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	کوچکتر از ۰/۱	۰/۷۱
	کای مربع هنجار شده	CMIN	مقداری بین ۱ تا ۳	۲/۳

تجزیه و تحلیل مدل و بررسی برازش مدل پیشنهادی پژوهش

با توجه به میزان ضرایب معناداری، از آنجا که برای رد یا تایید روابط مقدار CR (نسبت بحرانی) باید بیشتر از ۱/۹۶ یا کمتر از ۱/۹۶- باشد، مقدار پارامتر بین دو دامنه در الگو مهم شمرده نمی شود، همچنین مقادیر بین این دو مقدار حاکی از عدم وجود تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای وزن ها رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد دارد. نتایج آزمون مدل در نمودار ۱ و جدول ۷ ارائه شده است.



نمودار ۱. ضرایب تحلیل مسیر در مدل پژوهش

جدول ۷. نتایج اجرای مدل پیشگیری از تخلفات اخلاقی در حسابداری با استفاده از تکنولوژی های مدرن

روابط	برآورد استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
پیشران ها ← مدل پیشگیری از تخلفات حسابداری	۰/۴۲۰	۰/۰۵۶	۴/۰۱۸	۰/۰۰۰*
عوامل علی ← مدل پیشگیری از تخلفات حسابداری	۰/۲۶	۰/۰۷۷	۲/۷۹۸	۰/۰۱۰*
عوامل راهبردی ← مدل پیشگیری از تخلفات حسابداری	۰/۶۸	۰/۰۴۵	۳/۸۱۳	۰/۰۰۰*
پیامدهای مدل ← مدل پیشگیری از تخلفات حسابداری	۰/۴۴	۰/۰۴۲	۲/۹۵۸	۰/۰۰۰*

$P \leq ۰/۰۵^*$

بر این اساس مدل تحقیق با استفاده از نرم افزار Amos مورد سنجش نهایی قرار گرفت و همانطور که مشاهده می شود تمامی روابط و با توجه به مقدار ضرایب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شوند. مدل پیشگیری از تخلفات اخلاقی در حسابداری با استفاده از تکنولوژی های مدرن در جدول فوق ارائه شده است. بر اساس نتایج بدست آمده مولفه های پژوهش به صورت دوجه دو در مدل نهایی پژوهش تأثیرگذار بوده است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر در دو بخش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی که به روش تحلیل مضمون انجام شد نتایج پژوهش در ۴ مضمون سازمان دهنده و ۲۴ مضمون پایه دسته بندی شد. در بخش کمی مسیرهای تعیین شده در مدل کیفی بررسی و تایید شد.

پیشران ها شامل تحولات فناوری، تقاضای اجتماعی، مقررات قانونی، افزایش رقابت، فشار سازمانی و جهانی سازی می باشد. تحولات فناوری مثل هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی باعث افزایش شفافیت و شناسایی تخلفات در حسابداری شده اند. افزایش تقاضای اجتماعی برای شفافیت و مسئولیت پذیری، فشار بر سازمان ها را برای رعایت بیشتر استانداردهای اخلاقی افزوده است. تشدید مقررات قانونی در حوزه حسابرسی و گزارش دهی، شرکت ها را ملزم به رعایت دقیق تر اصول و مقررات کرده است. افزایش رقابت در بازار، سازمان ها را به سمت بهبود اعتبار و جذب مشتریان از طریق عملکرد مالی شفاف سوق می دهد. فشار سازمانی برای بهبود اعتماد و کاهش ریسک های اخلاقی، سازمان ها را به سمت رعایت اصول مسئولیت پذیری هدایت می کند. در نهایت، جهانی سازی و ضرورت تطابق با استانداردهای بین المللی، سازمان ها را به یکپارچه سازی سیستم های حسابداری هدایت کرده و سطح شفافیت را ارتقاء می دهد.

راهبردها شامل پیاده سازی فناوری بلاکچین، استفاده از تحلیل های پیش بینانه، آموزش مستمر کارکنان، ایجاد سیستم هشداردهنده، طراحی داشبوردهای نظارتی و تشویق فرهنگ اخلاقی می باشد. بلاکچین به سازمان ها کمک می کند تا اطلاعات مالی را به صورت شفاف و غیرقابل تغییر ثبت کنند. این فناوری به کاهش تخلفات اخلاقی از طریق ایجاد شفافیت بیشتر و جلوگیری از دستکاری اطلاعات کمک می کند. تحلیل های پیش بینانه با استفاده از داده ها و مدل های آماری قادرند روندهای مالی مشکوک را پیش بینی و شناسایی کنند. این روش می تواند به شناسایی تخلفات بالقوه قبل از وقوع آنها کمک کند. آموزش کارکنان در مورد اصول اخلاقی، قوانین حسابداری و بهترین شیوه های اجرایی به کاهش تخلفات اخلاقی کمک می کند. این آموزش ها باعث افزایش آگاهی و مسئولیت پذیری در انجام کارها می شود. این سیستم ها به صورت خودکار فعالیت های مشکوک را شناسایی کرده و هشدار می دهند. این ابزار به سازمان ها کمک می کند تا به موقع از وقوع تخلفات جلوگیری کنند. داشبوردهای نظارتی به مدیران این امکان را می دهند که فرآیندهای مالی را به طور مستمر بررسی کرده و به سرعت نسبت به انحرافات واکنش نشان دهند. فرهنگ اخلاقی باعث تقویت مسئولیت پذیری در سازمان و ترویج رفتارهای صحیح در میان کارکنان می شود. رهبری اخلاقی و تشویق و تنبیه کارکنان از جمله راهکارهای تقویت این فرهنگ است.

راهبردهای مدل شامل فقدان نظارت کافی، ضعف در قوانین داخلی، طمع مالی، فشار زمانی، عدم آموزش کافی و ضعف در فناوری‌های موجود می‌باشد. این عوامل به نوعی ضعف‌های مختلف در ساختارهای داخلی و فرآیندهای سازمانی را نمایان می‌کنند که می‌توانند زمینه‌ساز بروز تخلفات اخلاقی در حسابداری شوند. فقدان نظارت کافی می‌تواند به کارکنان اجازه دهد تا بدون ترس از پیگرد، فعالیت‌های غیرقانونی انجام دهند. ضعف در قوانین داخلی نیز می‌تواند مانع از ایجاد چارچوب مشخص و محکم برای رفتارهای صحیح مالی شود. فشارهایی مانند طمع مالی و فشار زمانی، ممکن است افراد را به سمت کوتاه آمدن از اصول اخلاقی سوق دهد، به‌ویژه زمانی که برای دستیابی به اهداف مالی، فشار زیادی احساس می‌شود. عدم آموزش کافی کارکنان در خصوص اخلاق حرفه‌ای و استانداردهای حسابداری می‌تواند باعث شود که آنها نسبت به مسئولیت‌های اخلاقی خود بی‌توجه باشند. در نهایت، فناوری‌های ضعیف یا ناکافی می‌توانند فرصت‌هایی برای دستکاری اطلاعات مالی فراهم کنند و مانع از شفافیت و نظارت دقیق بر فرآیندهای مالی شوند.

پیامدها شامل افزایش اعتماد عمومی، کاهش جرایم مالی، بهبود شهرت سازمان، کاهش هزینه‌های قانونی، ارتقاء کارایی فرآیندها و افزایش شفافیت مالی می‌باشد. پیشگیری از تخلفات اخلاقی در حسابداری می‌تواند پیامدهای قابل توجهی داشته باشد که هم برای سازمان‌ها و هم برای جامعه مفید است. این پیامدها به طور مستقیم بر بهبود عملکرد و اعتبار سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند. اولاً، از آنجا که رعایت اصول اخلاقی و شفافیت مالی موجب افزایش اعتماد عمومی به سازمان‌ها می‌شود، این امر باعث می‌شود که افراد و شرکت‌ها به تعامل و همکاری بیشتر با سازمان‌ها تمایل داشته باشند. به این ترتیب، سازمان‌ها می‌توانند روابط تجاری مستحکم‌تری ایجاد کنند و جذب سرمایه‌گذاران و مشتریان جدید برای آنها آسان‌تر می‌شود. ثانیاً، پیشگیری از تخلفات اخلاقی و مالی به طور مستقیم به کاهش جرایم مالی کمک می‌کند. با وجود سیستم‌های نظارتی قوی و فناوری‌های جدید که به شفافیت فرآیندها کمک می‌کنند، احتمال وقوع تخلفات مانند اختلاس، دستکاری اطلاعات مالی یا پول‌شویی کاهش می‌یابد. این کاهش تخلفات نه تنها از نظر قانونی برای سازمان مفید است، بلکه هزینه‌های مالی ناشی از این جرایم را نیز کاهش می‌دهد. سوم، پیشگیری از تخلفات اخلاقی باعث بهبود شهرت سازمان می‌شود. سازمان‌هایی که به اصول اخلاقی پایبند هستند و در فعالیت‌های مالی خود شفافیت دارند، در نظر عموم به عنوان نهادهای قابل اعتماد شناخته می‌شوند. این اعتبار می‌تواند مزایای زیادی برای سازمان به ارمغان بیاورد، از جمله حفظ مشتریان وفادار و جذب شرکای تجاری جدید. همچنین، کاهش تخلفات و شفافیت مالی باعث کاهش هزینه‌های قانونی می‌شود. سازمان‌ها دیگر مجبور به پرداخت هزینه‌های سنگین برای دفاع از خود در برابر دعاوی حقوقی یا جریمه‌های دولتی

نخواهند بود. این کاهش هزینه‌ها می‌تواند منابع مالی را برای توسعه و رشد سازمان آزاد کند. علاوه بر این، ایجاد سیستم‌های کنترل و نظارت مؤثر باعث بهبود کارایی فرآیندها می‌شود. هنگامی که تخلفات کاهش می‌یابند و اطلاعات به‌طور شفاف و صحیح ثبت می‌شود، فرآیندهای مالی سریع‌تر و دقیق‌تر انجام می‌شوند. این امر به‌ویژه برای سازمان‌های بزرگ که نیاز به هماهنگی بالا دارند، بسیار مفید است. در نهایت، پیشگیری از تخلفات اخلاقی موجب افزایش شفافیت مالی می‌شود. با استفاده از فناوری‌هایی مانند بلاکچین، امکان ثبت دقیق و غیرقابل تغییر اطلاعات مالی فراهم می‌آید. این شفافیت باعث ایجاد محیطی رقابتی‌تر و سالم‌تر می‌شود که در آن تمام ذینفعان از جمله سهامداران، مشتریان و عموم مردم می‌توانند به راحتی به اطلاعات مالی دسترسی داشته باشند. به‌طور کلی، این پیامدها نه تنها به سازمان‌ها کمک می‌کند که عملکرد بهتری داشته باشند، بلکه موجب ایجاد اعتماد در بازار و در نهایت رشد پایدار و بلندمدت آنها می‌شود.

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های آذرسعید و رستمی (۱۴۰۲)، همتی و همکاران (۱۴۰۲)، رمضان احمدی و همکاران (۱۳۹۸)، شویتزر (۲۰۲۴)، احمد (۲۰۲۴)، ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) هم‌راستا می‌باشد.

بر اساس نتایج پژوهش پیشنهادات کاربردی ذیل ارائه می‌گردد:

۱. استفاده از سیستم‌های مدیریت ریسک و نظارت هوشمند

پیاده‌سازی سیستم‌های پیشرفته نظارت و مدیریت ریسک، مانند نرم‌افزارهای تحلیل داده و هوش مصنوعی (AI)، می‌تواند به شناسایی و پیشگیری از تخلفات در مراحل اولیه کمک کند. این سیستم‌ها قادرند الگوهای غیرطبیعی در داده‌های مالی را شبیه‌سازی کرده و هشدارهای لازم را به مدیران ارائه دهند. به این ترتیب، تخلفات قبل از وقوع یا در مراحل ابتدایی شناسایی شده و از آنها جلوگیری می‌شود.

۲. آموزش و فرهنگ‌سازی اخلاقی در سازمان‌ها

ارتقای سطح آگاهی کارکنان در مورد اصول اخلاقی و استانداردهای حسابداری از طریق دوره‌های آموزشی منظم می‌تواند تأثیر زیادی در پیشگیری از تخلفات داشته باشد. سازمان‌ها باید یک فرهنگ اخلاقی را در تمام سطوح خود ایجاد کنند تا کارکنان متوجه اهمیت رعایت قوانین و مقررات شوند. این آموزش‌ها باید شامل موضوعاتی مانند شفافیت مالی، مسئولیت‌پذیری، و پیامدهای تخلفات اخلاقی باشد.

۳. استفاده از فناوری‌های نوین مانند بلاکچین برای شفافیت مالی

استفاده از فناوری بلاکچین برای ثبت اطلاعات مالی می‌تواند به طور چشمگیری شفافیت را در فرآیندهای مالی افزایش دهد. این فناوری به‌ویژه برای سازمان‌هایی که با تراکنش‌های پیچیده و متعدد سروکار دارند، می‌تواند گزینه‌ای ایده‌آل باشد. اطلاعات ثبت‌شده در بلاکچین غیرقابل تغییر هستند و تمامی ذینفعان از جمله سهامداران و نهادهای نظارتی به راحتی می‌توانند به آن‌ها دسترسی داشته باشند.

۴. ایجاد کمیته‌های نظارتی مستقل و مؤثر

تشکیل کمیته‌های نظارتی مستقل در سازمان‌ها که مسئولیت نظارت بر تطابق با اصول اخلاقی و مقررات حسابداری را دارند، می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از تخلفات ایفا کند. این کمیته‌ها باید از بین افراد با تجربه و دارای سابقه قابل اعتماد در امور مالی و حسابداری تشکیل شوند و به صورت دوره‌ای عملکرد سازمان را ارزیابی کنند.

۵. ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی ناشناس برای تخلفات مالی

ایجاد سیستم‌هایی که به کارکنان و ذینفعان اجازه می‌دهد تا تخلفات مالی و اخلاقی را به صورت ناشناس گزارش دهند، می‌تواند به شناسایی مشکلات قبل از تبدیل شدن به بحران کمک کند. این سیستم‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که حریم خصوصی گزارش‌دهندگان حفظ شود و هیچ‌گونه انتقامی از سوی سازمان علیه آن‌ها صورت نگیرد.

فهرست منابع

۱. ابوالحسنی، سیدرحیم، و قبادی، خسرو. (۱۴۰۰). تبیین تئوریک جایگاه جامعه مدنی در الگوی حکمرانی خوب. پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی)، جدید (۳۹).
۲. ایمانی، احد، (۱۳۹۶)، اخلاق و فرا اخلاق، کانون اندیشه جوان، چاپ اول
۳. آذرسعید، یاشار، رستمی، & شعیب. (۱۴۰۲). هوش مصنوعی و تصمیم گیری اخلاقی در حسابداری و حسابرسی: تحلیل چالش های مرتبط. قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری، ۲ (۷).
۴. بخشی، مرتضی & نمازی اصفهانی، محمود. (۱۴۰۲). بررسی جایگاه اخلاق فضیلت در اخلاق هنجاری / اخلاق و حیانی 10.22034/ethics.2023.173508, doi: 13(1),
۵. براتی، سعید، عبدلی، محمدرضا. (۱۳۹۷). طراحی مدل و تبیین شیوه های اقناع در کیفیت افشا گزارشگری مالی با انگیزه های سوگیرانه تملک شغلی مدیران عامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳ (۶).
۶. برنجی مریان هادی، رضایی کلیدبری حمیدرضا، کیاکجوری کریم. (۱۴۰۲) ارائه الگوی شفافیت در مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران با توجه به مفهوم حکمرانی اخلاقی. اخلاق در علوم و فناوری. ۱۸ (۱).
۷. جمال پور، میکائیل، & مداین، سید محمدامین. (۱۴۰۲). استنتاج دیدگاه های اخلاقی ملاصدرا در حیطه های چهارگانه فرا اخلاق. تأملات اخلاقی، - . doi: ۱۰.۳۰۴۷۰/er.۱۰.۳۰۴۷۰.۲۰۲۳.۲۰۱۸۲۴۶.۱۲۸۳
۸. حاتمی حسین آبادی، عبدی ساوجبیان، رحمتی، انشالله. (۱۴۰۲). جایگاه معرفت شناختی قوانین اخلاقی از نظر استاد جعفر سبحانی. سبک زندگی / اسلامی با محوریت سلامت، ۶ (۴).
۹. دوستی، علی و احمدزاده بزاز، سیدمحمد و عسکری، رضا و طرفاوی، هاجر و مراداسکندری، مریم و پیشانی دار، شیوا، (۱۴۰۲)، تاثیر آموزش اصول اخلاق حرفه ای در شرکت ها بر عملکرد کارکنان (مطالعه موردی یکی از شرکت های تابعه وزارت نیرو)، هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار، تهران، <https://civilica.com/doc/۲۰۰۶۸۵۶>
۱۰. رضائی ناهید، دیانتی دیلمی زهرا، غلامی جمکرانی رضا، رهنمای رودپشتی فریدون. (۱۴۰۱) بررسی تأثیر سبک های تفکر حسابرسان بر توانایی کشف سوءاستفاده از دارایی ها با تبیین نقش میانجی تردید حرفه ای .دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۷ (۱۴).
۱۱. رمضان احمدی محمد، آهنگری عبدالمجید، صالحی نیا محسن. (۱۳۹۸) مدل سازی سازه های مؤثر بر اخلاق حرفه ای حسابرسی با بکارگیری مدل سازی ساختاری - تفسیری از دیدگاه خبرگان حرفه .دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۴ (۸).
۱۲. سپهوند، رضا، حکاک، محمد، فتحی چگنی، فربرز، سپهوندی، مسعود (۱۳۹۹). اثر مقبولیت مدیران سازمان بر قصد افشاگری تخلف با نقش میانجی شجاعت اخلاقی (مورد مطالعه: دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر). فصلنامه آموزش علوم دریایی، سال ۷، شماره ۲۱.

۱۳. شفریتز، استیون اوت، جی، مترجم علی پارساییان. (۱۳۸۷). تئوری‌های سازمان: اسطوره‌ها، انتشارات ترمه، چاپ دوم.
۱۴. عبداللهی، محمد سعید، عبداللهی. (۱۴۰۲). بررسی دیدگاه لوئیس پوین در باب دفاع از واقع‌گرایی اخلاقی. پژوهش‌های معرفت‌شناختی، ۱۲(۲۵).
۱۵. فرتوک زاده، حمیدرضا، و جعفری، روح اله. (۱۴۰۱). پیچیدگی مرکب؛ رهیافتی برای فهم انفعال حکمرانی. بهبود مدیریت، ۱۶(۳) (پیاپی ۵۷).
۱۶. کحیا، سعید، نائیج، علیرضا، مظاهری، علیرضا. (۱۴۰۲). الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱۱(۲۳). doi: ۱۰.۱۰. /ipr۲۲۰۳۴. ۲۰۲۴. ۱۸۴۵۹۹
۱۷. مرادی، خالقی دامغانی، احمد. (۱۴۰۲). اخلاق، سیاست و مسئله خودآیینی: روایت‌های متفاوت از مفهوم خودآیینی در اخلاق و سیاست. سیاست جهانی، ۱۲(۲).
۱۸. میری، محمد. (۱۴۰۲). اخلاق نقلی و حیانی به مثابه «میزان» برای اخلاق فلسفی الهیات تطبیقی، 14(30). doi: 10.22108/coth.2024.139966.1865
۱۹. همتی، بیات مزلقانی، & مرادی. (۱۴۰۲). تأثیر اخلاق و دوره تصدی بر توانایی حسابرس در تشخیص شیوه‌های حساب‌آرایی. قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۲(۸).
20. Ahmad, A. Y. A. B. (2024). Ethical implications of artificial intelligence in accounting: A framework for responsible ai adoption in multinational corporations in Jordan. *International Journal of Data and Network Science*, 8(1).
21. Akbarlou, E., Zeynali, M., Alinezhad Sarokolaei, M., Baradaran Hassan Zadeh, R., (2021) Investigating the relationship between managers' narcissism and the optimistic tone of financial reporting: The moderating role of earnings management, *Empirical Studies in Financial Accounting*, 2021; 18(72): 169-192. doi: 10.22054/qjma. 59285. (In Persian).
22. AZIZ, A., ZAMRI, S. M. M., & ARIFFIN, S. A. (2022). The challenges in implementation of accounting software system in Malaysia. *Quantum Journal of Social Sciences and Humanities*, 3(5).
23. Beerbaum, D. (2023). Generative Artificial Intelligence (GAI) with Chat GPT for Accounting—a business case. *Available at SSRN 4385651*.
24. Bellucci, M., Cesa Bianchi, D., & Manetti, G. (2022). Blockchain in accounting practice and research: systematic literature review. *Meditari Accountancy Research*, 30(7).
25. Demirkan, S., Demirkan, I., & McKee, A. (2020). Blockchain technology in the future of business cyber security and accounting. *Journal of Management Analytics*, 7(2).
26. Fülöp, M. T., Topor, D. I., Ionescu, C. A., Cifuentes-Faura, J., & Măgdaş, N. (2023). Ethical concerns associated with artificial intelligence in the accounting profession: a curse or a blessing?. *Journal of Business Economics*

and Management, 24(2).

27.Greenman, C., Esplin, D., Johnston, R., & Richards, J. (2024). An Analysis of the Impact of Artificial Intelligence on the Accounting Profession. *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy, JAEPP*, 25(2).

28.Han, H., Shiwakoti, R. K., Jarvis, R., Mordi, C., & Botchie, D. (2023). Accounting and auditing with blockchain technology and artificial Intelligence: A literature review. *International Journal of Accounting Information Systems*, 48, 100598.

29.Jejenywa, T. O., Mhlongo, N. Z., & Jejenywa, T. O. (2024). A comprehensive review of the impact of artificial intelligence on modern accounting practices and financial reporting. *Computer Science & IT Research Journal*, 5(4).

30.Lehner, O. M., Ittonen, K., Silvola, H., Ström, E., & Wührleitner, A. (2022). Artificial intelligence based decision-making in accounting and auditing: ethical challenges and normative thinking. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 35(9).

31.Odonkor, B., Kaggwa, S., Uwaoma, P. U., Hassan, A. O., & Farayola, O. A. (2024). Integrating Artificial intelligence in accounting: a quantitative economic perspective for the future of US financial markets. *Finance & Accounting Research Journal*, 6(1).

32.Peng, Y., Ahmad, S. F., Ahmad, A. Y. B., Al Shaikh, M. S., Daoud, M. K., & Alhamdi, F. M. H. (2023). Riding the waves of artificial intelligence in advancing accounting and its implications for sustainable development goals. *Sustainability*, 15(19).

33.Perdana, A., Lee, W. E., & Kim, C. M. (2023). Prototyping and implementing Robotic Process Automation in accounting firms: Benefits, challenges and opportunities to audit automation. *International journal of accounting information systems*, 51, 100641.

34.Schweitzer, B. (2024). Artificial intelligence (AI) ethics in accounting. *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy, JAEPP*, 25(1). Strategy, 5(1), =. doi:10.22051/jfm.2017.11516.1139 (In Persian).

35.Supriadi, I. (2024). The audit revolution: Integrating artificial intelligence in detecting accounting fraud. *Akuntansi dan Teknologi Informasi*, 17(1).

36.Taghizadeh Khanqah, V., Zeynali, M. (2017). The Effect of the Board Characteristics and Management Entrenchment on Firm Diversification Strategy. *Financial Management*

37. Zhang, C., Zhu, W., Dai, J., Wu, Y., & Chen, X. (2023). Ethical impact of artificial intelligence in managerial accounting. *International Journal of Accounting Information Systems*, 49, 100619.

ارائه چارچوب خط مشی رفتاری در مبارزه با فساد اداری، مبتنی بر مضامین نهج البلاغه

^۱ رحمت اله قلی پور

^۲ مهدی عبدالحمید

^۳ محمدرضا اسمعیلی گیوی

^۴ امیر دورانی

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائلی که زمینه ساز بروز مشکلات فراوان در کلیه کشورهای جهان شده است، فساد اداری و آلوده شدن کارگزاران و کارکنان اداری سازمان‌های مختلف به کارهای خلاف و استفاده غیرقانونی آن‌ها از مقام و اختیارات اداری خویش برای منافع خویش است. هدف کلی این پژوهش شناسایی چارچوب خط‌مشی رفتاری در مبارزه با فساد اداری مبتنی بر مضامین نهج‌البلاغه می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع آمیخته، کیفی و کمی می‌باشد. همچنین از منظر هدف، اکتشافی بوده و از منظر ماهیتی، توصیفی می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از نظر ماهیت و شیوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری و محتوای مورد استفاده در تحقیق شامل کلیه اسناد مکتوب در حوزه چارچوب خط‌مشی رفتاری در مقابله با فساد اداری مبتنی بر مضامین نهج‌البلاغه، در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ خواهد بود. روش نمونه‌گیری هدمند و مبتنی بر ملاک می‌باشد. بخش کمی این پژوهش با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و از طریق نمونه ۵۰ تایی گردآوری شده است؛ جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS24 , SMART - PLS3 استفاده شده است. در بخش کیفی در ابتدا مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته طراحی و سپس به خبرگان و مصاحبه شونده‌گان ارائه گردید و بعد از آن، مصاحبه‌ها به صورت متنی تهیه و تحلیل مضمون با نرم‌افزارهای مانند نرم‌افزار Maxqda و استخراج شاخص‌های اولیه صورت گرفت. با مطالعه داده‌ها و اطلاعات استخراج شده در نهایت، ۱۳۴ کد شناسایی شدند که پس از مرور و بازبینی، ۱۳۴ مضامین پایه، ۲۲ مضامین سازمان دهنده و ۶ مضمون فراگیر شناسایی شدند که این مضامین و مفاهیم عمدتاً از نهج‌البلاغه و از طریق بررسی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و آرشیوی بدست آمدند، این مضامین چندین بار توسط محقق بازبینی و اصلاح شد و مضامین مشابه و یکسان در یک دسته قرار گرفتند که عبارتند از: "عوامل سیاسی"، "عوامل اداری"، "عوامل اقتصادی"، "عوامل اجتماعی"، "هنجارها و ارزش‌ها"، "رفتاری - روانشناختی" را تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی

خط مشی، خط مشی رفتاری، فساد اداری، نهج‌البلاغه.

۱. استاد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: rgholipor@ut.ac.ir

۲. علم و فناوری، دانشکده مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. Email: mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir

۳. دانشیار مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: s.givi@ut.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش رفتار سازمانی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Email: amirdorani66@gmail.com

طرح مسأله

نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم گرانقدرترین میراث فرهنگی مسلمانان است که در سال ۴۰۰ هجری قمری بوسیله ابوالحسن محمدی حسین بی موسی، مشهور به سیدرضی تألیف شده است. این مجموعه گزیده‌ای استثنایی از برترین گوهرهای آموزه‌های امام علی (ع) را از خطبه‌ها، سخنان و سخنرانی‌ها، نامه‌ها، وصیتنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، سخنان کوتاه و حکمت‌ها می‌باشد. رویکرد به نهج‌البلاغه بر اساس روش‌های علمی و عاری از تحمیل نظر بر آن روز به روز رونق بیشتری می‌یابد (خسروی، ۱۳۹۷: ۱۳).

براساس تعریف کافمن و کرای فساد عبارت است از: استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی (شیخی، ۱۳۹۸: ۹۹). آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوءاستفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. بر اساس این شاخص هر چه نظام سیاسی و دولت در تسخیر اغنیاء و منافع خصوصی باشد، نشاندهنده‌ی حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه‌ی بالاتری از حکمرانی است. حکمرانی خوب، فساد را از طریق افزایش آگاهی و تقویت قوانین ضدفساد کاهش می‌دهد. همچنین فساد، توانایی حکمرانی خوب را تحلیل برده و زمینه انحراف تصمیمات و اجرای سیاست‌ها را میسر می‌کند. علاوه بر این فساد به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان فقیر و غنی را افزایش می‌دهد، بلکه برای اغنیاء ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعی را تأمین می‌کند. این امر به شرایط اجتماعی که دیگر انواع جرایم را تسهیل می‌کند، از جمله بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی و حتی تروریسم کمک می‌کند. اما در خصوص مبارزه با فساد، امام علی (ع) در میان حاکمان تاریخ بی‌نظیر است. امام علی (ع) در خصوص نقش حاکمان در جلوگیری از فساد فرموده‌اند: همانا زمامدار، امین خدا در زمین، برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است (الوانی و اسلام پناه، ۱۳۹۸: ۱۱). ایشان درباره‌ی آن چه خلیفه قبل از بیت المال به خویشان خود بخشیده بود، و امام آن را به مسلمانان بازگرداند، فرمود: به خدا، اگر ببینم که به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را باز می‌گردانم که در عدالت گشایش است و آن که عدالت را بر نتابد، ستم را سختتر یابد (رضائیان، ۱۳۹۶: ۵۸). ایشان امام علی (ع) در ارتباط با سوء استفاده مالی شریح بنالحارث قاضی کوفه میفرماید: به من خبر دادند که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهانی آن را امضا کرده‌اند. ای شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران و یا پول حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای. همچنین در نامه‌ای به

مصقله بن هبیره شیانی فرماندار یکی از شهرهای ایران فرموده است: به من گزارش رسیده که تو غنائیم مربوط به مسلمانان را که به وسیله اسلحه و اسب‌های شان بدست آمده و خون هایشان در این راه ریخته شده در بین افرادی از قبیله ات تقسیم کرده‌ای. اگر این صحیح باشد در نزد من خوار خواهی شد و ارزش و مقدرت کم خواهد بود. به طور کلی سنت و سیره و سخنان آن بزرگوار در خصوص مبارزه با فساد از چند ناحیه می‌باشد: نقد نسبت به گذشتگان، تبیین سیره‌ی پیامبر (ص)، تبیین سیره عملی خود آن بزرگوار، بر حذر داشتن از صفاتی که حاکمان و امت‌های گذشته گرفتار آن بوده‌اند، بر حذر داشتن از اخلاق رذیله و عوامل سقوط و انحراف و انحطاط که به نوعی تعریض در آن نهفته است و بیان مواظب بالغه و نصایح حکیمانه و دستورات خردمندانه که چراغ محکم راه و قطب نمای حرکت جامعه است (دشتی، ۱۳۹۸۳: ۳۷).

در بیشتر موارد بررسی شده است که به علت فاسد بودن مدیران ارشد و کارکنان رده‌های بالای سازمان الگوها و مدل‌های ارائه شده در بحث اجرا تا حدود زیادی موفق و کارآمد نبوده‌اند. با توجه به اینکه اکنون نیز در کشور ما نمونه الگوها و مدل‌های ساختاری بالا پیاده‌سازی می‌شود که نه تنها در امر مقابله با فساد اداری موفق نبوده‌اند بلکه متأسفانه روز به روز شاهد دامن گیر شدن و افزایش این معضل اجتماعی می‌باشیم. نهج البلاغه کتابی است که بعد از قرآن کریم می‌تواند در جهت حرکت انسان به سوی هدف اصلی یعنی قرب الهی، ایفای نقش کند، کافی است که انسان هدف از انزال کتب و ارسال رسل را در یابد تا بتواند به وسیله‌ی آن به سمت مراد و مقصد خود حرکت کند. با تأمل در آیات و روایات در می‌یابیم که هدف خداوند امری جزء تعلیم و تزکیه انسان نبوده است. مسئله پیشگیری با توجه میزان معیارهای فرعی استخراج شده از کتاب نهج البلاغه و مصاحبه‌های انجام شده، نشان دهنده این است که دین مبین اسلام که نهج البلاغه برآمده از آن است، به مقوله پیشگیری توجه بیشتری دارد. سیره عملی امام علی (ع) و ائمه معصومین (ع) در برخورد با فساد نیز بر اصل پیشگیری بنیان گرفته و این اصل را مدنظر قرار داده‌اند که پیشگیری مقدم بر درمان است. با توجه به آنچه که گفته شد، از دیدگاه آموزه‌های نهج البلاغه ای، رفتارهای افراد تحت تأثیر باورها و ارزشهای آنها شکل می‌گیرد. لذا برای اصلاح رفتارهای آنان و سلامت نظام اداری، در گام اول باید هنجارها و ارزش‌ها، از جمله ارزش‌ها و باورها، عملگرایی، ایجاد انگیزه و تعامل، اصول اخلاقی را در آنها تقویت کرد. همچنین با توجه به نقش فراوان نیروی انسانی بر سلامت سازمانی و نگرش اصلاح عوامل اقتصادی و اجتماعی کارکنان ضروری به نظر می‌رسد. با اعمال رویه‌های عادلانه در توزیع جبران خدمات و برخورد عادلانه در روابط متقابل شخصی و احترام به کارکنان، می‌توان زمینه بهبود عملکرد و ارتقای خلق و خوی کاری کارکنان در محیط کار را فراهم آورد. مناصب اداری و حکومتی امانت‌های الهی‌اند؛ بنابراین، در انتخاب و واگذاری امور اداری به

اشخاص باید صلاحیت و شایستگی آنان برای تصدی مشاغل رعایت شود. یکی از عوامل مؤثر بر اصلاح رفتار کارکنان، روش زندگی مدیران عالی سازمان ها و رهبران جامعه است. به همین دلیل امام علی(ع) بر ساده زیستی مسئولان و خانواده آنان تأکید می ورزند. با توجه به نقش محوری مردم در سلامت نظام اداری باید زمینه های مشارکت آنان در سیاستگذاری و اداره امور جامعه فراهم آید. همچنین ضروری است با ترویج فرهنگ نقد و انتقاد پذیری مدیران و ایجاد فضای آزاد رسانه ای و اطلاع رسانی، زمینه های عملکرد شفاف سازمانها و نهادهای دولتی را فراهم آورد.

حکومت اسلامی موظف است با انحصار طلبی و استفاده های نامشروع ستمگران مبارزه کند و نگذارد عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آن ها ستمگران غارتگر و حرام خوار در ناز و نعمت به سر ببرند. در کلام امیرالمومنین(ع) علت قبول حکومت توسط ایشان این است که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آن ها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند و بیکارنایستند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۷)؛ حکومت تقریباً پنج ساله حضرت علی(ع) نمونه ای ماندگار از نظام سیاسی اسلام و شیوه زمامداری مبتنی بر دین و عدالت و آزادی را به بشریت ارائه داد که می توان با واکاوی بایسته و سنجیده آن، رهیافت هایی مطلوب را برای مدیریت جامعه در دنیای کنونی به دست آورد (یوسف زاده، ۱۳۹۵). فساد اداری، مالی و اقتصادی همواره از جمله آسیب های مخرب بر پیکره حکومت ها و دولت ها بوده و پایه های حکومت را متزلزل می سازد؛ این پدیده شوم، ضمن ایجاد ناامیدی در مردم منجر به ایجاد شکاف بین مردم و دولت شده و تأثیرات مستقیم بر متغیرهای ثبات و پایداری نظام اسلامی خواهد شد لذا لزوم پرداختن به موضوع فساد اداری و تبیین سازوکارهای نظارتی برخورد با آن اهمیت زیادی دارد. دلایل گوناگونی را برای فساد اداری در جوامع مختلف بر شمرده اند. فقر اقتصادی و نابسامانی های درآمدی کارکنان سازمان ها، فقر فرهنگی و نبود باورهای استوار اخلاقی و نبود مقررات و قوانین بازدارنده و نظام های کنترلی از دلایل اصلی بروز فساد اداری است. به طور کلی عوامل اصلی فساد اداری در ایران به دو دسته تقسیم می شود:

۱- علل اصلی (ریشه ها): ریشه های فرهنگی و اجتماعی: مهم ترین عامل بروز فساد اداری ریشه های فرهنگی و عقیدتی است، به گونه ای که اگر ارزش ها، هنجارها، عقاید و باورهای حاکم بر افراد اجتماع متکی بر ارزش های مادی گرایانه، فردگرایانه و مصرف گرایانه باشد و ساختارهای اجتماعی از انسجام و کارکردهای لازم برخوردار نباشند، ناکارآمدی و ضعف نظام فرهنگی و اجتماعی را به دنبال داشته و پیامد آن، شکل گیری فساد در همه سطوح و لایه های اجتماع خواهد بود.

ریشه‌های اقتصادی: رکود اقتصادی، کاهش درآمدها، بی‌عدالتی، مادی‌گرایی، بی‌ثباتی اقتصادی، تورم افسار گسیخته، عدم تناسب دخل و خرج ناشی از عدم عدالت اقتصادی، کاهش قدرت خرید مردم و توزیع نامناسب درآمدها در جامعه، از عوامل مهم اقتصادی است. این عوامل زمینه‌های بروز سوءاستفاده‌های مالی و تخلفات اداری را فراهم می‌سازد.

۲- عوامل تسهیل‌کننده: عوامل سیاسی: عدم استقلال کامل قوه قضائیه، نفوذ قوه مجریه بر آن و بر دستگاه‌های نظارتی و بازرسی، فشار گروه‌های ذی‌نفوذ در داخل و خارج سازمان، فساد سیاست‌مداران عالی‌رتبه، جوسازی و غوغاسالاری، توصیه برای در امان ماندن مدیران متخلف از مجازات.

عوامل اداری: تشکیلات و ساختار اداری غیرکارآمد، حجیم و نامتناسب با اهداف و وظایف، پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری، مدیران غیر مؤثر، فقدان نظام شایسته‌سالاری، وجود تبعیضات در زمینه‌های استخدام، انتصاب و ارتقای افراد، نارسایی در نظام حقوق و دستمزد، نظام پاداش و تنبیه و به ویژه نظام نظارت و ارزشیابی، ترجیح اهداف گروهی به اهداف سازمان و مانند آن.

هدف اصلی این پژوهش آن است که چارچوبی به دست دهد تا به درک بهتر ما از ماهیت، علل و بسترهای شکل‌گیری خط‌مشی‌های رفتاری برای مبارزه با فساد اداری (اقتصادی) در یک نظام سیاسی - اقتصادی کمک کند. فساد اداری، به معنای سوءاستفاده شخصی از اختیار عمومی برای انتفاع شخص - یا حزب، جناح، دوستان، فامیل و غیره می‌باشد و در واقع زمانی پدیدار خواهد شد که کارکنان دولتی در اختیار عمومی خویش بین منافع شخصی و عمومی تفکیک قائل نشوند. براین اساس و در راستای نیل به اهداف مزبور محقق رویکردهای ایجاد یک چارچوب خط‌مشی رفتاری برای مبارزه با این دست فسادها را بررسی می‌کند. هر کدام از این رویکردهای مقابله با فساد قادرند بخشی از مقابله با فساد اداری را تبیین کنند که در این چارچوب، بسترهای سیاسی و نهادی در دستور کار تحلیلی قرار خواهند گرفت که توانایی کارمند بخش عمومی در بهره‌برداری شخص از اختیار عمومی - یعنی جوهره و هسته اصلی فساد - را تحکیم و تقویت می‌کنند. فساد اداری بیشتر نوعی نارسایی نهادی و مرتبط با ترتیبات نهادی و ساختار سیاسی یک جامعه است تا کج‌منشی بوروکرات‌ها. حدس خردمندانه پژوهشگر این است که با طراحی سیستم نظارتی و تبیین مولفه‌های آن، برای شناسایی و برخورد با مفاصد اقتصادی مسأله‌ای اساسی در حکومت اسلامی می‌باشد که پیش نیاز آن احصاء انواع و مصادیق مفاصد اقتصادی است؛ بنابراین مسأله‌ای که در این تحقیق به آن پرداخت شده است، ارائه چارچوب خط‌مشی رفتاری در مقابله با فساد اداری مبتنی بر مضامین نهج‌البلاغه و ارائه راهکارهای نظارتی مقابله با آن می‌باشد. در این رساله مبتنی بر محتوای غنی نهج‌البلاغه، مصادیق مفاصد

اقتصادی احصاء شده و سپس راهکارهای پیشنهادی در کلام حضرت علی(ع) برای کنترل و رفع این پدیده شوم در مصادیق مختلفش ارائه می‌شود. اینها همه نشانگر وجود خلاء در مدیریت صحیح و رفع فسادهای اداری می‌باشد؛ که گروه‌های قانون‌شکن، افراد ذی‌نفوذ، سازمان‌ها متخلف و رویه‌ها و قوانین زائد از جمله عوامل اصلی ایجاد این دست فسادها هستند که عمده‌ترین ریشه در مسائل رفتاری داشته و باید خط مشی‌های رفتاری مناسب برای مقابله با آن‌ها در نظر گرفته شود. حکومت اسلامی موظف است با انحصار طلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کند و نگذارد عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آن‌ها ستمگران غارتگر و حرام‌خوار در ناز و نعمت به سر ببرند. در کلام امیرالمومنین(ع) علت قبول حکومت توسط ایشان این است که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آن‌ها را ملزم کرده که در مقابل پروری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۷)؛ حکومت تقریباً پنج ساله حضرت علی(ع) نمونه‌ای ماندگار از نظام سیاسی اسلام و شیوه زمامداری مبتنی بر دین و عدالت و آزادی را به بشریت ارائه داد که می‌توان با واکاوی بایسته و سنجیده آن، رهیافت‌هایی مطلوب را برای مدیریت جامعه در دنیای کنونی به دست آورد (یوسف زاده، ۱۳۹۵).

لذا لازم است بر این فساد غلبه نمود چرا که فساد اعتماد مردم به دولتش را از بین می‌برد و ثبات سیاسی و هنجارهای فرهنگی و ملی و اجتماعی را متزلزل می‌سازد و از طرفی دیگر این پدیده مسیر بسیاری از پیشرفت‌های اجتماعی و ملی را بسته و هزینه‌های هنگفتی را بر دوش کشورها و در نهایت مردم می‌گذارد، که یکی از مهمترین آن‌ها همان افزایش فاصله طبقاتی (غنی و فقیر) است. از طرفی دیگر در این چند ساله شاهد یکی از بارزترین انواع فساد اداری یعنی اختلاس بوده‌ایم اختلاسی که به دلیل انتخاب مدیران ناشایست و سوءاستفاده از پست و وجاهت دولتی آنان حاصل شده است و مردمان مال‌باخته‌ای که در طلب آنچه قرار بوده سرمایه آن‌ها بوده و آینده‌شان را تضمین نمایند، ناراضی تجمع کرده تحسن می‌کنند و گاهی قیام و شورش بر پا می‌کنند و تمام مطالب مطرح شده گویای این است که در راستای برقراری ثبات عدالت خواهی و مبارزه با ظلم و فساد لازم است مدیرانی شفاف که در راستای «برقراری عدل در جامعه» و «حمایت از محروم و مقابله با ستمگر» و «برقراری نظم و قانون خدا در جامعه بر پایه عدل» و «برقراری امنیت» و «رفع و برخورد با ناامنی» و «کمک به ارتقای سطح دانش بشری» و «توجه به عزت و کرامت انسانی» تلاش می‌کنند، استفاده نمود، که این همان شیوه علی(ع) در حکومت داری و عدالت خواهی و مقابله با ظلم بوده است (دری نجف آبادی، ۱۳۷۹). طراحی سیستم نظارتی و تبیین مولفه‌های آن، برای شناسایی و برخورد با مفاسد اقتصادی مسأله‌ای اساسی در حکومت اسلامی می‌باشد که پیش نیاز آن احصاء انواع و مصادیق مفاسد

اقتصادی است؛ بنابراین مسأله ای که در این تحقیق به آن پرداخت شده است، ارائه چارچوب خط‌مشی رفقاری در مقابله با فساد اداری مبتنی بر مضامین نهج البلاغه و ارائه راهکارهای نظارتی مقابله با آن می باشد. در این رساله مبتنی بر محتوای غنی نهج البلاغه، مصادیق مفسد اقتصادی احصاء شده و سپس راهکارهای پیشنهادی در کلام حضرت علی(ع) برای کنترل و رفع این پدیده شوم در مصادیق مختلف ارائه می شود.

مبانی نظری

در لغت به معنی صراحت وضوح، قابلیت اجرا، انعطاف پذیری، جامعیت، هماهنگی، مستدل بودن، متمایز بودن می باشد و در اصطلاح شامل مجموعه ای از اصول مدونی است که برای هدایت تصمیم و دستیابی به اهداف منطقی طراحی شده است و در سازمان ها راهنمای عملیاتی دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان است.

وظیفه خط‌مشی گذاری بر اساس باید و نبایدهای ارزشی و ایدئولوژی حاکم است که منجر به انجام رفتار بخصوصی در آحاد جامعه شده و باید متناسب با نظام ارزشی حاکم باشد تا بر روح و قلب افراد با بهره گیری از محاسبه و دقت های لازم در اثر گذشته و در نگاهی کلان تر، در اصل سبک زندگی و فرهنگ خاصی در یک جامعه حاکم شده است محصول عوامل بی شماری است.

- فساد: از لحاظ لغوی به معنای تباهی و درهم شکستن یک مجموعه می باشد و به لحاظ از اصطلاحی عبارتند از بدکاری و سو استفاده صاحب منصبان از موقعیت دولتی برای مقاصد شخصی است. فساد در ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری، شامل هر گونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم برای خود یا دیگری با نقض قوانین و مقررات کشوری حاصل نماید که در ازای آن معمولاً به منافع، منابع و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم ضرر و زیانی مالی، وارد می نماید" (آبسالان، ۱۳۹۶).

- فساد اداری: پدیده ای است که نظام اداری تمام کشورها کم و بیش به آن دچار می باشند و می توانند زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم کنند و با آسیب زدن به توسعه، مانع رشد رقابت سالم در سازمان ها می شود و عوامل موثر بر بروز فساد متعدد و چند بعدی همچون: عوامل قانونی، قضایی، بازرسی و نظارتی، اقتصادی و سیاسی را نام برد. فساد، نیروی یکپارچه و متمرکزی نیست که بتوان آن را با راه حلی تک بعدی کنترل کرد، بلکه مستلزم استفاده از راهبردهای کلی نگر و چند بعدی است. راهبردهایی که تمامی ابعاد گفته شده را در برگیرد (حسینی هاشم زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

- **گونه‌های فساد اداری:** پژوهشگران، فساد اداری را در قالب انواع و گونه‌های مختلفی، شناسایی و تقسیم‌بندی کرده‌اند. در آیات قرآن و روایات اسلامی نیز به انواعی از فساد اشاره شده است که معادل آن را در سامانه اداری جامعه می‌توان مشاهده کرد. مفاسدی از قبیل دریافت رشوه، خیانت در امانت، تقلب و غش در معامله، احتکار، رابطه‌گرایی، کم‌فروشی، ربا خواری، اتلاف سرمایه‌های خدادادی، عدم پرداخت سهم بیت‌المال از اموال شخصی، تکاثر، کنز، اسراف و... در ذیل به برخی از رایجترین و شناخته شده ترین مفاسد اداری با استفاده از قرآن و احادیث اشاره می‌شود:

- **ارتشا:** مورد استعمال رشوه معمولاً برای چیزی است که به منظور باطل کردن حق یا اجرای باطلی داده می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵). ارتشا در اصطلاح حقوق جزا، "گرفتن یا قبول (مستقیم یا غیر مستقیم) وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال از سوی هر یک از مستخدمان و ماموران دولتی یا قوای سه گانه و نیروهای مسلح و... به منظور انجام دادن یا ندادن امری که به سازمان‌ها و ادارات فوق الذکر مربوط است" (شاملو احمدی، ۱۳۸۰: ۲۹).

- **رابطه‌گرایی:** خویشاوندگرایی یا گرایش به خاندان و قوم خود در زبان عربی با واژه‌های عصبیت و تعصب بیان می‌شود (مهیار، بی تا). رابطه‌گرایی در علم مدیریت به این معناست که دوستان و خویشاوندان مدیر در خارج از سازمان، ممکن است دوستی و خویشاوندی را با سازمان مد نظر قرار دهند و انتظار داشته باشند که امتیازات ویژه‌ای به آن‌ها تعلق گیرد (خدمتی و دیگران، ۱۳۸۲). گاهی از این امتیازات ویژه به «رانت‌خواری» تعبیر می‌شود؛ یعنی هر نوع استفاده مادی و معنوی که از ارتباطات ویژه و جایگاه و موقعیت مدیر توسط اطرافیان صورت بگیرد و به دلیل آن چیزی که دیگران امکان دسترسی به آن را ندارند به آسانی بتوانند به خود اختصاص دهند (امیری، ۱۳۸۷).

- **تقلب و تزویر:** بسیاری از مفاسد اداری را که امروزه به وقوع می‌پیوندد می‌توان در زیر مجموعه بحث تقلب و کلاهبرداری و تعبیر دینی آن یعنی غش جای داد. "غش در لغت به معنای تقلب و تزویر و خیانت، و در اصطلاح یعنی جنس خوب را با جنس بد مخلوط کردن یا اینکه فروشنده، جنس نامرغوب را به صورت کالای مرغوب عرضه کند به گونه‌ای که مشتری و خریدار نفهمد" (حسینی دشتی، ۱۳۷۶: ۶۱۰).

رویکردهای مرتبط با فساد

علاوه بر توضیحاتی که در بالا ذکر شد، رویکردهای مختلفی که در مورد فساد اداری مطرح شده است، در جدول زیر نشان داده شده است (زرندی و معدنی، ۱۳۹۵: ۹۱).

جدول ۱: رویکردهای مرتبط با فساد اداری (زرندی و معدنی، ۱۳۹۵).

توضیحات	رویکرد مورد نظر
به عبارتی همان رویکرد بازارمحوری است. براساس این رویکرد، فساد اداری به معنای کسب سود از طریق سازوکار عرضه و تقاضا در کار، افزایش مییابد.	رویکرد اقتصادی
بر مبنای این دیدگاه، اقدام و رفتاری که در مقابل منافع عموم صورت گیرد، به عنوان فساد شناخته میشود. به عبارتی فساد، نتیجه‌ی سود خالص گروه‌ها و کارمندان دولت می‌باشد و ضررها متوجه منافع عمومی است.	رویکرد منفعت عمومی
فساد در این دیدگاه یک نوع تابع ورودی برای کشورهای توسعه یافته است و یک زیان و ضرر مهم برای کشورهای توسعه نیافته. یعنی جایی که فساد به عنوان عامل ریسک، کارایی را افزایش میدهد.	رویکرد اصلاحی
بر مبنای این دیدگاه، فساد یک نقض قراردادی می‌باشد که بین کارمندان و دولت اتفاق می‌افتد. نقد مهمی که به این رویکرد وارد میشود این است که، تفاوتی بین فساد کلی و جزئی و فساد به وسیله‌ی قانون و یا از طریق مقامات عالی رتبه، قائل نمیشود.	رویکرد اخلاقی
طرفداران این دیدگاه بر این اعتقاد هستند که، فساد طبق نقطه نظرات عموم، تعریف می‌شود. مشکل اصلی این رویکرد این است که، نظر اکثر مردم را برای اندازه‌گیری فساد که توسط سازمانها رخ می‌دهد، جمع‌آوری می‌کند.	رویکرد مصلحت عمومی

با توجه به بررسی هایی که در مطالعات پیشین، علت ناکارآمدی و ناموفق بودن این الگوها در کشور را می توان در دو عامل جستجو کرد:

- ۱- ساختار اداری این الگوهاست که صرفاً جنبه مدیریتی مبارزه با فساد را مد نظر قرار داده‌اند.
- ۲- با توجه به ماهیت اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران، علت ناموفق بودن الگوها را می‌توان در پایه ریزی نکردن الگوهای موجود براساس آموزه‌های اسلامی نهج البلاغه دانست؛ زیرا علاوه بر جنبه مدیریتی در الگوهای مبارزه با فساد اداری باید به مقوله اعتقادی و فرهنگی گارکنان نیز پرداخته شود (الوانی و همکاران، ۱۳۹۵).

نهج البلاغه

بعد از قرآن، نمیتوان از جنبه سرشار بودن از نکات اخلاقی و تربیتی، کتابی را همسنگ نهج البلاغه سراغ گرفت. کتابی که با تعالیم حیاتبخش راه هدایت را به نیکی به انسان‌ها می نمایاند و آنان را از فرو غلطیدن در دره گمراهی و ضلالت بر حذر میدارد (محقق و صحابت انور، ۱۳۹۶). بر مسلمانان و به ویژه شیعیان واجب است تا علاوه بر کاربرد مفاهیم کتب قرآن و نهج البلاغه در زندگی شخصی و دینی خود، در ابعاد بزرگتر نیز از آموزه‌های غنی آن در ابعاد بزرگتر

اجتماعی استفاده کند. حکمرانی و مدیریت یک کشور در جهت حفظ منافع ملی فراتر از تنها حفظ اراضی و امنیت نظامی آن کشور است. از عوامل بسیار مهم یک حکومت عادل طبق آموزه‌های نهج البلاغه و قرآن، عدالت در تمام جنبه‌های اجرایی و مدیریتی یک حاکم است. عدالت تمام ابعاد اقتصادی، قانونی، فرهنگی و سیاسی را شامل می‌شود که تمام این موارد بر یک ملت اثرگذار است. به واسطه‌ی رعایت الزامات مشخص شده در این منابع است که می‌توان انگیزه، اتحاد و امنیت را در کشور ارتقا داد.

سقوط یک جامعه در نگاه امام علی(ع) به خاطر سقوط هنجارهای اخلاقی و پیشرفت آن به خاطر همین هنجارهاست؛ چنانکه نهج البلاغه، هنگامیکه علت سقوط جامعه روزگار علی(ع) را تحلیل مینماید به مؤلفه‌های اخلاقی اشاره می‌کند. امام علی(ع) یکی از اهداف بنیادی دین را رویکرد اخلاقی و فضیلت محور در تدبیر امور و اداره‌ی ارکان مختلف زندگی می‌داند (نهج البلاغه، نامه ۵). مدیریت قبل از اینکه ریاست باشد خدمتگزاری است. چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند! همین کفش بی ارزش برای من، از حکومت بر شما محبوبتر است. مگر اینکه با این حکومت حق را به پا دارم یا باطلی را دفع کنم (نهج البلاغه، خطبه ۳۳). بنابراین در اسلام مدیریت، بیشتر هدایت کردن است تا قدرت نمایی. (جعفری، ۱۳۶۰).

با توجه به این گفته‌ها، هدایت باید به دور از فساد باشد تا خدمتگزاری به نحوی احسن صورت پذیرد و از سقوط جامعه به دلایل مختلفی که تحت تأثیر فساد اداری و خدمتگزاران بوده است، جلوگیری شود.

خط‌مشی‌های رفتاری نهج البلاغه در مورد فساد

ارزش‌های دینی آگاهانه یا ناآگاهانه تأثیر بسزایی در رفتار و قضاوت‌های اخلاقی دارند. مطالعات متعددی رابطه بین مذهب و فساد را نشان می‌دهد (تریمن^۱، ۲۰۰۰؛ سراً^۲، ۲۰۰۶؛ سامر و همکاران^۳، ۲۰۱۳). طبق نظر تریمن (۲۰۰۰)، مذهب ممکن است از طریق شرطی کردن نگرش نسبت به سلسله مراتب اجتماعی بر هزینه درک شده اعمال فاسد، تأثیر بگذارد. هنگامی که ادیان سلسله مراتبی، مانند کاتولیک یا اسلام، تسلط دارند، چالش‌ها برای صاحبان مناصب، نادرتر از جوامعی است که دین برابرتر، مانند پروتستانیسم، غالب است. مذهب همچنین میتواند بر وفاداری به خانواده در مقایسه با سایر شهروندان تأثیر بگذارد و بر سطوح خویشاوندی تأثیر بگذارد. آگاهی از این تفاوت‌ها به تصمیم‌گیری بهترین رویکرد رفتاری برای مقابله با فساد کمک میکند (تریمن، ۲۰۰۰).

همانطور که از بررسی مفاهیم و مضامین نهج البلاغه برمی‌آید، حضرت علی (ع) در این کتاب ارزشمند به اصول اخلاقی و رفتاری زیادی برای پیشگیری، درمان و مبارزه علیه فساد اشاره کرده‌اند که در قسمت‌های قبل به آنها اشاره شده است. یکی از ابعاد مهمی که ایشان در مواجهه با فساد به آن اشاره کرده‌اند، وجود کارگزاران صادق و درستکار در بین مسئولین حکومتی و دولتی است؛ باید متذکر شد که یکی از رویکردهای مهم در خط‌مشی رفتاری نیز توجه به یک رهبر درستکار، صادق، متعهد و وفادار و استقرار فرهنگ صداقت در بین سازمان‌های دولتی می‌باشد. همچنین امیرالمومنین در نامه‌ها و خطابه‌های خود به کارگزاران حکومتی، به صورت دائمی متذکر شده‌اند که باید انگیزه‌های مادی و معنوی کارمندان را در نظر داشته باشید. بر همین اساس هم خط‌مشی‌های رفتاری و رویکردهای رفتاری نیز در مورد مبارزه علیه فساد به تقویت انگیزه‌های درونی و مادی توجه ویژه دارد.

پیشینه تحقیق

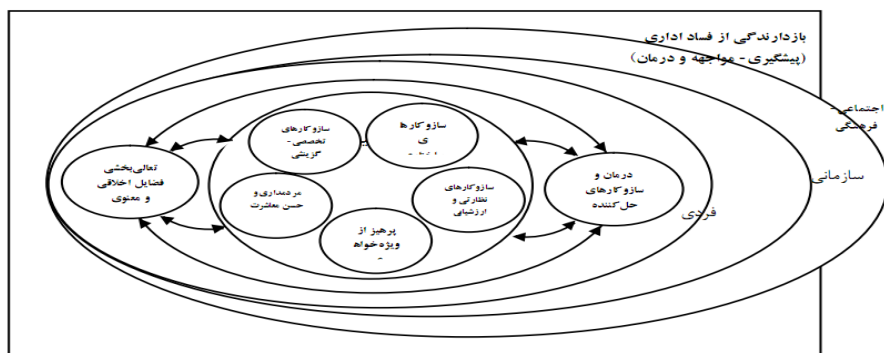
تاکنون در خصوص فساد اداری تحقیقات زیادی به عمل آمده ولیکن تا به امروز هیچ موردی (یا با اشاره‌ای بسیار کوتاه در متن در موارد بسیار معدودی) نبوده که با در نظر گرفتن خط‌مشی‌های رفتاری و در نظر گرفتن موارد رهایی بخش و زندگی بخش و عدالت خواه نهج البلاغه به آن پرداخته شده باشد؛ لذا می‌توان اشاره کرد که، این اولین تحقیق است که با رویکردی آمیخته در این راستا حاصل شده است و امید است نتایج مطلوبی نیز از آن حاصل شده تا بتوان بر این مشکل در کشور، غلبه و حفره‌های خالی آن را پر نمود.

کمالی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان، فراترکیب سازوکارهای پیشگیری و مبارزه با فساد اداری در ایران، به شناسایی و دسته بندی سازوکارهای پیشگیری و مبارزه با فساد اداری در ایران بر اساس فراترکیب پژوهش های منتشرشده در سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۶ پرداختند. مقوله بندی این سازوکارها بر اساس هشت شاخص نظریه حکمرانی خوب و دو شاخص نظام ملی درستکاری انجام شده است. این مقوله ها عبارت اند از مشارکت، شفافیت، حکومت قانون، مسئولیت پذیری، توافق عمومی، عدالت و برابری، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی، رسانه و نظارت می باشند که دربرگیرنده تعداد دویست و سه سازوکار پیشگیری و مبارزه با فساد هستند.

بیگی نیا و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان، تبیین عوامل موثر بر ایجاد فساد اداری از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه و ارائه راهکارهایی برای مبارزه با آن، به بررسی و ارائه راهکارهایی برای مبارزه با فساد اداری پرداختند. در این مقاله از روش تحقیق کیفی و تحلیل محتوا استفاده شده است. مفاهیم به دست آمده عبارتند از: دورویی و دروغگویی حاکمان، پیروی

از هوای نفس و دنیاپرستی، رباخواری و بی توجهی به مال حرام، عدم حق محوری و ستم گستری، عدم مشورت و قضاوت نادرست، غرور و خودستایی، نافرمانی از دستورات رهبر، بی توجهی به بیت المال، خویشاوندسالاری، عهدشکنی حاکمان، نادانی و بی عقلی حاکمان، خشونت ورزی، ترسو بودن و عدم شجاعت، رشوه گیری و عدم وحدت است.

الوانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان، طراحی مدل بازدارندگی فساد اداری با اتکا به آموزه‌های نهج البلاغه، به بررسی و طراحی مدل بازدارندگی فساد اداری با اتکا به آموزه‌های نهج البلاغه پرداختند. روش این تحقیق، کیفی از نوع اکتشافی بوده است. بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون، تعداد ۴۰۲ تم فرعی با رعایت اصل معناشناسی در سه طبقه ی تعالی بخشی، پیشگیری و درمان در خصوص بازدارندگی از فساد اداری استخراج شد. درصد فراوانی تمهای فرعی در طبقه ی تعالی بخشی: ۷.۱۷ درصد، پیشگیری: ۸.۷۳ درصد و درمان: ۵.۸ درصد بود. سپس با توجه به همپوشانی‌ها، تم‌های فرعی به ۴۰ تم اصلی تلخیص و در نهایت، در هفت محور دسته بندی شدند. مدل به دست آمده در این پژوهش به شکل زیر است.



شکل ۲-۱۶: مدل بازدارندگی فساد اداری با اتکا به آموزه‌های نهج‌البلاغه. (الوانی و همکاران، ۱۳۹۷).

ویزمل مانور و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود با عنوان، آیا فساد باعث فساد می شود؟ اثرات رفتاری مواجهه میانجی با فساد، به بررسی فساد و پیامدهای جبرانناپذیر آن پرداختند. از نظر آنان فساد یک پدیده پیچیده و گسترده با اثرات زیانبار اقتصادی و اجتماعی است. این مطالعه با تکیه بر نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی و ارتباطات، تأثیرات مستقیم و مشترک مواجهه میانجی شده با فساد بزرگ و وجود انگیزه‌های پولی را بر احتمال مشارکت افراد در رفتارهای غیرصادقانه بررسی می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که ایجاد انگیزه در پیش‌بینی احتمال تقلب بسیار مؤثر بود در حالی که قرار گرفتن در معرض اخبار در معرض فساد مؤثر نبود. داده‌ها همچنین نشان می‌دهند که تقلب در میان گروه‌های اجتماعی جمعیت‌شناختی خاص،

شایع‌تر است.

موراماتسو و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان تصویر بزرگ فساد: پنج درس از اقتصاد رفتاری، به موضوع فساد و بررسی آن از نگاه اقتصاد رفتاری پرداختند. نقطه عزیمت این مقاله این حدس است که جستجو برای تصویر بزرگ فساد در دنیای واقعی نیازمند تحقیقات و ابزارهای سیاستی جدید است که از نظر روان‌شناختی واقعی‌تر از قضاوت و تصمیم‌گیری فردی استفاده می‌کنند. با توجه به ادبیات رو به رشدی که به نقش اصلی سوگیری شناختی و هنجارهای اجتماعی در رفتارهای فاسد اشاره می‌کند، محققین بر ارائه و بحث در مورد پنج درس اصلی از اقتصاد رفتاری تمرکز کرده‌اند که بحث ضد فساد را غنیر می‌کند.

فلیسیانو لینو و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان، مبارزه با فساد یا حمایت از آن؟ به بررسی مبارزه با فساد با توجه به نقش سازمان‌های حسابرسی بخش دولتی برزیل اشاره کرده است؛ شواهد حاکی بر این است که گاهی این سازمان‌ها خود به فساد دامن زده و از آن حمایت می‌کنند و یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که چگونه منافع خصوصی نخبگان سیاسی-اقتصادی از طریق انتصاب مقامات عالی رتبه به دادگاه‌ها نفوذ می‌کند و چگونه این مقامات ممکن است به انواع اقدامات جهت تقویت و حمایت از فساد دست زنند.

صالحوند و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان راهبردهای فساد و مبارزه با فساد در ایران: مروری بر اقدامات پیشگیرانه به بررسی راهبردهای مختلف مبارزه با فساد که برای مبارزه با جرایم اقتصادی و مالی در بخش دولتی و خصوصی در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد، پرداختند. این مقاله اساساً بر یک منبع ثانویه اطلاعات تکیه دارد. مطالب مورد استفاده به شیوه‌ای التقاطی از رسانه‌های منتشر شده مانند نشریات مجلات، کتابها، منابع آنلاین و گزارشهای روزنامه جمع‌آوری شده است. همچنین از اسناد رسمی و اساسنامه نیز استفاده شد. دامنه این مطالعه به مسائل و تحلیل‌های مربوط به اقدامات اتخاذ شده برای مبارزه با فساد در ایران محدود شده است. چارچوب‌های قانونی و نهادی تحلیل شده نشان داد که ایران یک طرح قوی ضد فساد دارد. با این حال، هیچ معیار کافی برای سنجش اثربخشی این اقدامات وجود ندارد.

همانطور که شواهد تجربی و مطالعات زیاد نشان می‌دهد، پدیده فساد عمری به درازای ایجاد دولت‌ها و حکومت‌ها دارد. فساد اقسام و انواع مختلفی دارد و یکی از مهمترین آنها که در بدنه‌ی دولت‌ها رخنه می‌کند، فساد اداری می‌باشد که خود آن نیز انواع مختلفی دارد. تجربه نشان می‌دهد که پیامدهای فساد اداری میتواند مخرب و آسیب‌زننده باشد. از جمله پیامدهای منفی آن می‌توان به عدم اعتماد مردم به حکومت، بروز اختلال در کل نظام اداری دولت، سبب فاصله

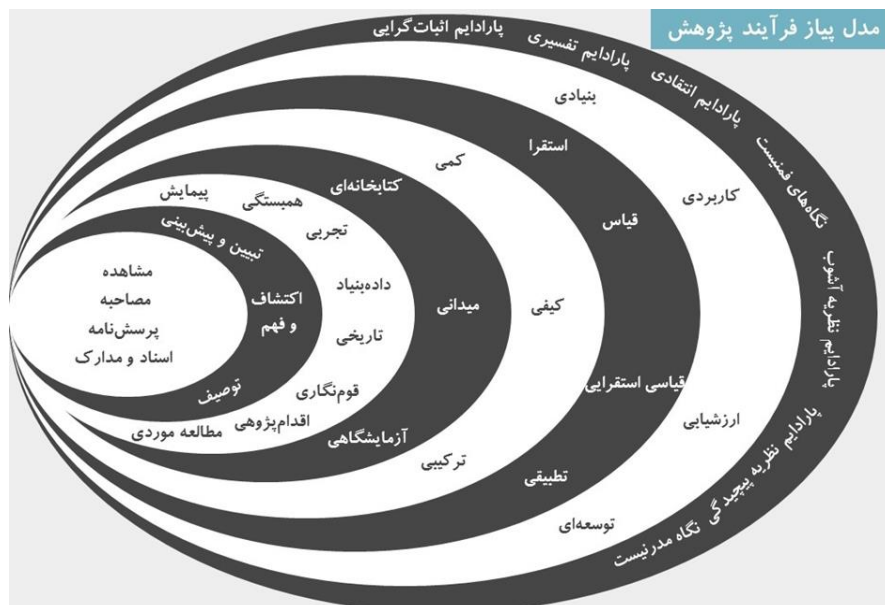
گرفتن از اهداف و خطمشی‌های دولتی، هدررفتن منابع ملی و عدم دسترسی افراد کم درآمد به خدمات اولیه و... اشاره کرد.

با توجه به نتایج بسیار هولناک فساد، باید گفت که حکومت‌ها همیشه به دنبال راهی برای پیشگیری، مقابله و از بین بردن فساد بوده‌اند. البته باید اشاره کرد در هیچ کشوری، فارغ از توسعه یافته و یا توسعه نیافته، نمی‌توان فساد را به صورت کامل از بین برد. به عبارتی اینکه برنامه‌ها، طرح‌ها و استراتژی‌های ضد فساد بتوانند تا حدودی از شیوع فساد جلوگیری کرده و آن را کنترل کنند، دست‌آورد بزرگی است، چراکه، تلاش برای حذف کامل فساد هم از نظر منابع و هم از راه‌های دیگر بسیار پرهزینه خواهد بود. از جمله اصلاحات و راهکارهایی که برای مبارزه علیه فساد صورت می‌گیرد می‌توان به اصلاحات ساختاری در نظام اداری، افزایش آگاهی عمومی در مورد آثار فساد، ایجاد شرایط نظارت عمومی بر دستگاه‌های دولتی، خصوصیسازی، ترمیم حقوق و مزایای کارمندان، نظارت بر میزان مصرف، ثروت و سطح زندگی کارمندان به خصوص در سطح مدیران عالی سازمان، آزادی بیان مطبوعات، جلوگیری از فساد استخدامی و... نام برد. اما متأسفانه نمی‌توان گفت که همه‌ی این طرح و برنامه‌ها توانسته‌اند موفقیت چشمگیری علیه فساد داشته باشند. باید اشاره کرد که یکی از مهمترین دلایل این شکست‌ها به اشتباهات خود مدیران و عدم کسب تجربه از گذشته باز می‌گردد. در نهایت باید اشاره کرد که فساد اداری و معضلات این چنینی از بدو تأسیس دولت‌ها و حکومت‌ها وجود داشته و حضور ملموسی را به خود اختصاص داده‌اند. در چنین شرایطی بدیهی است که مطالعات و بررسی‌های زیادی در رابطه با فساد اداری توس محققین و اندیشمندان صورت گیرد. همچنین باید متذکر شد که در نظر گرفتن مضامین الهی و کتب دینی و سخنان ائمه اطهار همیشه به عنوان نوری برای روشن کردن مسیر حکومتداری و جلوگیری از بروز فساد در دستگاه‌های دولتی مورد توجه بوده‌اند. کتاب نهج‌البلاغه که به عنوان یک کتاب کامل حکومتداری اسلامی شناخته می‌شود، از این قائده مستثنی نیست. لذا باید گفت در این رابطه نیز بررسی‌های زیادی انجام شده است. اما موضوع خطمشی‌های رفتاری و مفهوم تلنگر، خود یک موضوع نوین و جدیدی است که در چند سال اخیر مورد توجه صاحب‌نظران علوم سیاسی و علوم رفتاری قرار گرفته است. همچنین توجه به این خطمشی‌های رفتاری در پیشگیری و مبارزه با فساد اداری موضوع بسیار جدیدی است که در سطح کشور و شاید بتوان گفت در سطح جهان پژوهشی با این مضمون صورت نگرفته است و انجام این پژوهش می‌تواند تا حدودی شکاف نظری آن را کاهش دهد. یکی دیگر از نوآوری‌های این پژوهش توجه به خطمشی‌های رفتاری با توجه به کتب اسلامی و به طور ویژه کتاب نهج‌البلاغه است. امید است با انجام این پژوهش و توجه به نکات گفته شده، این شکاف کمرنگتر شده و کورسویی برای محققین در آینده باشد. به علاوه باید اشاره کرد که با توجه به روش انجام پژوهش که

تحلیل محتوا می‌باشد، محقق می‌تواند کدها و مضامین مورد نظر خود را تا حدود زیادی از ادبیات این فصل استخراج نماید. اگرچه برای کاملتر شدن مفاهیم و پژوهش حاضر باید در فصل چهارم به بررسی‌های بیشتر پرداخته شود ولی ادبیات موجود در این فصل پژوهش می‌تواند کمک شایانی به محقق کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع آمیخته، کیفی و کمی می‌باشد. همچنین از منظر هدف، اکتشافی بوده و از منظر ماهیتی، توصیفی می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از نظر ماهیت و شیوهی جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی - پیمایشی است. از نظر آماری این پژوهش به دلیل استفاده از پرسشنامه برای جمع‌آوری نظرات جامعه‌ی آماری، پیمایشی است و در شمار پژوهش‌های آماری قرار می‌گیرد؛ و چون به مطالعه‌ی آنچه هست می‌پردازد، توصیفی است؛ و با توجه به اینکه می‌توان نتایج حاصل از این پژوهش را در جهت ارائه چارچوب خط‌مشی رفتاری در مقابله با فساد اداری، به کار برد، کاربردی است. با استفاده از پیمایش پژوهش می‌توان در یک نگاه کلی، جهان‌بینی، رویکردهای پژوهش، روشهای پژوهش، افق زمانی پژوهش و رویه‌های جمع‌آوری داده‌ها را مشاهده کرد. در لایه اول، پارادایم مورد نظر در این پژوهش، تفسیری است. در لایه دوم، در این پژوهش نوع کاربردی مورد نظر محقق می‌باشد. در لایه سوم، در این پژوهش رویکرد قیاسی - استقرایی مورد نظر محقق است. در لایه چهارم روش انجام پژوهش مد نظر است که در این پژوهش، روش ترکیبی مورد توجه محقق است. در لایه پنجم روش گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی گردآوری می‌شوند. در لایه ششم محقق، استراتژی مورد نظر محقق استراتژی تحلیل مضمون (تم) را در نظر دارد. لایه هفتم نیز، نشان دهنده اهداف پژوهش است. براساس این لایه، هر کدام از این استراتژیها اهداف غایی خاصی دنبال میکنند. استراتژی‌های کمی در پی توصیف و تبیین؛ استراتژی‌های کیفی به دنبال مکاشفه و فهم و استراتژی‌های ترکیبی با توجه به نوع طرح، توصیف و تبیین، فهم و اکتشاف را همزمان دنبال می‌کند و پژوهش حاضر از نوع ترکیبی است. لایه آخر نیز ابزارها و شیوه‌های گردآوری داده‌ها می‌باشد که محقق در این پژوهش از اسناد، مدارک، کتب و مقالات مرتبط استفاده می‌نماید.



جامعه آماری تحقیق یا محیط تحقیق با توجه به عنوان تحقیق ارائه چارچوب خط‌مشی رفتاری در مقابله با فساد اداری مبتنی بر مضامین نهج‌البلاغه، با توجه به انتخاب روش تحقیق (اسنادی - کتابخانه‌ای) کتابخانه‌ها و سایت‌ها و پایگاه‌های علمی محیط تحقیق به شمار می‌آید. محتوای مورد استفاده در تحقیق شامل کلیه اسناد مکتوب در حوزه چارچوب خط‌مشی رفتاری در مقابله با فساد اداری مبتنی بر مضامین نهج‌البلاغه، در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ خواهد بود. روش نمونه‌گیری هدفمند و مبتنی بر ملاک خواهد بود یعنی به انتخاب مواردی (مقالات، کتاب‌ها، رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها) مبادرت ورزیده می‌شود که بتواند بیشترین اطلاعات را ارائه دهند و با موضوع همخوانی و ارتباط بیشتری داشته باشند (کرسول، ۱۳۹۸).

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از اسناد و مدارک موجود، از تکنیک تحلیل تم استفاده شده است. در این پژوهش کدهای اولیه‌ی مربوط به مبارزه با فساد اداری با رویکرد خط‌مشی رفتاری و براساس تعالیم نهج‌البلاغه، از روش تحلیل تم یا مضمون استفاده خواهد شد. در این پژوهش در ابتدا مصاحبه‌های نیمه ساختیافته طراحی می‌شود و سپس به خبرگان و مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌گردد و بعد از آن، مصاحبه‌ها به صورت متنی تهیه شده و تحلیل مضمون با نرم‌افزارهایی مانند نرم‌افزار Maxqda و استخراج شاخص‌های اولیه صورت می‌گیرد. در نهایت زمانی که محتواهای اصلی و شاخص‌های اصلی استخراج شد، مدل نهایی

استخراج می‌شود و بعد از آن و براساس شاخص‌ها و محتواهای نهایی، پرسشنامه‌ی محقق ساخته طراحی شده و در اختیار پاسخ‌دهنده‌ها قرار می‌گیرد و با استفاده از معادلات ساختاری روایی و پایایی پاسخ‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

برای آشنایی با عمق و گستره داده‌ها، روایت‌های مشارکت کنندگان چندین مرتبه مطالعه شد و محققان با بازخوانی مکرر و جستجوی معانی ضمن برقراری ارتباط با روایات، با داده‌های جمع‌آوری شده آشنا شدند. سپس با مطالعه مجدد هر مصاحبه، جملات و کلماتی که مستقیماً با موضوع مورد مطالعه مرتبط بود، به صورت کد اولیه در نرم‌افزار ثبت شد و هر متن هر مصاحبه چندبار مورد بررسی قرار گرفت. سپس کدهای مشخص شده مجدداً مطالعه و مورد بررسی قرار گرفت سعی گردید با توجه به معانی زیربنایی، هر کد گروه‌بندی شود. کدها تقسیم بندی شدند. سپس برای هر گروه، نامی تعیین شد. در مرحله دوم یعنی ساختن مضامین سازمان دهنده، مجموع کدهای توصیفی حاصل از مرحله اول در دسته‌های مرتبط به هم قرار گرفتند، در مجموع 22 کد فرعی در این مرحله بدست آمد که در ادامه و قسمت‌های بعدی با استفاده از آنها به ساختن مضامین سازمان دهنده اقدام خواهد شد.

جدول ۲: شناسایی مضامین سازمان دهنده

ردیف	مضامین سازمان دهنده	کدهای اولیه تشکیل‌دهنده هر یک از آنها
۱	انتخاب، جذب و نگهداشت مناسب	حقوق و مزایای کافی / میزان تنبیه و پاداش / پست دادن به فرومایگان / برکناری فاضلان / انتخاب خیرخواهان /
۲	ایجاد انگیزه و تمایل	پاکدامنی / ایجاد انگیزه / افزایش کیفیت زندگی /
۳	اصول اخلاقی	اصراف در غذاهای رنگارنگ / جفا به مستمندان / ارتباط با توانگران / محروم سازی افراد از حقشان / گرفتن رشوه / عدم چاپلوسی / عدم ساخت و پاخت و تبانی / زهد و پاکیزگی / عدم چاپلوسی و حسادت / عدم نفرت به یکدیگر / پرهیز از تزییر و اسراف / عدم ستمکاری / عدالت به عنوان پایه و اساس / یاور مظلومان / تدبیر بد / تبزیر زشت / مغرور شدن / عدم پیروی از طمع / چسبیدن به اصول / صبر و استقامت / تحمل و مدارا / امانت و خیرخواهی /
۴	ارزشیابی و ارزیابی عملکرد	کنترل و نظارت کارگزاران / کنترل دقیق / شاخص های بازرسان / حساسی /

ردیف	مضامین سازمان دهنده	کدهای اولیه تشکیل‌دهنده هر یک از آن‌ها
۵	عملگرایی	حضور در میدان/عمل آموزشی/ خود آموزی/ خود سازی/ امانت بودن عمل/شخصاً انجام دادن امور/
۶	ارتباطات اثربخش	نتیجه محوری/اطلاع رسانی/ مذاکره/ ارتباطات رو در رو/ درست سخن گفتن و معاشرت مناسب/ دور سازی پاسبانان و محافظان/
۷	شایسته سالاری	چانشین پروری/ بکار گیری شایستگان/ عدم تبعیض/ پرهیز از اختصاص همه چیز به خود/ انتخاب شایستگان/ انتخاب درست وزیران/
۸	تخصص گرایی	علم آموزی/بکار گیری نظر اندیشمندان/آگاهی به امور قراردادهای/تعهد و تخصص/ اهمیت علم آموزی/ مقام والای دانشمندان/ کسب دانش فراوان
۹	فرهنگ سازی	عبرت آموزی/ مسئولیت های همگانی/ مسئولیت های اجتماعی/ آزمایش و عبرت آموزی
۱۰	تعهد و مسئولیت	انجام وظایف/ بازخواست در خصوص زیر دستان / پاسخ به کارگزاران دولت / جواب دادن به حاجات/مسئول زیر دستان/
۱۱	چارچوب های قانونی	کیفر به مقدار خیانت/ سخت گیری در صورت خیانت به مسلمانان/ضایع نکردن اصول و چسبیدن به اصول/وضع قوانین و مقررات در معاملات/ انضباط اداری/
۱۲	رهبری	فریبکاری پیشوایان/توان انجام وظایف/ توانایی اندیشه و تفکر/ صفات والی جامعه / اهل سازش و کرنش/ زمامدار صالح / سابقه نیکو / توانایی مدیریت و اداره سپاه/ قاطعیت در اجرا /
۱۳	عدالت و اصلاح	رعایت مساوات/ گرفتن داد مظلوم/تقسیم مساوی اموال/ عدالت به عنوان پایه و اساس/قوام جامعه /پایه و اساس/ عدالت به مانند پیروزی و کرامت / سختی کار ستمگران/احیات احکام الهی/برترین خصلت ها / بکارگیری عدالت/ پرهیز از زورگویی/ بکارگیری عدالت/ظلم ستیزی/حق گرایی/ موازن عدالت /
۱۴	استاندارد های اقتصادی	بهبود اقتصاد و رفاه/ تقسیم درست بیت المال/ مجازات مجرمان اقتصادی/ اطلاع رسانی / رفاه اقتصادی /
۱۵	تعالی بخشی	تحولات عظیم /تجربه گرایی/کمال گرایی /
۱۶	مشورت و همکاری	گفتگو با اندیشمندان و بزرگان/

ردیف	مضامین سازمان دهنده	کدهای اولیه تشکیل‌دهنده هر یک از آن‌ها
۱۷	ارزش‌ها و باور‌ها	ویژگی‌های متقین/اهل تقوا/ شوق رسیدن به ثواب/ اعتدال و میانه‌روی در کارها/ خدا محوری/ آخرت‌گرایی /
۱۸	اعتماد‌سازی	ایجاد فضای روشن و شفاف / اعتماد به افراد امانت‌دار/ اعتماد بر اساس حسن شهرت افراد/ گزینش افراد مورد اعتماد /گزینش افراد مورد اعتماد / دور‌سازی پاسبانان و محافظان/ اعتماد به افراد با اخلاق/
۱۹	کاهش هزینه‌ها	پرهیز از اسراف/ قرض‌الحسنه/
۲۰	آموزش و توانمندسازی	شرکت در مجامع عمومی/ برگزاری جلسات /آموزش امور به زیردستان/ آگاهی به امور قراردادهای/آموزش‌های اخلاقی به وزیران/خودمدیریتی/
۲۱	حکمرانی خوب	گشایش در اجرای عدالت/بکارگیری افراد با شخصیت و اصیل/درستکاری کارگزاران/ انعطاف‌پذیری
۲۲	زیربنای نهادی سالم	فساد سیاسی/

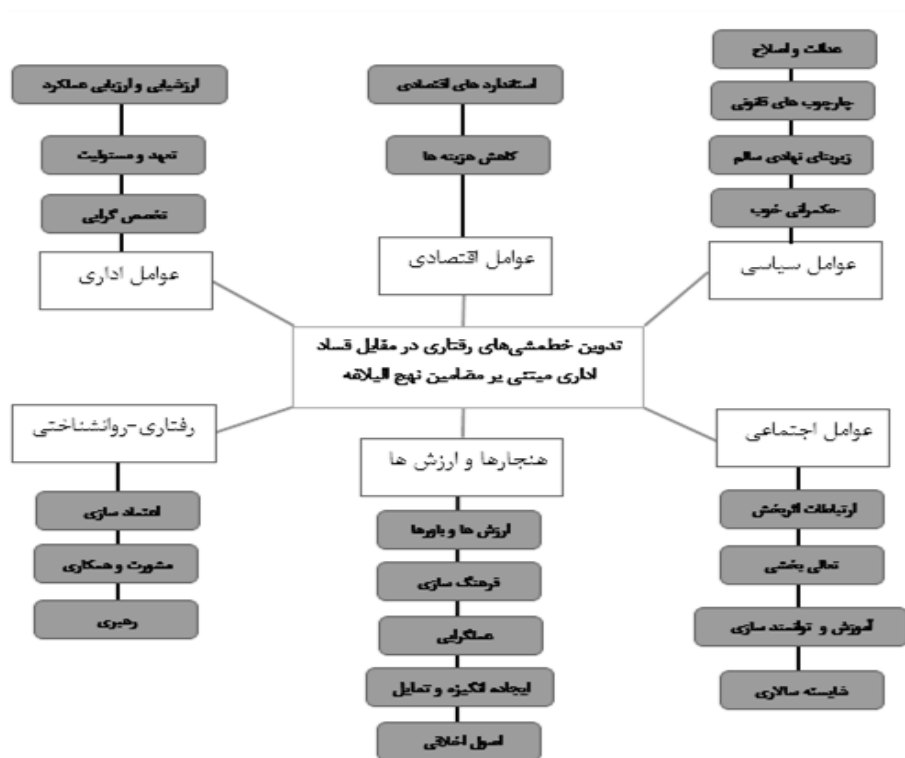
مقوله‌های مشابه و مقارن در تم‌های اصلی جای گرفتند بر اساس اشتراک مفهومی که مقولات با یکدیگر داشتند، تم‌ها، به شکل مفاهیم انتزاعی تری استخراج شدند. پس از مقایسه مقولات گروه‌بندی شده، مقولات مرتبط با یکدیگر در یک مضمون کلی دسته‌بندی شدند و بر اساس عناوین موجود در نظریه‌های مرتبط یا مفاهیم برخاسته از ادبیات تحقیق، عناوین کلی برای این مضمون‌ها در نظر گرفته شد. پس از استخراج مضامین، در کدگذاری ثانویه با مقایسه مفاهیم، موارد مشابه و مشترک در قالب مضمونی واحد قرار می‌گیرد؛ بنابراین انبوه داده‌ها (کدها - مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابد. در ادامه و در جدول ۳ مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده آورده شده است. شش مضمون اصلی سیاسی، اداری، اقتصادی، اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها، رفتاری -روانشناختی با توجه منابع موجود به عنوان مضامین فراگیر شناسایی شدند.

جدول ۳: مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر تشکیل دهنده آن

مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
حکمرانی خوب	عوامل سیاسی
زیربنای نهادی سالم	
چارچوب های قانونی	
عدالت و اصلاح	
تخصص گرایی	عوامل اداری
ارزشیابی و ارزیابی عملکرد	
تعهد و مسئولیت	
استاندارد های اقتصادی	عوامل اقتصادی
کاهش هزینه ها	
ارتباطات اثربخش	عوامل اجتماعی
تعالی بخشی	
آموزش و توانمند سازی	
شایسته سالاری	
ارزش ها و باورها	هنجارها و ارزش ها
فرهنگ سازی	
عملگرایی	
اصول اخلاقی	
ایجاد انگیزه و تمایل	
اعتماد سازی	رفتاری - روانشناختی
مشورت و همکاری	
رهبری	

در مرحله‌ی سوم تحلیل داده‌ها، مضامین سازمان دهنده که در مرحله قبل بدست آمدند و با توجه به ادبیات موضوع و حساسیت نظری، شش مضمون اصلی و بیست و دو مضمون سازمان دهنده (فرعی) تخصیص داده شد، که الگویی برای خط‌مشی‌های رفتاری در مقابل فساد اداری مبتنی بر مضامین نهج البلاغه در قالب شبکه‌ی ای از مفاهیم ارائه گردید.

با مطالعه داده‌ها و اطلاعات استخراج شده در نهایت، ۱۳۴ کد (مفهوم اولیه)، ۱۳۴ مضامین پایه، ۲۲ مضامین سازمان دهنده و ۶ مضمون فراگیر شناسایی شدند که این مضامین و مفاهیم عمدتاً از نهج البلاغه و از طریق بررسی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و آرشیوی بدست آمدند، این مضامین بارها توسط محقق بازبینی و اصلاح شد و مضامین مشابه و یکسان در یک دسته قرار گرفتند. در پژوهش حاضر با مرور و بازبینی مضامین و انجام طبقه‌بندی‌های گوناگون، سرانجام محقق به شبکه مضامینی شامل مضمون اصلی خط‌مشی رفتاری، ۲۲ مضمون سازمان دهنده و ۶ مضمون فراگیر دست یافت که در شکل شماره ۲، مشخص شده است.



شکل ۲، نمودار نهایی تدوین خط‌مشی‌های رفتاری در مقابل فساد اداری مبتنی بر مضامین نهج البلاغه

نتیجه گیری

هدف از تحقیق حاضر ارائه چارچوب خط مشی رفتاری در مبارزه با فساد اداری، مبتنی بر مضامین نهج البلاغه بود. براساس نتایج تحقیق عوامل سیاسی، عوامل اداری، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، هنجارها و ارزش ها و رفتاری-روانشناختی در مبارزه با فساد اداری موثر هستند. در تبیین یافته ها تحقیق می توان گفت که مبارزه با فساد و انحرافات اجتماعی، یکی از اصول و اهداف اساسی دین مبین اسلام است. براین اساس، آموزه های دینی، سرشار از راهکارها و راه حل های پیشگیری از بروز فساد در جامعه و مبارزه با آن می باشد؛ چنانکه پیامبران الهی و پیشوایان دین، در عمل نیز اهتمام جدی به این امر داشته اند. فساد به سوءاستفاده از موقعیت و منصب خود برای رسیدن به منفعت تعبیر می شود. در این رابطه منفعت ممکن است هم در حوزه اداری و هم سیاسی مدنظر باشد. فساد اداری و سیاسی رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند و فرد یا گروه را در یک حوزه درگیر می کنند و ممکن است به حوزه دیگر نیز بکشاند.

در این مقاله ابتدا همه خطبه ها و بعضی از نامه ها و حکمت های مرتبط در دو محور فساد اداری و راهکارهای نظارتی مقابله با فساد اداری مطالعه و بر اساس واژگان کلیدی مرتبط با موضوع فیش برداری شد. سپس با قرار دادن موارد یافت شده ذیل یکی از عناوین و مصادیق مفاسد اداری و یا راهکارهای مقابله ای به طبقه بندی موضوعات پرداخته شد. به طور کلی پایبندی های مذهبی و اخلاقی در افراد می تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در جلوگیری از فساد اقتصادی و اداری عمل کند. وقتی که این پایبندی های مذهبی که نقشی اساسی در پیشگیری از فساد دارند همراه با اخلاق کاری و حرفه ای، وجدان کاری، جلوگیری از روحیه مادیگرایی و مصرف گرایی در افراد باشد بیشتر می تواند در کنترل فساد مؤثر باشد. فساد اداری ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است که شناخت فراگیر این عوامل شرط لازم برای طراحی نظام های کنترلی است. تطور در کلام امیرالمومنین (علیه السلام) و همچنین توجه به سیره حضرت (علیه السلام) نکات مهمی را مشخص می نماید که می تواند در نظام سازی موثر باشد. هم اکنون یکی از نیازهای اساسی نظام اسلامی شناخت مصادیق مفاسد اقتصادی و ارائه راهکارهای نظارتی کاهش آن می باشد که این راهکارها گاهی در مقام پیشگیری از فساد مالی است و گاهی در مقام مقابله با فساد مطرح می شود؛ در این مقاله ضمن مرور ادبیات فساد اداری و همچنین موضوع نظارت و کنترل، موضوع اصلی پژوهش که شناسایی مصادیق فساد اداری و طبقه بندی آن و ارائه راهکارهای کنترلی آن مبتنی بر نهج البلاغه می باشد واکاوی شده است.

براساس یافته های تحقیق یکی از راهکارهای سالم سازی محیط اداری، احیای عوامل

رفتاری و روانشناختی در آن است. عوامل رفتاری در سازمان، ارتباطات اثربخش را به وجود می‌آورد و موجب بهره‌وری سازمانی و رضایت شغلی در کارکنان و در نهایت، موجب تعالی و پیشرفت سازمان می‌شود. یکی از مشکلات ما این است که عوامل رفتاری هیچ‌گاه در حوزه حرفه و شغل مطرح نبوده است؛ در حالی که آموزه‌های دینی به عوامل رفتاری، هم در حوزه فردی و هم در حوزه حرفه‌ای توجه دارد. در هر حال می‌توانیم تا فرهنگ عمومی جامعه دچار تحول و توسعه شده و ارزشهای رفتاری به طور واقعی جایگزین ناهنجاری‌ها شود و ضمن اصلاح عوامل اداری، نظامات کنترلی کارآمدی مسلط شده و با مفسدان اداری بدون اغماض برخورد شود. به طور کلی پابندی‌های مذهبی و اخلاقی در افراد می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در جلوگیری از فساد اقتصادی و اداری عمل کند. وقتی که این پابندی‌های مذهبی که نقشی اساسی در پیشگیری از فساد دارند همراه با اخلاق‌کاری و رفته‌ای، وجدان‌کاری، جلوگیری از روحیه مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی در افراد باشد بیشتر می‌تواند در کنترل فساد مؤثر باشد.

فساد اداری ناشی از عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اداری، روانی-روانشناختی و ناهنجاری‌ها و ارزش‌ها می‌باشد که شناخت فراگیر این عوامل شرط لازم برای طراحی نظام‌های کنترلی است. دقت در سخنان امیرالمومنین (علیه السلام) نکات مهمی را مشخص می‌نماید که می‌تواند در نظام‌سازی مؤثر باشد. تحقیقات الوانی و همکاران (۱۳۹۶)، زرندی و همکاران (۱۳۹۵)، مختارزاده (۱۳۹۴)، ابوالحسنی رنجبر و همکاران (۱۳۹۶)، رضائیان و همکاران (۱۳۹۳)، قادری و همکاران (۱۳۸۸)، چی اوبرتی (۲۰۲۱)، مختارزاده (۱۳۹۴)، جوزی (۱۳۹۵) مطالعات الوانی و همکاران (۱۳۹۷)، مختارزاده (۱۳۹۴)، رضائیان و همکاران (۱۳۹۳)، موراماتسو و همکاران (۲۰۲۱)، گورسیرا و همکاران (۲۰۱۸)، گامز گوتیرز، و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد که تحقیقات ذکر شده با یافته‌های پژوهش همراستا بوده و تایید می‌شود.

نوآوری پژوهش حاضر از آن جهت مهم تلقی می‌شود که دریچه‌ای جدید پیش روی سیاست‌گذاران و سیاست‌پژوهان عرصه هدایت سازمانی قرار می‌دهد تا با توجه به قابلیت‌های الگوی اسلامی اقدام به سیاست‌گذاری در حوزه اداره سازمان نمایند شاید یکی از دلایل عدم توفیق سیاست‌گذاری در زمینه ایجاد سازمان سالم و مبارزه با فساد اداری عدم توجه به الگوهای اسلامی و ایرانی مطابق با فرهنگ و قوانین کشور باشد. ضرورت ایجاد سازمانی سالم برای بهبود فرایند انجام فعالیت و دستیابی به تعالی سازمانی امری روشن و بدیهی است در حال حاضر در سطح سازمانی کمتر به سلامت سازمانی پرداخته می‌شود. علاوه بر آن در اکثر پژوهش‌ها نیز سلامت سازمانی از دیدگاه غرب مد نظر قرار داده شده است. که در جامعه ما با توجه به وجود فرهنگ اسلامی کمتر مورد توجه و کاربرد واقع می‌شود. از آنجا که مفهوم سلامت در سازمان در

جامعه اسلامی با تعاریف رایج تفاوت‌های ماهیتی دارد مورد نکوهش واقع شده بدین جهت لازم است با نگاهی اسلامی سلامت سازمانی را در سازمان‌های کشور گسترش داده شود. با توجه به راهبردهای مشخص شده از الگویی، تحقیق از دیدگاه نهج البلاغه، یک سیستم زمانی سالم تلقی می‌شود که راهکارهایی از جمله ارتباط مستمر با خدا عمل کردن به دستورات الهی بکارگیری تقوا و پرهیزکاری در عمل انصاف در حکومتداری و فرمانروایی و نیز رعایت حق الناس را بهبود بخشد. برای دستیابی بدین منظور لازم است سبک رهبری خدمتگذار و معنوی را مورد توجه قرار داده، همچنین توجه به عهد و پیمان عدالت گستری با ذینفعان دور اندیشی و بصیرت در عمل آینده نگری در هدف رعایت حق الناس مشارکت پذیری و مشورت پذیری در سازمان، اعتدال در مدیریت ساده زیستی مدیر توجه به تقوا در عمل مهرورزی به زیردستان شایستگی اخلاقی مدیر، سیستم مناسب تنبیه و پاداش آخرت گرایی و دین گرایی، بروکراسی زدایی سلسله مراتب دستوردهی، مدیریت زمان شایسته سالاری در اداره امور حساب پس دهی دقیق حراست از بیت المال، توجه به تعالی انسانی حاکمیت قانون، ارتباط با عامه مردم و خودسازی و نقد خویشان را مورد توجه قرار داد. زیرا توجه و بهبود هر کدام از عوامل نام برده شده میتواند موجب بهبود سطح سلامت در سازمان گردد. از طرفی اجرای سلامت در سازمان‌ها منجر به تصمیمات درست و اتخاذ سیاست‌های مناسب می‌شود و ارائه کارآمد و اثر بخش خدمات عمومی را به دنبال خواهد داشت.

فهرست منابع

۱. الوانی مهدی، اسلام پناه مهدی (۱۳۹۷)، طراحی مدل بازدارنده فساد اداری با اتکا به آموزه‌های نهج البلاغه، دوفصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۵، صص ۱۴۷-۱۶۲.
۲. حبیبی، نادر، ۱۳۷۵، فساد اداری، تهران، وثقی.
۳. زرنندی، سعید؛ معدنی، جواد. (۱۳۹۵). طراحی و تبیین مدل مطلوب فرهنگ سازمانی اسلامی برای مقابله با فساد اداری در سازمانها. فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی. ۵(۲). ۸۵-۱۱۷.
۴. کرسول، جاندیلو. (۱۳۹۸). طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی طرح پژوهش. ترجمه: علیرضا کیامنش. انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه علامه طباطبایی).
۵. خسروی، غلامرضا؛ (۱۳۹۷)، "مبانی مشروعیت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)"، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱،
۶. شیخی، محمدحسین (۱۳۹۷). عوامل موثر بر سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی در آن. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. ۱(۲).
۷. کمالی، یحیی؛ شیخزاده جوشانی، صدیقه؛ دولت کردستانی، اطهره. (۱۳۹۹). فراترکیب سازوکارهای پیشگیری و مبارزه با فساد اداری در ایران. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. ۱۰(۳۷). ۳۸۴-۴۱۷.
۸. محقق، حسین؛ صحبت‌انور، سعید. (۱۳۹۶). روابط اجتماعی و اخلاق از دیدگاه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه. پژوهشنامه نهج البلاغه. ۵(۱۸). ۱۵-۳۱.
9. Amagnya, M. A. (2024). The relationship between the media and corruption: perspectives of Ghanaian justice and anti-corruption officials. *International Journal of Sociology and Social Policy*.
10. Chu, H., Sun, S., & Wei, J. (2024). Fiscal pressure and judicial decisions: Evidence from financial penalties for official corruption in China. *International Review of Law and Economics*, 77, 106156.
11. Graf Lambsdorff, J. (2015). Preventing corruption by promoting trust: insights from behavioral science (Vol. 69, No. 15). Passauer Diskussionspapiere-Volkswirtschaftliche Reihe.
12. Hallsworth, M., & Sanders, M. (2016). Nudge: Recent developments in behavioural science and public policy. *Beyond behaviour change*, 113-134.
13. Hansen, S. (2024). Involvement of Government Officials in the Construction Sector Corruption. *Journal of Legal Affairs and Dispute Resolution in Engineering and Construction*, 16(2), 06524001.
14. Henken, T. (2020). Dirigentes, Diplogente, Indigentes, and Delincuentes: Official corruption and underground honesty in Today's Cuba.

15. Muramatsu, R., BIANCHI, A., & MARIA, A. (2021). Behavioral economics of corruption and its implications. *Brazilian Journal of Political Economy*, 41, 100-116.
16. Pete, L. (2014). *Regulatory policy and behavioural economics*. OECD publishing.
17. Salihu, H. A., & Jafari, A. (2020). Corruption and anti-corruption strategies in Iran: An overview of the preventive, detective and punitive measures. *Journal of Money Laundering Control*.
18. Serra, D. (2006). Empirical determinants of corruption: A sensitivity analysis. *Public Choice*, 126(1), 225-256.
19. Sommer, U., Bloom, P. B. N., & Arikan, G. (2013). Does faith limit immorality? The politics of religion and corruption. *Democratization*, 20(2), 287-309.
20. Strassheim, H. (2021). Behavioural mechanisms and public policy design: preventing failures in behavioural public policy. *Public Policy and Administration*, 36(2), 187-204
21. Thaler, R. H., & Sunstein, C. R. (2009). *Nudge: Improving decisions about health, wealth, and happiness*. Penguin.
22. Treisman, D. (2000). The causes of corruption: a cross-national study. *Journal of public economics*, 76(3), 399-457.
23. Waismel-Manor, I., Moy, P., Neumann, R., & Shechnick, M. (2022). Does Corruption Corrupt? The Behavioral Effects of Mediated Exposure to Corruption. *International Journal of Public Opinion Research*, 34(1), edab031

نقش روزمرگی بر شکل‌گیری رویداد در ساختمان درام مطالعه: نمایشنامه - روز از نو - اثر: داریوفو

^۱ محمد حسین کودری

^۲ محمد شکری

^۳ مینو خانی

چکیده

زندگی روزمره یک تکرار همه روزه از فعالیتی مشخص است که در راستای هدفی بیرون از انسان (خود) انجام می‌شود. روزمرگی حاصل تکنولوژی زدگی انسان در شهر است که جنبه‌های جدید زندگی انسان معاصر را شکل داده است. انسان معاصر در کشاکش این بحران به عنوان یک فعال اجتماعی شناخته می‌شود و دیگر نه به عنوان خود انسان بلکه به عنوان یک موجود سیستم مند در یک ساختار شناخته می‌شود. انسان کنونی دیگر نه به عنوان آنچه که هست بلکه به عنوان آنچه مصرف می‌کند در یک اضطراب همیشگی شناخته می‌شود. مقاله پیش رو چنین انسانی را بررسی می‌کند و از منظر فیلسوفانی همچون بودریار (Jean Baudrillard) و هانری فولور (Henri Lefebvre) و نظریه پردازانی همچون اندی بنت (Andy Bennett) به خوانش چنین انسانی برآمده تا در مرحله اول چنین انسانی شناخته و روش زندگی او شناخته شود و در مرحله دوم به سراغ تعریف رویداد در نمایشنامه رفته است و این دو تعریف را در مقابل هم قرار داده است. انسان روزمره با زیست در روزمرگی شکل و شمایل متفاوتی را از آنچه که ممکن است به یک رویداد جواب قهرمانانه ای بدهد؛ از خود نشان می‌دهد. چنین انسانی به نیازهای زندگی روزمره می‌پردازد و از امر قهرمانی فاصله میگیرد. دیگر رویدادها بی معنا می‌شوند و در چنین زمانی انسان توانای تغییر را از دست می‌دهد. این خوانش به ظاهر درام را از بین می‌برد زیرا اگر شخصیت در درام نسبت به رویدادی که با توجه به شرایط مفروض در درام شکل گرفته؛ بیتفاوت باشد دیگر گره گشایی و قبل از آن اوجی در درام باقی نمی‌ماند. زندگی روزمره اولین چیزی که از بین میرود همین امر قهرمانی است که به عنوان انگیزه اصلی شخصیت پا به میدان می‌گذارد و می‌خواهد جهان نمایش را دگرگون کند اما خود خود روزمرگی می‌تواند بر جای رویداد بنشیند و به عنوان بحران اصلی نمایشنامه خودنمای کند. نمایشنامه "روز از نو" اثر داریوفو دقیقاً همین شمایل را دارد. داریوفو تلاش می‌کند که شخصیت خود را موجودی بی تفاوت به بحران‌های همچون ارتباط کمرنگ بین زن و مرد یا وضعیت نا به سامان طبقه اجتماعی و فقر نشان دهد. زن در این نمایشنامه تنها به دنبال دریافت رضایت از کارفرما خود است و با استرس‌ها و اضطراب‌های خود همچون یک امر طبیعی بر خود می‌کند. ذهن ماشینی شده او تنها به ساعت توجه می‌کند و شعارهای تبلیغاتی محصولات مورد استفاده خود را تکرار می‌کند. او در بند تکنولوژی روبه رشد هر روزه، زندگی می‌کند و دیگر نه تلاشی می‌تواند بکند برای رهایی نه می‌خواهد که تلاشی کند. این انسان دیگر یک موجود مختار و تابع صاحب تفکر نیست بلکه تصویر کاملی از یک ربات گوشتی برای مصرف هر آنچه که در دست است شده است. مقاله پیش رو نشان میدهد که این شرایط چگونه رویداد را از بین برده و شخصیت نمایشی دیگر عاری از هر گونه امر قهرمانی به سراغ زندگی روزمره خود می‌رود.

واژگان کلیدی

روزمرگی، درام، کنش، رویداد، سرمایه.

۱. دانشجوی دکتری، گروه فلسفه هنر، دانشکده فلسفه و الهیات، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: koodary@gmail.com

۲. استادیار، گروه فلسفه، دانشکده فلسفه و الهیات، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mohammadshokry44@gmail.com

۳. استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Khanyminoo@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۳۰

طرح مسأله

روزمِ رگی فرایندی است که انسان در پی زندگی خود برای خود ایجاد کرده است چنین فرایندی که در پی دو قرن اخیر به اوج خود رسیده حاصل زندگی شهری و پیوند میان قدرت و تکنولوژی قرار دارد. روزمِ رگی با منفعل کردن انسان ها و سرگرم ساختن آنها با فرایند های صنعتی و تجاری سازی همه چیز به عنوان پایه های اصلی یک جامعه مدرن، شکل گرفته است. این طاعون از انسان ربات های گوش به فرمان جریان حاکم می سازد و بنیاد های اجتماعی همچون خانواده را در هم می شکند یا به عبارتی بهتر به نوعی که خود دوست دارد آن را شکل می دهد. انسان بیرون از این جریان دیگر تعریف انسان بودن را از دست می دهد و یا فرو تر از انسان و یا فراتر از آن است؛ این تعریف دقیقاً مشابه تعریف ارسطو از انسان در شهر است. تکنولوژی روز افزون که مابین انسان ها قرار می گیرد و هر آنچه که برای شناخت انسان مورد نیاز را مورد خوانش فردی خود قرار می دهد در واقع یک امر جدا ناپذیر از زیست انسان شده است و جهان پیرامونی او را در بر گرفته است به شکلی دیگر انسان بدون داشتن تکنولوژی حس انسان بودن را از دست می دهد؛ این چنین انسانی در دنیای نمایش چگونه بروز می کند؟ آیا او همچنان می تواند به فکر امور قهرمانی باشد؟ آیا او می تواند دست به انقلابی بر علیه شرایط مفروض در درام بزند؟ یا اون تنها سرخوش در هژمونی روزمره ای شده است که خانواده اولیه برای زندگی او شکل داده اند؟

روزمِ رگی

زندگی روزمره درواقع پشت سر نگذاشتن آن چیزی که هستی و در آن جریان داری درواقع نوعی روایت مدام و تکراری است که دیگر یک ابر روایت در زندگی شخصیت است و در آن غوطه ور گشته و دیگر نمی تواند خارج شود. البته سؤال این است که نمی تواند یا نمی خواهد؟ بنت در کتاب خود از قول فدرسون می آورد که «روزمِ رگی، ظاهراً مقوله ای فرعی است که می توان همه خرده ریزه هایی را که با تفکر منظم جور نمی آیند در آن ریخت» (بنت، ۱۳۹۳: ۷) از نظر فدرسون در تعریف فوق روزمِ رگی یک سیبل برای دارت های منتقدان جامعه مصرفی می تواند باشد اما روزمِ رگی ساخته جامعه صنعتی یا روبه رشد است درواقع همان میانه ای است که هایدگر نیز به آن می رسد در نظر هایدگر خطر تکنولوژی معاصر آنچیزی نیست که در دستان ما وجود دارد، بلکه «سلطه یافتن میانه ی جدید، خطرناک و متمایز است که اشیاء در درون آن خود را نشان می دهد» (گات و لویس ، ۱۳۹۱: ۸۳) درواقع نفوذ اشیاء در انفعال و ناخودآگاه بشریت. روزمِ رگی حاصل تکنولوژی زدگی و در زندگی اوست؛ یعنی تکنولوژی به خودی خود بد نیست

«بلکه میانه ای که مابین انسان‌ها ایجاد می‌کند تا خود را در آن ترجمه کند بد است.» (همان، ۱۳۹۱) تکنولوژی با ایجاد این میانه بین اشخاص جایگاه خود را هر روز بیش از پیش محکم‌تر می‌کند و وابستگی انسان را - چه در سطح خودآگاه و چه در سطح ناخودآگاه - به خود افزایش می‌دهد.

نمود خود در روزمرگی

زندگی روزمره به‌عنوان یک پدیده روبه‌رشد کنشگرانی شناسا دارد و نمی‌توان بدون در نظر داشتن معنایی که آن افراد به این پدیده می‌دهند این پدیده را در نظر گرفت. این کنش‌مندی درواقع همچون یک تقابل دوتایی از کنش فردی شخص در مقابل کنش فردی شخص دیگر، منشا می‌گیرد که یادآور استدلال اروینگ گافمن (Erving Goffman) در مدل نمایشنامه‌ای او است؛ انسان با کسب تجربیات زیستی خود نقش خودش را درونی می‌کند و خود (self)‌های را جلو و پشت صحنه خلق می‌کند تا با مدیریت این ابعاد خود زندگی روزمره را تعدیل و دستکاری می‌کنند آنان با «آفریدن فضاهایی برای واژگون ساختن هم‌نمایی و سازش، زندگی روزمره را قابل تحمل می‌گردانند.» (بنت، ۱۳۹۳: ۱۰)

فضا در زندگی روزمره

روزمرگی حاصل شهر و صنعت در کنار هم است. با در نظر گرفتن سرمایه در حال رشد - که دست به تولید روز افزون در جوامع صنعتی یا در حال رشد می‌زند - فرد کنشگر به اجبار در پیوند با این تکنولوژی‌هاست؛ این امر نظریه میانه‌های دیگر را که در بالا به آن اشارت شد را بیشتر به یاد می‌آورد. نظام شهری که از اجتماعی کنشگر در هم ادغام شده‌اند؛ جریان سیالی از ارتباطات را شکل می‌دهد که فضا را در زندگی روزمره شکل و به وجود می‌آورد؛ این ارتباطات به هم پیوسته فضا را خلق می‌کنند. از منظر لوفور فضا «نه (ذهنی) و نه (عینی) صرف است، بلکه بیشتر واقعیتی اجتماعی است که می‌توان آن را مجموعه‌ای از روابط و فرم‌ها نامید، این نوع تاریخ باید از وجود اشیاء در فضا... آن‌گونه متمایز شود که از ایده‌ها و گفتمان‌ها درباره‌ی فضا ناشی می‌شود. به‌طوری‌که باید شامل فضاهای بازنمایی و بازنمایی‌های فضا و بالاتر از همه شامل روابط درونی و پیوندهایش با کنش اجتماعی باشد.» (نجات غلامی، ۱۳۹۳: ۳-۳۱۲) این فضا که ریشه در افزایش فراغت و مصرف در جامعه صنعتی یا روبه‌دارد؛ همواره با افزایش حقوق کارگر، ساعت کار کم شد، و نیاز به تفریح و سرگرمی افزایش یافت. «کار که روزی وسیله‌ی امرارمعاش و ادامه‌ی حیات بود، اکنون وسیله‌ای برای هدف کاملاً متفاوتی شده بود. دستمزدها دیگر فقط صرف تأمین مایحتاج زندگی، همچون خوراک و پوشاک، نمی‌شد بلکه، علاوه بر این، وسیله‌ای برای تأمین کالاها و خدمات بازارهای نوین فراغتی نیز شده بود.» (بنت، ۱۳۹۳: ۲۱) این نگاه

سرمایه‌داری حفره‌ای اساسی در نظریات سرمایه مارکس به وجود می‌آورد؛ درواقع دیگر کارگران و کارمندان را به اجبار و دستمزدهای کم به کار در معدن نمی‌فرستند بلکه حقوق هارا اضافه می‌کند و قدرت خرید به آنان می‌دهند تا آنان بتوانند آن چیزی که خودساخته‌اند را بخرند و این ارتباط عرضه و تقاضا، را از خرید مهمات زندگی به خرید مد رهنمود سازد. در جوامع مصرفی انباشتگی و وفور اجناس تولیدی به خوبی قابل دید است و این بستر تولید تبلیغات به هر نحوی قابل مشاهده است، این ستایش دائمی «از اشیاء در آگهی‌های تجاری و صدها پیامی که به‌طور روزمره از رسانه‌های گروهی به ما می‌رسد؛ همچنین از فراوانی ابزارآلاتی که به گونه‌ای مبهم و سوسه‌انگیز گرفته تا پیسکو درام‌های نمادین که خوراک سرگرمی‌های شبانه‌ای هستند که حتی انسان‌ها را در رؤیاهایشان نیز راحت نمی‌گذارند» (بودریار، ۱۳۹۴: ۱۳) انسان در این جوامع دچار از خود بیگانگی شده و دیگر طبیعت درونی خود را از دست می‌دهد در نظر لوفور «بیگانگی ما از طبیعت در درک دوگانه از خودمان و رابطه‌ی ما با محیطی که در آن زندگی می‌کنیم به خوبی نمایان است. جامعه مدرن به فراتر از نیازهای ما و خواسته‌ها و توانایی ما در غلبه و استفاده از «طبیعت» شکل گرفته است. «ماهیت انسان» که در تاریخ ظهور یافته است، هرگز قادر نیست تا خودش را به‌طور کامل از طبیعت رها سازد» (نجات غلامی، ۱۳۹۳: ۳۱۳) این لحن نیچه وار لوفور است که می‌گوید: انسان با سلطه بر طبیعت «از طریق روایت‌های علم و انسان‌گرایی عنصری ضروری در درک پیشرفت سرمایه‌داری عقل‌گرایانه در دنیای صنعتی به شمار می‌آید. با این حال، این (احساس مشترک)، (اراده‌ی معطوف به قدرت) را پنهان می‌سازد که فرصت‌ها و فضاهای کنش‌های انسانی در قالب اخلاق فردیت عقل‌گرایانه، را محدود می‌کند. طبیعت به‌عنوان پیامد این پروژه‌ی عقل‌گرایی فهمیده و استثمارشده و مورد استفاده قرار می‌گیرد» (همان: ۳۱۳) این از ریشه جدادگی‌ها به گونه همان مرگ ابر روایت‌ها نیستند؟ آیا طبیعت خود به‌عنوان مادر اساطیر شکلی از اسطوره را نمی‌سازد؟

اسطوره مصرف

بشر جداد شده از ریشه‌های روایتی خود دیگر پشتوانه‌ی هویت خود را از دست می‌دهد ولی ابر روایت‌ها در مرگ خود ابر روایت‌های جدید را خلق می‌کنند برای فهم این امر باید از نظریه کمکی در اسطوره‌شناسی کاسیرر استفاده کرد، به گونه‌ای که کاسیرر «به این باور می‌رسد که اسطوره با فعالیت‌های انسانی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. هیچ قلمرویی از روح عینی را نمی‌توان یافت که زمانی با اسطوره درهم آمیخته نبوده و با آن وحدتی انضمامی نداشته باشد. آفرینش‌های هنری و علمی، محتویات اخلاق، قانون حقوق، زبان و فناوری همه بر این موضوع دلالت می‌کنند که آن‌ها در آغاز پیدایش خود با اسطوره ممزوج بوده‌اند. مسئله‌ی منشأ زبان از منشأ اسطوره

جدانشدنی است. هیچ‌یک از این دو مسئله را نمی‌توان بدون دیگری مطرح کرد. زیرا مسئله‌ی پیدایش هنر، خط، حقوق و علم از آگاهی اسطوره‌ای متمایز نبوده‌اند. اما مطابق عقیده‌ی کاسیرر، مفاهیم اساسی شناخت فضا، زمان، عدد، مفهوم قانون و مفاهیم اجتماعی (مالکیت) یا مفاهیم گوناگون علم اقتصاد، هنر و فناوری به تدریج از آگاهی اسطوره‌ای جدا شدند» (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۱) کاسیرر به عنوان یک علمدار نتوانکانتی دست به تعریف اسطوره و پیوند ناگسستنی آن با دین و زبان می‌زند، اسطوره زیربنای دین و زبان را شکل می‌دهد. از نظر کاسیرر «زبان سرچشمه‌ی پیدایش اسطوره است و با دیگر فعالیت‌های زیستی آدمی ارتباط تنگاتنگ دارد و از این رو، نباید اسطوره را از زبان، شعر، هنر و تفکر اولیه‌ی تاریخی جدا نمود» (همان: ۲۴). درواقع زبان و اسطوره شاخه‌های یک‌تنه هستند هرچند آنان در طول زمان دچار ریشه‌های ریوزومی شده‌اند ولی پیوند آنان ناگسستنی است. در این میان باید بازگشت به بیان لوفور در باب طبیعت و بیگانگی بشر این از بین رفتن ریشه گویی ریشه‌ای جدید را به ارمغان آورده به‌طور ساده‌تر می‌توان گفت با مرگ اسطوره، اسطوره جدید خلق می‌شود از برهم شکستن طبیعت به معنای قدیم خود تکنولوژی جایگزین آن شده است، به نقل از لوفور آمده است که «پیامدهای چنین تناقضات و تقابلات در مدرنیته این است که (طبیعت که به این شکل نابود می‌شود، باید در سطح دیگری تقریباً دوباره ساخته شود)، یعنی سطح دوم برای مثال، شهر و هر آنچه وابسته به شهر، شهرک، ضد طبیعت یا غیر طبیعت و حتی طبیعت دوم منادیان دنیای جدید و دنیای عمومیت‌یافته‌ی زندگی شهری است. طبیعت امروز به‌صورت مجموعه‌ای از خصوصیات که برای یکدیگر بیرونی هستند و در فضا پراکنده شده‌اند، درآمده است و این شیوه‌ای برای تولید فضا یا همان تولید شهر را به دست می‌دهد.» (نجات غلامی، ۱۳۹۳: ۳۱۴) جوامع مصرفی شاخصه‌های گوناگونی را دارند اما یکی از مهم‌ترین آنان انباشتگی و وفور است.

وفور مصرف

وجود فروشگاه‌های بزرگ زنجیره سازی‌های مدلینگ و برندینگ، ویتترین‌های شلوغ و آلودگی‌های نوری که انرژی و کالا بیشتر از نیاز مصرف می‌شود. بودریار نیز در نگاه خود که به‌گونه‌ای اعتقاد دارد که «واقعیت برای همیشه رفته و فقط ظاهر به‌جای مانده است {...} وی به کرات پسامدرنیت را با مشخصه‌هایی از قبیل ناپدید شدن معنا، سستی و رخوت و خستگی و پایان تاریخ یا ذهنیت تصویر می‌کند» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۹۲: ۲۲۷) درواقع بودریار نیز در این عوض شدن جایگاه اسطوره‌ای هم‌قدم است. باهدف قرار دادن انباشتگی تولیدات و وجود مازاد تولیدات کمپانی‌هایی که سعی بر نفی فریبنده کمپانی آنان را شریان اصلی سرمایه‌داری روبه رشد در جامعه مصرفی می‌دانند، در نگاه بودریار شریان‌های تجاری و سوپرمارکت‌های تجاری

«تقلیدی از طبیعت باز یافته و بی‌اندازه حاصل خیز هستند. این‌ها در واقع دره‌های سرزمین کنعان ما هستند که در آن‌ها به‌جای این که شیر و عسل جاری باشد، امواج نئون به سس‌های کچاپ و ظروف پلاستیکی برخورد می‌کند» (بودریار، ۱۳۹۴: ۱۶) این از هم گسستگی بین انسان و طبیعت طرح جدل‌های جدیدی در حوزه جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را مطرح کرد به طوری که در این میان رابطه میان صنعت و مصرف و سرمایه مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما در فضای کنونی، سرمایه‌داری «دیگر نه فقط بر مدار ارزش اقلام «سودمند»، بلکه بر مدار لوازم و اقلامی نیز می‌گردید که ارزش ذوقی و زیبایی شناختی بیشتری داشتند - موسیقی، مد، فیلم و برنامه‌های تلویزیونی، ورزش، گردشگری و از این قبیل.» (بنت، ۱۳۹۳: ۲۲) نباید از نظر دور کرد که شکل جدید سرمایه‌داری اخیر باعث پیشرفت و خلاقیت هم می‌شود ولی «تفسیر و برداشت بدبینانه‌تری هم وجود داشت که معتقد بود فضاهای ظاهراً «متمدن‌تر» در جوامع سرمایه‌داری اخیر فقط پوششی است برای شکل پیشرفته‌تری از ظلم و ستم سرمایه‌داری که از جهات زیادی بسیار وحشیانه‌تر است و از شکل‌های جدید فراغت و مصرف توده‌ای به نفع خویش و برای رسیدن به اغراض خویش بهره‌برداری می‌کند.» (همان: ۲۲) اما بحث این مقاله در باب هیولاهای سرمایه‌داری نیست که به دنبال استثمار بشری هستند در واقع به دنبال تأثیرات فرهنگی و اجتماعی خود روزمرگی بوده و نه آن چیزی که به عنوان غول نظام سرمایه‌مطرح می‌شوند؛ هنر تکنولوژی زده که در دل نظام سرمایه‌مطرح می‌شود تیغی دو لبه از جنبه‌های خلاقه در لبه‌ای سراب گونه و سقوطی مبتذل در لبه قابل دسترس است که غول سرمایه به هر طرف که نفعش در آن باشد غش می‌شکند. لوفبور اعتقاد دارد که «رابطه‌ی بین هنر و تکنولوژی تم مرکزی پروژه‌های پاساژ است این نوعی دگرگونی ساختاری را در رابطه‌ی آگاهی با واقعیت به ویژه در رابطه‌ی فانتزی و نیروهای مولد - می‌یابد که اهمیت نظری عام دارد و می‌تواند همه‌ی انواع پرکتیس فرهنگی انتقادی را تحت تأثیر قرار دهد» (Lefebvre, 1984: 204). می‌توان گفت که سرمایه با از بین بردن ابعاد اسطوره‌ای و متخیل گذشته و تبدیل آنها به تکنولوژی قابل دسترس شکلی از طبیعت را خلق می‌کند که در آن انسان محصور و حتی محصول پروژه سرمایه است. جهانی مملو از مصرف و سرشار از ایجاد میل به مصرف به واسطه‌ی ایجاد نیاز دائم برای انسان. این چنین انسانی چشم به آرمان شهر دست نیافتنی مصرف دارد و هر آنچه دارد را کم و برای تعریف آنچه که هست دست به مصرف ممتد می‌زند.

نظریه‌های ضد سرمایه

نظریه پردازان روزمرگی با آنکه از نظریات مارکس و استلال‌های او استفاده می‌کنند ولی لاجرم آنان مارکسیست یا کومونیست نبودند بلکه در بیشتر اوقات از نظریات آنان به عنوان دستگیره‌های نظری برای سرکوب سرمایه‌داری افراطی و رادیکال قرن اخیر استفاده کرده‌اند؛ نظریه‌های انتقادی معاصر درباره‌ی فرهنگ توده به مقدار زیادی از نوشته‌های مارکس برداشت شده‌اند، مخصوصاً از شرح مارکس درباره‌ی سیستم و کنترل اجتماعی و ایدئولوژیکی که نظام سرمایه‌داری برای بقای خود به آن‌ها نیاز دارد. از نظر مارکس، تحولات اجتماعی بسیار مهمی به واسطه انقلاب صنعتی که از اواسط قرن هجدهم (تا اکنون) ایجاد شده است؛ هجوم برق آسای زندگی روستایی به سمت زندگی شهری که شکل تازه‌ای از روابط و اقتصاد ایجاد کرد و کارگران را به فروش نیروی کارشان به سرمایه‌داری مجبور کرد؛ ماهیت روابط اجتماعی را به طرز چشم‌گیری واژگون کرد. «طبق استدلال مارکس، ادامه‌ی حیات سرمایه‌داری صنعتی به استقرار نوعی «نظم طبیعی» (طبیعی نشان دادن وضع موجود) وابسته بود که با تحمیل سلسله مراتب اجتماعی و بازداشتن طبقه کارگر از درک و دریافت ماهیت حقیقی استثمار اقتصادی و اجتماعی‌شان به دست بورژوازی، مقدور می‌شد.» (بنت، ۱۳۹۳: ۲۳) پس طبیعی است که فضای شهر برای لوفور نه فقط به فضای قدرت سیاسی تبدیل می‌شود بلکه محور همه‌ی فعالیت‌های اقتصادی هم می‌شود. در نظر لوفبور: «شهر فضای توسعه و دوام سرمایه‌داری شیوه‌ی تولید و باز تولید و مدیریت و سازمان‌دهی می‌شود» (نجات غلامی، ۱۳۹۳: ۳۱۴) بحثی که به عنوان فرایند سیستمی، کنترل اجتماعی و مدیریت، سازمان‌دهی که مارکس و لوفور مطرح می‌کنند قرابت و شباهت بسیاری به امر قدرت و شبکه آن دارد و این نظام سرمایه به عنوان سازنده شبکه دست به هدایت فرهنگی و اجتماعی طبقه‌های دیگر می‌زند بنا به استدلال مارکس «طبقه کارگر به واسطه فرودستی اجتماعی - اقتصادی‌اش، اسیر نوعی سلطه ایدئولوژیکی نیز شد که ناشی از توانایی بورژوازی در برساختن شکل خاصی از واقعیت اجتماعی بود که در آن کارگران فرمانبرداران و خادمان نیازهای سرمایه‌داری به‌شمار می‌آمدند و خودشان نیز همین گونه می‌پنداشتند. {...}» (بنابراین)، تجربه فرهنگ روزمره‌ی طبقه کارگر چیزی بیش از پیامد فرعی استثمار اقتصادی ایشان نبود، استثماری که هسته یا «زیربنای» اقتصادی جامعه بود که از نظر مارکس در نهادهای فرهنگی یا «روینا» انعکاس می‌یافت.» (بنت، ۱۳۹۳: ۴-۲۳) این قدرت ایدئولوژیکی در بافت یک شهر در جریان است و شهر خود را در خود گسترش می‌دهد ارتباط میان این قدرت و جامعه شکل می‌گیرد از نظر لوفور نیز شهر مدرن و صنعتی در واقع فقط «تولید مادی نیست، شهر فضای روابط اجتماعی و در نتیجه، تولید و بازتولید انسان برای انسان است نه تولید و بازتولید انسان برای اشیاء» (نجات غلامی، ۱۳۹۳: ۳۱۵) قدرتی که مارکس از آن یاد

می‌کند باتوجه به نگاه لوفور در روابط شهر توان شکل‌گیری دارد و خود را گسترش می‌دهد، درواقع شبکه‌ای از قدرت در جامعه شکل می‌گیرد که خود زیر سلطه سرمایه است.

قدرت، مصرف و مد

«قدرت نسبتی از نیروهاست، یا به عبارت بهتر، هر نسبتی از نیروها یک نسبت قدرت است» (دلوز، ۱۳۹۴: ۱۰۹) این نیرو که در جامعه بست پیدا می‌کند کارکرد های مدیریتی دارد که لوفور به آن‌ها اشاره می‌کند، این نیرو است که در شبکه نقش‌های مختلفی را در شهر ایفا می‌کند و شهر خود بستر ایفای نقش های قدرت است، در نقل قول لوفور آمده است که «شهر تنها جلوه‌گاه تغییر فضا به کالا توسط سرمایه‌داری نیست، بلکه شهر عرصه‌ی بالقوه‌ی انواع نقش است» (نجات غلامی، ۱۳۹۳: ۳۱۵) فوکو در تحلیل‌های خود، هم «برابعد سرکوبگر قدرت تاکید می‌نهد و هم بر ابعاد خلاقانه‌ی آن» (گات و لویس، ۱۳۹۱: ۱۱۴) درواقع قدرت هم خالق است و هم بازدارنده. قدرت خالق آن‌چیزی است که می‌خواهد و بازدارنده‌ی آن‌چیزی است که نمی‌خواهد، اما آن چیست یا کیست که می‌خواهد یا نمی‌خواهد؟ متفکرین این نحله قدرت را برابند «نیروهای سیاسی و اقتصادی و کنترل ایدئولوژیک و اجتماعی را جنبه‌هایی از فرایند های دلالی به شمار می‌آورند» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۹۲: ۲۰۱) پس این روی برگردانی از طبیعت نه فقط دلایل مالی بلکه سیاسی و ایدئولوژیکی هم دارد، در نتیجه روزمرگی حاصل از صنعتی شدن زندگی مدرن از برابند نیروهاست که جریان اصلی شریانی شهر را ساخته‌اند، از منظر لوفور «سرمایه‌داری از طریق غلبه و یکپارچگی فضا تداوم یافته است. فضا به ابزاری تبدیل شده است؛ فضا مدت‌هاست که وقف این شده تا یک محیط جغرافیایی انفعالی یا نوعی هندسه‌ی تهی باشد و این در واقع، همان ابزاری شدن فضا است» (نجات غلامی، ۱۳۹۳: ۳۱۶) با این نگاه تمامیت نیروهای توتالیزگر یک جامعه سرچشمه‌ی سرمایه‌داری و مصرفی دارند و جریان قدرت چه ایدئولوژیک (دینی یا فلسفی) و چه سرمایه‌داری با ابزاری کردن شهر دست به توتالیزاسیون می‌زنند. طبق استدلال مارکس «(فرهنگ روزمره) ی جامعه سرمایه داری چیزی بیش از شعبده‌ای ماهرانه و ابزاری در دست طبقه‌ی حاکم برای استثمار اقتصادی و ایدئولوژیک طبقه‌ی کاگر نیست» (بنت، ۱۳۹۳: ۲۳). از این استدلال بر می‌آید که نظام یا دولت خود قدرت نیست و یا قدرت را به وجود نمی‌آورد بلکه در واقع «اگر شکل-دولت در شکل‌گیری‌های تاریخی‌مان بسیاری از مناسبات قدرت را تسخیر کرده است، از آن رو نیست که مناسبات قدرت از آن مشتق شده‌اند؛ بلکه بر عکس از آن روست که عمل {دولتی سازی مستمر} و به علاوه بسیار متغیر برحسب مورد، در سامان تربیتی، قضایی، اقتصادی، خانوادگی و جنسی تولید شده است و ادغامی فراگیر را مد نظر دارد. در هر حال، دولت مستلزم مناسبات قدرت است و نه سرچشمه‌ی این

مناسبات.» (دلوز، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۶) در واقع حکومت بر دولت اولویت دارد پس در نتیجه آن چیزی که قدرت را جریان می‌دهد جریان مولار قدرت است یعنی مجموعه قوانینی که این شبکه مولکولی یا «خورده فیریکی» را در شبکه اجتماعی طبقه بندی می‌کند، طبق مثال فوکو «(حاکم) یا (قدرت) برای دولت، پدر برای خانواده، پول، طلا یا دلار برای بازار، خدا برای مذهب و (سکس) برای نهاد جنسی» (همان: ۱۱۷) در نتیجه در شبکه قدرت جریان قدرت از یک سوژه به یک ابژه است و تاثیر خود را بر این ابژه می‌گذارد و در شبکه خود نه دیده می‌شود و نه سخن می‌گوید بلکه قدرت همچون «موش کوری است که راه خود را فقط در شبکه‌ی دهلیز هایش و در سوراخ زیرزمینی بس گانه‌اش پیدا می‌کند: قدرت (بر مبنای نقاطی بی‌شمار اعمال می‌کند)، قدرت (از پایین می‌آید). اما از آن رو که خود قدرت سخن نمی‌گوید و نمی‌بیند، موجب دیدن و سخن گفتن می‌شود» (همان: ۱۲۴) اما نقش ابژه در این شبکه چیست؟ آیا تنها خشونت پذیر است؟ یعنی تنها ایستاده تا قدرت بر آن مسلط باشد؟ حرف انقلابی به نظر می‌رسد اگر جواب (نه) باشد. درواقع قدرت در یک شبکه جریان دارد، همان طور که گفته شد: از سوژه به ابژه انتقال میابد و در ادامه خود ابژه تبدیل به سوژه شده و قدرت را به ابژه‌ی دیگر انتقال می‌دهد به عبارتی A به B و B به C و دست آخر Z دوباره به A این فرایند خود جریان تغییرات را فراهم می‌کند و (به عبارت دیگر) مقاوت را در برابر جریان قدرت ایجاد می‌کند، فوکو در کتاب مراقبت و تنبیه می‌نویسد که در عصر روشنگری: «عَلَم شدن انسان در برابر بربریت تعذیب به هیچ‌رو به منزله‌ی موضوع دانشی تحصیلی {پوزیتیوی} نبود، بلکه به منزله‌ی محدودیت حقوقی بود، {به دیگر سخن} مرز قانونی قدرت تنبیه. نه مرزی که برای اصلاح انسان باید بدان دست یافت، بلکه مرزی که برای احترام گذاردن به او باید دست نخورده باقی گذاشت. Noil me tangere {به من دست نزن}. {و این نشان دهنده‌ی پایان انتقام شاه بود} (این عبارت از متن انگلیسی ترجمه شده است و در متن اصلی فرانسوی نیست). همچنین (انسان)ی که اصلاح‌گرایان در برابر استبداد قاپوقی به آن اعتبار بخشیدند.» (فوکو، ۱۳۹۵: ۹۵) در نتیجه در شبکه قدرت مقاومت نیز وجود دارد و می‌تواند قدرت را تبدیل به یک شبکه از جریانات کند، این نگاه که بی‌شبهت به قانون سوم نیوتون (عمل و عکس‌العمل) نیست حتما با یک انقلاب روبه‌رو است؟ یا نه تنها خصلت قدرت مقاومت است؟ باید در نظر داشت که همان طور که در بالاتر نیز اشاره شد قدرت هم جنبه‌های بازدارنده دارد و هم جنبه‌های خلاقانه و پیشبرنده، پس در واقع قدرت خود می‌سازد و خود تخریب می‌کند و دست به روزمرگی می‌زند.

رسانه و روزمرگی

رسانه و سرگرمی را می‌توان اصلی‌ترین ساقه‌ی درخت مصرف‌گرایی در باغ روزمرگی دانست، این باغ وهم‌آلود ریشه‌هایی مکانیکی دارد و ساز و کارشان با چرخ دنده‌ها و پیت‌های روغن است که انسان امروزی در این باغ سرگردان به دنبال رویا‌های فتیش‌گونه خود است. «امکان‌هایی که رسانه‌ها برای دستکاری عقاید و افکار توده‌ها به وجود می‌آورند به راستی تهدیدآمیز است» (بنت، ۱۳۹۳: ۲۵) در نظر آدورنو و هورکهایمر «فرهنگ توده‌ای نمایانگر شکل تازه‌ای از کنترل اجتماعی است که بر فناوری تکیه دارد و از تصویر مارکس درباره‌ی ایدئولوژی حاکم به سان ابزار کنترل اجتماعی بسی فراتر می‌رود و می‌تواند اوقات فراغت را به صورت نوعی سرگرمی جمعی در آورد» (همان: ۲۵) درواقع فرد کار می‌کند و حقوق خود را در چرخه سرمایه دوباره به جیب اصلی برمی‌گرداند او کار می‌کند و حقوق خود را خرید از آن چیزی می‌کند که خود ساخته است از نظر آدورنو و هورکهایمر نظر ماجرا همین است که: «فراغت و سرگرمی باوجود اهمیت و معنای ظاهری روزمره‌شان به عنوان فضا‌های رهایی از کار و راه‌هایی برای استراحت، در عمل به شیوه‌ی موثری در خدمت فرایندهای سرمایه‌داری هستند، چون از الگوهای متداول و تکراری زندگی شغلی در بیرون از محل کار نیز حفاظت می‌کنند» (همان: ۲۵) آدورنو به عنوان یک موسیقی‌شناس و آهنگساز برجسته به هنر عامه‌پسند با تمام قوا حمله می‌کند و از نظر او یک محصول صنعت فرهنگ «یک (اثر هنری) نیست و {...} هنر هم به حساب نمی‌آید» (ویلسون، ۱۳۹۳: ۵۵) درواقع معنا برای آدورنو اهمیت بسیار زیادی دارد و عامه‌پسندی را به بهانه‌ی از بین بردن معنا بی‌هنری می‌داند از نظر وی «هدف این نوع از محصولات صرفاً برانگیختن واکنشی خاص در مصرف‌کنندگان‌اش است که خود به عنوان مصرف‌کننده، پیشاپیش به واکنش‌هایی خاص در قبال آن محدود شده‌اند. در واقع، یگانه هدف محصولات صنعت فرهنگ ایجاد تاثیر - تحریک، شوک، بهت - به‌جای داشتن معناست. {...} سرگرمی امرپوچ و احمقانه‌ای است که حتا خیلی هم سرگرم‌کننده و مفرح نیست» (همان: ۵۵) آدورنو به سینمای هالیوود نیز حمله می‌کند و موسیقی عامه و موسیقی جدی را از هم جدا می‌کند و سوالی بزرگ را مطرح می‌کند «ممکن بود هنری وجود می‌داشت - که مردم پسند و به راستی هنر باشد؟» (همان: ۵۷) مکتب فرانکفورت با خود میراثی را حمل می‌کرد که در نوجوانان و جوانان رخنه کرده بود، سرمایه‌داری شاهد مخالفانی بود که خود در مدارس و تفرجگاه‌ها پرورش داده بود؛ در این میان دریافت می‌شود که مقاومت شکل گرفته است، مقاومت در برابر حضور سرمایه‌داری با شلوارهای پاره و موسیقی‌هایی تند و خشن علیه سرمایه‌داری، آیا قدرت در دهلیز خود متوقف شد؟ یا آن‌که بازارهای جدید شکل گرفت؟ هزینه‌های هنگفت کنسرت‌های راک و تولید لباس‌های پاره‌ی جدید به جیب چه کسانی می‌رفت؟ مد شکل جدید ظهور قدرت را در

دست گرفت. «مد تجسمی از مجموعه ارزش‌های نمادینی است که درون و میان گروه‌های اجتماعی مختلف به صورت جمعی فهمیده می‌شود» (همان: ۱۵۴) مد بربال‌های رسانه می‌نشیند و در همه جا خود را تکثیر می‌کند رسانه عاملی برای تبلیغات می‌شوند و طبق استدلال بنت «تنشی که میان لباس به‌منزله‌ی افشا کننده‌ی هویت و لباس به منزله‌ی پنهان کننده‌ی هویت وجود دارد سال‌هاست که مورد توجه نظریه پردازان مد است» (بنت، ۱۳۹۳: ۱۵۵) در واقع اهمیت شهرهای مدرن همین سرعت در شناخت یک‌دیگر است زیرا که در آنان ما «با انبوه غریبه‌ها در هم می‌آمیزیم و فقط و فقط لحظه‌های بسیار کوتاهی در اختیار داریم تا بر یکدیگر تاثیر گذاریم» (همان: ۱۵۵) از سخن برمی‌آید که مد شناسای فرد به جمع است و آنان را به عنوان عناصر کوچک در کنار کلنی‌های انسانی قرار می‌دهد «نیازها — حتی اگر تحریک‌شده و پیش‌ساخته باشند — نمی‌توانند به یک اندازه قلابی و ساختگی باشند» (lefebvre, 2002: 223) پس دیگر فرد اجتماعی آنچه که هست مهم نیست آنگه نشان می‌دهد در الویت است. این نگاه برخلاف شعر سعدی شاعر به نام ایرانی می‌نماید «تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست نشان آدمیت» اما مد پا فراتر می‌گذارد و دست به دگرگونی بدن نیز می‌زند و این دگرگونی «اکنون جزو رایج بدن مد روز شده‌است، و این نمونه‌های دستکاری بدن در مقایسه با پوشاک از جهات متعددی، شیوه‌های چشم‌گیری برای ابراز هویت به شمار می‌آیند چون روی بدن حک می‌شوند و ماندگارترند» (بنت، ۱۳۹۳: ۱۵۸) برای ایجاد مد تبلیغات باید شروع به فعالیت کند و مد را بشناساند در این میان بودریار معتقد است که «تبلیغات تقریباً از کلیه‌ی اشیاء تجلیل می‌کند، به همان شکل از طریق فلان شیء و فلان مارک، در واقع از کلیت اشیاء و عالمی سخن به عمل می‌آورد که توسط اشیاء و مارک‌ها به صورت یک کل درآمده‌است» (بودریار، ۱۳۹۴: ۱۹۰) درواقع مد فرد اجتماعی را به تابعی بی‌چون و چرا تبدیل می‌کند و با اینجاست فضای تفریحی دست به مصرف‌گرا شدن روزافزون اقتصادی فرد می‌زند حال این فرد دیگر در مقابل شبکه قدرت مقاومتی ندارد و آن را اتفاقاً می‌پذیرد و دست به همراهی با آن می‌زند و در این میان جامعه تنها حکم سیمی رسانه را دارد تا نیرو را از مبدا به مقصد (مثلاً لامپ) برساند. و مقاوت‌های ظاهری اجتماعی بی‌شباهت به مقاومت‌های مختلف در کیت‌های الکترونیکی نیستند، آنان عامدانه در جریان قرار می‌گیرند تا جریان مستقیم با فشار بالا به قطعات دیگر آسیب نرساند و خازن‌ها نیرو را جمع می‌کنند و دیودها جریان را یک‌سویه می‌کنند تا ال‌ای‌دی‌های بازارهای مصرف باز چشمک‌های خیره‌کننده‌شان را ادامه دهند. حال این افراد چگونه‌اند؟ رفتار آنان، کردار آنان، یا حتی منش زندگی آنان؟ چگونه زیست می‌کنند؟ فرد در این نظام چشم و گوش خود را به رسانه دوخته و آنچه می‌آید پذیرش می‌شود، بنا به نقل قول بنت از هلر «رسانه‌زدگی جامعه‌ی سرمایه‌داری اخیر به بی‌اهمیت شدن شخصیت انسان می‌انجامد»

(همان: ۳۳) و از این رو امر قهرمانی از زندگی ایشان رخت بر بسته و جای خود را به امر انفعال می‌دهد، این فرد دیگر خود تصمیم نمی‌گیرد بلکه برنامه نویسی می‌شود و در جوامع معاصر «تاکید روی دریافت اطلاعات است نه عمل بر مبنای اطلاعات» (همان: ۳۳) و در این میان اندیشه از بین می‌رود فرد بدون اندیشه و تفکر می‌پذیرد که عملی انجام دهد و از آن احساس خوشحالی دارد، در واقع به جای بحث انتقادی و قضاوت فردی در باب امور و یا جمع آوری اسناد برای درک بهتر واقعه انسان به جمع آوری ساده اطلاعات از رسانه‌ها می‌زند که به تعبیر بودریار این همان واقعیت بازنمود شده است. (بنت، ۱۳۹۳) یا به عبارتی دیگر فرد در برابر رویداد اتفاق افتاده با بحران در جریان بی تفاوت است و نوعی این رویداد یا بحران از میان رفته دیگر برای آنتیگون مهم نیست برادرش مرده و در بیابان افتاده است یا شاید اصلاً برادری شورش نکرده است یا حتی ادیپی خود را کور نکرده با مادر خود همبستر نشده و پدری کشته نشده و اصلاً کودکی به جایی دیگر فرستاده نشده یا شاید رسانه از واقعه ادیپ شهریار یک ملودرام عاشقانه میان شاه جدید و همسر او که بینهایت شبیه به مادرش است صحبت می‌کند و آن طور که سیستم برنامه ریزی کرده؛ همه چیز آرام است.

رویداد و نمایشنامه روز از نو

رویداد در نمایشنامه پیش آمده است که در گذشته برای شخصیت رخ داده است. مشخصاً این پیش آمد بسیار مهم است. زیرا مواد لازم را برای کنش مندی صحنه به وجود می‌آورند (تامس، ۱۳۹۲) از این تعریف برمی‌آید که رویداد نقطه‌ای حیاتی است و برای شخصیت مهم است زیرا به این واسطه کنش او شکل می‌پذیرد اما همان طور که گفته شد اگر رویداد جود نداشته باشد یا برای شخصیت مهم نباشد چه؟ در مقابل نگاه نسبت به رویداد نمایشنامه (روز از نو) اثر داریوفر قرار دارد این نمایشنامه همان طور که از نام او برمی‌آید به از اول شروع شدن جریان امروز همان طور که دیروز بوده یا قبل تر و یا حتی در فردا هم ادامه خواهد داشت می‌پردازد این نمایشنامه در اولین توضیح صحنه‌ی خود این گونه می‌آورد که «زن روی صندلی نشسته است و با دست‌هایش حرکت‌های سریعی انجام می‌دهد» (داریوفو، ۱۳۸۹: ۹) و در ادامه خواب زن شخصت اصلی و تنها شخصت نمایشنامه را ترسیم می‌کند «زن: جوش... مته... میخ... (بلندتر) جوش... مته... سیخ، بالا، پایین... بکش... دسته رو بکش... ول کن... بالا... تا آخر... دسته رو بکش... میخ... بکش بالا... آخ... آخ... (با جیغ) همه‌ی انگشتم رو قطع کردم... زود زود از زمین برشون دار... نگه دار... نذار این طرف اون طرف بیفتن» (همان: ۹) این بند از نمایشنامه با نگاه بودریار که در بالاتر تر نیز اشاره شد مبنی بر اینکه سرمایه داری روبه رشد در خواب نیز شخصیت را رها نمی‌کند قرابت شوخ طبعانه‌ای دارد. در این نمایشنامه که داستان زنی

را در یک روز از لحظه بیدار شدن تا آماده کردن فرزندش برای بردن به مهد کودک و آماده شدن خودش برای رفتن به سر کار شروع می‌شود و داستان به آن جا می‌رسد که امروز یکشنبه است و تعطیل است و می‌تواند بخوابد ادامه پیدا می‌کند در این نمایشنامه هیچ گونه رویدادی مهم نیست نه آنکه در نمایشنامه وجود نداشته باشد بلکه از اهمیت افتاده است. هملتی را تصور کنید که روح پدر خود را می‌بیند ولی برایش اهمیتی ندارد که پدرش به قتل رسیده اصلاً حتی دیگر تردید هم نمی‌کند. در نمایشنامه روز از نو طلب کاران به خانه آنان زنگ می‌زند شوهر زن معلوم نیست شب را کجا سر می‌کند و دیگر این زن و شوهر به جز نام همسر دیگر چیزی به دوش نمی‌کشند. زن در نمایشنامه (روز از نو) روز را با تکرار شروع می‌کند و دقیقاً همان کارهای دیروز را تا شب تکرار می‌کند و به خوابی تکراری می‌رود و احتمالاً رویای تکراری را می‌بیند؛ در چنین شرایطی است که اگر بر سر اتفاق، پود بچه با پنیر و شامپو با عسل جابه جا شده باشند دیگر حواس او کار نمی‌کنند و فقط از ظرف همیشگی باید ماده همیشگی را بردارد و بر تن موجود (کودک) همیشگی بزند و او را تحویل مهدکودک بدهد. هر کدام از این امور می‌تواند به عنوان یک رویداد، خلق موقعیت کنند ولی در این نمایشنامه علاوه بر آنکه مهم تلقی نمی‌شوند بلکه اتفاقاً زن با غر زدن‌ها خود تنها از وضعیت بد شبکه آب رسانی آپارتمان شکایت دارد زیرا دیرتر به محل کار خود می‌رسد. زن در این نمایشنامه یک مادر است مادر در نظام روزمره نقش خود را دارد؛ نقشی که جامعه برای او تعریف کرده است. در چنین جامعه‌ای «افراد به محصول کارکردهای اجتماعی سرمایه داری تبدیل شدند و به قسمی وارد فعالیت اقتصادی شدند که گویی ماهیت و سرنوشت آنان همین بوده است» (بنت، ۱۳۹۳: ۲۴) زن در خوابش انگشتانش را از دست داده ولی چیزی که ناراحتش می‌کند بریده شده آنان نیست در واقع تنها از عصبانی شدن رئیس خود ناراحت است. داریوفو در نمایشنامه روز از نو پیامدهای استثمار اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی افراد جامعه خود را اینگونه نشان می‌دهند؛ حتی اگر او به عمد هم دست به چنین نمایشی نزده باشد اما آنچه خلق کرده دقیقاً یک انسان در بند است این زن از صابون صورت خود تعریف می‌کند دقیقاً همان شکلی که رسانه برای او تعریف کرده است؛ رسانه‌ای که با تبلیغات شروع به دیکته کردن مد می‌کند و با ساخت اسطوره مصرف آنچه را که باید مصرف کرد را برای بشر خلق می‌کند. «رسانه‌ها چنان در در زندگی روزمره‌ی عصر مدرن متاخر استوار گشته‌اند که به یکی از عناصر تفکیک ناپذیر بافت فرهنگی مدرنیته اخیر تبدیل شده‌اند» (همان: ۱۲۰) منولوگ زن درباره صابون آشکارا به نفوذ تبلیغات اشاره می‌کند. «با صابون دست صورت کامین هر روز دوست داشتی تر از دیروز باشی» (داریوفو، ۱۳۸۹: ۱۰) این او را که از دل کتاب مقدس تبلیغات خود را بیرون کشیده و در ناخودآگاه زن قرار داده در واقع یک جمله تبلیغاتی همه روزه است آن موسیقی تکراری که انسان ناخودآگاه زیر دوش حمام زمزمه می‌کند

اکنون به یک شعار تبلیغاتی تنزل پیدا کرده و زن هنگام شستن صورت خود اولین چیزی که به دهان می‌آورد این شعار است. شعاری که امید دوستداشتنی بودن به انسان می‌فروشد. «آنچه تبلیغات می‌گوید متضمن درستی قبلی (ارزش مفید شی) نیست، بلکه تاییدی برای بعد از طریق واقعیت داشتن نشانه پیش گویانه ای است که انتشار می‌دهد» (بودریار، ۱۳۹۴: ۱۹۶)

جامعه مصرفی مکانی پر از سرسام‌ها، استرس‌ها و اضطراب‌هاست و فرد اجتماعی در پی به دست آوردن فرصت‌های بیشتر برای مصرف (حال به اجبار مثلاً نیاز مالی یا طمع مصرف) فشار زیادی را متحمل می‌شود که در نمایشنامه (روز از نو) به خوبی این فشار وارد دیده می‌شود این زن به کودک خود به جای پودر بچه از پنیر رنده شده استفاده می‌کند به جای اسپری خوش بو کننده از رنگ فوری استفاده می‌کند و در هر لحظه چشم از ساعت بر نمی‌دارد.

ساعت دیگر خود امری نمادین شده؛ استعاره‌ای از رضایت مندی، زیرا رضایت انسان روزمره در گرو رضایت بالادستی است نه در گرو رضایت فردی، به موقع رسیدن باعث رضایت طبقه بالادست و موجبات مصرف طبقه‌ی پایین است و این سلسله طبقات تا بی‌نهایت ادامه دارد؛ زن این نمایشنامه نه دیگر اختیار دارد و نه دیگر مغزی برای اندیشیدن تنها ماشین کارگری شده که در دستان قدرت سرمایه‌داری به سختی کار می‌کند و نه دیگر روحی برای مقاومت، این نمایشنامه که بی‌شبهت به فیلم عصر جدید چاپلین نیست درواقع سرنوشت انسانی را نشان می‌دهد که در دنیای این تکنولوژی‌ها غرق شده است و خود بدون توجه به اتفاقات اطراف خود تنها زیست می‌کند. دست آخر به قول بودریار «ما در انتظار عصیان‌های وحشیانه و فروپاشی‌های ناگهانی‌ای هستیم که به اندازه‌ی رویدادهای مه ۱۹۶۸ غیرقابل پیش‌بینی و قطعی هستند، حوادثی که این عشای ربانی سفید را در هم خواهد شکست» (بودریار، ۱۳۹۴: ۳۱۷)

نتیجه‌گیری

تکنولوژی به عنوان مهمترین بازو سرمایه‌داری توانسته در قرن اخیر فضای میانه‌ی انسان‌ها را خلق می‌کند و آنان را از یک‌دیگر دور کند. روزمرگی حاصل از این سرمایه‌داری درواقع توانسته خود را جایگزین طبیعتی کند که انسان از دیرباز با آن پیوند خورده است و روزمرگی با اِبرازی کردن شهر در جایگاه سرگرمی و فراغت توان کنترل اجتماعی را به دست خود گرفته است، این روزمرگی که در دست نظام‌ها قرار می‌گیرد خود هم‌تراز و جایگزین نیروهای قدرت است که از حاکمیت بر اجتماع جریان پیدا می‌کند، این عاملیت در امتداد جریان خود به هم‌شکل‌سازی اجتماعی می‌رسد و همه مردم جامعه را به این روزمرگی دچار می‌کند در این میان مقاومت هم در شبکه ایجاد می‌شود که در جریان مقاومت خود با مد و انگیزه‌های مصرف‌گرایانه مبارزه می‌کند، سرمایه‌داری با در نظر داشتن رسانه‌های تبلیغاتی توانسته مد را در جریان جامعه پرورش دهد و حتی پاد فرهنگ‌ها را خلق کند. این جریان مد‌شدگی جامعه را باز بیشتر به سمت هم‌شکل‌سازی پیش می‌برد و جریان مقاومت را از بین می‌برد یا در واقع هم‌سو با خود می‌کند، این بروز نبود مقاومت به گونه‌ای در نمایشنامه نیز توان رخنه را دارد، مسئله‌ای که به عنوان رویداد وجود دارد؛ رویداد از قبل در dram وجود دارد و کنش اصلی را به جود می‌آورد ولی شخصیت مقاومتی در برابر بحران ندارد، به عبارتی آنتی‌گون برایش مهم نیست که برادرش کشته شده یا نشده! این امر در نمایشنامه‌ی روزازنو اثر داریوفو به خوبی دیده می‌شود این بی‌تفاوتی نسبت به رویداد در شخصیت زن اصلی وجود دارد و آن زن برایش جریان روزمره مهم است و نه اتفاقات کنار زندگی‌اش. زن در این نمایشنامه به راحتی از بحران‌های موجود در زندگی خود گذر می‌کند ولی رضایت مدیر خود را جلب می‌کند، این زن در خواب و بیداری در حال تولید در کارخانه است، انگشتانش را از دست می‌دهد ولی زمان تولید در کارخانه نباید به عقب بیفتد، رویداد‌ها رنگ باخته‌اند و دیگر برای شخصیت نمایشی رویداد‌های که موجبات بحران dram را فراهم می‌آورند؛ دیگر اهمیت پیدا نمی‌کند.

فهرست منابع

۱. بنت، اندی: (۱۳۹۳) فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه: لیلا جوافشانی، حسن چاوشیان، نشر اختران، تهران
۲. بودریار، ژان: (۱۳۹۴) جامعه مصرفی، ترجمه: پیروز ایزدی، ثالث، تهران
۳. تامس، جیمز: (۱۳۹۲) تحلیل (فرمالیستی) متن نمایشی، ترجمه: علی ظفرقهرمانی نژاد، سمت، تهران
۴. دلوز، ژیل: (۱۳۹۴) فوکو، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، نشر نی، تهران
۵. سلدن، رامن و ویدوسون، پیتر: (۱۳۹۲) راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه: عباس مخبر، طرح نو، تهران
۶. فو، داریو: (۱۳۸۹) روزازنو، ترجمه: عباس مخبر، تجربه، تهران
۷. فوکو، میشل: (۱۳۹۵) مراقبت و تنبیه، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، نشر نی، تهران
۸. گات، بریس و کومینیک مدآیو (۱۳۹۱) دانشنامه زیبایی‌شناسی، ترجمه: بابک محقق و تیم ترجمه، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، تهران
۹. نجات‌غلامی، علی: (۱۳۹۳) فلسفه، شهر و زندگی روزمره، تیس، تهران
۱۰. ویلسون، راس: (۱۳۹۳) آدورنو، ترجمه: پویا ایمانی، ترجمه: نشر مرکز، تهران

مقاله:

۱۱. جعفری، حسن: (۱۳۸۸) دین و اسطوره: بررسی نظریات ارنست کاسیرر درباره‌ی اسطوره، نیمسال‌نامه‌ی تخصصی پژوهشنامه‌ی ادیان، سال سوّم، شماره‌ی ششم، تهران

منابع انگلیسی:

1. Henri Lefebvre, *Everyday Life in the Modern World*, trans. S. Rabinovitch (New Brunswick: Transaction Publishers, 1984 {1968})
2. Henri Lefebvre, *Critique of Everyday Life, Volume II: Foundations for a Sociology of the Everyday*, trans. J. Moore, preface M. Trebitsch (London: Verso, 2002 {1961})

عدالت زیست محیطی و چگونگی دسترسی به آن در مقارنه ی اسناد بین المللی و حقوق ایران

^۱ رزیتا کهریزی

^۲ مهدی پیری

^۳ محسن عبداللهی

چکیده

عدالت زیست محیطی به معنای توزیع عادلانه فواید و مضرات ناشی از محیط زیست است که تمامی گروه‌های اجتماعی، مخصوصاً گروه‌های کم‌درآمد و جوامع اقلیت، از شرایط مناسب زندگی محیطی بهره‌مند شوند. این مفهوم بر این اصل تأکید دارد که هیچ فرد یا گروهی نباید بار نامناسب بودن شرایط زیست محیطی را بدون دریافت سهم مناسب از امکانات و منابع تحمل کند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین حق دسترسی به عدالت زیست محیطی در پرتو اسناد بین المللی پرداخته است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی اصل بر آن است که حفاظت از محیط زیست یک حق فطری است که هرچند دیر مورد شناسایی قرار گرفته است. بنابراین حقوق بین الملل محیط زیست نمی تواند بی عدالتی های زیست محیطی را زیر پوشش قرار دهد. همچنین صلاحیت رسیدگی دعاوی مطرح شده توسط سازمان های مردمی، سندیکاها ی کارگری، اتحادیه های منطقه ای نژادی در مورد بی عدالتی زیست محیطی، باید به اساسنامه های دیوان بین الملل دادگستری و دیوان بین المللی کیفری افزوده شود.

واژگان کلیدی

حق، عدالت، زیست محیطی، تخریب محیط زیست، اسناد بین المللی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، پردیس بین الملل کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: rozita.kahrizi@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)

Email: mehdi.piri@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق بشر و حقوق محیط زیست، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: Mo_Abdollahi@sbu.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۷

طرح مسأله

عدالت زیست‌محیطی مفهومی است که به توزیع منصفانه و برابر منابع محیطی و همچنین تقسیم منصفانه فشارها و اثرات منفی محیط زیستی در میان تمام افراد و گروه‌ها اشاره دارد. این مفهوم تضمین می‌کند که همه افراد، بدون توجه به نژاد، قومیت، درآمد، یا موقعیت جغرافیایی، به یک محیط زیست سالم و امن دسترسی داشته باشند و هیچ گروهی به تنهایی بار آلودگی‌ها و آسیب‌های زیست‌محیطی را تحمل نکند. عدالت زیست‌محیطی به معنای توزیع عادلانه فواید و مضرات ناشی از محیط زیست است که تمامی گروه‌های اجتماعی، مخصوصاً گروه‌های کم‌درآمد و جوامع اقلیت، از شرایط مناسب زندگی محیطی بهره‌مند شوند. این مفهوم بر این اصل تأکید دارد که هیچ فرد یا گروهی نباید بار نامناسب بودن شرایط زیست‌محیطی را بدون دریافت سهم مناسب از امکانات و منابع تحمل کند. اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی زیست‌محیطی الزام‌آور و غیرالزام‌آور متعددی طی چند دهه گذشته به توسعه هنجاری حق‌های رویه‌ای زیست‌محیطی و مشخصاً حق دسترسی به عدالت زیست‌محیطی پرداخته‌اند. البته توسعه‌های حقوق بشر بین‌الملل (همانند اسناد و مصوبات کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل^۱ و نیز سازمان بین‌المللی کار و معاهدات منطقه‌ای حقوق بشر) و حقوق بین‌الملل اقتصادی (همانند سازمان‌های بین‌المللی تعیین‌کننده استانداردها و سازمان‌های مالی بین‌المللی) نیز بر رشد این حق‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. به لحاظ تاریخی می‌توان این تحولات را به دو بازه قبل از سال ۱۹۹۲ میلادی و پس از آن تقسیم‌بندی کرد. قبل از سال ۱۹۹۲ میلادی، بیشتر معاهدات حقوق بشری مشتمل بر مفادی در خصوص حق‌های رویه‌ای بودند. به عنوان مثال اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) حق دسترسی به اطلاعات (ماده ۱۹) و حق بر دسترسی به عدالت (مواد ۸ و ۱۰) را بر می‌شمرد. به‌طور مشابه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۹۶) در بند ۲ ماده ۱۹ خود، آزاد بودن شهروندان در جستجو، کسب و استفاده از تمامی انواع اطلاعات و ایده‌ها را تضمین می‌نماید. منشور آفریقایی حقوق بشر (۱۹۸۱) نیز حق بر دسترسی به اطلاعات را در بند ۱ ماده ۹، حق بر دسترسی به مشارکت را در ماده ۱۳، و حق بر دسترسی به عدالت را در مواد ۳ و ۷ به رسمیت می‌شناسد. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز در مواد ۱۰ و ۶ خود به ترتیب حق دسترسی به اطلاعات و حق دسترسی به عدالت را مورد توجه قرار می‌دهد.^۲ با این‌وجود تا زمان تصویب کنوانسیون آرهوس (۱۹۹۸)، اجماعی بر شناسایی دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، مشارکت

1. The United Nations' Committee on Economic, Social and Cultural Rights (UNCESCR)

2. Malgosia Fitzmaurice, David Ong, and Panos Merkouris, *Research Handbook on International Environmental Law* (Edward Elgar Publishing, 2010), <https://doi.org/10.4337/9781849807265>.

عمومی و دسترسی به عدالت زیست محیطی به عنوان حق وجود نداشت، بلکه به عنوان تعهدات شکلی با آنها برخورد می‌شد^۱. درواقع در فاصله زمانی اعلامیه‌های ریو و استکهلم تا زمان کنوانسیون آرهوس (یعنی ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۸)، بیشتر اسناد بین‌المللی زیست محیطی تعهدات مثبت به دولت‌ها بار می‌کردند مبنی بر اینکه اطلاع‌رسانی در خصوص موضوعات زیست محیطی بهبود یابد، همانند پروتکل مونترال درباره مواد از بین برنده لایه اوزون^۲ (۱۹۸۷) (ماده ۹)، کنوانسیون تغییرات اقلیمی (۱۹۹۲) (بند ۱ الف) از ماده ۴ و ماده ۶، و کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) (ماده ۱۳). اما این تعهدات منجر به شکل‌گیری حق‌های قابل اعمال توسط اشخاص و شهروندان نمی‌گردید^۳. بنابراین همان‌طور که مشاهده شد هرچند شناسایی حق (رویه‌ای) بر دسترسی به عدالت به دهه ۱۹۴۰ برمی‌گردد اما این حق در حقوق بین‌الملل محیط زیست تا زمان کنوانسیون آرهوس (۱۹۹۸) مورد شناسایی جامعه بین‌الملل قرار نگرفته بود. بنابراین قدمت توسعه آن در اسناد بین‌المللی چندان زیاد نیست. بنابراین این سؤال که آیا حق مزبور از جایگاه کافی در حقوق بین‌الملل محیط زیست (و یا حقوق بشر بین‌الملل) برای ایجاد دلالت‌های الزام‌آور برای دولت‌ها برخوردار است نیازمند بررسی بیشتر حقوقی-تحلیلی است.

برقراری عدالت زیست محیطی از این حیث که دسترسی همه به محیط زیست سالم یک حق بشری اساسی است. عدالت زیست محیطی تضمین می‌کند که هیچ جامعه‌ای به دلیل تبعیض یا عدم توازن قدرت در معرض خطرات زیست محیطی قرار نگیرد. همچنین مد نظر قرار دادن این مهم که جوامعی که در معرض آلودگی‌های زیست محیطی و منابع آلوده قرار دارند، دچار مشکلات بهداشتی و بیماری‌های مختلفی می‌شوند. اجرای عدالت زیست محیطی باعث بهبود سلامت عمومی و کاهش هزینه‌های درمانی می‌شوند، دارا یضرورت مضاعف است. این در حالی است که تحقق عدالت زیست محیطی با ایجاد توازن در استفاده از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست و حفظ منابع برای نسل‌های آینده می‌شود. علاوه بر این عدالت زیست محیطی به توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی کمک می‌کند، به ویژه در جوامع کمتر توسعه‌یافته و در نتیجه کاهش بسیاری تضادها، نارضایتی‌ها و برخوردها در جوامع می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه امروزه عدالت زیست محیطی به عنوان فصل مشترک حقوق بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست تلقی می‌شود و با عنایت به اینکه تاکنون ماهیت و حدود و ثغور این مفهوم اساساً

1. Kal Raustiala, "The Participatory Revolution in International Environmental Law," *Harv. Envtl. L. Rev.* 21 (1997): 537.

2. UN General Assembly, "Montreal Protocol on Substances That Deplete the Ozone Layer" (1987).

3. Philippe Sands and Jacob Werksman, "Procedural Aspects of International Law in the Field of Sustainable Development: Citizens' Rights," *Sustainable Development and Good Governance*, 1995.

به لحاظ حقوقی بطور مستقل مورد بحث قرار نگرفته یا کمتر بدان پرداخته شده است، در تحقیق حاضر برآنیم تا این مفهوم از دیدگاه اسناد بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. مسئله تحلیلی که در اینجا مطرح می‌شود و برای جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند حائز اهمیت باشد این است که آیا حق بر دسترسی به عدالت زیست‌محیطی به چنان جایگاهی در حقوق بین‌الملل و خاصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست دسته یافته است (یا در حال دست یافتن است) که از دلالت‌های کافی برای الزام دولت‌ها از جمله ایران برخوردار باشد؟

۱. عدالت زیست محیطی و عناصر کلیدی آن

محیط زیست را می‌توان یک اکوسیستم دانست که از تعداد بی‌شماری اکوسیستم‌های کوچکتر تشکیل شده است و بشر برای زندگی و ادامه آن به تمام اکوسیستم‌ها وابستگی دارد.^۱ همچنین یکی از نویسندگان بیان نموده است: محیط زیست عبارت است از هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبریان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده (شامل کوچه، خیابان، ساختمان، اعم از تاریخی و عادی و کارخانه و غیره).^۲ محیط زیست، از دو کلمه ترکیب یافته است، یکی «محیط» که واژه‌ای عربی است، و دیگری «زیست» که واژه‌ای فارسی است. «محیط» به معنای مکان و اوضاع و احوال آمده است و آنچه که شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول می‌باشد. به دیگر تعبیر: محیط فراگیرنده و جای زندگی آدمی است.^۳ واژه «زیست» به معنای زندگی و حیات و زیستن آمده است.^۴

عدالت زیست‌محیطی به معنای تضمین دسترسی عادلانه تمامی افراد و گروه‌ها به یک محیط زیست سالم و پایدار و توزیع منصفانه منافع و هزینه‌های مرتبط با آن است. این مفهوم بر جلوگیری از تمرکز نابرابر آلودگی‌ها و خطرات زیست‌محیطی بر جوامع محروم یا اقلیت‌ها تأکید دارد و به دنبال اطمینان از این است که هیچ گروهی در برابر تعامل با منابع طبیعی و بهره‌مندی از محیط زیست از دیگران پایین‌تر نباشد. برخی از مهم‌ترین عناصر کلیدی عدالت زیست‌محیطی عبارتند از:

(۱) **توزیع عادلانه منابع:** دسترسی برابر به منابع طبیعی، مانند آب و زمین، برای همه افراد

۱. جنیدی، محمد جواد، ۱۳۵۲، صنایع معدنی و آلودگی محیط، تهران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، ص ۱۴۴.

۲. کیس، الکساندر چارلز، ۱۳۷۹، حقوق محیط زیست، ترجمه و تلخیص، محمد حسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵.

۳. معین، محمد، ۱۳۷۳، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، زرین، ص ۱۷۱۷.

۴. همان، ص ۱۱۳.

و جوامع، بدون توجه به وضعیت اقتصادی، نژاد، مذهب یا سایر ویژگی‌های جمعیتی.

۲) مشارکت در تصمیم‌گیری: ایجاد فرصت‌های برابر برای شرکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری که به محیط زیست و پایداری مربوط می‌شود و اطمینان از اینکه صدای همه اقشار جامعه شنیده می‌شود.

۳) حفاظت قانونی و حقوقی: وضع قوانین و سیاست‌هایی که منجر به جلوگیری از نابرابری‌های زیست محیطی و حمایت از حقوق همه افراد برای دسترسی به محیط زیست سالم می‌شوند.

۴) پیشگیری از نابرابری‌های زیست محیطی: جلوگیری از وقوع نا عادلانه مخاطرات زیست محیطی یا توسعه‌های صنعتی آلاینده در مناطقی که معمولاً جوامع کم درآمد یا اقلیت‌ها در آن ساکن هستند.

بنابراین، عدالت زیست محیطی نه تنها به عوامل محیطی توجه دارد، بلکه ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و حقوقی را نیز در بر می‌گیرد تا جامعه‌ای عادلانه و پایدارتر ایجاد کند.

۲. بحث موضوع تحقیق

برخی از محیط زیست‌گرایان یک مفهوم جامعه‌شناختی را مدنظر دارند که به اصطلاح به آن در حیط خلوت من نه^۱ گفته می‌شود که مستلزم به رسمیت شناختن این واقعیت است که مواد زائد و خطرناک، مکان‌های انباشت زباله و همچنین صنایع آلوده‌کننده، به ناچار باید در «حیط خلوت» شخص دیگری جاگذاری شود. بدون اینکه به این پرسش پاسخ دهند که حیط خلوت چه کسی باید محل دفن زباله‌های خطرناک و صنایع آلوده‌کننده باشد. بولارد بر اساس تجزیه و تحلیل‌های اجتماعی به این موضوع دست می‌یابد که نگهداری با دفن اغلب این گونه مواد در اطراف جوامع فقیر، رنگین پوست و ضعیف، بیش از حومه مناطق مرفه نشین است و همچنین می‌افزاید که این امر در حال تکرار است.

در ابعاد بین‌المللی نیز افزایش نابرابری میان کسانی که دسترسی به منابع سالم و تمیز دارند و کسانی که ندارند، مشاهده شده است. نابرابری در برخورداری از طبیعت سالم ممکن است منتج از شرایط تاریخی، روابط تجاری و اقتصادی عصر حاضر یا فقدان مقررات مناسب و کافی دولتی در این زمینه باشد. حتی برخی بر این عقیده‌اند که عدالت زیست محیطی در مورد جمعیت‌های کم‌مقدار یا اقلیت‌ها، لازم‌الاجرا نیست، در صورتی که هدف عدالت زیست محیطی جلوگیری از اثرات تخریبی مواد مضر حتی بر جمعیت‌های اندک است. کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای آفریقایی همواره مقصد مواد آلوده‌کننده و خطرناک بوده‌اند. به همین دلیل، بررسی فعالیت‌های بین‌المللی که برای جلوگیری یا کنترل واردات مواد زائد و آلوده‌کننده صورت گرفته

است، ضروری به نظر می‌رسد. تعداد معاهدات منطقه‌ای به منظور حفاظت از محیط زیست که همزمان به رعایت موازین حقوق بشر نیز تأکید داشته باشد، بسیار اندک است و در اکثر معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی، بیشتر بر حفاظت از محیط زیست تأکید شده و به اثرات زیانبار تخریب آن بر انسانها اشاره‌ای نشده است. البته تعداد اندکی از معاهدات هستند که برخورداری از محیط زیست سالم را حق انسان‌ها دانسته‌اند. موضوع مهمی که در تمامی معاهدات مطرح است، بحث ضمانت اجرای آن برای طرفین معاهده است که سازوکار این امر باید در معاهده پیش‌بینی شود.

۱-۲. عدالت زیست محیطی در اسناد بین‌المللی

ریشه‌های این بحث را باید در جنبش حقوق مدنی و به ویژه تصویب قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ آمریکا دانست. در واقع، برخی از نویسندگان حقوق بین‌الملل معتقدند که اگر عدالت زیست محیطی از جنبه داخلی در داخل یک کشور مثل آمریکا می‌تواند در قالب یک نظام حقوقی به منصفه ظهور برسد، چرا چنین نظامی در سطح بین‌المللی نتواند تحقق یابد؟ امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، قوانین داخلی برای مقابله با آسیب‌های ایجادشده ناشی از تخطی استانداردهای زیست محیطی و ایجاد روند قضایی برای منع تکرار آن و جبران خسارت وارده ساز و کارهایی به وجود آورده‌اند. حقوق بین‌الملل نیز همانند حقوق داخلی در پی ایجاد یک سیستم تکالیف و اختیارات برای دولت‌ها راجع به عدالت زیست محیطی است. در این چارچوب، مقوله عدالت زیست محیطی در مقابل احترام به حاکمیت ملی، برای حاکمیت حدود و تکالیفی قائل است. بر این اساس، حتی اعمال دولت‌ها در داخل مرزهایشان چنانچه عواقب سوء فراملی داشته باشد برای آنها مسئولیت در پی دارد، اما مسئله اینجاست که نظام فعلی حقوق بین‌الملل، به عنوان مثال برای مقابله با اقدامات زیان‌آور شرکتهای چندملیتی در داخل سرزمین دولت‌های دیگر، فاقد مقررات یا دست کم سازوکارهای لازم برای ضمانت اجرا است. بنابراین، وادار کردن این شرکت‌ها به رعایت استانداردها دشوار می‌گردد، زیرا شرکت‌های مذکور یا به عبارت دیگر شرکت‌های مادر مدعی هستند که آثار سوء عملکرد شرکت‌های تابعه در کشورهای دیگر یا کشورهای جهان سوم متوجه آنها نیست. بدین ترتیب، فقدان یک نظام حقوقی ناظر بر عدالت زیست محیطی در نظام بین‌الملل طرفداران این عدالت را به سمت ایجاد نظامی به ویژه با رویکرد حقوق بشری سوق داده است. در واقع، آنها در پی یافتن راه حل یا ایجاد یک سازوکار حقوقی کارآمد برای پیشگیری با مقابله با تخریب‌ها و آسیب‌های زیست محیطی هستند. بدیهی است به دلیل اینکه اندیشه ایجاد یک نظام حقوقی ناظر بر عدالت زیست محیطی در نظام بین‌المللی ریشه در تحولات جنبش مدنی آمریکا دارد تحولاتی که منشأ الگوبرداری برای طرفداران عدالت زیست محیطی شد. در این رابطه، فعالیت‌های سازمان ملل متحد قابل توجه بوده است.

سازمان ملل متحد در بدو تأسیس خود کمتر به مسائل محیط زیست توجه داشت و توجه سازمان بیشتر معطوف بود به اکتشاف و استفاده از منابع طبیعی و تضمین اینکه کشورهای درحال توسعه بر منابع خود تسلط داشته باشند. در دهه ۶۰ میلادی قراردادهایی برای جلوگیری از آلودگی دریاها، به ویژه در برابر آلودگی های نفتی به امضا رسید. افزایش شواهد محکم در رابطه با زوال محیط زیست که در مقیاس جهانی وجود داشته و دارد موجب شد تا جامعه بین‌المللی درباره تأثیر توسعه بر زیست بوم کره زمین و سلامت و رفاه انسانی توجه ویژه مبذول کند. برای نخستین بار در کنفرانس محیط زیست سازمان ملل که در استکهلم برگزار شد، رابطه بین توسعه اقتصادی و نتایج مخرب آن بر محیط زیست در دستور کار بین‌المللی قرار گرفت. برنامه محیط زیست سازمان ملل که توسط دولت‌ها و پس از کنفرانس استکهلم تأسیس شد تا به امروز، کارگزاری اصلی جهان در زمینه محیط زیست است. با وجود تلاش های بین‌المللی که به تصویب معاهداتی بین‌المللی در زمینه بیابان‌زدایی، حفظ لایه اوزون و کنترل نقل و انتقال پسماند منجر شد، زوال محیط زیست به عنوان چالشی جدی در عرصه بین‌المللی باقی مانده است. مجمع عمومی سازمان ملل کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه را در سال ۱۹۸۳ تشکیل داد که فعالیت های بسیاری در زمینه توسعه و استفاده از منابع اقتصادی به همراه محافظت از محیط زیست را سازمان داده است. در این راستا، سازمان ملل متحد معاهداتی را به وجود آورده که نخستین آن کنوانسیون تالاب های دارای اهمیت بین‌المللی است که در سال ۱۹۷۱ توسط یونسکو ایجاد شد و تقریباً آخرین آن در سال ۲۰۰۲ توافقنامه آسه آن درباره آلودگی فرامرزی ناشی از دود است. در بین این دو معاهده، ۱۵ توافق نامه و کنوانسیون به ابتکار سازمان ملل متحد تأسیس شده است. اغلب موافقت نامه های بین‌المللی محیط زیست نظیر بیانیه نهایی کنفرانس ریو و دستور کار ۲۱ توجه ویژه به مسئولیت دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست داشته اند. در سال ۱۹۹۲ کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه (UNCED) دستور کار ۲۱ را ارائه کرد که یک برنامه اجرایی است که به طور داوطلبانه قابل پیاده سازی است، ولی الزام آور نیست. قواعد هلسینکی در سال ۱۹۶۶ تأکید می کند که «جلوگیری از هر نوع جدیدی از آلودگی آنها و یا هر افزایش در سطح فعلی آلودگی که منجر به زیان قابل توجه در آبهای مشترک بین کشورها شود»، وظیفه دولت های عضو است. در ماده ۳ قواعد مونترال در خصوص اجرای حقوق بین‌الملل در آلودگی های فرامرزی بیان می کند: «دولتها متعهد به جلوگیری و کاهش آلودگی های فرامرزی و مراقبت از آن هستند، بنابراین نباید منجر به خسارت به محیط زیست و سرزمین دولت دیگر شود». همچنین ماده ۳۰ اساسنامه حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها مصوب قطعنامه ۳۲۸۱ جلسه ۲۹ مجمع عمومی سازمان ملل مقرر می دارد: «صیانت و ارتقای محیط زیست برای نسل های فعلی و آینده مسئولیت تمامی دولت هاست. تمام دولت ها باید برای تأسیس

سیاست‌های مربوط به محیط زیست و توسعه کشورشان در هماهنگی با چنین مسئولیتی تلاش کنند. سیاست‌های زیست محیطی تمام دولت‌ها باید تسهیل‌کننده باشد و نسبت به توسعه بالقوه کشورهای در حال توسعه چه در حال و آینده، اثر مخالف نداشته باشد.

تمامی دولت‌ها برای تضمین فعالیت‌ها در سیستم قضایی خود یا کنترل عدم ایجاد خسارت در محیط زیست سایر کشورها و یا نواحی ماورای محدوده قضایی ملی آنها مسئولیت دارند. تمام دولت‌ها باید در یک نرم و قاعده بین‌المللی در حوزه محیط زیست همکاری کنند». کوفی عنان دبیر کل اسبق سازمان ملل در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۹ در مجمع اقتصاد جهانی داووس در سوئیس از رهبران تجاری جهان خواست برای کمک بیشتر به محافظت از حقوق بشر، معیارهای کار و محیط زیست به توافق جهانی بپیوندند. همچنین وی در باره محیط زیست موارد زیر را از محافل تجاری جهان خواستار شد.

کنوانسیون بنیادی سازمان ملل متحد درباره تغییر آب و هوا (UNFCCC) و پروتکل کیوتو: در مرکز تلاش‌های بین‌المللی برای رسیدگی به مسئله تغییرات آب و هوایی، کنوانسیون بنیادی سازمان ملل متحد درباره تغییر آب و هوا (UNFCCC) و پروتکل کیوتو قرار دارد. این دو معاهده نشان‌دهنده واکنش‌های بین‌المللی به این پدیده ناگزیر است که تغییرات آب و هوایی نامطلوب در حال وقوع است که بارها به وسیله هیئت‌های نمایندگی تأیید شده است و علت اصلی آن فعالیت‌های صنعتی کشورهای توسعه یافته است.

پروتکل کیوتو هدف‌های الزام‌آور حقوقی در زمینه میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای برای کشورهای صنعتی تعیین و ساز و کارهایی نوآورانه برای کمک به این کشورها در تحقق این هدف‌ها ایجاد کرد. پروتکل کیوتو برای کمک به کشورهای صنعتی در تحقق هدف‌های الزام‌آور خود و ترویج و حمایت از توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، سه سازوکار نوآورانه، یعنی سازوکار توسعه پاک، اجرای مشترک و تجارت گازهای گلخانه‌ای را تصویب کرد. پروتکل کیوتو برای حمایت از اجرای این ساز و کارها و پشتیبانی از تبعیت کشورهای صنعتی از اهداف پروتکل در زمینه کاهش انتشار گازها، فرایندهای گزارش دهی و بررسی کنوانسیون را تقویت و نظام پایگاه‌های داده‌های الکترونیکی، موسوم به بایگانی‌های ملی را برای نظارت به معاملات تحت سازوکار کیوتو ایجاد کرد. پروتکل همچنین کمیته تبعیت را ایجاد کرد که اختیار تعیین و اعمال عواقب و مجازات‌هایی برای طرف‌های متمرّد را دارد (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد). تمامی اینها نشان‌دهنده یک عزم عمومی برای حفاظت از محیط زیست است؛ هرچند باید در نظر داشت که به جز تعداد کمی از معاهدات چندجانبه که نهادی را برای نشان دادن تخلفات زیست محیطی تأسیس کرده‌اند، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و سایر معاهدات درباره

محیط زیست در شاخه حقوق نرم قرار میگیرند و الزام آور نیستند.^۱

کنوانسیون بازل: کنوانسیون بازل شامل ۲۹ ماده و ۹ الحاقیه و شاکله آن بر این اصل استوار است که کلیه انتقالات برون مرزی پسماندهای خطرناک مشمول مفاد کنوانسیون بازل فقط در میان کشورهای عضو و با رعایت مفاد آن و تنها در صورت وجود مدیریت صحیح زیست محیطی پسماندهای مربوطه در کشور مقصد (پذیرنده پسماندهای مذکور) امکان پذیر است.

در پی تدوین قوانین زیست محیطی در کشورهای توسعه یافته جهت محدود کردن پسماندهای خطرناک هزینه امحای آن‌ها به میزان چشمگیری افزایش یافت. تاجران مواد سمی در پی یافتن راهی کم‌هزینه‌تر، انتقال پسماندهای خطرناک به کشورهای در حال توسعه و کشورهای اروپای شرقی را در پیش گرفتند. از این رو در پاسخ به نگرانی‌های عمومی و بین‌المللی در ۲۲ مارس سال ۱۹۸۹ به منظور کنترل حمل و نقل برون مرزی پسماندهای خطرناک و دفع اصولی آنها توسط برنامه زیست محیطی سازمان ملل (UNEP) معاهده موسوم به «کنوانسیون بازل» به تصویب کشورهای عضو رسید و در ۵ می سال ۱۹۹۲ لازم الاجرا شد. کشور ایران نیز در سال ۱۳۷۱ با تصویب این کنوانسیون در مجلس شورای اسلامی به عضویت «کنوانسیون بازل» درآمد.

این کنوانسیون با هدف ایجاد یک حاکمیت جامع بر حمل و نقل و امحای پسماندهای خطرناک و سایر انواع پسماندها به منظور حفاظت از سلامت انسان و محیط زیست در برابر اثرات سوء و یا مدیریت غیر اصولی آن‌ها تدوین و برای کشورهای عضو لازم الاجرا شده است. کانسیسم دستیابی به این هدف از طریق کنترل و کاهش حمل و نقل پسماندهای خطرناک و سایر انواع آن، مدیریت صحیح زیست محیطی آن‌ها، کاهش اندازه و خطر پسماندهای خطرناک، مقررات مربوط به حمل و نقل برون مرزی پسماندهای خطرناک موارد ذیل را شامل می‌گردد:

بر اساس مقررات تدوین شده کشور صادرکننده باید کشور وارد کننده و کشورهای محل عبور را با ارائه اطلاعات دقیق طی فرم‌های سند انتقال و اظهارنامه در مورد محموله آگاه کند. پس از دریافت اعلام رضایت کتبی از کشور محل ورود و اطمینان از مدیریت صحیح زیست محیطی پسماند، انتقال صورت می‌گیرد. کسب مجوز از کشورهای محل عبور نیز ضروری است. حمل و نقل محموله‌های مشمول کنوانسیون بدون انجام ضوابط مقررات غیر قانونی است و جرم محسوب می‌شود.

از دیگر ملاحظات این بخش از پروتکل می‌توان به کاهش پسماندهای خطرناک، استفاده مجدد و بازیافت اشاره کرد. این مدیریت کلیه رویه‌های قابل انجام روی پسماندهای خطرناک

۱. پورهاشمی، سیدعباس (۱۳۹۲)، کلیات حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران: نشر دادگستر، ص ۴۷-۴۸

شامل انبار، انتقال، تصفیه یا استفاده مجدد و بازیافت یا امحاء نهایی را نیز شامل می‌شود. کنوانسیون بازل برای اطمینان از رعایت اصول زیست محیطی در کلیه مراحل حمل و نقل، بازیافت و امحای پسماندها اقدام به ارائه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های فنی جهت مدیریت زیست محیطی پسماندهای مشمول کرده است. تهیه این دستورالعمل‌ها بر عهده گروه کاری فنی کنوانسیون بازل است که از بدنه‌های فرعی کنفرانس اعضا محسوب می‌شود. تهیه دستورالعمل‌های فنی مدیریت صحیح زیست محیطی پسماندهای خطرناک ناشی از تولید و کاربرد حلال‌های آلی، پسماندهای خانگی، پسماندهای ناشی از منابع نفتی، تایرهای فرسوده و آلاینده‌های آلی پایدار حاصل فعالیت‌های این گروه است.

در حال حاضر دفتر بررسی آلودگی آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست انجام وظایف مرجع ذیصلاح کشور را در اجرای مفاد کنوانسیون بازل و استکهلم عهده دار است و در این راستا کلیه امور مربوط به صدور مجوز برای حمل و نقل برون مرزی، امحای پسماندها و ارتقای مدیریت صحیح زیست محیطی در این کشور توسط این دفتر انجام می‌شود.

۲-۲- اسناد بین‌المللی حق بر محیط زیست

امروزه در کلیه متون، حق بر محیط زیست در قالب نسل سوم حقوق معرفی می‌گردد. به نظر، یکی از موانع فهم صحیح ماهیت و جایگاه حق بر محیط زیست در نظام حقوق بشر تفکر نسلی در برداشت‌ها و تحلیل‌ها از حق بر محیط زیست است. به این معنا که هرچند به لحاظ زمانی حق بر محیط زیست سالم در قرون بعد از دهه هفتاد قرن بیستم ظاهر گردیدند ولی این قرابت زمانی مصادف با غرابت مفهومی نیز شد. یعنی به این معنا نیست که ماهیت همه حق‌های این نسل را یکسان بدانیم. به همین سبب است که کاستن حق بر محیط زیست به یکی از نسل‌های اول آن را به صورت آخرین بازمانده نسل اول و دوم معرفی می‌نماید. با این حال بنیان‌های حق وقی نسل سوم اساساً از هنگام طرح در نظام حقوق بشر دارای ابهامات بی‌شماری بوده و هنوز بحث‌های حقوقی جدی در خصوص این دسته از حقوق وجود دارد که تعداد معدودی از آن‌ها در خصوص حق بر محیط زیست صادق نیست.^۱ از جمله این ابهامات می‌توان موارد ذیل را بر شمرد:

۱) این دسته از حقوق در هیچ یک از اسناد جهانی یا ملی مورد شناسایی صریح قرار نگرفته و تبلور حقوقی در نظام حقوقی نیافته است.

۲) صاحبان و ذی‌حقان و مکلفان این دسته از حقوق نیز به صورت واضح، مشخص نیستند. در حقیقت مشکل اصلی و مبنایی حق‌های جدید علاوه بر مشخص نبودن ذی‌حقان و

۱. لوسین زهادی، رها، ۱۳۸۳، نسل‌های حقوق بشر، تهران، نشر میزان، ص ۲۶

مکلفان، عدم امکان برقراری توازن میان صاحبان و مکلفان حقوق است.

۳) قلمرو موضوعات حقوق نسل سوم مبهم و نامشخص هستند. عباراتی چون محیط زیست، صلح، توسعه و میراث مشترک بشریت مبهم بوده، به گونه ای که تعیین قلمرو موضوعات و مصادیق آن را دشوار می نماید. حقوق نسل سوم عمل گرا و جزئی نگر نیستند بلکه صرفاً اهداف کلی جامعه بین المللی یا حقوق ملی را بیان می نمایند. لذا این دسته از حقوق از آن جا که جزئی نشده اند و در حقوق ملی مورد شناسایی قرار نگرفته اند. لذا به هیچ وجه نمی شود اجرای آن را به مثابه یک حق یا تعهد از دولت ها خواست.

۴) تضمین و اجرای این حقوق به علت این که وابسته به علل و عوامل، بستر ها و زمینه های مختلفی است، عملاً امکان پذیر نیست.^۱

تحلیل و بررسی اصول و مفاهیم پایه ای حقوق بین الملل محیط زیست، درک بسیاری از معاهدات، کنوانسیون ها و قواعد را تسهیل می کند. جامعه جهانی در صورتی که به این اصول پایبند بوده و از آن استفاده نمایند، این اصول پررنگ تر و کارآمدتر بخشی از حقوق را اصول تشکیل می دهند. حقوق امروز که در حال رشد نیاز به شناخت همه جانبه دارد که این شناخت با مطالعه معاهدات و کنوانسیون ها و اصول استوار است. این اصول می تواند به عنوان راهنمایی در تفسیر هنجارهای حقوقی و شکل دهنده هنجارهای این رشته باشند.

درحقوق بین الملل محیط زیست که امروزه در آکادمی ها مورد پژوهش و بررسی و تدریس قرار می گیرند یکی از بخش هایی که نقش بسزایی در تحول و پیشرفت حقوق محیط زیست دارند اصول هستند این اصول تنها در ایجاد قواعد حقوقی نقش ندارند بلکه در روند اجرای تفسیر و حل و فصل اختلافات جایگاه خود را به اثبات رسانده و توانسته اند یکی از شاخص های اصلی در حقوق بین الملل محیط زیست باشند. برخی از این اصول به جامعه ی بین المللی، دولت ها، اشخاص این اجازه را می دهد که از محیط زیست استفاده برده و بهره مند گردند گرچه برخی اصول به صراحت و برخی دیگر از مفهوم آنها این امر استنباط می شود یعنی به نوعی این، حق بر محیط زیست وجود دار که همگان از آن بهره ببرند اما تاجایی که باعث ضرر و زیان و آسیب زدن به آن نشوند و در صورت آسیب زدن به آن بایستی جبران خسارت نمایند.

۲-۳. عدالت زیست محیطی در مقارنهی اسناد بین المللی و حقوق ایران

کشور ایران نیز به لحاظ تعدد قوانین و مقررات زیست محیطی جز کشورهایی است که توجه ویژه ای به این امر داشته است. سابقه قوانین و مقررات مربوط به محافظت از محیط زیست و منابع طبیعی به سال ۱۳۱۵ برمی گردد. براساس مستندات موجود تا سال ۱۳۳۵، نهاد و سازمان

۱. تاموشات، کریستین، ۱۳۸۶، حقوق بشر، تهران، انتشارات میزان، ص ۱۴۲

رسمی برای بررسی و کنترل قوانین و مقررات زیست محیطی، تأسیس نگردیده بود. از این سال به بعد «کانون شکار ایرا» به عنوان نهادی مستقل برای حفظ منابع طبیعی و زیست محیطی و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات مربوطه، تشکیل شد. در سال ۱۳۴۶، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید با تصویب قانون شکار و صید، جایگزین کانون شکار ایران گردید. این سازمان زیر نظر وزارت کشاورزی فعالیت می نمود.^۱

در سال ۱۳۵۰ براساس ماده ۴ قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف، نام سازمان شکاربانی و نظارت بر صید به «سازمان حفاظت محیط زیست» و نام شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید به «شورای عالی حفاظت محیط زیست» تبدیل شد و امور زیست محیطی از جمله پیشگیری از اقدام های زیانبار برای تعادل و تناسب محیط زیست نیز به اختیارات قبلی آن افزوده شد. لذا با توجه به اهمیت وجود و حضور مؤثر این نهاد در کشور، با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در ۲۱ ماده، این سازمان از اختیارات قانونی تازه ای برخوردار شد و از نظر تشکیلاتی نیز تا اندازه ای از ابعاد و کیفیت سازگار با ضرورت های برنامه های رشد و توسعه برخوردار گردید.^۲

پس از انقلاب اسلامی، با تصویب اصل پنجاهم قانونه اساسی جمهوری اسلامی، توجه و اهمیت به موضوع محافظت از محیط زیست و منابع طبیعی چندین برابر گردید، زیرا با اختصاص یک اصل از اصول قانون اساسی به امر حفاظت محیط زیست بر ضرورت و اعتبار اجرای مقررات مربوط به محیط زیست تأکید شده است. پس از تأیید سازمان محیط زیست به عنوان تنها سازمان رسمی ناظر بر کیفیت محیط زیست ایران و استمرار این تأیید پس از انقلاب، لازم بود تا این سازمان براساس وظایف تعریف شده فوق، راهکارها و قوانین مناسبی را در جهت ارتقای کیفیت محیط زیست مبتنی بر شرایط زیست محیطی کشور ارائه نماید. بیشتر این قوانین و مقررات مبتنی بر سیاست های کنترل و نظارت بود.^۳

از سوی دیگر قوانین برنامه‌ای مبنای حرکت و توسعه کشور را مشخص می‌کند. در ایران در قانون برنامه اول توسعه اشاره‌ای به موضوعات محیط زیستی نشده بود و در قانون برنامه دوم توسعه نیز تنها اشاره کوچکی به مسائل محیط زیستی شد اما در قانون برنامه سوم توسعه، فصلی به نام محیط زیست داشتیم همچنین در قانون برنامه چهارم توسعه نیز یک بخش تحت عنوان محیط زیست و آمایش سرزمین تدوین شد که در قانون برنامه پنجم نیز به همان موارد مجدد

۱. سایت سازمان محیط زیست / تاریخچه سازمان محیط زیست).

۲. همان

۳. دفتر حقوقی سازمان محیط زیست، (۱۳۸۳)، آیین نامه محیط زیست، ج ۱، ص ۲۷

تاکید شد. در نهایت در قانون برنامه ششم توسعه در ماده ۳۸ به صورت مبسوط به حوزه محیط زیست پرداخته شد. دسترسی به عدالت زیست محیطی هم در سطح بین المللی و هم در ایران می تواند از طریق چارچوب ها و اسناد مختلف حقوقی و سیاستی انجام شود. در اینجا به مقارنه ای بین اسناد بین المللی و حقوق ایران پرداخته می شود:

جدول ۱- مقارنه ای بین اسناد بین المللی و حقوق ایران

اسناد	عنوان	شرح مختصر
اسناد بین المللی	اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲)	این سند برای اولین بار اصول مدیریت زیست محیطی جهانی و حق دسترسی به محیط زیست سالم را مطرح کرد. اصل ۱ این اعلامیه بر حقوق بنیادین انسان برای داشتن محیطی سالم و مولد تاکید دارد.
	اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه (۱۹۹۲)	این اعلامیه بر اصولی مانند مشارکت عمومی، دسترسی به اطلاعات و عدالت در موضوعات محیط زیستی تاکید می کند (اصل ۱۰).
	پروتکل کیوتو و توافق نامه پاریس	این اسناد به مسئله تغییرات اقلیمی می پردازند، و بر عدالت میان نسلی و حقوق برابر در بهره برداری از منابع محیط زیستی تاکید دارند.
حقوق ایران	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	اصل ۵۰ این قانون بر حفاظت از محیط زیست به عنوان وظیفه عمومی تاکید دارد و فعالیت های اقتصادی و غیراقتصادی که به آلودگی و تخریب محیط زیست منجر شود را ممنوع می داند.
	قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست	این قانون، چارچوب حقوقی برای اداره امور زیست محیطی در ایران را فراهم می کند و به مسائلی همچون آلودگی، بهره برداری از منابع طبیعی و مشارکت عمومی می پردازد.
	برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	این برنامه ها شامل سیاست ها و تدابیری برای ارتقای عدالت زیست محیطی است، هرچند که در عمل اجرای این برنامه ها با چالش هایی مواجه است.

نکته قابل توجه اینکه هم در اسناد بین المللی و هم در حقوق ایران، بر اهمیت حقوق بنیادین انسان ها در داشتن محیط زیست سالم و عادلانه تاکید شده است. در سطح بین المللی مشارکت عمومی به عنوان یکی از اصول کلیدی شناخته شده است، در حالی که در ایران نیز قوانین مشابهی وجود دارد، اما اجرای این اصول هنوز به طور کامل محقق نشده است. هرچند که اسناد و قوانین مناسبی موجود است، اما اجرای عدالت زیست محیطی در عمل با چالش های متعددی چون فساد، فقدان زیرساخت های مناسب و مشارکت ناکافی مواجه است و نیازمند تلاش های مستمر قانونی، سیاسی و اجتماعی است.

۲-۴. الزامات عدالت زیست محیطی در ایران

عدالت محیط زیستی مؤلفه‌های مختلفی از جمله محل دفن پسماندها، احداث کارخانه‌ها، نیروگاه‌ها، بزرگراه‌ها، فرودگاه‌ها، محل تولید پسماندهای خطرناک و غیره را مورد مطالعه قرار می‌دهد. می‌توان گفت اعتقاد به عدالت محیط‌زیستی جنبه مهمی برای تمایل به ادامه تعهد به رفتارهای محیط‌زیستی و اقدام برای حفاظت از محیط زیست در سطح فردی، اجتماعی و نهادی است. با بررسی ضمنی مهمترین مسائل محیط زیستی کشور می‌توان به این جمع‌بندی رسید که عدالت محیط‌زیستی از لکنتهای در راه توسعه ایران اسلامی است. ذات بشر عدالت‌خواه است و تمامی قواعد و قوانینی که در جامعه وضع شده، به منظور ایجاد عدالت بوده‌اند. عدالت تعامل و مفهومی جمعی است. این مفهوم تنها بعد سهم افراد (به معنی حق و مسئولیت) را شامل نمی‌شود، بلکه جنبه مشارکت (به معنی حق تصمیم‌گیری در سیاست‌ها) و قدردانی (به معنی شناسایی و قدردانی از فعالان و افراد تحت‌تاثیر سیاست‌های محیط زیستی) را خواستار می‌گردد.^۱ همچنین عدالت محیط زیستی جنبه‌هایی از جمله محل دفن پسماندها، احداث کارخانه‌ها، نیروگاه‌ها، بزرگراه‌ها، فرودگاه‌ها، محل تولید پسماندهای خطرناک و غیره را مورد مطالعه قرار می‌دهد. می‌توان گفت اعتقاد به عدالت محیط‌زیستی جنبه مهمی برای تمایل به ادامه تعهد به رفتارهای محیط‌زیستی و اقدام برای حفاظت از محیط‌زیست در سطح فردی، اجتماعی و نهادی است.^۲

طی عمر ۵۰ ساله سازمان حفاظت محیط زیست، این سازمان قادر نبوده تمام فعالیت‌های دولتی و صنعتی که بر سلامت ایرانیان تاثیر سوء داشته را رصد و در مقابل آن‌ها اقدام مناسب اعمال کند. از اصلی‌ترین دلایل عدم اعتماد و مقاومت ایرانیان در برابر برنامه‌های محیط زیستی را می‌توان پاسخی به فعالیت‌ها، سیاست‌ها و شرایطی دانست که حس ناعدالتی و غیرقانونی بودن فعالیت‌ها را در آنان برانگیخته است.^۳ سازمان حفاظت محیط زیست ملزم به اجرای قوانین و مقررات محیط زیستی در سراسر کشور است؛ حقی که تاکنون به صورت نامتوازن برای ایرانیان اعمال شده است. در جامعه ایرانی باید ریشه‌های تولید و بازتولید آسیب‌های محیط زیستی و نابرابری‌های مربوط شناسایی شود. باید دید چه چیزی باعث بازتولید این نابرابری‌ها و آسیب‌ها می‌شود. مساله مهم این است که آسیب‌های محیط‌زیستی حاصل از این نابرابری‌ها از سازمان محیط‌زیست و دیگر دستگاه‌های متولی جلوتر می‌باشند. به عبارتی، گرچه اساس تشکیل

1. Ibid

۲. موسوی، همان، ص ۹۸۷

۳. پورهایمی، سیدعباس (۱۳۹۲)، کلیات حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران: نشر دادگستر، ص ۸۳

سازمان حفاظت محیط زیست اجرای عدالت محیط زیستی در حوزه آسیب های محیط زیستی است، اما به نظر می رسد اقدامات راهبردی و سیاست این سازمان همواره از آسیب های محیط زیستی ناشی از نابرابری های مرتبط عقب تر است. در الگوی توسعه تدوین شده برای محیط زیست کشور، نوع نگاه به مساله نابرابری ها و مسائل دیگر محیط زیستی با اشکالاتی مواجه است. آنچه مسلم است، حفاظت از محیط زیست به شیوه رایج آن در ایران، مولد، مدیر و توزیع کننده خطراتی است که سلامت ایرانیان را تهدید می کند. پارادایم حفاظت از محیط زیست کنونی ایران منجر به اقدامات اجرایی نامتوازن، به خطر انداختن سلامت انسان ها برای کسب سود بیشتر (سود می تواند مالی، سیاسی و غیره باشد)، اعمال فشار به قربانیان آلودگی نه به صنایع آلاینده، یارانه به صنایع کثیف برای تخریب محیط زیست، احداث پروژه ها و صنایع در مکان های پرخطر، به تاخیر انداختن اقدامات مقابله ای و کاهنده خطر و شکست در جلوگیری از توسعه آلودگی ها و تخریب ها شده است. الگویی از توسعه که در آن به وجود آمدن آسیب های محیط زیستی را عادی و طبیعی تلقین می کند و تنها حل مساله پیش آمده در اولویت قرار می گیرد، در کشور رواج یافته است و این خود مشکلات را به وجود می آورد و به آنها دامن می زند.^۱

الگوی حاکم بر توسعه در کشور مبتنی بر توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی همراه با عدالت محیط زیستی نبوده است. قوانین برنامه ای ما از اول تا پنجم فقط توسط اقتصاددان ها تدوین شده و جایگاه متخصصین محیط زیست و علوم اجتماعی به خوبی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی - محیط زیستی دیده نشده است. مهمترین آسیب اجرای عدالت محیط زیستی این است که تاکنون برنامه ای برای مدیریت آسیب های محیط زیستی نداشته و همیشه با نگاه سخت افزاری (به عنوان مثال، انتقال بین حوضه ای آب) به رفع مشکل جامعه پرداخته ایم. نباید نقش جامعه مدنی را در اجرای عدالت محیط زیستی و کاهش آسیب های محیط زیستی فراموش کرد چرا که جامعه مدنی لایه رهاسده رابطه بین دولت و جامعه را پر می کند. باید به سرعت در اولین فرصت تمام دستگاه های فعال در حوزه آسیب های محیط زیستی به سمت شفافیت اطلاعات پیش روند و افراد جامعه را در سود و زیان و خوبی ها و بدی ها شریک کنند. گردش اطلاعات در حوزه محیط زیست هیچ شفاف نیست، به همین خاطر، مبهم عمل می کنیم، گزارش مبهم می دهیم و درضمن، دستگاه های مربوطه برای حل نابرابری ها ارتباط لازم را ندارند.^۲

۱. موسوی، همان، ص ۱۰۰

۲. کاویانی، همان، ص ۱۲۶

۲-۵. ظرفیت‌ها و نقاط قوت توسعه حقوق بین الملل محیط زیست

حاکمیت دولت‌ها در پرتو آراء و رویه‌های قضایی زیست محیطی از حاکمیت مطلقه به حاکمیت مبتنی بر استفاده منطقی و معقولانه از سرزمین بدل شد به گونه‌ای که سبب ورود ضرر و زیان به سایر دولت‌ها نشود. از سوی دیگر، حقوق بین الملل محیط زیست در پرتو آراء و رویه‌های قضایی زیست محیطی توسعه و تکامل یافت. در این قسمت به چگونگی این تحولات می‌پردازیم:

– آراء و رویه‌های قضایی زیست محیطی و تحول مفهوم حاکمیت دولت‌ها: در عرصه حقوق بین الملل محیط زیست، حاکمیت یکی از اصول پایه‌ای محیط زیست است. در مفهوم کلاسیک، حاکمیت منابع طبیعی به عنوان منابع مشروع تحت حاکمیت دولت‌ها در نظر گرفته شده‌اند. اگرچه این اصل در دوران اخیر تسری یافته است تا کنترل بر منابع را در سطح وسیعی از مناطق مانند منطقه فلات قاره و منطقه اقتصادی پوشش دهد، اما بر اعمال حاکمیت دولت در حیطه محیط زیستی مسایلی هم چون ذخایر مشترک ماهیان و مهاجرت گونه‌های وحش وجود دارند که در عین حال که نمونه‌های مطرح شده بخش مهمی از مسائل زیست محیطی را تشکیل می‌دهند، محدود به صلاحیت سرزمینی نمی‌شوند و با اصل حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین الملل محیط زیست نیز در تعارض قرار می‌گیرند. دولت‌ها براساس اصل حاکمیت برای تصمیم‌گیری و مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست خود آزاد هستند، ولی حق حاکمیت بهره‌برداری از منابع طبیعی به وسیله اصول حقوق بین الملل محیط زیست محدود می‌شود. در رفع این تعارض در اصل صلاحیت انحصاری دولت به آن جا می‌رسیم که محیط زیست آن کشور نباید از زیان‌های حاصل از فعالیت‌های بیرون آن حوزه که در صلاحیت دولت دیگری است آسیب ببیند، به عبارتی دولت‌ها از حق حاکمیت انحصاری بر منابع طبیعی خود برخوردارند، اما اعمال این حق نباید سبب ورود خسارت به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت دولت‌ها شود. حاکمیت و صلاحیت انحصاری دولت‌ها بر سرزمین خود در اصل به معنی این است که فقط آن‌ها می‌توانند سیاست‌ها و حقوق مربوط به منابع طبیعی و محیط زیست سرزمین‌شان را گسترش دهند. نهایتاً حقوق بین الملل محیط زیست اصل حاکمیت مطلقه را تا اصل استفاده منطقی و معقولانه از سرزمین رسانده است.^۱

– نظام حقوق بین الملل محیط زیست در راستای حفاظت از محیط زیست تلاش می‌نماید و

۱. دبیری، فرهاد و دیگران، ۱۳۸۸، حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق محیط زیست، تهران،

فصل نامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره چهارم، ص ۲۱۴.

با توجه به آن که محیط زیست ابعاد جهانی دارد، اعمال حاکمیت داخلی در حیطه محیط زیست می‌تواند اثرات مخرب جبران ناپذیری را برای بشریت به همراه داشته باشد. حادثه چرنوبیل^[۸] نشان‌گر این قضیه بود که دولت‌ها قادر نیستند از بروز فجایع واقع شده به خارج از مرزهای خود جلوگیری نمایند. لذا در پی اعلام خطر افکار عمومی مبنی بر آن که بلایای زیست محیطی تنها محدود به مرزهای یک کشور نخواهد بود، نگرش حاکمیت بر محیط زیست به عنوان یک موضوع داخلی و تحت صلاحیت یک دولت خاص نمی‌توانست جواب‌گوی این نگرانی باشد. بدین لحاظ اصل حاکمیت دولت‌ها در این عرصه با محدودیت‌هایی همراه گشت و طبیعتاً آزادی‌هایی را که دول در عرصه بین‌المللی برای اجرای حاکمیت خود دارند، شاهد نخواهیم بود. در حقوق بین‌الملل محیط زیست یکی از مهم‌ترین منابع الزام بخش اصل حاکمیت، رای ۱۹۴۱ تریل اسملتر^[۹] (دعوی بین کانادا و آمریکا) بود. در قضیه لوتوس ۱۹۲۷ اصل حاکمیت مطلق کشورها پذیرفته شد، اما در حقوق بین‌الملل محیط زیست به معنای امروزی یکی از اصول مطرح شده در کنفرانس استکهلم، به عنوان بزرگترین کنفرانسی که به ابتکار سازمان ملل متحد از تاریخ ۵ تا ۱۶ ژوئن در استکهلم تشکیل شده بود، قاعده لاضرر بود. به موجب این قاعده، دولت‌ها در اعمال حقوق و آزادی‌های خود باید مراقب باشند تا فعالیت‌های موجود در مناطق تحت کنترل آن‌ها، باعث صدمه و آسیب به محیط‌زیست سایر دولت‌ها نگردد، تا بر این اساس محیط زیست هر کشوری از فعالیت‌های سایر دول در محدوده تحت سیطره خود مصون بماند. این اصل بیست سال بعد در اعلامیه ریو تحت عنوان اصل استفاده منطقی و معقولانه از سرزمین مطرح گردید. در قضیه گابچی‌کوو-ناگیماروس^[۱۰]، دیوان اصل استفاده منطقی و معقولانه از سرزمین را مطرح کرد که این قضیه نکته عطفی در بیان این اصل است.

در موارد متعددی دادگاه‌های داخلی کشورها با استناد به قطع نامه‌های سازمان ملل به عنوان یکی از منابع حقوق بین‌المللی که در ماده ۳۸ اساس نامه دیوان بین‌المللی دادگستری ذکر شده و تشکیل دهنده حقوق بین‌الملل عرفی راجع به حق مالکیت دولت‌ها بر منابع طبیعی و ملی کردن آن‌ها است، اظهار نظر نموده‌اند. در قضیه لوتوس دعوی فرانسه علیه ترکیه، دیوان دایمی بین‌المللی دادگستری رأیی به قرار زیر صادر نمود:

«دیوان دآوری در قضیه دریاچه لانو که اختلاف اسپانیا و فرانسه در سال ۱۹۵۶ بود، رأی خود را این گونه بیان نمود: «درست است که دولت‌ها بر منابع طبیعی شان حق حاکمیت دارند، اما اعمال حاکمیت آن‌ها باید بر اساس حقوق بین‌الملل باشد». دیوان دآوری رأی خود را در ۱۶ نوامبر ۱۹۵۷ به صورت ذیل اعلام نمود: «کلیه عملیات پیش‌بینی شده در طرح فرانسه تماماً در خاک فرانسه واقع شده و قسمت عمده و اعظم اثرات ناشی از این عملیات در خاک فرانسه اتفاق می‌افتد. آب‌های مذکور طبق ماده ۸ سند الحاقی، تحت حاکمیت فرانسه قرار دارند». از آن جایی

که این قانون شرطی را بر حاکمیت دولت‌ها بر سرزمین تحمیل کرده، نباید به طور سخت گیرانه مورد استناد و تفسیر قرار گیرد. اصل حاکمیت سرزمین باید قبل از همه الزامات بین المللی مورد نظر قرار گیرد. لذا دیوان در این قضیه به طور روشنی بر اصل حاکمیت سرزمینی تاکید داشته است.^۱

- تکامل حقوق بین الملل محیط زیست در پرتو آراء و رویه‌های قضایی بین المللی: در این قسمت بر آنیم تا تکامل حقوق بین الملل محیط زیست را در پرتو آراء و رویه‌های قضایی بین المللی زیست محیطی صادره از مراجع داور و قضایی بین المللی به ویژه دیوان بین المللی دادگستری به عنوان یکی از مراجع حل و فصل اختلافات راجع به محیط زیست و میزان مشارکت این نهاد در تحول و توسعه مقررات حقوق بین الملل محیط زیست بررسی کنیم.

- از جنبه تحلیلی سه مرحله پیشرفت را می‌توان در آراء و رویه‌های مراجع بین المللی حل و فصل اختلاف در خصوص حقوق بین الملل محیط زیست تشخیص داد:

- اولین دوره، اساساً قضایایی هم چون کانال کورفو، بارسلونا تراکشن، آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه و قضیه زمین‌های فسفات در نائورو را پوشش می‌دهد. در این مرحله مراجع حل و فصل اختلاف به ویژه دیوان بین المللی دادگستری، از طریق تایید رویه سابق در خصوص خسارات فرامرزی و ارایه مفهوم قواعد آمره بین المللی در مقابل کل جامعه بشری که بالقوه قابل اعمال در مورد برخی هنجارهای حقوق بین الملل محیط زیست هستند، مشارکت داشت.

- در مرحله دوم، دیوان با صدور آرایه‌ای هم چون دعوای پروژه گابچیکو-ناگیماروس ۱۹۹۷ و به خصوص نظریه مشورتی دیوان راجع به مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶ و نظریات جداگانه یا مخالف قضات، در پیشرفت و تحکیم مقررات حقوق بین الملل محیط زیست نقش داشت. در این دوره دیوان بین المللی دادگستری به عنوان یکی از مراجع حل و فصل اختلاف، رویه سابق خود را محکم‌تر کرد، هم چنین بین حقوق بین الملل محیط زیست از یک سو و حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق تعیین حدود مرزی از دیگر سو ارتباط برقرار نمود. به عبارت دیگر، آن چه را که دیوان در وهله اول تدارک دیده بود، در مرحله دوم تایید و گسترش داد و در این دوره دیوان قلمرو قواعد حقوق بین الملل محیط زیست و محتوای آن را تا جایی که میسر بود، بیان کرد.

- سومین مرحله، که می‌توان آن را گام سوم مشارکت مراجع حل و فصل در توسعه حقوق محیط زیست دانست، شامل قضایا و پرونده‌های اخیر دیوان می‌باشد. از جمله قضایای ساخت کارخانه‌های تولید خمیر کاغذ ۲۰۰۶ و علف کش‌های هوایی ۲۰۰۸، قضیه صید نهنگ، قضیه

1. Lake Lanoux case (Spain, France). 16 November 1957. United Nations, Reports of International Arbitral Awards, Volume XII.

برخی فعالیت‌های انجام شده از سوی کاستاریکا در منطقه مرزی ۲۰۱۱ و قضیه ساخت جاده ساحلی ۲۰۱۱. در این مرحله دیوان می‌تواند با ورود و بررسی محتوای مقررات خاص حقوق بین الملل محیط زیست و قابلیت اجرای آن‌ها نقش خود را ایفا کند. در سال ۱۹۶۸، دیوان داوری در قضیه سد گات نیز رای می‌دهد که چون قضیه دریایچه لانو صادر کرد. بر این اساس که دولت کانادا متعهد گردید که مبالغی را به عنوان خسارت ناشی از سد گات به دولت آمریکا پرداخت نماید. هم چنین دیوان بیانیه‌ای مشترک برای حل و فصل اختلافات پیشنهاد نمود. در نهایت، رأی داوری سد گات ادامه رویه‌های قضایی بین المللی است که دولت‌های آسیب‌زنده باید جبران خسارت نمایند و هرگونه ضرر و زیان ناشی از ساخت سد گات در طول دوره ساخت و بعد از آن باید پرداخت شود.

رأی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو، با این که موضوع اختلاف مربوط به محیط زیست نبود (لکن اگر موضوع اختلاف مربوط به محیط زیست بود، همین نظر را ابراز می‌کرد) اما با عبارات کلی خود اصلی را که ابتدا قضیه تریل اسملتر آن را بیان داشت (مسئولیت در مورد خسارات زیست محیطی هنگامی است که به دولت دیگر خسارت وارد شود) تأیید کرد، یعنی برداشت مضیق. دیوان در استدلال این که آلبانی تعهدات خود را مبنی بر تعهد به اطلاع‌رسانی از وجود منطقه مین گذاری شده و هشدار به ناوگان انگلیسی از خطر حتمی نقض کرده به هیچ مقررہ معاهده‌ای استناد نکرد، ولی بیان داشت که این تعهدات بر مبنای حقوق لاهه ۱۹۰۷ نیست، بلکه بر مبنای اصولی است هم چون ملاحظات اولیه انسانی، اصل آزادی ارتباطات دریایی و هر دولتی متعهد است اجازه ندهد آگاهانه از سرزمین‌اش برای اعمال مخالف حقوق سایر دولت‌ها استفاده شود.^۱

1. Corfu Channel Case (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland-Albania). 9 April 1949, Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (ICJ). Available at: www.icj-cij.org

نتیجه گیری

در سیستم های حقوقی نوین تنها به نسل حاضر به عنوان منتفعین از حقوق نگریسته نمی شود بلکه مسیر اصلی آن است که نسل های آینده بشر نیز توانایی بهره مندی از این حقوق را داشته باشد. ضرورت این امر منجر به آن می شود که جهت توسعه به سمت توسعه پایدار سوق پیدا کند. از این منظر یک تفاوت اساسی میان سیستم حقوقی حفاظت از محیط زیست در حقوق ایران و حقوق محیط زیست وجود دارد. در نظام حقوق بین الملل مبنای حق ادعایی محیط زیست منجر به ایجاد رویه حمایتی شده است اما در نظام حقوقی ایران حقوق عامه بودن محیط زیست، ملاک حمایت از آن می باشد.

اما گفتنی است، حقوق بین الملل محیط زیست نمی تواند تمام بی عدالتی های زیست محیطی را زیر پوشش قرار دهد. متأسفانه مباحثات این شاخه از حقوق بین الملل هنوز به یک نظام حقوقی قابل اجرا منجر نشده است. تجدیدنظر در حقوق بین الملل محیط زیست با در نظر گرفتن عدالت در هسته آن میتواند توسعه رژیمهای زیست محیطی بین المللی را که مؤثرتر و پاسخگوتر به تخصیص نابرابری منابع جهانی باشد، تسهیل نماید. همچنین به نظر میرسد که صالحیت رسیدگی دعاوی مطرح شده توسط سازمانهای مردمی، سندیکاهای کارگری، اتحادیه های منطقه ای نژادی در مورد بی عدالتی زیست محیطی، باید به اساسنامه های دیوان بین المللی دادگستری و دیوان بین المللی کیفری افزوده شود. بدیل دیگر تأسیس سازمانی نظیر یک دادگاه بین المللی در رابطه با جرائم زیست محیطی با صالحیت رسیدگی به دعاوی مطرح شده توسط اشخاص عمومی و خصوصی است. دعاوی مطرح شده در این دادگاه مربوط به خسارتهای زیست محیطی است که بر روی منافع کل جامعه موردنظر تأثیر داشته باشد. همچنین دادگاه میتواند دادستان یا مدعی العموم برای رسیدگی به این امور در جامعه بین المللی داشته باشد. دولت ها، افراد، اتحادیه های منطقه ای و سازمانهای مردمی باید صلاحیت ارائه دعوی قضایی به مدعی العموم را داشته باشند. ایجاد یک دادگاه بین المللی موجب استحکام حرکات حمایتی در حفاظت از محیط زیست می شود و موجب افزایش دسترسی به یک سازوکار قضایی مؤثر در سطح جهانی خواهد بود.

در حقوق ایران تا پیش از صدور دستور العمل نظارت و پیگیری حقوق عامه جنبه های بنیادین و حقوق بشری حقوق محیط زیست چندان محل خاصی نداشت مگر در چند مورد استثنائی. اما با شناخته شدن این حقوق در قالب حقوق عامه و با عنایت به توجه خاص دادستان اهمیت این حقوق دو چندان شد و اثر مستقیمی بر شناسایی این حقوق به عنوان حقوق بشری داشت. کلیت بحث حق عامه بودن، محیط زیست بر آن است، که شاکله اصلی محیط زیستی در حقوق ایران جنبه استعلا پیدا نماید و به واسطه آن، نگرش کلی مقنن، عموم جامعه، نگهبانان قانون اعم از قضات، وکلا و ضابطان بر ضرورت حفاظت از محیط زیست باشد. کما این که اخیراً در آرای قضائی از جمله مجازاتهای ناقضان حقوق محیط زیست مشاهده می شود که حفاظت از آن بر ذمه شخص ناقض آن قرار می گیرد. در نظام حقوقی ایران از یک سو و از سوی دیگر در نظام حقوق بشر بین المللی

اصل بر آن است که حفاظت از محیط زیست یک حق فطری است که هرچند دیر مورد شناسایی قرار گرفته و حتی در نسل‌های اول و دوم حقوق بشر به آن اشاره نشده است، ولی چیزی از ارزش‌های آن نکاسته و به عنوان یک حق بنیادین مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر با توجه به جنبه‌های بنیادین حقوق عامه ساز، به جهت توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و حفظ محیط زیست با لحاظ کاستی‌های موجود می‌بایست در قالب قانون‌گذاری جدید به وضع مقررات پرداخت. از این منظر می‌توان به جنبه‌های استثنائی بهره‌مندی از محیط زیست به مثابه ضرورت‌های حقوق بشری دیگر اشاره نمود. این امر در نهایت باید با این دیدگاه همراه شود که حقوق محیط زیست بر نظریه حق‌های هوفلد دارای چهارچوب‌های حق - ادعا است و هرگونه تغییری در این خصوص می‌بایست با لحاظ این درجه‌بندی از حق همراه باشد. لازم به ذکر است، در تحلیل حق بر محیط زیست و عناصر آن مشکلات چندی وجود داشت. علاوه بر این روند پیدایش و تحول این حق در سطح ملی و فراملی توانست چهره ویژه این حق و نحوه تکامل آن را در حقوق عمومی معاصر نشان دهد. هدف این بخش نیز واگویی و به تصویر کشیدن مفاهیم بنیادین، زمینه‌های شکل‌گیری و تحول مفهوم حق بر محیط زیست در حقوق عمومی معاصر و زمینه‌های تأثیر گزار بر آن بود. همچنین، پیدایش و تکامل حق بر محیط زیست در حقوق عمومی داخلی بر خلاف غالب حق‌ها، به شدت تحت تأثیر تلاش‌های بین‌المللی و فراملی بوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

(۱) **تقویت نهادهای نظارتی:** توسعه و تقویت نهادهای نظارتی در ایران، افزایش شفافیت و کاهش فساد می‌تواند به اجرای موثر قوانین زیست‌محیطی کمک کند.

(۲) **آموزش و آگاهی عمومی:** افزایش آموزش و آگاهی عمومی از طریق کمپین‌های محلی و ملی می‌تواند مردم را نسبت به حقوق زیست‌محیطی خود آگاه‌تر کرده و مشارکت آنها را افزایش دهد.

(۳) **همکاری بین‌المللی و ملی:** تشویق به همکاری میان‌دولتی برای اجرای توافق‌نامه‌های بین‌المللی و تشکیل کارگروه‌های مشترک می‌تواند به حل مسائل زیست‌محیطی فرا مرزی کمک کند.

(۴) **توسعه فناوری‌های سبز:** سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پاک و سبز و تشویق به استفاده از آنها می‌تواند اثرات منفی زیست‌محیطی را کاهش داده و به عدالت زیست‌محیطی نزدیک‌تر شویم.

(۵) **تقویت نظام قانونی و حقوقی:** تدوین و اجرای قوانین و مقررات جدید در جهت حقوق برابر زیست‌محیطی و شفافیت بیشتر در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند گام مهمی در این راستا باشد.

(۶) با اجرای این پیشنهادها، می‌توان گام‌های موثری در جهت دستیابی به عدالت زیست‌محیطی در سطح ملی و بین‌المللی برداشت.

فهرست منابع

۱. پوره‌اشمی، سیدعباس (۱۳۹۲)، کلیات حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران: نشر دادگستر.
۲. تاموشات، کریستین، (۱۳۸۶)، حقوق بشر، تهران، انتشارات میزان.
۳. جنیدی، محمد جواد، (۱۳۵۲)، صنایع معدنی و آلودگی محیط، تهران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.
۴. دبیری، فرهاد و دیگران، (۱۳۸۸)، حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق محیط زیست، تهران، فصل نامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره چهارم.
۵. عباسی سرمدی، مهدی و رضا اسدی خمایی، (۱۳۹۴)، مفهوم عدالت زیست محیطی و انعکاس آن در اسناد منطقه ای و بین المللی، فصلنامه راهبرد، شماره هفتاد و هفتم، سال بیست و چهارم.
۶. لوسین زهادی، رها، (۱۳۸۳)، نسل های حقوق بشر، تهران، نشر میزان.
۷. کاویانی راد، مراد (۱۳۹۷)، امنیت زیست محیطی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. کیس، الکساندر چارلز، (۱۳۷۹)، حقوق محیط زیست، ترجمه و تلخیص، محمد حسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. معین، محمد، (۱۳۷۳)، فرهنگ فارسی، تهران، زرین.
۱۰. منصور خانی، فریده و همکاران، (۱۳۹۷)، بررسی ماهیت و محتوای حق بر محیط زیست، جامعه شناسی سیاسی ایران، سال اول، شماره ۴.
۱۱. مهدوی، محمود و موسوی نعمتی، سیده زهرا، (۱۴۰۰)، جایگاه عدالت در محیط زیست و ضمانت اجرای عدالت زیست محیطی، پنجمین کنگره بین المللی توسعه کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری ایران، تبریز.
12. Carmen G Gonzalez, (Routledge, 2012) "Environmental Justice and International Environmental Law," in Routledge Handbook of International Environmental Law, 18.
13. Robert D. Bullard, (1994) "Overcoming Racism in Environmental Decision-making," Environment: Science and Policy for Sustainable Development 36, no. 4: <https://doi.org/10/ffzjzjr>.
14. Corfu Channel Case (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland-Albania). (9 April 1949), Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (ICJ). Available at: www.icj-cij.org.
15. Lake Lanoux case (Spain, France). (1957). United Nations, Reports of International Arbitral Awards, Volume XII
16. The United Nations' Committee on Economic, Social and Cultural Rights (UNCESCR)

17. Malgosia Fitzmaurice, David (2010) Ong, and Panos Merkouris, Research Handbook on International Environmental Law (Edward Elgar Publishing), <https://doi.org/10.4337/9781849807265>.
18. Kal Raustiala, (1997) "The Participatory Revolution in International Environmental Law," Harv. Envtl. L. Rev. 21: 537.
19. UN General Assembly, (1987) "Montreal Protocol on Substances That Deplete the Ozone Layer".
20. Philippe Sands and Jacob Werksman, (1995) "Procedural Aspects of International Law in the Field of Sustainable Development: Citizens' Rights," Sustainable Development and Good Governance.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۰۷ - ۱۹۳

ویژگی‌های اخلاقی محمد علی شاه با توجه به توصیفات و نوشته های معاصرینش

^۱ منصور مومنی

^۲ فیاض زاهد

^۳ مجید رضا رجبی

چکیده

در این جستار کوشش شده تا توصیفی عینی از محمد علی شاه به روایت هم عصرانش به تصویر کشیده شود. این توصیفات را باید در بستر زمان خود سنجید یعنی در دورانی که تضاد و تقابل میان «درد دین داران حکومت مشروطه» و «درد ملت داران حکومت مشروطه» به منتهی درجه خود رسیده بود و هر یک از طرفین در نهایت مردی و نامردی در تخریب دیگری در تلاش بود. شاه در تاریخ ایران همواره به نماد نگهبان دین و دولت و پدر ملت ایران بوده است و نا صوابی، سوگند شکنی، بد عهدی، دروغ، و دشمنی و کژ رفتاری با مردم از فردی در آن جایگاه نه تنها ناپسند بلکه دور انتظار نیز بود. اما محمد علی شاه، آنچنان که در ادامه می آید، تماماً کوشش کرد که خود را منفورترین شاه تاریخ ایران کند. سوگندش را نقض کرد، دست در خون مردم شست، ملک را به بیگانه سپرد، پناهنده بیرق بیگانگان شد، سرمایه ملی را به تاراج برد، و برای خوشایند طرفدارانش دست به سرکوب و کشتار شدید منتقدان و مخالفانش زد.

واژگان کلیدی

محمد علی شاه، تبعید، حکومت، استخاره، مشروطه.

۱. گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: momeni@iau.ir

۲. گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: fayyaz.zaahed@iauctb.ac.ir

۳. گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: rajabi@iauctb.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۶

طرح مسأله

محمد علی شاه نوه ناصرالدین شاه و امیر کبیر بود. قرابت خونی وی با پدر بزرگانش آنچنان مورد توجه عامه مردم است که نام مادر و پدرش، تاج الملوک ملقب به ام الخاقان و مظفرالدین شاه، زیر سایه آن دو کم رنگ جلوه می‌کند. در دارالسلطنه تبریز به دنیا آمد و پس از جدایی مادر و پدرش از یکدیگر، به دارالخلافه تهران رفت و آموزشش زیر نظر سلطان صاحب قران آغاز گشت. سپس در ۱۲ سالگی به تبریز بازگشت و تحت نظر معلم روسی خود، شاپشال^۱، آموزش‌های وی ادامه یافت. محمد علی میرزا در همان ایام آنچنان تحت تاثیر آموزه‌های شاپشال روسی قرار گرفت که زان پس، تمام شئون زندگی وی ملهم از شخصیت و نصیحت‌های شاپشال شد. او پس از خلع، و به هنگام تحصن در باغ سفارت روس در زرگنده، از سیدحسن تقی‌زاده تقاضای ملاقات کرد. در این ملاقات به زبان ترکی به تقی‌زاده گفته بود: «من به روس‌ها چنان تکیه کرده بودم که خیال می‌کردم آنها هند و چین را هم زیر نگین [انگشتی] من خواهند آورد» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۷: ۶). هم نشینی وی با شاپشال، امیر بهادر جنگ، کامران میرزا نایب السلطنه، شیخ ابوطالب زنجانی، عین الدوله و بسیاری دیگر از این دست از دوران ولیعهدی تا سلطنت، سبب شد که او صاحب ویژگی‌هایی در رفتار و منش شود که در تاریخ ایران در نوع خود منحصر به فرد بود. پدرش مظفرالدین شاه نیز از این حیث از ولیعهد خود نا رضا بود و در نامه‌هایی مرتب او را نهی می‌کرد و در بسیاری از موارد مورد عتاب و خطاب قرار می‌داد. در زمان ولیعهدی محمد علی میرزا، در آذربایجان قحطی مصنوعی و ساختگی غله به همت وی و همسرش ملکه جهان رخ داد. در آن باره، مظفرالدین شاه به ولیعهد خود تلگرافی ارسال کرد و او را مورد عتاب و خطاب قرار داد و لب به شکایت گشود: «که چرا مردم آذربایجان را مأیوس می‌کنند؟ چرا

۱. شاپشال از یهودیان شبه‌جزیره کریمه بود که تحصیلات خود را در مدرسه السنه شرقی دانشگاه پترزبورگ به پایان رسانده بود. او مدتی در وزارت خارجه روسیه مشغول به کار بود و زمانی که مظفرالدین‌شاه به دنبال معلم روسی بود که به محمدعلی میرزا آموزش زبان روسی بدهد سران حکومت تزاری، شاپشال را برای احراز این مهم به دربار مظفری در تبریز معرفی کردند. روزنامه روسی پانف (Pannof) در یکی از شماره‌های خود از شاپشال سؤال کرد: «برای ۸ سال تمام آموزگار شاه ایران بودی ولی آیا می‌توانی به ما بگویی این مدت چه درسی به او آموختی؟ اعلیحضرت به زحمت قادرند ده کلمه روسی صحبت کنند» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۷: ۱۳۵) و این در حالی است که شاپشال سالی ۸۰۰۰ تومان از دولت ایران حقوق دریافت می‌کرد (کاشانی، سید حسن، خرج را باید کم کرد، ۱۵ مرداد ۱۳۸۶ ه.ش، حبل‌المتین، شماره ۸۰، سال اول، ص ۱). رقم این حقوق در منابع مختلف محل اختلاف است؛ عزیزالسلطنه در روزنامه خاطرات خود می‌نویسد: «حقوق شاپشال سالی پنج هزار تومان بود و تنها دو هفته پیش از بمباران مجلس در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۲۸۷ ه.ش / ۶ ژوئن ۱۹۰۸م شاپشال درخواست کرد که حقوق معوقه خود که به مدت ده سال پیش از آن به مبلغ پنجاه هزار تومان رسیده بود پرداخت شود و این اقدام وی به دلیل درخواست اخراج شاپشال از جانب مجلس بود که شاپشال گفته بود طلبش را بدهند او نیز ایران را ترک خواهد کرد. درباره این مهم عضدالملک و نیرالدوله به باغشاه رفتند که با محمدعلی‌شاه خصوصی مذاکره کنند (میرزائی، ۱۳۷۶: ۱۳۲۱).

مأموران ولیعهد جسارت می‌کنند و به خلاف از مردم پول اخذ می‌کنند؟ چرا غله حیف و میل می‌شود و به مردم نمی‌رسد؟ و علما تلگراف زده‌اند که مردم گرسنه‌اند». مظفرالدین شاه در ادامه به ولیعهد خود یادآوری کرد که خود او [مظفرالدین شاه] در دوران ولیعهدی خویش چگونه با مردم رفتار می‌کرده است و به پسرش گوشزد کرد در سن ۲۷ سالگی و در سومین سال ولیعهدی دیگر بچه نیست و همان جایگاهی را دارد که مظفرالدین شاه در سی امین سال ولیعهدی خود و در ۳۸ سالگی در تبریز داشته است (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۸۹: ۹۸).

مظفرالدین شاه در یکی از نامه‌هایش به ولیعهد درباره دوری جستن از هم نشینی با افراد سخیف و بهره‌کشی از مردم آذربایجان به او چنین نوشت:

«حقیقت با آن ذکاوتی که دارید بعضی اوقات احمق و نادانی کردن کسر شما می‌شود. پسر خرا! تو هنوز نمی‌فهمی که شما حاکم آذربایجان هستی، ولیعهد هستی؛ آذربایجان، خراسان، شیراز برای شما فرقی نباید داشته باشد... این مطالب را بارها به شما گفته‌ام که تمام نوکرهای شاه نوکر تو هستند، باز هنوز این مطلب را درک نکردی. یقین است سن شما مقتضی همین است که به بعضی مطالب بی‌معنی بی‌مغز نوکرهای بی‌مصرف خودت گوش بدهی... ای بی‌شعور! تو نمی‌دانی که این مطلب را من فرمان دادم که اینها دیگر نتوانند شرارت بکنند؟ این نوکرهای تو که این راهها را پیش پای تو می‌گذارند اینها برای چهارشاهی مداخل خودشان است. عجب است از تو که در این مدت سی [و] دو سال که از عمرت می‌گذرد هنوز این نکات را نفهمیده‌ای که حکم دولت را فوری باید مجری داشت. من به تو بی‌شعور چه بنویسم؟ یک سال تمام است که به تو متصل می‌نویسم...» (اسناد بنان السلطنه، مخزن ۱۰۹۸۸: سند ۲۳).

آنچه در این جستار می‌آید نشان می‌دهد که تجربه زندگی دوران کودکی و ولیعهدی و سلطنت محمد علی شاه چه تاثیر شگرفی بر خلیات او نهاد و وی را به آن چیزی که شرح آن می‌رود تبدیل ساخت.

محمد علی شاه مردی سفید، فربه، با قد و قواره‌ای کوتاه بود که چشم و ابرویی کوچک داشت (افشار، ۱۳۷۴: ۱۱۵۷). کم حرف بود و آرام صحبت می‌کرد و لهجه آذری داشت. سیگار کم می‌کشید و رفتاری با وقار داشت و با کسی شوخی نمی‌کرد (همان: ۱۷۹۰). خط بسیار خوب داشت و فرانسه می‌دانست ولی ترکی را فصیح تر حرف می‌زد (همان: ۱۱۵۷). نگارش خوبی نیز داشت برعکس پدرش مظفرالدین شاه که اگر چهار سطر می‌نوشت شش هفت غلط املائی داشت (همان: ۳۴۵۱). با حلم و با حوصله بود. با هر کس به قدر مرتبه او اظهار محبت می‌کرد. صحبت‌های بیجا و حکایت‌های بی‌معنی نمی‌کرد. بی اندازه خسیس و طماع بود. به برادرها و عموهای خود احترام می‌گذاشت چنانچه به همه در حضور خود اذن جلوس می‌داد (همان: ۱۸۱۳). او به کلی با پدر خود مظفرالدین شاه در تضاد بود و بیشتر مانند پدر بزرگش ناصرالدین شاه رفتار می‌کرد (همان: ۱۸۱۰). خان ملک ساسانی او

را شاهی با طبیعت کودکانه می دانست که مثل آنها زود رنج و ساده لوح بود و از دسیسه و تحریکات خیلی زود عصبانی می شد (ساسانی، ۱۳۸۶: ۴۳).

در زمان حضور ویلیامز جکسن^۱ در دوره استبداد صغیر در تهران، روزی او را به حضور شاه در باغشاه بردند. او شاه را این گونه توصیف می کند:

«به هنگام ورود، شاه را ایستاده در نزدیکی یکی از فواره های باغ در احاطه درباریان دیدم. قاصدان دربار برای او نامه هایی می بردند و از آنجایی که بسیار نزدیک بین بود از پشت شیشه های ضخیم عینکش مطالعه می کرد ... سیمای او حالت منفعل و بی تفاوتی داشت که نوعی احساس کبر و غرور را القا می کرد ... در رفتار و شخصیت وی چیزی که به راستی شاهانه و خسروانی باشد به چشم نمی خورد تا به نوعی مایه دلخوشی رعایایش را فراهم آورد و یا حتی کسانی که برای ملاقات به حضور او شرفیاب می شدند را اندکی به تحسین وادارد...» (نمازی، ۱۴۰۱: ۱۴۷).

حسن تقی زاده محمد علی شاه را اینگونه توصیف می کند:

«بی ناموس، بی شرف، بی دین، بی وجدان، بی عصمت، بی رحم، بی مروت، بی همه چیز، غدار، جلاد، که یزید ابن معاویه پیش او در حکم ملائکه است» (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۷: ۱۵۷). «بی عقل و نادان و اهل اوهام و خرافات بود. طماع بود و مصاحبین سفیه و ابله و فاسد داشت. با آخوندهای نادان و فاسد معاشرت می کرد و اعمال روزانه اش را با استخاره انجام می داد و حتی پیش از بمباران مجلس در آن باره استخاره کرده بود» (افشار ۱۳۸۶: ۴۴).

نامه ای از دوران استبداد صغیر، از سید حسن تقی زاده در دست است که به استانبول فرستاده بود اما مخاطب آن معلوم نیست. این نامه در مجله یغما چاپ شد. تاریخ نامه، غره ماه شعبان است و سال آن در نامه مرقوم نشده است:

«پادشاه طاغی قسم خود را شکسته و مجلس ملی را به توپ بسته. اولین کتابخانه اسلامی در ایران را غارت کرده و قرآن ها سوزانیده. ایران را توهین و تحقیر نموده و به وطن خود خیانت ورزیده است. پشت قرآن را مهر کرد که اگر دو مرتبه نقض کند از سلطنت خلع است که باز هم نقض آن قول و قسم کرد. علما و مجتهدین اسلام را زنجیر کرد، دنده شکست، ریسمان به گردن انداخت، پشت اسب های قزاق دواند، ریش کند، حبس و تبعید و زنجیر کرد. وکلا و ناطقین و روزنامه نگاران را که زبان ملت و حافظ حقوق ملت اند را کشت، دار زد و پاره پاره نمود، بی غسل و کفن به خندق انداخت و ملت را توهین عظیم کرد که باید انتقام هولناکی از قاتلین ایلچیان خود بگیرد. مسجد را طولیه اسبان قزاق نمود. پایتخت اسلام را به روس ها سپرد و لیاخوف روس را حاکم تهران و فعال -

۱. آبراهام والتاین ویلیامز جکسن (۱۸۶۲-۱۹۳۷ م) از پیشگامان مطالعات ایران در آمریکا و از نخستین ایران شناسان آمریکایی است. او حدود ۴۰ سال وظیفه تدریس زبان های هند و ایرانی در دانشگاه کلمبیا را عهده دار بود. برای مطالعات و مشاهدات ایران شناسی خود ۵ بار به ایران سفر کرد (نمازی، ۱۴۰۱: ۷).

مایشاء کرد. نماز جماعت و موعظه و منبر را به موجب اعلان رسمی منع و اجتماع بیش از پنج نفر را سخت قدغن نمود. به موجب اعلانی دیگر هر کس هر وقت شب در [منزل] به روی مأمور دولت که بخواهد داخل خانه او شود، باز نکند، خانه‌اش به توپ بسته می‌شود که هر مأمور دولت و یا هر لوطی که از پشت در اسمش را مأمور دولت بگذارد اجازه حق دخول شبانه پیش زن هر مسلمان را دارد. نعش دوساله آقا سیدعبدالحمید شهید اوائل مشروطیت را از قبر خود که در مسجد جامع تهران بود در آورد و نفت ریخت و آتش زد. قشون شقاوتکار بی دین او در تبریز داخل حمام زنان شدند و با زنان بی‌ناموسی کردند. از بدو تولد در آغوش روس‌ها پرورده شده بود و روس پرست خالص بار آمده و جسدش ایرانی و روحش روسی است و به همین دلیل است که اکنون روس‌های وحشی در ایران حکومت می‌کنند و... تاج و تخت کیانی بازیچه دست آنان شده است مسجد را طویله اسبان قزاق نموده و مجلس را به پالکونیک^۱ روسی بخشیده که آن مکان مقدس و معبد ملت را خانه خود نماید. اراده روس‌ها به سرعت مشیت و قضا در ملک جاری می‌شود و عوض آنکه صلیب را بالای گنبد ایاصوفیه نصب کنند روی تخت ایران و مرکز اسلامیت نصب کرده‌اند. یک فضله روسی را روی اورنگ شاهنشاهی ایران نشاندند و لشکر خود را به اسم قزاق ایران در قلب مملکت ما جای دادند. هرگز ایرانی غیور نباید زیر بار این ننگ برود که شخصی که جسدش ایرانی و روحش روسی است بر او سلطنت کند (افشار، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۹).

روزنامه رعد قزوین در شماره ۱۴، سال اول، سه‌شنبه ۱۱ مرداد ۱۲۹۰ هـ ش/ ۳ اوت ۱۹۱۱ م این گونه نوشت:

«هرچه بی ناموس و اشرار و مستبد و ستمکار و دزد و راهزن در ایران و روسیه بود با او همراهی کردند؛ گنجینه ملت و خزانه دولت را به مصرف لشکر کشی برای کشتن خیرخواهان خودش و ملت رسانید؛ با تمام قوه حربه دولتی ایران و استعداد جنگی کافی که از روسیه برایش آمده بود نتوانست در برابر قوه ملتی بایستد؛ با اینکه آن وقت ملت ایران خفته تر و بی‌حس تر از امروز بودند و محمد علی میرزا را پدر تاجدار می‌خواندند؛ چون آتش خشم معدودی از غیرتمندان زبانه کشید و به مرکز استبداد هجوم کردند؛ آن خونخوار شیر بر همه تیپ و توپ و استعداد و سپاهیان رذل^۲ بی ناموس و ننگ نتوانست در برابر جوانمردان ملت پایداری کند و یاران بی‌غیرت خود را یاری کند؛ با اینکه همین مجلل [السلطان] و امیر بهادر [جنگ] امروزی هم با او بودند بعلاوه هزاران بی ناموس تر از اینان در آن حال پوست بی غیرتی را سپهر کرده و زره بی شرمی را به بر کرده و با کمال ذلت و بی شرفی پناهنده به سفارتخانه روس شد و غلامان آن آستانه را پاپوس گردید بیرق بی شرفی در همه جا

۱. منظور، کلنل لیاخوف است.

۲. در اصل: رزل.

افراخت و آبروی خود را بیهوده مفت باخت: امروز که جز چند نفر سبک مایه و بی‌خرد یار ندارد و سپاه و سپه کشی و سپهدار ندارد به امید یک دسته از ترکمانان راه دور پیمود با تن فرسوده خود را با تعلیمات لازمه از دشمنان ایران به خاک ترکان رسانیده آقا خریدار تاج و تخت کیانی است: جعل جانشین خسروان ساسانی است: می‌خواهد تاج و تخت ایران را به اندام نازیبای خود زیور بخشد و دیهیم و اورنگ پیشدادیان را به بالای کلفت و کوتاه و سر بی مغز و تن بی هنر خود شوکت و فر بخشد: آرزو بر جوانان عیب نیست» (تشریحات مشروطه، ۱۳۹۰: ۵۵).

شاه و ملکه به سحر و جادو و استخاره بسیار باورمند بودند و از این حیث گوی سبقت را از آباء و اجداد خود و همگنان ربوده بودند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۷: ۱۴۰). او جهت حفظ سلطنت خود و مملکت داری اقدام به دفن سگ و گربه در اطراف سلطنت آباد کرده بود و از شخصی به نام «سید مهدی جام زن» برای حفظ تاج خود «طلسم» گرفته بود (افشار، ۱۳۷۴: ۲۷۹۸). ملکه جهان نیز مانند پدرش [کامران میرزا] به سحر و جادو و خرافات اعتقاد راسخ داشت و تمام کارها و نقشه‌های مهمش را به کمک سحر و جادو انجام می‌داد. با اینکه خیلی خسیس بود همه ساله مبالغی به یهودی‌ها و منجم‌ها می‌داد که زبان دشمن را ببندند و کار بسته او را بگشایند. شاه هر چه زنش می‌خواست به او می‌داد و کامران میرزا نیز از دخترش، ملکه جهان، مضایقه نداشت. دو ماه پیش از انهدام مجلس، ملکه برای پیشرفت و تسهیل کار همسرش در کودتا، سحر و جادو را آغاز کره بود و در این مدت هر روز جمعی از جادوگران یهودی تهران را در کاخ نایب السلطنه جمع می‌کرد و در آنجا مشغول خواندن اوراد و انجام تشریفات مخصوص برای انهدام مجلس بودند. از جمله این جادوگران که تحت نظارت دقیق ملکه صورت می‌گرفت این بود که به عده‌ی وکلای مجلس گوسفند به کاخ آوردند و دنبه‌های آنان را آتش می‌زدند و به نایب السلطنه و دخترش اطمینان می‌دادند که همه‌ی وکلا کشته و نابود خواهند شد (شیخ‌الاسلامی ۱۳۶۷: ۱۵۲).

در زمان پناهندگی زیر بیرق روسیه و انگلستان در زرگنده، بارانوفسکی نایب سفارت به تقی‌زاده گفته بود: «این پادشاه سابق شما از صبح تا شب فال می‌گشاید و مقصودش همان استخاره^۱ بود» (افشار ۱۳۸۶: ۴۴). شاه برای عزل میرزا حسن خان مشیرالدوله از وزارت علوم و میرزا حسن خان مستوفی الممالک از وزارت جنگ و نصب کامران میرزا نایب السلطنه به وزارت و یا حکم به تبعید میرزا علی‌ثقه الاسلام و حتی بازگرداندن سید عبدالله بهبهانی از تبعید به ایران استخاره می‌کرد (یادگار، سال ۵، ش ۸ - ۹: ۶۰-۶۴). او در تمام مسائل پیش پا افتاده و یا اساسی از آب خوردن گرفته

۱. آخوندی که برای او همسرش استخاره می‌گرفت حاج سید محمد ابوطالب زنجانی بود. رسم محمد علی شاه بر این بود که در لحظه‌ی تردید، نظر (نیت) خود را روی کاغذ می‌نوشت و برای سید ابوطالب می‌فرستاد و از او خواهش می‌کرد عین آیه همراه با تفسیری که شخصاً درباره‌ی نیک و بد بودن استخاره کرده است را کتباً برای شاه بفرستد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۷: ۱۴۱).

تا ختنه فرزند خود احمد میرزا و یا بمباران مجلس و بازداشت سران مشروطه طلب به استخاره توسل می‌جست:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ پروردگارا اگر در هفدهم ربیع الاول سلطان احمد را ختنه بکنند صلاح است و خوب است استخاره خوب بیاید و اگر حالا صلاح نیست استخاره بد بیاید. محمد علی». جواب: «فساهم فکان من المدحضین؛ بد است پشیمانی دارد وقت دیگر اقدام شود مناسب است» (همان: ۶۴).

محمد علی شاه به چهار دلیل خرافی برای شکست از مشروطه خواهان و عزل از سلطنت خود باور داشت: اول خرید دو ملک در تبریز در ایام ولیعهدی که هر دو وقفی بودند. دوم تقدیمی اسب سیاه عین الدوله و سوم سفرهای چهارگانه وی به سلطنت آباد که هر مرتبه رخدادی برایش پیش آمده بود مانند سفر اول شلیک ناخودآگاه تپانچه شاهی که گلوله به مجلل السلطان خورد. سفر دوم اسب کالسکه شاهی رم کرد شاه را به زمین زد و دچار صدماتی شد. در سفر سوم به بیماری شدیدی دچار شد که دو شب شاه را رو به قبله کردند و سفر چهارم و در پی فتح تهران که دیگر آواره شد. و دلیل چهارم از نگون بختی او در روز تاجگذاری بود که مشیرالدوله خواست کلاه جیقه دار سر شاه بگذارد که چپکی گذاشت و سپس برداشته و درست گذاشتند» (افشار، ۱۳۷۴: ۲۶۹۵).

احتشام السلطنه در خاطرات خود، محمد علی شاه را بدین صورت توصیف می‌کند:

«محمد علی شاه ذاتاً لجوج و بی کفایت و دارای اخلاق فاسد و انواع رذائل بود. دربار او مرکب از چند جوان معلوم الحال مانند مجلل السلطان و علی بیگ بود و مشاورانش شاپشال و لیاخوف و امیر بهادر جنگ بودند. طرز تربیت و سوابق رفتار شاه در آذربایجان [در زمان ولیعهدی] و ایامی که به نیابت پدرش [در آخرین سفر مظفرالدین شاه به فرنگ] در تهران امور مملکت را سرپرستی می‌کرد تنفر عموم را نسبت به خود جلب کرده بود. روابط خصوصی او با روس‌ها مایه سوء ظن مردم شده بود. از آنجایی که روس‌ها نسبت به مردم ایران همیشه خشن‌تر بودند، مردم نسبت به آنها تنفر بیشتری داشتند تا نسبت به انگلیس‌ها. محمد علی شاه با سفارت روس رفت‌وآمد و روابط خصوصی داشت. مربی‌ها [و معلمینش روس و اخلاق و تربیتش روسی بود و تربیت فرزندانش را به روس‌ها واگذار کرده بود. اختیار قشون ایران را به دست روس‌ها داده بود. مشاور مخصوص شاه فرمانده قوای قزاق هم افسران روسی بودند» (موسوی، ۱۳۹۲، ۵۹۵ - ۵۹۶). رذالت و جلالت شاه و ایادی او در به توپ بستن مجلس و قتل و شکنجه و آزار و حبس و نفی بلد آزادی خواهان و... کثافت کاری‌های شاه و شاپشال و امیربهادر، سبب تجدید حیات و تقویت مشروطه شد که در حکم خون تازه‌ای بود که به بدن نیمه‌جان مشروطیت ایران رسید و آن را تقدیس و تطهیر کرد (موسوی، ۱۳۹۲: ۶۸۰). برای نوشیدن آب استخاره می‌کرد اما با استشاره و مشورت با نمایندگان مردم دشمن و ناسازگار بود (همان: ۱۴۱).

احتشام السلطنه در ادامه اضافه می‌کند: «شاه مخلوع، آدمی مزور، ساده، مقدس، ظالم، عیاش، پست فطرت، خود رأی، خود خواه، پول دوست، مبذر، مستبد، بی شرف بود که در زمان معزولی به تمام معنی دموکرات و فروتن می‌نمود و صفات متضاد در وجودش زیاد است. در استانبول نوکران و نزدیکان خود را این طرف و آن طرف می‌فرستاد تا اسامی چهل نفر از مقدسین را به دست آورند که او در قنوت نماز شب برای آنها طلب مغفرت و رحمت نماید و از این قبیل خر مقدسی ها فراوان داشت در عین آنکه از ارتکاب هیچ عمل شنیعی قصور نمی‌کرد ... به هزار زحمت و ذلت و از دولت ایران مقرری خود را می‌طلبید و سفارت و دولت را برای وصول آن به ستوه می‌آورد و بعد به مصارفی می‌رسانید که ابداً ضرورت نداشت... بنا به قول میرزا جهانگیر خان ناظم الملک [کارگزار آذربایجان] در هنگام قتل وحشیانه و فجیع میرزا آقا خان کرمانی، خیبرالملک، و شیخ احمد روحی که متهم به تحریک در قتل ناصرالدین شاه بودند در تبریز شخصاً مشارکت کرد و شبانه لاله به دست گرفت و با میرغضب در بریدن سر آن بیگناهان همراه و همکاری کرده بود. او نماز شب می‌خواند و طلب مغفرت برای نفوس زکیه هم می‌کرد، صفات ردلیه این شخص به قدری دیده و شنیده‌ام که فی الواقع باید گفت: پسر آن نامرحوم است. بیچاره ملت ومملکت ایران^۱» (همان: ۶۵۲ - ۶۵۳).

احتشام السلطنه می‌نویسد که او خود را شش دانگ تابع روسیه می‌دانست و فوجی از افواج روس به اسم محمد علی شاه نام گذاری شده بود. در زمان ولیعهدی در تبریز به هنگام سان دیدن لباس قزاقی پوشیده بود و همین امر سبب واکنش سفارت انگلستان در ایران شد. سفارت انگلیس به وزیر دربار غلامحسین خان غفاری گفته بود به ولیعهد بگوئید زیادی «یک طرفی» نباشد (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۸۹: ۱۵۰). تمایل شاه به روسیه به اندازه ای بود که پزشک شخصی خود را به نام «دکتر سادوسکی» از میان پزشکان روسیه انتخاب کند و همچنین تربیت ولیعهد خود، احمد میرزا، را به سروان اسمیرنف، فارغ التحصیل مدرسه السنه شرق دانشگاه پترزبورگ واگذار کند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۸: ۲۳).

او فردی به اصطلاح ناسپاس نیز بود و حتی در حفظ و نگهداری آنچه به او به رایگان رسیده بود اهمال می‌کرد و از خود بی لیاقتی نشان می‌داد. در رابطه با نگهداری باغات شمیران تحت مالکیت محمد علی شاه و باغشاه عین السلطنه در روزنامه خاطراتش می‌نویسد:

«هیچ کس املاکی مانند شاه در تمام شمیران ندارد و هیچ کس هم مانند او آن املاک را کثیف و بد نگهداری نمی‌کند. بیرون باغ نمای خوبی دارد اما داخل این املاک ویران و خراب است (افشار، ۱۳۷۴: ۱۷۷۹). «وضعیت باغشاه در این ایام^۲ تعریف چندانی ندارد. یکی آجر می‌برد، یکی نرده، یکی

۱. این بخش از خاطرات احتشام السلطنه مربوط به دوران تبعید محمد علی شاه در استانبول است.

۲. دوران استبداد صغیر.

اره به دست درخت می اندازد و دیگری داس در دست شاخه می بُرد و یکی دیگر تبر به دوش ریشه می کند. محمد علی شاه و اشخاصی که در اینجا منزل دارند روزی تا ۱۰ مرتبه گذر می کنند و خود به چشم خویش شاهد چنین وضعی هستند و کاری نمی کنند و این اشخاص می خواهند مملکت را آباد کنند. پس از چند روز تنها سردر باغشاه باقی ماند آن هم بدون در و پیکر» (همان: ۲۲۴۰-۲۲۵۴). «باغشاه جای غربیی شده. عبور و مرور در باغ مثل خیابان های شهر می ماند. بسیار کثیف. گلّه بره، مرغ، خروس، هیزم شکن، آشپزخانه، الاغ، قاطر، فریاد، قال یک شلوغ بازاری. شاه هم بالا نشست و ولیعهد پایین. صدراعظم و سپهسالار در دو ضلع آن بیرون که جگرکی، سیرابی، قهوه خانه، بقال. مانند سبزه میدان است با این تفاوت که در سبزه میدان جگرکی نیست اما اینجا [باغشاه] هست. و هیچ کس هم حرفی نمی زند» (افشار، ۱۳۷۴: ۲۴۰۲).

افرادی که باغشاه تهران را در زمان استقرار محمد علی شاه ویران می کردند سربازان امیر بهادر جنگ بودند که درختان را به بهانه بیکاری می بریدند و می فروختند (مستوفی، ۱۳۸۶: ۱۱۵۲) و یا با چوب درختان آتش می افروختند و چای دم می کردند (باستانی پاریزی، ۱۳۹۷: ۷۲۷). گزارش کارهای آنها به گوش شاه رسید و شاه به توسط یکی از پیشخدمت های خود پیغامی برای وزیرجنگ [امیر بهادر] فرستاد که از سربازان تحت امرش جلوگیری کند و اندکی مراعات باغ و درختان شود اما امیر بهادر در پاسخ گفت: «به قبله عالم عرض کنید یا سرباز، یا درخت». علاوه بر کندن درختان باغشاه، این سربازان بی حیره و مواجب به هنگام شب، مردم کوی و برزن دارالخلافه [تهران] را هم لخت (غارت) می کردند (مستوفی، ۱۳۸۶: ۱۱۵۲). در اواخر اردیبهشت ۱۲۸۸/ ۱۹۰۹ وقتی شاه و همراهان، باغشاه را به مقصد سلطنت آباد ترک می کردند، از آنجا ویرانه های بیش باقی نماند و بوی تعفن زباله های انباشته شده تا دوردست بیرون باغشاه به مشام می رسید (افشار، ۱۳۷۴: ۲۴۹۶).

اما تکاهل و جهالت محمد علی شاه تنها درباره باغشاه و املاک خصوصی خود صدق نمی کرد که دارالخلافه نیز از گزند بی لیاقتی او و افرادش در مدیریت شهری در امان نبود و تهران به حال طبیعی خود رها شده بود. نمونه بارز این تغافل را در بهمن ۱۲۸۷ ه ش می توان دید که در تهران برف سنگینی بارید و تمام شهر در گل و لای فرو رفت گوئی «شهر را به طبیعت واگذار کرده بودند» (همان: ۲۲۷۵) و حکومت کوچک ترین اقدامی برای رفع مشکلات ناشی از آن بارش نکرد.

عین السلطنه کارنامه عملکرد شاه را در ایام استبداد صغیر اینگونه شرح می دهد:

«در این روزها کارهای خوب سلاطین سلف خود را متروک داشت و قوانین مشروطیت را که همان عدالت باشد بدون مجلس و هیاهو جاری نکرد. به جای اینکه حفظ ظاهر کنند و اشخاصی را که دشمن عموم مردم بودند در مصدر کارها منصوب نکنند سعدالدوله را علاوه کرد و مشیرالدوله را عزل کرد. یک فوج مرتب و یک دسته سوار منظم برای حفظ خودشان هم تدارک ندید و شصت هفتاد سردار و سالار درست کرد. مجلسی برای اسکات مردم و و نظارت وزارتخانه ها به میل و

انتخاب خودشان ترتیب دادند. از چهل پنجاه راپرت یکی را نخواند. صد عریضه از اهل مملکت آمد جواب نداد. صدراعظم را مؤاخذه نکرد و وزرا اعتنا ندارند. حکامی برای ولایات انتخاب کرده بود که مردم از ظلم و تعدی ایشان به ستوه آمده بودند. برخی از حکام ولایات پیش از خروج از تهران و رسیدن به ولایت مورد نظر [۱] مردم علیه ایشان شورش کردند. محمد علی شاه به جای تحیب قلوب مردم و به دست آوردن دل ایشان و اصلاح امور سلطنت، بغض و عداوت مردم را نسبت به خود و سلطنتش افزایش داد و دشمن آن ایام [استبداد صغیر] بیشتر از ایام مشروطه بود. به جای رسیدگی به امورات مهم مملکتی به مهمالات و کشیدن نقشه عمارت باغشاه مشغول شد. مناصب تقسیم کرد و سردار نصب کرد و مقرری و مواجب داد و فرمان و دستخط صادر کرد و تعزیه خوانی برپا شد و ختنه سوران به راه انداختند و شعر خواند و حکایت شنید. به جای آنکه تمام کارها علنی و با حضور عقلا بشود و اصلاح بشود تماماً محرمانه گذشت» (همان: ۲۳۴۷-۲۳۴۸). «هوش او از درجه متوسط پایین تر است و از اصول مقدماتی سیاست هم بی اطلاع است. می‌گویند محمد علی شاه مانند کسی که تمام عمر خود را در پستوی دکان فرش‌فروشی گذرانده است و صاحب مقاصد فاسده است. دروغ‌گویی از ویژگی‌های او بوده است» (همان: ۳۳۲۵).

برای محمد علی شاه دادن قول‌های مؤکد و سوگند‌های متعدد جلاله جهت حفظ آن وعده‌ها نوعی تفنن سلطنتی بود که هر چند ماه یک مرتبه تکرار می‌شد. در پاییز ۱۲۸۶ ه. ش که نقشه انحلال و توقیف هیئت دولت را می‌کشید^۱ برای اغفال نمایندگان ملت و پوشیده نگاه داشتن دسیسه‌های پشت پرده شخصاً به مجلس شورای ملی رفت و برای چهارمین مرتبه به قرآن قسم یاد کرد که در حفظ مشروطیت ایران کوشا باشد. مع الوصف چند هفته پس از ادای سوگند هیئت دولت را به کاخ سلطنتی احضار کرد و همه ایشان را به طرز ناجوانمردانه ای توقیف کرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۷: ۱۳۹). او مجسمه و نمونه نقض عهد و خلف وعده بود (موسوی، ۱۳۹۲: ۷۰۷).

از سایر صفات بارز وی دینداری^۲ بود تا جایی که جشن‌های باستانی ایران را کنار نهاد و به رسوم اسلامی در ایام خاص توسل می‌جست. این در حالی اسات که جشن نوروز^۳ در ایام ناصرالدین شاه

۱. نقشه‌ای که به «کودتای عقیم» معروف است.

۲. شاه خود را مقدس و منصوب و منتخب از جانب خدا می‌دانست: «... حضرت احدیت وجود مقدس ما را حافظ مملکت و ملت و نگاهبان تاج و تخت حامی دین مبین اسلام قراره داده [است] و مقصودی جز رفاه و آسایش عباد و اجرای قوانین عدل و داد نداشته و اقتدا به شعار سیدالمرسلین و اقتفاء به اثر رسول رب‌العالمین را از فرایض خود می‌شماریم...» (پدرام، ۱۴۰۰، ج ۷: ۴۳۶).

۳. استاد فقید مجتبی مینوی در وصف نوروز اینگونه نوشته است: بیا و در موسم گل جام می پر کن که وقت در گذر است و پیمانه عمر چه شیرین و چه تلخ چه در بغداد و چه در بلخ عاقبت پر خواهد شد. این آمدن بهار و رفتن دی هزاران جم و کی را به خاک افکنده است، و ای بسا گل رعنا که در این باغ شکفت و کس ندانست به کجا رفت. اما چه باک، بیا تا ما در آنجا که میان شاه و گدا فرقی نیست با تنگ می و دیوان شعر و گرده نانی بنشینیم،

خیلی مفصل و باشکوه گرفته می‌شد. در دوره مظفرالدین شاه کمتر شد تا در دوره محمد علی شاه به محرم رسید و به طور کل فراموش شد (افشار، ۱۳۷۴: ۲۰۰۰). همه ساله در دهه محرم تکیه برپا می‌کرد. شب عاشورا با پای برهنه به کوچه‌ها می‌رفت و چهل شمع برای چهل مسجد می‌برد. در رمضان در یکی از سه روز احیاء به مسجد حاج شیخ محمد حسین می‌رفت و پشت سر او نماز می‌خواند و کتب ادعیه چاپ می‌کرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۷: ۱۳۸). در ده روز نخست ماه محرم تیغ [قمه] می‌زد و به گفته مردم «شاخ حسینی» می‌کرد (براون، ۱۳۹۷: ۴۹۳). در روز عاشورا پس از قمه زدن بر سر آنقدر خون از سرش می‌رفت که غش می‌کرد اما در شب همان روز «چندان مسکرات و الکلیات می‌آشامید که مست و لایشر می‌شد» (کرمانی، ۱۳۸۷: ۲۰۱). آینه‌های مقرنس دیوار و سقف گنبد حرم عسکریین در سامرا به دستور محمد علی شاه اجرا شده بودند (فرمانفرمائی‌ان، ۱۳۹۶، ج ۲: ۳۷۷) همچنین در سامرا مسجدی ساخت که «مقام» امام دوازدهم شیعیان در آن مسجد است (همان: ۳۷۸).

روزی در حضور ناصرالملک روی صندلی مشغول خواندن قرآن بود که قرآن از دستش افتاد و خم شد و آن را برداشت و چند مرتبه بر چشم گذاشت و بوسید (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۱۱۴). اوقاتش از این واقعه بسیار تلخ شد. این در حالی بود که در مدت کوتاه سلطنتش، ۳ مرتبه به قرآن قسم جلاله یاد کرده بود اما هر بار آن را نقض کرد. به هنگام بمباران مجلس چند جلد قرآن در دفترخانه مجلس آتش گرفت و سوخت و همچنین نقوش و خطوط کاشی کاری‌های مدرسه سپهسالار که آیات و سوره‌های قرآن بر آنها نقش بسته بود توسط عواملش درهم شکسته شدند و بر زمین ریختند. همچنین در واقعه دهم محرم ۱۳۳۰ ه ق / ۹ دی ۱۲۹۰ / ۳۱ دسامبر ۱۹۱۱ تبریز حکم به قتل عام تبریزیان داد که از نامداران مقتول در آن روز ثقه الاسلام تبریزی بود (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۱۱۵) دینداری وی منحصر به حضور وی در خاک ایران نبود که حتی در ایام تبعید نیز از مختارالدوله خواسته بود که در شب عاشورا برای فرزندانش، خدیجه و محمود و مجید، ۴۱ عدد شمع روشن کند و تأکید کرد که دخترش خدیجه شخصاً، شمع‌های خود را روشن کند^۱ (اسناد بنان السلطنه، مخزن ۱۰۹۸۷: سند ۴۸۸). در تولد دو سالگی احمد میرزا، شاه دستور به خیرات چهل من نان و قربانی پنج گوسفند داد (همان سند: ۵۰۷). بنا به برخی گفته‌ها او علاوه بر واجبات، مستحبات را هم انجام می‌داد و غالباً نماز شب می‌خواند و هرچند روز یک بار از حلقه یاسین رد می‌شد و در سفر *مفاتیح الجنان* از او دور نمی‌شد (عاقلی، ۱۳۹۹: ۱۱۶۶). و نیز از بنان الممالک خواسته بود طلسمی را که *آقا سید علی*

و آنجا اگر ویرانه ای باشد بهشت ماست (مینوی، ۱۴۰۱: ۱۱).

۱. آنچه از اسناد بنان السلطنه برمی‌آید این است که از میان فرزندان محمد علی شاه در تبعید، خدیجه اهمیت بسزایی برای او داشت. در بسیاری از نامه‌های خود دائماً تأکید می‌کرده که مراقب او باشند. درباره تعلیم و معلم‌های او نیز حساسیت داشت. درباره روشن کردن شمع در مراسم مذهبی مانند عاشورا نیز بسیار دقت می‌کرد.

برای او کنار گذاشته حتماً از او بگیرد و در انجام آن کار تسامح و تکاهل نکند (اسناد بنان السلطنه، مخزن ۱۰۹۸۷: سند ۴۸۹). به صدقه دادن اعتقاد داشت و هر ماه مبلغی پرداخت می‌کرد. در زمان اقامتش در گوتنبرگ، بیست منات برای مشهدی زین العابدین حواله کرد و به او گفت که آن مبلغ را به هرکس که صلاح می‌داند پرداخت کند (اسناد بنان السلطنه، مخزن ۱۰۹۸۸: سند ۱۷۷). در سال ۱۹۱۸ م زمانی که صاحب جمع قصد رفتن به بخارست با کشتی داشت، محمد علی میرزا دعایی بر روی کاغذ نوشت و به او داد تا به هنگام سوار شدن به کشتی همراه داشته باشد و آن را بخواند (افشار، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

اول هر ماه قمری از «قلعه یاسین در می‌شد» و به خیال خود این کار را برای حاجت‌روایی انجام می‌داد. در ایام تبعید در استانبول^۱، یک روز پیش از عید فطر زمانی که خان ملک ساسانی به دیدار محمد علی میرزا رفته بود و با او در حال تناول چای و شیرینی بود، خان‌باخان صاحب جمع آمد و گفت: «قلعه یاسین حاضر است». محمد علی شاه گفت: «بخشید! من اول هرماه با همه اهل‌خانه حتی دکتر یروزالسکی و جنرال خابایوف از قلعه یاسین در می‌رویم شما باشید من الان می‌آیم» (ساسانی، ۱۳۸۶: ۴۵).

احمد کسروی در وصف او نوشته است: «محمد علی میرزا جوانی طمعکار است که با همه دارائی‌ها هنگفت و مقام شامخ ولیعهدی از مردم آذربایجان به رسم وام پول می‌گرفت ولی بدهی‌های خود را هرگز تأدیه نمی‌کرد» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۷: ۱۳۹). مستشارالدوله صادق نیز در وصف او می‌گوید: «محمد علی میرزا جوانی است که تربیت درستی ندارد و استبداد و خودکامگی در وجودش نهاده شده است» (افشار، ۱۳۶۱: ۱۴۲). تمام کسانی که با او دیدار و برخوردی داشتند متفق القول می‌گویند که او مرد کم‌هوشی بوده است.

با این همه، وی در مکر و دغل و فریب‌د طولایی داشت. در زمانی ولیعهدی، از تبریز نامه‌ای به سید عبدالله بهبهانی نوشت که آن را باید شاهکار مکر و حیل بهرشمرد که هدفش فریب یکی از رهبران مهم مشروطه بود. در اثر همین نامه بود که تشیثات طولانی عین‌الدوله و شعاع السلطنه را برای انتقال ولیعهدی به شعاع السلطنه در یک چشم بهم زدن باطل کرد و جابر جوانی که به خون مشروطه تشنه بود را در نظر مشروطه خواهان حامی و نگهدار اصول مشروطیت معرفی نمود. ناظم‌الاسلام در تاریخ بیداری می‌نویسد: «موقعی که این رقع در مجلس خوانده شد صدای "زنده باد ولیعهد" از تمام حضار برخاست و همه با خرسندی خاطر سلامت و سعادت وجود ولیعهد را از خداوند خواستند». تقی زاده در همین باب اضافه می‌کند: «قریب یک هفته مذاکرات بین طرفین (مجلس و

۱. شاه مخلوع در کتابخانه خود در استانبول، کتاب‌هایی درباره ساخت موشک و فشفشه و ادوات آتش‌بازی داشت (ساسانی، ۱۳۸۶: ۴۵).

حکومت) ادامه داشت و هر دو طرف روی حرف خود ایستادگی می‌کردند تا اینکه شاه دفعتاً نیرنگی به کار برد. به این معنی که اعلام داشت وی حاضر است حکومت مشروعه به ملت ایران بدهد ولی حکومت مشروطه را قبول ندارد. همین حرف شاه اختلال در خود مجلس انداخت زیرا علمای بانفوذ پیشنهاد او را قبول کردند و روشنفکران مجلس مقابل قدرت و نفوذ مخالفین نتوانستند کاری انجام دهند. کم مانده بود که حرف دولتیان پیش برود که ناگهان از گوشه مجلس نعره مردانه مشهدی باقر بقال (وکیل صنف بقال‌ها) بلند شد که خطاب به علما گفت: «آقایان قربان علم و کرم شما، ما یخه چرکین‌های عوام اصطلاحات عربی و این قبیل چیزها سرمان نمی‌شود. ما جانی کنده و مشروطه گرفته‌ایم و حالا شما می‌خواهید به اسم مشروعه از دست ما بگیرید. ما ابداً زیر بار نخواهیم رفت». تقی‌زاده در ادامه نوشت: «نعره این وکیل با ایمان و بی سواد نقشه نیرنگ آمیز محمد علی شاه را باطل کرد و کاری به نفع مشروطیت انجام داد که حتی اعضای روشنفکر و تحصیل کرده مجلس در آن هرگز نمی‌توانستند نظیر آن را انجام دهند» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۷: ۱۴۸-۱۴۹).

ناظم الاسلام کرمانی در وصف او نوشت: «محمد علی میرزا، خست و لثامت و سفاقت قلب و بی‌رحمی را به متنها درجه رسانیده بود، خیلی راحت طلب بود و تن پرور، به هیچ وجه ملاحظه و رعایت زیردست را نداشت، تمام خدام و رعیت را فدای خود می‌خواست چنان تصور می‌کرد گویا خداوند، این مخلوق^۱ را برای راحت وجود او خلق کرده است. به هرکس احتیاج پیدا می‌کرد با او به کمال ملایمت و مهربانی رفتار می‌نمود و بعد از رفع احتیاجش مثل این بود که او را هیچ نمی‌شناسد، همیشه با اشخاص نانجیب و پست و قطاع‌الطریق که اسباب صدمه و خانه خرابی مردم بودند وثوق پیدا می‌کرد و تمام مشورت خود را در کارها با آن اشخاص می‌نمود. در دنیا عشق و محبت به احدی نورزید، جز پول به هیچ چیز دیگر علاقه نداشت. دیده شد که از قبیل جواهر و شال و قالیچه‌های قیمتی و اسباب آنتیک می‌بخشید اما یک قران پول نقد به احدی نمی‌داد، مستبد به رأی بود و اگر هم در کاری با کسی مشورت می‌نمود عمل به رأی خود را مقدم می‌داشت، هر کس با میل و اراده او رفتار می‌کرد او را محرم اسرار خود قرار می‌داد اگرچه به ضررش هم بود، هرکس صلاح و خیر او را می‌گفت اگر منافعی با اراده‌اش بود از او متنفر و منزجر می‌شد...» (کرمانی، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۲۰۱). منافعی او بر منافع ملی ارجحیت داشت و در تمام مدت زمان ولیعهدی و پادشاهی و حتی در دوران تبعید و دور از خاک ایران این امر را به انحاء گوناگون ثابت کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این جستار آمد کمتر کسی را می‌توان یافت که به محمد علی شاه به دیده احترام و تحسین نگریسته و ویژگی‌هایی سازنده از وی نام برده باشد. او به عنوان نخستین پادشاه مشروطه ایران تاج بر سر نهاد اما هرگز حکومت مشروطه را نپذیرفت و به هر مستمسکی متوسل شد تا مقابل قانون و حکومت قانون بایستد و در این راه از نیروی بیگانه علیه ملت ایران بهره جست و شهروندان ایران را مورد قتل و نهب قرار داد. او به عنوان شاه ایران، کوچکترین تمایلی برای دفاع از حیثیت حاکمیت [سلطنت کهن ایران زمین] و اعتبار مردم ایران نداشت و کشتار آنان توسط نیروهای روسیه را در تبریز و رشت و مشهد و دامغان و تهران به تماشا نشست. شاهی بود که منویات امپراتور روسیه را بر توصیه‌های مشروطه خواهان و ایرانمداران ترجیح داد و گفته یحیی دولت آباد را در رفتار و شیوه حکمرانی عینیت بخشید که به شاه گفته بود "اگر اتفاقی در ایران رخ دهد من [یحیی دولت آبادی] قلمم و شما [محمد علی شاه] تاج و سلطنت خود را از دست خواهید داد؛ چنین نیز شد.

شاید بتوان گفت ساده لوحی، تاثیر پذیری و زود باوری محمد علی شاه دلایل اصلی شکلا گیری ویژگی‌های شخصیتی او بود اما این ساده لوحی نباید در اصل ویژگی‌های اساسی یک پادشاه چنان موثر باشند که یک ملت و کشور را به محاق تباهی بکشاند. شاه سلطان حسین نیز فردی منزّه، ساده لوح و خیر خواه بود اما همین ویژگی‌های وی سبب ویرانی ایران شد. او چنان بود که دوسرسو در واپسین ارزیابی خود از شاه سلطان حسین نوشت: «از آنچه درباره شاه سلطان حسین گفتم، به آسانی می‌توان نتیجه گرفت که اگر او صفات نیک و فضیلت‌هایی داشت، ازسنگ فضیلت‌هایی بود که برازنده عامه مردم است و او فاقد هر فضیلتی بود که شاه به آنها نیاز دارد». سید جواد طباطبایی نیز در وصف آخرین شاه دودمان صفوی چنین نوشت: «سرکنگبین خوبی او نیز بر صفرای ناهنجاری‌های فرمانروایی می‌افزود».

فهرست منابع

- ۱) افشار، ایرج. (۱۳۸۶)، *مقالات تقی زاده*، تهران، انتشارات توس.
- ۲) افشار، ایرج، (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، جلد اول، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۳) افشار، ایرج، (۱۳۸۷)، *محمد علی میرزا ولیعهد و محمد علی شاه مخلوع*، تهران، نشر آبی.
- ۴) افشار، ایرج، (۱۳۶۱) *یادداشت های تاریخی خاطرات مستشارالدوله صادق*، تهران، انتشارات فردوسی.
- ۵) باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۷) *تلاش آزادی*، تهران، نشر علم.
- ۶) براون، ادوارد، (۱۳۹۷) *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پژوه (میرزا احمد خان مبشر همایون شیرازی) به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۷) پدرام، نرگس، (۱۴۰۱) *اسناد تاریخی خاندان غفاری*، تهران، انتشارات دکتر محمود افشار.
- ۸) جریزه دار، عبدالکریم، (۱۳۸۷) *مجله یادگار*، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۹) جکسن، ویلیامز، (۱۴۰۱) *از قسطنطنیه تا زادگاه عمر خیام*، ترجمه رضا نمازی، تهران، انتشارات ایرانشناسی.
- ۱۰) رعد قزوین، (۱۳۹۰) *نشریات عصر مشروطه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱) زرین کوب، عبدالحسین و زرین کوب، روزبه، (۱۳۸۰) *دو رساله درباره انقلاب مشروطیت ایران از ابوالقاسم خان ناصرالملک و محمد آقا ایروانی*، تهران، سازمان اسناد ملی.
- ۱۲) ساسانی، خان ملک، (۱۳۸۶) *یادبودهای سفارت استانبول*، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۱۳) شیخ الاسلامی، محمد جواد، (۱۳۶۷) *قتل اتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر*، تهران، انتشارات کیهان.
- ۱۴) طباطبایی، سید جواد، (۱۳۹۹) *سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات مینوی خرد.
- ۱۵) فرمانفرمائی، حافظ، (۱۳۹۶) *سفرنامه حاجی پیرزاده*، جلد دوم، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۱۶) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، *اسناد بنان السلطنه*، مخزن ۱۰۹۸۷.
- ۱۷) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، *اسناد بنان السلطنه*، مخزن ۱۰۹۸۸.
- ۱۸) کرمانی، ناظم الاسلام، (۱۳۸۷) *تاریخ بیداری ایرانیان*، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، امیر کبیر.
- ۱۹) مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۶) *شرح زندگانی من*، تهران، نشر کتاب هرمس.
- ۲۰) موسوی، محمد مهدی، (۱۳۹۲) *خاطرات احتشام السلطنه*، تهران، انتشارات زوار.
- ۲۱) میرزایی، محسن، (۱۳۷۶) *روزنامه خاطرات عزیز السلطنه ملیجک ثانی*، تهران، انتشارات زریاب.
- ۲۲) مینوی، مجتبی، (۱۴۰۱) *نوروزنامه*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۲۳) هدایت (مخبر السلطنه)، مهدی قلی خان، (۱۳۸۹) *خاطرات و خطرات*، تهران، انتشارات زوار.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۳۶ - ۲۰۹

امر به معروف و نهی از منکر: اهداف، شرایط فردی، اولویت و پیامدها (مطالعه موردی حجاب)

سید حاتم مهدوی نور^۱

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از فروع مهم دین اسلام است که اجرای صحیح آن نیازمند درک دقیق از اهداف، شرایط فردی آمر و ناهی، اولویت‌ها و پیامدهای اجتماعی آن است. این پژوهش با روش تحلیلی و تطبیقی، ضمن استخراج اهداف این فریضه از متون دینی، به تحلیل شرایط گناه، ویژگی‌های آمر و ناهی، مراتب اجرا، و لوازم اجتماعی آن پرداخته است. نوآوری پژوهش در ارائه چارچوبی برای اولویت‌بندی منکرات براساس میزان تأثیرگذاری اجتماعی، نوع تأثیر (با یا بدون اراده دیگران)، و نیاز به تقوای فردی یا جمعی است. این چارچوب سپس بر مسئله حجاب به عنوان یک منکر اجتماعی تطبیق داده شده و نشان داده می‌شود که حجاب، با توجه به ماهیت آن، تنها مشمول امر زبانی است و اجرای قهری آن، نه تنها فاقد اثربخشی، بلکه موجب وهن دین و کاهش دینداری درونی در جامعه می‌گردد. پژوهش، با تأکید بر لزوم تجدیدنظر در برخی شیوه‌های رایج اجرای این فریضه، پیشنهاد می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی جایگزین اقدامات سلبی شود.

واژگان کلیدی

امر به معروف و نهی از منکر؛ اولویت‌بندی گناهان؛ شرایط آمر و ناهی؛ حجاب؛ فقه اجتماعی؛ پیامدهای اجتماعی.

۱. دانشیار، گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: hmahdavinoor@iaau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۵/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۲

طرح مسأله

خداوند برای هدایت بشر قوانینی وضع کرده است و از انسان‌ها خواسته است که به این قوانین پایبند باشند. برای هدایت کسانی که به این قوانین بی‌اعتنا هستند نیز امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده است و در ادیان پیش از اسلام نیز وجود داشته است. خداوند یکی از ویژگی‌های درست‌کرداران امر به معروف و نهی از منکر می‌داند (آل عمران، ۱۱۳-۱۱۴). هم چنین خداوند در سوره مائده ترک نهی از منکر را باعث لعن و دوری انسان‌ها از رحمت الهی بیان کرده است (مائده، ۷۸-۷۹).

یکی از اخلاق مسلمانی که از مرحله خودخواهی گذشته است، امر به معروف و نهی از منکر است. «امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات اسلام و مورد اجماع مسلمین است. اگر اختلافی باشد، مربوط است به حدود و شروط آن‌ها است» (مطهری بی‌تا، ج ۳، ص ۷۸). «اسلام به حکم این که دین اجتماعی است و مسئولیت‌های اجتماعی بر دوش انسان می‌گذارد و محیط مناسب را شرط اصلی اجرای برنامه آسمانی و سعادت بخش خود می‌داند، امر به معروف و نهی از منکر را واجب و در نتیجه مسئولیتی مشترک برای عموم به وجود آورده است. همه مردم موظفند که پاسدار فضیلت‌ها و نیکی‌ها و نابود کننده بدی‌ها و نادرستی‌ها باشند. پاسداری نیکی‌ها به نام امر به معروف و ستیزه‌گری با بدی‌ها نهی از منکر نامیده می‌شود» (مطهری بی‌تا، ج ۲۰، ص ۹۸ - ۹۹). «قرآن درباره ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، بسیار سخن گفته است. از آیه ۷۹ سوره مائده به صراحت استنباط می‌شود که ترک این فریضه بزرگ باعث هلاکت و انهدام بنی‌اسرائیل است؛ زیرا یکی از علل دور افتادن کافران بنی‌اسرائیل را از رحمت خدا، باز نداشتن یکدیگر از منکرات یعنی ترک نهی از منکر ذکر کرده است. یکدیگر را از ارتکاب منکرات نهی نمی‌کردند و چه بد می‌کردند» (مطهری بی‌تا، ج ۲، ص ۵۰۲).

پس تقریباً در وجوب امر به معروف و نهی از منکر اختلافی میان علما نیست؛ لیکن در شرایط و ضوابط آن اختلاف است. به همین منظور مطالعه فریضه امر به معروف و نهی از منکر به‌ویژه در ارتباط با موضوع حجاب، در بستر اندیشه اسلامی و جامعه ایران، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان فقهی، کلامی، اجتماعی و سیاسی بوده است. این پیشینه غنی را می‌توان در منابع معتبر دانشگاهی و حوزوی زیر ردیابی کرد:

مبانی فقهی و کلامی: منابع اصلی فقه شیعه مانند (جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ۱۳۹۲) اثر نجفی از علمای قرن ۱۳ق و «تحریر الوسیله» امام خمینی (ره) (قرن ۱۴ق)، به تفصیل به بحث شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر پرداخته‌اند. این شرایط شامل علم فرد آمر/ناهی به معروف و منکر، احتمال تأثیر (با در نظر گرفتن مراتب امر و نهی)، استمرار گناه و

عدم وجود مفسده مهم‌تر می‌شود (نجفی ۱۳۹۲، ج ۲۱) (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ۱/ کتاب الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر). این مبانی، سنگ‌بنای هرگونه تحلیل کاربردی در امر به معروف و نهی از منکر از جمله در موضوع حجاب است. (تذکره الفقهاء ۱۴۱۴ق) «علامه حلی (قرن ۸ق) و (شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام ۱۳۷۴) محقق حلی (قرن ۷ق) نیز به تبیین مراتب امر و نهی (قلبی، زبانی، یدی) و شرایط هر کدام پرداخته‌اند، که در تعیین اولویت‌بندی و روش‌های اجرا در موضوع حجاب بسیار تعیین‌کننده است.

تبیین اهداف و فلسفه حکمت: اندیشمندانی مانند شهید مرتضی مطهری در آثار متعدد خود، از جمله (آینده انقلاب اسلامی ایران ۱۳۶۲، ۱۲۴-۱۳۰) و (مسئله حجاب ۱۴۰۱) به تبیین اهداف عمیق اجتماعی و تربیتی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته‌اند. از دیدگاه ایشان، هدف اصلی حفظ سلامت اخلاقی جامعه، استمرار ارزش‌های دینی، جلوگیری از انحطاط و اصلاح فرد و جامعه است. مطهری به‌ویژه در مسئله حجاب، بر جنبه صیانت اجتماعی و کرامت انسانی زن تأکید ویژه دارد و آن را صرفاً محدود به پوشش ظاهری نمی‌داند. علامه طباطبایی در «المیزان فی تفسیر القرآن» ذیل آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر (مانند آیه ۱۰۴ آل عمران)، بر نقش آن در تحقق امت واحده اسلامی، ایجاد محیط سالم برای رشد معنوی و مقابله با فساد تأکید می‌کند، که اهدافی کلان برای اجرای این فریضه در همه عرصه‌ها، از جمله حجاب، محسوب می‌شود (طباطبایی ۱۳۷۶، ج ۳).

شرایط فردی و اولویت‌بندی: بحث اولویت‌بندی در امر به معروف و نهی از منکر، به‌ویژه در جوامع پیچیده، مورد تأکید بسیاری از فقهای معاصر است. آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش بر شناخت دقیق مصادیق معروف و منکر، در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، اولویت دادن به منکرات مهم‌تر و دارای آثار گسترده‌تر اجتماعی، و لزوم رعایت جلب نظر و همراهسازی تأکید داشت (حسینی بهشتی ۱۴۰۱، ج ۵، ۱۶ و ۲۳). در مورد حجاب، این به معنای توجه به اولویت‌های تربیتی و فرهنگی در کنار جنبه‌های فقهی است. پژوهش‌های فقهی معاصر مانند (تحلیل فقهی شرایط تأثیر در نهی از منکر با محوریت مسائل اجتماعی معاصر ۱۴۰۱) یا مقاله (اولویت‌بندی در امر به معروف؛ مطالعه موردی الزام حکومتی به حجاب ۱۳۹۸) به تحلیل شرایط فردی آمر و ناهی در عصر حاضر پرداخته‌اند. تأکید بر دانش کافی نسبت به حکم حجاب و فلسفه آن، آگاهی از روش‌های مؤثر و غیرتحقیرآمیز، رعایت ادب و اخلاق اسلامی، و داشتن صلاحیت اخلاقی ظاهری و باطنی و همچنین این که مجاز بودن الزام حکومتی در حجاب، تنها در صورت تحقق شرایط «عدم مفسده مهم‌تر» از نکات برجسته این تحقیقات است. در پژوهشی با عنوان (بررسی شرط 'عدم مفسده' در نهی از منکر با تطبیق بر مسئله حجاب ۱۴۰۲) بیان شده است که الزامات حکومتی یعنی اقدامات قهری (مانند

جریمه/بازداشت) در بلندمدت ۷۰٪ موارد موجب: افزایش مقاومت منفی، کاهش پذیرش درونی حجاب، گسترش ریاکاری اجتماعی می‌شود و لازم است راهکارهای بدون مفسده جایگزین آن شود. این راه کارها عبارتند از: الف) سیاست‌های فرهنگی: ترویج الگوهای اثرگذار (رسانه/هنر) و آموزش‌های غیرمستقیم در مدارس، ب) تقویت زیرساخت‌ها: اشتغال‌زایی برای زنان محجبه و حمایت از تولید پوشاک اسلامی جذاب. معیار فقهی محقق برای دستاوردهای پژوهشی نیز عبارت است از: «در شرایطی که نهی از منکر (حجاب) به تضعیف اساس دین یا ایجاد فتنه عمومی بینجامد، نهی از منکر معلق می‌شود تا مفسده آن رفع گردد». همچنین پژوهشی با عنوان (روش‌شناسی تعامل حکومت و مردم در اجرای امر به معروف ۱۴۰۰) بین مقاصد مختلف فرق نهاده است. از نظر محقق باید بین حوزه‌های اجرا تمایز قائل شد. در منکرات ساختاری (فساد اقتصادی) نیاز به مدل نهادی است و معروف‌های فرهنگی مانند حجاب اولویت با مدل‌های غیرمستقیم است. در نهایت پیشنهاد می‌دهد که سامانه رصد پیامدهای اجتماعی توسط نهادهای دینی (مانند ستاد امر به معروف) برای پایش نرخ مقبولیت سیاست‌ها و تغییرات دینداری فردی ایجاد شود.

پیامدها و مطالعات موردی حجاب: تحقیقات جامعه‌شناسی دین در ایران به بررسی پیامدهای اجتماعی اجرای سیاست‌های رسمی یا اقدامات مردمی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، به‌خصوص در موضوع حجاب، پرداخته‌اند. شریعتی معتد است: «اجرای سیاست‌های رسمی در حوزه منکراتی مانند حجاب، بدون درک زمینه‌های فرهنگی، به جای تقویت هنجارها به شکل‌گیری گفتمان‌های معترض و ریزش مشروعیت می‌انجامد» (شریعتی ۱۳۸۷، ۱۶۷) (شریعتی ۱۳۹۵). پارسانی در (حدیث پیمانه: پژوهشی در انقلاب اسلامی ۱۳۸۹، ۲۵۵) می‌گوید: «روش‌های قهری در نهی از منکر، تنها زمانی مشروع است که پیامدهای آن از حیث 'مصلحت نظام' و 'انسجام اجتماعی' ارزیابی شود». در پژوهشی که در دانشگاه تهران برای اجرای رساله دکتری انجام شده است ۶۸٪ پاسخ‌گویان، برخورد قهری را عامل «کاهش دینداری درونی» دانسته‌اند (اقدسی ۱۳۹۸، ۴۲). نتایج پژوهش با عنوان (تأثیر اجرای نهی از منکر بر حضور اجتماعی زنان ۱۴۰۰) نشان می‌دهد «اجبار در حجاب با کاهش ۴۰٪ مشارکت زنان در فضای عمومی همراه بوده است». پژوهش علی فالاحی با عنوان (فراتحلیل مطالعات حجاب در ایران ۱۳۹۰-۱۴۰۰) ۱۴۰۱) نشان می‌دهد «در ۸۵٪ پژوهش‌ها، رویکردهای فرهنگی با محوریت 'اقتناع' نسبت به 'اجبار'، تأثیر بلندمدت‌تری در نهادینه‌سازی حجاب داشته‌اند».

این مطالعات نشان می‌دهد که نحوه اجرا می‌تواند پیامدهای متضادی داشته باشد: از تقویت هنجارهای دینی و انسجام اجتماعی تا ایجاد تنش‌های اجتماعی، مقاومت منفی، شکل‌گیری گفتمان‌های معترض و حتی بی‌اعتنایی بیشتر در صورت استفاده از روش‌های نامناسب یا بدون

در نظر گرفتن بستر فرهنگی و روانی افراد. به طور خاص واکنش های زنان به نحوه اجرای نهی از منکر در حوزه حجاب، برداشت های آنان از اجبار و اختیار، و تأثیر این اقدامات بر دینداری شخصی و حضور اجتماعی شان را به عنوان مطالعه موردی تحلیل کرده اند. این تحقیقات عموماً بر پیچیدگی موضوع، تنوع نگرش ها و لزوم رویکردهای فرهنگی- تربیتی بلندمدت و مبتنی بر اقناع در کنار ضوابط فقهی تأکید دارند. پیشینه تحقیق نشان می دهد که در حالی که مبانی فقهی و اهداف کلان امر به معروف و نهی از منکر (از جمله در حجاب) در منابع کهن به خوبی تبیین شده اند، تمرکز تحقیقات معاصر (به ویژه در دو دهه اخیر) بر چند محور اساسی است:

✓ **بازخوانی شرایط فردی و اجتماعی:** تطبیق شرایط سنتی با پیچیدگی های جامعه مدرن و چندفرهنگی.

✓ **اولویت بندی و روش شناسی:** تأکید بر اولویت منکرات با آثار مخرب گسترده تر و یافتن روش های مؤثر، غیرتحقیرآمیز، همراه ساز و فرهنگ ساز به جای روش های صرفاً سلبی و قهری، به خصوص در حوزه ای مانند حجاب که با هویت و بدن زن ارتباط تنگاتنگ دارد.

✓ **تحلیل پیامدهای اجتماعی و روانی:** بررسی علمی تأثیرات مختلف (مثبت و منفی) اقدامات امر و نهی، به ویژه در موضوع حجاب، بر اساس داده های میدانی و نظریه های جامعه شناسی و روان شناسی.

✓ **نقش نهادها و سیاست گذاری:** بررسی نقش حکومت، نهادهای فرهنگی، خانواده و جامعه مدنی در ایجاد بستر مناسب برای تحقق این فریضه به شیوه ای که منجر به کسب مقبولیت اجتماعی و تأثیرگذاری پایدار شود.

این تحول در ادبیات تحقیق، نشان دهنده حرکت از نگاه صرفاً فقهی- تکلیفی به سمت نگاهی بین رشته ای است که ابعاد فقهی، کلامی، فلسفی، جامعه شناسی، روان شناسی و سیاسی موضوع را برای ارائه راهکارهای عملی تر و کارآمدتر در جامعه امروز، به ویژه در مطالعه موردی پیچیده ای مانند حجاب، مدنظر قرار می دهد.

این پژوهش به دنبال تطبیق شرایط امر به معروف و نهی از منکر در موضوع حجاب از نظر اخلاقی است. برای این کار اهداف امر به معروف و نهی از منکر بررسی، گناهان بر اساس ملاک های مختلف اولویت بندی و بر حجاب تطبیق داده می شود. روش پژوهش در این مقاله، تحلیلی - تطبیقی است. در مرحله نخست، با تحلیل محتوای متون دینی (آیات قرآن و روایات) اهداف، شرایط و فلسفه فریضه امر به معروف و نهی از منکر استخراج شده است. سپس، با مطالعه تطبیقی دیدگاه های فقهی (قدما و معاصرین)، شرایط فردی آمر/ناهی، مراتب اجراء و اولویت ها بررسی شده اند. در مرحله سوم، گناهان بر اساس معیارهای تأثیرگذاری اجتماعی، نحوه ترک و امکان اجبار، طبقه بندی مفهومی و منطقی شده اند و برای تبیین بهتر، از نمودارهای

تحلیلی بهره گرفته شده است. در گام نهایی، این چارچوب مفهومی بر موضوع خاص حجاب تطبیق یافته و با بررسی داده‌های تجربی و مطالعات میدانی (از پژوهش‌های دانشگاهی و آمارهای اجتماعی)، پیامدهای مثبت و منفی اجرای امر به معروف و نهی از منکر در زمینه حجاب ارزیابی شده است. روش تحقیق، تلفیقی از تحلیل متنی، استدلال عقلی و استفاده از یافته‌های تجربی اجتماعی است که آن را به رویکردی میان‌رشته‌ای و کاربردی تبدیل می‌سازد. نوآوری اصلی این پژوهش ارائه چارچوبی نو برای اولویت‌بندی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر است که بر پایه دسته‌بندی گناهان از نظر تأثیر اجتماعی، نحوه ترک (تقوای فردی یا جمعی) و امکان اعمال قوه قهریه، صورت گرفته است. با طراحی ملاک‌های دقیق اولویت‌بندی منکرات و ترسیم نمودارهای تحلیلی، امکانی فراهم شده است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر، نه بر پایه دآوری‌های سلیقه‌ای یا سیاسی، بلکه مبتنی بر تحلیل اخلاقی و فقهی زمینه‌مند اجرا شود. همچنین تطبیق این چارچوب بر مسئله حجاب، همراه با تحلیل پیامدهای اجتماعی و دینی اجرای قهری، از نوآوری‌های کاربردی و مسئله‌محور این پژوهش به شمار می‌رود. ترکیب بینش‌های فقهی، قرآنی، اخلاقی و جامعه‌شناختی در تحلیل یک مسئله معاصر، افق تازه‌ای برای فهم و اجرای عقلانی این فریضه اسلامی در جامعه امروز می‌گشاید.

اهداف

برای این که امر به معروف و نهی از منکر درست انجام شود لازم است به اهداف آن توجه کنیم. امر به معروف و نهی از منکر همسو با رسالت پیامبران است. در نتیجه می‌توان اهداف آن را همان اهداف رسالت پیامبران در نظر گرفت. در قرآن کریم و روایات اهداف پیامبران به شرح زیر بیان شده است:

۱. **دعوت به خداپرستی و پرهیز از پرستش طاغوت:** وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ أُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ (نحل، ۳۶). و معنای پرستش خدا و پرهیز پرستش طاغوت این است که جز عبادت خدای یکتا که معقول عقل نظر و مقبول عقل عمل است، پرستش دیگری منفی و باطل است (جوادی آملی ۱۳۸۱، ص ۱۷۷). می‌توانیم بگوییم هدف اصلی دعوت انبیاء همین است و بقیه اهداف برای رسیدن به این هدف است.

۲. **تعلیم کتاب و آموزش حکمت:** لازمه دعوت به پرستش خداوند تعلیم کتاب الهی و آموزش حکمت است. چنانکه از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَزِيرُ الْحَكِيمُ» (بقره، ۱۲۹).

۳. **برپایی عدل و قسط:** لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... (حدید، ۲۵)

۴. **نجات از تاریکی ها:** كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (ابراهیم، ۱). از موارد تاریکی جهل علمی و جهالت عملی است. جاهل متهتک، چونان عالم فاجر، گرفتار تاریکی متراکم است و مدعی ارشاد، بدون فلاح علم و صلاح عمل، مغمور در ظلمات انباشته است. تنها کشتی نجات و مصباح هدایت، همانا مشکات نبوت است که از بارگاه تشریف به کارگاه تکلیف اعزام می شود تا تیره دلان را روشن ضمیر، و گمراهان را راهیان نور کند (جوادی آملی ۱۳۸۱، ص ۱۷۵).

۵. **تکامل عقل:** یکی از مهم ترین هدف از آموزش و پرورش مردم به دست پیامبران، تکامل عقلانی بشر است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: وَلَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَ يَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عَقُولِ جَمِيعِ أُمَّتِهِ (کلینی ۱۳۶۵، ج ۱، ح ۱۱).

۶. **تعالی اخلاق:** پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (طبرسی ۱۴۱۲ق، ص ۸)».

۷. **داوری در اختلاف های مردم:** كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخْجَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (بقره، ۲۱۳).

۸. **آزادی انسان:** بهترین ره آورد پیامبران، نشر حریت و ترویج آزادی، به ویژه آزادی فرهنگی است که ترقی جامعه در گرو آن است. قرآن کریم درباره ره آورد آزادی می فرماید: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف، ۱۵۷). مبعوث شدگان از سوی خداوند، به سان مدعیان دروغین نبوت و رسالت که هدفشان به زنجیر کشیدن توده های مردم و استعمار و استثمار آنها است، نیستند؛ آنها نه تنها بندی بر آنها نمی گذارند؛ بلکه بارها را از دوش آنان بر می دارند، و غل و زنجیرهایی را که بر دست و پا و گردنشان سنگینی می کرد، می شکنند (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۶، ۳۹۸).

حال پرسش این است که در کدام یک از موارد ذکر شده توسل به زور می تواند کارساز باشد. ایمان به خدا و پرستش امری درونی و قلبی است و زور تنها می تواند ظاهر انسان را تسلیم کند و باطن انسان هیچ وقت تسلیم زور نمی شود. بلکه زور بیشتر باعث می شود انسان به صورت باطنی از آن چه به آن دعوت می شود رویگردان شود. اعمال زور تنها برای مواردی است که حقوق دیگران ضایع می شود و فرد با گفتگو راضی به ادای حق نیست. در این مورد چه فرد خوشش بیاید و چه نیاید لازم است حق ذی حق گرفته شود.

شرایط فردی

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، مصلح نام دارد، زیرا در پی اصلاح فرد و جامعه است. مصلح با صالح متفاوت است. ممکن است کسی صالح باشد، یعنی انسان خوبی باشد، اما مصلح نباشد. مصلح کسی است که از لاک فردیت درآمده، به فکر دیگران افتاده است. شهید مطهری ویژگی‌های زیر را برای مصلح ضروری می‌داند:

۱. **در امور شخصی بی‌حس باشد؛** یعنی امور شخصی وی را وادار به امر به معروف و نهی از منکر نکند. پیامبر و ائمه اطهار و پیروان راستین آن‌ها با افرادی که آنان را به صورت نامناسب مخاطب قرار می‌دادند، برخورد خشن نمی‌کردند.

۲. **در امور اجتماعی حساس باشد.** مصلح هر چند نسبت به امور شخصی بی‌حس است اما نسبت به امور اجتماعی بسیار حساس است. برای مثال در تعرض سربازان معاویه به زن یهودی و درآوردن خلخال از پای او علی علیه‌السلام می‌گوید: اگر مسلمانی بر این امر تأسف بخورد و بمیرد جا دارد این حساسیت به امور اجتماعی است؛ اما همین علی بعد از جنگ جمل وارد خانه‌ای می‌شود. زنی که کسانش کشته شده بودند جلوی او را می‌گیرد، فحش می‌دهد، نفرین می‌کند. امام می‌گوید: متعرضش نشوید. یک نفر خارجی می‌گوید: خدا بکشدش چه قدر می‌فهمد و اهمیت نمی‌دهد. اما زن بیوه‌ای را که می‌بیند بی‌کس است و مشک آب به دوش دارد سخت متأثر می‌شود (مطهری فروردین ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۲ - ۲۶۳).

۳. **انگیزه الهی داشته باشد.** انسان باید امر به معروف و نهی از منکر را برای خدا بکند. این که عملی برای خدا است یا خیر سه نشانه دارد:

- ✓ ریا در آن نیست؛ یعنی برای خودنمایی کاری انجام نمی‌دهد؛
- ✓ در انجام آن از سرزنش ملامت‌گران نمی‌هراسد. این که نماز می‌خواند و مسخره‌اش می‌کنند یا به خاطر حجاب مسخره می‌شود، هراسی ندارد؛
- ✓ برای نفس خود کاری را انجام نمی‌دهد.

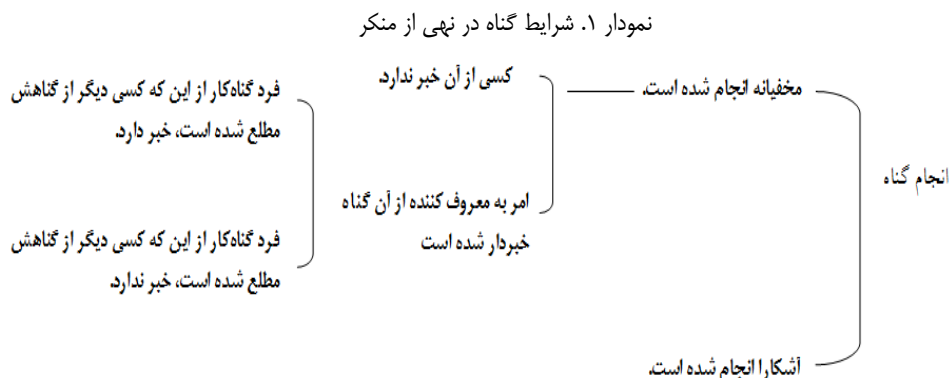
۴. **انگیزه رحمت داشته باشد.** «در جامعه اسلامی، ایمان، اساس دوستی مؤمنان است. قرآن کریم می‌فرماید: مردان مؤمن و زنان مؤمن بعضی ولی بعضی دیگرند. به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند (توبه، ۷۱). مؤمنان نزدیک به یکدیگرند و به موجب این که با یکدیگر نزدیک‌اند، حامی، دوست و ناصر یکدیگرند و به سرنوشت هم علاقه‌مندند و در حقیقت به سرنوشت خود که یک واحد را تشکیل می‌دهند علاقه می‌ورزند و لذا امر به معروف می‌کنند و یکدیگر را از منکر و زشتی‌ها باز می‌دارند. این دو عمل - امر به معروف و نهی از منکر - ناشی از و داد ایمانی است. علاقه به سرنوشت اشخاص از علاقه به خود آن‌ها سرچشمه می‌گیرد. پدری که به فرزندان خویش علاقه دارد نسبت به سرنوشت و رفتار آنان نیز احساس علاقه می‌کند اما

ممکن است نسبت به فرزندان دیگران در خود چنین احساسی نکند چون نسبت به خود آنها علاقه‌ای ندارد تا به سرنوشتشان نیز علاقه‌مند باشد و تا دوستی و محبت نباشد این احساس‌ها در نهاد انسانی جوشش نمی‌کند. اگر انسان نسبت به افرادی بی‌علاقه باشد در مقابل اعمال و رفتار آن‌ها بی‌تفاوت است اما آن‌جا که علاقه‌مند است محبت‌ها و مودت‌ها او را آرام نمی‌گذارند (مطهری بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۵). انگیزه رحمت باعث می‌شود انسان گناه کار را به صورت مریض ببیند و برای اصلاح او تلاش کند.

۵. بصیرت داشته باشد. این شرط به دو شرط بصیرت در دین و بصیرت در عمل تقسیم می‌شود. بصیرت در دین یعنی اطلاع کافی و صحیح در امور دینی داشته باشد. حلال را از حرام، واجب را از غیر واجب تشخیص بدهد. اما بصیرت در عمل در باب امر به معروف و نهی از منکر، شرطی ذکر می‌کنند تحت عنوان احتمال اثر و شرطی ذکر می‌کنند تحت عنوان عدم ترتب مفسده یعنی؛ امر به معروف و نهی از منکر برای این است که معروف رواج بگیرد و منکر محو شود. پس در جایی باید امر به معروف و نهی از منکر کرد که احتمال دارد این کار اثر داشته باشد و اگر می‌دانیم که به طور قطع بی‌اثر است واجب نیست. دیگر این که این عمل برای این است که یک مصلحتی انجام شود، پس در جایی باید صورت بگیرد که مفسده بالاتری بر آن مترتب نشود. لازمه این دو شرط بصیرت در عمل است. آدمی که در عمل بصیرت ندارد نمی‌تواند پیش‌بینی کند که آیا اثری بر این کار مترتب هست یا نیست و آیا مفسده بالاتری هست یا نیست. این است که امر به معروف‌های جاهلانه همان‌طوری که در حدیث آمده افسادش بیش از اصلاحش است (مطهری بی‌تا، ج ۴، ص ۸۲۲ - ۸۲۳).

شرایط گناه و حد امر به معروف و نهی از منکر

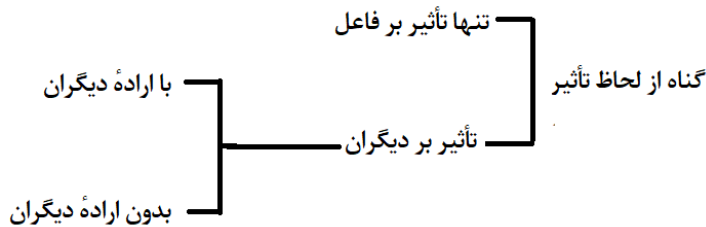
در امر به معروف و نهی از منکر برای گناه نیز شرایطی وجود دارد که باید رعایت شود. نمودار زیر حالت‌های مختلف یک گناه را نشان می‌دهد.



گناه یا به صورت آشکار انجام می‌شود یا به صورت مخفی. اگر گناه به صورت مخفی باشد یا هیچ‌کس از آن خبر ندارد یا امر به معروف و نهی از منکر کننده به طریقی از آن آگاه شده است، در این صورت نیز یا فرد گناه کار می‌داند که آن شخص از خطای وی خبر دارد یا خیر؟ شهید مطهری می‌گوید: فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آن‌ها تجاهر می‌شود حق تعرض هست. در غیر این صورت حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است، نداریم. ولی یک عده مردم ماجراجو و شرور دنبال ماجراجویی هستند و می‌خواهند حساب خرده‌های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دستاویز قرار می‌دهند و چه جرم‌ها و جنایت‌ها که به این نام نمی‌شود! و چه منکرات شنیع که به نام نهی از منکر واقع نمی‌شود! (مطهری بی‌تا، ج ۲۰، ص ۲۰۰ - ۲۰۲).

گناهان را در یک دسته بندی از لحاظ تأثیر می‌توان به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم کرد. فعلی که انجام می‌شود گاهی اثرش فقط بر فاعل است و گاهی اثر مستقیم فعل بر غیر فاعل مانند انسان‌های دیگر یا طبیعت است. در اینجا باید بین تأثیر با اراده و بدون اراده فرق گذاشت. گاهی تأثیر فعل طوری است که فرد تحریک یا تشویق به انجام کاری می‌شود و گاهی بدون اراده او تأثیر می‌پذیرد. برای مثال فردی مشروب می‌خورد. گاهی فرد دیگری با دیدن او هوس مشروب خوردن می‌کند و گاهی حالت مستی به او دست می‌دهد و به دیگران آسیب می‌رساند.

نمودار ۲. انواع گناه از لحاظ تأثیر



با توجه به این که انسان آزاد آفریده شده است و پذیرش دین نیز امری قلبی است و خداوند می‌فرماید در پذیرش دین اکراهی نیست. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره، ۲۵۶)؛^۱ بنابراین به نظر می‌رسد گناهی که تنها تأثیرش بر فاعل آن است یا تأثیر آن بر دیگران با اراده

۱. این که خداوند می‌فرماید در دین اکراه نیست؛ یعنی دین باید با رضایت قلبی باشد. اگر انسان دین حق را نپذیرد لازم است به عواقب آن که عذاب الهی است تن در دهد. نظام عالم نظامی دقیق بر مبنای روابط علی و معلولی است و اعمال جوارحی و جوانحی انسان بر انسان تأثیر تخلف‌ناپذیر دارند.

خودشان است و اجباری در کار نیست امر به معروف و نهی از منکر آن نیز از حد زبان فراتر نمی‌رود. اما اعمالی که تأثیر بر دیگران بدون اراده آن‌ها است لازم است با قوه قهریه جلوی رفتار فرد خاطی گرفته شود.

باید در معنای اجبار توسعه داد و اجبارهای اجتماعی را نیز در نظر گرفت. توضیح آن که می‌توان گناهان را در یک دسته‌بندی از لحاظ قدرت بر ترک و انجام به دو دسته تقسیم کرد:

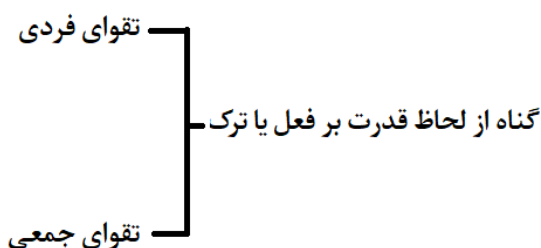
✓ گناهانی که ترک آن فقط تقوای فردی می‌خواهد؛

✓ گناهانی که ترک آن علاوه بر تقوای فردی نیاز به تقوای جمعی نیز دارد.

در گناهان دسته نخست اراده فردی برای ترک گناه کافی است. محیط بیرونی تنها وسوسه‌گر است و فرد می‌تواند در مقابل آن وسوسه‌ها مقاومت کند. برای مثال خویشتن‌داری جنسی فقط تقوای فردی می‌خواهد. زرق و برق‌های بیرونی وسوسه‌کننده انسان است و حتی اگر فرد را در اتاق هفت‌در زندانی کنند باز وسوسه است و نه اجبار. در خصوص حضرت یوسف قرآن کریم می‌فرماید: وَرَأَوْنَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ (یوسف، ۲۳).

در گناهان دسته دوم اراده و تقوای فردی برای ترک گناه کافی نیست؛ بلکه تقوا و اراده جمعی می‌خواهد. فرض کنید کارفرمایی حقوق کم به کارمندش می‌دهد؛ طوری که آن حقوق کفاف زندگی روزمره‌اش نمی‌کند. هیچ جایی هم برای دادخواهی نیست و کارمند مجبور است کار کند. مسئولیت زندگی باعث می‌شود فرد به کارهای دیگر سوق داده شود. حداقل آن تأثیر پذیرش کار دوم است که در چنین حالتی از هر دو کار کم می‌گذارد. در اینجا تقوای دو نفر برای گناه‌نکردن لازم است. هم تقوای کارمند و هم تقوای کارفرما.

نمودار ۳. انواع گناه از لحاظ قدرت بر فعل یا ترک



اگر قرار به امر به معروف و نهی از منکر باشد اولویت با چنین گناهانی است که برای عدم ارتکاب آن تقوای جمعی نیاز است. مجازات هم بخشی از نظام امر به معروف و نهی از منکر است و بر اساس شدت مجازات و نحوه اثبات می‌توان اهمیت هر گناه را در نظر شارع استنباط کرد.

اولویت

اگر منکرهای مختلفی در جامعه شیوع پیدا کند کدام منکر باید در اولویت قرار گیرد؟ پاسخ به این پرسش از این جهت مهم است که اولویت‌ها در امر به معروف و نهی از منکر مشخص می‌شود. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید اگر [انسان] بر یکی از دو کار توانایی داشته باشد: امر به فلان معروف، یا نهی از فلان منکر باید از میان آن دو مهم‌تر را ملاحظه کند و در صورت تساوی، میان آن دو مختیر است (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۲۸).

در مسایل اختلافی چه باید کرد؟ یعنی اگر مجتهدی کار الف را گناه بداند و مجتهد دیگر آن را گناه نداند آیا باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ حضرت امام در این باره می‌فرماید: اگر مسئله مورد اختلاف باشد و احتمال داده شود که نظر فاعل آن کار یا تارک آن و یا تقلیدش مخالف او باشد و آنچه را که وی انجام می‌دهد نزد خودش جایز باشد، امر و نهی او واجب نیست؛ بلکه انکار او جایز نیست؛ تا چه رسد به این که به چنین چیزی علم پیدا شود (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۰). در خصوص جاهلان نیز می‌فرماید: اگر مسئله مورد اختلاف نباشد، ولی احتمال داده شود که شخصی که آن را مرتکب می‌شود جاهل به حکم مسأله باشد، ظاهر آن است که امر و نهی او واجب است، مخصوصاً اگر (جاهل) مقصر باشد. و احتیاط (مستحب) آن است که اولاً او را به حکم مسأله ارشاد نماید آنگاه اگر بر آن اصرار نمود انکارش کند، مخصوصاً اگر (جاهل) قاصر باشد (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۰).

شرایط اجرا

حال پرسش این است که امر به معروف و نهی از منکر در چه شرایطی باید انجام شود. در ادامه این شرایط توضیح داده می‌شود.

۱. عدم وهن دین

یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر آن است که این عمل باعث وهن دین نباشد و مردم از دین رویگردان شوند. زیرا هدف از امر به معروف و نهی از منکر تبلیغ و ترویج دین است و اگر این امر باعث رویگردانی مردم شود مقصود نه تنها حاصل نمی‌شود؛ بلکه عکس آن حاصل می‌شود. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: اگر در جایی امر یا نهی نسبت به بعضی موجب وهن شریعت مقدس ولو نزد غیر او باشد جایز نیست، خصوصاً آن جایی که صرفاً احتمال تأثیر می‌رود؛ مگر این که مورد، از موارد با اهمیّت باشد و (البته) موارد فرق می‌کند (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۱).

۲. احتمال تأثیر

شرط دیگر این که انسان احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. پس اگر انسان بداند یا اطمینان پیدا کند که امر به معروف و نهی از منکر او تأثیر ندارد واجب نیست (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۱).

۳. به خطر نیفتادن جان

شرط دیگر آن است که جان انسان به خطر نیفتد. البته در اینجا باید به اهمیت موضوع دقت کرد. گاهی موضوع آن قدر مهم است که جان نیز باید فدا شود. حضرت امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: اگر معروف و منکر از چیزهایی باشد که شارع اقدس به آن اهمیت می‌دهد، مانند حفظ جان قبیله‌ای از مسلمین و هتک حرمت نوامیس آن‌ها، یا از بین بردن آثار اسلام و محو دلیل (حقانیت) اسلام به طوری که موجب گمراهی مسلمین گردد، یا از بین بردن بعضی از شعائر اسلام مانند بیت‌الله الحرام به طوری که آثار و محل آن محو شود و مانند این‌ها، باید ملاحظه مهم‌تر بودن را نمود، و هر ضرری اگرچه ضرر جانی باشد یا حرج، موجب رفع تکلیف نمی‌باشد. پس اگر برپا داشتن ادله (حقانیت) اسلام به طوری که به وسیله آن‌ها گمراهی برطرف شود، متوقف بر بذل جان یا جان‌ها باشد ظاهر آن است که واجب باشد؛ چه رسد به این که در ضرر یا حرجی که کمتر از بذل جان است واقع شود (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۸).

لوازم اجرا

برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر زیرساخت‌هایی لازم است. بدون وجود زیرساخت‌های مناسب عملاً اجرای امر به معروف و نهی از منکر اثری ندارد. بعضی از زیرساخت‌های لازم برای این امر عبارتند از:

۱. قوانین مناسب

از زیرساخت‌های لازم امر به معروف و نهی از منکر وجود قوانین مناسب است. اداره جامعه بدون قانون ممکن نیست. تصور کنید در جامعه قانونی برای راهنمایی و رانندگی وجود نداشته باشد؛ آنگاه چه آشفته‌بازاری به وجود می‌آید. تلفات انسانی چه قدر بالا می‌رود. قانون حدود رفتار انسان‌ها را مشخص می‌کند تا ظلمی صورت نگیرد و امنیت در جامعه برقرار شود. قانون زمانی چنین کارکردی دارد که دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- ✓ مورد قبول و احترام مردم باشد.
- ✓ قابلیت اجرا داشته باشد.
- ✓ مردم را به انجام معروف و ترک منکر سوق دهد.
- ✓ در جامعه اجرا شود.

در صدر اسلام قانون مورد قبول جامعه آن چیزی بود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان می‌فرمود. بعدها نهاد دین از نهاد حکومت جدا شد و قانون آن بود که حاکم اعلام می‌کرد و گاهی بین خواست مردم و حاکمان فاصله بود و از این‌رو در بسیاری از مواقع مردم مگر به اجبار خود را ملزم به رعایت قانون نمی‌دیدند. در عصر غیبت استنباط احکام دین بر عهده فقها قرار گرفت و با توجه به کثرت و معصوم نبودن فقها، آنان در بعضی مسائل با هم اختلاف پیدا کردند و در نتیجه نمی‌توان فتوای مراجع را به عنوان قانون مورد قبول جامعه پذیرفت؛ باید این اختلاف‌ها طی فرایندی رفع شود و مصالح مردم هم در نظر گرفته شود و در نهایت به عنوان قانون از طرف حکومت ابلاغ شود.

قانونی که مناسب شرایطی که باید اجرا می‌شوند نباشد و مردم به این نتیجه برسند که قانون‌گذار در قانون‌گذاری خطا کرده است؛ آن‌گاه در همه جا چنین حسی خواهد داشت و نیروی درونی برای پایبندی به قانون در افراد وجود نخواهد داشت. برای مثال وقتی در خیابانی که خودروها بدون خطر می‌توانند بیشتر از ۳۰ کیلومتر بر ساعت حرکت کنند، اما راهنمایی و رانندگی حداکثر سرعت را ۳۰ کیلومتر بر ساعت تعیین کرده است و مردم به آن توجهی نمی‌کنند، در موارد دیگر چنین استنباط می‌کنند که قانون‌گذار قوانین مناسب وضع نکرده است و مهم نیست از آن پیروی کرد. وقتی ورودی تاکسی‌های گردشی در سال ۱۳۹۰ را ۱۸۵۲ ریال با پانصد متر مسافت آزاد ذکر کرده‌اند قابلیت اجرا ندارد. مسافرکش و مسافر به این نتیجه می‌رسند که قانونی که شورای شهر تصویب کرده است قابل اجرا نیست و شهروندان فقط آن قانون را نمی‌بینند؛ در ناخودآگاه آنان بی‌ارزشی قانون حک می‌شود. گاهی قوانین و فرایندها افراد را به انجام منکر و ترک معروف سوق می‌دهند. در زیر نمونه‌هایی از این قوانین ذکر می‌شوند:

✓ فرض کنید پدر و مادری به فرزندشان سخت می‌گیرند و برای هر اشتباهی او را تنبیه می‌کنند. فرزند نیز برای فرار از تنبیه به دروغ متوسل می‌شود. اگر پدر و مادر به جای تنبیه فرزند برای اشتباه، او را راهنمایی کنند و بگویند ما هم چون آینده را نمی‌دانیم اشتباه می‌کنیم. علم ما کمی بیشتر از شما است؛ پس اشتباهات را بگو تا با هم علت آن را بررسی کنیم. در این صورت دلیلی برای دروغ‌گویی نیست.

✓ نمونه دیگر قانون رسمی بودن کارمندان است که باعث شده است بهره‌وری بسیاری از افراد پایین باشد و هیچ کاری هم نمی‌توان انجام داد.

✓ قوانین انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با توجه به ویژگی‌های مردم که خودگرا و عجول هستند (مهدوی نور ۱۳۹۵) مردم را به انجام منکر و ترک معروف سوق می‌دهد.

✓ دادن حقوق کم به کارمندان طوری که زندگی عرفی او تأمین نشود فرد را به سمت اضافه‌کاری‌های بیهوده، حتی دزدی و اختلاس سوق می‌دهد.

۲. اجرای بدون ملاحظه قانون

از زیرساخت‌های ضروری امر به معروف و نهی از منکر اجرای بدون ملاحظه قانون برای همه است. قانون باید حاکم بر قدرتمندترین افراد و نهادهای جامعه باشد (Waldron 2016). اگر قانون تحت ملاحظات برای عده‌ای اجرا نشود دیگران خود را برای اموری محق می‌دانند و ممکن است به بی‌قانونی‌هایی دست بزنند. حداقل این احساس در مردم ایران هست که همه در برابر قانون یکی نیستند. در پژوهشی که انجام شده است ۷۲ درصد مردم به برابری در مقابل قانون باور نداشتند و ۶۵ درصد مردم نظام حقوقی را مشروع نمی‌دانستند؛ ۷۴ درصد مردم گرایش منفی به قانون داشتند (موسوی زاده مرکیه ۱۳۹۶). قانون‌گریزی حتی در دستگاه‌های اجرایی نیز در حال افزایش است. نشانه آن نیز افزایش ۱۴ درصدی تعداد پرونده‌های مطروحه علیه دستگاه‌های اداری در دیوان عدالت اداری در تیرماه ۱۳۹۲ نسبت به پایان سال ۱۳۹۱ است (رفیعی، مرکز مالیری و موسوی‌زاده ۱۳۹۳).

۳. دسترسی آسان به محاکم قضایی

از زیرساخت‌های مهم دیگر برای امر به معروف و نهی از منکر دسترسی آسان به محاکم قضایی است؛ زیرا از ویژگی‌های انسان منفعت‌طلبی او است و این خصوصیت باعث می‌شود انسان گاهی برای منافعش حقوق دیگران را زیر پا بگذارد. در جامعه اگر نیرویی در مقابل زورگویان یا از حد‌گذرندگان نباشد آنان به زورگویی خود ادامه می‌دهند و افراد کم‌توان برای این که به دام زورگویان نیفتند دارایی‌های خود که از جمله آن‌ها استعدادهایشان است را بروز نمی‌دهند. برای امر به معروف و نهی از منکر باید دسترسی آسان و سریع به محاکم قضایی وجود داشته باشد که در زمانی اندک به شکایات رسیدگی کند.

در واقع رفتار غیراخلاقی زمانی روی می‌دهد که فرد با دو نوع رفتار درست و نادرست مواجه باشد و باور داشته باشد که منافع حاصل از رفتار غیر اخلاقی بر لطمات حاصل از آن می‌چربد (سلیمی و داوری ۱۳۸۶). از مواردی که باعث می‌شود منافع یک جرم بر لطمات آن بچربد کسانی است که مورد جرم واقع شده‌اند دسترسی آسان و سریع به محاکم قضایی ندارند و در واقع شکایت از مجرم برای آسیب‌دیده هزینه بیشتری دارد.

۴. شفافیت

از زمان حضرت آدم علیه‌السلام تا کنون افرادی بوده‌اند که خودخواهیشان باعث ایجاد فساد در جامعه بوده است و کمتر اتفاق افتاده است که اهل فساد بخواهند فساد خود را آشکار کنند و تقریباً در خفا به فساد می‌پرداخته‌اند. شفافیت در امور باعث می‌شود که فساد کمتر شود و از این رو امروزه تمایل دولت‌ها به شفاف‌سازی برای کاهش فساد زیاد است. زیرا روابط اجتماعی در یک جامعه بر اساس پیش‌فرض‌های مبتنی بر اعتماد استوار است و افراد جامعه بر اساس آن

پیش‌فرض‌ها می‌توانند انتظار داشته باشند که در مقابل آن چه انجام می‌دهند چه چیزی دریافت می‌کنند و اعتماد در یک فضای شفاف شکل می‌گیرد و در صورت فقدان شفافیت اعتماد نیز از دست می‌رود (ضمیری و نصیری حامد ۱۳۸۹). در این فضای بی‌اعتماد نیز اخلاق ذبح می‌شود. امروزه، قوانین شفافیت به طور گسترده‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته است و قانون آزادی اطلاعات ایالات متحده^۱ اغلب به عنوان یکی از دستاوردهای قهرمانی جنبش شفاف مطرح می‌شود (Pozen and Schudson 2018). لازمه شفافیت دسترسی آزاد به اطلاعات است. دسترسی آزاد به اطلاعات تبدیل به یکی از جنبه‌های مطرح و لازم‌الاجرا در دولت معاصر و مدیریت عمومی شده است. بسیاری از کشورهای اروپایی قوانین آزادی اطلاعات را به خوبی ایجاد کرده‌اند بعضی از آن‌ها، آن را اخیراً به تصویب رسانده‌اند (Dragos, Kovač and Marseil 2019).

۵. نظام‌های نظارتی مناسب

امر به معروف و نهی از منکر را گاهی به نظارت عمومی بر کارگزاران تعبیر می‌کنند و آن را مانع فساد در اداره حکومت می‌دانند. به این صورت که مردم فعالیت‌های غلط کارگزاران را به آنان گوشزد می‌کنند و کارگزاران هم خود را اصلاح می‌کنند. اما نظارت عمومی لوازمی به شرح زیر دارد و تاریخ گواه است که این لوازم حداقل در کشورهای خاورمیانه محقق نشده است؛

۱. **آزادی بیان و پس از بیان:** افرادی که اشتباه کارگزاران را اعلام می‌کنند باید احساس امنیت کنند و از بیان خطاهای مقامات نهراسند.

۲. **وجود منبع قضاوت بی‌طرف:** باید نهاد بی‌طرفی وجود داشته باشد که میان مردم و کارگزاران قضاوت کند.

۳. **وجود قوانین مناسب:** برای برخورد با کارگزاری که بر اشتباه خود اصرار می‌ورزند.

۴. **وجود فرایندی برای تصمیم‌گیری جمعی (رفراندوم):** در خصوص بعضی امور به طور سالم و بدون فشار و خرید رأی و

۵. وجود فرهنگ پذیرش رأی اکثریت؛

۶. وجود فرهنگ جمع‌گرایی و ترجیح منافع ملی بر منافع فردی؛

۷. تقدس‌ناشتن هیچ چیز جز انسان و کمال غایی وی که رسیدن به خدا است؛

۸. شفافیت.

تاریخ گواه است که حتی وزرای پادشاهان توان انتقاد از شاهان را نداشتند و وزیران زیادی به خاطر انتقاد جان و یا موقعیت خود را از دست دادند. وقتی وزیر توان انتقاد ندارد آیا مردمی که

پشتوانه‌ای ندارند می‌توانند از حاکمان انتقاد کنند؟ در چنین نظامی شاه هر تصمیمی بگیرد به عنوان ظل‌الله مقدس است.

وقتی نظام مناسبی ایجاد شود که فرد در آن نظام نتیجه تلاش خود را ببیند. در این نظام باید با کسی که از حد خود تجاوز می‌کند و فساد ایجاد می‌کند برخورد شود تا کسان دیگر جرأت انجام این کار را نداشته باشند.

حضرت علی^{علیه‌السلام} در نامه‌ای به مالک اشتر زمانی که به فرمانداری مصر منصوب می‌شود نسبت به کارگزاران خائن چنین دستور می‌دهند:

اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش بازرسان تو هم آن خیانت را تأیید کردند، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه را که از اموال در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار و خیانت کار بشمار و قلاده بدنامی به گردنش بیفکن (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

هنگامی که امیر مؤمنان علی^{علیه‌السلام} از خیانت ابن هرمة که مأمور بازار اهواز بود اطلاع پیدا کرد، به رفاعه حاکم اهواز نامه‌ای به شرح زیر نوشت:

وقتی که نامه‌ام به دست رسید، فوراً ابن هرمة را از مسئولیت بازار عزل کن؛ به خاطر حقوق مردم، او را زندانی کن و همه را از این کار با خبر نما تا اگر شکایتی دارند، بگویند. این حکم را به همه کارمندان زیر دستت، گزارش کن تا نظر مرا بدانند. در این کار، نسبت به ابن هرمة نباید غفلت و کوتاهی شود و الا نزد خدا هلاک خواهی شد و من هم به بدترین وجه تو را از کار برکنار می‌کنم و تو را به خدا پناه می‌دهم از این که در این کار، کوتاهی کنی.

ای رفاعه! روزهای جمعه، او را از زندان خارج کن و سی و پنجاه تازیانه بر او بزن و او را در بازار بگردان؛ پس اگر کسی از او شکایتی با شاهد آورد، او و شاهدش را قسم بده؛ آن وقت، حق او را از مال ابن هرمة بپرداز، سپس دست بسته و با خواری او را به زندان برگردان و برپایش زنجیر بزن؛ فقط هنگام نماز زنجیر را از پایش درآور و اگر برای او خوردنی و نوشیدنی و یا پوشیدنی آوردند، مانع نشو و به کسی هم اجازه نده که بر او داخل شود و راه مخاصمه و طریق نجات را به او بیاموزد و اگر به تو گزارش رسید که کسی در زندان چیزی به او یاد داده است که مسلمانی از آن ضرر می‌بیند آن کس را، می‌زنی و زندانی می‌کنی تا توبه کند و از عمل خود پشیمان شود.

ای رفاعه! همه زندانیان را برای تفریح به حیاط زندان بیاور غیر از ابن هرمة را، مگر آن که برای جانش، بیمناک باشی که در این صورت او را با زندانیان دیگر به صحن زندان می‌آوری؛ اگر قدرت بدنی دارد هر سی روز، سی و پنج شلاق بر بدنش می‌زنی و قضیه را برای من بنویس و نام جانشین او را هم گزارش کن و حقوقش را قطع کن (قاضی نعمان ۱۳۸۳ق، ص ۵۳۲-۵۳۳).

امر به معروف و نهی از منکر در حجاب

انسان از لذت‌های دیداری تا زمانی می‌تواند استفاده کند که به آخرت و سرای ابدیش لطمه نخورد و این موضوع در چند حالت اتفاق می‌افتد.

۱. **هنگامی که باعث غفلت انسان می‌شود:** انسان برای آخرت آفریده شده است و حیات واقعی، زندگی آخرت است. ذکر نیز مایه حیات انسان است و غفلت باعث کوری و کوری دل انسان می‌شود. انسان باید از لذت‌ها طوری استفاده نکند که او را به غفلت وادارد و قلبش را سیاه و تاریک کند.

۲. **زمانی که برای تفاخر استفاده می‌شود:** «اساس و ریشه فتنه و فساد در جوامع بشری همانا تفاخر و اظهار برتری بر دیگران است و چنانچه این رذیله از بشر رخت بر بندد اساس صلح و سازش و صفا در اجتماع بشری پایه‌گذاری می‌شود» (حسینی همدانی ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۰۳). خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، آیه ۱۳).

ما شما مردم را از یک پدر و یک مادر آفریدیم، همه شما از آن دو تن منتشر شده‌اید، چه سفیدتان و چه سیاهتان، چه عربتان و چه عجمتان و ما شما را به صورت شعبه‌ها و قبیله‌های مختلف قرار دادیم، نه برای این که طائفه‌ای از شما بر سایرین برتری و کرامت داشت بلکه فقط برای این که یکدیگر را بشناسید و امر اجتماعتان و مواصلات و معاملاتتان بهتر انجام گیرد چون اگر فرض شود که مردم همگی یک جور و یک شکل باشند و نتیجتاً یکدیگر را نشناسند، رشته اجتماع از هم می‌گسلد و انسانیت فانی می‌شود. پس غرض از این که مردم را شعبه شعبه و قبیله قبیله کرد این بود، نه این که به یکدیگر تفاخر کنند، تفاخر به انساب، و تفاخر به پدران و مادران (طباطبایی ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۴۸۹)

۳. **زمانی که طبیعت انسان تحریک شود:** در انسان چون نیاز به چیزی پیدا شود، علایم آن نیز آشکار می‌شود و انسان اقدام به رفع آن نیاز می‌کند. وقتی انرژی بدن کم می‌شود، احساس گرسنگی می‌کند و چون آب بدنش کم شود، احساس تشنگی می‌کند و اگر غذا بخورد گرسنگی و چون آب بنوشد تشنگیش رفع می‌شود. اگر بیشتر از نیاز آب بنوشد و غذا بخورد دچار ناراحتی‌های جسمی می‌شود. حال اگر انسان به صورت غیرطبیعی در خود احساس نیاز به خوردن و آشامیدن ایجاد کند، زیاده‌تر از حد معمول می‌خورد و می‌آشامد و باعث مریضی فرد می‌شود. این امر در همه قوای انسان مثل قوه جنسی نیز صحیح است. اگر انسان به طور طبیعی تحریک شود و آمیزش جنسی داشته باشد، آن قوه از راه اصلیش ارضا شده است؛ اما اگر با تحریک، نیاز جنسی انسان تحریک شود، انسان دچار مشکلاتی خواهد شد؛ بنابراین هر کجا که طبیعت انسان تحریک شود به خصوص اگر دسترسی به حلال برای ارضا نباشد، استفاده از لذت‌های دیداری

ممنوع است. حتی زمانی که دسترسی به حلال هست، تحریک طبیعت در موارد زیادی صحیح نیست. به این دلیل است که خداوند به مؤمنان چه زن و چه مرد دستور داده است که چشم فروبندند و زنان را دستور داده است زینت‌های خود را بپوشانند (نور، ۳۰ - ۳۱).

دلایل تشریح حکم حجاب

خداوند به مردان و زنان مؤمن، دستور می‌دهد که چشم فرو بندند. از طرفی، به زنان دستور می‌دهد که خود را بپوشانند. علت این امر چیست؟ برای پی بردن به علت این حکم باید به شأن نزول آیه توجه کرد. جوانی از انصار در کوچه‌های مدینه به زنی برخورد که می‌آمد - در آن ایام زنان مقنعه خود را پشت گوش می‌انداختند - وقتی زن از آن جوان گذشت؛ جوان زن را تعقیب کرد و از پشت، او را می‌نگریست تا داخل کوچه تنگی رفت و در آن جا استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود به صورت مرد گیر کرد و آن را بشکافت. همین که زن از نظرش غایب شد، متوجه شد که خون به سینه و لباسش می‌ریزد. با خود گفت: به خدا سوگند نزد رسول خدا^(ص) می‌روم و جریان را به او خبر می‌دهم. جوان نزد آن جناب شد و رسول خدا^(ص) چون او را بدید پرسید: چه شده است؟ جوان جریان را گفت. جبرئیل نازل شد و آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور را آورد» (طباطبایی ۱۳۷۶، ج ۱۵، ص ۱۶۱). پس حکمت و فلسفه حجاب و نگاه نکردن به نامحرم را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱. **تحریک نکردن دیگران:** قوای حیوانی در اثر ظهور صورت‌های علمی تحریک شده و شوق انجام فعل در انسان ایجاد می‌شود. شاید تجربه کرده باشید هنگامی که سیرید، اگر غذای مطبوعی را دیده باشید یا بوی آن به مشامتان خورده باشد، با این که سیر بوده‌اید هوس خوردن می‌کنید. شهوت انسان نیز چنین است با دیدن تصاویر و صحنه‌های محرک، قوای جنسی انسان به فعالیت افتاده و انسان نیز باید پاسخ مناسبی به آن بدهد. اگر از راه شرعی ارضاء نشود یا باید تحمل کرد یا به گناه افتاد. تحمل کردن نیز توان می‌خواهد و همه انسان‌ها چنین تحملی ندارند. از این روی به گناه آلوده می‌شوند. تازه اگر این قوه و هر قوه دیگر در انسان، زیاد سرکوب شود ایجاد عقده کرده و به‌صور مختلف بروز می‌کند. برای جلوگیری از عدم تحریک شهوت انسان به‌صورت غیرطبیعی خداوند مردان و زنان مؤمن را امر فرموده که چشمان خود را بسته و فروج خود را حفظ کنند. علاوه بر آن زنان را امر به پوشیدن کرده است.

۲. **علامت عفت زن:** عفاف و پاکدامنی به عنوان یک حالت نفسانی یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن، نبودن جزء آن دسته از افرادی که تا در مقابل یک شهوت قرار می‌گیرند بی‌اختیار می‌شوند و محکوم غریزه خود هستند نبودن (مطهری بی‌تا، ج ۲۲، ص ۶۱۵). حجاب علامت عفت زن است. بدین وسیله به

مردان می‌گوید: «من عقیف هستم و کاری به من نداشته باشید». خداوند در قرآن کریم به این دلیل اشاره می‌کند: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (احزاب، ۵۹). البته عفت رفتار خاصی از طرف زن است و پوشش یکی از لوازم عفت است. ممکن است زنی پوشش داشته باشد لیکن رفتارش طوری باشد که عفت نداشته باشد. عفت فقط برای زن نیست؛ مرد نیز باید عفت داشته باشد. داستان یوسف داستان عفت مرد است که باید الگوی مردان باشد.

۳. عشق مرد به زن: می‌گویند: مشتاقی مایه مهجوری است. این صحیح است اما عکس آن هم صحیح است که: مهجوری مایه مشتاقی است. امروز یکی از خلأهایی که در دنیای اروپا و امریکا وجود دارد خلأ عشق است. در کلمات دانشمندان اروپایی این نکته زیاد به چشم می‌خورد که اولین قربانی آزادی و بی بند و باری امروز زنان و مردان، عشق و شور و احساسات بسیار شدید و عالی است. در جهان امروز هرگز عشق‌هایی از نوع عشق‌های شرقی از قبیل عشق‌های لیلی و مجنون، و خسرو و شیرین رشد و نمو نمی‌کند. از این داستان‌ها می‌توان فهمید که زن بر اثر دور نگه داشتن خود از دسترسی مرد تا کجا پایه خود را بالا برده است و تا چه حد سر نیاز مرد را به آستان خود فروود آورده است! به یقین درک این حقیقت توسط زن تأثیر فراوانی در تمایل او به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز، داشته است (مطهری بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۲۷).

مولوی زن و مرد را به آب و آتش تشبیه می‌کند. اگر بین آب و آتش حائل باشد، آتش آب را به آسمان عروج می‌دهد اما اگر حائل از میان برداشته شود، آب آتش را خاموش می‌کند. اگر بین زن و مرد حجاب باشد، عشق بین آنان ایجاد می‌شود؛ زیرا هر کس جفت خود را می‌طلبد و با او آرامش می‌گیرد. اگر هر کس برایش دردسترس باشد، عطش و کششی ایجاد نمی‌شود. چون عشق ایجاد شد، ایثار هم که بالاترین و والاترین خصلت انسانی است در انسان بروز می‌کند و این امر انسان را به آسمان سوق می‌دهد (مولوی ۱۳۸۷، دفتر اول، ص ۱۰۹ - ۱۱۰).

۴. امتحان انسان: عده‌ای با دلایل سخیف، دستور حجاب و نگاه را توجیه و تفسیر کرده تا شاید بر مذاق اربابان شیطانی آن‌ها خوش آید حال آن‌که دو دستور فوق آیه صریح قرآن و دستور حضرت حق جلّ جلاله به مؤمنان است و بدون توجه به مصالح آن باید اطاعت شود. در ذبح اسماعیل عقل بشر چه مصلحتی را تصور می‌کند تا چنین فرمانی را اطاعت کند. یا رها کردن زن و بچه‌ای شیرخواره در بیابانی بی‌آب و علف را چگونه می‌پذیرد. حال آن‌که ابراهیم خلیل فرزندی را که در اواخر عمر، خداوند به او عطا کرده بود در صحرایی بی‌آب و علف با مادرش تنها می‌گذارد و هنگامی که اسماعیلش بزرگ می‌شود تیغ بر گلویش می‌گذارد. جالب است در این حال اسماعیل بیان می‌دارد دستور خدا را اجرا کن که مرا انشاءالله از صابران خواهی یافت. فَلَمَّا

بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (صافات، ۱۰۲).

حد پوشش

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامَحْرَمَ بپوشاند اگرچه کمک به حرام و قصد لذتی در بین نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که از پسر غیر بالغ که خوب و بد را می فهمد نیز خود را بپوشاند (خمینی، بهار ۱۳۸۱، ص. مسئله ۲۴۳۵) و همچنین احتیاط واجب آن است که مرد هم بدن خود را از زن نامَحْرَمَ بپوشاند اگرچه کمک بر حرام نباشد و اگر کمک بر حرام باشد پوشاندن بدن به طور قطع واجب است، همان طور که پوشاندن عورت از زن نامَحْرَمَ واجب است و نیز احتیاط واجب آن است که مرد بدن خود را از دختر نامحرمی که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می فهمد بپوشاند، اگرچه قصد لذتی در بین نباشد (بهبخت ۱۳۷۷، باب ازدواج، مسئله ۳۳۴).

احکام نگاه کردن

احکام نگاه مرد به زن و بالعکس به طور خلاصه به شرح زیر است:

- ✓ «نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است» (خمینی بهار ۱۳۸۱، مسئله ۲۴۳۳) (بهبخت ۱۳۷۷، مسئله ۳۲۸) (حسینی شاهرودی بی تا، مسئله ۲۴۴۱).
- ✓ «نگاه کردن مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم اگر به قصد لذت باشد حرام است ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد» (خمینی بهار ۱۳۸۱، مسئله ۲۴۳۳) (بهبخت ۱۳۷۷، مسئله ۳۲۸) (حسینی شاهرودی بی تا، مسئله ۲۴۴۱).
- ✓ «نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است» (خمینی بهار ۱۳۸۱، مسئله ۲۴۳۳) (حسینی شاهرودی بی تا، مسئله ۲۴۴۱). بعضی نیز می گویند: «جواز نگاه کردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که اغلب باز است، مثل سر، خالی از وجه نیست مگر این که این نگاه کردن کمک به معصیت باشد» (بهبخت ۱۳۷۷، مسئله ۳۳۰).
- ✓ «نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم به طور معمول می پوشانند نگاه نکند» (خمینی بهار ۱۳۸۱، مسئله ۲۴۳۳) (بهبخت ۱۳۷۷، مسئله ۳۲۸) (حسینی شاهرودی بی تا، مسئله ۲۴۴۱).
- ✓ «دست زدن مرد به بدن زن نامحرم یا دست زدن زن به بدن مرد نامحرم مثل نگاه کردن حرام است و دست زدن مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم و بالعکس نیز بنابر اظهر، جایز نیست» (بهبخت ۱۳۷۷، مسئله ۳۳۱).

تطبیق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بر مسئله حجاب

بر اساس آنچه گفته شد در ادامه شرایط امر به معروف و نهی از منکر بر حجاب تطبیق داده می‌شود.

به نظر بسیاری از فقها حجاب امر واجبی است و بی‌حجابی از گناهان است. فرد بی‌حجاب نیز گناه را به صورت آشکار انجام می‌دهد و اصرار بر آن هم دارد. پس امر به معروف و نهی از منکر در این خصوص واجب است. اما تا چه حد می‌توان در خصوص حجاب امر به معروف و نهی از منکر کرد. نخست آن که بی‌حجابی از لحاظ تأثیر تنها بر فاعل آن تأثیر دارد و اگر هم بر دیگران تأثیر داشته باشد با اراده فرد است و همچنین برای انجام ندادن آن تنها تقوای فردی نیاز است. پس امر به معروف و نهی از منکر محدود به امر به معروف زبانی می‌شود.

در دین اسلام و مذهب تشیع اصول دین عبارتند از: توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت. فروع دین احکام عملی اسلام است که یک مسلمان وظیفه دارد به آن‌ها عمل کند. فروع دین اسلام از نظر مذهب شیعه امامیه عبارت‌اند از: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تَوَلّی و تَبَرّی. حجاب حتی جزء فروع دین هم نیست. اصل دین برای قبول پنج و برای اجرا در جامعه عدالت است.

بی‌حجابی حتی اگر جزء گناهان باشد جزء گناهان صغیره است. شهید دست‌غیب در اثر گرانسنگ خود آن را جزء گناهان کبیره نمی‌داند (دستغیب ۱۳۹۷). اگر همان طور که امام در خصوص اولویت‌بندی امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید عمل شود گناهان اجتماعی که اعتماد اجتماعی را از بین می‌برد مثل کم‌فروشی باید اولویت داد. این که حجاب پاشنه آشیل دین می‌شود قراردادن فرع فرع به جای اصول است.

علاوه بر آن امر به معروف و نهی از منکر عملی در خصوص حجاب باعث وهن دین می‌شود. امروز با وجود فناوری‌های دیجیتال و ارتباطی هر عمل انسان ضبط و پخش می‌شود. کلیپ‌هایی که از دستگیری زنان پخش می‌شود صحنه بدی را به تصویر می‌کشد. در بعضی از آن‌ها مردان نیروی انتظامی بدن زن را لمس و او را می‌کشند و کمرش نمایان می‌شود. تا قبل از این فقط موهایش پیدا بود و با این برخورد نیم‌تنه او نمایان می‌شود. پخش این کلیپ‌ها باعث وهن دین است و به فتوای حضرت امام خمینی (ره) هر امری که باعث وهن دین شود نباید انجام شود.

علاوه بر آن یکی از شرایط امر به معروف احتمال تأثیر است. لازم است متولیان امر بررسی کنند با این برخوردها چه مقدار تأثیر مثبت داشته است؟ تا آنجایی که شواهد نشان می‌دهد این نوع برخوردها نتیجه عکس می‌دهد.

از همه این‌ها که بگذریم حجاب بین فقها اختلافی است. امروز علمایی مانند احمدی حجاب

را امری عرفی می‌دانند نه امری شرعی. ایشان دو استدلال دارند. نخست آن که آیه حجاب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور می‌دهد که به مؤمنان ابلاغ کند که چشم فروبندند و حجاب داشته باشند. اگر امر شرعی بود خود خداوند مانند امور دیگر به طور مستقیم دستور می‌داد. دوم آن که آیه حجاب دستور به مؤمنان است و نه همه مردم. در جامعه اسلامی زنان اهل کتاب، بردگان و ... وجود داشتند و با این آیه نمی‌توان وجوب حجاب را برای افراد دیگر اثبات کرد. چون این امر اختلافی است به فتوای امام خمینی (ره) که گذشت نمی‌توان در خصوص حجاب امر به معروف و نهی از منکر کرد.

در مدینه و در جامعه اسلامی افراد مختلفی زندگی می‌کردند که حجابشان اسلامی نبود. نگارنده در سیره ائمه موردی برای تذکر مشاهده نکرد.

افرادی که در مسئله حجاب فراتر از تذکر زبانی اقدام می‌کنند دو دلیل ذکر می‌کنند: نخست آن که حجاب را امری اجتماعی می‌انند و در میان فلسفه‌های چهارگانه که برای حجاب بیان شد به فلسفه عدم تحریک دیگران قائل هستند و فساد را ناشی از شل‌حجایی یا بی‌حجایی می‌دانند. اما باید دقت کرد که غریزه جنسی در انسان هست و امور بیرونی ممکن است آن را تحریک کند؛ اما هیچ‌گاه انسان را به حد اجبار نمی‌رساند. یکی از فلسفه‌های حجاب همان‌طور که ذکر شد کشش بین زن و مرد است که شهید مطهری هم به آن اشاره می‌کند. اگر این فلسفه حجاب را بپذیریم در تضاد با فلسفه نخست است و قائلان فلسفه نخست باید با آن مبارزه کنند. دوم آن که حجاب حکم الهی است و باید اجرا شود. باید گفت احکام الهی فراوانی وجود دارد که از حجاب اهمیت بیشتری دارند و باید به آن دقت کرد.

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات دین است که خداوند از زبان پیامبرانش بر کسانی که آن را ترک کرده‌اند لعنت فرستاده است. این فریضه باعث قوام اجتماع و صلاح جامعه است. بنابراین بر هر مسلمان واجب است که احکام و شرایط آن را یاد بگیرد تا به حقوق دیگران تجاوز نکند.

برای این که امر به معروف و نهی از منکر درست اجرا شود لازم است به اهداف آن که همان اهداف بعثت پیامبران است توجه شود. ۱. دعوت به خداپرستی و پرهیز از پرستش طاغوت، ۲. تعلیم کتاب و آموزش حکمت، ۳. برپایی عدل و قسط، ۴. نجات از تاریکی‌ها، ۵. تکامل عقل، ۶. تعالی اخلاق، ۷. دآوری در اختلاف‌های مردم، ۸. آزادی انسان، ۹. قوه قهریه تنها برای برپایی عدل و قسط مجاز است. جز در برپایی قسط و عدل در هیچ کدام از موارد مذکور فقط دعوت زبانی و آموزش این اهداف را محقق می‌کند.

هر کسی اجازه امر به معروف و نهی از منکر کردن ندارد. شرایط فردی امر به معروف و نهی از منکر کننده عبارت است از: ۱. بی‌حس در امور شخصی، ۲. حساس در امور اجتماعی، ۳. دارای انگیزه الهی، ۴. دارای انگیزه رحمت و ۵. دارای بصیرت. بنابراین برای این که انسان این فریضه را به‌جای بیاورد لازم است نخست آموزش ببیند و یاد بگیرد تا معروف و منکر را درست بشناسد و سپس به خودسازی بپردازد تا عملش نتیجه عکس ندهد.

همچنین هر گناهی را نمی‌توان امر به معروف و نهی از منکر کرد. شرایط گناه نیز عبارت است از: به‌صورت آشکار و فاعل اصرار بر گناه داشته باشد. علاوه بر آن در گناهایی که تأثیر بر دیگران بدون اراده آن‌ها می‌گذارد یا برای مرتکب‌نشدن آن به تقوای جمعی نیاز است اعمال زور جایز و در بقیه امر به معروف و نهی از منکر زبانی کافی است.

در امر به معروف و نهی از منکر باید به شرایط آن دقت کرد تا نتیجه مطلوب حاصل شود. شرایط اجرای امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از: عدم وهن دین، احتمال تأثیر و به‌خطر نیفتادن جان انسان. هر عملی از انسان حتی امر به معروف و نهی از منکر که باعث وهن دین است باید ترک شود. زیرا هدف آن است که انسان به طریق حق هدایت شود و عملی که باعث وهن دین شود باعث گمراهی مردم می‌شود. بسته به اهمیت موضوع نباید در انجام این فریضه جان انسان به‌خطر بیفتد؛ مگر آن که موضوع دارای اهمیت زیاد باشد.

برای اجرای قسط و عدل لوازمی نیاز است که عبارتند از: ۱. وجود قوانین مناسب، ۲. اجرای بدون ملاحظه قانون، ۳. دسترسی آسان به محاکم قضایی، ۴. شفافیت و ۵. وجود نظام‌های نظارتی مناسب. بدون تحقق موارد مذکور عملاً اجرای قسط و عدل میسر نیست. وظیفه حاکمان

در مرحله نخست آن است که این شرایط را فراهم کنند.

در خصوص حجاب به چند دلیل نباید از امر به معروف و نهی از منکر زبانی فراتر رفت: حجاب اولویت نیست؛ جزء گناهان فی نفسه صغیره است؛ باعث وهن دین است؛ احتمال تأثیر ندارد؛ امر اختلافی بین فقها است و سیره پیامبر و ائمه برخورد فیزیکی مشاهده نشد. در نتیجه در بسیاری از عملکردها در حوزه امر به معروف و نهی از منکر باید تجدید نظر کرد.

نکته آخر آن که باید در امر به معروف و نهی از منکر دقت کرد. اگر در جلوگیری از منکر، از مقدار لازم تجاوز کند و به ضرری بر فاعل منکر منجر شود ضامن می باشد؛ و تجاوزش حرام است (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص، ۵۴۶).

فهرست منابع

- قرآن مجید.
۱. اقدسی، فاطمه. (۱۳۹۸) واکنش زنان به سیاست‌های امر به معروف در حوزه حجاب: مطالعه کیفی تهران. رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
 ۲. بهجت، محمد تقی. (۱۳۷۷) توضیح المسائل. چاپ شانزدهم، قم: مکتب سماحہ آیة الله العظمی بهجت.
 ۳. پارسانی، حمید. (۱۳۸۹) حدیث پیمانہ: پژوهشی در انقلاب اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
 ۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱) وحی و نبوت در قرآن. قم: اسراء.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق) وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۶. حسینی بهشتی، سید محمد حسین. (۱۴۰۱) مجموعه آثار کامل (۳۵ جلدی). تهران: نیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
 ۷. حسینی شاهرودی، سید محمد. (۱۳۹۲) رساله توضیح المسائل. بی‌تا.
<http://www.shahrudi.com>
 ۸. حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ ق) انوار درخشان. تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی.
 ۹. خمینی، روح الله. (۱۳۷۶) تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۱۰. —. (۱۳۸۱) رساله توضیح المسائل. چاپ چهاردهم، تهران: پیام عدالت.
 ۱۱. دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۹۷) گناهان کبیره. چاپ ۱۴۷، قم: انتشارات دارالصادق.
 ۱۲. رجایی، حسین. (۱۳۹۸) “اولویت‌بندی در امر به معروف؛ مطالعه موردی الزام حکومتی به حجاب.” فقه اهل بیت ۲۵، شماره ۹۷.
 ۱۳. رضایی، محمد رضا. (۱۴۰۰) “وش‌شناسی تعامل حکومت و مردم در اجرای امر به معروف.” پژوهش‌های فقهی ۸، شماره ۴.
 ۱۴. رضوانی، مریم. (۱۴۰۰) تأثیر اجرای نهی از منکر بر حضور اجتماعی زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس.
 ۱۵. رفیعی، محمدرضا. (۱۳۹۳) احمد مرکز مالگیری، و سید شهاب‌الدین موسوی‌زاده. راه کارهای کاهش دعاوی. گزارش طرح پژوهشی، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه.
 ۱۶. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
 ۱۷. سلیمی، علی، و محمد داوری. (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی کجروی: مجموعه مطالعات کجروی و

- کنترل اجتماعی - کتاب اول. ویراست دوم. چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق) الدرالمثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۹. شریعتی، سارا. (۱۳۹۵) "امر به معروف به مثابه کنش سیاسی: مطالعه موردی حجاب." فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران ۱۰، شماره ۳.
۲۰. —. (۱۳۸۷) دین و جامعه: جامعه‌شناسی ادیان. تهران: کویر.
۲۱. ضمیری، عبدالحسین، و رضا نصیری حامد. (۱۳۸۹) "حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن." پژوهشنامه، شماره ۵۲.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۶) تفسیر المیزان. چاپ پنجم، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۲۳. —. (بی تا) نه‌ایه الحکمه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق) مکارم الأخلاق. قم: شریف رضی.
۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق) تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
۲۶. علوی، زهرا، و روح الله موسوی. (۱۴۰۲) "بررسی شرط 'عدم مفسده' در نهی از منکر با تطبیق بر مسئله حجاب." پژوهش‌های فقهی ۱۰، شماره ۱.
۲۷. عین‌القضاء همدانی، عبدالله بن محمد. (بی تا) تمهیدات. تصحیح، تحشیه و تعلیق: عقیف عسیران، تهران: منوچهری.
۲۸. فلاحی، علی. (۱۴۰۱) فراتحلیل مطالعات حجاب در ایران (۱۳۹۰-۱۴۰۰). طرح پژوهشی، تهران: پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا.
۲۹. قاضی نعمان، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۳ق) دعائم الإسلام. تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، چاپ دوم، قاهره: دار المعارف.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵) اصول کافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق) بحار الانوار. محقق و مصحح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۲. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین. (۱۳۷۴) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. با ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۷) اخلاق در قرآن، سلسله درس‌های استاد محمد تقی مصباح یزدی. تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، چاپ هشتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲) آینده انقلاب اسلامی ایران. صدرا.

۳۵. —. (بی تا) مجموعه آثار. چاپ هفتم. جلد ۶ در لوح فشرده مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم: مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی.
۳۶. —. (۱۴۰۱) مسئله حجاب. چاپ ۴۴، تهران: صدرا.
۳۷. —. (۱۳۸۷) یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: صدرا.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴) تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. مهدوی نور، سید حاتم. (۱۳۹۵) «اقتصاد خصوصی یا دولتی در اسلام.
۴۰. مهرجردی، محمد زارع. (۱۴۰۱) «تحلیل فقهی شرایط تأثیر در نهی از منکر با محوریت مسائل اجتماعی معاصر». فقه اهل بیت ۲۸، شماره ۱۱۰.
۴۱. موسوی زاده مرکیه، سید شهاب الدین. (۱۳۹۶) «در انتظار قانون‌گرایی: تحلیل متنی نظریه حاکمیت قانون در ایران». فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۹۲.
۴۲. مولوی، جلال الدین محمد بلخی. (۱۳۸۷) مثنوی معنوی. تصحیح: رینولدالین نیکلسون، چاپ دوم، تهران: کارون.
۴۳. نجفی، محمد حسن. (۱۳۹۲) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. چاپ دوم، قم: فتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

44. Dragos, Dacian C., Polonca Kovač, and Albert T. Marseille, . (2019) The Laws of Transparency in Action: A European Perspective. IIAS Series: Governance and Public Management.

45. Pozen, David E., and Michael Schudson, . (2018) Troubling Transparency: The History and Future of Freedom of Information. New York: Columbia University Press.

46. Waldron, Jeremy. (2016) "The Rule of Law." The Stanford Encyclopedia of Philosophy. Edited by Zalta Edward N.

<https://plato.stanford.edu/archives/fall2016/entries/rule-of-law>

بهبود امنیت اجتماعی با الگوی سلسه مراتبی حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی

^۱ مهدی مهری

^۲ نسرين مهرا

^۳ علی محمد مهدوی ثابت

^۴ قاسم قاسمی

چکیده

امنیت اجتماعی مفهومی چند وجهی و یک ضرورت برای استمرار هویت اجتماع است. امنیت اجتماعی علاوه بر اینکه به حفظ جان و مال افراد نظر دارد؛ در بر گیرنده تضمین حقوق اساسی، اجتماعی و اقتصادی افراد و جامعه به طور کلی نیز هست. امنیت اجتماعی همواره به عنوان یکی از اهداف اصلی هر جامعه و دولتها مطرح و تضمین آن، اساسی ترین وظیفه دولت نسبت به شهروندان است. در این راستا، این پژوهش با هدف ارائه الگوی سلسله مراتبی حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی به انجام رسید. برای دستیابی به هدف پژوهش از روش آمیخته (کیفی- کمی) استفاده شد. در بخش کیفی جهت استخراج مولفه های الگوی پژوهش از تحلیل محتوا مصاحبه با ۲۱ خبره بهره گرفته شد. سپس، در بخش کمی برای دستیابی به الگو پژوهش و تکمیل ماتریس خود تعاملی نیز از نظرات ۱۴ برگزیده از خبرگان بخش کیفی که با تکمیل کردن ماتریس خود تعاملی آشنایی داشتند بهره گرفته شد. داده های بخش کمی پژوهش با روش مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) و به کمک نرم افزار ISM متلب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که در نهایت الگویی متشکل از ۱۰ سطح حاصل شد.

واژگان کلیدی

امنیت، امنیت اجتماعی، آزادی، آزادی های اساسی، حمایت کیفری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Mehdi9962@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: N_Mehra@sbu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: ali@mahdavi.fr

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: gh.ghasemi@srbiau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۳

طرح مسأله

امنیت یکی از بدیهی‌ترین نیازهای بشر به شمار می‌رود، به‌طوری‌که با زوال آن آرامش خاطر از انسان سلب می‌شود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد.^۱ امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و جوامع، اولویت نخست خود را به برقراری امنیت در جامعه اختصاص می‌دهند. امنیت پدیده‌ای چندبُعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر است. الین می‌گوید: اگر مردم از فضایی به دلیل راحت نبودن و یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است.^۲ (افشانی و فرقانی، ۱۳۹۶: ۱۷۴). واژه امنیت از ریشه امن، ایمان و ایمنی گرفته شده که به معنی آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است. در کتب لغت به معانی اطمینان و آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است، ایمن شدن و در امان بودن و بی‌بیمی (معین، ۱۳۶۳، ۳۵۲) ایمنی، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۹۳، ۲۳۳) به کاربرده شده است. به عبارت دیگر امنیت به فقدان خوف تفسیر، تعریف و ترجمه شده است. بیشتر نویسندگان معتقدند که امنیت، مفهومی مورد اختلاف است. امنیت در لغت به معنای مصون بودن از هرگونه تهدید و تعرض است. امنیت منحصر به امنیت جانی نیست، بلکه دارای مصادیق مختلفی است که می‌توان در این خصوص به امنیت فردی، جانی، مالی، اجتماعی و ملی اشاره کرد (آقای و تیمورتاش، ۱۳۸۹: ۶). با توجه به اینکه امنیت اجتماعی تمامی زوایا و سطوح زندگی را تحت تأثیر قرار داده و به‌عنوان یکی از نیازهای اولیه باوجود شکل‌گیری در یک بستر عینی اساساً یک پدیده ذهنی بوده و بر اساس فرآیندهای خاص این حوزه شکل می‌گیرد. مقوله امنیت اجتماعی یکی از مسائل بسیار مهم در نظام قضایی همه کشورهای جهان است. امنیت اجتماعی که دارای شرایط ساختاری و الگوهای کنشی در جامعه است، به‌عنوان پدیده‌ای در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، موردتوجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و در صورت تحقق نیافتن، مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب نظم اجتماعی و توسعه جامعه خواهد شد. از آنجاکه توسعه و بهبود حیات اجتماعی انسان دارای دو بُعد ارزشی - هنجاری و اثباتی - واقعی است، امنیت اجتماعی از بُعد ارزشی و هنجاری برای رسیدن به اهداف و کمال مطلوب جامعه و همچنین از بُعد اثباتی و واقعی در راستای مقدرات و محدودیت‌های موجود بر راه رسیدن به توسعه پایدار باید مورد مطالعه قرار

۱. فهیمه سمیرا پور، سادات سعادت یار و فاطمه بیطرف «رضایت از پلیس و بررسی نقش عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان»، مجله انتظام اجتماعی، سال ششم پاییز، شماره ۳ (۱۳۹۳): ۶۲

۲. افشانی، سید علیرضا و فرقانی، مهناز، (۱۳۹۶)، تفاوت بین نسلی احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۷۱، ۱۹۹-۱۷۳.

گیرد (عبدالهی، ۱۳۹۸: ۱۱). از طرفی دیگر هرچند امنیت، از نیازهای اساسی و غیرقابل انکار به شمار می‌آید، لکن امروزه بسیاری از کشورهای جهان در قانون اساسی‌شان امنیت را هم‌شأن با آزادی، به‌عنوان یک حق برای شهروندان خویش ذکر کرده‌اند؛ در اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً برابری و هم‌شأن بودن امنیت و آزادی تصریح شده است. بحث آزادی از دیرباز مورد توجه بوده و اهمیت ذاتی آن به اشکال مختلف بیان شده است؛ اما بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی حکایت از آن دارد که این اصل مهم بنا به دلایل متعددی ازجمله ترجیحات اجتماعی یا منافع اقتصادی و حتی ضرورت‌های سیاسی نقض شده و در مقاطع طولانی‌ای از تاریخ بشری مشاهده‌گر نقض یا تحدید وسیع آزادی‌های مشروع افراد، جوامع یا گروه‌ها بوده است. در این میان، تمسک به ادله امنیتی، نقش و جایگاهی ویژه داشته است چراکه نزد برخی از نظریه‌پردازان یا سیاست‌مداران، تأمین، صیانت یا توسعه امنیت به‌عنوان دلیلی محکم برای تحدید یا حتی نفی آزادی دانسته شده است. وضوح این باور تا بدان جا است که واقع‌گرایان بر تقدم ذاتی امنیت بر سایر فضایل اجتماعی و از آن جمله آزادی، تأکید ورزیده و فضایل را تابعی از امنیت دانسته‌اند. در مقابل، آرمان‌گرایان براین اعتقادند که امکان نیل به امنیت واقعی و پایدار جز از طریق تأمین آزادی وجود ندارد (افتخاری، ۱۳۹۳: ۸۴). قانون‌گذار در کشور ما برای دستیابی و تحقق امنیت اجتماعی، در قوانین عادی این حقوق را حمایت و تضمین کرده است. یکی از جلوه‌های این حمایت، جرم‌انگاری نقض قوانین از سوی شهروندان و مأموران حکومتی است. بی‌شک حمایت از آزادی شهروندان ضامن رسیدن به مردم‌سالاری و الزامات ناشی از حکمرانی مطلوب است. به‌عبارت دیگر از آنجائی که شهروندان در مقابل دولت و قدرت مطلق آن سلاخی ندارند تا بتوانند از تعدی به حقوق خود در بخش آزادی‌های اساسی دفاع کنند؛ شایسته است، بهترین و مؤثرترین شیوه تضمین آزادی‌های اساسی وجود داشته باشد. به این دلیل می‌بایست با حمایت‌های کیفری از آزادی‌های اساسی و جرم‌انگاری مصداقی موجبات جلوگیری از تعدی به آزادی شهروندان فراهم آید و ضعف سلاح دفاعی شهروند در برابر تجاوز دولت با امکان دادخواهی از یک دادگستری شایسته جبران شود تا دولت را از اعمال تجاوز کارانه نسبت به حقوق شهروندان بازدارد. ویژگی که در سایر انواع ضمانت اجراها یا موجود نیست، یا با این کیفیت عمل نمی‌کند (رحمدل، ۱۳۹۲: ۷۶). براین اساس، دستیابی به امنیت اجتماعی مطلوب با اتکا به حمایت‌های کیفری از آزادی‌های اساسی موضوعی نظری با ارزشی کاربردی و اجرایی است که می‌تواند در شکل‌گیری نوع خاصی از نظام سیاسی و طراحی راهبردهای ملی تأثیرگذار باشد. به همین دلیل شایسته پژوهش و تأمل است. این مسئله تاکنون توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود. اسمعیل پور و شریعت باقری (۱۳۹۳) به کاوش در مفهوم و جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی پرداختند. ایشان، گستره

مفهومی و حوزه شمول آزادی و حق امنیت شخصی را مورد بررسی قرار داده و به فراخور نیاز به آرای کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر مستند کردند. آنان، در پایان پژوهش خود به حق آزادی و امنیت شخصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اشاراتی کردند. فقیهی (۱۳۹۵) با نگاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نسبت سنجی مفهوم آزادی و اخلاق در حکومت دینی پرداخته است. وی با هدف تبیین نسبت میان آزادی و اخلاق در نظام اسلامی، در پی پاسخ به این پرسش است که در چارچوب تلقی اسلامی از آزادی، ارزش‌های اخلاقی از چه جایگاهی برخوردارند و چگونه اصول مربوط به آزادی فردی در کنار الزام دولت به حفظ ارزش‌های اخلاقی، قابل جمع است؟ وی معتقد است برداشت از آزادی در نظام اسلامی، وابسته به تعیین محتوای آن از طریق اصول و ارزش‌های اخلاقی است. حبیب نژاد و همکاران (۱۳۹۵) حمایت کیفری از حق‌های اساسی شهروندان در نظام حقوقی ایران را بررسی کرده‌اند. آنان با ذکر این مطلب که قانون‌گذار کیفری ایران در مسیر حمایت از حق‌های اساسی شیوه مطلوبی اتخاذ نکرده است، بیان می‌دارند که هنوز نقض برخی حق‌های اساسی فاقد تضمین‌های کیفری هستند. ایشان به دنبال بیان راهکارهای حمایت کیفری مطلوب از نقض حق‌های اساسی شهروندان و نیز نقد عملکرد قوانین کیفری موجود در این زمینه بودند. آنان راهکار مؤثر و صحیح در این زمینه را جرم انگاری نقض حق‌های اساسی شهروندان به‌طور عام از حیث مرتکبین و حق‌های اساسی و نیز تشدید مجازات در فرض ارتکاب جرم از سوی مأموران نهادهای حکومتی دانستند. ویژه و پویا (۱۳۹۷) اصول بنیادین اخلاق عمومی در تحدید حقوق و آزادی‌های فردی را بررسی کردند. بدین‌صورت که از میان تلاش‌ها و رویکردهای مختلف در تبیین مفهوم اخلاق عمومی، در پی تعریف و تبیین اصول بنیادینی برآمدند که اخلاق عمومی با تکیه بر آن‌ها می‌تواند واجد ظرفیت و صلاحیت تحدید حقوق و آزادی‌های فردی شود. نتایج پژوهش ایشان حاکی از این بود که در صورت تأمین اصول عمومیت، عقلانیت، خود آیینی، آزادی و تسامح می‌توان شکل‌گیری اخلاق عمومی را به‌صورت دموکراتیک، کارآمد و مؤثر تضمین کنند. دهقی و تهرانی (۱۳۹۸) حکومت‌های قانون اساسی گرا را مورد کاوش قرار دادند. آنان تلاش کردند که دسته‌بندی جدیدی از قوانین اساسی که با حقوق مدرن و قانون اساسی گرای سازگارتر است را ارائه دهند. یافته‌های این پژوهش دو دسته‌بندی مشتمل بر قانون اساسی لیبرال و قانون اساسی جمهوری گرا را پیشنهاد و تشریح می‌نماید. کبگانی و رستمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تضمینات اساسی حق‌ها و آزادی‌های بنیادین: واکاوی آیین دادخواهی اساسی در فرانسه و انگلستان» پس از بررسی ظرفیت‌های کلی دادرسی اساسی در حمایت از حق‌های اساسی و برشمردن مؤلفه‌های دادخواهی اساسی، با روش تطبیقی به شرح تحولات صورت پذیرفته در فرانسه (پس از بازنگری سال ۲۰۰۸ قانون اساسی) و انگلستان (پس از تصویب قانون حقوق بشر

در سال ۱۹۹۸) می پردازند. بررسی پژوهش های مذکور نشان داد که نویسندگان هر یک به صورت محدود و موردی به جایگاه آزادی، مفهوم آزادی، محتوای آزادی، جنبه حمایتی از آزادی و مطالعه تطبیقی تضمینات اساسی از حق ها و آزادی های بنیادین پرداخته اند. ایشان با استفاده از منابع نظری در اختیارشان و با تکیه بر نظرات خود به ارائه پیشنهادهایی نیز اقدام کرده اند. در این میان شاید نزدیک ترین مقاله به پژوهش حاضر، مقاله حبیب نژاد و همکاران (۱۳۹۵) بود که حمایت کیفری از حق های اساسی شهروندان در نظام حقوقی ایران را مورد مطالعه قرار دادند. در آن پژوهش با بررسی قوانین موجود به این نکته اشاره کرده است که مقررات فعلی به شایستگی نمی تواند تضمین گر و حامی حق های اساسی باشد. پژوهش موصوف هیچ الگو و راهبرد هدفمندی را برای تضمین آن حق ها ارائه نکرده است؛ بلکه صرفاً به بیان ضرورت جرم انگاری و در مواردی تشدید مجازات متعرضان به آزادی ها بسنده شده است؛ اما پژوهش حاضر ضمن تکیه بر ضرورت حمایت کیفری از آزادی های اساسی در تلاش است با بهره گیری از روشی علمی و قابل اتکا سازوکارها، سطح مواجهه، شدت و ضعف مصادیقی که می بایست برای تضمین آزادی های اساسی مورد توجه قانون گذار قرار گیرد را تبیین می کند. چراکه تاکنون به دلیل بدیهی بودن اعمال آزادی های اساسی به زمینه ها و بسترها، شرایط مداخله گر، پیامدها و راهبردهایی که آزادی ها اساسی را تضمین می کند توجه حمایتی نشده است. در این پژوهش با رویکرد حمایت کیفری از مبانی مذکور در جهت تضمین آزادی های اساسی به منظور بهبود امنیت اجتماعی کوشیده شده است. در حالی که در پژوهش هایی که سابقاً انجام گرفته اند صرفاً به صورت نظری و با بهره گیری از روش کتابخانه ای و بعضاً با رویکرد تطبیقی انجام شده اند. نکته قابل توجه اینکه پژوهش حاضر از منظر پیمایشی به مسئله نگریسته است. پژوهش پیمایشی حاضر برای بررسی مشکلات بر سر راه حمایت کیفری از آزادی های اساسی، شرایط واقعی و بومی ایران را در نظر می گیرد. همچنین در این مقاله، علاوه بر بهره گیری از مبانی نظری کتابخانه ای از ابزارهای روش پیمایشی همانند مصاحبه که در گردآوری اطلاعات از اعتبار مناسبی برخوردار هستند، استفاده شده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که روش پیمایشی امکان آزمودن متغیرهای مختلف (اطلاعات جمعیت شناختی، سبک شناختی، نگرش ها، انگیزه ها، مقاصد و غیره) را به محقق می دهد. در این پژوهش پس از تحلیل داده ها، الگوی سلسله مراتبی ای به دست می آید که نشان می دهد چگونه، در چه سطحی و به چه اندازه با شرایط علی، مقوله های محوری، شرایط زمینه ای، بسترهای حاکم، پیامدها و راهبردهایی که می بایست مورد عمل قرار گیرند، مواجه شد. مقاله حاضر علاوه بر اینکه حمایت کیفری از آزادی های اساسی را به صورت ویژه مورد بررسی قرار داده به این نکته مهم هم توجه کرده که برآیند تضمین آزادی های اساسی، امنیت اجتماعی پایدار و توسعه همه جانبه اجتماع است که از این منظر دارای نوآوری است. از سوی دیگر

پژوهش‌های پیشین صرفاً برآیند نظر و تفکر نویسندگان آن است. درحالی‌که پژوهش پیش رو با اتکا به خرد جمعی و بر پایه‌ای از نظرات جامعه خبرگان قابل توجهی استوار است که نویسندگان پس از تحلیل داده‌های حاصل شده به کیفیتی که در ادامه ذکر می‌گردد نسبت به ارائه الگوی سلسله مراتبی حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی اقدام می‌کنند.

۱- مبانی نظری پژوهش

۱-۱- امنیت اجتماعی

در تعریفی امنیت اجتماعی به توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی و محلی و غیره در حفظ هستی و هویت خود اطلاق شده است (بوزان و همکاران^۱، ۱۹۹۸: ۸۴). براین مبنا امنیت اجتماعی تمامی زوایا و سطوح زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنتونی گیدنز^۲ امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان می‌داند. درواقع، امنیت اجتماعی عبارت است از رهایی از اضطراب و تعقیب ایمنی. امنیت اجتماعی در این مفهوم دارای ابعاد سیاسی و حکومتی بوده و به شدت آمیخته با مقوله اساسی قدرت است و در مطالعات و بررسی‌های راهبردی در ذیل امنیت ملی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی را از حیث فراگیری می‌توان امنیت عمومی نیز قلمداد کرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را می‌تواند پوشش دهد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۱). در میان نظریه‌پردازان امور امنیتی، ویور^۳ امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی و احتمالی تعریف کرده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید داشته و خاطرنشان می‌کند جامعه امنیت هویتی‌اش را جست‌وجو می‌کند؛ بنابراین، امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود فراهم آورد. بوزان معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعل به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد (هانتز^۴، ۲۰۱۹: ۲۲). کارل دبلیو دویچ^۵ در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: منظور از امنیت اجتماعی، گروه همبسته‌ای از مردم در یک

1. Buzan
2. Anthony Giddens
3. Weaver
4. Hunter
5. Karl W. Deutsch

سرزمین (قلمرو) در امتداد زمانی است که دارای احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده، آداب و رسوم فراگیر، قدرتمند و به‌اندازه کافی قابل اطمینان بوده و حیات اجتماعی را در زمانی طولانی بیمه می‌کند و تغییرات آرام توأم با انتظارات قابل پیش‌بینی را در میان مردمش تجربه می‌کند. وی در تعریف کاربردی خویش، امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می‌گیرد (آلکیر^۱، ۲۰۱۵: ۱۹۱). مولر در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: «توانایی یک جامعه برای دوام ویژگی‌های اساسی آن در فرایند تغییرات محیطی و در برابر تهدیدات واقعی یا احتمالی و به‌طور خاص امنیت اجتماعی، توانایی محافظت و شرایط قابل پذیرش برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوندهای اجتماعی، هویت ملی، مذهبی (مذاهب) و رسوم اجتماعی می‌باشد» (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۸: ۵۲). بر پایه تعاریف مذکور که مبنا و شالوده آن‌ها حفظ موجودیت جامعه در بستر تغییرات ناگزیر است؛ باید اذعان داشت که استقرار و بهبود امنیت اجتماعی نیازمند برخورداری از طرح و برنامه‌ای هدفمند است.

۱-۲- حمایت کیفری

بی‌شک کیفر به لحاظ اخلاقی فی‌نفسه امری بد، شر و مذموم است. بدون داشتن توجیه نظری و عملی هیچ نحله فکری و عقل متعارفی کیفر را تأیید نمی‌کند. حمایت کیفری که متضمن تنبیه اخلاقی مرتکب و پیشگیری از موارد نقض احتمالی بعدی، است در صورت‌های مختلف قابل اعمال است. حمایت‌های کیفری از آنجایی که باعث تحمیل عمدی، آگاهانه و نظام‌مند رنج، درد و محرومیت از حقوق طبیعی است؛ به‌نوبه خود نزد عقل و وجدان قابل پذیرش نبوده و برخلاف حق مالکیت، حیات، حیثیت و حق آزادی انسان است؛ لذا اعمال آن هرچند در خفیف‌ترین شکل آن با همه یا یکی از حقوق مسلّم تعارض دارد؛ بنابراین اعمال آن باید قابل توجیه باشد (صفاری، ۱۳۸۴: ۱۳۰). با اعتقاد به این مهم که انسان دارای کرامت است و یکی از جلوه‌های کرامت انسان، آزاد بودن است؛ باید اذعان داشت که آزادی‌های شهروندان، به‌ویژه آزادی‌های اساسی که بعضاً در قوانین اساسی کشورها بدان تصریح می‌شود؛ لزوم حمایت از آن‌ها در برابر دولت که انواع ابزار نقض و قدرت و توانایی این اعمال را دارد، بسیار ضروری است. در روابط شهروندان با یکدیگر و شهروندان با حکومت، آزادی اصلی مهم تلقی می‌شود. نتیجه مهمی که از اصل آزادی گرفته می‌شود، این است که در مقام نظم بخشیدن به رابطه دولت و مردم و تفسیر و اجرای قوانین، هر جا اختلاف و تردیدی در حدود تکالیف اشخاص یا اختیار مقام‌های حکومت ایجاد شود باید آن را به سود اصل آزادی تعبیر کرد (سلیمانی پورلک و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۷). ارج و منزلت اصل آزادی مستلزم این است که آزادی‌های شهروندان در

برابر قدر حاکمه حمایت شود؛ زیرا دولت به معنای اعم خود با در اختیار داشتن شدیدترین ابزار نقض، همیشه در مظان این اتهام قرار دارد که به آزادی‌ها و حقوق شهروندان تعرض می‌کند. از این رو این عدم توازن در قدرت و امکانات، مقدمه واجب حمایتی شایسته از حقوق و آزادی‌های شهروندان است. این حمایت تا پشتوانه و ضمانت اجرایی قوی نداشته باشد و صرفاً در حد خطابه و شعار باشد، راه به جایی نمی‌برد. ضمانت اجرای مؤثر ضمانت اجرایی است که در موارد لزوم و قاطعانه اعمال شود و از حریم آزادی شهروندان مجدانه حمایت کند (کیان پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴). در مجموع، حقوق کیفری وفادار به عدالت و آزادی باید از حوزه‌های عمومی و خصوصی به گونه‌ای هدفمند حمایت کند و پشتیبانی هم‌زمان و متوازن از خودمختاری عمومی و خصوصی شهروندان را از رسالت‌های اصلی خود قلمداد کند. ساختار عدالت کیفری می‌بایست با پذیرش جلوه‌های گوناگون حریم خصوصی همچون ارزش‌های شایسته تضمین، در برابر تعدی به آن‌ها، به‌ویژه زمانی که تعدی از سوی قوای عمومی حاکم صورت می‌گیرد، واکنش درخور نشان دهد. از نقض حریم خصوصی به بهانه تضمین امنیت اجتماعی و دیگر ارزش‌ها و مصالح جلوگیری کند و در موارد تزام حق بر خلوت با دیگر ارزش‌ها و مصالح اجتماعی از منطق جمع میان ارزش‌ها پیروی کند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹). مع الوصف توجیه کیفر به‌منظور تضمین آزادی سبب خواهد شد تا امنیتی اجتماعی که متکی بر ساختاری قابل اطمینان و مردم محور است؛ شکل بگیرد.

۱-۳- آزادی‌های اساسی

آزادی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین هدف بشر است. برای فهمیدن معنای آزادی باید بدانیم که آن، آزادی از چه یا آزادی برای چه است. آزادی معنای عاطفی نسبتاً ثابتی دارد. واژه آزادی به مفاهیم مختلفی اشاره دارد که شامل مفاهیم پایه‌ای خودمختاری، حکومت بر خود و استقلال از یک‌سو و توانایی کلی در انجام کارها، داشتن انتخاب‌های مختلف و توانایی کسب هدف‌ها از سوی دیگر است. هنرمندان، دانشمندان و فیلسوفان پیوسته و به انواع گوناگون به ستایش آزادی و حق بشر برای بهره‌وری از آن پرداخته‌اند. همواره در میان متفکران بحث و مناقشه در خصوص و اهمیت آزادی بسیار داغ بوده است. بسیاری از نویسندگان و نظریه پردازان سیاسی و فیلسوفان سیاسی بر اهمیت و ضرورت اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل انکار آزادی تأکید و تصریح دارند؛ برخی از نویسندگان بر این عقیده‌اند که به‌هر حال می‌دانیم آزادی چیست، اما آنچه انسان (بنی‌بشر به‌طور عام) به آن نیاز دارد و برایش ضرورت اولی و تام و تمام دارد نه آزادی بلکه نظم، امنیت، رهبری و روشنگری است. نخستین توجیه و دفاع «نظری و فلسفی» از این دیدگاه را افلاطون در کتاب جمهوری ارائه کرد؛ از نظر افلاطون، آزادی سیاسی هدف و غایت نظام‌های دموکراسی بود که بی‌تردید دیر

یا زود به حذف و از میان برداشته شدن کنترل و نظارت بر فعالیت‌های افراد یا کل جمعیت منجر می‌شد. این امر به حاکمیت عوام‌فریبان و دروغ‌گویان و ریاکاران می‌انجامد که باظرافت و آرامی راه ستم‌گری و استبداد را در پیش می‌گیرند و قدرت مطلقه و خودکامه را بر اتباع خود تحمیل می‌کنند. (جونز، ۱۳۹۴: ۱۱۵). به همین مناسبت است که می‌بایست از آزادی حمایت شود تا اسب سرکش قدرت با لجام قانون محدود و رابطه‌ی افراد با دولت مشخص گردد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول متعددی را به حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی، قضایی و امنیتی مردم اختصاص داده است؛ اما از نظر تضمینات کیفری در مورد آن‌ها به کفایت نتایج حاصل از این پژوهش نپرداخته است. براین پایه است که در پژوهش حاضر تلاش شده است به الگوی سلسله مراتبی حمایت از آزادی به منظور بهبود امنیت اجتماعی دست‌یابیم.

۲- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به دنبال ارائه الگوی سلسله مراتبی حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی با استفاده از یک روش پژوهش آمیخته (کیفی - کمی) است. این پژوهش از جنبه هدف کاربردی محسوب می‌شود؛ زیرا بیشترین کاربرد آن برای مدیران و سیاست‌گذاران در حوزه امنیت اجتماعی است. در بخش کیفی (شناسایی متغیرهای الگوی پژوهش) به منظور درک، شناخت و استخراج متغیرها از مصاحبه نیمه ساختاریافته و کدگذاری باز تا رسیدن به اشباع متغیرها استفاده می‌شود. به این ترتیب، مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش حاضر متشکل از هشت نفر از قضات و وکلای دارای مدرک دکتری با سابقه بیش از ۱۵ سال، هشت نفر از استادان دانشگاه دارای رتبه علمی دانشیار و بالاتر در گروه حقوق، دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی دارای مدرک دکتری که در حوزه امنیت اجتماعی دخیل و صاحب نظر هستند و سه نفر از فعالین عرصه‌های اجتماعی دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر با سابقه بیش از ده سال فعالیت در عرصه‌های اجتماعی، با ملاک کفایت تئوریک هستند که کار مصاحبه میدانی نیمه ساختاریافته با آن‌ها انجام گردید. انتخاب مصاحبه نیمه ساختاریافته به این دلیل بود که علاوه بر تبادل نظرها، می‌توان بحث درباره موضوع را در راستای رسیدن به اهداف تحقیق هدایت نمود. همچنین در طول انجام مصاحبه، امکان مشاهده احساسات، باورها و اعتقادات مصاحبه‌شوندگان وجود دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۳). ملاک اندازه نمونه، کفایت تئوریک است؛ به این معنا که در بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده با نخبگان، شاخص یا متغیر جدیدی شناسایی نشود. بنابراین ملاک کفایت نمونه، اشباع نظری است. همان‌گونه که عرض شد در این مطالعه با ۲۱ خبره مصاحبه شد؛ که از مصاحبه ۱۵ به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده گردید و از مصاحبه ۱۸ به بعد، داده‌ها کاملاً تکراری و به اشباع نظری رسیده بود؛ اشباع نظری حاصل در این پژوهش زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به

تکمیل و مشخص کردن ابعاد تحقیق نمی‌کردند (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۹۷: ۳۱)؛ اما برای اطمینان بیشتر، روند مصاحبه‌ها تا مصاحبه بیست و یکم ادامه یافت. حین انجام مصاحبه، شرح نظرات مصاحبه‌شوندگان یادداشت و نظرات آنان به همراه مشاهدات پژوهشگر و برداشت حاصله، به متن تبدیل شد. در این پژوهش برای بررسی روایی پژوهش چهار آزمون اصلی تأیید پذیری، باورپذیری، انتقال‌پذیری و اعتمادپذیری به شرح جدول شماره ۱ انجام شد.

جدول شماره ۱: اقدامات صورت گرفته برای بررسی کیفیت تحقیق

هدف	اقدامات انجام شده
تأیید پذیری	تأیید پذیری به معنای پرهیز از سوگیری است، اما در پژوهش‌های کمی به معنی قدرت تحلیل و دقت داده‌ها و میزان تأیید آن‌ها است. تأیید پذیری بیانگر تلاش پژوهشگر در جهت احراز شاخص عینیت در پژوهش است. به منظور دستیابی به تأیید پذیری پژوهش قبل از شروع فرایند مصاحبه از ابزارهایی همچون آموزش مفاهیم تحقیق به مصاحبه‌شوندگان و کسب بازخورد از مصاحبه‌شوندگان پس از ارائه نتایج تحقیق بهره برده شد.
باورپذیری	باورپذیری به معنی میزان و درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان در پژوهش است؛ به این منظور در پژوهش حاضر از ابزارهایی همچون چارچوب نظری اولیه به عنوان مبنای بحث با خبرگان، اجرای چندین مصاحبه با خبرگان در خارج از حوزه مربوطه و کسب نظر تعدادی از خبرگان پس از استخراج نتایج، بهره برده شده است.
انتقال‌پذیری	انتقال‌پذیری به معنی قابلیت تعمیم پژوهش به سایر حوزه‌ها و زمینه‌های مشابه است. استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل نمادها، نشانه‌ها و سایر موارد در مرحله تحلیل داده و نیز ارائه جزئیات بیشتر در رابطه با شرکت‌کنندگان و خصوصیات محیط، نظیر اطلاعات جمعیت شناختی (بیان جزئیات خصوصیات نمونه و عرصه تحقیق) از جمله اقداماتی بود که در راستای افزایش تناسب داده‌ها با محیط تحت مطالعه به عمل آمده است.
اعتمادپذیری	در این مطالعه جهت اطمینان از قابلیت اعتبار که مشابه روایی درونی در تحقیق کمی است؛ از تکنیک‌های تثلیث ^۱ (منابع داده‌ها، محقق، نظریه و روش)، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، بازبینی توسط همکاران و خود بازبینی محقق استفاده شد.

منبع: یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر، برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها از روش توافق درون موضوعی (پایایی دو کدگذار) استفاده شد. برای این منظور، از یک مدرس دانشگاه که بر موضوع پژوهش اشراف داشت، درخواست شد به عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در این پژوهش مشارکت کند. سپس محقق به همراه همکار پژوهش، سه مصاحبه را کدگذاری و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی پژوهش به کار می‌رود را با استفاده از فرمول مربوطه، محاسبه کرد. نحوه محاسبه درصد توافق درون گروهی به این صورت است که تعداد توافقات به دست آمده را در عدد

1. Triangulation

دو ضرب و حاصل را بر تعداد کل کدها تقسیم می نمایند سپس کسر به دست آمده را در ۱۰۰ ضرب می نمایند. به منظور استخراج میزان و تعداد توافقات، پرسشنامه ای حاوی عناوین مضامین به همراه نمونه های کدگذاری باز در اختیار مشارکت کنندگان تحقیق قرار گرفت و میزان توافقات از طریق پرسش های گزینه ای تطابق زیاد، متوسط و کم، مورد سؤال واقع شد. چنانچه مشارکت کننده گزینه کم یا متوسط را انتخاب نماید به معنای عدم توافق و در صورتی که گزینه زیاد را مشخص نماید، به معنای توافق است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۴). نتیجه محاسبه درصد توافق درون موضوعی تحقیق حاضر در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کدها	تعداد توافقات	پایایی دو کدگذار (درصد)
۱	M1	۲۱	۹	۸۶٪
۲	M2	۲۶	۱۱	۸۵٪
۳	M3	۲۲	۸	۷۳٪
	کل	۶۹	۲۸	۸۱٪

منبع: یافته های تحقیق

همان طور که در جدول (۲) مشاهده می شود، پایایی بین دو کدگذار برای مصاحبه های انجام گرفته در پژوهش برابر ۸۱٪ است؛ لذا می توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است. اندازه معمول ضریب پایایی مورد پذیرش برای اکثر تحقیقات بین ۸۰ تا ۹۰ درصد است و تحقیقاتی که ضریب پایایی آن ها کمتر از ۷۰ درصد باشد، برای تفسیر دستاوردهای خود و تکرار تحقیق با مشکل مواجه خواهند شد (رایف، ۱۳۹۸: ۵۳).

در بخش کمی برای دستیابی به الگو پژوهش و تکمیل ماتریس خود تعاملی نیز از نظرات ۱۴ تن از خبرگان بخش کیفی که با تکمیل کردن ماتریس خود تعاملی آشنایی داشتند بهره گرفته شد. در ادامه، مدل سازی این متغیرها به کمک روش مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM) انجام گرفت. مدل سازی ساختاری تفسیری روشی برای طراحی الگوی روابط پیچیده و چندگانه میان متغیرهای یک پدیده است. این روش نوعی تحلیل ساختاری است که بر اساس پارادایم تفسیری بنا نهاده شده است. هدف این روش نیز شناسایی روابط بین متغیرهای زیربنایی یک پدیده چندوجهی و پیچیده است. برای بررسی اثر هر یک از متغیرها بر روی متغیرهای دیگر؛ این طراحی رویکردی فراگیر برای سنجش ارتباط است. بعلاوه این طراحی برای توسعه چارچوب مدل به کار می رود تا اهداف کلی تحقیق امکان پذیر شود. مدل ساختار تفسیری قادر است ارتباط بین شاخص ها که به صورت تکی یا گروهی به یکدیگر وابسته اند را تعیین نماید. روش مدل سازی ساختاری تفسیری با تجزیه مقوله ها در چند سطح مختلف به تحلیل ارتباط بین شاخص ها می پردازد. روش مدل سازی ساختاری تفسیری می تواند برای تجزیه و تحلیل ارتباط بین

ویژگی‌های چند متغیر برای یک مسئله مورد استفاده قرار گیرد. مدل‌سازی ساختاری تفسیری مشتمل بر چهار گام اصلی است که عبارت‌اند از: تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری، تشکیل ماتریس سازگاری اولیه، تشکیل ماتریس وابستگی و تعیین سطح اهداف (نادعلی، ۱۳۹۴). در این تحقیق متغیرهای مورد نیاز از بطن مصاحبه‌ها استخراج شد.

۳- یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه هدف تحقیق حاضر توصیف پدیده به مشروح‌ترین شکل ممکن در قالب یک مدل بومی است از معیاری به نام اشباع داده یا اشباع نظری برای تعیین نقطه پایان‌بخش کیفی استفاده گردید، به عبارت بهتر فرایند پژوهش در این وضعیت تا جای ادامه یافت که اگر داده جدیدی به پژوهش وارد می‌شد اطلاعات موجود در موضوع پژوهش را تغییر نمی‌داد. براین پایه بعد از رسیدن به نقطه اشباع در نظرات ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان، داده‌های اولیه تحلیل و کدهای اولیه ایجاد گردید؛ در پایان این قسمت تعداد ۲۳۸ متغیر به دست آمد؛ لکن با توجه به تعداد زیاد کدهای تولیدشده، به‌منظور خلاصه‌سازی آن‌ها، کدهای اولیه به کدهای ثانویه تبدیل شدند؛ اساس و پایه این اقدام در قرابت مفهوم و معنای کدهای اولیه نسبت به یکدیگر بود. درنهایت در قسمت کدگذاری ثانویه، تلاش شد تا چند مفهوم تبدیل به یک مقوله شوند. به‌عنوان نمونه در جدول شماره ۳ به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

جدول شماره ۳: نمونه مفاهیم و مقوله‌های اصلی به‌دست‌آمده از داده‌های کیفی

متغیر	کدهای مفهومی
آزادی در انتخابات	رشد انتخابات آزاد
	نظام سیاسی دموکراتیک
	انتخاب آگاهانه و آزاد مردم
	فضای باز سیاسی
محوریت تخصص و شایستگی	پذیرش استخدام افراد بر اساس تخصص و نه عقیده
	همگرایی میان نخبگان
	شایسته‌سالاری در همه امور
	بهره‌مندی از نظرات احزاب، نخبگان و روشنفکران
بهبود معیشت و اقتصاد جامعه	حمایت و تقویت طبقه متوسط جامعه
	بهبود وضعیت معیشت مردم
	اقتصاد آزاد و غیر حکومتی
	شرایط اقتصادی آزاد
	رفاه اجتماعی
	توسعه اقتصادی

از تجميع متغيرها به مفاهيم و از تجميع مفاهيم به مقوله نهايتاً تعداد ۲۰ مقوله استخراج گرديد. مقوله‌های به دست آمده جهت تأييد در اختيار خبرگان قرار داده شدند و از آن‌ها خواسته شد بر اساس طيف ۱ تا ۵ به شاخص‌ها امتياز دهند. بعد از پاسخگويي خبرگان به پرسشنامه، ميانگين امتيازات محاسبه شد؛ نتيجه ميانگيري امتيازات نشان داد که همگي شاخص‌ها امتياز بالاي ۳ را کسب کرده‌اند. در نتيجه همه مقوله‌های استخراج شده مورد تأييد خبرگان قرار گرفته‌اند. نتايج در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول شماره ۴: شاخص‌های حمايت کيفري از آزادي‌های اساسي با رويکرد بهبود امنيت اجتماعي

کد	ميانگين امتيازات	شاخص
C1	۴.۰۰۰	روزآمد کردن قوانين و رويه‌ها همسو با آزادي
C2	۳.۷۳۳	نظارت عمومي و پشتيباني از آزادي‌های اساسي
C3	۴.۱۳۳	بدون هزينه بودن مطالبه گري از مسئولين
C4	۳.۸۰۰	نظام سياسي و انتخابات آزاد
C5	۴.۰۶۷	فرهنگ عمومي پذيرش آزادي‌های اساسي
C6	۳.۵۳۳	دستگاه قضائي بي طرف، مستقل و غيرسياسي
C7	۳.۶۰۰	قواي نظامي مستقل و غيرسياسي
C8	۳.۶۰۰	شفافيت و چرخش آزاد اطلاعات
C9	۴.۳۳۳	رفع هرگونه تبعيض
C10	۳.۷۳۳	پاسخگو کردن ارکان حاکميت
C11	۳.۹۳۳	بهبود وضعيت معيشت مردم و اقتصاد جامعه
C12	۳.۶۰۰	جامعه غيرامنيتي
C13	۳.۵۳۳	اعمال مصونيت و حمايت از افراد و نهادهای حامی آزادي
C14	۴.۱۳۳	آزادي عقیده و بيان
C15	۴.۰۶۷	منع تفتيش عقايد
C16	۳.۷۳۳	حمايت از بزه ديدهگان جرائم ناقض آزادي‌ها
C17	۳.۷۳۳	تضمين حق نقد و اعتراض
C18	۳.۸۰۰	استقلال و آزادي مطبوعات و رسانه‌ها
C19	۳.۷۳۳	مشارکت مستقيم مردم در اعمال قدرت
C20	۴.۰۰۰	تعامل جامعه با حاکميت

حال براي تعيين سطح مقوله‌ها در الگوي سلسله مراتبي و ميزان تأثيرگذاري و تأثيرپذيري آن‌ها از روش مدل سازي ساختاري تفسيری (ISM) و با کمک نرم افزار ISM متلب استفاده می‌شود. در گام اول ماتريس خود تعاملی ساختاری پژوهش با استفاده از نظر پاسخ‌دهندگان که خبرگان پژوهش هستند تشکيل می‌شود. براي تشکيل ماتريس خود تعاملی ساختاری، خبرگان

مقوله‌ها را به صورت زوجی با یکدیگر در نظر گرفته و بر اساس طیف V: عامل سطر i باعث محقق شدن عامل ستون j می‌شود. A: عامل ستون j باعث محقق شدن عامل سطر i می‌شود. X: هر دو عامل سطر و ستون باعث محقق شدن یکدیگر می‌شوند (عامل i و j رابطه دوطرفه دارند) و O: بین عامل سطر و ستون هیچ ارتباطی وجود ندارد به مقایسات زوجی پاسخ می‌دهند. ماتریس خود تعاملی در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول شماره ۵: ماتریس خود تعاملی ساختاری

	C20	C19	C18	C17	C16	C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1
C1	V	V	V	V	O	V	V	V	V	O	V	V	V	V	V	V	V	A	X	
C2	V	V	V	O	O	V	O	O	V	O	V	V	V	V	V	O	V			
C3	V	V	V	V	V	V	O	V	V	O	V	V	V	V	V	O	V			
C4	V	V	O	O	O	X	V	X	O	V	X	X	X	X	X	X				
C5	V	O	O	O	O	O	V	V	O	V	V	V	V	V	V					
C6	A	O	O	O	O	O	V	V	V	V	A	X	V	O	V					
C7	V	O	O	O	O	V	V	V	O	V	O	A	V							
C8	A	O	O	O	O	O	V	V	O	V	A	A	V							
C9	A	O	O	O	O	A	V	V	V	V	A									
C10	V	O	O	O	O	O	V	V	O	V										
C11	A	O	O	O	V	V	V	V	O											
C12	A	A	A	O	O	O	O	O												
C13	A	A	A	A	X	A	A													
C14	A	O	A	O	V	O														
C15	A	A	A	V	V															
C16	A	O	A	A																
C17	O	O	X																	
C18	V	A																		
C19	V																			
C20																				

گام دوم تبدیل ماتریس خود تعاملی ساختاری منعکس در جدول شماره ۵ به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک است که ماتریس دستیابی اولیه نامیده می‌شود. برای استخراج ماتریس دریافتی در هر سطر ماتریس خود تعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O از عدد صفر قرار داده می‌شود. در جدول شماره ۶ ماتریس دستیابی اولیه آمده است.

جدول شماره ۶: ماتریس دستیابی اولیه

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	C20
C1	0	1	0	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1
C2	1	0	0	1	0	1	1	1	1	0	1	1	0	0	1	0	0	1	1	1
C3	1	1	0	1	0	1	1	1	1	0	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1
C4	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	0	0	0	1	1
C5	0	0	0	1	0	1	1	1	1	1	1	0	1	1	0	0	0	0	0	1
C6	0	0	0	1	0	0	0	1	1	0	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0
C7	0	0	0	1	0	0	0	1	0	0	1	0	1	1	1	0	0	0	0	1
C8	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	1	0	1	1	0	0	0	0	0	0
C9	0	0	0	1	0	1	1	1	0	0	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0
C10	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	1	0	1	1	0	0	0	0	0	1
C11	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	0	0	0	0
C12	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C13	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0
C14	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	1	0	0	0	0
C15	0	0	0	1	0	0	0	0	1	0	0	0	1	0	0	1	1	0	0	0
C16	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0
C17	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	1	0	1	0	0
C18	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	0	0	1
C19	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	1	0	1	1	0	1
C20	0	0	0	0	0	1	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0

مراحل فوق توسط محقق انجام شدند؛ اما انجام مراحل بعدی با استفاده از نرم افزار ISM متلب صورت می پذیرد. در گام سوم که با استفاده از نرم افزار انجام می پذیرد سازگاری درونی ماتریس دستیابی اولیه بررسی می شود. بدین منظور روابط ثانویه ماتریس دستیابی اولیه کنترل می شوند. به طور مثال در ماتریس دستیابی اولیه اگر متغیر ۱ منجر به متغیر ۲ شود و متغیر ۲ منجر به متغیر ۳ شود، باید متغیر ۱ نیز منجر به متغیر ۳ شود. به بیان دیگر بر اساس روابط ثانویه باید اثرات مستقیم لحاظ شده باشد؛ اما اگر در عمل این اتفاق نیفتاده باشد باید جدول تصحیح و رابطه ثانویه ایجاد شود. پس از اینکه روابط ثانویه بررسی و ایجاد شد، بر اساس قدرت نفوذ و همچنین میزان وابستگی هر متغیر اقدام به سطح بندی مقوله های می شود. قدرت نفوذ و میزان وابستگی هریک از مقوله ها در جدول شماره ۷ مشخص شده اند.

جدول شماره ۷: ماتریس دستیابی اولیه سازگار شده

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	C20	قدرت نفوذ
C1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	19
C2	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	19
C3	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	20
C4	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	17
C5	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	15
C6	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	15
C7	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	16
C8	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	0	0	1	1	14
C9	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	15
C10	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	15
C11	0	0	0	1	0	0	0	0	1	0	1	0	1	1	1	1	1	0	0	0	8
C12	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	1
C13	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	0	0	1	1	14
C14	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	1	0	0	0	0	4
C15	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	17
C16	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	1	0	0	0	0	3
C17	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	1	9
C18	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	13
C19	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	14
C20	0	0	0	1	0	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	13
میزان وابستگی	3	3	1	19	12	15	13	15	16	12	16	15	19	18	17	19	11	8	13	16	

در گام چهارم باید بر اساس ماتریس دستیابی اولیه سازگار شده سطح هر متغیر را به دست آورد. بدین صورت که هر یک از مقوله‌ها پس از شناسایی میزان قدرت نفوذ و میزان وابستگی‌اش توسط نرم‌افزار سطح‌بندی می‌شود. در نرم‌افزار سطح‌بندی مقوله‌ها از سطح یک که تأثیر پذیراترین مقوله‌ها هستند؛ آغاز می‌شود و این روند با مشخص شدن سطوح دیگر که منجر به شناسایی تأثیرگذارترین مقوله یا مقوله‌ها می‌شود؛ ادامه می‌یابد. لازم به ذکر است که در فرایند تعیین سطح هر یک از مقوله یا مقوله‌هایی که سطح آن در الگو تعیین شده است از فرایند سطح‌بندی دیگر مقوله‌ها کنار گذاشته می‌شود و سطح‌بندی الگو با مقوله‌های باقی‌مانده ادامه می‌یابد تا اینکه مقوله یا مقوله‌های نهایی که تأثیرگذارترین مقوله یا مقوله‌ها هستند؛ شناسایی و در سطح پایانی قرار بگیرند. در جدول شماره ۸، مقوله‌هایی که در سطح اول الگو قرار می‌گیرند؛ استخراج شدند. این مقوله‌ها شامل شاخص‌های C12، C13 و C16 هستند. در ادامه برای تعیین مقوله‌های سطح دوم کافی است سطر و ستون این ۳ مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف کنیم و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک را تعیین نماییم. نتایج در جدول شماره ۹ آورده شده است.

جدول شماره ۸: مقوله‌های سطح ۱

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C4C5C6C7C8C9C10 C11C12C13C14C15C16C1 7C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C4C5C6C7C8C9C10 C11C12C13C14C15C16C1 7C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C 10C11C12C13C14C15C16 C17C18C19C20	C3	C3	
C4	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C17C18 C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C14C15C1 6C17C18C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C13C14C15C16C 17C18C19C20	
C5	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15	
C6	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C18C19C2 0	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15C19C20	
C7	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C17C19 C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C20	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15C20	
C8	C4C5C6C7C8C9C10C11C 13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C18C19C2 0	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15C19C20	
C9	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C15C18C1 9C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C13C15C19C20	
C10	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15	
C11	C4C9C11C13C14C15C16 C17	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C15C18C1 9C20	C4C9C11C13C15	
C12	C12	C1C2C3C4C5C6C7C9C 10C12C15C17C18C19C 20	C12	1
C13	C4C5C6C7C8C9C10C11C 13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C14C15C1 6C17C18C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C13C14C15C16C 19C20	1
C14	C4C13C14C16	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C14C15C1 7C18C19C20	C4C13C14	
C15	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C17C18 C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C15C17C1 8C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C13C15C17C18C 19C20	
C16	C4C13C16	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C14C15C1 6C17C18C19C20	C4C13C16	1
C17	C4C12C13C14C15C16C17 C18C20	C1C2C3C4C7C11C15C1 7C18C19C20	C4C15C17C18C20	
C18	C4C6C8C9C11C12C13C1 4C15C16C17C18C20	C1C2C3C4C15C17C18C 19	C4C15C17C18	
C19	C4C6C8C9C11C12C13C1 4C15C16C17C18C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C19	C4C6C8C9C13C15C1 9	
C20	C4C6C7C8C9C11C12C13 C14C15C16C17C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C17C18C1 9C20	C4C6C7C8C9C13C15 C17C20	

جدول شماره ۹: مقوله‌های سطح ۲

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C4C5C6C7C8C9C10 C11C14C15C17C18C19C 20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C4C5C6C7C8C9C10 C11C14C15C17C18C19C 20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C4C5C6C7C8C9 C10C11C14C15C17C18C 19C20	C3	C3	
C4	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C17C18C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C14C15C 17C18C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C14C15C17C18C 19C20	2
C5	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15	C4C5C6C7C8C9C10 C15	
C6	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C18C19C 20	C4C5C6C7C8C9C10 C15C19C20	
C7	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C17C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C20	C4C5C6C7C8C9C10 C15C20	
C8	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C18C19C 20	C4C5C6C7C8C9C10 C15C19C20	
C9	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C15C18C 19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C15C19C20	
C10	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15	C4C5C6C7C8C9C10 C15	
C11	C4C9C11C14C15C17	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C15C18C 19C20	C4C9C11C15	
C14	C4C14	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C14C15C 17C18C19C20	C4C14	2
C15	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C17C18C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C15C17C 18C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C15C17C18C19C 20	
C17	C4C14C15C17C18C20	C1C2C3C4C7C11C15 C17C18C19C20	C4C15C17C18C20	
C18	C4C6C8C9C11C14C15C1 7C18C20	C1C2C3C4C15C17C1 8C19	C4C15C17C18	
C19	C4C6C8C9C11C14C15C1 7C18C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C19	C4C6C8C9C15C19	
C20	C4C6C7C8C9C11C14C15 C17C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C17C18C 19C20	C4C6C7C8C9C15C17 C20	

در جدول شماره ۹، مقوله‌های سطح دوم استخراج شد که شامل شاخص‌های C4 و C14 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح سوم کافی است سطر و ستون این ۲ مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف کنیم و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۰ آورده شده است.

جدول شماره ۱۰: مقوله های سطح ۳

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C3	C3	
C5	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15	C5C6C7C8C9C10C15	
C6	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C18C19C20	C5C6C7C8C9C10C15C19C20	
C7	C5C6C7C8C9C10C11C15C17C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C20	C5C6C7C8C9C10C15C20	
C8	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C18C19C20	C5C6C7C8C9C10C15C19C20	
C9	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C11C15C18C19C20	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	3
C10	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15	C5C6C7C8C9C10C15	
C11	C9C11C15C17	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C11C15C18C19C20	C9C11C15	
C15	C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	3
C17	C15C17C18C20	C1C2C3C7C11C15C17C18C19C20	C15C17C18C20	3
C18	C6C8C9C11C15C17C18C20	C1C2C3C15C17C18C19	C15C17C18	
C19	C6C8C9C11C15C17C18C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C19	C6C8C9C15C19	
C20	C6C7C8C9C11C15C17C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C17C18C19C20	C6C7C8C9C15C17C20	

در جدول شماره ۱۰، مقوله های سطح سوم استخراج شد که شامل شاخص های C9، C15 و C17 می باشد حال برای تعیین مقوله های سطح چهارم کافی است سطر و ستون این ۳ مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف می شود و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود. نتایج در جدول شماره ۱۱ آورده شده است.

جدول شماره ۱۱: مقوله‌های سطح ۴

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C6C7C8C10 C11C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C6C7C8C10 C11C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C6C7C8C 10C11C18C19C20	C3	C3	
C5	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0	C5C6C7C8C10	
C6	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C18C19C20	C5C6C7C8C10C19C20	
C7	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C20	C5C6C7C8C10C20	
C8	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C18C19C20	C5C6C7C8C10C19C20	
C10	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0	C5C6C7C8C10	
C11	C11	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C11C18C19C20	C11	4
C18	C6C8C11C18C20	C1C2C3C18C19	C18	
C19	C6C8C11C18C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C19	C6C8C19	
C20	C6C7C8C11C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C18C19C20	C6C7C8C20	

در جدول ۱۱، مقوله‌های سطح چهارم استخراج شد که شامل شاخص C11 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح پنجم کافی است سطر و ستون این مقوله از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۲ آورده شده است.

جدول شماره ۱۲: مقوله‌های سطح ۵

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C6C7C8C10C18C 19C20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C6C7C8C10C18C 19C20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C6C7C8C10C1 8C19C20	C3	C3	
C5	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10	C5C6C7C8C10	
C6	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10C18C19C20	C5C6C7C8C10C 19C20	5
C7	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10C20	C5C6C7C8C10C 20	

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C8	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C10C18C19C20	C5C6C7C8C10C19C20	5
C10	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C10	C5C6C7C8C10	
C18	C6C8C18C20	C1C2C3C18C19	C18	
C19	C6C8C18C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C10C19	C6C8C19	
C20	C6C7C8C20	C1C2C3C5C6C7C8C10C18C19C20	C6C7C8C20	5

در جدول شماره ۱۲، مقوله های سطح پنجم استخراج شد که شامل شاخص های C8، C6 و C20 می باشد حال برای تعیین مقوله های سطح ششم کافی است سطر و ستون این ۳ مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۳ آورده شده است.

جدول شماره ۱۳: مقوله های سطح ۶

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C7C10C18C19	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C7C10C18C19	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C7C10C18C19	C3	C3	
C5	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C7	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C10	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C18	C18	C1C2C3C18C19	C18	6
C19	C18C19	C1C2C3C5C7C10C19	C19	

در جدول شماره ۱۳، مقوله های سطح ششم استخراج شد که شامل شاخص C18 می باشد حال برای تعیین مقوله های سطح هفتم کافی است سطر و ستون این مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۴ آورده شده است.

جدول شماره ۱۴: مقوله های سطح ۷

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C7C10C19	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C7C10C19	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C7C10C19	C3	C3	
C5	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C7	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C10	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C19	C19	C1C2C3C5C7C10C19	C19	7

در جدول شماره ۱۴، مقوله‌های سطح هفتم استخراج شد که شامل شاخص C19 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح هشتم کافی است سطر و ستون این مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول ۱۵ آورده شده است.

جدول شماره ۱۵: مقوله‌های سطح ۸

سطح	اشتراک	ورودی	خروجی	نام مقوله
	C1C2	C1C2C3	C1C2C5C7C10	C1
	C1C2	C1C2C3	C1C2C5C7C10	C2
	C3	C3	C1C2C3C5C7C10	C3
8	C5C7C10	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	C5
8	C5C7C10	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	C7
8	C5C7C10	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	C10

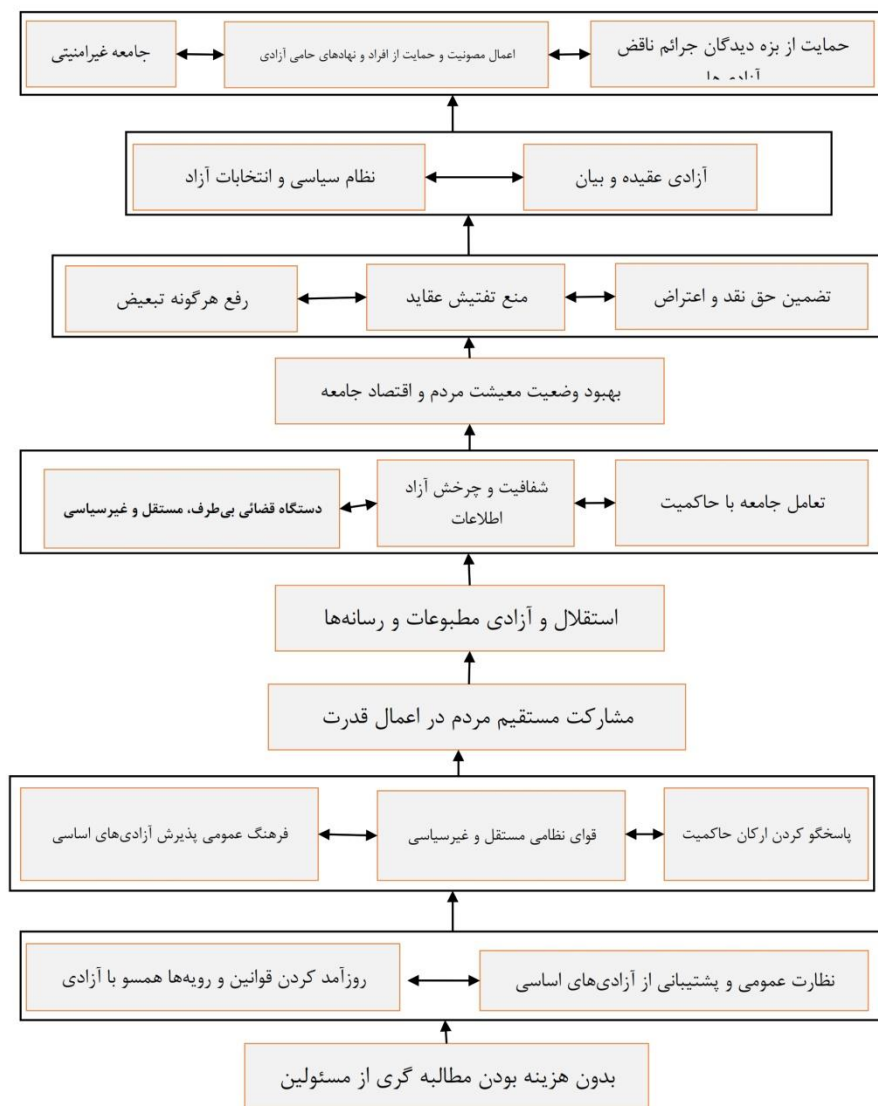
در جدول شماره ۱۵، مقوله‌های سطح هشتم استخراج شد که شامل شاخص‌های C5، C7 و C10 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح هشتم کافی است سطر و ستون این ۳ مقوله از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۶ آورده شده است.

جدول شماره ۱۶: مقوله‌های سطح ۹ و ۱۰

سطح	اشتراک	ورودی	خروجی	نام مقوله
9	C1C2	C1C2C3	C1C2	C1
9	C1C2	C1C2C3	C1C2	C2
10	C3	C3	C1C2C3	C3

در گام نهایی با استفاده از سطوح به‌دست‌آمده از مقوله‌ها، شبکه تعاملات ISM یا همان الگوی سلسله مراتبی پژوهش رسم می‌شود. در الگوی به‌دست‌آمده اگر بین دو مقوله‌ها رابطه وجود داشته باشد آن رابطه به‌وسیله یک پیکان جهت‌دار نشان داده می‌شود. دیاگرام^۱ نهایی ایجادشده که با استفاده از بخش‌بندی سطوح به‌دست‌آمده است در شکل یک نشان داده‌شده است.

1. Diagram = نگاره یک ساختار



شکل یک: الگوی سلسله مراتبی حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی

نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف طراحی الگوی سلسله مراتبی حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی انجام شد. در این پژوهش با بررسی تفکرات حاکم بر هرکدام از مفاهیم امنیت و آزادی سعی در دستیابی به مدلی کرد تا از رهگذر اعمال آن به امنیت پایدار اجتماعی رسید. بررسی در مبانی نظری مفاهیم امنیت و آزادی حکایت از تشتت گسترده در تعبیر هر یک از مفاهیم دارد. گروهی از متفکران ضرورت وجودی امنیت را چنان در نظر گرفته‌اند که تعرض به آن را نافی حیات اجتماعی انسان دانسته‌اند و معتقد امنیت اساس بقای یک اجتماع است؛ ایشان اصرار دارند که در جامعه فقط دولت‌ها هستند که در اعمال قدرتشان آزادی دارند تا بتوانند امنیت را مستقر نمایند. در مقابل گروهی دیگر از اندیشمندان آزادی و آزاد بودن را ذاتی انسان می‌دانند و براین باور هستند که زندگی بدون آزادی فرد را از ماهیت انسانی تهی می‌گرداند؛ این گروه آزادی را در چارچوب‌های سرزمینی تعریف نمی‌کنند بلکه با نگاهی فراتر از مرزها معتقدند تعالی انسانی جز از طریق آزادی و آزادانه عمل کردن انسان به دست نمی‌آید. در روند مطالعات به نظریات بینابینی برخورد کردیم که عقیده بر ایجاد تعادل بین دو مفهوم آزادی و امنیت را در سر می‌پروراندند؛ در این گروه اندیشمندان، پژوهشگران و نویسندگان هر یک به‌زعم خود در تلاش بوده‌اند تا فضایی را ترسیم کنند که بتوان با تکیه بر صورت‌هایی از زندگی اجتماعی به تعادل بین مفاهیم آزادی و امنیت دست یابند. برخی از ایشان بر جنبه‌های فرهنگی، برخی بر فضای اقتصادی، گروهی به ضرورت‌های آموزشی تکیه می‌کردند و حتی در برخی از موارد حفظ وضعیت موجود جوامع سنتی با فضای قبیله‌ای تکیه داشته‌اند. مع‌الوصف بررسی‌ها نشان داد که در مطالعاتی که سابقاً در حقوق کیفری ایران توسط دیگر محققان انجام شده است به مدلی که بتوان ضمن تضمین آزادی‌های اساسی در بهبود امنیت اجتماعی اثرگذار باشد؛ اشاره نرفته است. بدین منظور بر آن شدیم تا با در نظر گرفتن اهمیت تضمین آزادی‌های اساسی و ضرورت بهبود امنیت اجتماعی مدلی کاربردی را ارائه نماییم. مدل ساختاری تفسیری به‌دست‌آمده حکایت از این مهم دارد که در الگوی مطلوب امنیت اجتماعی در ایران بر پایه آزادی‌های اساسی بدون هزینه بودن مطالبه‌گری تأثیرگذارترین مقوله مدل است؛ یعنی اینکه می‌بایست بدون هزینه بودن مطالبه‌گری در جامعه به‌عنوان اولین ضرورت که بیشترین تأثیر را بر دیگر متغیرها دارد؛ مورد توجه قرار بگیرد. به عبارتی دیگر هرچقدر مطالبه‌گری بدون هزینه شود؛ می‌توان ادعا کرد در راستای تقویت امنیت اجتماعی قدم برآورده‌ایم. الگوی به‌دست‌آمده از تأثیرگذارترین متغیر به سمت تأثیرپذیرترین متغیر دارای سطوحی است. پس از به دست آمدن مدل با سطوح ده‌گانه است که می‌تواند قانون‌گذار کیفری را به سمت تصمیم‌گیری در رابطه با تعیین ضمانات اجراهای

کیفری و کیفیت آن‌ها رهنمود کند؛ در این مرحله است که می‌توان به قانون‌گذار گفت از چه مقوله‌ای به چه میزان حمایت کند تا به‌منظور غایی خود از تعیین کیفر که در اینجا همانا امنیت اجتماعی است؛ برسد. در مدل ساختاری تفسیری به‌دست‌آمده تأثیرگذارترین مقوله به‌عنوان دهمین سطح الگو مقوله بدون هزینه بودن مطالبه‌گری از مسئولین است. بدون هزینه بودن مطالبه‌گری از مسئولین در ساختار به‌دست‌آمده پایه و اساس شکل‌گیری الگو است؛ به‌نحوی که تحقق مقوله موصوف باعث و مبنای پیدایش سطح نهم الگو که دربرگیرنده دو مقوله نظارت عمومی و پشتیبانی از آزادی‌های اساسی و مقوله روزآمد کردن قوانین و رویه‌ها همسو با آزادی است. مقوله نظارت عمومی و پشتیبانی از آزادی‌های اساسی به همراه مقوله روزآمد کردن قوانین و رویه‌ها همسو با آزادی تأثیرگذاری مستقیمی بر مقوله سطح هشتم دارد به‌گونه‌ای که تحقق سطح نهم الگو باعث تحقق سطح هشتم الگو می‌شود که دربرگیرنده مقوله فرهنگ عمومی پذیرش آزادی‌های اساسی، مقوله قوای نظامی مستقل و غیرسیاسی و مقوله پاسخگو کردن ارکان حاکمیت است. بر اساس داده‌های پژوهش و تحلیل صورت گرفته توسط نرم‌افزار میک مک، هویت مقوله‌های سطح هشتم الگو هویتی رابط گونه است. بدین معنی که مقوله‌های سطح هشتم الگو ماهیتی بینابینی دارند به صورتی که نقش رابط بین مقوله‌های الگو را بازی می‌کنند. تحقق سطح هشتم بر اساس داده‌های پژوهش باعث تحقق سطح هفتم الگو می‌شود. سطح هفتم الگو مقوله مشارکت مستقیم مردم در اعمال قدرت است، هویت رابط گونه مقوله مشارکت مستقیم مردم در اعمال قدرت یعنی اینکه خود از مقوله‌های قبلی اثر می‌پذیرد و بر مقوله‌های بعدی خود اثر می‌بخشد؛ به عبارت دیگر مقوله مشارکت مستقیم مردم در اعمال قدرت از نظر اثربخشی دارای رابطه بینابینی است. از نظر فرایندی تحقق سطح هفتم موجبات تحقق سطح ششم الگو که مقوله استقلال و آزادی مطبوعات و رسانه‌هاست را فراهم می‌کند؛ مفهوم مستقل بودن هویت مقوله سطح ششم که تقریباً در وسط الگو قرار دارد بدین معنی است که این مقوله علاوه بر اینکه نقش رابط میان مقوله‌های الگو را دارد؛ از تأثیرگذارترین مقوله‌های مدل است؛ به‌نحوی که کمترین دخالت و تغییر در مقوله استقلال و آزادی مطبوعات و رسانه بر کل مدل اثر می‌گذارد. بر اساس یافته‌های پژوهش و از نظر تحلیل فرایندی تقویت بنیان‌های سطح ششم بر اساس یافته‌ها پژوهش باعث تقویت و بروز سطح پنجم الگو می‌گردد. سه مقوله با هویت رابط سطح پنجم الگو را تشکیل می‌دهند؛ مقوله تعامل جامعه با حاکمیت، مقوله شفافیت و چرخش آزاد اطلاعات و مقوله دستگاه قضایی بی‌طرف، مستقل و غیرسیاسی مقوله‌های سطح پنجم الگو هستند. هریک از مقوله‌های سطح پنجم با توجه به هویت رابطی که دارند در مدل دارای تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بینابینی هستند. در جامعه‌ای که افراد آن با حاکمیت در تعامل باشند، اطلاعات به‌صورت آزادانه و شفاف در اختیار و دسترس همگان قرار گیرد و دستگاه قضایی

بی‌طرف، مستقل از حاکمیت و عاری از سیاسی‌کاری حافظ آزادی‌های اساسی باشد علاوه بر اینکه بر مقوله‌های بعدی الگو اثر می‌گذارد بلکه بر مقوله‌های قبل از سطح خود نیز تأثیر می‌گذارند. از نظر فرایندی تثبیت سطوح شش‌گانه قبلی در بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه نیز مؤثر است. تحلیل‌های نرم‌افزاری صورت گرفته از داده‌های پژوهش حکایت از تعیین مقوله بهبود وضعیت معیشت مردم و اقتصاد جامعه به‌عنوان سطح چهارم الگو دارد. تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از طریق نرم‌افزار میک مک دلالت دارند بر اینکه سطح چهارم الگو هویتی وابسته دارد؛ یعنی اینکه این سطح از الگو بیشترین تأثیر را از سطوح قبلی خود می‌پذیرد؛ اما در برابر دیگر مقوله‌های الگو اثربخشی به نسبت کمتری دارد. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش شناسایی هویت وابسته برای مقوله بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه نسبت به دیگر مقوله‌های الگوی امنیت اجتماعی است؛ بدین معنا که تحقق سطوح قبلی الگو بیشترین تأثیر را بر بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که در جامعه‌ای مبتنی بر پایه‌های الگوی به‌دست‌آمده معیشت مردم و اقتصاد جامعه بهبود پیدا خواهد کرد اما الزاماً بهبود اقتصاد و معیشت مردم باعث تحقق دیگر مقوله‌های الگو نخواهد شد. به بیان دیگر تحقق فضای آزادی‌های اساسی متضمن تحقق و بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه است؛ اما بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه الزاماً باعث پیدایش و تحقق آزادی‌های اساسی نخواهد شد.

سطح سوم الگو دربرگیرنده سه مقوله است. مقوله تضمین حق نقد و اعتراض، مقوله منع تفتیش عقاید و مقوله رفع هرگونه تبعیض مقوله‌هایی هستند که سطح سوم الگو را به خود اختصاص داده‌اند. هویت شناسایی‌شده برای تضمین حق نقد و اعتراض بر اساس تحلیل‌های آماری هویت وابسته آن است؛ بدین معنی که مقوله تضمین حق نقد و اعتراض از دیگر مقوله‌های الگو بیشترین اثربخشی را دارد و اثرگذاری آن به نسبت کمتر از دیگر مقوله‌های الگو است؛ البته این هویت وابسته سبب نمی‌شود که تضمین حق نقد و اعتراض را از سطوح الگو کنار بگذاریم یا احیاناً آن را تضعیف نماییم؛ زیرا کوچک‌ترین تغییر در ساختار این مقوله که خود به دیگر مقوله‌های الگو وابسته است بر کل ساختار الگو اثر می‌گذارد. دیگر مقوله سطح سوم، مقوله منع تفتیش عقاید است. ممنوعیت تفتیش عقاید یکی از بدیهی‌ترین جلوه‌های آزادی در جوامع انسانی است. ممنوعیت تفتیش عقاید از چنان اهمیتی برخوردار است که در اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً بدان تأکید شده است؛ هویت رابط گونه مقوله ممنوعیت تفتیش عقاید در الگو دلالت بر این معنی دارد که هرچند این مقوله بر مقوله‌های الگو تأثیر دارد اما خود نیز از مقوله‌های الگو تأثیرپذیری قوی‌ای دارد. به عبارتی دیگر مقوله منع تفتیش عقاید به‌خودی‌خود کافی برای تحقق یک جامعه مبتنی بر آزادی‌های اساسی نیست؛ هرچند این ممنوعیت لازم است؛ اما تقویت و بنیان آن مستلزم بقاء و تحقق سایر سطوح الگوی امنیت

اجتماعی است.

مقوله رفع هرگونه تبعیض از اصل ۱۹ قانون اساسی قابل استنباط است. این مقوله یکی از سه مقوله سطح سوم الگو است که هویت رابط دارد. مقوله رفع هرگونه تبعیض از بنیان‌های یک جامعه انسانی است. رفع هرگونه تبعیض یکی از بدیهیات دین اسلام و از اصول اولیه انسانی است. هویت رابط بودن مقوله رفع هرگونه تبعیض در تحلیل‌های صورت گرفته دلالت دارد بر این مهم که دیگر مقوله‌های الگو بر تحققش اثر مستقیم دارند؛ به‌گونه‌ای که بدون دیگر مقوله‌های الگو موجودیتش از دست خواهد رفت. به‌عبارتی دیگر رفع هرگونه تبعیض با تحقق سایر سطوح الگو محقق می‌شود و تحققش نیز بر دیگر سطوح تأثیر می‌گذارد.

تحلیل فرایندی الگو حکایت از این واقعیت دارد که دستیابی به سطوح هشت‌گانه مذکور به‌خودی‌خود منجر به تحقق سطح دوم الگو می‌شود. در سطح دوم الگو دو مقوله با هویت‌های مختلف وجود دارد. مقوله آزادی عقیده و بیان با هویتی وابسته و مقوله نظام سیاسی و انتخابات آزاد با هویتی رابط دو مقوله‌ای هستند که در سطح دوم الگو قرار می‌گیرند. آزادی عقیده و بیان با وصف اهمیتی که دارد از اثر پذیراترین مقوله‌های الگو است؛ به‌گونه‌ای که منتفی شدن هریک از مقوله‌های الگو بیشترین تأثیر را بر آن دارد؛ اما در مقابل خود بر سایر مقوله‌های الگو اثرگذار کمتری دارد؛ البته هویت وابسته مقوله آزادی عقیده و بیان بدان معنی نیست که می‌توان آن را الگو خارج کرد؛ بلکه اگر کوچک‌ترین تغییری در آن ایجاد نمود باعث تغییر در ساختار الگو خواهد شد. مقوله بعدی که در سطح دوم الگو قرار دارد مقوله نظام سیاسی و انتخابات آزاد است. در تحلیل‌های صورت گرفته از داده‌های پژوهش برای مقوله نظام سیاسی و انتخابات آزاد هویت رابط شناسایی شد؛ یعنی اینکه یک نظام سیاسی همراه با انتخابات آزاد همان قدر بر الگوی امنیت اجتماعی در ایران تأثیر می‌گذارد که از آن اثر می‌پذیرد؛ به‌بیان دیگر تا زمانی که سطوح قبلی الگو تحقق، تثبیت و تقویت نشوند نمی‌توانیم شاهد یک نظام سیاسی و انتخابات آزاد باشیم در مقابل نیز یک نظام سیاسی و انتخابات آزاد است که می‌تواند بر کل مجموعه امنیت اجتماعی اثر بگذارد.

فرایند الگو چنین نشان می‌دهد که سطح اول الگو برآیند تحقق سطوح نه‌گانه الگو است؛ سطح اول الگو آخرین سطح تعریف‌شده است که دربرگیرنده مقوله جامعه غیرامنیتی، مقوله اعمال مصونیت از افراد و نهادهای حامی آزادی و مقوله حمایت از بزه دیدگان جرائم ناقض آزادی است. سایر سطوح الگو بر اساس مقوله‌های ساختاری و تفسیری بیشترین تأثیرگذاری را در الگو دارند و بر اساس فرایند خود باعث تحقق سطح اول الگو که همان جامعه غیرامنیتی و حامی بزه دیدگان جرائم ناقض آزادی است؛ می‌شود. دیگر مقوله سطح اول که برایش هویت رابط در الگو شناسایی شده است؛ مقوله اعمال مصونیت و حمایت از افراد و نهادهای حامی آزادی است.

میزان اثربخشی و اثرپذیری مقوله سوم سطح اول از دیگر مقوله‌های الگو به میزانی برابر است؛ یعنی اینکه اعمال مصونیت و حمایت از افراد و نهادهای حامی آزادی به همان میزان که بر دیگر مقوله‌های الگو اثر می‌گذارد بر آن‌ها نیز تأثیر دارد.

در مطالب گذشته عرض شد که از لحاظ مبانی نظری دیدگاه‌های متفاوتی راجع به امنیت و آزادی مطرح شده است. یافته‌های پژوهش حاضر که از طریق آن الگوی مطلوب امنیت اجتماعی در ایران ارائه شد به روشنی از نظریات و فلاسفه‌ای که مبنای فکری‌شان امنیت‌گرایی است دوری و کناره گرفته است. الگوی مطلوب امنیت اجتماعی در ایران نمی‌تواند بر پایه‌های تئوری‌های امنیتی اندیشمندانی همچون هابز پایه‌گذاری شود. الگوی ارائه شده حکایت از این واقعیت دارد که نظریه‌های ایجاد تعادل بین امنیت و آزادی نیز در جامعه ایرانی نمی‌تواند موفق باشند؛ نتایج پژوهش نشان داد الگوی به دست آمده نظریه بزرگانی که قائل بر ایجاد تعادل بین امنیت و آزادی هستند را نیز نمی‌پذیرد؛ بلکه الگوی امنیت اجتماعی در ایران می‌بایست بر پایه آزادی‌های اساسی استوار شود؛ آزادی‌های که ذاتی انسان و جزو ماهیت وجودی آن‌ها که در فلسفه جان لاک نیز بر آن‌ها تأکید شده است. جامعه‌ای که بر پایه آزادی استوار نباشد به خودی خود مستعد هرگونه تعدی و تضعیف شئون انسانی است. جامعه‌ای که در آن آزادی ظهور کند، رشد یابد و استوار گردد به راحتی می‌تواند تحولات اجتماعی را در خود هضم کند، مردم را با حاکمیت همراه نماید، نظامیانش خود را از عرصه سیاست دور کنند، فرهنگ حامی آزادی را تقویت کند، مردم را در اعمال قدرت سهم کند، ارکان جامعه را پاسخگو کند، دستگاه قضایی را بی‌طرف نماید، معیشت مردم بهبود بخشد، عقاید آزادانه نشر پیدا کنند و نقد شوند، نظام سیاسی و انتخابات آزاد شود و از بزه دیدگان جرائم ناقض آزادی حمایت و در نهایت جامعه‌ای غیرامنیتی به مفهوم واقعی آن لمس گردد.

تناهی کلام اینکه با تکیه بر الگوی سلسه‌مراتبی به دست آمده است که قانون‌گذار کیفری می‌تواند با در نظر گرفتن هویت و سطح هریک از مقوله‌ها اقدام به تعیین ضمانت اجرای کیفری متناسب با هر یک از مفاهیم داخل در مقوله‌های منعکس در الگو نماید.

فهرست منابع

۱. اکبری، محسن، قیاسی، رضا، آل طه، سید حسن، هوشمند چایجانی، میلاد و آهی، پرویز، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر استفاده ناآگاهانه از شبکه های اجتماعی بر امنیت اجتماعی با تعدیل گری درگیری ذهنی کاربران، فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، سال یازدهم، شماره یک، ۸۴-۶۵.
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۳)، تحلیل الگوی تعامل آزادی و امنیت، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، شماره ۳۸، ۹۹-۸۳.
۳. احمدی، اصغر، خسروشاهی، قدرت الله، شاملو، باقر، (۱۳۹۵)، حمایت کیفری از محیط زیست شهری در حقوق کیفری ایران، مجله اقتصاد شهری، شماره ۲، ۵۴-۳۷.
۴. فهیمه، سمیرا پور، سعادت یار، سادات و بیطرف، فاطمه، (۱۳۹۳)، رضایت از پلیس و بررسی نقش عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه های شهر اصفهان، مجله انتظام اجتماعی، سال ششم پاییز، شماره ۳، ۸۰-۵۷.
۵. صالحی امیری، سید رضا و افشاری نادری، افسر، (۱۳۹۶)، مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران، راهبرد، شماره ۵۴، ۷۶-۴۹.
۶. عبدالهی، محمد، (۱۳۹۸)، طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت ها در مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه و انجمن جامعه شناسی ایران.
۷. افشانی، سید علیرضا و فرقانی، مهناز، (۱۳۹۶)، تفاوت بین نسلی احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۷۱، ۱۹۹-۱۷۳.
۸. عزیزاده، محمد، (۱۳۹۵)، بررسی و مقایسه رابطه آزادی و امنیت در اندیشه سیاسی توماس هابز و جان لاک، مجله هستی و شناختی، شماره ۲، ۱۰۶-۸۵.
۹. رحمدل، منصور، (۱۳۹۲)، حمایت کیفری از حقوق ملت، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۸، ۸۴-۵۹.
10. Buzan, Barry; Weaver, Ole (1998). Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan, Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers. 79-98pp.
11. Hunter, E. (2019). Class List [not equal to] Friend List. Educational Horizons, 90(2), 21-22. Retrieved from <http://goo.gl/21P5d8>.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۹۲ - ۲۶۷

مسئولیت پذیری معلمان: نقش پیش بینی کنندگی فرهنگ مدرسه و اخلاق حرفه ای در مدارس ابتدایی

اعظم نیکوکار^۱

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین نقش فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای با مسئولیت‌پذیری معلمان در مدارس ابتدایی اجرا شد. هدف این پژوهش کاربردی، و از نظر روش این پژوهش توصیفی-همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی شهرستان ساوه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ می‌باشد که تعداد آن‌ها ۱۰۸۶ نفر می‌باشد. نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۸۴ نفر انتخاب شد. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه‌های مسئولیت‌پذیری معلم لارمن و کارابنیک (۲۰۱۳)، با ۱۳ سوال، فرهنگ مدرسه گرونرت و ولنتاین (۱۹۹۸)، با ۳۵ سوال و اخلاق حرفه‌ای کادوزیر (۲۰۰۲)، با ۱۶ سوال بود، همچنین میزان پایایی پرسشنامه‌ها توسط آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۲ و ۰/۸۴ محاسبه گردید. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات داده‌ها در بخش آمار استنباطی از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۷ استفاده شد. نتایج نشان داد که هر دو متغیر فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری معلمان می‌باشند ($p < 0/05$)، به این صورت که سهم فرهنگ حاکم بر مدرسه ۲۳ درصد و سهم اخلاق حرفه‌ای ۳۸ درصد می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت اخلاق حرفه‌ای بیشترین سهم را در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری معلمان دارد. در نتیجه، ارتقای مسئولیت‌پذیری معلمان نیازمند تمرکز هم‌زمان بر اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ حاکم بر مدرسه است. این دو عنصر به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و در کنار هم موجب بهبود تعاملات آموزشی، افزایش کیفیت تدریس و دستیابی به اهداف تربیتی می‌شوند.

واژگان کلیدی

فرهنگ حاکم بر مدرسه، اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری معلمان.

۱. استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: nico_502000@iau-saveh.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۷/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۱۸

طرح مسأله

در عصر تحولات سریع اجتماعی و سازمانی، اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیری فردی به‌عنوان دو مؤلفه بنیادین در شکل‌گیری رفتارهای مؤثر و پایدار، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات علوم تربیتی و مدیریت آموزشی یافته‌اند. تعهد فردی نسبت به وظایف محوله و دغدغه‌های درونی و آرمانی، از جمله ویژگی‌های شخصیتی مهمی است که در تعاملات حرفه‌ای و اجتماعی نقش تعیین‌کننده دارد (خطیبی و زند، ۱۴۰۳). مسئولیت‌پذیری، مفهومی فراتر از انجام وظایف روزمره است و به معنای درک موقعیت فردی، توجه به نیازهای دیگران و تلاش برای بهبود شرایط جمعی تعریف می‌شود (اصغرنژاد و همکاران، ۱۴۰۲).

در سال‌های اخیر، سازمان‌ها با چالش‌هایی مواجه شده‌اند که ریشه در بی‌توجهی به اصول اخلاقی توسط کارکنان دارد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که دستیابی به نیروی انسانی مؤثر، مسئولیت‌پذیر و حساس به چالش‌های محیطی و درون‌سازمانی، از طریق نهادینه‌سازی اخلاق حرفه‌ای در ساختار سازمانی امکان‌پذیر است. در این میان، مدرسه به‌عنوان یکی از نهادهای کلیدی تربیتی، نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت این ارزش‌ها ایفا می‌کند (ریسان و همکاران، ۲۰۱۸).

فرهنگ مدرسه، به‌عنوان یکی از موضوعات نوظهور در ادبیات رهبری آموزشی، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت بوده است. اگرچه بررسی علمی این مفهوم به دهه‌های اخیر بازمی‌گردد، اما ریشه‌های آن را می‌توان در تاریخچه آموزش رسمی و روابط درون‌کلاسی جست‌وجو کرد (پاکزاد و همکاران، ۱۴۰۱). فرهنگ مدرسه نه تنها بر جو اجتماعی کلاس و تعاملات آموزشی تأثیرگذار است، بلکه در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلمان و نحوه ارتباط آنان با فراگیران و همکاران نیز نقش اساسی دارد. شناخت این فرهنگ، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای معلمان و مسئولان نظام آموزشی است؛ چرا که بدون درک صحیح از فضای فرهنگی حاکم بر مدرسه، دستیابی به تعاملات مؤثر و تحقق اهداف تربیتی دشوار خواهد بود (سلیمان‌پورعمران، ۱۴۰۰).

با وجود مطالعات متعدد در زمینه اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری و فرهنگ مدرسه، پژوهش حاضر با رویکردی نوآورانه و تلفیقی، به بررسی پیوند میان این سه مؤلفه کلیدی می‌پردازد. نوآوری این مقاله در تمرکز هم‌زمان بر ابعاد اخلاقی فردی و ساختار فرهنگی مدرسه و تحلیل تأثیر آن‌ها بر کیفیت تعاملات آموزشی و عملکرد سازمانی است. برخلاف بسیاری از پژوهش‌های پیشین که هر یک از این مؤلفه‌ها را به‌صورت مجزا بررسی کرده‌اند، این مطالعه تلاش دارد تا با ارائه چارچوبی نظری و کاربردی، زمینه‌ساز تحول در نگرش‌های مدیریتی و تربیتی در مدارس

باشد. بدین ترتیب، مقاله حاضر نه تنها خال‌های موجود در ادبیات پژوهشی را پوشش می‌دهد، بلکه افق‌های تازه‌ای را برای پژوهش‌های آتی در حوزه رهبری آموزشی و روان‌شناسی تربیتی می‌گشاید.

مسئولیت‌پذیری، یکی از جنبه‌های اخلاقی است که توجه به آن در همه سازمان‌ها و بوسیله کارکنان شاغل نیازمند توجه است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲). مسئولیت‌پذیری^۱ به عنوان یکی از شاخص‌های رفتار مدنی در تمامی سازمان‌ها و نظام‌های اجتماعی امری بدیهی و قابل قبول شده است. اگرچه مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از مفاهیم جدید عصر حاضر شناخته می‌شود، اما سازمان‌های امروزی را نسبت به نیازهای محیطی، مشتریان و مصرف‌کنندگان خدمات خود آگاه ساخته و این هدف را در مأموریت‌ها و استراتژی‌های سازمانی خود پیاده کرده است. آنها تمام تلاش خود را برای توجه هر چه بیشتر انجام می‌دهند و دستیابی به این نوع رفتار در بین کارکنان این سازمان‌ها یکی از آرزوهای موفقیت‌مدار است (اعتماد، ۱۳۹۸). رفتار مسئولانه یکی از شاخص‌های یک فرد سالم در هر جامعه‌ای است. نظام آموزشی یکی از ارکان توسعه اجتماعی در جامعه است. یکی از اهداف اصلی نظام آموزشی، توسعه مهارت‌های اجتماعی از جمله مسئولیت است. در واقع، بر اساس نتایج لئونیداس^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، افزایش احساس مسئولیت منجر به بهبود تعهد اجتماعی افراد در سازمان‌ها می‌شود که به دنبال آن ثبات اجتماعی و سلامت اجتماعی در جامعه به‌ویژه در میان افراد تحصیل‌کرده است، همچنین مسئولیت‌پذیری انتظام بخش سیستم آموزشی است که در صورت بهبود و افزایش میل و رغبت معلمان به انجام تعهدات و مسئولیت‌های اجتماعی به عنوان نتیجه مثبت قابل بیان است (فتحی و طالونی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان‌ها اثربخش در سطح نهادی، چگونگی ایجاد بستر مناسب برای پایداری عوامل انسانی به اخلاق کاری و اخلاق حرفه‌ای خود است. تحقق اهداف سازمانی در گرو به کارگیری صحیح منابع انسانی بوده و توجه به اخلاق حرفه‌ای^۳ کارکنان یکی از ضروریات مدیریت منابع انسانی است (باشکوه اجیرلو و همکاران، ۱۴۰۰). اخلاق حرفه‌ای در دهه گذشته مورد توجه بسیاری از سازمان‌های ایرانی بوده است. فرهنگ سازمانی به عنوان یک عامل مهم در موفقیت یا شکست یک سازمان شناخته می‌شود همچنین در سازمان آموزش و پرورش معلمان نقش اساسی در پرورش و آموزش نسل‌های آینده دارند و امام‌علی (ع)، که یکی از بزرگان تاریخ اسلام و یکی از پیشوایان عدالت و انصاف بوده است، اهمیت ویژه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای معلمان و اصل عدالت در آن قرار داده است (شجاعی و فدائی، ۱۴۰۳). اخلاق

1. responsibility

2. Leonidas

3. Ethics

حرفه‌ای معلمان نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. معلمان با رفتارهای اخلاقی خود، مثل نمونه‌سازی و ارائه مدل‌های اخلاقی، می‌توانند به بهبود مهارت‌های تصمیم‌گیری دانش‌آموزان کمک کنند (شامگانی و افشاری، ۱۴۰۳).

معلمان به عنوان افرادی که در معرض دید و تعامل مستقیم با دانش‌آموزان قرار دارند، می‌توانند نقش بسیار بزرگی در شکل‌دهی به روند یادگیری و پرورش اخلاقی دانش‌آموزان داشته باشند. اصول اخلاق حرفه‌ای معلمان به عنوان یکی از موارد جدی در ارتقای مسئولیت‌پذیری آن‌ها در قبال سطح کارایی و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان مهم تلقی می‌شود (قصابی فرد و همکاران، ۱۴۰۳).

همچنین فرهنگ حاکم بر مدرسه از جمله موضوعاتی است که در جامعه‌ی آموزشی ما کمتر به آن پرداخته شده است و فرهنگ همچون شخصیت است به این معنا که هر گونه فعالیتی که در مدرسه انجام شود تحت تاثیر فرهنگ آن مدرسه قرار دارد و برگرفته از آن است (محمدجانی، ۱۴۰۳). علاوه بر این، نظرات دانش‌آموزان و والدین آنها در مورد مدیر، معلمان و رهبران و همچنین نظر آنها در مورد میزان حمایت مدرسه در زمینه‌های مختلف، بخشی از فرهنگ مدرسه است. فرهنگ مدرسه تعیین می‌کند که همه اعضا چگونه نقش مدرسه را احساس و می‌بینند و چگونه در انجام مسئولیت‌های خود عمل می‌کنند (ترچانی و همکاران، ۱۳۹۸). فرهنگ مدرسه طرز تفکر اعضای مدرسه در نحوه رویارویی با مشکلات، گوش دادن، درک و تجزیه و تحلیل مسائل و تصمیم‌گیری برای دستیابی به اهداف معین است، به عبارت دیگر فرهنگ مدرسه شیوه‌های احساس، دانستن، تفکر، عمل، رفتار افراد را ایجاد می‌کند و فرهنگی که در یک مدرسه وجود دارد بر رفتار اعضا، معلمان و دانش‌آموزان آن تأثیر می‌گذارد و افکار و اعمال آنها را هدایت می‌کند (ترچانی و همکاران، ۱۳۹۸).

امروزه پیچیده‌شدن روزافزون سازمانها و افزایش میزان کارهای غیراخلاقی و غیرقانونی در محیط‌های کاری، توجه رهبران را به ایجاد و حفظ اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی در همه‌ی سازمانها ضروری کرده است (غلام‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). اخلاق، مسئولیت و پاسخگویی که می‌توان آنها را باید و نبایدهای ارزشی - فلسفی و ملاک و معیار سنجش درستی و نادرستی رفتار نسبت به خود و دیگران و جامعه تعریف کرد، از مباحثی است که در یکی دو دهه‌ی اخیر مورد توجه دانشمندان و صاحب‌نظران علم مدیریت قرار گرفته است. مفهوم اخلاق حرفه‌ای به مجموعه‌ای از قوانین اخلاقی گفته می‌شود که از ماهیت حرفه یا شغل به‌دست آمده است (قنبرپور و همکاران، ۱۳۹۸).

ضرورت پژوهش از این جهت است که در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی در جهت تحول بنیادین در آموزش و پرورش در راستای کیفیت‌بخشی و ارتقای رفتار مسئولانه و پاسخگو از طرف

دبیران صورت گرفته است؛ اما تحولات اخیر تأثیر آنچنان شگرف و قابل توجهی از خود به‌جای نگذاشته‌اند؛ چرا که پایه‌ی هر تحول در آموزش و پرورش به تغییر رفتار فردی و جمعی نیروی انسانی موجود برمی‌گردد. دبیران به عنوان یکی از ارکان اساسی و تأثیرگذار در تعلیم و تربیت هر جامعه، در تحقق اهداف، توسعه‌ی سازمانی و توسعه‌ی اجتماعی نقش کلیدی دارند و نیازمند متصف‌بودن به اخلاقیات و داشتن روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری، به‌منظور ایجاد و پرورش این ویژگی در بین شهروندان آینده‌ی هر جامعه و کشور هستند.

بر این اساس، پرداختن به مقوله‌ی دبیران پاسخگو و مسئولیت‌پذیر برای تحقق اهداف سازمانهای آموزشی به عنوان یک اولویت سازمانی و فراهم‌آوردن زمینه‌های این‌گونه رفتارهای اساسی در مدارس، واقعیتی لازم و ضروری است. مسئولیت‌پذیری یکی از ضرورت‌های کلیدی مدیریت در شرایط کنونی سازمان محسوب می‌شود. در واقع پاسخگویی یکی از ارکان اصلی مدیریت است که تصویری از عدالت، برابری، اعتماد و انصاف را به ذهن متبادر می‌سازد و می‌تواند برای بهبود شرایط و اثربخشی مدیریت در سازمان‌ها مورد استفاده قرار گیرد (صمیمی و همکاران، ۱۳۹۸). از آنجا که مدرسه کانون زلزله‌ی هر جامعه محسوب می‌شود، شناخت مدرسه و فرهنگ حاکم بر آن برای تغییر و تحول در هر جامعه‌ای ضروری و حیاتی است. انجام این پژوهش در جهت افزایش کارایی معلمان، بالارفتن بهره‌وری سازمانی، بهبود ارتباطات، افزایش مسئولیت‌پذیری برای معلمان، پرسنل و سازمانهای آموزشی به کار می‌رود.

سلیمفرد و وحدت (۱۴۰۳)، پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط مسئولیت‌پذیری شخصی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای از طریق عجمین شدن با شغل و تطبیق‌پذیری شغلی در معلمان ابتدایی، سومین کنگره علمی دانشجویان روانشناسی انجام دادند. طرح پژوهشی تحقیق حاضر، توصیفی همبستگی و از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری معلمان مقطع ابتدایی نواحی یک و دو شهر اورمیه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ به تعداد ۲۴۸۷ نفر بودند که نمونه آماری به روش تصادفی خوشه‌ای ۳۳۵ نفر برآورد شد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که بین مسئولیت‌پذیری شخصی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای، عجمین شدن با شغل و تطبیق‌پذیری شغلی در معلمان ابتدایی ارتباط مستقیم، مثبت و معنادار وجود دارد. بین مسئولیت‌پذیری شخصی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق عجمین شدن با شغل در معلمان ابتدایی ارتباط غیرمستقیم، مثبت و معنادار وجود دارد. بین مسئولیت‌پذیری شخصی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق تطبیق‌پذیری شغلی در معلمان ابتدایی ارتباط غیرمستقیم، مثبت و معنادار وجود دارد. بین مسئولیت‌پذیری شخصی با اخلاق حرفه‌ای از طریق عجمین شدن با شغل در معلمان ابتدایی ارتباط غیرمستقیم، مثبت و معنادار وجود دارد. بین مسئولیت‌پذیری شخصی با اخلاق حرفه‌ای از طریق تطبیق‌پذیری شغلی در معلمان ابتدایی ارتباط غیرمستقیم،

مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.001$).

فتحی چگنی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان «رابطه علی سبک رهبری اصیل، فرهنگ مدرسه و شخصیت پویا با اشتیاق شغلی معلمان: نقش میانجی قرارداد روان‌شناختی» انجام داده‌اند. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، از نوع مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه ی آماری پژوهش شامل کلیه معلمان شاغل دوره ابتدایی در آموزش و پرورش نواحی یک و دو شهرستان خرم آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود که تعداد آنها مطابق با آمار اخذ شده از ادارات کارگزینی این نواحی برابر با ۱۴۵۰ نفر بود. حجم نمونه ی آماری بر اساس قاعده استیونس برابر با ۲۵۵ نفر بود که بر اساس روش نمونه گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه بین سبک رهبری اصیل با اشتیاق شغلی معلمان، رابطه بین فرهنگ مدرسه و اشتیاق شغلی معلمان، رابطه بین شخصیت پویا و اشتیاق شغلی معلمان و رابطه بین قرارداد روان‌شناختی و اشتیاق شغلی معلمان مثبتو معنادار می‌باشد، همچنین قرارداد روان‌شناختی در رابطه رهبری اصیل و اشتیاق شغلی، در رابطه فرهنگ مدرسه و اشتیاق شغلی و در رابطه شخصیت پویا و اشتیاق شغلی نقش میانجی را ایفا می‌کند.

مظفری و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان «رابطه جو اخلاقی با اخلاق حرفه‌ای با نقش میانجی اشتیاق شغلی معلمان دوره ابتدایی» انجام داده‌اند. جامعه پژوهش کلیه ی معلمان دوره ابتدایی شهر قروه می‌باشد، که در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تدریس هستند، که حجم جامعه بر اساس آمار به دست آمده از معاونت آموزش ابتدایی اداره آموزش و پرورش برابر با ۳۲۴ نفر می‌باشد. که از این جامعه با روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی و بر مبنای فرمول کوکران نمونه‌ای به حجم ۱۷۶ معلم انتخاب شد. روش پژوهش کمی از نوع مطالعات همبستگی و رویکرد مدل سازی معادله ساختاری کوواریانس محور است. جو اخلاقی دارای اثر مستقیم، مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۵ بر متغیر اخلاق حرفه‌ای بود. جو اخلاقی دارای اثر مستقیم، مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۵ بر متغیرهای اخلاق حرفه‌ای و اشتیاق شغلی بود. جو اخلاقی بواسطه اشتیاق شغلی دارای اثر غیر مستقیم، مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۵ بر اخلاق حرفه‌ای معلمان بود، همچنین جو اخلاقی و اشتیاق شغلی قادر به تبیین ۵۶ درصد واریانس اخلاق حرفه‌ای معلمان بودند.

فاطمیما و ماتو^۱ (۲۰۲۵)، پژوهشی باعنوان تحلیل پیش‌نگرانه اخلاق حرفه‌ای در آموزش معلمان انجام دادند. این مقاله با رویکرد کیفی و تحلیلی انجام شده است. نویسندگان از روش تحلیل اسنادی و مرور نظام‌مند منابع بهره گرفته‌اند تا روندهای اخلاقی در آموزش معلمان را

بررسی کنند. تمرکز اصلی بر تحلیل مفاهیم اخلاق حرفه‌ای، چالش‌های تربیتی، و انتظارات آینده در تربیت معلمان بوده است. داده‌ها از منابع معتبر بین‌المللی گردآوری شده و با استفاده از چارچوب‌های نظری اخلاق حرفه‌ای طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای در آموزش معلمان نه تنها یک ضرورت تربیتی، بلکه یک پیش‌شرط برای مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای و عملکرد مؤثر در محیط مدرسه است. مقاله تأکید می‌کند که نهادینه‌سازی اصولی مانند صداقت، احترام، عدالت، و تعهد در برنامه‌های تربیت معلم، تأثیر مستقیمی بر رفتار حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیری آنان دارد. همچنین، نویسندگان هشدار می‌دهند که در صورت غفلت از آموزش اخلاقی، معلمان ممکن است در مواجهه با موقعیت‌های پیچیده تربیتی دچار سردرگمی یا تعارض شوند. مقاله پیشنهاد می‌کند که اخلاق حرفه‌ای باید به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های تربیت معلم در نظر گرفته شود تا زمینه‌ساز توسعه پایدار در نظام آموزشی باشد.

رینیوس^۱ و همکاران (۲۰۲۴) پژوهشی تحت عنوان «فرصت درک شده مسئولیت‌پذیری معلمان برای کمک به تحول فرهنگ مدرسه» انجام داده‌اند. در مجموع، ۳۵ معلم از سه مدرسه در هلستینکی، فنلاند، مصاحبه شدند. پنج نمایه معلم تجزیه و تحلیل شدند و بنابراین، پنج روش مختلف برای نزدیک شدن به تحول فرهنگ مدرسه را نشان داد: (۱) بیننده، (۲) مسئولیت‌پذیری، (۳) ناظر مشارکت‌کننده، (۴) سنت‌گرا، و (۵) کناره‌گیری استرس‌زا. جهت‌گیری معلمان به کار توسعه مدرسه و دریافت حمایت سازمانی بر فرصت‌های مشارکت درک شده معلمان تأثیر گذاشت. علاوه بر این، پروفایل‌های شناسایی شده، حمایت سازمانی مورد نیاز برای کار توسعه مدرسه را متفاوت تجربه کردند. برای برخی، عمدتاً زمان مشترک برای همکاری بود، در حالی که برای برخی دیگر، به معنای ساختارهای دوباره سازماندهی شده بود. نتایج نشان می‌دهد که حمایت‌های متنوعی برای مشارکت دادن کل جامعه معلمان در تحول فرهنگ مدرسه مورد نیاز است و رهبران مدرسه باید به این نکته توجه کنند.

هاینلا و کورمه^۲ (۲۰۲۴) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر فرهنگ مدرسه، جو مدرسه، و رضایت شغلی معلمان بر رابطه معلم و دانش آموز: مطالعه موردی در چهار مدرسه استونی» انجام داده‌اند. هدف از این پژوهش شناسایی عوامل جو مدرسه که رضایت شغلی معلمان و دانش آموزان را تضمین می‌کند و بررسی تأثیر این عوامل بر رابطه معلم و دانش آموز بود. یافته‌ها بر اساس نتایج مصاحبه با معلمان ($n=40$) و دانش آموزان ($n=39$) و نتایج پرسشنامه دانش آموزان ($n=139$) در چهار مدرسه انجام شده است. معلمان و دانش آموزانی که از مدرسه و شغل خود راضی بودند،

1. Reinius

2. Heinla & Kuurme

رابطه معلم و دانش آموز را از جنبه‌های زیر درک کردند: توانایی دانش آموزان، گشودگی به دانش، شناخت ویژگی‌های شخصی، رفتار برابر و در نظر گرفتن دانش آموزان. علیرغم آشفتگی بیرونی در سیستم مدارس استونی، همه مدارس هنوز این استقلال را دارند که مدرسه خود را به واحدی تبدیل کنند که همه طرفین در آن احساس رضایت کنند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

بین فرهنگ حاکم بر مدرسه و سطح اخلاق حرفه‌ای معلمان با میزان مسئولیت‌پذیری آنان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. بین مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی مدرسه با مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای معلمان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد.
۲. بین سطح پایبندی معلمان به اصول اخلاق حرفه‌ای با میزان مسئولیت‌پذیری آنان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر روش گردآوری داده‌ها میدانی و کتابخانه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی شهرستان ساوه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ به تعداد ۱۰۸۶ نفر بود. نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۸۴ نفر انتخاب شد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها

۱- پرسشنامه مسئولیت‌پذیری معلم لارمن و کارابنیک (۲۰۱۳)

برای ارزیابی احساس مسئولیت معلم از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری معلم لارمن و کارابنیک (۲۰۱۳) استفاده شد، این مقیاس ۱۳ گویه دارد و چهار خرده مقیاس را می‌سنجد که شامل مسئولیت‌پذیری برای انگیزش دانش آموزان (سؤالات ۱-۳)، مسئولیت‌پذیری برای موفقیت دانش آموزان (سؤالات ۴-۷)، مسئولیت‌پذیری برای رابطه با دانش‌آموزان (سؤالات ۸-۱۰)، مسئولیت‌پذیری برای تدریس (سؤالات ۱۱-۱۳) است. آزمودنی بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای ۱= اصلاً احساس مسئولیت نمی‌کنم، ۲= کم احساس مسئولیت می‌کنم، ۳= در حد متوسط احساس مسئولیت می‌کنم، ۴= زیاد احساس مسئولیت می‌کنم ۵= کاملاً احساس مسئولیت می‌کنم میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر ماده گزارش می‌کند. برای به دست آوردن نمره کل نمره‌ی همه‌ی عبارات با هم جمع می‌شود. این پرسشنامه استاندارد می‌باشد.

۲- پرسشنامه فرهنگ مدرسه گرونرت و ولنتاین (۱۹۹۸)

پرسشنامه فرهنگ مدرسه توسط گرونرت و ولنتاین (۱۹۹۸) طراحی شد. این پرسشنامه دارای ۳۵ سؤال و ۶ خرده مقیاس رهبری همیارانه (۱۱ سؤال)، مشارکت معلمان (۶ سؤال)، توسعه حرفه‌ای (۵ سؤال)، وحدت هدف (۵ سؤال)، حمایت همکاران (۴ سؤال) و مشارکت در یادگیری (۴ سؤال) بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (عدد ۱ = کاملاً مخالفم و عدد ۵ = کاملاً موافقم) تهیه شده است.

۳- پرسشنامه اخلاق حرفه‌ای کادوزیر (۲۰۰۲)

این پرسشنامه به منظور سنجش اخلاق حرفه‌ای از ۱۶ سوال که اخلاق حرفه‌ای را در ۸ بعد مسئولیت‌پذیری (سوالات ۱، ۲)، صادق بودن (سوالات ۳، ۴)، عدالت و انصاف (سوالات ۵، ۶)، وفاداری (سوالات ۷، ۸)، برتری‌جویی و رقابت‌طلبی (سوالات ۹، ۱۰)، احترام به دیگران (سوالات ۱۱، ۱۲)، همدردی با دیگران (سوالات ۱۳، ۱۴) و رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی (سوالات ۱۵، ۱۶)، اندازه‌گیری می‌کند، استفاده می‌کند. سوالات این پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (خیلی کم: ۱ تا خیلی زیاد: ۵) نمره‌گذاری می‌شوند.

روایی و پایایی پرسشنامه

۱- روایی و پایایی پرسشنامه مسئولیت‌پذیری معلم لارمن و کارابنیک (۲۰۱۳)

برای بررسی روایی صوری و محتوایی آن از نظرات اساتید و متخصصان استفاده شد. و در پژوهش‌های مختلفی به کار گرفته شده و روایی و پایایی آن مورد تأیید می‌باشد. در پژوهش خانی و قریشی (۲۰۱۴) ضریب آلفای کرونباخ برای مسئولیت‌پذیری معلم ۰/۷۷ گزارش شده است. در پژوهش چگینی و لواسانی (۱۳۹۷) شاخص کفایت نمونه‌گیری ($KMO=۰/۸۶$) گزارش شده و تحلیل عوامل مسئولیت‌پذیری معلمان به چهار عامل اصلی منجر شد که بر روی هم حدود ۷۳ درصد تغییرات مقیاس مسئولیت‌پذیری معلمان را تبیین می‌کند. آن‌ها ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. میزان پایایی در این پژوهش نیز در جدول ذیل آورده شده است:

مؤلفه‌ها	آلفای کرونباخ
احساس مسئولیت معلم برای انگیزش دانش‌آموزان	۰/۷۵۶
مسئولیت‌پذیری معلم برای موفقیت دانش‌آموزان	۰/۸۲۲
مسئولیت‌پذیری برای تدریس	۰/۸۳۴
احساس مسئولیت معلم برای رابطه با دانش‌آموزان	۰/۸۴۰
پایایی کل	۰/۸۷۵

۲- روایی و پایایی پرسشنامه فرهنگ مدرسه گرونرت و ولنتاین (۱۹۹۸)

برای بررسی روایی صوری و محتوایی آن از نظرات اساتید و متخصصان آموزشی استفاده شد. روایی پرسشنامه با روش تحلیل عاملی توسط کولایی و همکاران (۱۳۹۶) تایید شده است، پایایی پرسشنامه نیز برای خرده مؤلفه‌های پرسشنامه به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۷۰، ۰/۸۳، ۰/۸۸، ۰/۹۱، ۰/۸۵ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۷ توسط آنها گزارش شد. گرونرت و ولنتاین (۱۹۹۸) نیز پایایی خرده مقیاس‌های پرسشنامه را برای رهبری همیارانه، ۰/۹۱، حمایت همکاران، ۰/۸۰، مشارکت در یادگیری، ۰/۶۶، توسعه حرفه‌ای، ۰/۸۷، مشارکت معلمان، ۰/۸۳، وحدت هدف، ۰/۸۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی کل این پرسشنامه ۰/۸۷۴ بدست آمد. میزان پایایی در این پژوهش نیز در جدول ذیل آورده شده است:

مؤلفه‌ها	آلفای کرونباخ
رهبری همیارانه	۰/۸۱۶
مشارکت معلمان	۰/۸۴۵
توسعه حرفه‌ای	۰/۸۶۳
وحدت هدف	۰/۷۹۴
مشارکت در یادگیری	۰/۷۳۳
پایایی کل	۰/۸۲۱

۳- روایی و پایایی پرسشنامه اخلاق حرفه‌ای کادوزیر (۲۰۰۲)

برای بررسی روایی صوری و محتوایی آن از نظرات اساتید و متخصصان آموزشی استفاده شد. جهت تعیین پایایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد، مقادیر آلفای کرانباخ کل و ابعاد پرسشنامه اخلاق حرفه‌ای در دامنه (۰/۷۲ تا ۰/۹۴) گزارش شد که بیانگر پایایی مناسب پرسشنامه اخلاق حرفه‌ای است. جهت تعیین روایی ابزار از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول استفاده شد. با توجه به نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول (در تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول، رابطه عامل یا عامل‌ها (متغیرهای پنهان) با گویه‌ها (متغیرهای مشاهده‌پذیر) مورد سنجش قرار گرفت. در این روش هیچ‌گونه رابطه‌ای بین متغیرهای پنهان مورد بررسی قرار نگرفت. این نوع مدل اندازه‌گیری صرفاً برای اطمینان از آن است که متغیرهای پنهان درست اندازه‌گیری شده‌اند) می‌توان گفت پرسشنامه دارای برازش مناسب و قابل قبول (روایی) است. میزان پایایی در این پژوهش نیز در جدول ذیل آورده شده است:

مولفه‌ها	آلفای کرونباخ
مسئولیت‌پذیری	۰/۸۵۵
صادق بودن	۰/۸۴۶
عدالت و انصاف	۰/۷۵۶
وفاداری	۰/۸۳۲
برتری‌جویی و رقابت طلبی	۰/۸۶۹
احترام به دیگران	۰/۹۱۵
پایایی کل	۰/۸۴۵

داده‌های آماری از طریق نرم افزار spss و رزن ۲۲ ثبت رایانه شده است. این داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی تنظیم گردیده است. در بخش مربوط به آمار توصیفی، شاخص‌های جمعیت‌شناختی نمونه با ارائه فراوانی و درصد مورد بررسی قرار گرفته است. سپس، در بخش آمار استنباطی هر یک از فرضیه‌ها با استفاده از آزمون همبستگی و رگرسیون مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌های توصیفی

جدول: آماره توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مسئولیت‌پذیری معلم برای انگیزش دانش‌آموزان	13.16	1.566	9	15
مسئولیت‌پذیری معلم برای موفقیت دانش‌آموزان	15.74	4.310	10	25
مسئولیت‌پذیری برای رابطه با دانش‌آموزان	13.02	1.614	9	15
مسئولیت‌پذیری معلم برای تدریس	13.37	1.258	11	15
مسئولیت‌پذیری (کل)	55.29	4.529	49	67
رهبری همیارانه	38.87	7.630	24	55
مشارکت معلمان	18.18	6.223	9	29
توسعه حرفه‌ای	16.42	4.513	12	25
وحدت هدف	17.32	5.387	12	25
حمایت همکاران	14.76	2.678	11	20
مشارکت در یادگیری	14.07	2.555	9	20
فرهنگ مدرسه (کل)	119.61	12.200	87	142
مسئولیت‌پذیری	6.49	2.062	2	10
صادق بودن	7.04	1.720	4	10

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
عدالت و انصاف	6.34	2.083	2	10
وفاداری	6.69	1.823	4	10
برتری‌جویی و رقابت طلبی	6.77	1.992	2	10
احترام به دیگران	7.12	1.647	4	9
همدردی با دیگران	7.15	1.847	4	10
رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی	6.95	1.723	4	10
اخلاق حرفه‌ای (کل)	54.54	5.527	43	64

براساس یافته‌های جدول: میانگین مسئولیت‌پذیری (کل) (۵۵/۲۹)، میانگین فرهنگ مدرسه (کل) (۱۱۹/۶۱) و میانگین اخلاق حرفه‌ای (کل) (۵۴/۵۴) می‌باشد. همچنین سایر شاخص‌های پراکندگی نیز برای متغیرها در جدول فوق مشخص می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

مفروضه ۱) تعیین برقراری نرمال بودن توزیع داده‌ها

برای بررسی نرمال بودن داده‌های متغیرها از آزمون «کلموگروف-اسمیرنوف»^۱ استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۴-۶ ارائه شده است.

جدول: نرمال بودن توزیع داده‌ها

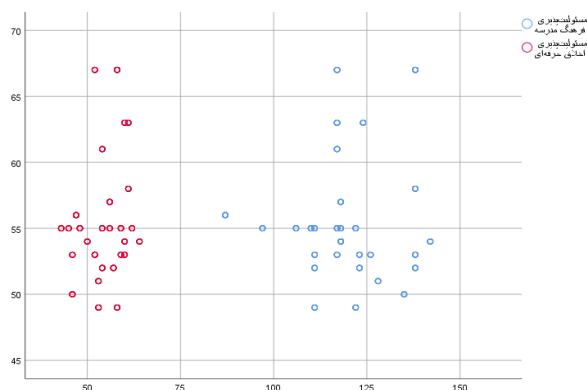
متغیر	آماره‌ی Z کلموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی‌داری (Sig)
مسئولیت‌پذیری معلم برای انگیزش دانش آموزان	.205	.352
مسئولیت‌پذیری معلم برای موفقیت دانش آموزان	.265	.284
مسئولیت‌پذیری برای رابطه با دانش آموزان	.161	.514
مسئولیت‌پذیری معلم برای تدریس	.196	.321
مسئولیت‌پذیری (کل)	.258	.251
رهبری همیارانه	.141	.118
مشارکت معلمان	.245	.269
توسعه حرفه‌ای	.257	.352
وحدت هدف	.231	.152
حمایت همکاران	.197	.362

متغیر	آماره ی Z کلموگروف - اسمیرنوف	سطح معنی داری (Sig)
مشارکت در یادگیری	.224	.248
فرهنگ مدرسه (کل)	.141	.325
مسئولیت پذیری	.205	.555
صادق بودن	.181	.321
عدالت و انصاف	.198	.141
وفاداری	.260	.284
برتری جویی و رقابت طلبی	.221	.223
احترام به دیگران	.299	.384
همدردی با دیگران	.248	.229
رعایت و احترام نسبت به ارزش ها و هنجارهای اجتماعی	.233	.127
اخلاق حرفه ای (کل)	.105	.254

همان طور که در جدول ملاحظه می شود، با توجه به این که فرض صفر، مربوط به نرمال بودن متغیرها و فرض یک، مربوط به نرمال نبودن متغیرها می باشد؛ چون سطح معنی داری تمامی متغیرها بزرگ تر از $0/05$ است؛ فرضیه صفر تأیید شد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که متغیرها در سطح معنی داری $0/05$ و با 95% اطمینان دارای توزیع نرمال می باشند، بنابراین می توان از آزمون پارامتریک همبستگی پیرسون جهت آزمون فرضیه ها استفاده نمود.

مفروضه ۲) بررسی رابطه خطی بین متغیرها

جهت بررسی رابطه خطی بین متغیرها از منحنی های پراکنش استفاده شده است که در نمودار زیر نشان داده شده است. که با توجه به این نمودار هم خطی بودن متغیرها مشخص می باشد.



نمودار: منحنی های پراکنش رابطه متغیرهای پژوهش

مفروضه ۳) هم خطی بودن

مفروضه هم خطی چندگانه زمانی اتفاق می‌افتد که متغیرهای پیش‌بین در یک رگرسیون خطی چندگانه نسبت به یکدیگر از همبستگی بالایی برخوردار باشند. هم خطی عدم اطمینان در مورد پارامترهای برآورد شده را افزایش و در نتیجه خطای معیار افزایش می‌یابد. بدین منظور از ضریب تحمل (Tolerance) و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می‌گردد. هم چنین جهت بررسی استقلال خطاها از آماره دوربین و اتسون استفاده شده است.

نتایج پیش فرض عدم هم خطی و استقلال خطاها در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول: نتایج بررسی پیش فرض عدم هم خطی و استقلال خطاها

متغیر	Tolerance	VIF	دوربین و اتسون
فرهنگ مدرسه	۰/۹۸۰	۱/۰۲	۱/۵۱
اخلاق حرفه‌ای			

براساس نتایج در جدول فوق میزان VIF در این تحلیل رگرسیون از ۲/۵ کمتر می‌باشد. میزان Tolerance نیز از ۰/۴ بیشتر به دست آمده است. لذا پیش فرض‌های لازم در این رگرسیون تأیید شده است. هم چنین آماره دوربین و اتسون جهت بررسی پیش فرض استقلال خطاها بین ۱/۵ تا ۲/۵ به دست آمده است که نشان از تأیید این پیش فرض است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش: بین فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای با مسئولیت‌پذیری معلمان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد.

جدول: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای با مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری		متغیرها
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
.001	.369**	فرهنگ حاکم بر مدرسه
.001	.431**	اخلاق حرفه‌ای

** در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

در جدول فوق نتایج نشان می‌دهد در سطح خطای ۰/۰۱ و با ۹۹ درصد اطمینان بین متغیرها رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/01$) که این رابطه مثبت و مستقیم می‌باشد، به این معنا که هر چه فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای معلمان بیشتر باشد میزان مسئولیت‌پذیری آن‌ها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس هرچه مسئولیت‌پذیری معلمان بیشتر باشد نقش فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای آنان نیز بیشتر می‌باشد.

در ادامه و در جدول زیر به بررسی پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری معلمان براساس فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه می‌پردازیم:

جدول: خلاصه مدل رگرسیون بر اساس متغیرها در فرضیه اصلی

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تبیین (R^2)	R^2 تعدیل شده	خطای معیار برآورد (S.E.)
.181 ^a	.033	.026	4.470

با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) محاسبه شده بین متغیر ملاک وارد شده به مدل و متغیرهای پیش‌بین، برابر ۰/۱۸، مقدار ضریب تبیین برابر با ۰/۰۳۳، یعنی حدود ۳/۳ درصد از تغییرات متغیر ملاک، توسط این متغیرها (فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای) وارد شده به مدل تبیین می‌گردد؛ و بقیه تغییرات، توسط متغیرهای دیگری که محقق آنها را در نظر نگرفته و وارد مدل نشده‌اند تبیین می‌گردد و همچنین مقدار ضریب تبیین تعدیل شده، برابر با ۰/۰۲۶ می‌باشد. در ادامه برای بررسی معناداری رگرسیون یعنی آزمون این که چطور متغیرهای پیش‌بین می‌توانند متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند به آزمون تحلیل واریانس و معناداری F مراجعه می‌کنیم. نتایج این تحلیل در جدول زیر آمده است.

جدول: نتایج محاسبه آزمون تحلیل واریانس در فرضیه اصلی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig
رگرسیون	189.922	2	94.961	4.753	.009 ^b
باقی مانده	5613.976	281	19.979		
کل	5803.898	283			

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، F بدست آمده ۴/۷۵۳ در سطح معناداری ۰/۰۱ معنادار است؛ و این مطلب گویای آن است که اولاً رگرسیون معنادار بوده؛ و ثانياً حداقل یکی از متغیرهای پیش‌بین، در پیش‌بینی متغیر ملاک موثر بوده است. برای تعیین ضرایب معادله رگرسیونی، از ضرایب تفکیکی رگرسیونی و آزمون T وابسته استفاده می‌کنیم. نتایج این بررسی در جدول زیر آمده است.

جدول: ضرایب رگرسیونی و نتایج آزمون T مربوط به متغیرهای پیش‌بین در فرضیه اصلی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معناداری
	B	Std. Error	Beta		
مقدار ثابت	48.445	3.231		14.995	.001
فرهنگ حاکم بر مدرسه	.113	.023	.236	3.586	.028
/اخلاق حرفه‌ای	.155	.051	.389	5.056	.002

نتایج جدول فوق و تحلیل رگرسیونی، نشان می‌دهد که هر دو متغیر فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری معلمان می‌باشند ($p < 0/05$)، به این صورت که سهم فرهنگ حاکم بر مدرسه ۲۳ درصد و سهم اخلاق حرفه‌ای ۳۸ درصد می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت اخلاق حرفه‌ای بیشترین سهم را در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری معلمان دارد.

معادله رگرسیونی تحلیل فوق عبارت است از:

$$Y = ax + b + c + d$$

$$\text{(اخلاق حرفه‌ای)} = ۰/۳۸ + \text{فرهنگ حاکم بر مدرسه} + ۰/۲۳ + ۴۸/۴۴۵ = \text{مسئولیت‌پذیری}$$

فرضیه اول پژوهش: بین فرهنگ حاکم بر مدرسه با مسئولیت‌پذیری معلمان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد.

جدول: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های فرهنگ حاکم بر مدرسه با مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری		متغیرها
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
.001	.223**	رهبری همیارانه
.001	.481**	مشارکت معلمان
.001	.421**	توسعه حرفه‌ای
.001	.241**	وحدت هدف
.001	.388**	حمایت همکاران
.001	.463**	مشارکت در یادگیری

** در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

در جدول فوق نتایج نشان می‌دهد که در سطح خطای ۰/۰۱ و با ۹۹ درصد اطمینان بین متغیرها رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/01$) این رابطه مثبت و مستقیم است به این صورت که هرچه رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه‌ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و مشارکت در یادگیری در معلمان بیشتر باشد میزان مسئولیت‌پذیری آنان بیشتر خواهد بود و بالعکس هرچه مسئولیت‌پذیری معلمان بیشتر باشد میزان رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه‌ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و مشارکت در یادگیری آنان نیز بیشتر می‌باشد که بین مسئولیت‌پذیری با مشارکت معلمان بیشترین رابطه و بین مسئولیت‌پذیری با وحدت هدف کمترین رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم پژوهش: بین اخلاق حرفه‌ای با مسئولیت‌پذیری معلمان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد.

جدول: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای با مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری		متغیرها
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
.001	.488**	مسئولیت‌پذیری
.001	.481**	صادق بودن
.001	.588**	عدالت و انصاف
.001	.363**	وفاداری
.001	.352**	برتری‌جویی و رقابت طلبی
.001	.422**	احترام به دیگران
.001	.258**	همدردی با دیگران
.001	.380**	رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی

** در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

در جدول فوق نتایج نشان می‌دهد که در سطح خطای ۰/۰۱ و با ۹۹ درصد اطمینان بین متغیرها رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/01$) این رابطه مثبت و مستقیم است به این صورت که هرچه مسئولیت‌پذیری، صادق بودن، عدالت و انصاف، وفاداری، برتری‌جویی و رقابت طلبی، احترام به دیگران، همدردی با دیگران، رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در معلمان بیشتر باشد میزان مسئولیت‌پذیری آنان بیشتر خواهد بود و بالعکس هرچه مسئولیت‌پذیری معلمان بیشتر باشد میزان مسئولیت‌پذیری، صادق بودن، عدالت و انصاف، وفاداری، برتری‌جویی و رقابت طلبی، احترام به دیگران، همدردی با دیگران، رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آنان نیز بیشتر می‌باشد که بین مسئولیت‌پذیری با عدالت و انصاف بیشترین رابطه و بین مسئولیت‌پذیری با همدردی با دیگران کمترین رابطه وجود دارد.

فرضیه اصلی پژوهش: «بین فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای با مسئولیت‌پذیری معلمان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد.»

نتایج جدول نشان داد که هر دو متغیر فرهنگ حاکم بر مدرسه و اخلاق حرفه‌ای قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری معلمان می‌باشند ($p < 0/05$)، به این صورت که سهم فرهنگ حاکم بر مدرسه ۲۳ درصد و سهم اخلاق حرفه‌ای ۳۸ درصد می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت اخلاق حرفه‌ای بیشترین سهم را در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری معلمان دارد. این

نتایج با نتایج پژوهش‌های اعتماد و همکاران (۱۳۹۸)، ترچانی و مرتضوی (۱۳۹۸)، همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت سازمان باید فرصت‌هایی را برای تشویق خلاقیت، نشر دانش و گسترش توانایی‌ها ایجاد کند و بتواند محیط بیرونی خود را بهتر بشناسد و به محرک‌های موجود پاسخ دهد و از تغییرهای آینده پیشی جوید. مدیران همچنین باید معلمان خود را درک کرده به ایشان پاسخ دهد و پیشاپیش درصدد تامین نیازهای آینده آنها برآید و در جهت رضایت مندی ایشان حرکت نماید. فرهنگ قوی به مسئولیت پذیری منجر می‌شود (انجم و امین‌فقه، ۱۳۹۸)؛ در حالی که فرهنگ ضعیف منجر به عدم مسئولیت پذیری در میان معلمان می‌شود. مولفه‌های فرهنگ حاکم بر مدرسه که شامل هرچه رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه‌ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و مشارکت در یادگیری می‌باشند می‌توانند رضایت از کار و عملکرد کسب و کار را افزایش دهد. مسئولیت‌پذیری مجموعه وظایف و تعهداتی است که هر سازمان باید در جهت حفظ و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند انجام دهد و انجام این مهم بدون وجود فرهنگ سازمانی مناسب میسر نخواهد بود؛ بنابراین هر چه فرهنگ سازمانی انطباق پذیرتر باشد، سازمان کمتر دچار تعارض و عدم انسجام خواهد شد و عملکرد آن بهبود خواهد یافت (ترچانی و مرتضوی، ۱۳۹۸). با توجه به نقش مسئولیت پذیری معلمان در بهبود وجه سازمانی، روح بخشیدن به ارزش‌های اخلاقی، کسب مزیت رقابتی، کاهش هزینه‌های عملیاتی و ... فرهنگ سازمانی باید در جهت ارتقاء و نهادینه شدن مسئولیت‌پذیری معلمان توسعه یابد (رحیمیان و اردلان، ۱۳۹۸) بنابراین می‌توان به مدیران مدارس این اطمینان را داد که هزینه‌های پذیرش مسئولیت پذیری توسط معلمان، می‌تواند از طریق تاثیرگذاری بر فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای معلمان جبران شود. این نتایج نشان می‌دهد که در مدارس این ابعاد فرهنگی با اخلاق حرفه‌ای رابطه دارند و فاکتورهای دیگری در تعیین رویه اخلاق حرفه‌ای معلمان موثر است.

فرضیه اول پژوهش: «بین فرهنگ حاکم بر مدرسه با مسئولیت‌پذیری معلمان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد.»

نتایج جداول نشان داد که در سطح خطای ۰/۰۱ و با ۹۹ درصد اطمینان بین متغیرها رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/01$) این رابطه مثبت و مستقیم است به این صورت که هرچه رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه‌ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و مشارکت در یادگیری در معلمان بیشتر باشد میزان مسئولیت‌پذیری آنان بیشتر خواهد بود و بالعکس هرچه مسئولیت‌پذیری معلمان بیشتر باشد میزان رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه‌ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و مشارکت در یادگیری آنان نیز بیشتر می‌باشد. پژوهشی که به

طور دقیق مشابه با نتایج این فرضیه باشد یافت نشد ولی تا حدودی یافته‌های حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش‌های اعتماد و همکاران (۱۳۹۸)، ترچانی و مرتضوی (۱۳۹۸)، همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت فرهنگ حاکم بر مدرسه بیشتر از این منظر درخور توجه است که معلمان که مهم‌ترین سرمایه‌های مدرسه هستند، مهم‌ترین فرسایش دهنده‌های سرمایه‌های سازمان نیز می‌توانند باشد، بدین صورت که اگر به جای درپیش گرفتن رفتارهای فرهنگ حاکم بر مدرسه، رفتارهای ضد فرهنگ پذیرفته شده در مدارس رواج داشته باشد، مدارس به جای تقویت و رشد دچار فرسایش و شکست می‌شود. فرهنگ حاکم بر مدرسه به اعتقاد اسکوت و همکاران (۲۰۰۳) مجموعه‌ای از رفتارهای داوطلبانه و اختیاری است که بخشی از وظایف رسمی فرد نیست؛ اما انجام آن باعث بهبود مؤثر وظایف و نقش‌ها در سازمان‌ها می‌شود. تاثیر فرهنگ حاکم بر مدرسه بر معلمان به حدی است که می‌توان با بررسی زوایای آن نسبت به چگونگی رفتار، احساسات، دیدگاه‌ها و نگرش اعضای سازمان پی برد و واکنش احتمالی آنها را در قبال تحولات مورد نظر ارزیابی، پیش‌بینی و هدایت کرد (ترچانی و مرتضوی، ۱۳۹۸). با اهرم فرهنگ حاکم بر مدرسه که شامل رهبری همیارانه، حمایت همکاران، اشتراک‌یادگیری، توسعه حرفه‌ای، مشارکت معلمان و وحذف هدف می‌باشد، به سادگی می‌توان انجام تغییرات را تسهیل کرد و جهت‌گیری‌های جدید را در سازمان پایدار کرد (رحیمیان و اردلان، ۱۳۹۸). بر این اساس می‌توان استدلال نمود که سازمان‌ها برای مشارکت در برنامه‌های مسئولیت‌پذیری از داخل و خارج از مدارس بر اساس فرهنگ حاکم بر مدرسه که برای معلمان وجود دارد تحت فشار قرار می‌گیرند. فرهنگ حاکم بر مدرسه، عملکرد مدارس را به احتمال زیاد افزایش خواهد داد زیرا معلمان یک مدرسه مدیر را به عنوان یک فرد عادلانه می‌بینند و از طریق تعهد، وفاداری و افزایش بهره‌وری، این عملکرد را بهبود می‌بخشند (ترچانی و همکاران، ۱۳۹۸).

فرضیه دوم پژوهش: «بین اخلاق حرفه‌ای با مسئولیت‌پذیری معلمان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد.»

نتایج جدول نشان داد که در سطح خطای ۰/۰۱ و با ۹۹ درصد اطمینان بین متغیرها رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/01$) این رابطه مثبت و مستقیم است به این صورت که هرچه مسئولیت‌پذیری، صادق بودن، عدالت و انصاف، وفاداری، برتری‌جویی و رقابت طلبی، احترام به دیگران، همدردی با دیگران، رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در معلمان بیشتر باشد میزان مسئولیت‌پذیری آنان بیشتر خواهد بود و بالعکس هرچه مسئولیت‌پذیری معلمان بیشتر باشد میزان مسئولیت‌پذیری، صادق بودن، عدالت و انصاف، وفاداری، برتری‌جویی و رقابت طلبی، احترام به دیگران، همدردی با دیگران، رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و

هنجارهای اجتماعی آنان نیز بیشتر می‌باشد. پژوهشی که به طور دقیق مشابه با نتایج این فرضیه باشد یافت نشد ولی تا حدودی یافته‌های حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش‌های صمیمی و بهمنی (۱۳۹۷)، کیزوری و خجسته (۱۳۹۸) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت اخلاق حرفه‌ای و توجه به اخلاقیات در سازمان می‌تواند افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی سازمانی را به دنبال داشته باشد که این امر، اهمیت توجه به مباحث اخلاقی را در سازمان گوشزد می‌کند. با توجه به نقش کلیدی اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیری در ارتقای توسعه فردی و سازمانی، ضروری به نظر می‌رسد که مدیران و مسئولان مربوطه توجهات خاصی به متغیرهای مذکور داشته باشند و با از بین بردن موانع، بسترهای لازم را برای نهادینه سازی اخلاقیات و ارتقای مسئولیت‌پذیری فراهم کنند. اخلاق حرفه‌ای، سلسله واکنش‌ها و رفتارهای مقبول و پذیرفته شده است که بخش‌های مهمی از آن‌ها در تخصص‌های مختلف از سوی سازمان‌ها و مجامع تخصصی، صنفی و حرفه‌ای برای مطلوب بخشی به روابط اجتماعی، به صورت آیین نامه و قانون می‌آید لکن اولاً اخلاق حرفه‌ای را نمی‌توان در قالب‌های رسمی تعریف کرد و ثانیاً نمی‌توان همه ابعاد اخلاق سازمانی و یا حرفه‌ای را از اخلاق فردی، شغلی و یا کار تفکیک نمود (کیزوری و خجسته، ۱۳۹۸). به طور عام، مبانی اخلاق حرفه‌ای و انتظارات اجتماعی برخاسته از آن عبارتند از: صداقت، عدالت، امانت‌داری و وفاداری در جریان کسب و کار؛ مثلاً کسی که امانت‌داری ندارد، دغدغه حفظ اموال عمومی و استفاده بهینه و بهره‌وری از امکانات و اختیارات را ندارد. به طور دقیق و خاص نیز می‌توان اخلاق حرفه‌ای را علاوه بر رعایت این موارد، در آیین مسئولیت اجتماعی، تعهد اجتماعی و انطباق اجتماعی به تفسیر نشست (صمیمی و بهمنی، ۱۳۹۷). مدارس و نظام آموزشی یکی از مؤثرترین نهادهای اجتماعی در فرایند توسعه و فرهنگ تربیت و پرورش اجتماعی در جوامع به حساب می‌آیند. مسئولیت‌پذیری و توجه به مفاهیم اخلاقی در بین شهروندان و نیروی انسانی سازمانها ازجمله شاخصهای تربیت اجتماعی به حساب می‌آیند. باید کوشید که این اصل مهم در بین نیروی انسانی سازمانها نهادینه شود.

پیشنهادهای پژوهشی

۱- در راستای نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش که مشخص شد بین فرهنگ حاکم بر مدرسه با مسئولیت‌پذیری معلمان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد، بنابراین پیشنهاد می‌شود:

✓ وزارت آموزش و پرورش از طریق به‌کارگیری روش‌های حمایتی (مالی، اداری، قضایی) از معلمان، از میزان استرس‌های ایشان کاسته و بدین وسیله زمینه مسئولیت‌پذیری معلمان آنها را فراهم کند.

✓ همچنین وزارت آموزش و پرورش با همکاری دانشگاه فرهنگیان و دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی از طریق برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی، مسئولیت‌پذیری معلمان را افزایش دهد، تا از طریق افزایش مسئولیت‌پذیری و فراهم کردن یک محیط اجتماعی حمایت‌کننده متکی بر فرهنگ مدرسه، بتوان بر بهبود و میزان رهبری آنان افزود. همچنین به مدیران پیشنهاد می‌شود به معلمان زمینه‌های لازم جدید جهت کشف روش‌های جدید جهت تدریس داده شود.

✓ پیشنهاد می‌شود که در سازمان‌ها؛ فرهنگ تشویق و حمایت تقویت شود چرا که یک معلم در مقابل تشویقی که از طرف مدیر برای وی در نظر گرفته می‌شود، سعی می‌کند با تعهد و مسئولیت کاری خود، جبران نماید.

✓ همچنین برگزاری برنامه‌های مقدماتی فرهنگ سازمانی اغلب دوره توجیهی نامیده می‌شود گسترده‌تر گردد و اطلاعات بیشتری درباره شغل و سرپرستان جدید در آن ارائه شود. این عامل سبب می‌شود از درجه اضطراب افراد تازه وارد کاسته شود.

۲- در راستای نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش که مشخص شد بین اخلاق حرفه‌ای با مسئولیت‌پذیری معلمان در مدارس ابتدایی شهرستان ساوه رابطه وجود دارد بنابراین پیشنهاد می‌شود:

✓ نظام آموزشی به معلمان کمک نمایند تا اخلاق حرفه‌ای در معلمان ارتقاء یابد زیرا این امر می‌تواند به مسئولیت‌پذیری معلمان کمک شایانی در ارتباط با دانش آموزان نماید زیرا، اخلاق حرفه‌ای با ایجاد ارزش‌ها، آگاهی اخلاقی، اعطای اقتدار به افراد، اتخاذ مدیریت مشارکتی و دموکراتیک و ایجاد جو سازمانی مناسب به منظور تحقق صداقت و قابل اعتماد بودن، عمل کردن به ارزش‌ها و نگرش‌ها در رفتارهای عمل کردن به ارزش‌ها در تصمیم‌گیری و رفتار عادلانه و در نهایت مسئولیت‌پذیری را در هر موقعیتی را تشویق می‌کند.

✓ همچنین مدیران نقش هماهنگ‌کننده و حمایت همکارانه و رهبری همیارانه موثری در سازمان ایفا کنند. مشاوران می‌توانند با بررسی فرهنگ حاکم بر در مدرسه و ارزش‌های اخلاقی در هر بخش و با ایجاد ارتباط نزدیک و مشارکت با معلمان و حل و فصل امور اخلاقی و فرهنگی میان معلمان نقش بسزایی در ایجاد مسئولیت‌پذیری در آنها داشته باشند.

✓ همچنین پیشنهاد می‌شود مدیران در مدارس بر پیش شرط‌های یک رفتار غیر اخلاقی و زیر بنای اخلاق تاکید داشته و روش‌هایی که بر آن اساس افراد می‌توانند اخلاقیات را به عنوان یک عادت در محل کار درآورند را استخراج کرده و تکرار کنند. همچنین در این مدارس برای تشویق معلمان به اخلاق حرفه‌ای از آن به عنوان معیار اصلی در ساختار پاداش بهره بگیرند تا احتمال اینکه معلمان از رویه اخلاق حرفه‌ای خارج گردند بیشتر از پیش کاهش یابد.

محدودیت‌های پژوهش

در اختیار پژوهشگر

۱. نتایج این پژوهش محدود به معلمان مقطع ابتدایی است، لذا در تعمیم نتایج به سایر مقاطع باید احتیاط نمود.

۲. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. بنابراین محدودیت‌های پرسشنامه‌ها در پژوهش، از قبیل یادآوری وضعیت گذشته، صحت پاسخ‌دهی به سؤالات و... در پژوهش حاضر نیز در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر اگر از روش‌های دیگر مثل مشاهده افراد در موقعیت‌ها، مصاحبه‌های بالینی عمیق و روش‌های فراقکن استفاده شود شاید داده‌های به دست آمده مقداری متفاوت از پژوهش حاضر باشد.

خارج از اختیار پژوهشگر

۱. محافظه‌کاری معلمان در پاسخگویی به سؤالات

۲. تأثیر عوامل فرهنگی

۳. تأثیر ویژگی‌های شخصیتی

فهرست منابع

۱. احمدی ندا، نوه ابراهیم عبدالرحیم، عباسیان حسین. (۱۴۰۲). تبیین رابطه بین هوش اخلاقی مدیران با دلبستگی شغلی و مسئولیت پذیری اجتماعی معلمان. نشریه مدیریت بر آموزش سازمانها. ۱۲ (۲): ۲۰۱-۲۲۳.
۲. اشرفی، جواد، رهنمای رودپشتی، فریدون، بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۸). نظریه‌های مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸ (۳۱)، ۱-۱۴.
۳. اصغرنژاد، نجف، پیروز نیا، سیما، مساوات پور، عظیمه، مسعودیان، پریسا. (۱۴۰۲). بررسی نقش میانجی‌گری سرمایه اجتماعی در رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اشتیاق شغلی معلمان شهر دهدشت. رفتار مثبت در سازمانهای آموزشی، ۱ (۴)، ۱-۲۰.
۴. اعتماد، مهدی. (۱۳۹۸). رابطه فشارهای شغلی، فرهنگ سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی با مسئولیت پذیری کارکنان اداره آموزش و پرورش شهر رامهرمز، چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی، اصفهان، دانشگاه جامع علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری‌ها و مرکز توسعه خلاقیت و نوآوری علوم نوین.
۵. باشکوه اجیرلو، حسن، زاهدبابلان، عادل، اکبری، تقی، و خالق خواه، علی. (۱۴۰۱). ارائه مدل به کارگیری استعدادها و نقش آن در اخلاق حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی. اخلاق زیستی، ۱۲ (۳۷)، ۰.
۶. پاکزاد، محمدامین، حلت آبادی فراهانی، محمدابراهیم، غفوری، سمیه، و خسروی طناک، محمد. (۱۴۰۱). رشد اجتماعی دانش آموزان: نقش پیش بین هوش اخلاقی و فرهنگ مدرسه. اخلاق زیستی، ۱۲ (۳۷)، ۱-۱۰.
۷. ترچانی، محبوبه، مرتضوی، سید جواد، (۱۳۹۸). نقش فرهنگ سازمانی بر اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها، چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت کسب و کار و بازرگانی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس.
۸. خطیبی، اعظم، زند، معصومه. (۱۴۰۳). بررسی عوامل موثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی معلمان شهر فامنین و راه‌های کاهش آن. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱ (۱)، ۱-۱۰.
۹. زاهد بابلان، عادل، عابدی نیا، افشین، تقوی قره بلاغ، حسین، قربانزاده طولارود پایین، پدram. (۱۴۰۱). الگوسازی تأثیر رهبری تحول‌آفرین بر خودکارآمدی معلمان با میانجی‌گری فرهنگ مدرسه. نوآوری‌های آموزشی، ۲۱ (۲)، ۴۹-۶۶.
۱۰. زمندی، علی اکبر، حسنی، محمد، قلاوندی، حسن. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در آموزش دانشگاهی. پژوهش در روش‌های آموزش، ۱ (۲)، ۹۵-۱۱۴.
۱۱. سلطانی، مرتضی (۱۳۹۲). مدیریت اخلاق در سازمان. ماهنامه تدبیر، شماره ۱۳۲.

۱۲. سلیمان پورعمران محبوبه. (۱۴۰۰). رابطه فرصت‌های برابر آموزشی با کیفیت زندگی مدرسه‌ای و احساس تعلق به مدرسه با نقش میانجی فرهنگ مدرسه در دبیران متوسطه. عنوان نشریه. ۹ (۴۳) ۳۳۴-۳۱۶.
۱۳. سلیمفرد، آرام و وحدت، رقیه، ۱۴۰۳، بررسی ارتباط مسئولیت‌پذیری شخصی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای از طریق عجزین شدن با شغل و تطبیق‌پذیری شغلی در معلمان ابتدایی، سومین کنگره علمی دانشجویان روانشناسی، علوم تربیتی و مشاوره، تهران
۱۴. شامگانی، فاطمه، افشاری، هاجر. (۱۴۰۳). دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش،
۱۵. شجاعی، فریبا، فدائی، زهرا. (۱۴۰۳). اصل عدالت در اخلاق حرفه‌ای معلمان از دیدگاه امام علی (ع)، همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران مجموعه مقالات هفدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. ۱ (۸)، ۲۶۰-۲۶۷.
۱۶. صمیمی، محمدرضا و طاهره بهمنی (۱۳۹۷). بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای با اشتیاق شغلی دبیران مقطع متوسطه دوم شهر بهبهان، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی)، تهران، خانه فرهنگ مشارکتی ایران.
۱۷. غلام‌پور، میثم؛ هادی پورشافعی و احمد واشقانی فراهانی. (۱۳۹۸). نقش فرهنگ و سلامت سازمانی بر اخلاق حرفه‌ای معلمان، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری.
۱۸. غلام‌پور، میثم، پورشافعی، هادی، فراستخواه، مقصود، آیتی، محسن. (۱۳۹۹). مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلمان: مرور سیستماتیک براساس مدل رایت. مطالعات برنامه درسی، ۱۵ (۵۸)، ۱۴۵-۱۷۴.
۱۹. فتحی چگنی، فریبا، عباسی، محمد، قدم‌پور، عزت‌اله. (۱۴۰۲). رابطه علی سبک رهبری اصیل، فرهنگ مدرسه و شخصیت پویا با اشتیاق شغلی معلمان: نقش میانجی قرارداد روان‌شناختی. رهبری آموزشی کاربردی، ۴ (۴)، ۵۱-۶۸.
۲۰. قصابی فرد، سجاد؛ شجاع، سعید؛ صبور، امیرحسین. (۱۴۰۳). اخلاق حرفه‌ای معلمان چه نقشی در رشد تحصیلی دانش‌آموزان دارد؟، همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
۲۱. قنبرپور، امیر، عباسیان، حسین، آراسته، حمیدرضا نوابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۹۸). طراحی الگوی اخلاق حرفه‌ای معلمان: یک مطالعه آمیخته نوآوری‌های آموزشی، ۱۸ (۶۹)، ۶۰-۶۳.
۲۲. محمدجانی، فرزاد. (۱۴۰۳). ارایه مدل علی روابط فرهنگ مدرسه بر کیفیت تدریس با بر نقش واسطه‌ای تمایل به تغییر و تفکر سیستمی. دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱ (۱)، ۱-۱۰.

۲۳. مظفری، سامان، محمدی، رضا، محمدی، رزگار. (۱۴۰۲). رابطه جو اخلاقی با اخلاق حرفه‌ای با نقش میانجی اشتیاق شغلی معلمان دوره ابتدایی، فصلنامه آموزش و پرورش متعالی. ۳(۳)، ۸۰-۹۵.
۲۴. موسوی، فرانک. (۱۴۰۰). بازشناسی مولفه‌ها و ابعاد توسعه فرهنگی مدارس به منظور دستیابی به مدل مناسب. فصلنامه مطالعات مدیریت و رهبری در سازمان‌های آموزشی. ۱(۱)، ۱-۲۵.
25. Bok, H. (2022). *Freedom and responsibility*. Princeton University Press.
26. Corey, G., Corey, M. S., & Callanan, P. (2024). *Issues and ethics in the helping professions* (p. 379). Pacific Grove, CA: Brooks/Cole.
27. Deal, T., & Peterson, K. D. (2009). *Shaping school culture*. Jossey-Bass. San Francisco. [<https://files.eric.ed.gov/fulltext/ED479930>].
28. Demerath, P. (2018). The emotional ecology of school improvement culture: Charged meanings and common moral purpose. *Journal of Educational Administration*, 56(5), 488-503.
29. Eliezer D. Y., Koslowski, . (2019). The relationship between work ethic and organizational commitment in primary school teachers. *Journal of the Korea Convergence Society*, 10(3), 93-103.
30. Erichsen, K., & Reynolds, J. (2020). Public school accountability, workplace culture, and teacher morale. *Social Science Research*, 85, 102347.
31. Fatima, N., & Mattoo, M. I. (2025). Professional ethics in teacher education: An anticipatory analysis. *International Journal of Advanced Multidisciplinary Scientific Research*, 8(4), 117-123.
32. Heinla, E., & Kuurme, T. (2024). The impact of school culture, school climate, and teachers' job satisfaction on the teacher-student relationship: A case study in four Estonian Schools. *Research Papers in Education*, 39(3), 439-465.
33. Komari. N & Djafar, F. (2013). Work Ethics, Work Satisfaction and Organizational Commitment at the Sharia Bank, *Indonesia. International Business Research*, 6(12): 107-117.
34. Lai, C., Wang, Q., & Huang, X. (2022). The differential interplay of TPACK, teacher beliefs, school culture and professional development with the nature of in-service EFL teachers' technology adoption. *British Journal of Educational Technology*, 53(5), 1389-1411.
35. Latapí Agudelo, M. A., Jóhannsdóttir, L., & Davídsdóttir, B. (2019). A literature review of the history and evolution of corporate social responsibility. *International journal of corporate social responsibility*, 4(1), 1-23.
36. Levy, N. (2019). Taking responsibility for responsibility. *Public Health Ethics*, 12(2), 103-113.
37. Liu, S., & Hallinger, P. (2024). The effects of instructional leadership, teacher responsibility and procedural justice climate on professional learning communities: A cross-level moderated mediation examination. *Educational Management Administration & Leadership*, 52(3), 556-575.

- 38.Liu, Y., Bellibaş, M. Ş., & Gümüş, S. (2021). The effect of instructional leadership and distributed leadership on teacher self-efficacy and job satisfaction: Mediating roles of supportive school culture and teacher collaboration. *Educational Management Administration & Leadership*, 49(3), 430-453.
- 39.Lynch, W. T., & Kline, R. (2017). Engineering practice and engineering ethics. In *Engineering Ethics* (pp. 601-631). Routledge.
- 40.Mittelstadt, B. (2019). Principles alone cannot guarantee ethical AI. *Nature machine intelligence*, 1(11), 501-507.
- 41.Nave, A., & Ferreira, J. (2019). Corporate social responsibility strategies: Past research and future challenges. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 26(4), 885-901.
- 42.Peters, Ralph (2015). "Authority, Responsibility And Education" *International Journal Of Business And Management Invention*, 2(1), 1-8.
- 43.Rantanen, Terhi (2015) The Massage is the media: An interview with Manuel Castles, *Global media communication*, Vol 12.
- 44.Reinius, H., Hakkarainen, K., Juuti, K., & Korhonen, T. (2024). Teachers' perceived opportunity to contribute to school culture transformation. *Journal of Educational Change*, 25(2), 369-391.
- 45.Rissanen I, Kuusisto E, Hanhimäki E, Tirri K. (2018). The implications of teachers' implicit theories for moral education: A case study from Finland. *Journal of Moral Education*. 2018; 47(1): 63-77.
- 46.Shengnan, L., & Hallinger, P. (2021). Unpacking the effects of culture on school leadership and teacher learning in China. *Educational Management Administration & Leadership*, 49(2), 214-233.
- 47.Sloan, R. (2020). Teachers' performance with their responsibility. *Journal of Teaching in Physical Education*, 39(3), 347-356.
- 48.Waldman, D. A. (2021). Examining the relationship between managers' professional ethics and transformational leadership with teachers' job enthusiasm in schools. *Journal of Management Studies*, 43(2), 703-725.
- 49.Xia, J., Wang, M., & Zhang, S. (2023). School culture and teacher job satisfaction in early childhood education in China: the mediating role of teaching autonomy. *Asia Pacific Education Review*, 24(1), 101-111

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۱۵ - ۲۹۳

کد اخلاقی برای سیستم‌های هوشمند

سید علی هاشمی^۱

عباس ابراهیمی^۲

چکیده

با پیشرفت‌های روزافزون تکنیک‌های هوش مصنوعی و افزایش قابل توجه امکانات سخت‌افزاری و سرعت پردازش اطلاعات توسط سیستم‌های رایانه‌ای، امکان حضور گسترده سیستم‌های هوشمند در بسیاری از عرصه‌ها فراهم شده است. با این حال، از آنجا که تمامی ابزارآلات تکنولوژیک، از جمله سیستم‌های هوشمند، پیامدهای جسمی، اخلاقی-اجتماعی و فرهنگی خاصی دارند، بررسی و مذاقه در پیامدهای این نوع سیستم‌ها ضروری می‌باشد و باید در حد امکان این پیامدها تعدیل گردد. این مقاله با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای تحلیلی به شناسایی ذینفعان و افراد مرتبط با سیستم‌های هوشمند می‌پردازد و در ادامه آسیب‌ها و چالش‌های مرتبط با هر لایه را شناسایی می‌کند. سپس مبتنی تحلیل آن از منظر فلسفه تکنولوژی و زیست‌بوم ایرانی-اسلامی، کدهای اخلاقی مرتبط با سیستم‌های هوشمند در چهار سطح سیاست‌گذاران، طراحان، کاربران و خود سیستم‌ها ارائه می‌شود تا از پیامدهای منفی پیشگیری گردد.

واژگان کلیدی

کدهای اخلاقی، سیستم‌های هوشمند، پیامدهای سیستم‌های هوشمند، زیست‌بوم ایرانی-اسلامی.

۱. دانش آموخته دکتری رشته فلسفه علم و فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Email: danesh8n@gmail.com

۲. استادیار پژوهشی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: a.ebrahimi@sccr.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۵

طرح مسأله

در دهه‌های پایانی قرن بیستم مباحثی همچون: «اگر روزی یارانه‌ها هوشمند شوند، سازندگانشان را نابود خواهند کرد» و ... مطرح بود. در بسیاری از رُمان‌های علمی-تخیلی و فیلم‌های سینمایی این اندیشه به وفور یافت می‌شد و این به عنوان هشدار برای هواداران تکنولوژی‌های هوشمند در نظر گرفته می‌شد. امروزه با پیشرفت‌های رو به رشد تکنیک‌های هوش مصنوعی و همچنین ارتقا یافتن قابل ملاحظه‌ای امکانات سخت‌افزاری و از همه مهم‌تر رشد فزاینده‌ی سرعت پردازش اطلاعات توسط سیستم‌های رایانه‌ای، این امکان به وجود آمده است که سیستم‌های هوشمندتری به صورت گسترده در همه‌ی حوزه‌ها و عرصه‌های اقتصاد، فرهنگ و ارتباطات جوامع انسانی حضور یابند. در حال حاضر پژوهشگران در همه‌ی عرصه‌ها از تکنیک‌های هوش مصنوعی بهره می‌گیرند و سیستم‌های هوشمند به طور وسیع در تقویم شکل جدید زندگی بشر و تکون ویژگی‌های جدید بشر امروزی نقش ایفا می‌کنند.

با گسترش و توسعه سیستم‌های هوشمند سؤالاتی از این دست قابل طرح است: پیامدهای اخلاقی و اجتماعی بهره‌بردن از سیستم‌های هوشمند در این سطح از فراگیری و گستردگی در زندگی بشر امروز چیست؟ آیا این پیامدهای اخلاقی و اجتماعی سیستم‌های هوشمند در هنگام طراحی این نوع سیستم‌ها نزد طراحان این نوع سیستم‌ها در نظر گرفته می‌شود؟ و یا اینکه تنها اکتفا به ملاحظات تکنیکی این نوع سیستم‌ها در طراحی کفایت می‌کند؟ آیا کاربران این نوع سیستم‌ها به این پیامدها (اعم از مثبت و منفی) واقف بوده و متناسب با این پیامدها از این نوع سیستم‌ها بهره می‌گیرند؟ آیا داستان‌های علمی-تخیلی‌ای که دلالت بر نابودی بشر توسط سیستم‌های هوشمند دارند ناشی از خیال‌پردازی‌های کودکانه‌ی برخی نویسندگان و فیلمنامه‌نویسان بوده است؟ و یا اینکه واقعاً بهره‌گیری بدون قید از سیستم‌های هوشمند می‌تواند عواقب سنگینی همچون نابودی بشر و یا منحرف کردن مسیر بشر به سمت خاصی را برای ما در برداشته باشد؟ و یا اینکه سیستم‌های هوشمند به عنوان خادمان بشر می‌بایست تا آنجا که ممکن است ارتقا یابند و در جامعه پیاده‌سازی شوند و تنها این کاربران هستند که باید از این ابزار به درستی بهره گیرند؟ آیا هیچ منعی برای ورود این نوع سیستم‌ها به هیچ یک از حوزه‌ها انسانی وجود ندارد؟ آیا این سیستم‌ها از هرگونه عیب و خطایی مبرا هستند و سراسر خیر را برای بشر به ارمغان خواهند آورد؟ آیا در این فراگیری بی‌حد و حصر سیستم‌های هوشمند نیازی به یک نگاه انتقادی نسبت به این نوع سیستم‌ها احساس نمی‌شود تا نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای این نوع سیستم‌ها برای بشر امروزی کشف شده و متناسب با آن پروتکل‌هایی برای طراحی، ارزیابی و بهره‌بردن از این نوع سیستم ارائه گردد؟ آیا برای سیستم‌های هوشمند مستقل

از طراحان و کاربران آن و زیست بوم آنان می‌توان اخلاق در نظر گرفت؟ اگر جوابتان مثبت است وجه اخلاقی بودن این نوع سیستم‌ها چیست؟ آیا این نیاز احساس نمی‌شود که برای خود سیستم‌های هوشمند مستقل از طراحان و کاربران پروتکل‌ها و کدهای اخلاقی‌ای داشته باشیم تا افراد بتوانند این سیستم‌ها را مستقل از طراحان و کاربران آن‌ها مورد ارزیابی قرار دهند؟ آیا می‌توان به یک سیستم هوشمند وصف «بد اخلاق» و یا «خوش اخلاق» را اطلاق کرد؟ آیا بدین منظور لازم است برای این نوع سیستم‌ها اراده‌ی آزاد انسانی قائل شویم؟ ثمرات اینکه سیستم‌های هوشمند به طور مستقل متعلق حکم اخلاقی قرار گیرند چیست؟

هرچند در مورد کدهای اخلاقی و در حوزه‌های مختلف نوشتارهای متعددی ارائه شده است اما به نظر می‌رسد کماکان این سؤالات و ده‌ها و صدها سؤال دیگر در این حوزه مطرح است که مجال پرداختن به همه‌ی آن‌ها به صورت مبسوط نه در توان نگارنده است و نه در راستای اهداف این مقاله. آنچه مسلم است که با توجه به دو ویژگی: (۱) فراگیری بی‌حد و حصر سیستم‌های هوشمند در عرصه‌های مختلف و حضور فزاینده‌ی این نوع سیستم‌ها در زندگی بشر امروز و همچنین با توجه به (۲) «اصل جهت‌داری تکنولوژی بر اساس ارزش‌ها» می‌بایست نسبت به پیامدهای اجتماعی و اخلاقی و جهت خاصی که این نوع سیستم‌ها ما را به آن سوق می‌دهند بی‌تفاوت نبود. بدین جهت در این مقاله با رویکردی نوآورانه و با تأکید بر تحلیل مسأله‌ی هوش مصنوعی مبتنی بر انگاره تکنولوژی و از منظر فلسفه تکنولوژی سعی دارد تا مبتنی بر جهت‌داری این سیستم‌ها و ناظر به پیامدهای ناخواسته آن و باتوجه به اقتضائات فرهنگی و زیست بوم ایران کدهای اخلاقی بومی را طراحی و ارائه نماید. لذا سعی می‌گردد ابتدا به ارائه‌ی توضیحاتی اجمالی در مورد هوش مصنوعی و سیستم‌های هوشمند و شیوع افسار گسیخته‌ی این نوع سیستم‌ها در عرصه‌های گوناگون پرداخته شود و پس از آن در مورد «اصل جهت‌داری تکنولوژی بر اساس ارزش‌ها» توضیحاتی ارائه و در ادامه سعی خواهد شد با توجه به مطالب ارائه شده لزوم بهره‌گیری از کد اخلاقی برای این نوع سیستم‌ها توضیح داده شود و در پایان نیز مجموعه‌ای از کدهای اخلاقی‌ای برای این نوع سیستم‌ها در سطح سیاست‌گذاران، طراحان، کاربران و خود این سیستم‌ها طراحی و ارائه گردد.

مبانی نظری پژوهش

کد اخلاقی

هرچند کد اخلاقی تعبیری بدیع و جامع است اما معادلسازی مناسبی در زبان فارسی برای آن صورت نگرفته است اما با این وجود میتوان گفت کد اخلاقی در ادبیات اخلاقی دارای سه معنای نظام اخلاقی، اصول و قواعد اخلاقی و آیین نامه اجرایی اصول و قواعد اخلاقی است که راهکار

و آیین نامه انجام یک اصل و قاعده اخلاقی را مشخص می نماید. در واقع کد اخلاقی متکفل مشخص نمودن راهکار و آیین نامه انجام یک اصل و قاعده اخلاقی است. (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۶: ۹۲) و مبنایی برای ارزیابی تصمیم‌ها و کنشهایی است که به جهت اخلاقی دارای اهمیت هستند (شریف زاده، ۱۴۰۱: ۲۴۹) باید توجه داشت که کدهای اخلاقی برای سیستم‌های هوشمند موضوعی مهم و پیچیده است که به سبب تأثیرات عمیق این سیستم‌ها بر زندگی بشر و فضای اجتماعی نیاز به توجه ویژه‌ای دارد. به طور کلی، کدهای اخلاقی در این زمینه، شامل مجموعه‌ای از اصول و راهنمایی است که هدف آن‌ها، ارتقاء مسئولیت‌پذیری، شفافیت و عدالت در طراحی و کاربرد سیستم‌های هوشمند است. (Jobin et al., 2019) این کدها می‌توانند به طور خاص به نقشه‌برداری از مسئولیت‌های برنامه‌نویسان، طراحان و کاربران پرداخته و از چشم‌انداز فلسفه تکنولوژی، چالش‌های مرتبط با این سیستم‌ها را بررسی کنند (Binns, 2018). همچنین، ضروری است که این کدها با توجه به زیست بوم و فرهنگ محلی، به ویژه در جوامع خاص مانند ایران، طراحی و اجرایی شوند تا به دقت نیازها و ارزش‌های اجتماعی را منعکس کنند. (Shadloo et al., 2021) به این نکته باید توجه داشت که کدهای اخلاقی هرچند که به عنوان راهنمای اخلاقی مفید و کاربردی هستند اما در ارائه پاسخ در موقعیت‌های متعارض در دوراهی‌های اخلاقی توانایی لازم برای ارائه پاسخی قطعی و نهایی را ندارند. (Reynolds, ۲۰۱۴, p ۵۲)

در مورد کدهای اخلاقی سیستم‌های هوشمند، فرضیه‌های زیر متصور است:

۱. مجموعه‌ای از توصیه‌ها هستند که به شکل پیشینی، در عرصه‌های مختلف، سعی در مدیریت پیامدهای ناخواسته‌ای دارند که موجب آسیب رساندن به انسان و تضییع حقوق انسانی می‌شود. این توصیه‌ها تلاش می‌کنند وجوه اخلاقی عام که فطرتاً همه انسان‌ها بدان معتقدند را ارضا کنند.

۲. سیستم‌های هوشمند به مثابه یک تکنولوژی، اساساً موجودات خود مختاری هستند. این سیستم‌ها، علاوه بر اینکه خود مختارند، تا حدی مستقل‌تر از کاربر می‌توانند اقدام انجام دهند و میزان خود مختاری آن‌ها از تکنولوژی‌های غیر هوشمند بیشتر است.

۳. سیستم‌های هوشمند، سیستم‌های جهت‌مندی هستند و متناسب با جهت‌داری فهم می‌شوند. ممکن است این جهت‌داری متناسب با بوم‌های مختلف، زوایای بیشتر و کمتری پیدا کند. لذا لازم است این سیستم‌ها ناظر به زیست بوم ایرانی-اسلامی، بومی‌سازی و بازخوانی شوند.

هوش مصنوعی

ایده‌ی اصلی هوش مصنوعی از کامپیوتر گرفته شده است. حوزه‌ی هوش مصنوعی یکی از حوزه‌های جذاب و روبه رشد در علم کامپیوتر محسوب می‌گردد که هر روز شاهد ظهور پیشرفت‌های جدیدی در این حوزه هستیم. هدف کلی هوش مصنوعی، ساخت سیستم‌هایی است که بتوانند رفتار انسانی را تقلید کنند. از این رو بسیاری از مسائل طبیعی و مربوط به انسان از قبیل درک زبان طبیعی، استنتاج، یادگیری و طریقه‌ی فکر کردن و ... می‌بایست مدل‌سازی شده و به وسیله‌ی برنامه‌های کامپیوتری پیاده‌سازی شوند. به عبارت دیگر هوش مصنوعی درصدد ساختن سیستم‌های کامپیوتری (سخت‌افزار و نرم‌افزار) است که رفتاری انسان‌گونه و انسان‌وار دارند تا در نتیجه این نوع سیستم‌های هوشمند بتوانند برخی از رفتارهای انسانی را تقلید کنند.

(McLeod, 1998, pp. 418-424)

در واقع سیستم‌های سنتی (غیرهوشمند) برای اینکه بتوانند برخی از رفتارهای انسانی را تقلید کنند دچار مشکلاتی عدیده‌ای بودند؛ از این رو برای رفع این مشکلات، پژوهشگران این حوزه دست به کار شدند و سعی کردند با ابداع تکنیک‌های هوش مصنوعی تا حد قابل قبولی به این مهم دست یابند. با پیشرفت تکنیک‌های هوش مصنوعی و پیاده‌سازی آن‌ها توسط پژوهشگران در عرصه‌های مختلف، نتایج عملی خیره‌کننده‌ای بدست آمد که این امر باعث گردید که تب بهره‌گیری از این تکنیک‌ها در جوامع علمی و صنعتی به شدت روبه فزون و افزایش باشد. در نتیجه‌ی شکل‌گیری این تب در جوامع علمی و صنعتی و البته نظامی، انواع مختلفی از سیستم‌های هوشمند بر اساس این تکنیک‌ها در عرصه‌های مختلف به وجود آمدند. این سیستم‌ها به علت گستردگی کاربرد باعث گردیدن تا بسیاری از رشته‌های میان‌رشته‌ای شکل بگیرند و علاوه براین باعث شدند که برخی از مقولات و نهادهای اجتماعی از اساس به طور ماهوی دچار دگرگونی گردند. به عنوان نمونه یکی از محصولات تکنولوژی هوش مصنوعی بوجود آمدن سازمان‌هایی به نام سازمان‌های هوشمند مجازی^۱ است. تجهیزات و تکنولوژی و ساختار این نوع سازمان‌ها از یک دارایی مادی و سخت‌افزاری به یک دارایی نرم‌افزاری تبدیل می‌گردد؛ در نتیجه سرعت و انعطاف قابل‌توجهی بدست خواهد آمد که یک مزیت رقابتی فوق‌العاده‌ای برای این نوع سازمان‌ها محسوب می‌شود. در این رویکرد، شبکه‌ای موقتی از واحدها و سازمان‌های مستقل شکل گرفته است که شامل تولیدکنندگان، مشتریان و رقباست. این واحدها به مدد تکنولوژی‌های هوشمند به صورت آنلاین و شبانه‌روزی مشغول کسب‌وکار هستند و اطلاعات مورد نیاز سازمان را جمع‌آوری کرده و مبتنی بر این اطلاعات تصمیمات مقتضی را در اسرع وقت گرفته و یا اینکه به مدیران سازمان پیشنهاد می‌دهند. در این نوع سازمان‌ها که بسیار هم در حال

فراگیر شدن هستند سعی می‌گردد تا آنجا که ممکن است عامل هوشمند جایگزین عامل انسانی گردد و بدین ترتیب از برخی محدودیت‌های بهره‌گیری عامل انسانی مانند ساعت کاری محدود، خستگی، هزینه مالی و... رهایی یافته و بهره‌وری سازمانی افزایش یابد.

انواع سیستم‌های هوش مصنوعی و کاربردهای فراوان آن

به طور کلی حوزه‌های اصلی هوش مصنوعی را می‌توان به صورت زیر و در قالب چهار حوزه‌ی زبان طبیعی^۱، ربات‌شناسی^۲، علوم رایانه^۳ و علوم شناختی^۴ تقسیم کرد (O'Brien, 1992, p 357) که هر یک از این حوزه‌ها در صنعت و زندگی روزمره‌ی مردم و البته در امور نظامی بسیار پرکاربردند.

الف) حوزه زبان طبیعی

در این حوزه که شامل سه کاربرد عمده‌ی درک زبان، تشخیص گفتار و ترجمه زبان است، سعی خواهد شد به نوعی یک تعامل بین ماشین و انسان برقرار شود. امروزه این حوزه دارای کاربردهای فراوانی اعم از تلفن‌های گویا، سیستم‌های ترجمه‌ی زبان، تشخیص گفتار و تبدیل آن به متن و ... وجود دارد که به علت پیچیدگی‌های این نوع عملیات‌ها، راه حل مطلوبی در روش‌های سنتی (غیرهوشمند) یافت نمی‌شد.

ب) حوزه رباتیک

تمرکز این حوزه بر جایگزینی ماشین به جای برخی از فعالیت‌های انسانی پرخطر و یا حتی نیازمند به مهارت است. این حوزه شامل پنج موضوع درک دیداری، ذهنی‌بودن، مهارت، تحریک‌پذیری و راهبری است که کاربردهای آن در امور نظامی و صنعت و زندگی روزمره گسترده و همچنان در حال افزایش است.

ج) حوزه علوم رایانه

این حوزه که شامل موضوعات رایانه‌های نسل پنجم، پردازش موازی، پردازش نمادین و شبکه‌های عصبی است سعی می‌کند تا سرعت پردازش سیستم‌های کامپیوتری را تا حد خوبی افزایش دهند تا اینکه کاربردهایی مانند هواشناسی، محاسبات نجومی، محاسبات هسته‌ای، کارهای گرافیکی سه بعدی و ... که نیاز به محاسبات سنگین دارند را پوشش دهند.

-
1. Natural Language
 2. Robotics
 3. Computer Science
 4. Cognitive Science

(د) حوزه علوم شناختی

تمرکز این حوزه بر روی یادگیری ماشین و تولید دانش و تصمیم‌گیری ماشین به جای انسان است. این حوزه شامل موضوعات همچون سیستم‌های خبره، سیستم‌های دانش‌بنیان، سیستم‌های یادگیری و سیستم‌های منطق فازی است که امروزه دز سازمان‌ها و فضای مجازی و حتی در صنعت و امور نظامی نیز بسیار پرکاربرد هستند. به عنوان نمونه، سیستم‌های منطق فازی تلاش دارند تا مفاهیم زبانی نزد انسان را که دارای یک نوع ابهام ذاتی هستند را مدل کرده و بر اساس آن استنتاج کنند. به عبارت دیگر همان طور انسان با یکسری مفهوم غیردقیق و مبهم می‌تواند فکر کند و نتایجی را استنتاج کند، سیستم‌های منطق فازی نیز می‌توانند این کار را انجام دهند و در نتیجه در سیستم‌های کنترلی اعم از صنعتی و خانگی (مانند ماشین لباس‌شویی و ترمزهای ABS و هزاران کاربرد دیگر) مورد استفاده قرار می‌گیرند. (غضنفری، ۱۳۸۵، صص ۶-۱۵)

در واقع هر یک از این حوزه‌ها چنان پرکاربرد هستند که تقریباً همه‌ی شئون زندگی انسان را متأثر کرده‌اند، به عنوان نمونه شما یک دستگاه تلفن همراه را در نظر بگیرید که تقریباً در دست همگان یافت می‌شود و به نحوی جزء زیست بوم جهان انسانی جدید شده است و ببینید که در نسل‌های جدید این تکنولوژی چه مقدار از تکنیک‌های هوش مصنوعی بهره گرفته شده است و چقدر توانسته این ابزار به مدد این تکنیک‌ها شکل زندگی بشر را دچار دگرگونی کند.

اصل جهت‌داری تکنولوژی‌ها از ارزش‌ها

این اصل بدین معناست که به طور کلی تکنولوژی‌ها (اعم از سیستم‌های هوشمند و غیرهوشمند) تنها یک ابزار صرف و تهی از ارزش‌های اخلاقی-اجتماعی نیستند؛ بلکه این تلقی از تکنولوژی که آن را به عنوان ابزاری خنثی از ارزش می‌انگارد اشتباه بوده و امروزه فیلسوفان تکنولوژی مدخلیت ارزش‌های اخلاقی-اجتماعی در تکنولوژی را امری مسلم دانسته و به آن اذعان دارند:

«مقاله‌ی لانگدون وینر تحت عنوان "آیا مصنوعات صاحب سیاست‌اند؟" نمونه‌ی اولیه‌ی ولی بارزی است. رابرت موزس معمار در طراحی پل‌های بر فراز بزرگراه‌های لانگ‌آیلند می‌توانست طیف وسیعی از ارتفاع‌های مجاز را برای ساخت آن‌ها در نظر بگیرد. ولی تصمیم گرفت پل‌ها را با ارتفاع کم "و فقط نه فیت ارتفاع مجاز در قسمت پیاده‌روی" بسازد. دلیل این انتخاب آن بود که اتوبوس‌های ویژه‌ی فقرا و سیاهان که ممکن بود با عبور از بزرگراه‌ها به "پارک عمومی بسیار جذاب" برسند دوازده پا ارتفاع داشتند! (در این مثال اهمیت و ویژگی جهت‌دار بودن طراحی آشکار است. اگر ساخت پل‌های هوایی مرتفع‌تر برای موزس به روشنی امری ممکن نبود ما هیچ

راهی برای تشخیص تأثیر پيشداوری‌های اجتماعی او در طراحی پل‌ها نداشتیم.)» (مک‌کنزی، ۱۳۸۹، صص ۲۵۶-۲۵۵)

در واقع آنچه که از عبارت مک‌کنزی^۱ در می‌یابیم این است که تکنولوژی‌ها تنها ابزار صرف نیستند؛ بلکه آن‌ها بوسیله‌ی طراحان براساس ارزش‌های اخلاقی-اجتماعی خاصی طراحی می‌گردند. البته همان طور که مک‌کنزی اشاره می‌کند شناخت ارزش‌های اخلاقی-اجتماعی دخیل در یک تکنولوژی همواره کار آسانی نیست و تکنولوژی‌ها اغلب خودشان را به عنوان یک ابزار خالی از ارزش بر ما نمایان می‌کنند. فینبرگ^۲ نیز در این رابطه بیان می‌دارد که همواره بین طراحی و ملاحظات فنی یک تعیین ناقص^۳ وجود دارد؛ بدین معنا که طراحان برای اینکه دست به طراحی بزنند تنها با ملاحظات فنی و ویژگی‌های تکنیکی یک مسئله درگیر نیستند؛ بلکه ملاحظات فنی به علاوه‌ی پاره‌ای از ارزش‌هاست که یک نوع طراحی خاص را برای ایشان متعین می‌سازد. به عبارت دیگر ملاحظات فنی بدون ارزش‌ها با انواع مختلفی از طراحی‌ها قابل جمع هستند و این ارزش‌ها هستند که سمت و سویی خاص در به کارگیری از ملاحظات فنی را برای طراحان مشخص می‌کنند. (Feenberg, 1995, pp. 3-4)

با توجه به آنچه که در مورد تکنولوژی عرض شد می‌توان ابراز داشت که تکنولوژی سیستم‌های هوشمند نیز از این امر مستثنی نیستند و قطعاً سبک خاصی از زندگی را برای کاربران خود پیشنهاد می‌کنند و ایشان را به جهت خاصی سوق می‌دهند.^۴ البته شاید نتوان گفت این جهت، یک جهت صلب و قطعی برای همه‌ی فرهنگ‌ها باشد؛ آنچنانکه برخی از متفکرین مانند دون آیدی^۵ به آن اشاره می‌کنند:

«اولاً این ابزارها از ساختار افزایشی/کاهش‌ی پیروی می‌کنند یعنی چیزی به ما می‌دهند و چیزی از ما می‌گیرند. ثانیاً نسبت این ابزارها با فرهنگ مقصد نسبت علت و معلول نیست. ابزارها صرفاً بر فرهنگ مقصد تأثیر نمی‌گذارند و از این فرهنگ تأثیر هم می‌پذیرند. به زبانی دیگر، میان ابزار و فرهنگ مقصد نوعی نسبت دیالکتیک و دوسویه برقرار است.» (کاجی، ۱۳۹۲، صص ۹۴-۹۳)

بنابراین ابزارها و سیستم‌های هوشمند در فرهنگ‌های مختلف می‌توانند معانی و دلالت‌ها و

1. Mackenzie

2. Feenberg

3. Underdetermination

۴. البته منظور از جهت دادن تکنولوژی این نیست که کاربران در استفاده‌ی از این تکنولوژی‌ها دیگر اختیاری ندارند که از این تکنولوژی‌ها در جهتی دیگر استفاده کنند؛ بلکه منظور از جهت داری تکنولوژی‌ها این است که این تکنولوژی‌ها در مواجهه‌ی با کاربران، آن‌ها را تنها به سمت خاصی سوق می‌دهند و این امر به طور کلی از آن‌ها سلب اختیار نمی‌کند؛ اگرچه روی اختیار افراد هم بی‌تأثیر نخواهند بود.

5. Don Ihde

پیامدهای اخلاقی-اجتماعی متفاوتی داشته باشند و از طرفی آن‌ها در شکل‌گیری فرهنگ‌ها و زیست‌جهان‌های جدید نقش ایفا کنند. به عنوان نمونه، یک آسیاب بادی را در نظر بگیرید که در مغرب‌زمین وسیله‌ای برای تولید انرژی است؛ ولی همین وسیله در فرهنگ هندو نقش نیایشی دارد (Ihde, 1990, p. 127) و اینچنین است که پیامدهای اخلاقی-اجتماعی یک وسیله در فرهنگ‌ها و زیست‌جهان‌های مختلف، به شکل‌های گوناگونی ظهور و بروز می‌یابد. پس در نتیجه اگر یک ابزار در فرهنگ و جامعه‌ی مغرب‌زمین پیامدهای خاصی را در برداشته باشد، لزومی ندارد آن پیامدها عیناً در فرهنگ ما نیز تکرار شود و با توجه به این دیالکتیک و رابطه‌ی دوسویه بین فرهنگ و ابزار می‌بایست پیامدهای یک تکنولوژی مانند یک نوع سیستم هوشمند خاص را در فرهنگ‌های مختلف به طور جدا گانه مورد بررسی قرار دهیم تا اینکه در تحلیل‌مان در مورد این نوع سیستم خاص دچار ساده‌انگاری و قیاس مع‌الفارق نشویم.

روش تحقیق

روش تحقیق مجموعه‌ای منبعث از قواعد علمی و قابل اطمینان و نظام یافته‌ای است برای بررسی و کشف واقعیت و دستیابی به راه حل مناسب، روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌ای تحلیلی است به این صورت که ابتدا ذینفعان و افراد درگیر با سیستم‌های هوشمند ناظر به لایه‌های مختلف در چهار سطح سیاست‌گذاران، طراحان، کاربران و خود سیستم‌های هوشمند احصا و سپس با توجه به تنوع فراوان سیستم‌های هوشمند و متناسب با اقتضائات متفاوت و منحصر به فرد این سیستم‌ها نسبت به هر لایه و افراد آن با توجه به دلالت‌های مختلف آسیب‌ها شناسایی و در ادامه به جهت پیشگیری از نارسایی‌ها در یک نظام علمی و منسجم کدهای اخلاقی مربوط به سیستم‌های هوشمند در چهار سطح سیاست‌گذاران، طراحان، کاربران و خود سیستم‌های هوشمند ارائه میگردد تا به نحوی از پیامدهای سوء پیشگیری شود.

لزوم پرداختن به کدهای اخلاقی در عرصه‌ی سیستم‌های هوشمند

همان‌طور که در قبل اشاره شد، سیستم‌های هوشمند با سرعتی فوق‌العاده زیاد و با تنوعی بسیار چشم‌گیر در حال گسترش هستند و عرصه‌های مختلف زندگی بشری را در حال فتح کردن، و دیری نخواهد پایید که جهان بدون این نوع سیستم‌ها حتی تصوّرش هم بسیار دشوار خواهد بود؛ همچنانکه جهان بدون برق در حال حاضر تحمل و تصوّرش دشوار می‌نماید. بنابراین بسیار معقول و سنجیده است که ما بر روی تکنولوژی سیستم‌های هوشمند که اینچنین عرصه‌های مختلف بشر را متأثر کرده و به عبارتی ماهیت زندگی بشر را به گونه‌ای دیگر سامان داده است، تأمل کنیم و سعی کنیم لوازم و پیامدهای بهره‌بردن از چنین دستاوردهای بشری را مورد مذاقه و مطالعه قرار دهیم. برای این منظور پرداختن به کدهای اخلاقی و البته قبل از آن

پرداختن به مطالعات پشتیبان بسیار ضروری می‌رسد تا اینکه بی‌تأمل وارد جهانی خودساخته و مملو از سیستم‌های هوشمند نشویم که ممکن است ما را فرسنگ‌ها از اهداف متعالی و اصلی انسانیت دور کند.

از طرفی با توجه به اصل جهت‌داری تکنولوژی از ارزش‌ها و همچنین دیالکتیک بین جوامع مختلف با تکنولوژی به نظر می‌رسد اولاً می‌بایست در برخورداری و طراحی لایق و بدون در نظر گرفتن ارزش‌ها حاکم بر این نوع سیستم‌ها تجدیدنظر کنیم و ثانیاً به علت ابهامی که در رابطه‌ی بین تکنولوژی با فرهنگ‌های مختلف وجود دارد از مطالعات پسین^۱ غفلت نکنیم و پیامدهای به کارگیری این سیستم‌ها را در عرصه‌های مختلف به جد مورد رصد قرار دهیم. کدهای اخلاقی به عنوان یکی از راه‌حل‌های مهم در تعدیل و تصحیح برخی از پیامدهای ناگوار این نوع سیستم‌ها می‌بایست در سطوح مختلف مورد توجه قرار گیرند و البته با توجه به ابهام رابطه‌ی تکنولوژی با فرهنگ‌های مختلف که یک نوع رابطه‌ی در حال شدن و پویا است، می‌بایست همواره شرایط جامعه و تکنولوژی مربوطه مورد پایش قرار گرفته و متناسب با آن کدهای اخلاقی نیز اصلاح و به‌روز گردند. عرصه‌ها و ساحت‌هایی که می‌توان کد اخلاقی برای سیستم‌های هوشمند طراحی کرد عبارتند از: سیاست‌گذاران، طراحان، کاربران و خود سیستم‌های هوشمند.

سیستم‌های هوشمند «خوش اخلاق» یا «بد اخلاق»

در بخش قبل اشاره‌ای به طراحی کدهای اخلاقی برای تکنولوژی سیستم‌های هوشمند مستقل از طراحان و کاربران آن گردید. این مسئله فوراً سؤال‌هایی را در ذهن مخاطبین زنده می‌کند و از جمله: «آیا سیستم‌های هوشمند و به طور کلی تکنولوژی‌ها متعلق و صاحب فعل اخلاقی هستند؟» و «آیا اساساً اطلاق «خوش اخلاق» و «بد اخلاق» به این سیستم‌ها صحیح است؟» و «اگر صحیح است وجه اخلاقی و یا غیر اخلاقی بودن این سیستم‌ها چیست؟» و «اصلاً چه ثمره‌ای دارد؟»

در پاسخ به این سؤالات باید بگوییم که «بله» سیستم‌های هوشمند هم مستقل از طراحان و کاربران خود می‌توانند در بستر یک فرهنگ و جامعه خاص «خوش اخلاق» و یا «بد اخلاق» باشند. اما وجه اخلاقی و غیر اخلاقی بودن این سیستم‌ها چیست؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به دو وجه زیر اشاره کرد:

اول اینکه برای هر تکنولوژی طبق «اصل جهت‌داری تکنولوژی از ارزش‌ها»، جهت‌ی وجود دارد که این جهت می‌بایست در نظام اخلاقی جامعه مقصد سنجیده شده و بر ما مکشوف شود که این تکنولوژی در راستای کمال مطلوب انسانی آن جامعه است و یا اینکه انسان را از این

1. A posteriori

مسیر دور می‌کند؛ بنابراین به این معنا می‌توان سیستم‌های هوشمند را اخلاقی و یا غیراخلاقی دانست.

دوم اینکه در تکنولوژی‌های هوشمندی که قادر به یادگیری از محیط بوده و اینکه فراتر از قوانینی که طراحان برای آن‌ها قرار داده‌اند، عمل می‌کنند و از یک نحوه استقلال بیشتری نسبت به دیگر تکنولوژی‌ها برخوردار هستند؛ این ویژگی تکنولوژی‌های هوشمند که می‌توانند در شرایط مختلف و پیش‌بینی نشده توسط طراحان، خودشان را ترمیم کنند و دست به اقداماتی بزنند که به هیچ‌وجه در طراحی به آن‌ها فکر نشده است، باعث می‌گردد وجه اخلاقی در این نوع تکنولوژی‌ها بیشتر از تکنولوژی‌های غیرهوشمند نمایان گردد؛ زیرا که گویی این نوع سیستم‌ها خودشان را بالنسبه به اراده‌ی آزاد انسانی نزدیک‌تر کرده‌اند و از یک استقلال بیشتری نسبت به دیگر تکنولوژی‌ها بهره‌می‌برند.

و اما در مورد ثمره‌ی این بحث می‌توان گفت که اولاً می‌بایست سیستم‌های هوشمند مستقل از طراحان و کاربران آنها در بستر اجتماعی که در آن قرار دارند، مورد مطالعه قرار بگیرند و لوازم و پیامدهای اخلاقی-اجتماعی آن‌ها کشف شده و به عبارتی سیستم‌های هوشمند «خوش اخلاق» و «بد اخلاق» را در بستر آن جامعه‌ی خاص از هم تمیز داده و ثانیاً نسبت به سیستم‌های «بد اخلاق» اقدامات اصلاحی و در صورت عدم اصلاح نسبت به حذف آن‌ها اقدامات لازم و مقتضی مبذول گردد و این سطح از اخلاق غیر از اخلاق طراحان و کاربران سیستم‌های هوشمند است.

کدهای اخلاقی سیستم‌های هوشمند

سال‌ها پیش از آن که سیستم‌های هوشمند ساخته شوند، نخستین بار *ایزاک عاصم*^۱ سه قانون کلی برای ربات‌ها طراحی کرد. البته پس از مدتی قانون صفرا می را نیز به این قوانین اضافه نمود که عبارتند از:

قانون شماره‌ی صفر: ربات نبایستی به انسانیت لطمه‌ای وارد کند یا به واسطه‌ی سستی اجازه دهد صدمه‌ای به انسانیت برسد.

قانون شماره‌ی یک: ربات نباید به هیچ انسانی لطمه‌ای بزند یا به سبب کاهلی اجازه دهد آسیبی به او برسد، مگر اینکه عمل‌اش از یک قانون بالاتری تجاوز کند.

قانون شماره‌ی دو: ربات باید از فرمان‌های انسان‌ها پیروی کند، مگر اینکه این فرمان‌ها با قانون‌های بالاتری در تضاد باشند.

قانون شماره‌ی سه: ربات باید از هستی خویش محافظت کند مگر اینکه چنین حفاظتی در

تضاد با قانون‌های بالاتر باشد. (Asimov, 1942, pp. 94-103)

همان‌طور که مشاهده می‌کنید در این کدها و قوانین سعی می‌گردد به نحوی از پیامدهای سوء ربات‌ها پیشگیری شود؛ اگرچه این کدها برای ربات‌های هوشمند امروزی اصلاً کافی نیستند و برای سیستم‌های هوشمند نیاز به کدهای اخلاقی جامع‌تر و البته دقیق‌تری هستیم. بدین منظور در ادامه سعی خواهد شد کدهای اخلاقی مربوط به سیستم‌های هوشمند در چهار سطح سیاست‌گذاران، طراحان، کاربران و خود سیستم‌های هوشمند ارائه گردد.^۱

کدهای اخلاقی سیستم‌های هوشمند در سطح سیاست‌گذاران

اساساً سیاست‌گذاران کلان در هر حوزه همواره در ایجاد هرگونه تحول و دگرگونی در آن حوزه نقش بسزایی دارند و اگر آن‌ها به عنوان تعیین‌کنندگان جهت کلی حرکت آن عرصه‌ی خاص در امری مساعدت لازم را مبذول نفرمایند، بسیار بعید است که آن تحول به سرانجام خوشی برسد. از این رو ضروری است که در ابتدا کدهای اخلاقی مربوط به سیاست‌گذاران در حوزه‌ی سیستم‌های هوشمند ارائه گردند. در ادامه کدهای اخلاقی برای سیاست‌گذاران در عرصه‌ی سیستم‌های هوشمند در سه لایه‌ی «علم و فناوری»، «اقتصاد» و «فرهنگ» ارائه خواهد شد.^۲

کدهای اخلاقی سیاست‌گذاران در حوزه‌ی علم و فناوری

- ۱- ایجاد کارگروهی به جهت کشف نیازهای کشور در این عرصه و تقویت رشته‌های مربوط به این عرصه و افزایش و جهت‌دهی به پذیرش دانشجو متناسب با نیاز کشور.
- ۲- تدوین کتب درسی به گونه‌ای که بخشی از دانش‌آموزان به این عرصه علاقه‌مند گشته و با شناخت کافی و علاقه به این عرصه تصمیم به ادامه‌ی تحصیل در مقاطع بالاتر بگیرند.
- ۳- پروبال دادن به مسابقات دانش‌آموزی «طراحی سیستم‌های هوشمند» به جهت شکوفایی این عرصه و قرار دادن امتیازات ویژه برای برندگان از جمله تحصیل در مقاطع بالاتر بدون آزمون و غیره.

۱. در این نوشته کدها اخلاقی ناظر به ویژگی‌ها و اقتضائات کلی و عام سیستم‌های هوشمند طراحی شده است و لازم به تذکر است که با توجه به تنوع فراوان سیستم‌های هوشمند و اقتضائات متفاوت و منحصر به فرد این سیستم‌ها می‌بایست در گام بعدی کدهای اخلاقی مختص هر یک از انواع سیستم‌های هوشمند و متناسب با اقتضائات خاص آن نوع سیستم طراحی شود تا اینکه عواقب و پیامدهای این نوع سیستم‌ها به شکل اثربخش‌تری مدیریت شود.

۲. البته لازم به تذکر است که در کشور ما چنین جایگاه و نهادی برای سیاست‌گذاری‌های کلی مربوط به سیستم‌های هوشمند وجود ندارد و به نظر می‌رسد این نیاز احساس می‌شود که با توجه به اهمیت این نوع سیستم‌ها و فراگیری آن‌ها نهادی ذیل شورای عالی مجازی و یا حتی هم‌عرض آن تأسیس گردد.

- ۴- ساماندهی رساله‌های ارشد و دکترا در رشته‌های مربوط به این عرصه به جهت پوشش خلأهای موجود در چرخه‌ی علم و تکنولوژی کشور معطوف به سیستم‌های هوشمند.
- ۵- ایجاد سازوکارهای مناسب برای ارتباط یافتن صنعت و دانشگاه به جهت بهره‌گیری از تکنیک‌های هوش مصنوعی در مسائل موجود در صنعت.
- ۶- حمایت از مبتکرین و مخترعین «سیستم‌های هوشمند» و تدوین و اجرای قوانین حمایت از مالکیت معنوی مختص به این عرصه تا که خلأ قانونی‌ای وجود نداشته باشد.
- ۷- سیاست‌گذاران می‌بایست حوزه‌ی علم و فناوری در این عرصه را همواره مورد پایش قرار دهند و متناسب با شرایط محیطی این عرصه موارد فوق را به‌روز و اصلاح نمایند.

کدهای اخلاقی سیاست‌گذاران در حوزه‌ی اقتصاد

امروزه سیستم‌های هوشمند به دلیل ارزش‌افزوده بالایی که دارند در اقتصاد کشورهای پیشرفته نقش بسزایی ایفا می‌کنند و کشورهایی که در این عرصه قدمی برنداشته‌اند خودشان را از یک بازار مهم جهانی محروم کرده‌اند و ناگزیر مجبور خواهند بود که در این عرصه دست به واردات بزنند که منجر به خروج ارز از کشور و عدم رونق تولید در این عرصه و بی‌کار ماندن کثیری از متخصصین داخلی و وابستگی کشور در این عرصه خواهد شد. در ادامه کدهای اخلاقی سیاست‌گذاران عرصه‌ی سیستم‌های هوشمند در بخش اقتصاد ارائه خواهد شد.

- ۱- برنامه‌ریزی و اقدام به جهت کاهش میزان واردات این محصولات و در نتیجه کاهش خروج ارز به جهت کاهش واردات این نوع محصول
- ۲- ارائه‌ی بسته‌های حمایتی از تولیدات داخلی به منظور شکوفایی این عرصه در صنعت کشور به نحوی هوشمندانه که حداقل در بازار داخل با محصولات خارجی قابل رقابت باشند. مانند بهره‌گیری از اهرم‌هایی چون معافیت از مالیات برای تولید کنندگان داخل، ارائه‌ی مشاوره‌های تخصصی، جلوگیری از واردات بی‌رویه محصولات خارجی و بستن کمرگی به محصولات خارجی و ...

- ۳- ایجاد زیرساخت‌ها و تسهیل بروکراسی اداری به جهت جذب سرمایه‌گذاران خارجی
- ۴- ایجاد پارک‌های فناوری به جهت حمایت از بنگاه‌های اقتصادی دانش‌بنیان در این عرصه
- ۵- برنامه‌ریزی و اقدام به جهت افزایش میزان صادرات محصولات این عرصه و ورود ارز به

کشور

کدهای اخلاقی سیاست‌گذاران در حوزه‌ی فرهنگ

- ۱- ایجاد کارگروهی متشکل از متخصصین در زمینه‌های فقهی-اخلاقی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت، بهداشت عمومی، روان‌شناسی، هوش مصنوعی، حقوق و دیگر عرصه‌های مرتبط، به جهت کشف پیامدهای این نوع سیستم‌ها مبتنی بر اقتضائات اسلامی-ایرانی این مرز و بوم و در نتیجه ارائه پیشنهادات برای تعدیل پیامدهای این نوع سیستم‌ها به دستگاه‌های مربوطه.
- ۲- برگزاری مسابقاتی به موازات مسابقات دانش‌آموزی «طراحی سیستم‌هوشمند» با موضوع «بررسی پیامدهای اخلاقی-اجتماعی سیستم‌های هوشمند» به جهت درگیر کردن دانش‌آموزان با این مقوله و اعطای امتیازات ویژه مانند تحصیل در مقاطع بالاتر و ... برای تشویق افراد شرکت‌کننده و رونق یافتن این مسابقات
- ۳- آموزش و اطلاع‌رسانی به افراد جامعه (اعم از متخصصین و غیرمتخصصین) در مورد نقاط قوت و ضعف و البته فرصت‌ها و تهدیداتی که این نوع سیستم‌ها برای ما بوجود می‌آورند و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط در بهره‌گیری و طراحی این نوع سیستم‌ها.
- ۴- توجه دادن به پیامدهای اخلاقی-اجتماعی بهره‌گیری از این نوع سیستم‌ها و الزام متخصصین به ارائه بخشی در طرح توجیهی خودشان با عنوان پیامدهای اخلاقی-اجتماعی سیستم مربوطه
- ۵- با توجه به فراگیری سیستم‌های هوشمند و مخاطبین دانش‌آموز این نوع سیستم‌ها می‌بایست این آموزش‌ها از دوران ابتدایی در مدارس شروع شود.
- ۶- توجه دادن به مخاطرات فرهنگی برخی از بازی‌های هوشمند به خانواده‌ها و ایجاد یک ارتباط سازنده بین مدرسه و خانواده‌ها به جهت تعدیل پیامدهای این نوع سیستم‌ها بر روی کودکان و نوجوانان
- ۷- ارائه کدهای اخلاقی متنوع و متناسب با حال مخاطبین از جمله: خانواده‌ها، کودکان، نوجوانان، جوانان و همه‌ی افرادی که به نحوی با این نوع سیستم‌ها در تعامل هستند.
- ۸- طراحی استانداردهایی مبتنی بر فرهنگ اسلامی-ایرانی برای جهت‌دهی فرهنگی به طرح‌ها برای طراحان این عرصه
- ۹- تصویب قوانین حقوقی و جزایی مناسب در این حوزه در جهت جلوگیری از تخلف‌ها و ضمانت اجرایی پیدا کردن کدهای اخلاقی در این حوزه
- ۱۰- طراحی سازوکاری به جهت به روز شدن کدهای فوق متناسب با تغییرات فرهنگی-اجتماعی کشور

کدهای اخلاقی برای طراحان سیستم‌های هوشمند

۱- در طراحی سیستم‌های هوشمند می‌بایست امنیت، سلامت جسمی و روحی، فرهنگ اسلامی- ایرانی و جایگاه مطلوب انسانی در نظر گرفته شود..

a. پیامدهای احتمالی بهره‌بردن و یا بیش از حد بهره‌بردن سیستم خود را به کاربران و کارفرمایان اطلاع دهند.

b. در طراحی‌های صنعتی این نوع سیستم‌ها به سلامت جسمی و روانی کاربران توجه داشته باشند و نباید طراحی به گونه‌ای باشد که کاربر پس از استفاده کردن طولانی مدت از سیستم دچار اختلالات جسمی و یا روحی گردد.

c. در مورد مخاطبین نوجوان این سیستم‌ها نباید به گونه‌ای طراحی شوند که عملاً نوجوانان را به استفاده کردن افراطی از این سیستم‌ها ترغیب و تشویق کند و منجر به مشکلاتی اعم از بی‌تحركی، ضعیف شدن چشم‌ها، دور شدن از روابط گرم خانوادگی، افسردگی و ... گردد.

d. بخش قابل توجهی از کاربرد هوش مصنوعی در بازی‌های کامپیوتری است که در این زمینه نیز طراحان می‌بایست در بهره‌گیری از خشونت و جنگ و خونریزی افراط نکنند و همواره به پیامدهای اخلاقی-اجتماعی این نوع بازی‌ها توجه کنند.

e. در طراحی سیستم‌های هوشمند می‌بایست تمامی استانداردهای کمی و کیفی که با سلامت جسم مخاطبین در ارتباط است را رعایت کنند و آسیب نرساندن به کاربران را مدّ نظر داشته باشند

f. در طراحی این نوع سیستم‌ها می‌بایست با اهتمام ویژه به استانداردهای فرهنگی از پیامدهای اخلاقی- اجتماعی ناخوشایند این سیستم‌ها جلوگیری کرد.

g. طراحان سیستم‌های هوشمند می‌بایست شرایطی را که سیستم دچار مشکل شده را پیش‌بینی کرده و سعی کنند به گونه‌ای این مسئله در این نوع سیستم‌ها مورد توجه قرار دهند تا اینکه عملکرد سیستم در هنگام بروز مشکل منجر به فجایع انسانی و غیرانسانی نگردد.

h. اگر طراحان سیستم‌های هوشمند در یکی از مراحل طراحی و ساخت سیستم به این نتیجه رسیدند که ادامه‌ی پروژه موجب خسارت‌های مالی یا جانی و یا فرهنگی می‌گردد، می‌بایست مراتب را به کارفرما و مراجع ذی‌صلاح اطلاع دهند.

i. با توجه به اینکه سیستم‌های هوشمند غالباً این قابلیت در آن‌ها وجود دارد که اطلاعات کاربران خود را ضبط کنند باید این مطلب توسط طراحان به صراحت بیان شود و نباید امکان دسترسی به اطلاعات کاربران بدون اجازه‌ی ایشان برای افراد دیگر مانند کارفرما و ... وجود داشته باشد و تنها بایستی این اطلاعات در راستای انطباق بیشتر سیستم با نیازهای کاربر مورد استفاده قرار گیرد.

ج. در طراحی سیستم‌های هوشمند می‌بایست به فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی-ایرانی کاربران توجه شود و کاربران را دچار تعارضات فرهنگی و یا حتی از خودبیگانگی فرهنگی نکند.

ک. در طراحی این نوع سیستم‌ها که از گستردگی فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند می‌بایست به جایگاه والای انسانی توجه شده و به گونه‌ای به رفتارهایی که در جهت کمال انسانی است وزن داده شود و یا اینکه حداقل مانع آن‌ها نباشد؛ به طور نمونه در سیستم هوشمند تنظیم پروازهای هواپیما می‌توان با لحاظ کردن زمان نماز در تنظیم زمان پروازها، از پروازهایی که مانع اقامه نماز توسط مسافران می‌گردد ممانعت کرد.

ل. طراحی سیستم‌های هوشمند می‌بایست قبل از تولید انبوه یک سیستم خاص، آن را در یک محیط کوچک به کار گیرند و تست‌های لازم و پیامدهای جسمی و اخلاقی-اجتماعی آن را چک کنند و نتایج را در نحوه‌ی بهره‌گیری و نکات ایمنی در دفترچه سیستم بیاورند.

م. طراحی سیستم‌های هوشمند سعی کنند در طراحی‌های خود مسئله‌ی عدالت را پیگیری کنند؛ زیرا که برپایی عدالت باعث ریشه کن شدن بسیاری از معضلات اجتماعی می‌گردد.

ن. طراحی سیستم‌های هوشمند می‌بایست در صورت نقض هر یک از موارد فوق، مراتب را به مراجع ذی‌صلاح اطلاع دهد.

۲- طراحی سیستم‌های اطلاعاتی می‌بایست در اجرای وظایف خود صادق و قانون‌مدار باشند و از هرگونه فریبکاری بپرهیزند.

ا. طراحی سیستم‌های هوشمند می‌بایست در مورد محدودیت‌ها و همچنین نقاط ضعف و قوت سیستم خود صداقت داشته باشند و چیزی را از کارفرما و کاربران مخفی نکنند.

ب. طراحی این نوع سیستم‌ها نباید اطلاعات یک پروژه را بدون جلب رضایت کارفرما در اختیار افراد دیگر قرار دهد؛ مگر در مواردی که توسط قانون ملزم شده باشد.

ج. طراحی سیستم‌های هوشمند نباید اجازه دهند که از نام ایشان یا حضورشان در معاملات تجاری یا شخصی یا بنگاهی استفاده شود در حالی که بر این باورند که درگیر یک کار غیرصادقانه و یا کلاهبرداری هستند.

د. طراحی سیستم‌های هوشمند نباید به فعالیت‌های غیرقانونی یک طراحی و یا یک شرکت کمک کرده و یا اینکه آن‌ها را تشویق کند.

ه. طراحی سیستم‌های هوشمند می‌بایست به خطاهای خود اعتراف کرده و از تحریف حقایق و تغییر آن‌ها بپرهیزند.

ف. طراحی سیستم‌های هوشمند می‌بایست سعی کنند با عملکرد خوبشان نماینده‌ی خوبی برای این قشر بوده و باعث افزایش خوش‌نامی این قشر گردند.

g. طراحان سیستم‌های هوشمند می‌بایست در صورت نقض شدن هر یک از موارد فوق مراتب را به مراجع ذیصلاح اطلاع دهند.

۳- طراحان سیستم‌های هوشمند بایستی در حوزه شایستگی و تخصص خود خدمت کنند
a. طراحان سیستم‌های هوشمند تنها هنگامی باید وظیفه‌ای را برعهده بگیرند که به خاطر تحصیلات یا تجربه در آن حوزه، شایسته‌ی آن باشند.
b. طراحان این نوع سیستم‌ها می‌بایست تنها از امضای خود در حوزه‌ی شایستگی و تخصص استفاده کنند و از تأیید اسنادِ طرحی که در آن تخصص ندارند پرهیز کنند.

۴- در طراحی این سیستم‌ها می‌بایست افزایش بهره‌وری در نظر گرفته شود.
a. یکی از قابلیت‌های مهم سیستم‌های هوشمند این است که به راحتی می‌توان آن‌ها را با سیستم‌های هوشمند دیگر مجتمع^۱ کرد که این امر می‌تواند به کم‌شدن رویه‌های کاری و افزایش بهره‌وری این نوع سیستم‌ها کمک شایانی کند.
b. طراحان سیستم‌های هوشمند نباید در توصیه و مشاوره برای بهره‌بردن از سیستم‌های هوشمند افراط کرده و بدون توجه به صرفه‌داشتن و میزان بهره‌وری یک سیستم خاص، آن را به کارفرما توصیه کند.

۵- طراحان سیستم‌های هوشمند می‌بایست حق و حقوق مادی و معنوی همکاران را مراعات کرده و در رعایت امانت‌داری نسبت به همکاران و کارفرما کوشا باشند
a. طراحان سیستم‌های هوشمند بایستی هر زمانی که ممکن است فرد یا افرادی را که مسئول طراحی‌ها، نوآوری‌ها، تألیفات و یا سایر دستاوردها هستند معرفی کنند.
b. طراحان سیستم‌های هوشمند می‌بایستی طرح‌ها، داده‌ها، اسناد و نوشته‌های متعلق به یک کارفرما را جزء دارایی او بدانند و در صورت هر گونه بهره‌برداری غیر مجاز از این اسناد کارفرما می‌تواند طراحان را مورد مؤاخذه قرار دهد.

۶- طراحان بایستی همواره دانش حرفه‌ای خود را افزایش داده و به‌روز باشند.
a. طراحان باید در زمینه‌ی کاری خودشان مطالعه داشته و از آخرین تحقیقات روز مطلع باشند.
b. طراحان بایستی در صورت لزوم برای فراگرفتن برخی تکنولوژی‌های جدید کاربردی مرتبط، در کلاس‌های آموزشی آن شرکت کنند و هیچ‌گاه خود را از آموزش دیدن مستغنی ندانند.
c. طراحان باید از نشست‌ها و سمینارهای تخصصی در حوزه‌ی سیستم‌های هوشمند کمال

بهره‌برداری را داشته باشند.

کدهای اخلاقی برای کاربران سیستم‌های هوشمند

کاربران سیستم‌های هوشمند مخاطبین اصلی این نوع سیستم‌ها (اعم از صنعتی و خانگی و شخصی) هستند و در صورت عدم توجه به همه‌ی جوانب این سیستم‌ها، این قشر هستند که آماج پیامدهای جسمی، اخلاقی-اجتماعی و فرهنگی این نوع سیستم‌ها قرار خواهند گرفت. از این رو اهتمام به کد اخلاقی برای کاربران سیستم‌های اخلاقی ضروری است.

۱- کاربران سیستم‌های هوشمند می‌بایست نسبت به پیامدهای جسمی این نوع سیستم‌ها هوشیار باشند.

- a. کاربران می‌بایست از پیامدها و عوارض جسمی بهره‌بردن و همچنین بیش از حد بهره‌بردن این نوع سیستم‌ها کسب اطلاع کنند.
- b. کاربران بایستی هر چند وقت یکبار با مراجعه به پزشک پیامدهای جسمی بهره‌گیری از این نوع سیستم‌ها را بر روی خودشان چک کنند. مانند معاینه چشم و ...
- c. کاربران مختلف دارای شرایطی جسمی مختلفی هستند آن‌ها می‌بایست با توجه به شرایط خاص خودشان پی‌گیر عوارض جسمی این نوع سیستم‌ها باشند. به عبارت دیگر ممکن است یک سیستم برای فردی ضرر چندانی نداشته باشد؛ ولی برای فرد دیگر بسیار کشنده باشد، به عنوان نمونه فردی که دچار اضافه وزن، چربی خون و ... است استفاده از سیستمی هوشمندی که موجب کم‌تحرکی می‌گردد برای او سمّ است و البته این سیستم برای افرادی که دارای فعالیت زیادی هستند ممکن است حکم دارو را هم داشته باشد.

۲- کاربران سیستم‌های هوشمند می‌بایست نسبت به پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی این نوع سیستم‌ها هوشیار باشند.

- a. کاربران می‌بایست از افراط در بهره‌بردن این نوع سیستم‌ها بپرهیزند؛ زیرا که اغلب این سیستم‌ها کاربران خود را به افرادی منزوی و سرد تبدیل کرده و روابط گرم و سازنده‌ی خانوادگی و دوستانه را کم‌رنگ می‌کند.
- b. کاربران سیستم‌های هوشمند می‌بایست شرایط خود را قبل از استفاده‌ی از سیستم با شرایط بعد از استفاده از سیستم مقایسه کنند و همواره نسبت به این تغییرات رفتاری و اخلاقی حساس باشند
- c. کاربران می‌بایست متناسب با مبانی دینی و مشورت با اهل آن یک چارچوب برای زندگی خود داشته باشند و از این سیستم‌ها در قالب آن چارچوب بهره‌مند شوند؛ نه اینکه به صورت افسار گسیخته و بی‌توجه به سبک زندگی دینی از این سیستم‌ها استفاده کنند.

- d. کاربران باید متوجه باشند که این نوع سیستم‌ها همواره اطلاعات شخصی شما را جمع-آوری کرده و سعی می‌کنند مبتنی بر ویژگی‌های شخصی کاربر به آن خدمت‌رسانی کنند.
- e. از طرفی کاربر باید بداند هیچ سیستمی مصون از هک شدن نیست؛ پس می‌بایست از گذاشتن مدارک و یا اسناد شخصی خود و دیگران که فاش شدن آن‌ها باعث رنجش کاربر و یا افراد دیگر می‌گردد خودداری کند.
- f. چنانچه کاربری به گونه‌ای دریافت که یک سیستم خاص دارای پیامدهای ناپهنجاری در عرصه‌ی اخلاق یا اجتماع و یا فرهنگ است، می‌بایست مراتب را به اطلاع کاربران دیگر، طراحان و مراجع ذی‌صلاح برساند.

۳- کاربران سیستم‌های هوشمند می‌بایست اطلاعات خودشان را در مورد این سیستم‌ها افزایش دهند تا با خرید سیستم متناسب با نیاز و همچنین تنظیمات صحیح آن در صرفه‌جویی انرژی و افزایش بهره‌وری سیستم به توفیقات لازم دست یابند.

۴- کاربران سیستم‌های هوشمند می‌بایست به جهت حمایت از تولید داخلی، تولیدات داخلی را در اولویت قرار دهند و اگر فاصله‌ی محصولات داخلی با خارجی زیاد نیست از محصولات داخلی استفاده کنند.

۵- کاربران سیستم‌های هوشمند می‌بایست از هرگونه استفاده‌ی مغایر با قانون این سیستم‌ها پرهیز کنند.

- a. کاربران سیستم‌های هوشمند می‌بایست از نسخه‌های اصلی این نوع سیستم‌ها بهره ببرند و برای این امر تنها از نمایندگی معتبر برای خرید این نوع سیستم‌ها اقدام نمایند.
- b. با توجه به ماهیت نرم‌افزاری بودن سیستم‌های هوشمند، کاربران باید از کپی‌برداری‌های غیرمجاز این نوع سیستم‌ها پرهیزند.
- c. کاربران در صورت مشاهده‌ی هر گونه استفاده‌ی خلاف قانون این نوع سیستم‌ها می‌بایست مراتب را به مراجع ذی‌صلاح اطلاع دهد.

کدهای اخلاقی برای سیستم‌های هوشمند

همان‌طور که قبلاً توضیحات آن ارائه شد، با توجه به فراگیری فوق‌العاده‌ی سیستم‌های هوشمند و اصل جهت‌داری تکنولوژی و همچنین ماهیت مستقل‌تر این نوع سیستم‌ها نسبت به دیگر تکنولوژی‌ها، این نیاز احساس می‌شود که به جهت تعدیل پیامدهای جسمی، اخلاقی-اجتماعی و فرهنگی این نوع سیستم‌ها می‌بایست به طور مستقل به ارزیابی سیستم‌های هوشمند بپردازیم. این امر که به کمک کدهای اخلاقی انجام می‌شود باعث می‌گردد که همگان بتوانند با ملاکی که در دست دارند سیستم‌های «بد اخلاق» و «خوش اخلاق» را مستقل از طراحان و

کاربران بشناسند و در صورت نیاز اقدامات لازم را مبذول دارند.

۱- سیستم‌های هوشمند نباید به کاربران خود آسیب جسمی برسانند.

a. این سیستم‌ها می‌بایست نسبت به پیامدهای جسمی استفاده کردن و یا بیش از حد استفاده کردن سیستم به کاربران هشدار دهند.

b. این سیستم‌ها می‌بایست به گونه‌ای باشند که عوارض جسمی استفاده کردن طولانی مدت از آن‌ها به حداقل برسد.

c. این سیستم‌ها با توجه به میزان و نحوه‌ی استفاده‌ی کاربر از آن‌ها می‌بایست به کاربران توصیه‌های بهداشتی-درمانی متناسب را ارائه کنند؛ مانند توصیه به ورزش، توصیه مراجعه به چشم‌پزشک، توصیه مراجعه به پزشک، توصیه به چکاپ کامل و ...

d. این نوع سیستم‌ها در صورت خرابی می‌بایست مراتب را به کاربران و طراحان خود اطلاع دهند و از هر گونه عمل مخاطره آمیز خودداری کنند.

۲- سیستم‌های هوشمند باید پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی را به نحوی تعدیل و آن‌ها را در جهت کمال متعالی انسانی کاربران سامان دهد.

a. سیستم‌های هوشمند بایستی پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی خود را به کاربران اعلام کنند.

b. این سیستم‌ها باید نسبت به تحت تأثیر قرار دادن روابط خانوادگی و اجتماعی کاربران حساس باشند و به نحوی پیامدهای بهره‌گیری بیش از حد سیستم را در این موارد به کاربران اعلام نمایند.

c. در مورد مخاطبین نوجوان این سیستم‌ها می‌بایست توصیه‌های ویژه این سنین (توصیه به درس خواندن، اهل برنامه‌ریزی بودن و ...) را به ایشان اعلام کنند و آن‌ها را به طرق مختلف از بهره‌گیری افراطی از سیستم منع کنند.

d. سیستم‌های هوشمند باید به گونه‌ای باشند که نسبت به استفاده‌های خلاف قانون و خلاف اخلاق مانع باشند و به عبارتی از لاقضای بودن و یا ترغیب و تشویق کاربران به استفاده‌های خلاف قانون و اخلاق کاربران بپرهیزند.

e. سیستم‌های هوشمند می‌بایست نسبت به کمال انسانی مانع و یا حتی لاقضای نباشند؛ بلکه به گونه‌ای کاربران را به آن سو هدایت کنند. به عنوان نمونه این سیستم‌ها می‌توانند مجموعه‌ای از افعال، احساسات و معارف دینی را به گونه‌ای هنرمندانه و غیر مستقیم به کاربران خود القا کنند.

۳- این سیستم‌ها می‌بایست در جهت تحقق عدالت در جامعه عمل کنند.

a. این سیستم‌ها می‌بایست با همه‌ی افراد با توجه به صلاحیت‌ها و شایستگی‌های آن‌ها برخورد متناسب را ابراز نماید و از هرگونه امتیازدهی بی‌جهت پرهیز کند. به طور نمونه سیستم هوشمند مالیات‌گیری می‌تواند در باز توزیع عادلانه‌ی منابع مالی سهم بسزایی داشته باشد.

۴- سیستم‌ها هوشمند باید از کیفیت مطلوب برخوردار باشند.

a. سیستم‌های هوشمند می‌بایست دارای گواهینامه‌های معتبر استاندارد کیفی را اخذ کرده باشند.

b. این سیستم‌ها می‌بایست در مصرف انرژی صرفه‌جو باشند.

۵- سیستم‌های هوشمند باید باعث افزایش بهره‌وری گردند.

a. این سیستم‌ها به جهت ویژگی‌های خاصی که دارا هستند اگر در جای مناسب و با تنظیمات صحیح به کار گرفته شوند، باعث افزایش بهره‌وری می‌گردند.

b. این سیستم‌ها می‌بایست قابلیت مجتمع شدن با دیگر سیستم‌ها را داشته باشند تا از این طریق بتوانند باعث کم شدن روبه‌های کاری گردند و بهره‌وری افزایش یابد.

۶- این سیستم‌ها باید از نظر هزینه‌ای به صرفه باشند.

نتیجه گیری

پرداختن به کدهای اخلاقی سیستم‌های هوشمند ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا که: اولاً امروزه این نوع سیستم‌ها با کاربردهای فراوان‌شان در عرصه‌های گوناگون توانسته‌اند تغییری شگرف در نحوه‌ی رابطه‌ی انسان با جهان پیرامون ایجاد کنند و شکل زندگی انسان را به طریقی دیگر سامان دهند و ثانیاً با توجه به «صل‌جهت‌داری تکنولوژی از ارزش‌ها» که به ما عدم خنثی‌بودن و دارای اقتضاء بودن تکنولوژی در ساحت‌های مختلف را گوشزد می‌کند، می‌بایست به عواقب جسمی، اخلاقی-اجتماعی و فرهنگی این نوع سیستم‌ها بیش از پیش توجه داشت؛ در این میان کدهای اخلاقی به نظر می‌رسد برای تعدیل این پیامدها در عرصه‌های مختلف، محمل خوبی باشند. در این مقاله سعی شد به جهت تعدیل این پیامدها، کدهای اخلاقی سیستم‌های هوشمند از نگاه و منظر فلسفه تکنولوژی، با نظر به ماهیت و مبتنی بر جهت‌داری این سیستم‌ها و ناظر به پیامدهای ناخواسته آن و همچنین، با توجه به اقتضائات فرهنگی و زیست‌بوم ایران، کدهای اخلاقی طراحی و در چهار سطح سیاست‌گذاران، طراحان، کاربران و خود سیستم‌های هوشمند ارائه گردد.

فهرست منابع

- ۱- حسینی قلعه‌بهمن سیداکبر، (بی تا) تحلیلی کد اخلاقی محبت در آیین کاتولیک، اخلاق پژوهی، ش ۳.
- ۲- شریف زاده، فناوری اطلاعات؛ (۱۴۰۱) دوراهی اخلاقی و تصمیم‌گیری، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره ۳۸، شماره ۲.
- ۳- کاجی حسین، (۱۳۹۲) فلسفه تکنولوژی دون آیدی، تهران، انتشارات هرمس.
- ۴- غضنفری مهدی و محمود رضایی، (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر نظریه مجموعه‌های فازی، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- ۵- مک‌کنزی و دیگران، (۱۳۸۹) فلسفه تکنولوژی، چاپ چهارم، مترجم: شاپور اعتماد، تهران، انتشارات نشر مرکز.
- 6- Jobin, A., Ienca, M., & Andorno, R. (2019) Artificial Intelligence: The Global Landscape. *AI & Society*, 34(2).
- 7- Binns, R. (2018) Fairness in Machine Learning: Lessons from Political Philosophy. In *Proceedings of the (2018) Conference on Fairness, Accountability, and Transparency (FAT* 2018)*
- 8- Shadloo, B., Sadeghi, A., & Zerehpooosh, F. (2021). Ethics in Artificial Intelligence: A Comparative Study of Different Approaches. *Journal of AI Ethics*, 1(1).
- 9- Reynolds, G. (2014). Ethical Decision Making in Artificial Intelligence: Balancing Human and Machine. In *Proceedings of the International Conference on Artificial Intelligence (ICAI 2014)*
- 10- Asimov, Issac. (1942) 'Runaround', *Astounding Science Fiction*.
- 11- Feenberg, Andrew. (1995) *Alternative Modernity: The Technical Turn in Philosophy and Social Theory*. Los Angeles: University of California Press.
- 12- Reynolds, George W. (2014) *Ethics in Information Technology*. Massachusetts: Cengage Learning.
- 13- Ihde, Don. (1990) 'Technology and the Lifeworld: From Garden to Earth', Bloomington: Indiana University press.
- 14- Mcleod, R. (1998) *Management Information System*, New Jersey, Prentice-Hall.
- Obrien, J. A. (1992) *Management Information Systems: A Managerial and User perspective*. New Delhi: Galgotia Publication Pvt. Ltd.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۳۹ - ۳۱۷

گزاره‌های اخلاقی در آثار اطباء تمدن اسلامی: تحلیل تطبیقی با تمرکز بر رازی، ابن‌سینا و سیداسماعیل جرجانی

آمنه باقری^۱

چکیده

اخلاق پزشکی از دیرباز جزئی جدایی‌ناپذیر از حرفه درمانی در تمدن‌های علمی بوده است. در تمدن اسلامی، حکمای بزرگ مانند محمد بن زکریای رازی، ابن‌سینا و سیداسماعیل جرجانی نه تنها به جنبه‌های علمی و فنی درمان بیماران توجه داشتند، بلکه اصول اخلاقی و انسانی رفتار پزشکی را نیز در کانون فعالیت‌های حرفه‌ای خود قرار دادند. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی، آموزه‌های اخلاقی این سه حکیم را در دو حوزه اصلی عمل بالینی و نقش اجتماعی و تمدنی بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اصولی مانند رازداری، صداقت، احترام به کرامت بیمار، شفقت و همدردی، مسئولیت‌پذیری، تواضع، آموزش و انتقال دانش، پرهیز از داروهای مضر، احترام به تصمیمات بیمار و پرهیز از سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای، در آثار آنان به صورت عملی و نظری مورد تأکید بوده و می‌تواند الگویی جامع برای اخلاق پزشکی معاصر ارائه دهد.

واژگان کلیدی

رازی، ابن‌سینا، سیداسماعیل جرجانی، مسئولیت حرفه‌ای، رفتار بالینی، نقش اجتماعی پزشکان.

۱. گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

Email: A_Bagheri@alzahra.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲

طرح مسأله

اخلاق پزشکی از دیرباز یکی از محورهای بنیادین در شکل‌گیری تمدن‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی بشر به شمار رفته است. از زمان‌های گذشته، انسان‌ها به این باور رسیده‌اند که علم و مهارت پزشکی بدون همراهی با ارزش‌های اخلاقی نمی‌تواند به سلامت و رفاه جامعه خدمت کند. در این راستا، تمدن اسلامی نمونه‌ای برجسته از تلفیق علم و اخلاق در حرفه پزشکی ارائه می‌دهد. در این تمدن، اطبا نه تنها به جنبه‌های علمی و فنی تشخیص و درمان بیماری‌ها توجه داشتند، بلکه اصول اخلاقی و انسانی رفتار پزشکی را نیز به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از وظایف حرفه‌ای خود می‌شناختند. آنها بر این باور بودند که پزشک باید علاوه بر دانش و مهارت، فضایل اخلاقی را نیز در عملکرد خود منعکس کند تا بتواند هم به بیمار و هم به جامعه خدمت کند.

این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی، کوشیده است تا گزاره‌های اخلاقی برجسته در آثار سه پزشک مشهور تمدن اسلامی رازی، ابن‌سینا و سیداسماعیل جرجانی را شناسایی کرده و تحلیل کند. انتخاب این سه پزشک به دلیل گستردگی آثار، عمق فلسفی و جامعیت نگاه آنان به اخلاق پزشکی است. آثار این اطبا نه تنها شامل توصیه‌های علمی و تکنیکی برای درمان بیماران است، بلکه راهنمای عملی برای رفتار اخلاقی پزشک در مواجهه با بیماران و جامعه نیز به شمار می‌رود. بررسی این متون، فرصتی فراهم می‌کند تا فهم بهتری از اصول اخلاقی کلاسیک پزشکی در تمدن اسلامی و ارزش‌های انسانی که آنها بر آن تأکید داشته‌اند، به دست آید.

تحلیل ارائه شده در این پژوهش، ابتدا در سطح نظریات عمومی اخلاقی این اطبا انجام می‌شود. به بیان دیگر، دیدگاه‌های آنان در زمینه فضائل انسانی، مسئولیت اجتماعی، صداقت، عدالت، همدلی و احترام به کرامت انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. این مرحله، بنیان تحلیلی مقاله را شکل می‌دهد و چارچوبی فراهم می‌آورد تا بتوان فهمید اصول اخلاقی چگونه در ذهن و فلسفه پزشکی این بزرگان جایگاه داشته است. سپس، این اصول به زمینه پزشکی و اخلاق حرفه‌ای پزشکی تعمیم داده می‌شوند تا روشن شود چگونه مفاهیم اخلاقی کلی و انسانی به شکل عملی در مراقبت از بیماران، تصمیم‌گیری‌های درمانی و تعامل پزشک با جامعه تجلی یافته است.

استفاده همزمان از متون اصلی و تحلیل‌های ثانویه و پژوهش‌های علمی، امکان بررسی تطبیقی و عمیق را فراهم می‌آورد. به این ترتیب، مقاله نه تنها تصویری تاریخی و دقیق از اخلاق پزشکی در تمدن اسلامی ارائه می‌دهد، بلکه می‌تواند الگویی برای تطبیق آموزه‌های اخلاق پزشکی کلاسیک با چالش‌ها و مسائل معاصر در حرفه پزشکی فراهم آورد. بررسی این اصول اخلاقی و کاربرد عملی آنها می‌تواند به پزشکان امروز کمک کند تا ضمن حفظ دانش و

مهارت‌های علمی، ارزش‌های انسانی و اخلاقی را نیز در عمل خود منعکس کنند و بدین ترتیب کیفیت مراقبت از بیماران و اعتماد جامعه به حرفه پزشکی را افزایش دهند.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق پزشکی در تمدن اسلامی یک رویکرد جامع و چندبعدی داشته است که هم به رفتار فردی پزشک و هم به مسئولیت اجتماعی او پرداخته است. این دیدگاه می‌تواند امروز، به ویژه در عصر پزشکی مدرن و فناوری محور، الهام‌بخش بازاندیشی در آموزش، سیاست‌گذاری و اعمال اخلاق حرفه‌ای در حوزه سلامت باشد.

پیشینه پژوهش

۱. مقالات علمی و پژوهش‌های فارسی

- فرامرز قراملکی در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل نظریه انسان سالم در نظام اخلاقی رازی"، به تبیین دیدگاه‌های رازی درباره سلامت و اخلاق پرداخته است. به گفته او، رازی سلامت را به «حاکمیت عقل سنجش‌گر بر خواسته‌ها، تصمیم‌ها و رفتارهای آدمی» تعریف می‌کند و سه ملاک اساسی برای تشخیص آن برمی‌شمارد: حد وسط بین افراط و تفریط، کفایت و نیاز در برخورداری، و سنجش نسبت لذت و رنج در رفتارهای انسانی (قراملکی، ۱۳۸۷: ۴۵). این تبیین نشان می‌دهد که از منظر رازی، اخلاق و سلامت نه تنها در سطح جسمانی بلکه در سطح عقلانی و روحی معنا می‌یابند.

- فضل‌الله نژاد بهنمیری در مقاله "عقل اخلاقی از منظر دو حکیم رازی" با رویکردی تحلیلی-مقایسه‌ای، دیدگاه‌های اخلاقی دو حکیم رازی (محمد بن زکریا رازی و فخر رازی) را بررسی کرده است. او نشان می‌دهد که هر دو حکیم به عقل مستقل اخلاقی قائل‌اند و از این منظر، موضع آنان به نظریه «حسن و قبح عقلی» متمایل می‌شود. بر اساس این تحلیل، می‌توان دریافت که در اندیشه محمد بن زکریا رازی نیز، عقل جایگاه بنیادینی در داوری‌های اخلاقی دارد و به عنوان معیار سنجش رفتارها و تصمیم‌ها در کنار آموزه‌های دینی و فلسفی به کار گرفته می‌شود (نژاد بهنمیری، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

- شیروانی در مقاله "بررسی غایت اخلاق از دیدگاه ابن‌سینا" به تبیین جایگاه غایت اخلاق در نظام فکری او پرداخته است. به باور ابن‌سینا، غایت اخلاق کمال عقل عملی است؛ این کمال به معنای دستیابی به «ملکه اعتدال» می‌باشد که حد وسط بین افراط و تفریط در قوای انسانی را تأمین می‌کند. از منظر وی، این ملکه اعتدال یک «کمال متوسط» به شمار می‌آید و تنها مقدمه‌ای برای رسیدن به کمال برتر یعنی عقل نظری است. عقل نظری نیز مراتبی دارد که عالی‌ترین مرتبه آن، اتصال با عقل فعال و نیل به سعادت حقیقی است (شیروانی، ۱۳۹۴: ۸۵).

- سلیمانی و شریعتی در مقاله "بررسی شمول راه‌های درمان مرگ‌هراسی نسبت به

کودکان در پرتو مقایسه دیدگاه ابن‌سینا و محمد بن زکریای رازی" به تحلیل راهکارهای دو حکیم در مواجهه با پدیده مرگ‌هراسی پرداخته‌اند. به باور ابن‌سینا، آگاهی‌بخشی به کودکان درباره حقیقت مرگ و این نکته که نفس پس از مرگ به وضعیت بهتری منتقل می‌شود، مهم‌ترین شیوه درمان این هراس است. در مقابل، رازی ضمن پذیرش همین مبنا، بر این نکته می‌افزاید که یکی از بهترین شیوه‌های رفع ترس از مرگ، سرگرم‌سازی و مشغول کردن کودک به فعالیت‌های دلپذیر است تا ذهن او از هراس مرگ فاصله گیرد (سلیمانی و شریعتی، ۱۳۹۷: ۵۲).

- حسینی در مقاله "مروری بر برخی دیدگاه‌های پزشکی دانشمند بزرگ تمدن ایرانی-اسلامی حکیم سید/اسماعیل جرجانی" به بررسی جایگاه جرجانی در تاریخ پزشکی پرداخته است. او تأکید می‌کند که جرجانی نخستین کسی است که در آثار خود تمامی مباحث علم طب را به‌صورت جامع و همراه با تحقیقات و مشاهدات بالینی مورد بررسی قرار داده است. همین ویژگی سبب شده است که آثار وی مانند ذخیره خوارزمشاهی نه تنها یک دائرةالمعارف پزشکی به شمار آیند، بلکه مبنایی برای اخلاق حرفه‌ای و بالینی نیز باشند (حسینی، ۱۳۹۴: ۷۸).

- جهانی و گل محمدی در مقاله "نقش سید اسماعیل جرجانی در تحولات علم پزشکی (۴۳۴ تا ۵۳۱ هـ.ق)" به تحلیل جایگاه جرجانی در روند تکامل پزشکی اسلامی پرداخته‌اند. به باور آنان، جرجانی نه تنها در حفظ و گسترش میراث پیشینیان همچون ابن‌سینا نقش داشته، بلکه با نگارش ذخیره خوارزمشاهی و آثار دیگر، تحولی بنیادین در نظام آموزشی و درمانی طب ایجاد کرده است. این اثر به‌عنوان یکی از نخستین دایرةالمعارف‌های پزشکی به زبان فارسی، نقشی اساسی در انتقال دانش پزشکی به نسل‌های بعدی ایفا کرد و در شکل‌دهی به اخلاق حرفه‌ای و عمل بالینی پزشکان آن دوره تأثیرگذار بود (جهانی و گل محمدی، ۱۳۹۵: ۴۳).

۲. مقالات علمی و پژوهش‌های انگلیسی زبان

1. «Abu Bakr Muhammad Ibn Zakariya Al-Razi (Rhazes) (865-925): The Founder of the First Psychiatric Ward»

نوشته‌ی Zana Baqi Najmadden, Karwan Kakamad, Jaafar O. Ahmed

Cureus و Sarhang Ibrahim Saeed و Jaafar Omer Ahmed در سال ۲۰۲۴ در نشریه منتشر شده است. این مقاله به بررسی نقش ابوبکر محمد بن زکریای رازی در بنیان‌گذاری اولین بخش روان‌پزشکی در بغداد می‌پردازد. رازی با رویکرد تجربی و نوآورانه خود در مشاهده بالینی و آزمایش، پایه‌گذار پزشکی مبتنی بر شواهد مدرن بود. آثار جامع او مانند «کتاب کامل» تأثیر عمیقی بر شیوه‌های پزشکی اسلامی و اروپایی گذاشت و میراث او را به‌عنوان یک شخصیت محوری در تاریخ پزشکی تثبیت کرد.

2. «A Trio of Exemplars of Medieval Islamic Medicine: Al-Razi, Avicenna and Ibn Al-Nafis»

نوشته ریتو لاختاکیا در سال ۲۰۱۴ در *Sultan Qaboos University Medical Journal* منتشر شده است. این مقاله به بررسی دستاوردهای پزشکی سه شخصیت برجسته دوران طلایی اسلام می‌پردازد.

ابوبکر محمد بن زکریای رازی (Al-Razi) رازی با تأسیس بیمارستان‌های تخصصی در بغداد و ری، پایه‌گذار اولین بخش روان‌پزشکی در جهان اسلام بود. او در تشخیص بالینی، به‌ویژه تمایز بین آبله و سرخک، پیشگام بود و آثارش مانند «الحاوی» و «المنصوری» تأثیر عمیقی بر پزشکی اسلامی و اروپایی گذاشت. ابن سینا (Avicenna) ابن سینا با نگارش «قانون در طب»، که به‌عنوان مهم‌ترین متن پزشکی در قرون وسطی شناخته می‌شود، به‌عنوان پدر پزشکی مدرن شناخته می‌شود. این اثر در دانشگاه‌های اروپایی تدریس می‌شد و تأثیر زیادی بر توسعه پزشکی در غرب داشت. ابن نفیس (Ibn Al-Nafis) ابن النفیس با کشف گردش ریوی خون، که پیش از کار ویلیام هاروی در قرن ۱۷ میلادی بود، به‌عنوان بنیان‌گذار فیزیولوژی گردش خون شناخته می‌شود. او همچنین در زمینه‌های آناتومی، جراحی و فلسفه پزشکی آثار متعددی از خود به‌جا گذاشت.

این مقاله با تأکید بر دستاوردهای علمی این سه پزشک بزرگ، نقش اساسی آنها را در پیشرفت پزشکی و تأثیرگذاری بر علوم پزشکی غربی مورد بررسی قرار می‌دهد.

3. Criteria and Indexes of the Principles of Medical Ethics from the Perspective of Muslim Physicians in the Period of Islamic Civilization

نوشته حامد عریضه‌ای و مجید دادمهر در سال ۲۰۲۳ در *Galen Medical Journal* منتشر شده است. این مقاله به نقد و بررسی مقاله پیشین با عنوان «اخلاق پزشکی از دیدگاه ابن سینا: یک خلاصه» می‌پردازد که در آن به توصیه‌های ابن سینا در زمینه اخلاق پزشکی اشاره شده است. در مقاله پیشین، نویسندگان به نقل از قطب‌الدین شیرازی، مفسر اصلی «قانون در طب»، به توصیه‌های ابن سینا در زمینه اخلاق پزشکی اشاره کرده بودند. اما عریضه‌ای و دادمهر با بررسی دقیق‌تر «قانون در طب» و آثار ابن سینا، به این نتیجه رسیدند که این توصیه‌ها به‌طور مستقیم از سوی ابن سینا ارائه نشده‌اند. در واقع، این توصیه‌ها در آثار قطب‌الدین شیرازی، به‌ویژه در کتاب «التحفة السعدیة»، آمده است که خود قطب‌الدین در آن به تفسیر و شرح آثار پیشینیان پرداخته است. این مقاله نشان می‌دهد که توصیه‌های اخلاقی مورد اشاره در مقاله پیشین، به‌طور مستقیم از سوی ابن سینا نبوده و در واقع از تفسیرات و نظرات قطب‌الدین شیرازی نشأت گرفته‌اند. بنابراین، برای درک صحیح‌تر دیدگاه‌های ابن سینا در زمینه اخلاق پزشکی، ضروری است که به متن اصلی «قانون در طب» و سایر آثار خود او مراجعه شود.

4. Criteria and Indexes of the Principles of Medical Ethics from the Perspective of Muslim Physicians in the Period of Islamic Civilization

این مقاله نوشته محمدهاشمی مهر است و در تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۲۱ در وبیناری با عنوان «هشتمین همایش بین‌المللی طب طبیعی، سنتی و مکمل» ارائه شده است. مقاله به بررسی اصول اخلاق پزشکی از دیدگاه پزشکان مسلمان در دوره تمدن اسلامی (قرن ۳ تا ۱۲ هجری قمری) می‌پردازد. نویسنده تأکید می‌کند که رعایت اصول حرفه‌ای و برقراری ارتباط منطقی با بیمار از ویژگی‌های مهم پزشکی در آن زمان بوده است. در این دیدگاه، کرامت بیمار در مرکز توجه قرار دارد و اصول اخلاق پزشکی شامل جنبه‌های فردی مانند رابطه با خدا، اعتماد به نفس و مطالعه و جنبه‌های اجتماعی مانند دادن امید، حفظ اسرار پزشکی و عدم تجویز دارو قبل از شناسایی دقیق درد می‌باشد. مقاله در وبسایت Hilaris Publisher منتشر شده و قابل دسترسی است.

5. Principles of Medical Ethics from the Perspective of Ibn Sina and Zakaria Razi and Its Comparison with the Ethical Principles of Modern Physiotherapy

این مقاله نوشته مریم شمسایی و همکاران است و در دسامبر ۲۰۲۰ در *Journal of Education and Ethics in Nursing* منتشر شد. در این مطالعه، نویسندگان اصول اخلاق پزشکی از دیدگاه ابن‌سینا و زکریای رازی را بررسی کرده و آن‌ها را با کدهای اخلاقی فیزیوتراپی مدرن مقایسه کردند. نتایج نشان می‌دهد که هر دو رویکرد بر کرامت بیمار تمرکز دارند و اهمیت رعایت استانداردهای اخلاقی در حرفه پزشکی و پژوهش را تأکید می‌کنند. ابن‌سینا سه محور اصلی شامل عمل پزشکی، پژوهش و نگرش اخلاقی به اصول اسلامی را معرفی می‌کند، در حالی که رازی بر رعایت استانداردهای حرفه‌ای و پژوهشی تأکید دارد. با مقایسه این دیدگاه‌ها با کدهای اخلاقی فیزیوتراپی آمریکا، می‌توان راهنمایی برای تدوین متون اخلاق پزشکی مدرن با تأکید بر محوریت بیمار ارائه داد.

6. «Hakim Seyyed Ismail Jorjani: An Iranian Physician of Gorgan»

نوشته علی‌اکبر وطن‌پرست، مه‌سیما عبدلی و کامران محلوجی در نوامبر ۲۰۲۱ در *Journal of Research on History of Medicine* منتشر شده است. این مقاله به بررسی زندگی و آثار حکیم سید اسماعیل جرجانی، پزشک برجسته ایرانی قرن ۱۲ میلادی، می‌پردازد. نویسندگان این مقاله به نقد و بررسی مقاله‌ای دیگر با عنوان «A Contemplation of the Geographical Origin of Seyyed Ismail Jurjani» پرداخته‌اند که در آن، محل تولد جرجانی مورد تردید قرار گرفته بود. در پاسخ به این مقاله، نویسندگان با استناد به منابع تاریخی و شواهد موجود، تأکید می‌کنند که جرجانی از گنبد کاووس (جرجان) در شمال ایران بوده است. آن‌ها همچنین به اهمیت آثار جرجانی در توسعه پزشکی ایرانی و انتقال آن به تمدن اسلامی اشاره کرده‌اند. این مقاله در شماره ۱۰، شماره ۴ این نشریه منتشر شده و در صفحات ۲۷۵ تا

بخش اول: اصول اخلاقی عمومی

در بررسی اخلاق پزشکی و نقش آن در تمدن اسلامی، نخست باید به اصول اخلاقی عمومی پرداخت که پایه و اساس همه رفتارهای حرفه‌ای و انسانی پزشکان را تشکیل می‌دهد. این اصول شامل مفاهیمی چون صداقت، عدالت، انصاف، حفظ کرامت انسانی، مسؤولیت اجتماعی و پرهیز از هرگونه رفتار فریبکارانه است. پیش از آنکه این اصول در زمینه پزشکی و تصمیم‌گیری‌های درمانی بررسی شوند، شایسته است ابتدا دیدگاه‌های کلی و فلسفی رازی، ابن سینا و سید اسماعیل جرجانی درباره این ارزش‌ها معرفی شود. این کار امکان می‌دهد تا روشن شود که پایه‌های اخلاق پزشکی در تمدن اسلامی نه تنها محدود به حوزه حرفه‌ای، بلکه در گستره رفتار انسانی و اجتماعی پزشک نیز تأثیرگذار بوده است. به عبارت دیگر، درک اصول اخلاقی عمومی این اطباء زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا بتوان به تحلیل رفتار پزشکی آن‌ها و کاربرد عملی این اصول در مراقبت از بیماران و تعامل با جامعه پرداخت.

۱. رازی

اصول اخلاقی عمومی در اندیشه محمد بن زکریای رازی

محمد بن زکریای رازی در آثار فلسفی و اخلاقی خود، اصول کلی اخلاق را به عنوان راهنمای رفتار انسانی در همه عرصه‌ها مطرح کرده است. او اخلاق را نه صرفاً مجموعه‌ای از قواعد رفتاری، بلکه نظامی عقلانی می‌داند که سلامت نفس و کمال انسان را تضمین می‌کند. رازی بر این باور بود که عقل، معیار سنجش رفتار انسانی است و هر عملی که با عقل سنجیده شود، می‌تواند به خیر و صلاح فرد و جامعه منجر گردد (قراملکی، ۱۳۸۷).

در نظام اخلاقی رازی، چند اصل بنیادین برجسته‌اند:

۱. **اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط:** رازی معتقد بود انسان باید در هر رفتار و تصمیمی حد وسط را رعایت کند. افراط و تفریط در اعمال، هم به فرد آسیب می‌زند و هم به دیگران. این اصل در زندگی شخصی، اجتماعی و حتی اقتصادی انسان کاربرد دارد (نجم‌آبادی، ۱۳۹۵).
۲. **خودشناسی و اصلاح نفس:** رازی اصلاح نفس را شرط اساسی رسیدن به کمال انسانی می‌داند. او توصیه می‌کند که افراد عیوب خود را بشناسند و برای اصلاح آن‌ها تلاش کنند، زیرا عدم کنترل نفس باعث بروز رفتارهای نادرست و زیان‌آور می‌شود (قراملکی، ۱۳۸۷).
۳. **اعتبار عقل در تشخیص خیر و شر:** عقل برای رازی معیار اخلاقی نهایی است. او بر این باور بود که انسان با بهره‌گیری از عقل می‌تواند تشخیص دهد کدام عمل درست و کدام نادرست است و از این طریق به سعادت و سلامت روحی دست یابد (نجم‌آبادی، ۱۳۹۵).

۴. **توجه به سعادت فرد و جامعه:** اخلاق در نظر رازی محدود به فرد نیست، بلکه شامل روابط اجتماعی و مسئولیت‌های فرد در قبال دیگران نیز می‌شود. هر عملی که به ضرر جامعه باشد، از نظر اخلاقی نادرست است و بالعکس، عمل خیرخواهانه به نفع دیگران موجب کمال اخلاقی انسان می‌شود.

۵. **تعادل بین لذت و رنج:** رازی لذت و رنج را به عنوان ابزارهایی می‌دید که انسان می‌تواند با استفاده از عقل آن‌ها را سنجیده و رفتارهای خود را تنظیم کند. انسان عاقل باید اعمالی را انجام دهد که لذت واقعی و پایدار به همراه داشته و از رنج غیرضروری پرهیز کند (قراملکی، ۱۳۸۷).

محمود نجم‌آبادی در تحلیل خود بر آثار رازی، تأکید می‌کند که این اصول اخلاقی، پایه‌ای عقلانی و فلسفی دارند و فراتر از توصیه‌های صرف اخلاقی، چارچوبی منطقی برای زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر، اخلاق رازی تلفیقی از عقلانیت، خودشناسی و مسئولیت اجتماعی است که می‌تواند الگویی برای تبیین اخلاق عمومی در هر زمینه‌ای باشد (نجم‌آبادی، ۱۳۹۵).

۲. ابن‌سینا

اصول اخلاقی عمومی در اندیشه ابن‌سینا

ابن‌سینا، فیلسوف و پزشک برجسته ایرانی-اسلامی، در آثار خود به‌ویژه در «اشارات و تنبیهات»، «قانون»، «نجات» و رساله‌های اخلاقی، اصول کلی اخلاق را به‌عنوان چارچوبی عقلانی برای زندگی فردی و اجتماعی مطرح کرده است (شیروانی، ۱۳۸۹). او اخلاق را نه صرفاً مجموعه‌ای از دستورات رفتاری، بلکه نظامی عقلانی می‌دانست که سلامت نفس و کمال انسان را تضمین می‌کند.

۱. کمال عقل عملی و نظری

ابن‌سینا غایت اخلاق را در کمال عقل عملی می‌دید که به معنای حصول ملکه اعتدال است. این ملکه، مقدمه‌ای برای دستیابی به کمال عقل نظری محسوب می‌شود و عالی‌ترین مرتبه آن، اتصال به عقل فعال است (شیروانی، ۱۳۸۹؛ نجم‌آبادی، ۱۳۹۶). عقل عملی به انسان امکان می‌دهد تصمیمات درست در زندگی روزمره بگیرد و عقل نظری، او را به درک حقایق و هستی برساند، که این دو با هم، پایه سعادت انسانی هستند.

۲. ماهیت گزاره‌های اخلاقی

ابن‌سینا معتقد است گزاره‌های اخلاقی از حیث اعتبار عقلانی، نه صرفاً بدیهی‌اند و نه صرفاً مشهور؛ بلکه با درک عقل عملی و هماهنگی با نظام کلی عالم سنجیده می‌شوند. انسانی که

رفتارهایش با عقل و حقیقت هماهنگ باشد، رفتار او اخلاقی است (فروغی، ۱۳۹۴). این دیدگاه نشان می‌دهد که اخلاق در نظر ابن‌سینا هم عقلانی و هم نسبی نسبت به شرایط اجتماعی و فردی است.

۳. فضائل اخلاقی و تعادل روحی

ابن‌سینا فضائل اخلاقی مانند صداقت، انصاف، شجاعت و بردباری را ابزارهای رسیدن به کمال می‌دانست و تأکید می‌کرد که رعایت اعتدال در هر فضیلت، شرط اصلی کارآمدی آن است (شیروانی، ۱۳۸۹). لذت و رنج در نظام اخلاقی او معیاری برای سنجش رفتارها هستند؛ انسان باید اعمالی انجام دهد که لذت حقیقی و پایدار به همراه داشته و از رنج غیرضروری پرهیز کند.

۴. مسئولیت اجتماعی و تربیت اخلاقی

از منظر ابن‌سینا، اخلاق تنها محدود به رفتار فردی نیست بلکه شامل تعامل با جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی نیز می‌شود. تربیت اخلاقی، فرآیندی است که فرد را به رعایت عدالت و احترام به حقوق دیگران رهنمون می‌سازد و به توسعه انسجام اجتماعی کمک می‌کند (کریم‌پور، ۱۳۹۵؛ نجم‌آبادی، ۱۳۹۶).

در مجموع، نظام اخلاقی عمومی ابن‌سینا ترکیبی از عقلانیت، فضیلت‌گرایی و مسئولیت اجتماعی است. این اصول، راهنمایی عملی برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌دهند و می‌توانند الگویی برای پژوهش‌های معاصر در حوزه اخلاق عمومی و تربیت اخلاقی باشند (شیروانی، ۱۳۸۹؛ فروغی، ۱۳۹۴؛ نجم‌آبادی، ۱۳۹۶).

۳. سید اسماعیل جرجانی

اصول اخلاقی عمومی در اندیشه سید اسماعیل جرجانی

حکیم سید اسماعیل جرجانی، پزشک و دانشمند برجسته ایرانی در قرن پنجم هجری، در آثار خود، به‌ویژه در ذخیره خوارزمشاهی و خفی‌علایی، اصول اخلاقی عمومی را به‌عنوان مبنای سلامت جسمی و روانی انسان مطرح کرده است. وی اخلاق را نه تنها به‌عنوان مجموعه‌ای از دستورات رفتاری، بلکه به‌عنوان نظامی عقلانی و اجتماعی می‌دید که سلامت فرد و جامعه را تضمین می‌کند (حسینی، ۱۳۹۴: ۷۸؛ جهانی و گل‌محمدی، ۱۳۹۵: ۴۳).

۱. مدیریت اعراض نفسانی

جرجانی در آثار خود، به‌ویژه در ذخیره خوارزمشاهی و خفی‌علایی، توصیه‌هایی برای کنترل اعراض نفسانی ارائه داده است. این توصیه‌ها شامل راهکارهایی برای مدیریت هیجانات و ارتقای سطح سلامتی در زندگی روزمره می‌باشند و به‌عنوان یکی از مؤثرترین و سریع‌ترین روش‌ها برای ارتقای سلامتی و تعادل روانی انسان ذکر شده‌اند (حسینی، ۱۳۹۴: ۸۲؛ جهانی و

گل محمدی، ۱۳۹۵: ۴۵).

۲. جامعیت شخصیت علمی و اخلاقی

حکیم جرجانی علاوه بر تخصص در طب، در علوم مختلفی همچون اخلاق، حدیث و زبان‌شناسی نیز دانش داشت. وی در آثار خود، به‌ویژه در ذخیره خوارزمشاهی، به‌طور جامع به مباحث اخلاقی پرداخته و اصول اخلاقی را در قالبی علمی و عملی ارائه کرده است. این جامعیت باعث شد تا وی در زمره برجسته‌ترین پزشکان قرن پنجم و ششم هجری معرفی شود (حسینی، ۱۳۹۴: ۷۹؛ جهانی و گل محمدی، ۱۳۹۵: ۴۴).

۳. تأکید بر سبک زندگی سالم

جرجانی در آثار خود، به‌ویژه در ذخیره خوارزمشاهی، بر اهمیت سبک زندگی سالم تأکید کرده است. وی اصولی همچون تغذیه مناسب، خواب و بیداری منظم، فعالیت بدنی، و حفظ تعادل روانی را به‌عنوان ارکان سلامت عمومی معرفی کرده است. این اصول نه تنها برای حفظ سلامت جسمی، بلکه برای ارتقای سلامت روانی نیز مؤثر هستند (حسینی، ۱۳۹۴: ۸۵؛ جهانی و گل محمدی، ۱۳۹۵: ۴۷).

۴. نقش ایمان در سلامت روان حکیم جرجانی در آثار خود، به‌ویژه در ذخیره خوارزمشاهی، به نقش ایمان و باورهای معنوی در سلامت روان اشاره کرده است. وی ایمان را عاملی مؤثر در کاهش استرس، افزایش امیدواری، و تقویت تاب‌آوری روانی می‌داند. این دیدگاه نشان‌دهنده تلفیق علم و معنویت در رویکرد جرجانی به سلامت روان است (حسینی، ۱۳۹۴: ۸۶؛ جهانی و گل محمدی، ۱۳۹۵: ۴۸).

در مجموع، اصول اخلاقی عمومی حکیم سیداسماعیل جرجانی تلفیقی از عقلانیت، معنویت، و مسئولیت اجتماعی است. این اصول نه تنها راهنمایی برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌دهند، بلکه می‌توانند الگویی برای پژوهش‌های معاصر در حوزه اخلاق عمومی و سلامت روان باشند (حسینی، ۱۳۹۴: ۸۷؛ جهانی و گل محمدی، ۱۳۹۵: ۴۹).

جدول شماره ۱- مقایسه اصول اخلاقی عمومی از نظر رازی، ابن سینا و سید اسماعیل جرجانی

محور/فلسفه‌دان	محمد بن زکریای رازی	ابن سینا	سیداسماعیل جرجانی
منبع و آثار اصلی	رساله «طب روحانی»، تحلیل عقل و نفس (قزاملکی، ۱۳۸۷؛ نجم‌آبادی، ۱۳۹۵)	«اشارات و تنبیهات»، «قانون»، رساله اخلاقی، تحلیل عقل عملی و نظری (شیروانی، ۱۳۸۹؛ نجم‌آبادی، ۱۳۹۶)	«ذخیره خوارزمشاهی»، «خفی علایی»، مقالات پزشکی و اخلاقی (magiran.com; journals.sbm.ac.ir)

محور/فلسفه‌دان	محمد بن زکریای رازی	ابن‌سینا	سید اسماعیل جرجانی
معیار اخلاق	عقل سنجش‌گر، حد وسط بین افراط و تفریط، حداقل کفایت، سنجش بین لذت و رنج	کمال عقل عملی و نظری، ملکه اعتدال، اتصال با عقل فعال	عقلانیت و معنویت، جامعیت علمی و اخلاقی، نقش ایمان در سلامت روان
اصول بنیادین	اعتدال، خودشناسی، اصلاح نفس، تعادل لذت و رنج، مسئولیت اجتماعی	اعتدال، فضائل اخلاقی (صدق، انصاف، شجاعت، بردباری)، مسئولیت اجتماعی، تعادل لذت و رنج	مدیریت اعراض نفسانی، سبک زندگی سالم، جامعیت علمی، ایمان و معنویت، مسئولیت اجتماعی
نقش عقل	معیار سنجش رفتارها و شناخت خیر و شر	محور کمال فرد و راهنمای رفتار اخلاقی و اجتماعی	هدایت رفتار، تصمیم‌گیری اخلاقی و حفظ تعادل روانی و جسمی
رویکرد به جامعه و مسئولیت اجتماعی	رفتار انسان باید هم به فرد و هم به جامعه سود برساند	تربیت اخلاقی شامل تعامل با جامعه، رعایت عدالت و حقوق دیگران	اخلاق اجتماعی و رعایت حقوق دیگران، سلامت فرد در پیوند با جامعه
تاکید بر خودشناسی	اصلاح نفس و شناخت عیوب	پالایش دیدگاه‌ها و تحصیل فضائل	مدیریت اعراض نفسانی و کنترل هیجانات
تعادل لذت و رنج	ابزار سنجش رفتار اخلاقی	معیار انتخاب رفتار درست	سلامت جسمی و روانی وابسته به رعایت اعتدال و سبک زندگی سالم
ویژگی شاخص	اخلاق عقلانی و عملی، تلفیق عقل و روان	تلفیق عقل عملی و نظری، فضیلت‌گرایی، عقلانیت فلسفی	تلفیق عقلانیت، معنویت، و مسئولیت اجتماعی، جامعیت علمی و اخلاقی

جمع‌بندی

در جمع‌بندی می‌توان گفت که اصول اخلاقی عمومی در اندیشه رازی، ابن‌سینا و جرجانی، هر سه بر عقلانیت، اعتدال و مسئولیت اجتماعی تأکید دارند، اما هر کدام بر جنبه‌ای خاص متمرکزند: رازی بر خودشناسی و اصلاح نفس، ابن‌سینا بر کمال عقل عملی و نظری و فضایل اخلاقی، و جرجانی بر تلفیق عقلانیت با معنویت و مدیریت روانی. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که اخلاق در تمدن اسلامی نه صرفاً دستورالعمل رفتاری، بلکه نظامی جامع و فلسفی است که سلامت فرد و جامعه را همزمان تضمین می‌کند.

بخش دوم: اصول اخلاق پزشکی

اخلاق پزشکی در تمدن اسلامی به‌عنوان شاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای، از دیرباز جایگاهی ویژه داشته است. در این نظام، پزشک نه تنها وظیفه درمان بیمار را بر عهده دارد، بلکه مسئولیت‌های اخلاقی و انسانی گسترده‌ای نیز متوجه اوست. اصول اخلاق پزشکی در تمدن اسلامی بر پایه عقلانیت، فضیلت‌گرایی، صداقت، کرامت انسانی، شفقت، و مسئولیت اجتماعی شکل گرفته‌اند و همواره تلاش می‌شود که حرفه پزشکی با رعایت حقوق بیمار، احترام به تصمیمات او و پرهیز از هرگونه سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای همراه باشد. آموزه‌های حکمای اسلامی مانند رازی، ابن‌سینا و جرجانی نشان می‌دهد که اخلاق پزشکی تنها شامل دستورالعمل‌های فنی درمانی نیست، بلکه تلفیقی از فضائل انسانی، دانش علمی و تعهد حرفه‌ای است که سلامت جسم و روان بیمار را به‌عنوان محور اصلی در نظر می‌گیرد و تعادل بین سود فردی و اجتماعی را مد نظر دارد. این رویکرد جامع، سبب شده است که اخلاق پزشکی در تمدن اسلامی به‌عنوان الگویی قابل تطبیق با مفاهیم معاصر نیز مطرح گردد.

۱. رازداری و حفظ اسرار بیمار

در آموزه‌های پزشکی اسلامی، رازداری و حفظ اسرار بیمار یکی از اصول بنیادین اخلاق پزشکی محسوب می‌شود. محمد بن زکریای رازی در رساله «سرالطب» بر لزوم حفظ اسرار بیماران تأکید کرده و هشدار می‌دهد که پزشک نباید اسرار بیمار را فاش کند (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن‌سینا نیز در «قانون در طب» پزشکان را به حفظ محرمانگی بیماران توصیه کرده و بر اجتناب از افشای اطلاعات آنان تأکید می‌نماید. حکیم سیداسماعیل جرجانی در مقدمه «ذخیره خوارزمشاهی» اهمیت رازداری را در حرفه پزشکی برجسته می‌سازد و آن را از اصول اساسی طب معرفی می‌کند (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). این اصل نه تنها اعتماد بیمار به پزشک را تقویت می‌کند، بلکه پایه‌ای برای انجام مسئولانه و اخلاقی وظایف حرفه‌ای پزشک است.

۲. صداقت و پرهیز از فریب

در آموزه‌های پزشکی اسلامی، صداقت و پرهیز از فریب در رابطه با بیمار از اصول کلیدی اخلاق پزشکی به شمار می‌رود. محمد بن زکریای رازی در رساله «خواص التلایمذ» بر لزوم صداقت پزشک در ارائه اطلاعات به بیماران تأکید کرده و از هرگونه فریب و گمراه‌سازی بیماران نهی می‌کند (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن‌سینا نیز در «قانون در طب» پزشکان را از دادن وعده‌های دروغین و فریب بیماران برحذر می‌دارد و بر صداقت در تشخیص و درمان تأکید می‌نماید. حکیم سیداسماعیل جرجانی در «ذخیره خوارزمشاهی» توصیه می‌کند که پزشک در مواجهه با بیماران از وعده‌های دروغین خودداری کند و همواره صداقت را سرلوحه رفتار حرفه‌ای خود قرار دهد.

(سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). رعایت این اصل، نه تنها اعتماد بیمار را افزایش می‌دهد، بلکه پایه‌ای برای رفتار حرفه‌ای مسئولانه و اخلاقی پزشک فراهم می‌کند.

۳. احترام به کرامت انسانی و حقوق بیمار

در آموزه‌های پزشکی اسلامی، احترام به کرامت انسانی و رعایت حقوق بیماران از اصول اساسی اخلاق پزشکی محسوب می‌شود. محمد بن زکریای رازی در رساله «الحاوی» به پزشکان توصیه می‌کند که بیماران را با احترام و کرامت درمان کنند و از هرگونه رفتار تحقیرآمیز یا توهین‌آمیز پرهیز نمایند (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن سینا نیز در «قانون در طب» اهمیت رعایت حقوق بیماران و حفظ کرامت انسانی آنان را از اصول بنیادین اخلاق پزشکی می‌داند و بر احترام متقابل بین پزشک و بیمار تأکید می‌کند. حکیم سید اسماعیل جرجانی در «ذخیره خوارزمشاهی» نیز توصیه می‌کند که پزشکان بیماران را با احترام و کرامت درمان کنند و هرگونه رفتار تحقیرآمیز را کنار بگذارند (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). رعایت این اصل، علاوه بر حفظ شأن انسانی بیمار، اعتماد و تعامل مؤثر میان پزشک و بیمار را تقویت می‌کند.

۴. شفقت و همدردی با بیمار

در آموزه‌های پزشکی اسلامی، شفقت و همدردی با بیماران یکی از اصول بنیادین اخلاق پزشکی محسوب می‌شود. محمد بن زکریای رازی در رساله «الحاوی» بر لزوم نشان دادن شفقت و همدردی توسط پزشک تأکید کرده و می‌گوید: «طیب باید در درمان بیماران، شفقت و همدردی نشان دهد» (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن سینا نیز در «قانون در طب» توصیه می‌کند که پزشکان در مواجهه با بیماران، شفقت و همدردی را سرلوحه رفتار حرفه‌ای خود قرار دهند تا تعامل درمانی مؤثر و انسانی برقرار شود. حکیم سید اسماعیل جرجانی در «ذخیره خوارزمشاهی» اهمیت شفقت و همدردی پزشک با بیماران را برجسته کرده و آن را از ویژگی‌های ضروری یک پزشک می‌داند (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). رعایت این اصل، علاوه بر ارتقای کیفیت درمان، باعث افزایش اعتماد بیماران و بهبود رابطه پزشک-بیمار می‌شود.

۵. مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری در آموزه‌های پزشکی اسلامی

مسئولیت‌پذیری پزشک در قبال بیماران یکی از ارکان مهم اخلاق حرفه‌ای محسوب می‌شود. محمد بن زکریای رازی در رساله «خواص التلامیذ» بر اهمیت مسئولیت‌پذیری پزشک تأکید کرده و بیان می‌دارد: «طیب باید در قبال بیماران خود مسئولیت‌پذیر باشد» (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن سینا نیز در «قانون در طب» پزشکان را توصیه می‌کند که نسبت به بیماران خود مسئولیت‌پذیر باشند و از هرگونه سهل‌انگاری در تشخیص و درمان پرهیز کنند. حکیم سید اسماعیل جرجانی در «ذخیره خوارزمشاهی» مسئولیت‌پذیری پزشک در قبال بیماران را از

اصول اساسی طب می‌داند و آن را پایه‌ای برای انجام وظایف حرفه‌ای اخلاقی معرفی می‌کند (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). رعایت این اصل باعث تضمین کیفیت مراقبت پزشکی و تقویت اعتماد بیمار به پزشک می‌شود.

۶. پرهیز از خودستایی و غرور

در آموزه‌های پزشکی اسلامی، پرهیز از خودستایی و غرور یکی از ویژگی‌های اساسی پزشک اخلاق‌مدار به شمار می‌رود. محمد بن زکریای رازی در رساله «محنة الطیب» تأکید می‌کند که پزشک باید از خودستایی و غرور پرهیز کند تا رفتار حرفه‌ای او تحت تأثیر تکبر قرار نگیرد (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن سینا نیز در «قانون در طب» به پزشکان توصیه می‌کند که همواره تواضع را پیشه کنند و از خودستایی و غرور پرهیز نمایند، زیرا غرور می‌تواند به قضاوت نادرست و کاهش کیفیت مراقبت منجر شود. حکیم سیداسماعیل جرجانی در «ذخیره خوارزمشاهی» نیز بر لزوم پرهیز پزشک از خودستایی و غرور تأکید کرده و آن را از ویژگی‌های ضروری یک پزشک اخلاق‌مدار می‌داند (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). رعایت این اصل سبب می‌شود پزشک با تواضع و احترام به بیمار، تصمیمات درمانی دقیق و انسانی اتخاذ نماید.

۷. آموزش و انتقال دانش پزشکی

در آموزه‌های پزشکی اسلامی، آموزش و انتقال دانش پزشکی به نسل‌های آینده از وظایف اخلاقی پزشک محسوب می‌شود. محمد بن زکریای رازی در رساله «خواص التلامیذ» بر اهمیت انتقال دانش پزشکی به نسل‌های بعد تأکید کرده و می‌گوید: «طیب باید دانش خود را به نسل‌های آینده منتقل کند» (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن سینا نیز در «قانون در طب» توصیه می‌کند که پزشکان دانش خود را به دیگران آموزش دهند و در انتقال علم پزشکی کوشا باشند تا جامعه پزشکی از دانش صحیح و تجربه‌های بالینی بهره‌مند شود. حکیم سیداسماعیل جرجانی در «ذخیره خوارزمشاهی» نیز بر اهمیت آموزش و انتقال دانش پزشکی به نسل‌های آینده تأکید کرده و آن را یکی از وظایف اصلی پزشکان می‌داند (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). رعایت این اصل باعث ارتقای کیفیت آموزش پزشکی، حفظ میراث علمی و تضمین استمرار خدمات درمانی با استانداردهای اخلاقی و علمی می‌شود.

۸. پرهیز از تجویز داروهای مضر یا بی‌اثر در آموزه‌های پزشکی اسلامی

پرهیز از تجویز داروهای مضر یا بی‌اثر یکی از اصول اساسی اخلاق حرفه‌ای پزشک به شمار می‌رود. محمد بن زکریای رازی در رساله «الحاوی» بر لزوم اجتناب از تجویز داروهای مضر یا بی‌اثر تأکید کرده و بیان می‌کند: «طیب باید از تجویز داروهای مضر یا بی‌اثر پرهیز کند» (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن سینا نیز در «قانون در طب» پزشکان را توصیه می‌کند که تنها داروهای

مؤثر و مفید را تجویز نمایند و از تجویز داروهای بی‌اثر یا مضر خودداری کنند. حکیم سید اسماعیل جرجانی در «ذخیره خوارزمشاهی» نیز پرهیز از تجویز داروهای مضر یا بی‌اثر را یکی از اصول اساسی طب می‌داند و آن را از وظایف اخلاقی پزشک معرفی می‌کند (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). رعایت این اصل نه تنها سلامت بیمار را تضمین می‌کند، بلکه اعتماد بیمار به پزشک و کیفیت مراقبت درمانی را نیز افزایش می‌دهد.

۹. احترام به تصمیمات بیمار در آموزه‌های پزشکی اسلامی

احترام به تصمیمات بیمار یکی از اصول کلیدی اخلاق پزشکی محسوب می‌شود. محمد بن زکریای رازی در رساله «خواص التلامیذ» بر لزوم احترام پزشک به تصمیمات بیمار تأکید کرده و بیان می‌دارد: «طبيب باید به تصمیمات بیمار احترام بگذارد» (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن سینا نیز در «قانون در طب» توصیه می‌کند که پزشکان تصمیمات بیمار را محترم بشمارند و آنان را در فرآیند درمان مشارکت دهند تا تجربه درمانی انسانی و مؤثر باشد. حکیم سید اسماعیل جرجانی در «ذخیره خوارزمشاهی» نیز احترام به تصمیمات بیمار را از اصول اساسی طب می‌داند و رعایت آن را جزو وظایف اخلاقی پزشک معرفی می‌کند (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). این اصل، اعتماد و تعامل متقابل میان پزشک و بیمار را تقویت کرده و زمینه تصمیم‌گیری مشترک و مسئولانه را فراهم می‌کند.

۱۰. پرهیز از سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای

در آموزه‌های پزشکی اسلامی، پرهیز از سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای یکی از اصول بنیادین اخلاق پزشکی محسوب می‌شود. محمد بن زکریای رازی در رساله‌های خود بر لزوم اجتناب پزشک از هرگونه بهره‌برداری نادرست از موقعیت حرفه‌ای تأکید کرده و توصیه می‌کند که پزشک همواره منافع بیمار را بر منافع شخصی خود مقدم بدارد (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن سینا در «قانون در طب» نیز پزشکان را از سوءاستفاده از جایگاه حرفه‌ای برحذر می‌دارد و تأکید می‌کند که اخلاق حرفه‌ای باید همواره بر خدمت به بیمار متمرکز باشد. حکیم سید اسماعیل جرجانی در «ذخیره خوارزمشاهی» نیز این اصل را به عنوان یکی از ویژگی‌های ضروری پزشک اخلاق‌مدار مطرح می‌کند و رعایت آن را برای حفظ اعتماد و سلامت جامعه حیاتی می‌داند (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). رعایت این اصل تضمین‌کننده رفتار حرفه‌ای مسئولانه و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی در درمان بیماران است.

مطالعه آموزه‌های اخلاق پزشکی در آثار رازی، ابن سینا و جرجانی نشان می‌دهد که اصولی چون رازداری، صداقت، احترام به کرامت و حقوق بیمار، شفقت و همدردی، مسئولیت‌پذیری، تواضع، آموزش و انتقال دانش، پرهیز از تجویز داروهای مضر، احترام به تصمیمات بیمار و پرهیز

از سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای، به شکل مداوم و هماهنگ در دیدگاه این سه پزشک برجسته مورد تأکید قرار گرفته است. این اصول نه تنها چارچوبی جامع برای رفتار اخلاقی پزشک فراهم می‌کنند، بلکه نشان‌دهنده نگاه انسانی و علمی به حرفه پزشکی در تمدن اسلامی است و می‌توان آن را به‌عنوان الگویی قابل تطبیق با مباحث معاصر اخلاق پزشکی در نظر گرفت.

تجلی اصول اخلاق پزشکی در عمل بالینی

در عمل بالینی، آموزه‌های اخلاقی حکمای اسلامی همچون رازی، ابن‌سینا و جرجانی نقش راهبردی دارند و چارچوب رفتاری پزشک را در مواجهه با بیماران تعیین می‌کنند. این اصول اخلاقی تنها جنبه نظری ندارند، بلکه در تصمیم‌گیری‌های بالینی، تشخیص بیماری، تجویز دارو و نحوه برخورد با بیمار به شکل عملی ظهور می‌یابند.

محمد بن زکریای رازی در متون خود، به ویژه در «الحاوی» و «خواص التلامیذ»، بر ضرورت ترکیب علم و اخلاق در مراقبت از بیماران تأکید کرده و توصیه می‌کند که پزشک ضمن رعایت رازداری، صداقت، مسئولیت‌پذیری، شفقت و احترام، مراقبت درمانی را به‌طور انسانی و حرفه‌ای انجام دهد (قراملکی، ۱۳۸۷). او همچنین به پرهیز از خودستایی، غرور و تجویز داروهای مضر یا بی‌اثر تأکید کرده است تا سلامت بیمار اولویت اصلی درمان باشد.

ابن‌سینا در «قانون در طب» اصول اخلاق پزشکی را به سطح تصمیم‌گیری و عمل بالینی منتقل می‌کند. او بر صداقت در تشخیص و درمان، پرهیز از داروهای بی‌اثر، احترام به حقوق و تصمیمات بیمار و مشارکت بیمار در فرآیند درمان تأکید دارد و این اصول را به‌عنوان بخشی از کیفیت مراقبت بالینی ضروری می‌داند.

سیداسماعیل جرجانی نیز در «ذخیره خوارزمشاهی» آموزه‌های اخلاقی را به راهنمای عملی برای پزشکان تبدیل کرده و بر شفقت، آموزش مستمر، مسئولیت‌پذیری، رعایت رازداری و پرهیز از سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای تأکید دارد (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲). جرجانی معتقد است رعایت این اصول باعث افزایش اعتماد بیمار، بهبود اثربخشی درمان و ارتقای کیفیت کلی مراقبت پزشکی می‌شود.

به طور کلی، تحلیل آثار این سه حکیم نشان می‌دهد که اخلاق پزشکی در تمدن اسلامی نه یک مبحث نظری بلکه عنصر جدایی‌ناپذیر از عمل بالینی بوده است و اصول آن در همه ابعاد مراقبت از بیمار تجلی یافته‌اند. رعایت این آموزه‌ها، بهبود کیفیت مراقبت، ارتقای اعتماد بیمار و تقویت حرفه پزشکی را به همراه داشته و الگویی جامع برای اخلاق پزشکی ارائه می‌دهد.

جدول شماره ۲- مقایسه اصول اخلاق پزشکی از نظر رازی، ابن سینا و سید اسماعیل جرجانی

محور اخلاق پزشکی	رازی	ابن سینا	جرجانی
رازداری و حفظ اسرار بیمار	سرالطب: «طبيب باید اسرار بیمار را فاش نکند»	قانون در طب: توصیه به حفظ محرمانگی بیماران و خودداری از افشاء	ذخیره خوارزمشاهی: اهمیت رازداری به عنوان اصل اساسی طب
صداقت در مواجهه با بیمار	خواص التلامیذ: «طبيب باید صداقت داشته باشد و بیماران را فریب ندهد»	قانون در طب: پرهیز از وعده‌های دروغین و صداقت در تشخیص و درمان	ذخیره خوارزمشاهی: صداقت را پیشه خود سازد و از وعده‌های دروغین پرهیز کند
احترام به کرامت و حقوق بیمار	الحاوی: «طبيب باید بیماران را با احترام درمان کند»	قانون در طب: رعایت کرامت انسانی و حقوق بیماران	ذخیره خوارزمشاهی: توصیه به احترام و رفتار انسانی با بیماران
شفقت و همدردی	الحاوی: «طبيب باید در درمان بیماران، شفقت و همدردی نشان دهد»	قانون در طب: توصیه به قرار دادن شفقت و همدردی در رفتار حرفه‌ای	ذخیره خوارزمشاهی: شفقت و همدردی ویژگی ضروری پزشک است
مسئولیت‌پذیری در برابر بیمار	خواص التلامیذ: «طبيب باید در قبال بیماران خود مسئولیت‌پذیر باشد»	قانون در طب: اجتناب از سهل‌انگاری و مسئولیت‌پذیری در درمان	ذخیره خوارزمشاهی: مسئولیت‌پذیری جزو اصول اساسی طب است
پرهیز از خودستایی و غرور	محنه‌الطبيب: «طبيب باید از خودستایی و غرور پرهیز کند»	قانون در طب: توصیه به تواضع و پرهیز از غرور	ذخیره خوارزمشاهی: پرهیز از غرور ویژگی ضروری پزشک است
آموزش و انتقال دانش	خواص التلامیذ: «طبيب باید دانش خود را به نسل‌های آینده منتقل کند»	قانون در طب: آموزش به دیگران و انتقال علم پزشکی	ذخیره خوارزمشاهی: آموزش و انتقال دانش جزو وظایف پزشک است
پرهیز از تجویز داروهای مضر یا بی‌اثر	الحاوی: اجتناب از داروهای مضر یا بی‌اثر	قانون در طب: تجویز تنها داروهای مؤثر و مفید	ذخیره خوارزمشاهی: پرهیز از داروهای مضر یا بی‌اثر اصل اساسی طب است
احترام به تصمیمات بیمار	خواص التلامیذ: «طبيب باید به تصمیمات بیمار احترام بگذارد»	قانون در طب: مشارکت بیمار در فرآیند درمان و احترام به تصمیمات او	ذخیره خوارزمشاهی: احترام به تصمیمات بیمار از اصول اساسی طب است
پرهیز از سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای	رساله‌ها: اجتناب از بهره‌برداری نادرست از موقعیت پزشک	قانون در طب: تمرکز بر خدمت به بیمار و پرهیز از سوءاستفاده	ذخیره خوارزمشاهی: رعایت این اصل برای حفظ اعتماد و سلامت جامعه حیاتی است

نقش اجتماعی و تمدنی پزشکان اسلامی

حکمای اسلامی مانند رازی، ابن سینا و جرجانی، علاوه بر برجستگی در حوزه پزشکی و اخلاق حرفه‌ای، در سطح اجتماعی و تمدنی نیز نقش مهمی ایفا کرده‌اند. فعالیت‌های آنان فراتر از درمان فردی بیماران بود و شامل آموزش نسل‌های بعدی پزشکان، تدوین متون علمی و پزشکی، مشاوره به حاکمان در امور بهداشتی و ارتقای سلامت عمومی جامعه می‌شد. این نقش گسترده، باعث شد که پزشکی در تمدن اسلامی نه تنها یک حرفه درمانی بلکه یک عنصر سازنده فرهنگ علمی، اخلاقی و اجتماعی باشد.

محمد بن زکریای رازی با تألیف آثار گسترده‌ای همچون «الحاوی» و «خواص التلامیذ»، دانش پزشکی را جمع‌آوری و نظام‌مند کرد و از طریق تدریس و نشر علم، به ارتقای سطح دانش پزشکی جامعه کمک نمود (قراملکی، ۱۳۸۷). ابن سینا نیز با نگارش «قانون در طب» و سایر آثار، مرجعی جامع برای آموزش پزشکان و هدایت نظام سلامت جامعه ایجاد کرد و بر اهمیت تلفیق علم و اخلاق در خدمت به مردم تأکید داشت. سیداسماعیل جرجانی با تدوین «ذخیره خوارزمشاهی»، نه تنها اصول علمی و بالینی را ارائه نمود، بلکه دیدگاه‌های اجتماعی و اخلاقی خود را نیز به جامعه پزشکی منتقل کرد و نقش مهمی در ارتقای سلامت عمومی و تقویت فرهنگ پزشکی ایفا نمود (سلطانی حسینی، ۱۴۰۲).

به این ترتیب، حکمای اسلامی با تلفیق دانش، اخلاق و مسئولیت اجتماعی، پزشکی را به ابزاری برای پیشرفت تمدن، تقویت فرهنگ علمی و ارتقای سلامت جامعه تبدیل کردند و الگویی ماندگار برای نسل‌های بعدی ارائه دادند.

آموزه‌های اخلاق پزشکی کلاسیک و چالش‌های معاصر

آموزه‌های اخلاق پزشکی در تمدن اسلامی، به‌ویژه در آثار رازی، ابن سینا و جرجانی، واجد اصولی است که می‌تواند راهگشای مسائل پیچیده معاصر باشد. در روزگار آنان، موضوعاتی چون رازداری، صداقت، پرهیز از ضرر رساندن، احترام به بیمار و مسئولیت اجتماعی پزشک، ستون‌های اصلی اخلاق حرفه‌ای به‌شمار می‌آمد (نجمی، ۱۳۸۲؛ نصر، ۲۰۰۷). امروزه، اگرچه پیشرفت‌های تکنولوژیک و تحول در ساختارهای نظام سلامت چالش‌های تازه‌ای ایجاد کرده است، اما اصول کلاسیک همچنان قابلیت انطباق و کاربرد دارند.

برای نمونه، اصل رازداری در متون رازی و ابن سینا، با مسئله معاصر حریم خصوصی دیجیتال و حفاظت از داده‌های الکترونیک بیماران پیوند می‌خورد (Safari & Heidari, 2019). همچنین، تأکید جرجانی بر کرامت انسانی می‌تواند به مباحث امروزی مانند حقوق بیمار، رضایت آگاهانه و عدالت در دسترسی به خدمات سلامت مرتبط شود (Shahmoradi, 2020). در همین

راستا، پرهیز از تجویز داروهای مضر یا غیرضروری که در آثار هر سه حکیم مورد توجه بوده، امروزه در زمینه‌ی مقابله با تجاری‌سازی پزشکی، مصرف بی‌رویه دارو و آنتی‌بیوتیک‌ها مصداق می‌یابد (Abbasi, 2017؛ عطارزاده، ۱۳۹۵)

چالش‌هایی مانند سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای، تضاد منافع، اتکای بیش از حد به فناوری‌های نوین، و بحران اخلاقی ناشی از پژوهش‌های ژنتیکی و هوش مصنوعی پزشکی، نیازمند بازخوانی مستمر آموزه‌های اخلاقی کلاسیک هستند (Beauchamp & Childress, 2019). (Safari & Heidari, 2019) بدین‌سان، اصولی که حکمای مسلمان بر آن‌ها پای می‌فشرده‌اند، نه صرفاً میراثی تاریخی، بلکه چارچوبی پایدار و پویا برای اخلاق پزشکی امروز محسوب می‌شوند.

جدول شماره ۳- چالش‌های اخلاقی معاصر و اصول اخلاقی در آثار رازی، ابن سینا و سید اسماعیل جرجانی

اصل اخلاقی کلاسیک	بیان در آثار حکما	چالش معاصر	کاربست امروزی
رازداری	رازی در <i>سرالطب</i> و ابن سینا در <i>قانون</i> بر حفظ اسرار بیمار تأکید کرده‌اند؛ جرجانی نیز آن را از ارکان طب می‌داند.	تهدید حریم خصوصی بیماران در پرونده‌های الکترونیک و داده‌های دیجیتال	سیاست‌های حفاظت از داده‌ها و رعایت محرمانگی در سیستم‌های سلامت دیجیتال
صداقت	رازی در <i>خواص التلامیذ</i> بر پرهیز از فریب بیمار تأکید کرده؛ ابن سینا و جرجانی نیز صداقت در تشخیص و درمان را واجب می‌دانند.	وعده‌های تبلیغاتی در پزشکی تجاری، درمان‌های غیرمستند و اطلاعات نادرست اینترنتی	ترویج پزشکی مبتنی بر شواهد (EBM) و شفافیت در ارتباط با بیمار
کرامت انسانی	ابن سینا در <i>قانون</i> و جرجانی در <i>ذخیره</i> بر حفظ حرمت بیماران تأکید کرده‌اند؛ رازی نیز رفتار محترمانه با بیمار را ضروری می‌داند.	چالش‌های مربوط به حقوق بیمار، تبعیض در خدمات سلامت و بی‌توجهی به بیماران محروم	تقویت رویکرد «حقوق بیمار» و عدالت در توزیع خدمات درمانی
پرهیز از ضرر	هر سه حکیم بر عدم تجویز داروهای مضر یا بی‌اثر تأکید دارند.	مصرف بی‌رویه دارو و بحران مقاومت آنتی‌بیوتیکی	اعمال سیاست‌های نظارت دارویی و مصرف منطقی دارو
مسئولیت‌پذیری پزشک	در آثار رازی و جرجانی، پزشک باید نسبت به بیمار و جامعه مسئول باشد؛ ابن سینا نیز به پرهیز از سهل‌انگاری توصیه می‌کند.	خطاهای پزشکی، فشارهای اقتصادی و کمبود وقت پزشکان	ارتقای پاسخگویی حرفه‌ای و نظام‌های نظارت بالینی

اصل اخلاقی کلاسیک	بیان در آثار حکما	چالش معاصر	کاربست امروزی
پرهیز از سوءاستفاده	ابن سینا و جرجانی بر پرهیز از بهره‌برداری نادرست از موقعیت شغلی تأکید کرده‌اند.	تضاد منافع، تجاری‌سازی پزشکی و آزمایش‌های غیر اخلاقی	تدوین کدهای اخلاق حرفه‌ای و کمیته‌های اخلاق
آموزش و انتقال دانش	رازی، ابن سینا و جرجانی انتقال دانش به نسل‌های آینده را وظیفه پزشک می‌دانستند.	تخصصی شدن بیش از حد علوم پزشکی و شکاف میان آموزش و عمل	ارتقای آموزش پزشکی مداوم و توسعه اخلاق پژوهی در پزشکی

نتیجه‌گیری

مطالعه آثار رازی، ابن سینا و سید اسماعیل جرجانی نشان می‌دهد که اخلاق پزشکی در تمدن اسلامی نه یک مبحث نظری، بلکه جزئی جدایی‌ناپذیر از حرفه پزشکی بوده است. اصولی مانند رازداری، صداقت، احترام به کرامت و حقوق بیمار، شفقت و همدردی، مسئولیت‌پذیری، تواضع، آموزش و انتقال دانش، پرهیز از داروهای مضر، احترام به تصمیمات بیمار و پرهیز از سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای، هم در عمل بالینی و تصمیم‌گیری درمانی و هم در تعامل اجتماعی و ارتقای سلامت عمومی جامعه تجلی یافته‌اند. این حکما با تلفیق دانش علمی و فضائل اخلاقی، پزشکی را به ابزاری برای خدمت به جامعه و پیشرفت تمدن تبدیل کردند و الگویی جامع برای حرفه پزشکی ارائه نمودند.

پیشنهادهای برای آینده

۱. **تطبیق آموزه‌های اخلاق پزشکی کلاسیک با آموزش پزشکی معاصر:** اصول اخلاقی حکمای اسلامی می‌تواند به عنوان چارچوبی برای طراحی برنامه‌های آموزشی در دانشکده‌های پزشکی و پرستاری مورد استفاده قرار گیرد.
۲. **ایجاد راهنماهای عملی اخلاق پزشکی:** تجزیه و تحلیل اصول اخلاقی این حکما می‌تواند به تدوین دستورالعمل‌های عملی و قابل اجرا برای پزشکان و مراقبان سلامت کمک کند.
۳. **ارتقای فرهنگ سلامت و تعامل پزشک-بیمار:** استفاده از آموزه‌های اخلاقی اسلامی در مراکز درمانی می‌تواند اعتماد بیماران و کیفیت مراقبت را افزایش دهد.
۴. **تحقیقات تطبیقی بین‌المللی:** انجام پژوهش‌های تطبیقی بین آموزه‌های اخلاق پزشکی اسلامی و استانداردهای جهانی می‌تواند به غنای نظری و عملی اخلاق پزشکی کمک کند.
۵. **گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای:** تلفیق علوم پزشکی، فلسفه اخلاق و تاریخ پزشکی برای بازخوانی آموزه‌های حکمای اسلامی و کاربرد آن‌ها در عصر حاضر ضروری است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. جعفریان، محمدحانی و موسوی کریمی، میرسعید (۱۳۹۵). "پژوهشی درباره ماهیت گزاره‌های زبان اخلاق سینوی: بدیهی یا مشهور؟"، *Civilica*, صفحات ۲۹-۴۶.
۲. جهانی، فرشته و گل محمدی، مجید (۱۳۹۵). «نقش سید اسماعیل جرجانی در تحولات علم پزشکی (۴۳۴ تا ۵۳۱ هـ)»، *تاریخنامه خوارزمی*، بهار، شماره ۱۱، صص. ۵-۲۲.
۳. حسینی، سید فاضل و خدادوست، کاظم (۱۳۹۲). «مروری بر برخی دیدگاه‌های پزشکی دانشمند بزرگ تمدن ایرانی-اسلامی حکیم سید اسماعیل جرجانی»، *تاریخ پزشکی*، تابستان، شماره ۱۵، صص. ۹۹-۱۱۸.
۴. حیدری، علی احسان؛ کشاورز، حسین؛ نوری، محمد سپهر (۱۳۹۱). «مروری بر مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون بوعلی سینا»، *اخلاق و تاریخ پزشکی ایران*، دوره ۵، شماره ۵، صص. ۶۱-۶۹.
۵. سلطانی حسینی، کیهان (۱۴۰۱). «مروری بر برخی دیدگاه‌های پزشکی دانشمند بزرگ تمدن ایرانی-اسلامی: حکیم سید اسماعیل جرجانی»، *مجله علوم پزشکی ایران*، ۴۷، صص. ۱۲-۲۹.
۶. سلطانی حسینی، کیهان؛ علیجانیها، فاطمه؛ ناصری، محسن؛ شمس، جمال؛ غفاری، فرزانه (۱۴۰۲). «بررسی آموزه‌های حکیم سید اسماعیل جرجانی برای مدیریت سلامت روان»، *مجله تاریخ پزشکی*، دوره ۱۵، شماره ۴۸، صص. ۱-۱۳.
۷. سلیمانی، موسی و شریعتی، فهیمه (۱۳۹۷). «بررسی شمول راه‌های درمان مرگ‌هراسی نسبت به کودکان در پرتو مقایسه دیدگاه ابن سینا و محمد بن زکریای رازی»، *پژوهشنامه اخلاق*، سال ۹، شماره ۲، صص. ۴۵-۶۲.
۸. شیروانی، احمد؛ کرد فیروزجایی، یارعلی؛ روزبه، محمدرسول (۱۳۹۴). «بررسی غایت اخلاق از دیدگاه ابن سینا»، *آیین حکمت*، سال هفتم، تابستان، شماره ۲۴.
۹. طباطبایی، سید محمود (۱۳۸۷). «برخی معیارهای اخلاق پزشکی از دیدگاه محمدبن زکریای رازی»، *نشریه اخلاق و تاریخ پزشکی*، شماره ۲، صص. ۲۳-۴۵.
۱۰. قراملکی، فرامرز، احد (۱۳۸۹). «نظریه انسان سالم در نظام اخلاقی رازی»، *انسان پژوهی دینی*، پاییز و زمستان، شماره ۲۴، صص. ۱۹-۳۴.
۱۱. نژاد بهنمیری، فضل‌الله، محمد هادی (۱۳۹۹). «عقل اخلاقی از منظر دو حکیم رازی»، *فرهنگ پژوهش*، زمستان، شماره ۴۴، صص. ۸۵-۱۰۴.

ب) منابع انگلیسی

12. Arezaei, H., & Dadmehr, M. (2023). *Response to: Medical Ethics According to Avicenna's Stance: A Synopsis*. Galen Medical Journal.
13. Hashemi Mehr, M. (2021, October 29). *Criteria and Indexes of the Principles of Medical Ethics from the Perspective of Muslim Physicians in the Period of Islamic Civilization*. Webinar, 8th International Conference on Natural, Traditional, and Complementary Medicine. Hilaris Publisher.
14. Kakamad, K., Najmadden, Z. B., Saeed, S. I., & Ahmed, J. O. (2024). *Abu Bakr Muhammad Ibn Zakariya Al-Razi (Rhazes) (865–925): The Founder of the First Psychiatric Ward*. Cureus.
15. Lakhtakia, R. (2014). *A Trio of Exemplars of Medieval Islamic Medicine: Al-Razi, Avicenna and Ibn Al-Nafis*. Sultan Qaboos University Medical Journal.
16. Shamsaei, M., Kurdi Yousefinejad, A., & Sohrabi, N. (2020). *Principles of Medical Ethics from the Perspective of Ibn Sina and Zakaria Razi and Its Comparison with the Ethical Principles of Modern Physiotherapy*. Journal of Education and Ethics in Nursing, 8(3&4). <https://doi.org/10.52547/ethicnurs.8.3.4.44>
17. Vatanparast, A. A., Abdoli, M., & Mahlooji, K. (2021). *Hakim Seyyed Ismail Jorjani: An Iranian Physician of Gorgan* [Letter to Editor]. Journal of Research on History of Medicine, 10(4), 275–278.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۴۱ - ۳۴۱

ارکان تحمیل مسئولیت مدنی به واسطه سوانح ریلی و نهادها و اشخاص مسئول در قبال آن

اسماعیل کمالی^۱

اکبر بشیری^۲

اباست پورمحمد^۳

چکیده

در ذیل نظام و ساختار حاکم بر مسئولیت مدنی، بخشی از تحمیل مسئولیت همواره به واسطه بروز سوانح و حوادث انجام می‌گیرد که به طور اختصاصی، توجه این پژوهش به ارکان تحمیل مسئولیت مدنی ناشی از سوانح و حوادث ریلی و نهادها و اشخاص مسئول در قبال آن متمرکز است. اساساً در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی تهیه و تنظیم شده است پرسش و هدف اصلی بررسی این موضوع بوده است که در صورت رخداد سانحه در شبکه حمل و نقل ریلی کشور، مسئولیت مدنی و جبران خسارت بر عهده چه نهاد و اشخاصی خواهد بود. در این خصوص نتایج و یافته‌های تحقیق موید این مطلب است که ارکان تحمیل مسئولیت مدنی با ارتکاب فعل منجر به سانحه ریلی، ورود ضرر ناشی از سانحه ریلی و نهایتاً رابطه سببیت بین وقوع فعل زیانبار با ورود ضرر در سانحه ریلی محقق می‌شود و حسب مورد مسئولیت بر دولت یا وزارت راه، شرکت‌های خصوصی، متصدی حمل و نقل یا اشخاص خاطی تحمیل خواهد شد.

واژگان کلیدی

راه آهن، حمل و نقل ریلی، سوانح ریلی، مسئولیت مدنی سوانح ریلی، ارکان مسئولیت مدنی، نهادها و اشخاص مسئولی در قبال سوانح ریلی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

Email: Esmail.kamli@iau.ac.ir

۲. استادیار، گروه حقوق تجارت بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: bashiri@iau.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

Email: Abasat_pormohammad@iau-maragheh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۲/۱۳

طرح مسأله

مسئولیت مدنی عبارت است از الزام شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است و زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زبانی به او وارد آورد، فرقی نمی‌کند عملی که موجب زیان شده است جرم باشد یا شبه جرم، در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است گفته می‌شود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. این قاعده منطقی و عادلانه از گذشته تاکنون وجود داشته که «هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در مواردی اضرار به غیر که به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نامتعارف جلوه نکند» این قاعده نظیر همان چیزی است که در فقه تحت عنوان «من تلف مال الغير فهو لهو ضامن» ذکر شده است. به عبارت دیگر تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارده به دیگری دارد اعم از اینکه زیان مذکور بر اثر عمل شخص مسئول یا عمل شخص وابسته به او ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. از زمانی که وسایل نقلیه زمینی به عنوان یک اختراع مهم در زندگی بشر جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده، پیشرفت و تکامل هر روزه این صنعت از نظر کمی و کیفی به سرعت در دنیا گسترش یافته و علاوه بر اینکه موجب تسریع در حمل و نقل کالا و مسافر در سطوح مختلف شده به مرور زمان به ابزاری لازم الوجود در بخش‌های اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و غیره تبدیل شده است. از طرفی با گسترش و توسعه این صنعت و افزایش روز افزون تعداد و سرعت وسایل نقلیه هر روزه شاهد موارد بی شماری از حوادث، سوانح و تصادفات خودروئی و ریلی هستیم.

حمل و نقل، انتقال اشخاص و کالاها از نقطه‌ای به نقطه دیگر است. انسان از دیرباز برای حمل و نقل کالاها و مسافر از وسایل نقلیه گوناگون استفاده می‌کرده است. صنعت حمل و نقل مشتمل بر چندین بخش است که یک بخش آن شامل خطوط راه آهن می‌شود. از بین این بخش‌های مختلف صنعت، خطوط ریلی از اهمیت و مزایای زیادی برخوردار است، از جمله: کمتر وارد شدن صدمه به مسافران و کالاها، مصرف سوخت کمتر، هزینه مناسب تر. به طور کلی می‌توان گفت: دنیای پیوسته کنونی همه را به گونه‌ای در مسیر خود میبرد، هیاهوی اتومبیل و رانندگی و حمل و نقل سرانجام به کشور ما نیز رخنه کرد و بیش و کم هان نیازهای جوامع صنعتی غرب را بوجود آورد. امروز حوادث ناشی از رانندگی در زمره سرگرمی‌های اسف بار ساکنان شهرهای بزرگ شده است. کمتر خانواده‌ای است که از این وسیله خطرناک تاکنون آسیبی ندیده باشد یا به سبب آن خسارتی ترساننده باشد. پس، اگر هر زیان دیده‌ای ناچار به اثبات تقصیر راننده و گرفتار تشریفات طولانی دادرسی‌های مدنی شود، آرامش اجتماعی سهم به

سزایی دارد و دیگر فرصتی برای سایر کارها باقی نمی ماند. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ برای این درد درمانی نیاورد، ولی در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۴۷ اعلام شده است که: «کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل بوسایل مزبور و قطارهای راه آهن، اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند، مسؤول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محصولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود.» این حکم استثنا بر قاعده کلی است که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی اعلام شده و بهمین جهت نباید آن را بوسیله قیاس در موارد مشابه نیز اجرا کرد. برای مثال، نمی توان ادعا کرد که وسایل نقلیه غیر موتوری یا کارخانه ها نیز همین اندازه خطرناک است و باید تابع قانون بیمه اجباری باشد. شرکت حمل و نقل ریلی شخصیت حقوقی است که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی با اخذ مجوز از شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران که در این قانون راه آهن نامیده می شود، در زمینه حمل و نقل زمینی با تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ و قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث در سال ۱۳۴۷ در سطح داخلی و الحاق دولت ایران به کنوانسیون بین الملل حمل و نقل مسافر و توسعه به وسیله راه آهن (C.I.M) و کنوانسیون بین المللی حمل و نقل کالا به وسیله راه آهن در سال ۱۳۴۹ و پروتکل های تکمیلی آن از یک سو، انعقاد موافقتنامه های حمل و نقل بین المللی از طریق جاده یا برخی کشورها از سوی دیگر در سطح بین المللی مفاهیم و ضوابط جدیدی را در حقوق قراردادهای حمل و نقل وارد کرده است. قانون دسترسی آزاد بر شبکه حمل و نقل ریلی مشتمل بر ۱۱ ماده و ۱۴ تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و پس از تایید شورای نگهبان ابلاغ شده است. طبق ماده ۲ قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی، به منظور حفظ ایمنی تردد ناوگان ریلی، شرایط و دستورالعمل های فنی و ایمنی مرتبط با سیر و حرکت وسایل نقلیه ریلی توسط هیات مدیره راه آهن تهیه و ابلاغ می شود و شرکت های بهره بردار خطوط مکلف به رعایت آنها هستند. راه آهن موظف به نظارت بر اجرای کامل ضوابط و مقررات و دستورالعمل های فنی و ایمنی حرکت خواهد بود.

طبق تبصره ۲ این ماده تعیین میزان مسئولیت های کیفری و مدنی سوانح ریلی ناشی از اجرای این قانون و سوانح ریلی ناشی از فعالیت های راه آهن توسط کمیسیون های جلوگیری از سوانح راه آهن مستقر در نواحی صورت می پذیرد. راه آهن و شرکت های موضوع این قانون حسب مورد در صورت بروز سوانح ریلی مطابق قانون مسئولیت مدنی مسؤول جبران خسارت و پرداخت دیه به افراد سانحه دیده هستند. علاوه بر این قانون، مقررات داخلی وجود دارد که طبق ماده ۱۶، هر یک از کارمندان راه آهن که متصدی راندن یا وظیفه دار تشکیل یا حرکت قطار

هستند لکوموتیو، واگن یا هرگونه وسیله نقلیه را که می‌داند معیوب است و در صورت سیر موجب مخاطره خواهد شد راه اندازد یا به مناسبت وظیفه مانع تشکیل قطار و حرکت آن شود به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود. همین کیفر درباره کارمندانی که از معیوب بودن وسایل نقلیه مطلع و برحسب وظیفه مکلف به آگاه ساختن مقامات مربوطه بوده و آن مقامات را مطلع نساخته اند اعمال می‌شود. در ماده ۱۷ چنین می‌گوید: رئیس قطار، راننده، سوزن بان ها و ترمزبان که برخلاف مقررات در موقع حرکت قطار تا رسیدن آن به مقصد یا در موقع حرکت و ورود قطار به ایستگاه، محل خدمت خود را ترک یا وظیفه خود را انجام ندهند به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. به طور کلی با وجود امنیت بیشتر قطار نسبت به سایر روش های حمل و نقل، ما شاهد موارد خطا و اشتباه در خطوط ریلی هستیم. دلایلی چون خطای نیروی انسانی، خطای سیستم های علائم و ارتباطات، کیفیت نامناسب خطوط و ابنیه فنی و غیره گاهی این شیوه حمل و نقل را با خطرات و حوادثی مواجه می‌سازد. وقوع چنین حوادثی اغلب سطوح مختلفی از راه آهن را با شرایط ریسک مواجه می‌سازد، که در رویه های قضایی و رای های دادگاهی موارد بسیاری در این زمینه قابل مشاهده می باشد.

۱. ارکان تحمیل مسئولیت مدنی به واسطه سوانح ریلی

در مبحث ابتدایی به بررسی ارکان و عناصر تشکیل دهنده مسئولیت مدنی به واسطه بروز سوانح و حوادث ریلی خواهیم پرداخت.

۱-۱- ارتکاب فعل منجر به سانحه ریلی

در برخی موارد ایجاد مسئولیت مدنی به واسطه فعل منجر به ضرر توسط مسئولان قطار است که به نحو عمدی ایجاد شده است، مسئولیت مدنی ناشی از سوءنیت شخص مرتکب را «مسئولیت ناشی از عمد» گویند و از انواع آن می‌توان به ایراد ضرب و جرح مسافری، ایجاد خرابی عمدی در قطار و نظایر آن اشاره نمود. این نوع مسئولیت مدنی به دلیل «اصل عدم اضرار» به وجود آمده است؛ زیرا اضرار عمدی به غیر به معنای نایده گرفتن آزاد و برابری دیگران بوده و قابل سرزنش و نکوهش می‌باشد. (Calnan, 2009: 54)

شایان ذکر است، در مسئولیت‌های ناشی از عمد، مسئولان قطار، مسئول تمامی خسارات دور و نزدیکی است که وارد آمده، حال آنکه در مسئولیت‌های ناشی از بی احتیاطی، آنها تنها مسئول خسارات نزدیک و قابل پیش‌بینی خواهند بود. اساساً، مسئولیت ناشی از عمد مسئولان قطار، به صورت مختلف قابلیت تحقق دارد:

الف) اضرار عمد به اشخاص: در اضرار عمد به اشخاص یا تجاوز به اشخاص، مسئولان قطار مرتکب ایراد خسارتی به خود مسافر یا مسافران می‌باشد که معمولاً در قالب ضرب و جرح

می‌باشد. در ایراد ضرب و جرح، هرگونه تماس و برخورد متصدی با مسافر را می‌توان مسئولیت آور دانست و لذا ضرورتی ندارد که حتماً خشونت یا صدمات جسمانی وجود داشته باشد؛ زیرا اشخاص حقی نسبت به تمامیت جسمانی خود دارند که مورد حمایت است. (Schaffer, 2009:19) البته تماس‌ها و برخوردهای متعارف و روزمره را نباید مسئولیت‌آور پنداشت؛ برای مثال، ضربه‌ای آرام که برای آگاه نمودن مسافر به او وارد می‌شود را نباید ایراد ضرب و جرح عمدی دانست؛ البته نکته حائز اهمیت در این خصوص آن است که، هر چند اغلب تهدید به ضرب با ایراد ضرب و جرح همراه است، اما فرض تهدید بدون ایران ضرب فرضی محال نیست. صرف ایجاد بیم و هراس کافی است برای تحقق این گونه از مسئولیت، مشروط بر آن که تهدید قریب الوقوع و نامشروع بوده باشد و شخص متعارف را نیز تحت تأثیر قرار دهد. (Cooke, 2009:392)

ب) اضرار عمد به اموال: این نوع اضرار، در اثر تماس مستقیم و فیزیکی، نسبت به اموال منقولی صورت می‌گیرد که یا همراه با مسافر به قطار وارد می‌گردد و یا اینکه صاحبان بار، جهت حمل و نقل، آن را به شرکت خدمات ریلی تحویل می‌دهند و در مقابل آن رسید دریافت می‌کنند.

شایان ذکر است، در این نوع اضرار، برای مسئول شناختن مسئولان قطار، لازم است، مداخله‌ای فیزیکی صورت پذیرفته باشد.

هر دو گونه اضرار بر شمرده شده، مستلزم درجه‌ای از قصد یا بی‌مبالاتی عمدی می‌باشد. تشخیص اینکه خطای مسئولان قطار یا کارکنان در حکم قصور عمدی می‌باشد یا نه با قانون دادگاه رسیدگی کننده است و قاضی رسیدگی کننده باید مفهوم سلب یا خلافاکاری عمدی را مطابق حقوق ملی خود احراز کند. این امر نیز باعث شده است رویه‌های متفاوتی بین کشورها ایجاد شود.

۱-۲- ورود ضرر ناشی از سانحه ریلی

از جمله دیگر ارکان محقق شدن مسئولیت مدنی در سوانح ریلی، این است که فعل فاعل زیانبار، منجر به بروز ضرر و خسارت نیز بشود و اساساً اگر خسارتی ایجاد نشود، نمیتوان مسئولیت مدنی را محقق شده یافت. اصولاً در مواجهه با سوانح ریلی، مفهوم‌های "ضرر" و "خسارت" به شکل‌های مختلف در نظر گرفته می‌شوند: مفهوم ضرر به میزان زیان مالی یا معنوی اشاره دارد که به دلیل وقوع یک سوانح ریلی به فرد یا نهاد وارد می‌شود. ضررها ممکن است شامل خسارات مالی مستقیم (تعمیر وسایل نقلیه، هزینه‌های درمان، و غیره) یا خسارات غیرمالی (مثل زخمی شدن افراد، افت اعتبار، یا افت تجارت) باشند. لفظ خسارت نیز بیشتر به

آسیب وارده به مالیات، وسایل نقلیه، یا دارایی‌های دیگر در نتیجه سوانح ریلی اشاره دارد. خسارات ممکن است به شکل زیان مالی، فیزیکی، یا زیان به شخص‌ها و محیط زیست باشد. برای مثال، زخمی شدن مسافران، آسیب به وسایل نقلیه، هزینه‌های درمان، و تأثیرات ناشی از قطع خطوط راه‌آهن ممکن است به عنوان ضررها و خسارات در نظر گرفته شوند. این مسائل بر اساس قوانین و مقررات مربوط به حوادث حمل و نقل و صنعت راه‌آهن مورد تعریف و ارزیابی قرار می‌گیرند، اما آنچه که اهمیت دارد، این است که برای محقق شدن مسئولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی، باید فرضی از ضرر محقق شده و وارد شده باشد.

۱-۳- رابطه سببیت بین وقوع فعل زیانبار با ورود ضرر در سانحه ریلی

آنچه که در مجموعه ارکان تحمیل مسئولیت مدنید، لزیجاد پل ارتباطی میان ض مسئولیت مدنی اهمیت دارد، ایجاد پل ارتباطی و رابطه تسبیب میان ضرر وارده با فعل زیانبار است، در نتیجه اگر میان فعل ارتكابی و ضرر حاصل شده، ارتباط معناداری وجود نداشته باشد، ارکان مسئولیت مدنی تکمیل نخواهد شد. به عنوان مثال در حوادث ریلی، اگر سبب بروز ضرر و تلف مسافر، وضعیت خاص خود مسافر یا بیماری شخص مسافر بوده باشد، در اینجا رابطه سببیت بر قرار نخواهد شد. در اینجا به نظر می‌رسد مسافر نتواند به‌خاطر تشدید بیماری یا به‌خاطر حادثه ناشی از ناتوانی‌اش از متصدی حمل مطالبه غرامت کند. (عزیزی، ۱۳۸۵: ۲۶۵) به‌خاطر فقدان مقررات روشن در این خصوص، فروضی به این شرح قابل بررسی است که: مسافر دارای وضعیت جسمانی خاص بوده و اطلاعی از این موضوع وجود نداشته باشد؛ این مورد نیز به دو قسمت تفکیک می‌شود بدین‌صورت که عدم آگاهی متصدی ناشی از تقصیر وی بوده و یا اینکه تقصیری از جانب وی و کارکنانش در تشخیص وضعیت جسمانی مسافر صورت نگرفته است. در مورد قسمت اخیر که متصدی به‌صورت متعارف و معقول وضعیت جسمی مسافر را بررسی کرده و متوجه مشکل خاص مسافر نشده و در طول سفر در پی حادثه‌ای مسافر به‌خاطر همین وضعیت جسمی آسیب ببیند نه به‌خاطر حادثه خارجی در این حالت متصدی مسئولیتی نخواهد داشت؛ ولی در حالی که متصدی و کارکنانش در بررسی وضعیت جسمانی مسافر کوتاهی کنند و اقدامات و تدابیر لازم را نیز اتخاذ نکنند و مسافر به‌خاطر همین کوتاهی دچار آسیب شود، متصدی مسئول خواهد بود و نمی‌تواند به وضعیت جسمی خاص مسافر استناد کند. مورد بعدی زمانی است که مسافر دارای وضعیت جسمانی خاص می‌باشد و متصدی از این موضوع آگاهی دارد: در این حالت باید گفت متصدی که آگاه از وضعیت جسمی خاص مسافر می‌باشد باید تدابیر ویژه‌ای برای این گونه مسافران اتخاذ کند در غیر این صورت مسئول خواهد بود. به عنوان مثال، کسی که ناراحتی تنفسی دارد باید امکانات لازم متناسب با این مسافر در صورت ایجاد مشکل تنفسی

در اختیار وی قرار گرفته شود. وضعیت دیگری که مانع ایجاد شکل گیری رابطه سببیت و نهایتاً تحمیل مسئولیت مدنی می شود این است که اگر قطار قبل از حرکت به طور متعارف بررسی و تجهیز شود ولی در طی زمان سفر به دلایل خارجی و غیر قابل اجتناب دچار آسیب شود و موجب خسارت کالا یا مسافران شود، این وضعیت به عنوان دفاع از طرف متصدی و شرکت راه آهن برای عدم مسئولیت مدنی، قابل استناد می باشد. در نتیجه، اگر به واسطه وضعیت خاص یا بیماری خاص برای مسافری حادثه یا سانحه ای رخ دهد، به راحتی نمیتوان مسئولیت مدنی را بر لوکوموتیوران، متصدی حمل و نقل یا شرکت راه آهن، تحمیل نمود، زیرا باید میان ضرر وارده و فعل زیانبار، رابطه سببیت وجود داشته باشد.

۲. نهادها و اشخاص مسئول در قبال سوانح ریلی

به واسطه بروز سوانح ریلی، ممکن است مجموعه ای از اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مرتکب خطا و تقصیر شده باشند، در این قسمت به بررسی مسئولیت مدنی نهادهای و اشخاص در قبال حوادث ریلی خواهیم پرداخت.

۲-۱- دولت و وزارت راه

از مباحث پر مناقشه در خصوص اشخاص حقوقی، مسئولیت اشخاص واجد شخصیت بین المللی و دولت ها و سازمان های دولتی است. شخصیت بین المللی، آن قابلیت است که موجبات بهره مندی، قبول و اجرای حقوق و تعهدات بین المللی یک نهاد را فراهم می سازد. (دوپویی، ۱۳۶۹: ۲۷۶)

در خصوص امکان سنجی مسئولیت کیفری و مدنی اشخاص حقوقی نظیر دولت ها، چندین نظریه مطرح است، یکی از آنها نظریه واقعی بودن شخص حقوقی است، این نظریه تحت تاثیر افکار و نظریات فلاسفه، جامعه شناسان و روان شناسان طرفدار مکتب «اصالت اجتماع» مطرح شد. طرفداران این نظریه شخص حقوقی را یک واقعیت به شمار می آورند. آنان با توجه به ارزش و اهمیت غیر قابل انکار اشخاص حقوقی در زندگی اجتماعی، برای این موجودات، وجودی اصیل، عینی، خارجی و واقعی قائل شده اند.

برحسب این نظریه، شخصیت حقوقی وجودی فرضی و قانونی و یا به عبارت دیگر اعتباری نیست که قانون آن را به رسمیت شناخته و اعتبار بخشیده باشد بلکه وجودی مستقل و مجزای در افراد تشکیل دهنده خود دارد، شخص حقوقی موجودی مستقل است و هویتی جداگانه و متمایز از کسانی که آن را تشکیل داده اند دارد، شخص حقوقی دارای منافع و مصالحی است که با منافع یک یک اعضاء متفاوت و گاهی متضاد می باشد. طرفداران این نظریه برای شخص حقوقی اراده و خواست جداگانه و مستقل از اعضاء قائل هستند که تابع اراده جمع و اعضاء است.

بعضی از آنان معتقدند که اشخاص حقوقی دارای اراده به خصوص و مخصوص به خود هستند که تعبیری که بعضی از جامعه‌شناسان به کار می‌برند همچون «روح جمعی»، «خواست و اراده جمعی»، «وجدان جمعی» و «شعور جمعی» از همین برداشت نشأت گرفته است. (گلدوزیان و قربانی، ۱۱:۱۳۹۱) البته نقدی که بر این نظریه وارد است این است که این نظریه با واقعیات منطبق نیست و افراط و تفریط‌هایی در آن صورت گرفته است که همین امر به نامقبول بودن و نامناسب بودن این نظریه منجر شده است. (رستمی فر، ۱۴۴:۱۳۸۸)

نظریه دیگری که در این زمینه وجود دارد، نظریه اعتباری بودن شخص حقوقی است، این نظریه زمانی مطرح شد که عده‌ای از حقوقدانان معاصر (والین و ردل) در خصوص ماهیت اشخاص حقوقی نظریه جدیدی را ابراز داشتند مبنی بر اعتباری بودن شخص حقوقی. این نظریه بهتر از سایر نظریه‌ها، حقایق اجتماعی و حقوقی را توجیه می‌کند. طرفداران این نظریه بر این باورند که مجازی یا حقیقی بودن شخص حقوقی، مسأله‌ای مجعول و ساختگی است و شخصیت حقوقی مفهوم انتزاعی و تاسیس حقوقی است که از ابداعات تمدن امروز است. (گلدوزیان و قربانی، ۱۱:۱۳۹۱)

نظریه دیگر نیز نظریه تخصیص اموال نام دارد، این نظریه بر گرفته از نظریه کلاسیک دارایی است که بیان می‌دارد دارایی بدون فرد و فرد بدون دارایی قابل تصور نیست. اعتقاد پیروان این دیدگاه بر این است که شخص به طور ارادی قسمتی از اموالش را از دارایی خود خارج ساخته و به هدف معین اختصاص می‌دهد. مطابق با نظریه کلاسیک دارایی این قسمت از دارایی را که مالکیت فرد خارج شده و به هدف معین اختصاص داده شده است حتماً باید دارای مالکی باشد و باید برای آن شخصیتی قائل شد. در مقابل برخی نیز معتقد به فرضیه عدم مسئولیت اشخاص حقوقی نظیر دولت‌ها هستند، طرفداران عدم مسئولیت اشخاص حقوقی دلایلی برای تبیین نظریات خود می‌آورند که اهم آنها را ذیلاً بر می‌شمریم:

مخالفین نظریه مسئولیت اشخاص حقوقی می‌گویند، شخص حقوقی را نمی‌توان اصلاح و تربیت نمود. اعمال مجازات نیز در چنین مواردی، فاقد نقش بازدارندگی و ارعابی است.

در حقوق مدنی شناسایی حقوق یک شخص حقوقی، مستلزم آن است که هدف و موضوع شخص حقوقی مشروع بوده و از طرفی مغایر با قانون نباشد، بنابراین اگر موضوع شخص حقوقی انجام امور مجرمانه باشد، شناختن مسئولیت برای آن گروه در واقع بر خلاف این اصل خواهد بود. آنها معتقدند ماهیت و طبع اشخاص حقوقی به گونه‌ای است که امکان اجرای مجازات سالب آزادی در مورد آنها وجود ندارد، بنابراین مجازات کردن آنها موردی نخواهد داشت. آنها بر این باورند که مسئولیت اشخاص حقوقی با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات دارد، زیرا مجازاتی که به یک شخص حقوقی تحمیل می‌شود، فقط عامل جرم را که یک نفر است تنبیه نمی‌کند،

بلکه بدون استثناء بر کلیه اعضاء آن تشکل که هیچگونه نقشی در ارتکاب جرم نداشته‌اند و نتیجه آن را هم نمی‌خواستند تحمیل می‌شود.

در مقابل طرفداران مسئولیت اشخاص حقوقی دلالی را برای تبیین نظریات خود می‌آورند که اهم آنها عبارت است از اینکه آنان در پاسخ اینکه اشخاص حقوقی فاقد اراده هستند می‌گویند اشخاص حقوقی دارای اراده‌ای جمعی هستند که از اراده یکایک اعضاء تشکیل دهنده آنها مجزاست و در هیات جمعی می‌توانند اعمالی را اراده کرده و به مرحله عمل برسانند، همانگونه که به انجام اعمال تجاری و فعالیت‌های صنفی یا حرفه‌ای می‌پردازند.

در قبال ایراد دیگر مخالفان که امکان اجرای مجازات‌ها، از جمله مجازات‌های سالب آزادی را، مانع از پذیرش مسئولیت اشخاص حقوقی می‌دانند، طرفداران مسئولیت می‌گویند، درست است که شخص حقوقی را نمی‌توان زندانی کرد ولی مجازات‌های دیگر از جمله جریمه را درباره او می‌توان مورد حکم قرار داد، زیرا اشخاص حقوقی دارای مال و ثروت هستند که قادر به پرداخت جریمه می‌باشند، به علاوه با توجه به ماهیت آنها مجازات‌های دیگری مانند انحلال و تعطیل موقت یا دائم و ... که در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بدان اشاره شده است درباره آنها قابل اعمال است. بر اساس ماده ۲۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲: در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف- انحلال شخص حقوقی ب- مصادره کل اموال پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال ج- جزای نقدی چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.

در پاسخ به عدم امکان تحقق اهداف مجازات‌ها، موافقان مسئولیت اشخاص حقوقی می‌گویند، اعمال مجازات درباره اشخاص حقوقی در تصحیح رفتار اشخاص مذکور موثر است و باعث می‌شود که مدیران تشکل‌ها، رفتار خود را با موازین قانونی تطبیق دهند. به علاوه مجازات شخص حقوقی سبب می‌شود که اعضاء در تعیین هیات مدیره، دقت بیشتری کرده و بر اعمال آنها نظارت دقیق‌تری اعمال کنند، هدف بازدارندگی نیز این طریق تامین می‌شود. (نماینان، ۱۳۸۶: ۳۵) در نهایت در خصوص انتساب مسئولیت کیفری و مدنی بر اشخاص حقوقی مانند دولت‌ها، باید بیان نمود که مسئولیت، اسناد مادی (انتساب بُعد مادی جرم به فاعل معین یا همانا رابطه سببیت میان فاعل و جرم) و اسناد معنوی انتساب جرم به اراده آزاد و آگاه می‌باشد. اسناد

مادی یا رابطه سببیت، امری موضوعی است و ارتباطی با وضعیت روانی فاعل ندارد؛ یعنی، صرف‌نظر از تعلق اراده فاعل به نتیجه مجرمانه، مهم آن است که نتیجه مجرمانه محصول فعل مجرمانه او باشد. اما اسناد مادی فی‌نفسه موجد مسئولیت کیفری نیست، مگر این که رفتار مجرمانه از فاعلی مقصر و قابل سرزنش ناشی شده باشد و در این صورت است که مرتکب، قابلیت تحمل تبعات کیفری رفتار مجرمانه را پیدا می‌کند. چندان که گفته شد، ناممکن بودن اسناد تقصیر به اشخاص حقوقی مهمترین دلیل مخالفان مسئولیت آنان است. به گمان آن‌ها، این اشخاص نه اندامی دارند تا قادر به انجام رفتار مجرمانه شوند و نه علم و اراده‌ای دارند تا مقصر تلقی شوند. (استفانی، ۱۳۸۳: ۴۰۳)

در مقابل، مدافعان معتقدند، همان اراده‌ای که اشخاص حقوقی را برای انجام تجارت و انعقاد قرارداد توانا و نسبت به تخلفات صورت گرفته و زیان وارده متعهد می‌سازد، آن‌ها را قادر به ارتکاب جرم و قابل برای مسئولیت می‌نماید. پس اشخاص حقوقی مانند اشخاص حقیقی دارای اراده‌اند، با این تفاوت که اراده آن‌ها از نوع اراده جمعی است.

نکات مزبور، مجال طرح این سوال مهم را فراهم می‌سازد که آن خصلتی که از آن به عنوان قابلیت انتساب مسئولیت به فرد یاد می‌شود، در خصوص اشخاص حقوقی چگونه به منحصه ظهور می‌رسد؟ به عبارت دیگر دادگاه‌ها به چه نحو و بر اساس چه معیاری مسئولیت را به این اشخاص منتسب می‌کنند؟ برای پاسخ به این سوال، رجوع به نظریه‌های راجع به رابطه انتساب، اجتناب ناپذیر است.

نظریه مسئولیت نیابتی؛ وفق این نظریه، انتساب مسئولیت به شخص حقوقی، عاریه است؛ یعنی شخص حقوقی عناصر دوگانه مذکور را از اعضاء و کارکنان خود قرض می‌گیرد. به این ترتیب که اگر خدمه در اثنای انجام وظیفه یا به سبب آن جرم یا ورود خسارتی را انجام دهند، شخص حقوقی را از حیث کیفری و مدنی مسئول خواهند ساخت. ایرادی که به این نظریه گرفته‌اند، گسترش نامعقول مسئولیت کیفری و مدنی شخص حقوقی است؛ چه، اگر هر یک از اعضای آن، جرمی را که در راستای انجام وظیفه - هرچند خودسرانه و بدون مجوز - مرتکب شود، شخص حقوقی را مسئول می‌سازد. (حسنی، ۱۳۷۴: ۶۵)

ناگفته نماند که تئوری مسئولیت نیابتی در ابتدای پیدایش، به شکل امروزی گسترده نبوده و صرفاً در مقام توجیه جرایم با مسئولیت مطلق بر آمده بود؛ زیرا در آن زمان اعتقاد بر این بود که شخص حقوقی نه قوه عاقله دارد که اندیشه کند و نه اعضاء و جوارحی دارد تا کنش‌گری کند. اما به تدریج و با تزايد تعداد اشخاص حقوقی و تاثیر محسوس آنان در ابعاد مختلف صنعتی، سیاسی و اجتماعی، تفکیک بین فعل و ترک فعل از بین رفت تا به طور منطقی مسئولیت کیفری و مدنی آنان وسعت یابد. گفتنی است، انگلستان از جمله کشورهایی است که قبل از پذیرش مسئولیت

مستقیم، مسئولیت نیابتی را مورد نظر قرار داده بود.

نظریه شخصیت ثانویه (مسئولیت مستقیم): به نحوی که تحلیل شد، وفق مسئولیت نیابتی، یک شخص حقوقی به اعتبار رفتار کارمندان خود و در قبال جرایم و ورود ضرر و زیان مدنی، بی‌نیاز از عنصر معنوی مسئول شناخته می‌شود. اما در شق دیگری از مسئولیت، که بر پایه نظریه شخصیت ثانویه یا نظریه مغزها تبلور یافته است، برخی از مدیران که عالی رتبه‌اند، برابر با شخص حقوقی و تجسم آن شخص محسوب می‌شوند. در نتیجه، اعمال و حالات روحی آنان، اعمال و حالات روحی شخص حقوقی تلقی می‌شود. توضیح این‌که، هر شخص حقوقی دارای یک مرکز عصبی و فرمان است که از طریق اشخاصی که به آن تعلق دارند اداره می‌شود. در نتیجه اعمال و حالات روحی - روانی اعضای عالی رتبه به شخص حقوقی نسبت داده می‌شود؛ به طوری که وقتی آنان سخن می‌گویند یا رفتاری انجام می‌دهند یا جرمی مرتکب می‌شوند، گویی خود شخص حقوقی آن سخن را گفته، عمل مزبور را انجام داده و جرم و یا ورود ضرر و زیان مدنی مربوطه را مرتکب شده است. با این توصیف، مدیران یکی از ارکان شخص حقوقی و جزئی از بدنه آن محسوب می‌شوند. از آنجا که نظریه مزبور مسئولیت را به طور مستقیم متوجه شخص حقوقی می‌کند، در خصوص توجیه ارتکاب جرایم نیازمند عنصر روانی نسبت به نظریه مسئولیت نیابتی جامع‌تر است؛ اما در خصوص شرکت‌ها و اشخاص حقوقی بزرگ و غیرمتمرکز، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. زیرا در ساختار این گونه اشخاص حقوقی، مدیران یا هیأت مدیره اغلب برخی از وظایف خود را به بخش‌ها و واحدهای دیگر تفویض می‌نمایند. در نتیجه و در عمل، بسیاری از تصمیمات و اقدامات مهم توسط مدیران میانی و متوسط صورت می‌پذیرد که در صورت مجرمانه بودن، با توجه به تضییق این دکتری، مسئولیتی را متوجه شخص حقوقی نخواهد نمود.

نظریه تقصیر جمعی (تجمع یا انباشتگی): گاه، نه تقصیر یک مدیر خاص و یک قوه هدایت‌گر، بلکه برآیند تقصیر مدیران و جمع خطای کارکنان، اساس تقصیر شخص حقوقی را تشکیل می‌دهد. نظریه تقصیر جمعی به ما می‌فهماند که در برخی شرایط، اهداف مجرمانه قدرت‌های مدرن جامعه در یک فضای گیج‌کننده، بدون اینکه بتوان عناصر مادی و روانی جرم را در وجود شخص خاص متمرکز دید، به منحصه ظهور می‌رسد؛ چه اینکه، عناصر مذکور بین اعضای شخصی حقوقی و بخش‌های مختلف آن توزیع شده است. در این حالت، انتساب جرم یا ورود خسارت مدنی به شخص حقوقی با ترکیب قصد فعل و عمل کارکنان به شخص حقوقی ممکن خواهد شد نه با احراز قصد و عمل یکی از کارکنان. به این ترتیب، استراتژی مزبور به گسترش قابل دفاع مسئولیت اشخاص حقوقی دامن می‌زند تا مسئولیت این دسته از اشخاص حقوقی معظم و گسترده را توجیه نماید.

نظریه سیاست شخص حقوقی؛ نظرات پیش گفته در انتساب مسئولیت به شخص حقوقی، افراد و اعضای آن را کانون توجهات خود قرار می‌دهند؛ به طوری که به تبع ارتکاب جرم از سوی افراد و احراز تقصیر آن‌ها، شخص حقوقی مسئولیت پیدا می‌کند. به عبارت آخری، دکترین‌های مذکور، قصد شخص حقوقی را قابل تنزل به قصد و رفتار مجرمانه اعضای خود می‌دانند. البته این تفکر تا آنجا که بتواند فرد یا افراد مقصر را شناسایی کند کارآمد است؛ اما در وضعیتی که به رغم وقوع ضرر و زیان، شناسایی مقصر یا مقصرین آن به دلیل پیچیده بودن ساختار شخص حقوقی میسر نباشد، اثر بخش نبوده و در نتیجه، عدم مجازات شخص حقوقی و تضعیف دفاع اجتماعی را در پی خواهد داشت. جهت برون رفت از این معضل، راهکار مقرون صواب، تایید ماهیت مستقل شخص حقوقی و احراز مسئولیت آن، فارغ از مسئولیت فردی است. این رویکرد باعث می‌شود در حالتی که شخص حقوقی از ساختار غیرمتمرکز و پیچیده برخوردار است، چندان که نتوان شخصی را شناسایی کرد که واجد مسئولیت کامل باشد، قادر به گریز از مسئولیت نباشد. گفتنی است، کشورهایی چون استرالیا با پذیرش این مدل بر دشواری انتساب جرایمی چون قتل غیرعمد به اشخاص حقوقی فائق آمده‌اند. (حسنی، ۱۳۷۴: ۷۶) مسئولیت وزارت راه یا به طور کلی دولت در سوانح ریلی به عنوان ناظر بر امور حمل و نقل ریلی و ایمنی راه‌آهن مطرح می‌شود. وزارت راه یا دستگاه مشابه در هر کشور به عنوان سازمان مسئول برنامه‌ریزی، نظارت، و اجرای سیاست‌ها و استانداردهای مرتبط با حوادث ریلی عمل می‌کند. در این زمینه، مسئولیت وظایف زیر ممکن است به وزارت راه اختصاص یابد:

تعیین استانداردها و مقررات: وزارت راه مسئولیت تعیین استانداردها و مقررات مرتبط با ایمنی راه‌آهن، تجهیزات، و سیستم‌های حمل و نقل ریلی را دارد. این استانداردها به منظور جلوگیری از حوادث، افزایش ایمنی، و اجتناب از مشکلات فنی تدوین می‌شوند.

نظارت و بازرسی: وزارت راه می‌تواند برنامه‌ها و پروژه‌های اجرایی را نظارت کند و بازرسی‌های رایزنی بر اجزای مختلف سیستم حمل و نقل راه‌آهن انجام دهد. این اقدامات جهت اطمینان از رعایت استانداردها و مقررات ایمنی است.

آموزش و آگاهی‌بخشی: وزارت راه ممکن است برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی برای کارکنان و اشخاص مرتبط با حوادث ریلی را اجرا کند. این آموزش‌ها به منظور افزایش ایمنی و کاهش خطرات و حوادث غیرمنتظره می‌باشند.

مدیریت بحران: در صورت وقوع حوادث ریلی، وزارت راه مسئولیت مدیریت بحران و اجرای طرح‌های اضطراری را داراست. این شامل همکاری با تیم‌های نجات و اورژانس، ارتباط با رسانه‌ها، و مدیریت بحران‌های احتمالی می‌شود.

پژوهش و توسعه: برنامه‌ها و پروژه‌های پژوهشی جهت بهبود ایمنی راه‌آهن و جلوگیری از

حوادث ممکن است توسط وزارت راه پیگیری شود. این پژوهش‌ها ممکن است به بهبود فناوری‌ها و سیستم‌های ایمنی کمک کنند.

۲-۲- شرکت‌های خصوصی

مسئولیت شرکت‌های غیردولتی (شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیرانتفاعی) در جبران خسارت سوانح و حوادث ریلی به طور کلی به وابستگی به قوانین و مقررات هر کشور و نیز تعهدات مشخص شده در قراردادها و توافق‌نامه‌ها برمی‌گردد. در این موارد، مسئولیت ممکن است در دو زمینه اصلی نقش داشته باشد:

توافق‌نامه‌های حمل و نقل: شرکت‌های غیردولتی که در زمینه حمل و نقل ریلی فعالیت می‌کنند، ممکن است با اپراتورهای راه‌آهن یا سایر شرکت‌های حمل و نقل توافق‌نامه‌ها داشته باشند. در این توافق‌نامه‌ها، شرایط مربوط به مسئولیت‌ها و جبران خسارت در صورت وقوع حادثه مشخص می‌شوند. شرکت‌های غیردولتی ممکن است موظف به پوشش خسارت‌های احتمالی باشند و این تعهدات در توافق‌نامه‌های حمل و نقل معین می‌شوند.

تعهدات قانونی: قوانین هر کشور می‌توانند تعهدات مشخصی را برای شرکت‌های حمل و نقل و شرکت‌های غیردولتی در زمینه ایمنی و جبران خسارت‌های حوادث ریلی تعیین کنند. شرکت‌ها ممکن است ملزم به رعایت استانداردها و اطلاعیه‌های ایمنی باشند و در صورت نقض این تعهدات، مسئولیت قانونی پذیرش کنند.

مسئولیت مدنی: در صورتی که شرکت‌ها یا سازمان‌های غیردولتی مسئولیتی در قبال حوادث ریلی نداشته باشند، قوانین مدنی ممکن است ایشان را به عنوان مسئول معرفی کنند، به خصوص اگر ثابت شود که اقدامات یا نقص در اقدامات آن‌ها موجب وقوع حادثه شده است. توجه به قوانین محلی و ملی، توافق‌نامه‌ها و استانداردهای مرتبط با حوادث ریلی، و پیش‌بینی و تدابیر ایمنی می‌تواند به شرکت‌های غیردولتی کمک کند تا مسئولیت‌ها و تعهدات خود را به درستی شناسایی و اجرا کنند و در صورت وقوع حوادث، به نحو موثری جبران خسارت‌ها را مدیریت کنند.

۲-۳- اشخاص خاطی

در مدل‌های ارائه شده در تحقیقات پیشین بر نقش عوامل انسانی به عنوان اشخاص خاطی بسیار تاکید شده است. با وجود این تاکیده‌ها، تعداد سوانح در این صنعت کاهش چشمگیری نداشته است. امروزه عوامل انسانی سانحه ساز یکی از ارکان مسئولیت در سوانح ریلی می‌باشند که این عوامل عبارتند از عوامل جسمانی و فیزیولوژیک کارکنان، عوامل روحی روانی و رفتاری کارکنان، عدم رعایت مقررات عمومی حرکت، ضعف مدیریت ایمنی، عوامل فیزیکی محیط کار،

عدم آموزش و تجربه کافی و موثر کارکنان می‌باشد که از بین این عوامل عوامل روحی روانی و رفتاری کارکنان در ایجاد سوانح ریلی بیشترین نقش را داشته است و عدم رعایت مقررات عمومی حرکت از سوی کارکنان بخش عملیاتی کمتری رتبه را به خود اختصاص داده اند. همچنین راهکارهای علمی و فنی در جهت کاهش عوامل انسانی سانحه ساز ارائه گردیده است. (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۹) در حادثه قطار مشهد- یزد اشتباه نیروی انسانی در بروز حادثه بود و این باید یکبار برای همیشه درس عبرتی برای مدیران باشد تا آموزش و تربیت نیروی انسانی، دادن هشدارهای لازم و به‌هنگام به افراد دخیل در این حوزه و مدیریت ایمنی راه‌آهن را در راس برنامه‌های خود قرار دهند، متأسفانه اقدام بعد از حادثه و به صرافت افتادن موقت و ناشی از شرایط سانحه به‌صورت مداوم در کشور ما تکرار می‌شود، همواره بعد از بروز یک فاجعه، برخورد با تخلفات، آموزش، ایمنی و غیره آن هم برای مدتی کوتاه پیگیری می‌شود و پس از مدت اندکی فراموشی سپرده می‌شود تا اینکه دوباره حادثه دیگری رخ دهد و موارد نامبرده در اولویت قرار گیرند. آموزش‌ها، قوانین و شیوه اجرای آنها، تعریف ضابطه و دستورالعمل‌های لازم برای پیشگیری از بروز چنین حوادث تلخی باید به قدری مهم و ضروری تلقی شود که در ذهن و تفکر مدیران و تصمیم‌گیران کشور نهادینه شود تا با عملکرد درست بتوانیم در آینده شاهد کاهش بروز سوانح باشیم. آگاهی از عوامل مؤثر بر ایجاد خطای انسانی و بهره‌برداری، نقش مؤثری در انتخاب متغیرهای ساخت مدل خواهد داشت. با بررسی آمار سوانح ملاحظه می‌گردد که درصد قابل ملاحظه‌ای از حوادث ریلی کشور به عوامل خطای انسانی باز می‌گردد. خطاهای انسانی به عنوان مهمترین عامل سوانح ریلی کشور، خود از عوامل مختلفی همچون اثرات فیزیکی و جسمانی، روانی و رفتاری، اقتصادی، محیطی، تسهیلات و خدمات بهداشتی و تفریحی و عامل فرهنگی - آموزشی تأثیر می‌پذیرد. این موارد در ابعاد گوناگون و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر بروز سوانح اثر دارند. خطای انسانی و بهره‌برداری می‌تواند توسط تعدادی از مأمورین و پرسنل مرتبط با سیر و حرکت و ایمنی چون (لکوموتیوران و غیره و در مواردی اندک، مسافری و حاشیه نشینان روی می‌دهد. به عنوان نمونه‌هایی از خطاهای مأمورین و پرسنل می‌توان به سوزن غلط یا نیمه باز، عدم توجه به علائم، عدم رعایت سرعت مجاز، عدم آشنایی برخی لکوموتیوران‌ها با مسیر، عدم دقت در کنترل ترمز و صدور جواز، عدم رعایت اصول بارگیری، عدم تصمیم‌گیری به موقع نیروی انسانی، عدم دقت در بازدید قطار و ... اشاره کرد. همچنین مواردی همچون بی‌توجهی مسافر در پیاده و سوار شدن به قطار، پرتاب سنگ و زخمی کردن مسافری و مأمورین، ورود کودکان برای بازی در خط و غیره در گروه خطای مسافری و حاشیه نشینان طبقه بندی می‌شود. با توجه به بررسی کلی آمار سوانح و نقش موارد یاد شده، می‌توان نقش عوامل مؤثر در ایجاد سانحه چون تجربه، سن و میزان تحصیلات و را مورد بررسی قرار داد.

سن عامل تعیین کننده‌ای در توانایی افراد در انجام مناسب امور می باشد. با بالا رفتن سن توانایی جسمی و فکری تحلیل رفته و قدرت عکس العمل در هنگام حادثه به نحوه چشمگیری کاهش می‌یابد. از طرفی میزان مقاومت شخص در شرایط سخت کار کاهش یافته، احساس خستگی بیشتر شده و احتمال بروز سانحه نیز افزایش می‌یابد. در مقابل هرچه تجربه بیشتر باشد، میزان شناخت و احاطه بیشتر بوده و احتمال بروز حادثه کمتر است. نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد لکوموتیورانان بیشتر در سنین ابتدای خدمت مرتکب سانحه شده‌اند که علت این امر عدم تجربه کافی با توجه به حساسیت شغل و اثر عوامل روحی روانی با توجه به شرایط جوان بودن است، از طرف دیگر هرچه سطح تحصیلات بالاتر باشد، دید بر شرایط کار وسیع تر و کلانتر بوده و احتمال بروز اشتباه و سانحه کمتر است آمار و اطلاعات موجود در راه آهن نیز گویای این واقعیت است. (فروهید، ۱۳۹۷: ۲۸)

۳. بررسی مصداقی و عملی تحمیل مسئولیت مدنی در سوانح ریلی

در این قسمت به طور مصداقی، برای روشن شدن چگونگی تحمیل مسئولیت مدنی در سوانح ریلی در رویه و عمل، به بررسی وضعیت برخی از حوادث ریلی در چند سال اخیر خواهیم پرداخت.

۳-۱- سانحه ریلی آزادور ۱۳۸۸

قطار محلی مشهد-آزادوار با ضریب اشغال ۵۷ درصدی، هرروز مسافرانی که در جست‌وجوی کار یا به دنبال رسیدن به مراکز خرید و تجارت برای فروش محصولات زراعی و دامداری خود بوده‌اند را به مقصد مشهد می‌رسانده است. این در حالی است که همه ایستگاه‌هایی که در طول این مسیر ریلی واقع شده‌اند، تا اولین ترمینال مسافری فاصله زیادی دارند.

در سال ۱۳۸۸ در این مسیر سانحه‌ای رخ داد که متأسفانه منجر به کشته شدن تعدادی مسافر، خدمه و کارکنار ریل‌های فرعی در مسیر گردید. در این سانحه، سه واگن قطار از ریل خارج شدند که به دنبال آن هشت نفر در دم جان خود را از دست دادند و شش نفر نیز مجروح شدند.

در خصوص علت حادثه، مقصر لکوموتیوران اعلام شد و افزایش سرعت به طور غیرمجاز توسط او، علت اصلی سانحه ریلی اعلام گردید، چرا که ایستگاه آزادور شرایطی همچون ورود از فرعی به اصلی دارد، در این شرایط سرعت بالای قطار امکان کنترل آن را سلب کرد و متأسفانه قطار از ریل خارج شده است.

۳-۲- سانحه ریلی تهران - مشهد ۱۳۹۳

در حادثه پانزدهم خردادماه ۱۳۹۳، قطار مسافری کد ۳۳۴۲ (فوق العاده ۹ تهران - مشهد) با لکوموتیو به شماره ۱۵۲۹ با تعداد ۱۲ واگن به وزن ۶۰۰ تن در ساعت ۲۰:۰۳ وارد ایستگاه سمنان شده و پس از تعویض لکوموتیوران و کمک لکوموتیوران و دریافت حکم احتیاط مبنی بر رعایت تقلیل سرعت ۳۰ کیلومتر بر ساعت از کیلومتر ۳۳۳+۲۰۰ الی ۳۳۴+۵۰۰ (روی سوزن‌های زوج ایستگاه امروان از سمت لارستان) در ساعت ۲۱:۵۷ از ایستگاه لارستان به سمت ایستگاه امروان (محل حادثه) حرکت می‌کند.

لازم به توضیح است به علت تعویض تراورس‌های بتونی سوزن‌های بلاک فرد، ایستگاه امروان - سرخده، سرخده - دامغان از پوشش مرکز CTC خارج و به صورت محلی توسط متصدی ترافیک اداره می‌شد.

به دستور مرکز کنترل ترافیک شاهرود با توجه به مسدود بودن بلاک فرد ایستگاه‌های امروان - سرخده، به علت انجام عملیات تعویض تراورس متصدی ترافیک ایستگاه امروان قطار باری کد ۳۰۵ (با دبله لکوموتیو ۸۴۶ و ۹۲۱ که با تعداد ۳۵ واگن مخزن‌دار خالی به وزن ۱۰۰۰ تن و به طول ۵۵۰ متر را از بلاک زوج (بلاک غیرمتعارف) سرخده - امروان قبول و به خط ۴ ایستگاه وارد می‌نماید و قطار مسافری کد ۳۳۴۲ از ایستگاه لارستان قبول می‌گردد و قرار بوده این قطار در پشت چراغ ورودی متوقف باشد تا قطار مسافری کد ۱۸۵۱ مسافری حرم به حرم از خط دو به سمت لارستان از بلاک فرد عبوری شود و سپس اقدام به مسیرگیری جهت ورود و عبور قطار مسافری ف ۹ از خط ۳ نماید، با توجه به اینکه همپوشانی مسیر تنظیمی خط ۴ برای قطار باری به سمت بلاک زوج لارستان باقی مانده بوده قطار مسافری کد ۳۳۴۲ در ساعت ۲۲:۱۱ بدون توجه به رنگ قرمز سیگنال‌های علائم الکتریکی با سرعت تقریبی ۱۰۷ کیلومتر بر ساعت به ایستگاه امروان وارد و با سرعت در حدود ۶۱ کیلومتر بر ساعت با قطار باری متوقف برخورد می‌کند، متأسفانه در این حادثه یک نفر مسافر فوت شده و تعداد ۳۱ نفر مسافر و ۴ نفر از کارکنان راه آهن مصدوم و به بیمارستان اعزام می‌شوند.

در این حادثه به لکوموتیوها، سالن‌ها و واگن‌های مخزن‌دار قطار باری خسارات فراوانی وارد می‌شود. با توجه به باز شنوی مکالمات ضبط شده از بی‌سیم ایستگاه امروان، متصدی ترافیک ۶ مرتبه در ساعت‌های ۲۲:۱۰:۰۴ و ۲۲:۱۰:۲۸ اعلام توقف به لکوموتیوران می‌دهد که پاسخی دریافت نشده است.

اقدامات زیر در خصوص سانحه انجام شده است:

- فرماندهی عملیات امداد و نجات و اسکان و جابه‌جایی مسافران و عملیات جمع‌آوری حادثه از ساعت اولیه بروز حادثه تا زمان جمع‌آوری حادثه و برقراری وضعیت عادی سیر قطارها

در ستاد مرکز و ناحیه راه آهن شمال شرق

۲. اعزام کمیسیون عالی سوانح راه آهن به محل حادثه جهت بررسی بیشتر و دقیق چگونگی بروز حادثه

۳. انجام تحقیقات و بررسی همه مسائل مربوط به حادثه به منظور ارائه راهکارهای پیشگیرانه و جلوگیری از تکرار آن

نتیجه تحقیقات اولیه بدین شرح بوده است:

علت حادثه: عدم رعایت مقررات عمومی حرکت و عبور از چراغ قرمز

مسببان حادثه:

- لکوموتیوران قطار مسافری به علت عدم توجه به رنگ زرد دو نمای خبری و قرمز سه نمای ورودی سیگنال‌های علائم الکتریکی و عدم پاسخ‌گوئی به بی‌سیم متصدی ترافیک ایستگاه امروان و کاهش ندادن سرعت با توجه به مفاد حکم احتیاط (تقلیل سرعت ۳۰ کیلومتر بر ساعت روی سوزن‌های ورودی ایستگاه امروان)

- کمک لکوموتیوران قطار مسافری به علت عدم هشدار به لکوموتیوران و اعلام نکردن نمای قرمز چراغ‌های علائم به لکوموتیوران و عدم یادآوری مفاد حکم احتیاط (تقلیل سرعت ۳۰ کیلومتر بر ساعت روی سوزن‌های ورودی ایستگاه امروان) و داشتن مسئولیت مشترک با لکوموتیوران

- متصدی ترافیک امروان به علت قبول همزمان دو قطار از طرفین و نداشتن امکان تنظیم مسیر قطارها و اقدام به ابطال مسیر چندین مورد که موجب توقف قطارها از طرفین ایستگاه برخلاف رعایت مقررات ذیربط شده است.

- کنترلر بهره‌برداری به علت عدم نظارت بر کار ماموران و صدور مجوز قبولی دو قطار مقابل همدیگر با توجه به شرایط قبول و اعزام ۳ رام قطار در طرفین ایستگاه و عدم رعایت مقررات مربوطه

براساس تصمیمات متخذه برای ماموران ذیربط و مستقیم در حادثه برابر روال اداری ضمن تعلیق از کار، پرونده حادثه توسط کمیسیون سوانح ناحیه به قید فوریت تشکیل و جهت تصمیم‌گیری به هیئت تخلفات اداری ارسال شد.

مقرر شد نسبت به برکناری ماموران ارشد ناحیه (اعضای کمیسیون جلوگیری از سوانح) شامل معاون بهره‌برداری و ناوگان، روسای گروه سیر و حرکت و ایمنی اقدام و نسبت به توبیخ کتبی با درج در پرونده سایر روسای گروه (خط و ابنیه فنی، ارتباط و علائم الکتریکی، ناوگان) که مسئولیت نظارتی مشترک داشته‌اند، اقدام شود.

در تاریخ ۹۳/۳/۱۷ با حضور مدیریت عامل، قائم مقام و معاونان راه آهن و مشاوران

مدیرعامل و اعضای کمیسیون عالی سوانح با توجه به جمع آوری اطلاعات اولیه حادثه فوق مورد بحث و بررسی و تبادل نظر قرار گرفت که پیامد آن تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ شد:

۱. مقرر شد به جهت سیر ایمن همه قطارها و جلوگیری از هرگونه خطای نیروی انسانی نسبت به نصب بالیس در ورودی ایستگاه‌ها و سیستم onboard برروی همه لکوموتیوهای کشور حداکثر تا پایان سال جاری اقدام تا در مناطق مجهز به سیستم علائم الکتریکی از بروز این مورد (عبور از چراغ قرمز) جلوگیری به عمل آید.

۲. مقرر شد در محور تهران - مشهد جهت ورود قطارها به خط قبولی برابر سیستم علائم اقدام و عمل باطل نمودن مسیر پس از ورود قطار به بلاک ممنوع شود؛ به جز شرایط خاص و استثنایی که باید گزارش آن توسط کشیک مربوطه ارائه شود.

۳. با توجه به کمبود شدید نیروی انسانی دربخش سیر و حرکت علی‌الخصوص در بخش راهبری (لکوموتیوران) مقرر گردید اقدامات لازم جهت تسریع در جذب ۱۵۰۰ نفر لکوموتیوران و طی دوره‌های آموزشی مربوطه در سال جاری صورت پذیرد.

۴. مقرر شد به منظور تشدید کنترل‌های لازم از این پس صدور تاییدیه نهایی گواهینامه لکوموتیورانان و همچنین آزمایشات ادواری آنان به جای اداره کل سیر و حرکت توسط اداره کل ایمنی و نظارت بر شبکه صورت پذیرد.

۵. نظر به استفاده ایمن از سیستم C.T.C درمحورهای مختلف از جمله محور تهران - مشهد اقدام به محلی (local) کردن کنترل ایستگاه تنها تحت شرایط خاص و پس از موافقت واحدهای ذیربط در مرکز باشد.

۳-۳- سانحه ریلی مشهد - یزد ۱۴۰۱

در جریان این حادثه، سه واگن از قطار مسافری مشهد- یزد در بلاک عباس آباد- ریزو در محدوده اداره کل راه آهن شرق از خط خارج شد. در این سانحه، بیش از بیست نفر کشته و چند نفر مصدوم شدند و اعضای کمیسیون سوانح راه آهن با حضور در محل سانحه خروج قطار مسافری، مساله را بررسی کردند.

گفتنی است قطار مسافری مشهد- یزد به دلیل برخورد با یک دستگاه بیل مکانیکی، در بلاک عباس آباد- ریزو در محدوده اداره کل راه آهن شرق از خط خارج شد.

التهایه در این خصوص، گزارش کمیسیون عالی سوانح در خصوص سانحه قطار مشهد - یزد به شرح زیر است؛

به منظور بررسی میدانی، جمع آوری اطلاعات و مشاهده آثار سانحه، اعضاء کمیسیون عالی سوانح به محض اطلاع به محل سانحه عزیمت و مراحل و عملکرد عوامل دخیل در سانحه را در

فرایند به هم پیوسته‌ای مورد بررسی قرار دادند، در این خصوص مستندات ایستگاهی، شواهد میدانی، اظهارات و مذاکرات با عوامل اجرایی، موارد ثبت شده توسط سیستم‌های نظارتی از جمله گراف سرعت لکوموتیو (ایونت) و ثبت اطلاعات لاگ ATC، مورد بررسی قرار گرفته و گزارش کامل آن به مسئولین ذی ربط ارسال شده است.

تجزیه و تحلیل مستندات و اطلاعات مذکور حاکی از عدم رعایت سرعت مجاز در سیر قطار مسافری در محل سانحه، انسداد غیرمجاز مسیر حرکت قطار مسافری توسط بیل مکانیکی و عدم رعایت مقررات ایمنی در محل عملیات تعویض تراورس به عنوان عامل اصلی وقوع سانحه است، همچنین در این خصوص عوامل دیگری که می‌توانست از وقوع سانحه جلوگیری نماید احصاء شده که به شرح ذیل اعلام می‌شود:

- ✓ عدم رعایت سرعت مجاز توسط راهبران قطار مسافری
- ✓ انسداد غیرمجاز مسیر حرکت قطار مسافری توسط بیل مکانیکی
- ✓ واگذاری مسئولیت راهبری قطار به کمک لکوموتیوران بر خلاف مقررات عمومی سیر و حرکت توسط لکوموتیوران
- ✓ اعلام اتمام عملیات تعویض تراورس و برچیدن ایستگاه موقت قبل از جمع‌آوری ادوات و تجهیزات از روی خط آهن توسط سرپرست عملیات و مسئول ایستگاه موقت
- ✓ عدم توجه راهبران قطار به تابلوهای هشداردهنده (تابلوهای تقلیل سرعت)
- ✓ عدم یادآوری تقلیل سرعت ۱۵ کیلومتر بر ساعت از سوی مسئول ایستگاه عباس‌آباد

کمیسیون عالی سوانح پیشنهاد می‌کند به منظور عدم تکرار سوانح و به حداقل رساندن خطای نیروی انسانی نسبت به استفاده از تجهیزات ایمنی و نظارتی هوشمند، اصلاح ساختار نظارت بر ایمنی شبکه ریلی تکمیل کادر نظارت مناطق، ارتقاء سطح آموزش و اصلاح ساختار نظارت بر عملیات اجرایی با عنایت به برون سپاری فعالیت‌ها اقدام شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به متن تحقیق، باید گفت که در قالب نتیجه، یافته‌های تحقیق در خصوص دغدغه‌های اصلی نظیر اینکهدر صورت رخداد سانحه در شبکه حمل و نقل ریلی کشور، مسئولیت مدنی و جبران خسارت بر عهده کیست و مبانی مسئولیت مدنی ناشی از سوانح ریلی چیست و در صورت تصادم دو وسیله نقلیه زمینی کدام دارای مسئولیت مدنی هستند نشان داد که نظام مسئولیت مدنی در سوانح ریلی بر اساس نظریه خطر و تقصیر و البته با پشتوانه‌های فقهی نظیر قاعده لاضرر و اتلاف در حقوق داخلی توجیه شده است و ارکان آن نیز با ارتکاب فعل منجر به سانحه ریلی، ورود ضرر ناشی از سانحه ریلی و نهایتاً رابطه سببیت بین وقوع فعل زیانبار با ورود ضرر در سانحه ریلی محقق می‌شود و حسب مورد مسئولیت بر دولت یا وزارت راه، شرکت‌های خصوصی، متصدی حمل و نقل یا اشخاص خاکی تحمیل خواهد شد.

فهرست منابع

- ۱) استفانی، گاستون، ژرژ لواسور، برنابولوک، (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، مترجم حسن دادبان، تهران، نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۲) پاک زاد، نورالله، (۱۳۹۴)، بررسی سوانح ریلی با رویکرد نقش عامل انسانی در سوانح راه آهن، مقاله ارایه شده به اولین همایش مدیریت پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها.
- ۳) حسنی، محمد حسن، (۱۳۷۴)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴) دوپویی، پی یر ماری، (۱۳۶۹)، جرم بین المللی دولت، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی دفتر خدمات بین المللی، شماره ۲۱.
- ۵) رستمی‌فر، علی، (۱۳۸۸)، بررسی نقش تحولات اقتصادی قرن بیستم بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مجله کانون وکلای دادگستری، شماره ۹۱.
- ۶) عزیزی، ابراهیم، (۱۳۸۵)، موارد معافیت متصدی حمل و نقل هوایی از مسئولیت در مقابل مسافر و کالا، مجله تحقیقات حقوقی.
- ۷) فروهید، امیراسماعیل، (۱۳۹۷)، بررسی و تجزیه و تحلیل آماری مطالعات سوانح ریلی: مرور سیستماتیک، نشریه رویکردهای پژوهشی در مهندسی عمران و معماری، شماره ۹.
- ۸) گلدوزیان، ایرج و قربانی، ابراهیم، (۱۳۹۱)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در کنوانسیون‌های بین المللی، مجله دادرسی، شماره ۹۳.
- ۹) نمامیان، پیمان، (۱۳۸۶)، سیاست تقنینی ایران در قبال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مجله دادرسی شماره ۶۶.
- 10) Calnan, Alan, (2009), Duty and Integrity in Tort Law, 1st ed., North Carolina, Carolina Academic Press.
- 11) Cooke, John, (2009) Law of Tort, 9th ed., Edinburgh, Pearson Longman.
- 12) Schaffer, Lisa, (2009), Torts for Paralegals, 1st ed., New York, McGraw Hill.

الگوی تخیل جامعه شناختی در ادبیات با تحلیل آثار کامران پارسی نژاد و آتوسا صالحی

ناهِید کهن^۱

فاطمه آگاه^۲

ثمینه بهادری جهرمی^۳

چکیده

رابطه بین ادبیات و اجتماع از زمان های گذشته تا به زمان ما رابطه ای دوسویه است برای بهتر یافتن اثرهای ادبی باید وضع تاریخی اجتماعی فرهنگی و فرق ها و تفاوت های فکری و اخلاقی را دریافت تا به درک کامل از فکر و اثر یک شاعر یا نویسنده پی برد این همان مسئله ای است که در نگاه ها و عقاید جدید ادبی مطرح شده است اثر در بافتی از زمین یا فرامتنی قرار می گیرد که خودآگاه و ناخودآگاه تحت تأثیر آن است. متن در بافتی از زمینه یا فرامتن قرار می گیرد که خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تأثیر آن می باشد. هدف پژوهش، بررسی مقایسه ای آثار کامران پارسی نژاد و آتوسا صالحی از دیدگاه الگوی تخیل جامعه شناختی در ادبیات است. نتایج پژوهش بازتاب الگوی تخیل جامعه شناختی در ادبیات در آثار کامران پارسی نژاد و آتوسا صالحی در قالب چهار رویکرد «هستی - شناسی»، «روش شناسی»، «ایستایی شناسی» و «پویایی شناسی» می باشد. در آثار کامران پارسی نژاد همچون: «تو را خانه ای هست»، «خورشید می ماند» و «خورشید در آتش» عنصر «هستی شناسی» الگوی تخیل جامعه شناختی مشاهده می شود. در کتاب های آتوسا صالحی همانند: «کوچ روزبه» و «یکی نبود، یکی بود» بسامد به کارگیری عنصر «پویایی شناسی» الگوی تخیل جامعه شناختی بیش تر است. بازتاب الگوی تخیل جامعه شناختی در ادبیات، در آثار کامران پارسی نژاد بیش تر از آتوسا صالحی نمود می یابد، زیرا ساختار جامعه و ملزومات آن بیش تر در آثار کامران پارسی نژاد انعکاس یافته است.

واژگان کلیدی

آتوسا صالحی، کامران پارسی نژاد، ادبیات، جامعه، تخیل.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.

Email: Nahid.kohan@iau.ir

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: 2299065520@iau.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.

Email: Sa.bahadori@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۲/۱۴

طرح مسأله

با تحقیق و بررسی هر واقعیت اجتماعی تفاوت جامعه‌شناسان با دیگر دانشمندان حوزه علوم انسانی در به‌کارگیری آگاهی کامل جامعه‌شناسی از طرف آنان است محققان اجتماعی با رشد بینش جامعه‌شناسی خود می‌توان من از طریق دیگر راه‌های زندگی اجتماعی جامعه و مسأله‌های آن را مورد بررسی قرار دهند تا جایی که پیوند جدا نشدنی و مشارکت مداوم بین جامعه و ادبیات این دو مورد را مانند آینه‌ای در مقابل هم قرار می‌دهند و شناخت یک مورد را وابسته به مورد دیگر می‌دانند. با توجه به پژوهش‌هایی که درباره‌ی الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات صورت پذیرفته است، باید این‌گونه بیان کرد که این نظریه هیچ‌گاه در آثار کامران پارسی‌نژاد و آتوسا صالحی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است و نگارنده این پژوهش با در نظر گرفتن این خلأ پژوهشی انجام تحقیق پیرامون این موضوع را ضروری می‌انگارد.

پیشینه پژوهش

درباره مبحث الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ اما هیچ‌گاه این پدیده در آثار کامران پارسی‌نژاد و آتوسا صالحی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. پژوهش‌های انجام شده عبارتند از:

۱- اکرمی در پژوهشی نگاهی به مجموعه شعر آتوسا صالحی می‌اندازد. برای ورود به قلمرو شعر آتوسا صالحی و تماشای چشم‌اندازی که زیر بارش باران واژه‌ها جان گرفته بود، پنجره‌های ناگشوده فراوانی وجود دارد. بی‌درنگ به سراغ «حادثه در شعر» رفتیم. آتوسا صالحی به حوادثی در حوزه موسیقی، عاطفه، تخیل و اندیشه می‌پردازد. حوادثی که با فرآیندی ژرف با عنوان زبان در می‌آمیزد و ساختمان شعر را ایجاد می‌کند.

۲- بخارایی و توکلی در مقاله‌ای این‌گونه اظهار می‌کنند که در ادبیات اجتماعی تخیل اجتماعی معنا و مفهومی تازه و جدید است که از طرفی ساختارهای اجتماعی آن را مشخص می‌کند و از طرف دیگر خود در ساخت فرآیندهای اجتماعی نقشی بسزا دارد رسانه‌ها یکی از تعیین‌تینات اجتماعی به‌وجودآورنده‌ی تخیل است

۳- در مقاله‌ای این‌گونه نوشته‌اند که رمان پری‌چهر رمانی اجتماعی است که نویسنده تحت تأثیر ساختار جامعه تحت تأثیر ساختار جامعه‌ای که در آن زندگی کرده به خلق آثاری پرداخت که در آن تصویر اجتماع را می‌توان تماشا کرد. م مؤدبپور در این رمان مشکلات زیاد زندگی در زمان حاضر را در قالب داستان به تصویر کشانده است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای-اسنادی است.

مبانی تحقیق

ادبیات و نظام اجتماعی

در این حیطه با دو گونه پژوهش در ارتباطیم. گونه نخست، پژوهشی است که به ادبیات از زاویه کارکردی که در جامعه دارا است و با توجه به قشرهای اجتماعی گوناگون می‌نگرد. در بعضی جوامع، ادبیات با دیگر نمودهای اجتماعی ترکیب شده است و نمی‌توان گفت که گوهری مستقل از مراسم دینی یا فرقه‌ای است. دومین گونه، بررسی شکل قالب‌ها یا انواع ادبی است. حماسه، شعر غنایی، نمایشنامه و رمان هر یک به گونه‌ای خاص با سرنوشت اجتماعی ویژه‌ای پیوند دارند. طرح مسائل مربوط به انزوای فردی، احساس امنیت جمعی، خوش‌بینی یا نومیدی اجتماعی، گرایش به خوداندیشی روانی یا پیروی از چند ارزش عینی را می‌توان اموری دانست که به بازنگری در شکل‌های ادبی از منظر موقعیت‌های اجتماعی ختم می‌شود. (لوونتال، ۱۳۹۰: ۳)

مسائل اجتماعی در حکم مواد ادبی

هر جامعه‌شناسی که به ادبیات علاقه دارد و در تحلیل ادبیات ناب صاحب تجربه است فقط به تفسیر متون ادبی که ماهیتی جامعه‌شناختی دارند، قانع نمی‌شود و بررسی پیامدهای اجتماعی درونمایه‌ها و بن‌مایه‌های ادبی را نیز که به زندگی عامه مردم یا امور جمعی مربوط نمی‌شوند را ضروری می‌داند. وظیفه جامعه‌شناس ادبیات این است که بین تجربه‌های شخصیت‌های خیالی و فضای خاص تاریخی که منشأ آن تجربه‌ها می‌باشد، رابطه برقرار می‌سازد و تأویل ادبی را به بخشی از جامعه‌شناسی شناخت تبدیل می‌کند. جامعه‌شناس ادبیات باید بتواند بر اساس معادله خصوصی درونمایه‌ها و فنون سبکی، معادلات اجتماعی بنویسد.

ویژگی‌های نظریه لوسین گلدمن

هنر و جامعه پیوسته بر روی هم اثر متقابلی دارند و ادبیات نیز از این قاعده مستثنا نیست. ادبیات به واسطه ماده اساسی آن-یعنی زبان- ذاتاً پدیده‌ای اجتماعی است و این که آیا باید به ادبیات به عنوان بازتاب‌دهنده تصویر واقعی از جامعه‌ای که آثار در آن به وجود می‌آید، نگاه کنیم یا خیر، پرسش بنیادین در پژوهش‌های جامعه‌شناسی ادبیات است.

اجتماع و تخیل

در ادبیات اجتماعی تخیل اجتماعی مفهوم تازه و جدیدی است که از طرفی ساختارهای اجتماعی آن را مشخص می‌کند و از طرف دیگر خود نیز در ساخت فرآیندهای اجتماعی نقش حیاتی دارد. موضوع تخیل در گذشته صرفاً در اختیار عرفان و تا حد بسیاری روان‌شناسی بوده‌است، اما مطالعات اجتماعی در عین این‌که ساخته‌شده از طریق تعینات اجتماعی و سازنده این تعینات است و باید نقش آن را در کار ساختار اجتماعی و باز کردن آینده‌های ممکن مهیا ساخت. تخیلات زمینه جریان‌های اجتماعی است افکار عمومی را به وجود می‌آورد و آرزوها و آرمان‌های جدیدی را شکل می‌دهد به همین دلیل شناختن تخیلات اجتماعی و تعینات اجتماعی در به وجودآوردن آن اهمیت بسیار بسزایی دارد. (شریعتی، ۱۳۸۶: ۵۵-۴۸)

تخیل و ادبیات

ادبیات بازآفرینی هنرمندانه واقعیت‌ها می‌باشد اصلی‌ترین ماده ادبیات زبان است ابزار برای برقراری ارتباط و مناسبات اجتماعی است. از دیدگاه بسیاری از محققان ادبی برای درک و شناخت آثار ادبی باید اوضاع تاریخی اجتماعی سیاسی فرهنگی و حتی تفاوت‌های فکری و اخلاقی هر زمان را شناخت تا به درک درست از اندیشه و فکر و اثر یک شاعر یا نویسنده رسید این موضوع همان مسئله‌ای است که امروزه در نظریه‌های نو و جدید ادبی بیان می‌شود متن دریافتی از زمینه با فرامتن قرار دارد که خودآگاه و ناخودآگاه تحت تأثیر آن بوده و یک متن را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن زمینه آن مورد بررسی قرار داد.

آتوسا صالحی

آتوسا صالحی شاعر، نویسنده، مترجم و ویراستار کتاب‌های کودکان و نوجوانان است. او فعالیت حرفه‌ای خود را با مجله‌ی سروش نوجوان آغاز کرد و بعدها با نشریه‌هایی چون مجله‌ی همشهری، هفته‌نامه و روزنامه‌ی آفتابگردان، روزنامه‌ی شرق و ایران همکاری کرد.

کامران پارسی‌نژاد

کامران پارسی‌نژاد در شهر تهران به دنیا آمد. دیپلم خود را در رشته‌ی علوم تجربی دریافت کرد و سال‌ها بعد در رشته‌ی ادبیات انگلیسی در دانشگاه علامه طباطبایی به تحصیل پرداخت. وی در همان سال‌ها به خلق شعر و داستان کوتاه به زبان‌های انگلیسی و فارسی مبادرت ورزید و در جنگ‌های دانشجویی حضوری فعال داشت.

بحث

تحلیل نمونه‌ها

بررسی الگوی تخیل جامعه‌شناختی آثار کامران پارسى نژاد

بازنویسی روایت‌های قدیمی به شناخت هویت ملی و آثار بی‌نظیر ادبی کمک می‌کند در دنیایی پر از مشغله، نویسنده‌ها با کمک بخشی از کار شناخت و مشخص نمودن هویت ملی ایران نقش بسزایی در شناخت کودکان و نوجوانان ایفا نموده‌اند. یکی از هدف‌های مهم بازنویسی لذت بردن مخاطب از متن‌ها و مفاهیم آن است اگر این بازنویسی‌ها بتوانند بر فضایی را بر مخاطب خود یادآوری نمایند می‌توانند روزنه‌ای را به دنیای جدید به وجود آورند تا کودک از این دریچه بتواند بدون آن‌چه در گذشته بوده و زندگی کرده باشد این فضا را به‌درستی دریابد.

الف) تو را خانه‌ای هست: روایت زندگی شیخ بهایی عالم بزرگ جهان تشیع می‌باشد. محمد جوانی از جبل عامل لبنان است که همراه با پدرش عزالدین حسین، یکی از علمای بزرگ لبنان، در دوران حکمرانی شاه طهماسب به ایران مهاجرت کرده است و با هوش و نبوغ فراوانی که دارد، معماری شگفت‌انگیزی را در ایران بنا نهاده است و در دانش‌های مختلف زمان خود چون: نجوم، علم جفر، داستان‌نویسی، شعر، ریاضیات، فقه و علم الحديث، سرآمد عصر خویش می‌شود. «عزالدین حسین بلند شد. بچه‌ها سراسیمه به سمت در دویدند. محمد خود را به پدر رساند. تا خانه مسافت زیادی را باید طی می‌کردند. حالا صدای سم اسبان عثمانی‌ها بود که هر لحظه نزدیک‌تر می‌شد. ترسیده بودند و به پشت سرشان نگاه نمی‌کردند. باد در تاریکی شب زوزه می‌کشید. صدای شبیه اسبان می‌آمد و فریاد مردان و زنان وحشت‌زده‌ای که بی‌هدف در گل و لای می‌دویدند تا شاید بتوانند به دامنه کوه بلند پناه ببرند، تا شاید خود را به دره ابوکسلان و یا ماجور برسانند، تا شاید بتوانند جان خود را نجات دهند. از دل تاریکی بیرون زدند. وارد میدان اصلی روستا شده بودند. نیمی از دکان‌ها در آتش می‌سوختند. سربازان عثمانی مشغول قتل عام روستاییان بودند. عزالدین حسین، دست محمد را محکم گرفته بود. عبدالصمد پشتشان می‌آمد. باید از میدان می‌گذشتند» (پارسى نژاد، ۱۳۹۷: ۱۲).

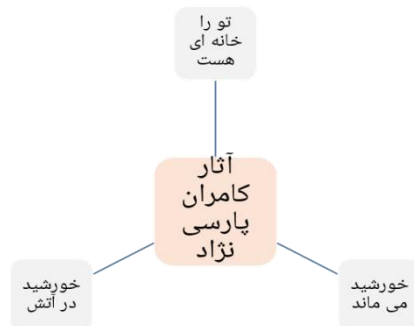
ب) خورشید می‌ماند. اثر خورشید می‌ماند، ماجرای بر مبنای مستندات تاریخی از زندگی شیخ بهایی، فقیه، ریاضیدان و معمار بزرگ عصر صفوی می‌باشد. شیخ بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی از اندیشمندانی می‌باشد که در بنیان نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد بسیار کوشیده است. داستان با کودکی شیخ در مکتب‌خانه، آغاز می‌شود و با غروب زندگی او پایان می‌یابد؛ اما خورشید می‌ماند. کامران پارسى نژاد نویسنده کتاب می‌کوشد با استناد به منابع و مستندات محکم تاریخی، فرازهایی از زندگی شیخ بهایی را از دوران کودکی این دانشمند مسلمان تا زمان رحلت او یادآور

شود و نشان دهد با رفتن وی به دیار باقی، راه او همچون خورشیدی فروزان پایدار خواهد ماند. مقدمه بسیار کوتاه کتاب خورشید می‌ماند، ماجرای از زندگی شیخ بهایی، نقل قولی از ملا محمدتقی مجلسی می‌باشد که در آن آمده است: «بهاءالدین استاد کسی بوده است که از او استفاده نمودم، او چون پدری بزرگوار بود. وی در دوره خود شیخ الطائفه و جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن بود و حافظه بسیار عالی داشت. من نیز شخصی را مانند او که بسیاری از علوم و فضایل و مقامی بزرگ در زمان باشد را ندیدم. او دارای کتاب‌های گرانبهایی است که از می‌توان به حبل‌المتین و مشرق‌الشمسین اشاره کرد، حتی این شرح فقیه هم از فایده‌های کار اوست. من روزی وی را در خواب دیدم که فرمودند چرا مشغول نمی‌شوی به تفسیر احادیث اهل‌بیت(ع)؟ گفتم این کار شماست، فرمودند: زمان ما گذشته است. مشغول باش و یک سال از مباحثات دور باش تا آن را به اتمام رسانی». (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۴)

ج) خورشید در آتش، کتاب «خورشید در آتش» از مجموعه مفاخر ملی-مذهبی، آمیخته با تخیل بر زندگی خواجه نصیرالدین طوسی است. آسمان، شعری است پر از کلمات نورانی و او شاعر این شعر است. کودک است. همه برای شفای پدرش دست به آسمان بلند کرده‌اند؛ آسمانی که دنیای شگفت ستارگانش، او را به خود خواهد خواند. اما او می‌داند که پدرش رفتنی است و همانجاست که آرزو می‌کند ای کاش پزشک بود. پدر هنگام مرگ از او درخواست می‌کند که به نیشابور مسافرتی برود، زیرا می‌داند که طوس دیگر برای هوش سرشار محمد کوچک شده است. پس از این زندگی‌اش همواره در سفر و تحصیل علم و معرفت سپری می‌شود. صحنه‌ی دیدار خواجه نصیرالدین طوسی با عطار نیشابوری و گفتگویشان با شعر، یکی از خواندنی‌ترین فصل‌های کتاب است. نصیرالدین از محضر استادانی چون امام سراج‌الدین، فریدالدین داماد و قطب‌الدین مصری علومی می‌آموزد. «در میانه راه لشگریان خلیفه به فرماندهی فتح‌الدین راه را بر آنان بستند. نبرد شروع شده بود. صدای چکاچک شمشیرها به گوش می‌رسید. ناله‌ی زخمی‌ها بود و اسب‌های بی‌سوار. تیرهای بر زمین نشسته و خون... خواجه نصیرالدین چشمانش را بست. سیل خونی را که پیش از این بارها در خواب دیده بود، در نظر آورد. نزد هلاکو رفت؛ اما هرچه کرد نتوانست او را آرام کند. همه قتل عام شدند، به جز یک تن. آن یک نفر را مقابل هلاکو بر زمین انداختند» (پارسی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۳). ساختار نظری این تحقیق را شیوه و الگوی تخیل جامعه‌شناسی تشکیل می‌دهد؛ روشی که با الهام از چهار ساختار نظری «تخیل جامعه‌شناختی میلز»، «سنخ آرمانی وبر»، «تخیل دیالکتیکی جی» و «تعریف «بودن» و «بوریکو» از نظریه به معنای پارادایمی آن بنیاد نهاده شده است (رک. تنهایی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). میلز در قالب شیوه و الگوی تخیل جامعه‌شناسی مطرح می‌کند که هر مسأله جامعه‌شناختی باید در رابطه با پدیده‌های اجتماعی و در تمام حالات ایستایی و پویایی خود مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. طبق الگوی

آرمانی وبر، هر محقق حوزه علوم اجتماعی به الگویی پیش‌برنده نیازمند است. همچنین، جی در اثر تحلیلی با ارزش خود به نام تخیل دیالکتیکی، مجموعه تفکرات نظریه‌پردازان این حوزه را به معنای مجموعه‌های مفهومی و نظری دیالکتیکی به گونه‌های منظم و تصویرسازی شده مشخص می‌کند. تقسیم‌بندی «بودن» و «بوریکو» از نظریه به معنای دقیق آن و نظریه به معنای پارادایمی آن، چهارمین منبع الهام‌بخش برای ساخت الگوی تخیل جامعه‌شناختی نظری است؛ اما دور از منابع مؤثر، پایه هر تخیل جامعه‌شناختی نظری را چهار قلمرو یا جستار نظری و مستقل و در عین حال، مرتبط با هم شکل می‌دهد.

در قلمروی هستی‌شناسی، متن داستان «خورشید می‌ماند» کامران پارسى نژاد، علایم و نشانه‌های گوناگونی از خدا باوری و ایمان به خدا و بزرگان مذهب را در خود قرار داده است که به روشنی نشان می‌دهد که او مسلمان است و به خدا ایمان کامل دارد: «گفت: دستی که قدرت نوشتن ندارد، دیه هم ندارد. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: دانش نویسنده در قلمش جلوه‌گری می‌کند. شما به خوبی آگاه هستید پروردگار مهربان به چه چیزی قسم خورده است. آری! به قلم! به قلم. قسم به قلم و آنچه می‌نگارد. شما عالمان فرداها هیچ وقت نمی‌توانید از قلم دور باشید» (پارسى نژاد، ۱۳۸۷: ۷). در مورد خواندن آثار پارسى نژاد به دستگاه فکری نظام‌مند و روش‌محور می‌توان اشاره کرد. پیش از همه در رویکرد هستی‌شناسی، مثال‌هایی از خدا باوری و حرکت رشد انسان به سوی وجود احدیت دیده می‌شود. همچنین، وی در برخورد با عنصرهای جهان هستی از روشی طبیعت‌گرایانه و تفسیری استفاده کرده است. از دیدگاه مخاطب، نویسنده نوعی بینش جامعه‌شناختی دارد. وی توانسته در قالب جستار ایستایی‌شناسی با بیشتر اثرهایش از جمله: «تو را خانه‌ای هست»، «خورشید می‌ماند» و «خورشید در آتش»، شرایط موجود روزگار خویش و قشرهای مختلف جامعه را مورد نقد قرار دهد. البته پارسى نژاد به توصیف و تحلیل مسائل اجتماعی قانع نشده و به طور ضمنی در آثارش به جستار پویایی‌شناسی بینش جامعه‌شناسانه نیز افزوده است. او به دنبال روشی برای برون‌رفت از شرایط موجود به ترسیم جامعه آرمانی خود است. به روشنی بیان می‌کند که انسان فقط زمانی می‌تواند شرایط نامطلوب خود را تغییر دهد که نسبت به آن شناخت کامل یابد. در غیر این صورت، هیچ عامل بیرونی نخواهد توانست در مسیر بهبود جامعه کاری را پیش ببرد. از راه شناخت جامعه‌شناسانه آثار کامران پارسى نژاد می‌توان به نقطه‌های مبهم تاریخ اجتماعی و نوع کنش جمعی افراد جامعه پی برد.



بحث و بررسی الگوی تخیل جامعه‌شناختی آثار اتوسا صالحی

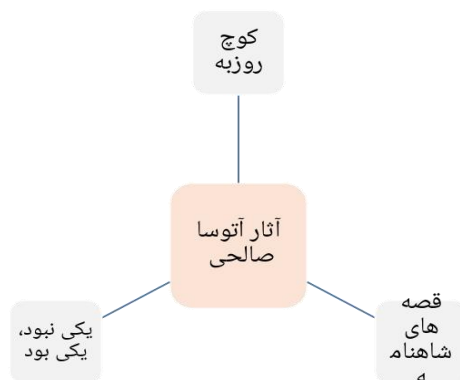
بازآفرین در درجهٔ اول خود یک خواننده می‌باشد. بازآفرین، متنی را خوانده و خواندن خود را به یک متن دیگر مبدل کرده است. به این شکل، بازآفرین خواننده‌ای است که خود به روایت‌کننده تبدیل شده است. در همین‌جا اولین بازنگری روایت‌شناختی اتفاق می‌افتد. در متن قدیمی، حضور همیشگی و مسلطِ راوی، راه را برای حضار دیگری و خوانش دیگرگونه باز نمی‌کند؛ اما چنان‌که پل دومان، از نقدکنندگان طرفدار شیوهٔ واسازی در امریکا بیان می‌کند: «متن‌ها همیشه در حال واسازیِ خویشند (اشمیتس، ۱۳۹۰: ۱۵۸). به سخن دیگر، با هر خوانشی واسازی رخ می‌دهد، حتی اگر راویِ مقتدر و مسلطِ متن چنین هدفی مدنظرش نباشد.

(الف) کوچ روزبه: داستان کوچ روزبه و خانواده‌اش را با پس‌زمینهٔ نقاشی‌های رنگارنگ و چشم‌نوازِ حسام‌الدین طباطبایی به تصویر کشیده است. در این داستان کودکان با زندگی عشایر ایران روبه‌رو می‌شوند و دربارهٔ رسوم و فعالیت‌های روزمرهٔ این مردم مطالعه می‌کنند. تصاویر کتاب که روزبه و خانواده‌اش را در دامن طبیعت سبز و شاد نشان می‌دهد، ارتباط نزدیک مردم عشایر را با طبیعت یادآور می‌شود. عشایر از جمله از اقوام ایرانی به شمار می‌روند که زندگی قبیله‌ای داشته‌اند و برای دامپروری و امرار معاش و دوری از سرما یا گرمای زیاد، امرار معاش‌شان از طریق زندگی کوچ‌نشینی است. فعالیت‌های روزانه‌ی مردم عشایر در دامن طبیعت می‌گذرد و مثل هر قوم دیگری، آداب و رسومی داشته‌اند که مخصوص خودشان است. اما شاید کودکان چندان با زندگی کوچ‌نشینی و مهاجرت در ارتباط تنگاتنگ نباشند. این کتاب با نثری شاعرانه، سفری رنگارنگ را برای کودکان هدیه به ارمغان می‌آورد که آن‌ها را به‌شکلی جذاب و سرگرم‌کننده با مفهوم مهاجرت روبه‌رو می‌کند. ابرها کوچ می‌کنند. آب کوچ می‌کند. عشایر هم که دوست آب و خاکند، دست به دست هم می‌دهند، با تغییر فصل‌ها مهاجرت می‌کنند و به جایی بهتر و سبزتر می‌روند. روزبه کودکی عشایر است که دائماً در کوچ زندگی می‌کند. وقتش که برسد، همراه با خانواده‌اش از میان راه‌ها و کوه‌ها و رودها عبور می‌کنند و زندگی‌شان را به

طبیعتی مناسب‌تر منتقل می‌کنند.

ب) قصه‌های شاهنامه: اگرچه از شاهنامه بسیار گفته و نوشته‌اند، هنوز ناشناخته می‌باشد. هر درش به درهای بسیاری راه دارد که با گذر از هر یک به شگفتی‌های تازه‌ای خواهیم رسید. در این مجموعه سعی شده قصه‌های شاهنامه به زبان ساده؛ اما جذاب برای نوجوانان بیان شود.

ج) یکی نبود، یکی بود: «یکی نبود، یکی بود» نمونه‌ای از هجده داستان کوتاه نوشته آتوسا صالحي، نویسنده و مترجم کودک و نوجوان است. تصویرگری‌های بی‌نظیر و دیدنی این کتاب را نیز سحر خراسانی انجام داده: «یکی نبود، یکی بود» در دوران‌های جدید، آدمیزاد و بلبل و روباه و کلاغ و خیلی‌های دیگر آمدند در ذهن نویسنده که قصه‌هایی تازه می‌خواهیم. نویسنده شروع به نوشتن کرد اما این بار نه بز زنگوله پا گول می‌خورد و نه شیر سلطان جنگل بود و نه لاک‌پشت در مسابقه برده بود... و این‌طوری شد که نویسنده ماند و قصه‌هایی که نه قصه بودند و نه قصه نبودند. و این‌طوری شد که کلاغه به خانه‌اش رسید؛ اما قصه ما به سر نرسید» (صالحي، ۱۳۹۲: ۷). «آن روز نخستین صبحی بود که گل‌های باغ با صدای چهچهه بلبل و آواز گنجشک از خواب بیدار نمی‌شدند. آن روز، صدای گریه گلخراش خرزهره آن‌ها را از خواب بیدار کرد. خرزهره آه می‌کشید و مدام گریه می‌کرد. گل‌ها که پیش از این هرگز گریه گلی را ندیده بودند، غافلگیر شدند. گل نسترن گفت: «نشانه خوبی نیست. شوم است. توفان می‌شود.» گل مینا سرش را تکان تکان داد: «پرپر می‌شویم، همه‌مان پرپر می‌شویم، می‌دانم!» گل خرزهره هنوز داشت گریه می‌کرد که دل نازک گل سرخ به رحم آمد و گفت: «به جای دلجویی از این بیچاره، نشسته‌اید غصه خودتان را می‌خورید؟ بیایید ببینید این بدبخت، چه به روزش آمده». گل‌های دیگر که دوست نداشتند در مهربانی از گل سرخ کم بیاورند، دنبال حرفش را گرفتند. گل هفت‌رنگ، رنگ به رنگ شد و گفت: «واقعاً باید از خودمان خجالت بکشیم؟ از بس همیشه خندیده‌ایم، غم دیگران فراموشمان شده!» (صالحي، ۱۳۹۲: ۳۳).



بعضی بازسازی‌ها و بازآفرینی‌ها به قدری خلاقانه هستند که می‌توان نظاره کرد تعداد زیادی از ستون‌های ساختاری در داستان اصلی را به هم ریخته است داستان رستم و سهراب هزار و سیصد و نود و هفت از اتوسا صالحی یکی از آثاری است که به بازنگری و بازآفرینی این داستان شهرت دارد و آن را خلاقانه درهم آمیخته است دقت به این مسئله مهم که خواننده نوجوان این بازآفرینی با خواننده بزرگسال شاهنامه تفاوت دارد، باعث ایجاد تفاوت‌هایی در روایت صالحی شده که باید آن‌ها را محصول واسازی صورت گرفته در متن اصلی شمرد. یکی از روایت‌کنندگان مهم در داستان رستم و سهراب سال رستم و سهراب صالحی سهراب است صالحی به مقدار جامعه مخاطب این بازنگری سهراب نوجوان را به عنوان قهرمان و مبارز یکی از راویان اصلی داستان انتخاب کرده است داستان با مسیر سرشار از عاطفه درونی راوی آغاز شده است. روایت با خطوطی سرشار از احساسات درونی روایت‌کننده آغاز شده است: «به راه می‌نگرم. نه می‌ایستم و نه باز می‌گردم» (صالحی، ۱۳۹۷: ۶). این که راوی از یک راوی سوم شخص دانای کل به یک راوی اول شخص نوجوان مبدل شده، از جمله‌ی اولین تغییراتی است که هر کس در باب این بازآفرینی درک می‌کند؛ اما تحلیل این تغییر در نظام فکری دریدایی و در چارچوب نگاه واسازانه، پرده از دگرگون شدن یک تقابل مهم برداشته است. در داستان سهراب و رستم و همین‌طور رستم و اسفندیار پیروز نهایی رستم می‌باشد؛ این در حالی است که در هر دوی این داستان‌ها قهرمانان مقابل یعنی اسفندیار و سهراب از رستم جوان‌تر و نیرومندترند. رستم تنها با تدبیر و یا استفاده از ساده لوحی و خامی سهراب می‌تواند بر او غلبه کند. داستان رستم در برابر اسفندیار و سهراب بیش از آن که داستان غلبه‌ی نیروی بازو باشد، داستان غلبه‌ی خرد، تدبیر و تجربه می‌باشد. قهرمان نوجوان صالحی دید کلیشه‌شکنی از نوجوانی به ما ارائه می‌دهد. صالحی، جوانی را که در شاهنامه محکوم به شکست است به زاویه دید اصلی داستان مبدل می‌کند. تقابل همیشگی و طولانی مدت جوانی در برابر پیری با روایتگری داستان از نگاه یک نوجوان دچار واسازی می‌شود. هر چند در داستان صالحی نیز در پایان، سهراب شکست خورده است؛ اما شکست سهراب در شاهنامه با شکست او در داستان صالحی متفاوت است.» (صالحی ۱۳۹۷: ۵۴). برای خواننده نوجوان دوره ما، در مقابل کهنه بودن پیر در برابر جوان یا به نوعی نمادی‌تر می‌توان گفت: رابطه پدر در مقابل پسر و رابطه ی نسل قدیم در برابر نسل جدید در میان این بازآفرینی‌ها از هم شکننده می‌شوند. در داستان شاهنامه نیز هیچ کدام از شخصیت‌ها روایت‌کننده اصلی نیستند فقط آن شخص که در میان گفتگوها برای مدت کوتاهی جریان روایت را از سر بگیرد شخصیت واقعی است. ناراحتی و درماندگی خود را با گویو بازگو می‌کند و نیز درحالی‌که چون بچه‌ای سر بر شانه او قرار داده است می‌گوید می‌دانی گویو از این جنگ خسته شده‌ام و فوق‌العاده دردناک است به دوش کشاندن امانت هزاران مادر پس را تا می‌کند زیر بار این همه

نیازها که بر شانه من سنگینی کرده است. (همان: ۱۶). گاهی به خیال‌بافی‌ها و تأملات بسیار احساسی شاعرانه زمان می‌گذراند. کلماتی که کمتر کسی انتظار دارد از دهان گندآوری چون رستم بشنود: «سال‌ها در آرزوی روزگاری شاد و آرام بودم، آینده را پر از نور و روشنی می‌دیدم، گلزاری و باغی و جشن و سروری با پسریم به شکار می‌رفتیم، شب با نغمه چنگ و عود سر بر بستری پرینان می‌گذاشتیم و سپیده دم با آواز بلبلان از خواب بیدار می‌شدیم» (همان: ۲۸). این مسئله که نقل بازآفرینی با نقل اصلی شاهنامه فرق دارد نایستی شگفتی است و نه برای ما حائز اهمیت است آن‌چه مهم است دقت به خواندن بازآفرینی از داستان واقعی است داستان همون شکل داستان است و عناصر همان افراد و اتفاقات است که مکمل لهم هستند ولی دلیل این‌که بازآفرینی به چه شکل پایه‌های اصلی را فرو می‌ریزد و از چه مواد اولیه‌ای برای ساخت بنا با مهندس جدید استفاده می‌برد نقطه‌ی تمرکز نقد واسازی آن می‌باشد واسازانه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

تخیل از دیدگاه حقیقی آن هم معنای توانایی خلق تصاویر ذهنی یا توانایی ذهن برای خلق و آفرینش و خلاق بودن را دارا است و هم ضامن نیروی فکری زیادی است که دربردارنده‌ی حقیقت است؛ حقیقتی که تحقق بیرونی دارد و یا به اصطلاح به خودی خود امکان‌پذیر باشد. نگارنده در این پژوهش به بحث و بررسی پیرامون الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات با تحلیل آثار کامران پارسی نژاد با عناوین: «تو را خانه‌ای هست»، «خورشید می‌ماند» و «خورشید در آتش» و آثار آتوسا صالحی با نام‌های: «کوچ روزبه»، «یکی نبود، یکی بود» پرداخت و با آوردن گزاره‌هایی از متن این آثار به اثبات وجود الگوی تخیل جامعه‌شناختی در این کتاب‌ها مبادرت ورزید و به این نتایج رسید:

۱- بازتاب الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات در آثار کامران پارسی نژاد و آتوسا صالحی در قالب چهار رویکرد «هستی‌شناسی»، «روش‌شناسی»، «ایستایی‌شناسی» و «پویایی‌شناسی» است.

۲- در آثار کامران پارسی نژاد همچون: «تو را خانه‌ای هست»، «خورشید می‌ماند» و «خورشید در آتش» عنصر «هستی‌شناسی» الگوی تخیل جامعه‌شناختی مشاهده می‌شود.

۳- در کتاب‌های آتوسا صالحی همانند: «کوچ روزبه» و «یکی نبود، یکی بود» بسامد به کارگیری عنصر «پویایی‌شناسی» الگوی تخیل جامعه‌شناختی بیش‌تر است.

۴- بازتاب الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات، در آثار کامران پارسی نژاد بیش‌تر از آتوسا صالحی نمود می‌یابد، زیرا ساختار جامعه و ملزومات آن بیش‌تر در آثار کامران پارسی نژاد انعکاس یافته است. محیط ادبی نمی‌تواند از تأثیر محیط اجتماعی برکنار بماند. افکار، ذوق‌ها و اندیشه‌ها، تابع اوضاع اجتماعی است و رابطه نویسنده و شاعر با محیط و جامعه‌اش، نقشی را که ادبیات در جامعه ایفا می‌کند، مشخص می‌سازد. افرادی مشخص در جامعه هستند که علاوه بر توانایی و خلاقیت ذاتی هنری که دارند، دانششان نسبت به آرزوها و آمال، اهداف، خواسته‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای گروه اجتماعی خودشان به حداکثر میزان ممکن است. این شخص استثنایی پا را از آگاهی روزمره آن سوتر می‌نهد و به آن توانایی دست پیدا می‌کند تا بر فراز آگاهی طبقه خویش قرار گیرند و مسئولیت‌ها و مقوله‌های طبقاتی را به گونه‌ای مشخص و با شکلی دقیق، بیان دارند.

فهرست منابع

فارسی

کتاب‌ها

۱. پارسی‌نژاد، کامران. (۱۳۸۸)، خورشید می‌ماند، تهران: اندیشه جوان.
۲. تنهایی، حسین. (۱۳۹۰)، خورشید در آتش، تهران: سوره مهر.
۳. تنهایی، حسین. (۱۳۹۷)، تو را خانه‌ای هست، تهران: عهد مانا.
۴. تنهایی، حسین. (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی نظری: مبانی، اصول و مفاهیم، تهران: بهمن برنا.
۵. زرافا، میشل. (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی ادبیات داستانی، ترجمه نسرین پروینی، تهران: فروغی.
- زیم، پیرو. (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی رمان از نظرگاه گلدمن، مترجم محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
۶. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی، تهران: آوای نور.
۷. سلدن، رامن و ویدوسون، پیتر. (۱۳۸۴)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح‌نو.
۸. سی رایت میلز، چارلز. (۱۳۹۱)، بینش جامعه‌شناختی، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۹)، مکتب‌های ادبی، تهران: کتاب زمان.
۱۰. شریعتی، سارا. (۱۳۸۶)، هانری دروش: جامعه‌شناسی در مواجهه با دین، تهران: کوچک.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰)، موسیقی شعر، تهران: آگاه.
۱۲. صالحی، آتوسا. (۱۳۸۹)، مجموعه قصه‌های شیرین شاهنامه (مجموعه دوازده جلدی)، تهران: افق.
۱۳. صالحی، آتوسا. (۱۳۹۷)، قصه‌های شاهنامه؛ رستم و سهراب، تهران: افق.
۱۴. صالحی، آتوسا. (۱۳۹۶)، کوچ روزبه، تهران: افق.
۱۵. صالحی، آتوسا. (۱۳۹۲)، یکی نبود، یکی بود، تهران: پیدایش.
۱۶. لوونتال، لئو. (۱۳۹۰)، رویکرد انتقادی در جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمدرضا شادرو، تهران: نی.
۱۷. گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: هوش و ابتکار.

۱۸. گلدمن، لوسین. (۱۳۸۱)، جامعه، فرهنگ و ادبیات، گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: چشمه.

۱۹. ندیم خشفه، محمد. (۱۹۷۷)، تأسیل النص، بیروت: مرکز الانماء الحضاری.

مقالات

۲۰. اسعدی فیروزآبادی، طحانی، احمد. (۱۳۹۴)، «بررسی جامعه‌شناختی رمان پریچپر»، دو فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، ۳(۳)، بهار و تابستان ۹۴، صص ۲۲-۷.

۲۱. انواری، آرزو. (۱۳۸۵)، «بازآفرینی مهجور، بازنویسی معدود»، (۴۷)، صص ۱۱۱-۱۱۵.

۲۲. بخارایی، احمد و توکلی، عاطفه. (۱۳۹۵)، «الگوهای تخیل اجتماعی در رادیو و رسانه‌های تولید کاربر مجازی»، ۲۳(۲)، تابستان ۹۵، صص ۱۲۴-۱۰۵.

۲۳. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۵)، «تخیل هنری از دیدگاه شیخ اشراق»، (۵)، صص ۵۸-۵۹.

۲۴. تمیم‌داری، احمد و نوتاش، مریم، کاظمی‌نسب، ملیحه. (۱۳۹۷)، «جامعه‌شناسی ادبیات؛ کاربرست الگوی تخیل جامعه‌شناختی در تحلیل اشعار فروغ فرخزاد»، متن‌پژوهی، ۲۲(۷۷)، پاییز ۹۷، صص ۳۴-۱.

۲۵. شریعتی، سارا. (۱۳۸۵)، «جامعه-انسان‌شناسی تخیل، خیال، شماره»، صص ۸۸-۹۸. قنبری، بیتا و دایی‌زاده جلودار، امین (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی آثار سیمین دانشور»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۷(۴)، زمستان ۹۵، صص ۱۵۷-۱۳۱.

۲۶. نیو، کریستوفر. (۱۳۹۶)، «تخیل و ادبیات»، ترجمه شهناز صاعلی، شماره سوم، صص ۵-۱.

۲۷. ولی‌پور هفشجانی، شهناز. (۱۳۷۸)، «لوسین گلدمن و ساخت‌گرایی تکوینی»، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال ۷(۲۵)، صص ۱۴۳-۱۲۹.

انگلیسی

Books

28.C. Wright Mills, Charles (2012), Sociological Insights, Trans. Abdolmabood Ansari, Tehran: Enteshar Joint Stock Company. [In Persian]

29.Goldman, Lucien (1992), Sociology of Literature, Trans. Mohammad Jafar Pouyandeh, Tehran: Hosh and Ebtakar. [In Persian]

30.Goldman, Lucien (2002), Society, Culture and Literature, Selected and Trans. Mohammad Jafar Puyandeh, Tehran: Cheshmeh. [In Persian]

31.Lowenthal, Leo (2011), A Critical Approach in the Sociology of Literature, Translated by Mohammad Reza Shadro, Tehran: Ney. [In Persian]

32. Nadim Khashfa, Muhammad (1977), Rooting the Text, Beirut: Center for Civilizational Development. [In Persian]
33. Parsinejad, Kamran (2009), The Sun Remains, Tehran: Andisheh Javan. [In Persian].
34. Salehi, Atoosa (2010), A Collection of Sweet Stories of Shahan. [In Persian].
- Salehi, Atoosa (2010), The Collection of Sweet Stories of Shahnameh (Twelve-Volume Collection), Tehran: Ofoq. [In Persian].
35. Salehi, Atoosa (2018), Tales of Shahnameh, Rostam and Sohrab, Tehran: Ofoq. [In Persian].
36. Salehi, Atoosa (2017), Koch Roozbeh, Tehran: Ofoq. [In Persian].
37. Salehi, Atoosa (2013), There Was No One, There Was One, Tehran: Genesis. [In Persian].
38. Selden, Raman & Widdowson, Peter (2005), A Guide to Contemporary Literary Theory, Trans. Abbas Mokhber, Tehran: Tarh-e-No
39. Seyed Hosseini, Reza (2010), Literary Schools, Tehran: Book of Time. [In Persian].
40. Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (1991), Music of Poetry, Tehran: Agah. [In Persian].
41. Shariati, Sara (2007), Henri Daroush: Sociology in the Face of Religion, Tehran: Koochak. [In Persian].
42. Sotoudeh, Hedayatullah (1999), Sociology in Persian Literature, Tehran: Avaye Noor. [In Persian].
43. Tanhaei, Hossein (2013), Theoretical Sociology: Foundations, Principles and Concepts, Tehran: Bahman Borna. [In Persian].
44. Zarafa, Michel (1989), Sociology of Fiction Literature, Trans. Nasrin Parvini, Tehran: Foroughi. [In Persian]
- Zima, Piro (1998), The Sociology of the Novel from Goldman's Point of View, Translated by Mohammad Jafar Pouyandeh, Tehran: Naqsh-e-Jahan.

Articles

45. Anvari, Arezoo (2006), "Abandoned Recreation, Rewriting of the Few", , No. 47, pp. 111-115. [In Persian].
46. Asadi Firouzabadi, Tahani, Ahmad (2015), "A Sociological Study of the novel Parichehr", Biannual Journal of Fiction Studies, Vol. 3, No. 3, Spring & Summer 2015, pp. 7-22. [In Persian].
47. Bokharaei, Ahmad and Tavakoli, Atefeh (2016), "Social Imagination Patterns in Radio and Virtual User-Production Media", Year23, Issue2, Summer2015. Pp. 105-24 [In Persian].
48. Bolkhari Ghahi, Hassan. (2006), "Artistic Imagination from the Perspective of Sheikh Ishraq", Issue 5, pp. 58-59. [In Persian].

49. Ghanbari, Bita and Daeizadeh Jellodar, Amin (2016), "Sociological Analysis of Simin Daneshvar's Works", Cultural Sociology, Year 7, Issue 4, Winter 95, pp. 157-131. [In Persian].
50. New, Christopher. (2017), "Imagination and Literature", Trans. Shahnaz Sa'ali, issue 3, pp. 1-5. [In Persian].
51. Shariati, Sara. (2006), "Sociological Anthropology of Imagination", Khial Quarterly, Issue, pp. 88-98. [In Persian].
52. Tamim-dari, Ahmad and Notash, Maryam, Kazemi-nasb, Malihe. (2018), "Sociology of Literature; Application of Sociological Imagination Model in the Analysis of Forough Farrokhzad's Poems", Textual Studies, Year 22, Issue 77, Fall 97, pp. 1-34. [In Persian].
53. Taslimi, Ali. (2009), "Analysis of Three Drops of Blood with a Structuralist Sociological Approach", Literary Studies Journal, Issue 7 and 8, pp. 188-171. [In Persian].
54. Valipour Hafshjani, Shahnaz. (2000), "Lucien Goldman and the Formative Constructivist", Journal of the Faculty of Humanities, Semnan University, year 7, issue 25, pp. 129-143. [In Persian].

Abstracts

The Sociological Imagination Model in Literature With an investigation of the Selected Works of Kamran Parsinejad and Atousa Salehi

*Nahid Kohan
Fatemeh Agah
Samineh Bahadori Jahromi*

Abstract

relationship between literature and society, from ancient times to our times, is a reciprocal relationship. To comprehend and recognize literary works, one must know the historical, social, cultural contexts, and even the intellectual and moral differences of each period in order to achieve a proper understanding of the thought and work of a writer or poet. This is what is being examined in modern literary theories today. The text is situated in a context or paratext or metatext that is consciously or unconsciously influenced by it, and a text cannot be analyzed without considering its context. Research Method: The research method in this study is descriptive-analytical using library and documentary sources. Research Results: The reflection of the sociological imagination pattern in literature in the works of Kamran Parsinejad and Atousa Salehi is in the form of four approaches: "ontology", "methodology", "statis", and "dynamics". In Kamran Parsinejad's works such as *To ra Khaneh st* (You Have a House), *Khorshid Mimanad* (The Sun Remains), and *Khoeshid dar Atash* (The Sun in Fire), the "ontology" element of the sociological imagination pattern is observed. In Atousa Salehi's books such as *Kuch Roozbeh* (Roozbeh's Migration) and *Yeiki Nabud, Yeiki Bud* (Once Upon a Time) the frequency of using the element of "dynamics" of the sociological imagination pattern is higher. The reflection of the sociological imagination pattern in literature is more evident in the works of Kamran Parsinejad than in Atousa Salehi, since the structure of society and its requirements are reflected more profoundly in the works of Kamran Parsinejad.

Keywords

Atousa Salehi, Kamran Parsinejad, literature, society, imagin.

Elements of imposing civil liability due to railway accidents and the institutions and individuals responsible for it

Esmael Kamali

Akbar Bashiri

Abassat PourMohammad

Abstract

Under the system and structure governing civil liability, part of the imposition of liability is always carried out due to accidents and incidents, and specifically, the attention of this research focuses on the elements of imposing civil liability resulting from railway accidents and incidents and the institutions and individuals responsible for them. Basically, in this research, which was prepared and organized using a descriptive-analytical method, the main question and objective of examining this issue was that in the event of an accident in the country's railway transport network, which institution and individuals will be responsible for civil liability and compensation for damage. In this regard, the results and findings of the research confirm that the elements of imposing civil liability are achieved by committing an act leading to a railway accident, incurring losses resulting from a railway accident, and ultimately the causal relationship between the occurrence of a harmful act and incurring losses in a railway accident, and depending on the case, liability will be imposed on the government or the Ministry of Roads, private companies, the transport operator, or the wrongdoers.

Keywords

Railways, rail transportation, rail accidents, civil liability for rail accidents, civil liability bodies, institutions and individuals responsible for rail accidents.

Moral Propositions in the Works of Physicians of Islamic Civilization : A Comparative Analysis Focusing on Razi, Avicenna, and Seyyed Ismail Jorjani

Amineh Bagheri

Abstract

Medical ethics has long been an integral part of the medical profession in scientific civilizations. In Islamic civilization, great sages such as Muhammad ibn Zakariyya al-Razi, Ibn Sina, and Seyyed Ismail al-Jurjani not only paid attention to the scientific and technical aspects of treating patients, but also placed the ethical and humane principles of medical behavior at the center of their professional activities. This article, with a descriptive-analytical approach, examines the ethical teachings of these three sages in two main areas — practice and Clinical and Role Social and Civilization — Review Findings Badge Gives that Principled Like Confidentiality, Honesty, Respect To Dignity Compassion , responsibility, humility, education and knowledge transfer, avoidance of harmful drugs, respect for the patient's decisions, and avoidance of abuse of professional position are emphasized in their works both practically and theoretically, and can provide a comprehensive model for contemporary medical ethics.

Keywords

Razi, Avicenna, Seyyed Ismail Jorjani, professional responsibility, clinical behavior, social role of physicians.

Code of ethics for intelligent systems

Seyyed Ali Hashemi

Abbas Ebrahimi

Abstract

With the continuous advancements in artificial intelligence techniques and the significant increase in hardware capabilities and processing speeds of computing systems, the widespread presence of intelligent systems in various fields has become possible. However, since all technological tools, including intelligent systems, have specific physical, ethical-social, and cultural consequences, it is essential to examine and reflect on the implications of such systems, and efforts should be made to mitigate these consequences as much as possible. This article employs an analytical library research method to identify stakeholders and individuals related to intelligent systems, subsequently identifying the harms and challenges associated with each layer. It then presents ethical codes related to intelligent systems from the perspective of technology philosophy and the Iranian-Islamic ecosystem at four levels: policymakers, designers, users, and the systems themselves, in order to prevent negative consequences.

Keywords

Ethical Codes, Intelligent Systems, Impacts of Intelligent Systems, Iranian-Islamic Ecosystem.

The relationship between the school's prevailing culture and professional ethics with teachers' responsibility in elementary schools

Azam Nikukar

Abstract

This study was conducted with the aim of determining the role of prevailing school culture and professional ethics with teachers' responsibility in elementary schools. The purpose of this research is applied, and in terms of method, it is descriptive-correlational. The statistical population of the present study includes all elementary school teachers in Saveh County during the academic year 2024–2025, totaling 1,086 individuals. The research sample was selected using Cochran's formula and available sampling method, resulting in 284 participants. The research instruments included the Teacher Responsibility Questionnaire by Lerman and Karabenick (2013), the School Culture Questionnaire by Gruenert and Valentine (1998), and the Professional Ethics Questionnaire by Kaduzier (2002). For data analysis, Pearson correlation and multiple regression tests were used via SPSS software version 27. The results showed that both variables—prevailing school culture and professional ethics—are capable of predicting teachers' responsibility ($p < 0.05$), with school culture accounting for 23% and professional ethics for 38% of the variance. Therefore, with 95% confidence, it can be stated that professional ethics has the highest share in predicting teachers' responsibility.

Keywords

school culture, professional ethics, Teachers responsibility.

Improving social security with a hierarchical model of criminal protection of basic freedoms

Mehdi Mehri

Nasrin Mehra

AliMohammad Mahdavi Sabet

Ghasem Ghasemi

Abstract

Social security is a multifaceted concept and a necessity for the continuity of community identity. Social security, in addition to protecting people's lives and property; It includes the guarantee of fundamental, social and economic rights of individuals and society in general. Social security is always raised as one of the main goals of every society and government, and guaranteeing it is the most basic duty of the government towards the citizens. In this regard, this research was done with the aim of presenting a hierarchical model of criminal protection of basic freedoms with the approach of improving social security. A mixed method (qualitative-quantitative) was used to achieve the goal of the research. In the qualitative part, content analysis of interviews with 21 experts was used to extract the components of the research model. Then, in the quantitative section, to obtain the research model and complete the self-interaction matrix, the opinions of 14 selected experts of the qualitative section who were familiar with completing the self-interaction matrix were also used. The data of the quantitative part of the research were analyzed with the Interpretive Structural Modeling (ISM) method and with the help of the ISM MATLAB software, and finally a model consisting of 10 levels was obtained..

Keywords

Security, social security, freedom, fundamental freedoms, criminal protection.

**Commanding Right and Forbidding Wrong: Goals,
Individual Prerequisites, Moral Prioritization, and
Consequences – A Case Study on Hijab**

Seyyed Hatam Mahdavi Nour

Abstract

one of the essential Islamic duties that requires careful understanding of its objectives, personal conditions, priorities, and social consequences. Using an analytical-comparative method, this study first explores the fundamental goals of this obligation based on Qur'anic and traditional sources. It then analyzes the categories of sins, attributes of the individual who performs this duty, conditions of implementation, and its required legal and institutional infrastructures. The key innovation of this research lies in proposing a structured framework for prioritizing sins based on their social impact, involuntary effects on others, and the necessity of individual or collective piety for avoiding them. This framework is applied to the issue of hijab, demonstrating that—given its nature—verbal guidance is sufficient, and coercive enforcement lacks efficacy and leads to delegitimization of religion and internal disengagement from religious norms. The study concludes that widespread reconsideration of current enforcement methods is necessary, advocating for cultural policies and educational strategies as more sustainable alternatives.

Keywords

Commanding Right and Forbidding Wrong; Sin Prioritization; Conditions of the Enjoining Individual; Hijab; Social Jurisprudence; Social Consequences.

The moral characteristics of Muhammad Ali Shah according to the descriptions and writings of her contemporaries

*Mansour Momeni
Fayyaz Zahed
Majid Reza Rajabi*

Abstract

This essay attempts to portray an objective description of Mohammad Ali Shah as narrated by his contemporaries. These descriptions should be considered in the context of their time, that is, in a period when the conflict and confrontation between the “pain of the religious people of the legitimate government” and the “pain of the people of the constitutional government” had reached its peak, and each side was ultimately a coward trying to destroy the other. In Iranian history, the Shah has always been a symbol of the guardian of religion and state and the father of the Iranian nation, and injustice, breaking oaths, breaking promises, lying, and hostility and mistreatment of the people from a person in that position were not only unacceptable but also expected.

But Mohammad Ali Shah, as will be seen below, made every effort to make himself the most hated king in Iranian history. He broke his oath, washed his hands in the blood of the people, handed over the kingdom to foreigners, became a refugee under the banner of foreigners, plundered the national capital, and, to please his supporters, began to suppress and severely kill his critics and opponents.

Keywords

Mohammad Ali Shah, exile, government, istikhara, constitutionalism.

Environmental justice and how to access it in comparison of international documents and Iranian law

Rozita Kahrizi

Mehdi Piri

Mohsen Abdollahi

Abstract

The Universal Declaration of Human Rights was written with regard to the right of people to have access to food. While the progress of civilization has led to extensive destruction of the environment. Human efforts to protect the environment intensified since the end of the 20th century, but most of these activities focused on preventing environmental destruction and did not pay attention to the effects of environmental destruction on humans. The current research, which was compiled with a descriptive-analytical method and with the aim of explaining the right to access to environmental justice in the light of international documents, the findings of the research indicate that, in Iran's legal system and international documents, the principle is that protection The environment is a natural right that has been recognized even though it was late. International environmental law cannot cover environmental injustices. Also, the authority to hear claims raised by popular organizations, labor unions, racial regional unions regarding environmental injustice should be added to the statutes of the International Court of Justice and the International Criminal Court.

Keywords

right, justice, environmental, environmental destruction, international documents.

The role of everyday on the formation of the Action in the drama building

Reading: Play - New Day - By: Dariofo

Mohammad Hossein Kudri

Mohammad Shokri

Minu Khani

Abstract

Everyday is a daily repetition of a specific activity that is carried out in line with a goal outside of the human(self) being. Everyday is the result of the technologization of man in the city, which has shaped new aspects of contemporary human life. Contemporary man is known as a social activist in the struggle of this crisis and is no longer known not as man himself but as a systematic being in a structure. The Present Man is no longer known as what he is but as what he consumes in a perpetual anxiety. The following article examines such a human being, and from the perspective of philosophers Jean Baudrillard and Henri Lefebvre and theorists such as Andy Bennett, he reads such a human being to be known and his way of life in the first stage, and in the second stage he went to define the event in the play, putting the two definitions in front of each other. Everyday man, by living in everyday life, shows a different shape and shape than what might give an event a heroic answer. Such a man addresses the needs of everyday life and distances himself from the heroic order. Events become meaningless, and at such a time a person loses the ability to change. This reading seemingly destroys the drama because if the character in the drama is indifferent to the event that was formed according to the assumed conditions in the drama, The Knot will no longer be untied and before that the peak of the drama in the drama will not remain. Everyday is the first thing that destroys this is the heroism that takes the stage as the main motivation of the character and wants to change the world of the show, but the daily life itself can sit in the place of the event and manifest itself as the main crisis of the play. Darifo's play "day after day" has exactly the same icon. Dariofo tries to portray his personality as an indifferent creature to crises such as a weak link between a man and a woman or a dysfunctional situation of social class and poverty. The woman in the play only seeks to get consent from her employer and takes it for granted with her stresses and anxieties. The mind is machine. he only pays attention to the clock and repeats the advertising slogans of the products he uses. He lives in the fast-growing technology clause every day, and he can no longer try to save or want to try. This man is no longer a sovereign and subordinate being of thought, but a complete picture of a meat robot to consume whatever is at hand. The following article shows how this condition eliminates the event and the other show character goes about his daily life without any heroic command.

Keywords

everyday, drama , action, Event, Capital.

Presenting a behavioral policy framework in the fight against administrative corruption, based on the themes of Nahjul Balaghe

*Rahmatollah Gholipour
Mahdi Abdolhamid
MohammadReza Esmaili Givi
Amir Dorani*

Abstract

One of the most important issues that has caused many problems in all countries of the world. Administrative corruption and contamination of agents and agents and administrative staff of various organizations with illegal activities and their illegal use of their administrative authority and authority for their own interests. The general purpose of this research is to identify the behavioral policy framework in the fight against administrative corruption based on the themes of Nahj al-Balagha. The current research is of mixed, qualitative and quantitative type. It is also exploratory from the objective point of view and descriptive from the nature point of view. This research is practical in terms of purpose and descriptive-survey in terms of the nature and method of data collection. The statistical population and the content used in the research will include all written documents in the field of behavioral policy framework in dealing with administrative corruption based on the themes of Nahjul Balagha, in the period from 2000 to 2023. The sampling method is purposeful and based on criteria. The quantitative part of this research was collected using a questionnaire tool and through a sample of 50; SMART-PLS3, SPSS24 software was used to analyze the data. In the qualitative part, semi-structured interviews were first designed and then presented to the experts and interviewees, and after that, the interviews were prepared in text form and thematic analysis was done with software such as Maxqda software and extraction of primary indicators. By studying the extracted data and information, finally, 134 codes were identified, and after reviewing and revising, 134 basic themes, 22 organizing themes, and 6 overarching themes were identified. Library and archival documents were obtained. These themes were reviewed and modified several times by the researcher and similar themes were placed in one category, which include: "political factors", "administrative factors", "economic factors", "social factors", "norms and values", constitute "behavioral-psychological".

Keywords

policy, behavioral policy, administrative corruption, Nahjul Balaghe.

Providing a model for preventing ethical violations in accounting using modern technologies

*Ramin Fathollahzadeh Dizji
Heider Mohammadzadeh Saletah
Mehdi Zeinali*

Abstract

Violation of ethical standards in accounting can lead to moral corruption and have many negative effects on financial processes, transparency and credibility of organizations. Ethical violations in this context mean behaviors that are contrary to professional and ethical accounting principles and standards, such as manipulation of financial reports, tax evasion, corruption in providing false information to stakeholders, and using financial information for personal gain. Therefore, the current research seeks to provide a model for preventing ethical violations in accounting using modern technologies. The research method is of a mixed type and has been carried out in two parts, quantitative and qualitative. The statistical population of this research in the qualitative part is financial, psychology and accounting experts who were selected using the snowball sampling method and theoretical saturation point. The tool for collecting the qualitative part of semi-structured interview data is derived from theoretical foundations. The analysis method of this section is using thematic analysis method. In the quantitative part of the research, using the researcher-made questionnaire tool derived from the qualitative model of the research after confirming the validity and reliability in the statistical population, which includes financial managers in listed companies, the number of the statistical sample was estimated to be 213 people based on stratified sampling, and the questionnaire was distributed. Drivers include technological developments, social demand, legal regulations, increased competition, organizational pressure, and globalization. Strategies include implementing blockchain technology, using predictive analytics, continuous employee training, creating an alert system, designing monitoring dashboards, and encouraging an.

Keywords

Accounting ethics, ethical violations, artificial intelligence, moral corruption.

Comparative Study of the Ethical Teachings of Dammapada and Rumi's Masnavi

Firooz Fazeli

Asghar Esa Pour Kohlboni

Abstract

Humans are inherently ethical beings, yet their engagement with social and environmental challenges exposes them to moral doubts, creating a need for tools to rethink ethical principles. In this context, sacred texts, particularly those in the form of poetic language, serve as powerful instruments for guiding individuals towards moral virtues. This study, using an analytical-comparative approach, examines the moral teachings of two significant works from different religious traditions: the Dammapada from the Buddhist tradition and the Masnavi (Spiritual Couplets) by Jalal al-Din Rumi from the Islamic tradition. The Dammapada, which is included in the "Three Baskets" (Tripitaka) of Buddhist scriptures, particularly in its concluding sections, addresses principles such as honesty, avoidance of immoral behaviors, and self-purification through mystical and ethical poetry. The poetic language of this work, utilizing the rhythm and inner music of words, not only conveys profound ethical concepts in an understandable and tangible manner but also calls humans to return to moral virtues and distance themselves from vices. This poetic structure, along with its spiritual teachings, becomes a tool for transmitting universal moral values. In contrast, the Masnavi by Rumi, using poetic language, metaphors, and allegories, expresses similar ethical principles. Like Buddha, Rumi emphasizes moral virtues such as honesty, self-awareness, self-purification, and liberation from worldly attachments. This work, with its poetic structure, is essentially a "Persian Quran" that not only deals with spiritual purification but also serves as a guide to reaching truth and divine love. This study argues that the poetic language in both works, the Dammapada and the Masnavi, is not merely a tool for transmitting ethical and spiritual teachings but is regarded as an active force in the spiritual and ethical transformation of individuals. In a world where humans face various ethical challenges, these two works establish a profound and universal connection between cultures and religions. They remind modern humanity that fundamental ethical principles remain universal and transcend religious and cultural boundaries. In particular, the poetic language in these works, as an effective and powerful tool for stimulating the human mind and heart to return to moral virtues and spirituality, can play a crucial role in achieving a global ethical transformation.

Keywords

Ethical teachings, Islam, Buddhism, Dammapada, Masnavi, Comparative analysis.

The moral position of Khalid ibn al-Walid in the history of early Islam

*Kamaloddin Tabatabaie
Soheila Payan*

Abstract

One of the famous commanders in the history of early Islamic is Khlid ibn walid. Brfore accepting Islam, he actively participated in the wars of the polytheists of Mecca against the prophet of Islam(PBUH). His presence in the battles of Uhud and Mu'tah was very influential. Khlid is remembered as the most prominent general of the Islamic conquests period, due to his suppression of opponents of Abu Bakr's rule and his defeat of the Sasanian and Roman armies. Khalid's actions were supproved by Abu Bakr. During this period, he committed immoral acts that contradicted the principles of Islam. He attempted to assassinate Imam Ali(a.s.) and killed a number of innocent Muslims and prisoners. Khalid waz remomved from the command of the caliphate's armies during the caliphate of Umar ibn al-Khattab. The issue addressed in this research is the investigation of Khalid ibn walid's anti-Islamic actions during his political-military life. This article is descriptive and uses a library method.

Keywords

Battle of Uhud, Abu Bakr, wars of Riddah, Umar ibn Khattab.

A dramatic reading of Ascension of the Prophet (PBUH) in Elahi Nameh of Attar Nishaburi

*Habib Aghaei
Kamran Pashae Fakhri
Parvaneh Adelzadeh*

Abstract

Attar's ElahiNameh is a poem in the form of Masnavi. On this poem, Attar recounts the goals of Sufi humans via parables and attempts to make people remember that the fact of each preference lies inside oneself and that the look for it additionally comes from inside human being. In reviewing the dramatic elements of ElahiNameh, similarly to understanding the mind and language of the Attar, one ought to be acquainted with the factors of the dramatic components, consisting of the introduction of the topics of the play, the advent of the themes of the theatre, genre and the fashion of the play. The description of the ascension of the Prophet (pbuh) has potential dramatic talents that may be actualized by way of searching for dramatic factors in the tale and reading distinctive approaches of using them inside the play. The query that arises is what are the dramatic factors of this story and by way of reading those aspects, how can dramatic readings be created? The approach used on this examine is analytical-descriptive and studies and statistics series have been performed through library research method. What emerges from this research partially demonstrates the exemplary value of ElahiNameh stories and affords a platform for changing different examples into plays.

Keywords

The Elahi Nameh of Attar Neyshaburi, Inner Travel, Dramatic Aspects, drama, Ascension of the Prophet.

Dr. Mossadegh's approach of non-alignment with foreign countries and support for domestic production

*Abbas Ali Amini Rauf
Manijeh Sadri
Rahim ShohratiFar
Monireh Kazemi Rashed*

Abstract

The aim of this research is the approach of Mossadegh's policy of non-alignment and neutrality during the nationalization of the oil industry and its consequences. The research method in this research is descriptive-analytical and based on library studies. Mossadegh caused serious damage to the interests of the British, and they sought to eliminate him. He strongly opposed the colonial powers and tried to cut off any kind of foreign influence, and emphasized comprehensive cooperation with the colonized nations of the Middle East, North Africa and South Asia, especially with Muslims, and as long as the Anglo-Iranian Oil Company and the undisputed power of England are active in Iran, we cannot talk about independence. Mossadegh's government strives for the freedom and independence of the country, and if it feels that it cannot achieve this goal, it must step down. If Mossadegh had compromised with the British government after years of fighting over the country's most important political and economic issue, there would have been no need for a national movement. The findings of this research show that the policy of non-alignment was an attempt to take advantage of the competition of the great powers in order to secure maximum Iranian interests. After he succeeded in dispossessing the colonial power of England in the phase of accompaniment to cohesion, he took steps to create a balance between the two emerging superpowers, the United States of America and the Soviet Union. In Mossadegh's view, in order to achieve balance, the first thing to do was to prevent the open competition of powers in Iran and, if necessary, to secure Iran's interests by pitting the two against each other without Iran uniting with any of them.

Keywords

Nationalization of the oil industry, policy of non-alignment, Mohammad Mossadegh.

Ethical Research

The Quarterly Journal

Vol. 16, No. 2, Winter 2026/ No: 62/ ISSN: 2383-3279

Proprietor: *Iranian Association for Islamic Thought. (ISSN: 2383-3279)*

Chief Director: *Reza Haji Ebrahim Ph. D*

Chief Editor: *Mahmoud ghayyomzade Ph. D*

Board of Writers

Hojatoleslam Alireza Amini; Mohsen Javadi, Ph. D; Ahmad Deilami, Ph. D; Amir Divani, Ph. D; Jafar Shahnazari, Ph. D; Jafar Sadri, Ph. D; Amir Abbas Alizamani, Ph. D; Mahmoud ghayyomzade, Ph. D; Abdollah Nasri, Ph. D.

Internal director and Editorial- board director: *Alireza Moazami*

Translator: *Mohammad Ehsani*

Page Design: *Hamidreza Alizadeh*

Editor: *Ehsan Computer*

Note

The Journal Ethical Research accepts papers on the Ethics ‘Islamic Ethics ‘applied ethics ‘comparative ethics ‘and ethical challenges of Modernism and moral training. The papers received will be published provided that they are written according to the house style of the journal. The authors will bear responsibilities for their own papers.

Address: *Bolward Al-Ghadir ‘University of Qom ‘Central Library ‘office of the journal.*

Tel: *0098-25-32103360*

Fax: *0098-25-32103360*

Email: *Akhlagh_1393@yahoo. com*

This journal is cooperatively being published by Iranian Association for Islamic Thought.

فرم اشتراک مجله علمی "پژوهش‌های اخلاقی" انجمن معارف اسلامی

لطفا در این قسمت چیزی ننویسید کد اشتراک:			
نام و نام خانوادگی			
نام سازمان (مخصوص سازمان‌ها)			
شغل، محل کار، سمت			
میزان تحصیلات و رشته تحصیلی			
آدرس پستی			
پست الکترونیک			
شماره فیش بانکی	تاریخ فیش بانکی	تعداد نسخه دریافتی	شروع اشتراک از شماره
امضای متقاضی		تاریخ	

هزینه اشتراک (با احتساب هزینه پست)

- اشتراک یک ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۵/۵۰۰/۰۰۰ ریال
- اشتراک دو ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۵/۵۰۰/۰۰۰ ریال
- اشتراک یک ساله برای دانشجویان با ارائه کپی کارت دانشجویی: ۴/۵۰۰/۰۰۰ ریال
- اشتراک یک ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۵/۵۰۰/۰۰۰ ریال
- اشتراک دو ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۵/۵۰۰/۰۰۰ ریال

خواهشمند است مبلغ اشتراک یا خرید شماره‌های قبلی را به حساب ۱۵۳۱۰۷۱ بانک تجارت

شعبه صفائیه قم واریز و اصل فیش را به همراه فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، کتابخانه مرکزی،

دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

ارسال فرمایید:

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۳۲۱۰۳۳۶۰ - ۰۲۵ تماس حاصل فرمایید.